منقول من کتاب روضات الجنات
في شرح احوال علي بن الحسن الزواري مترجم هذا الکتاب

مولانا علی بن الحسن الزواری بفضل علم تفسیر موصوف و بزهد و ورع معروف
و از اکابر شاگردان سید غیاث الدین جمشید مفسر زواره‌ای و شیخ علی بن عبد العالی
رحمهما الله بوده و مولانا فتح الله الکاشانی صاحب تفسیر منهج الصادقین
و غیر ایشان از تلامذهٔ آن بزرگوار بوده‌اند و مؤلفات جیده از قلم مبارک ایشان
بیادگار مانده که غالب آنها بلسان فارسی تألیف و ترجمه کرده‌اند که من جمله تفسیر
معروف به تفسیر الزواری و مسمی بترجمة الخواص که او را بعد از جواهر التفسیر مولانا حسین
کاشفی که از اجلهٔ علمای عصر ایشان بوده تألیف نموده و دیگر از مؤلفات ایشان شرح
فارسی بر نهج البلاغه و دیگر ترجمهٔ کشف الغمه که موسوم است بترجمة المناقب
که در سنه ۹۳۸ برای امیر قوام الدین محمد نگاشته‌اند و دیگر ترجمهٔ عدة
الداعی ابن فهد ره مسمی بمفتاح النجاة و دیگر ترجمهٔ احتجاج شیخ طبرسی ره
و دیگر کتاب وسیلة النجاة در ترجمهٔ اعتقادات صدوق ره و دیگر کتاب مجمع
الهدی بلسان فارسی که مشتمل بر چهل باب است در قصص انبیاء و دیگر کتاب لوامع الانوار
الی معرفة ائمة الاطهار که بامر شاه طهماسب صفوی مشهور تألیف نموده و بعضی از مطالب و فوائد
بیان فرموده‌اند و او امر ترتیب داشته‌اند بر ... در اصول دین ... و دیگر کتاب تاریخ احوال ...
و دیگر کتاب تحفة الدعوات ... و دیگر ترجمهٔ تفسیر امام حسن عسکری که از آن ...
مذکور نموده‌اند و دیگر ترجمهٔ ... الصفا که صاحب ریاض ... نماید که ... کتاب ...
... که مشتمل بر خاتمه طویل الذیل بود در زیارات اهل البیت علیهم السلام و دیگر ترجمهٔ
مکارم الاخلاق مسمی به مکارم الکرام که ابن عبد ...
... تصحیح ما نسخه ... که از الطبع ...
حواشی آن کتاب مقامات العلیة که ... صحیح ...
که فائده از تمام و نفع از عام در آخر ...
مفید بوده باشد

الحمد ... الراجی ... بن محمد ...

فهرست ترجمه کتاب مکارم الاخلاق تألیف [illegible] نوشته شده

خداوند [illegible]

فهرست [illegible] العلیة [illegible]

تذکره

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لا اله الا [illegible] الملک الحق المبین [illegible] الراجی الی عفو ربه [illegible] سعید الطباطبائی النائینی

بان الله تعالی خلق [illegible] فاشهد بانه لا اله الا هو [illegible] العلم من عباده واشهد بان محمدا صلی الله علیه وآله الرسول وخاتم النبیین فضله علی جمیع الانبیاء والمرسلین [illegible] القرآن کتابه واشهد ان الائمة الاطهار والخلفاء الاخیار بعد الرسول المختار علی بن ابی طالب وبعده الحسن بن علی والحسین بن علی وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی واخرهم الحجة بن الحسن علیهم السلام وهو حی غائب یظهر ویملأ الارض قسطا وعدلا بعدما ملئت ظلما وجورا واشهد بان قولهم حجة وطاعتهم فریضة [illegible] ومعرفتهم [illegible] هم شفعاء یوم الدین [illegible] الارض [illegible] واشهد ان الموت حق وسؤال القبر والبعث والنشور والصراط والمیزان والحساب والجنة والنار حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور وبعد قال الله تبارک وتعالی المال والبنون زینة الحیوة الدنیا والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر املا — لذا این بنده ضعیف [illegible] وقف نمودم که [illegible] بمصارف [illegible] ذیل برسانند

چهار دانگ [illegible] حدیث الاخلاق سعید [illegible] فاتحه [illegible] از حیات [illegible] خانه [illegible] [illegible] خانه حاجی میرزا [illegible] [illegible] خانه [illegible] [illegible] اصفهان [illegible] مشهد مقدس [illegible] یک دانگ از [illegible] [illegible] مشهد مقدس [illegible] [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی حد و شکر بی عد حضرت احدی را سزد که سید بشر و ائمه اثنی عشر را برگزید بمکارم اخلاق و محاسن اشفاق برای نجات عالمیان و هدایت آدمیان و درود نامعدود بر حبیب حضرت ودود و صدرنشین مقام محمود و شفیع روز موعود مشرف بتشریف لولاک و مزین بتزیین انک لعلی خلق عظیم

نظم
ای جز باحترام خدایت نبرده نام
خاتم انبیا و سید الانام

و بر آل عظام و عترت کرام علی الخصوص بر آن نفس نفیس نبوی و زوج بتول مخلوق باخلاق النبی متصف باوصاف نامتناهی ابی الائمة الهدی امیر المؤمنین و امام المتقین علی المرتضی صلوة باقیة الی یوم الحشر و الجزاء

اما بعد

بر رای ارباب اولو الالباب مخفی نیست که غرض اصلی از خلق جن و انس بعد از معرفت خالق معبود تهذیب اخلاق است که در ضمن عبادات شرع اقدس حاصل است و اکثر از علماء علیه الشیخ العالم الفاضل الحبر التقی الکامل فخر الحاج و الحرمین ابو نصر الحسن بن الشیخ ابی علی الفضل الطبرسی نور الله تعالی مرقده کتابی تألیف فرموده در اخلاق که اشتمال تمام دارد بر اقوال و نقول صحیحه سید انام و ائمه کرام علیهم الصلوة و السلام و مرغب و مرهب است و احوال کلیه دنیویه و اخرویه را و مندمجست در آن دلایل کامل از دنیا خیر و آخرت سعید و بحسب عموم فایده العبد الفقیر الی الله الباری علی بن الحسن الزواری عفی عنهما با وجود کثرت غموم منصب که ترجمه آن شده که تمام یافته بمکارم اخلاق انام یابد فایده گیرند از آن تا زمان حضرت قائم علیه صلوات الله الملک العلام اکنون شروع مینماید در مقصود بعون الملک المعبود ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده و درود دوزی رساننده بجمیع

جود دامن در گاه بندگان و در روز پیشت جاودان و سپاس و ستایش مر معبودی را که یکتاست در ذات و بیهمتاست در صفات آن بینیازی که از دو عالم است و بیست او را مانندی و نه زن و نه فرزند و لایق صلوة و سلام بر محمد که بنده برگزیده و رسول پسندیده حضرت حق است که فرستاد او را به همه خلایق در حالتی که بشارت دهنده است به بهشت عنبر سرشت و ترساننده از دوزخ پر وحشت زشت و خواننده است بسوی معبود بحق و خداوند مطلق و چراغ نور دهنده و روشن نماینده اهل بیت او که پیشوایان هدایت اند و نور دهنده ظلمت گمراهان و راه مطلوب بسوی اهل دین اند که حضرت اله برده از ایشان نجس و گناه و پاک گردانیده از هر تباه و ساخته ایشان را از مقربان درگاه و سلام بر کسی که پیروی کند ایشان را در این راه و بعد از حمد الهی و صلوة بر حضرت رسالت پناهی و آل هدایت انتباهی پس بدرستیکه حضرت حق جل و علا اقتدا بسید انبیا را کلید رضای خود ساخته و راهی بوصول جنان خود بندگان را ساخته بموجب لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله و متابعت آن حضرت را سبب محبت و وسیله رحمت خود گردانیده بفحوای قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله باعث شد مر این کلام میمنت انجام که جمع سازم کتابی که مشتمل باشد بر محاسن آداب و اخلاق و سیرت آن حضرت و جمع که فرموده است که من مبعوث گشتم تا اخلاق حسنه را با تمام رسانم که علم بر هر چیز مقدم است بر عمل کردن بآن چنانچه فرموده کلام امیر المؤمنین صلوات الله علیه که در کتاب نهج البلاغه مسطور است که آن مشتمل و محتوی است بر حقیقت نوش انبیای کرام علیه الصلوة و السلام و بر بعضی مردمان بکلی پوشیدن بحضرت حق در حالت خوف و رجاء بجهلگی و انقطاع از دنیا و میل بجانب عقبی و از جمله انبیای عظام مخصوص گردانیده سید انام را علیه الصلوة و السلام بکمال این سیرت و ما را از غیبت و تحریص فرموده با قتدا و متابعت آن حضرت بنابر این حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده در خطبه طویلی بعضی از حالات و کیفیات انبیا را تا بیان نموده و از جمله مضمون این کلمات با برکات است که بعضی مردمان دعوی میکنند بزعم خود مثل معنویه یعنی که امیدوار است شناخته شد امید آن او در عملش و هر امیدی که بادی غالب اخالص است و تحقق مگر امید بحضرت حق که آن معیوب است و مدخول و هر ترسی محقق است و معلول مگر ترس از حق که آن غیر خالص است و معلول امیدوار بخدای قدیر در ثواب دایم و عطای کریم و امیدوار است به بندگان در امر صغیر و دنیای حقیر میدهد بسبب آنچه نمیدهد

بالمقامات العلیة في موجبات السعادة الابدیة

پروردگار نیز چیست تا وجود بندگی و ثنا و عظمت او که تقصیر کرده هیچ شود بکار او
و آنچه میکند بیند که از بهمه دارد و فا یا میر نیست کسانیست که تا بیند که نیز تو یاد کان نبایابی که
بنی مرا امید تا موضع نیز بگردی دنیا تا که دو دخاست بیچا نا نا انسان اگر او بسر نهند
از بندگان میبعد بار از نیز خواجه غمیه عیب عقد که رضا لیان یعنی بر سر انسد داد
و از خدا و بند بکیر که بیند خون خود را از بندگان نقد وقت اجل و نیز تو ایرا فرت بکار خود
و عه غیر امیلا از اجل بیخبر از کسی که برون باشد دنیا در چشم کوثر بین او و بزرگ باشد
موقع دنیا نه در دل غفلت بیزار و برگزیند دنیا از خدا تعالی چون منقطع شود بسوی صانع نیا
بگردد بنده مر این نیز را او تحصیل کند دنیا به رسول خدا صم آنچه کار غاست ترا داده اند
تدلیل است برای مذمت دنیا و عیب او و دنیای مواضع قهر و خواری و بندیهای این مرد که
فانی ذیرا که قبض کرده شد از انحضرت اطراف دنیا و بسط کرده شد از برای غیر او کافرا
سرا باد که فرمند شد طفل بدین سارانا او شیرا در دنیای فی وقد کرده شد از زمینها
دوسری و اگر خواهی دوم تکلی افتدا بموسی کلیم الله علیه صلوات الله وقتیکه میگفت ای
پروردگار من بدرستیکه من بسوی آنچه فرود فرستی بسوی من از طعام محتاجم سوگند بخدا
که سوال نکرده او مگر نانی که بخورد آن را زیرا که بود که میخورد سبزه زمین تا و سبزی
میشد از تنگی پوست شکم او بجهت لاغری در کمی گوشت او و بدنیا حسنت عبادت باری و اگر
خواهی سوم تاکید بر بیچک بنا و داود پیغمبر علیه السلام خدا و سفرا امیر که سر بود است فصلی
کند از او موسوم است بمر بعید دو اصل بمعنی سر و است و فارسی اهل بهشت بتو جمعیکار
مجید منقولست کند دعوت تمام حضرت عزت فرماید که ای داود مرا بزرگی یاد کن تا
پاکیزه خود آنگاه او بقرائت خواندن زبور مشغول شود و هر که او را او بشنود از اهل
از خوشی بخند او بود که عمل میکرد بدنیل نا فی بیر ایر در حضیر خما بدست خود و میگفت
همنشینان خود که کدام یک از شما کفایت میکند مرا خشت این را و میخورد قرص جوی که
انبهای از مجرم بیند و اگر خواهی که بگویی سخن بتابانه بیاضی عیسی پسر مریم پس مرا اینه
بود که بالش میساخت سنگ را و میپوشید جامه درشت کوتاه و میبود نان خورش او گرسنگی
و چراغ او در شب که شما فی ماه و سایبان او نهای لعد فصل ما خسان مشارق زمین و مغارب
آن و میوه و ریحان او آنچه میرویانید زمین او را از بهر چهارپایان و نبود او را زن

مقدمه

بدانکه آدمی مرکب است از دو جوهر
یکی از بدن ظاهر که آن را
گویند دیگر که از عناصر اربع
از خلق این عالم است و دیگر جوهر
که آن را روح و جان و عقل و دل
میگویند و آن جوهر مجرد است
از عالم ملکوت و نسبت بدل
است که آن بدن از جوهر
باید و دیگر اشیا ...
و لطف و عجیب ...
الام ... است از ...
دیبا ... علم ... موضوع
... از اعراض ...
انها ... صفات
است از اخلاق ... مرحب
ملاک ... و عجت
ودیح انتفا ... با وصاف
... نکاد ...
... محتاج ... طبیب ...
... برای صحت ...
... جاح و عقل
... انها ...
... اخلاق ...
... ملکی ...
... احسن ...
... علم الاخلاق ...
... احلاق ...
... ملکان و ...
... احسن ...
... سعادت ...

کریم مثنا فکند ... عکس کند ... در دنیا ...
و نه طمع که او را خواند داد و مرکب و بها ... بود که پیاده ... منیمو ... کارا او ...
او بود و اگر خواهی از همه اینها بهتر چنین کند که پیغمبر خود را که از همه خوشتر است ... پاکیزه
بد ... که مر ... اقتدا ... باقتدای او ... است ... که ...
تمامی چه اقتدا ... و اقتدا بهمه پیغمبر ... اکنون جمیع ... ایشان ... دو ...
بندگان ... خدای تعالی اقتدا ... پیغمبر ... کند ... را ... تنگی ...
تنگی ... دنیا ... چشمی ... التفات نکرد ... اقطعا الاعز ...
اهل دنیا بود ... که ... خورد ... دیگر ... ایشان ... اندوهی ... کم بود
تهی نگاه داشتن عرض کرده شد ... دنیا ... باز ... قبول نکرد ...
دانست که خدا ... دشمن داشت ... خود ... بعد ... تعالی ...
انحضرت هم چنین ... که حقیر داشت خدای تعالی چیزی را پس انحضرت هم کوچک داشت
داگر ... تعالی ... کردند ... صغیر کرد آن را ... جل و علا ... کافی است
... خلاف ... مخالفت ... امر ... بود که
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم طعام خود را بر زمین ... مانند ... بندگی
دو ... چون ... خانه ... شب ... خود ... خود را ...
و ... با شکا ... خانه ... تنگی ... بعضی
بیش ... دیگری ... خود ... میکرد ... بر خانه ... انحضرت ... بود ...
صورتها چون نظر ... ان ... خود ... خود که ...
نظر ... که من چون ... میکرم یاد ... دنیا ... از نفس خود ... داشت که ...
... از چشم انحضرت ... دنیا ... اعتقاد نکند دنیا را جای قرار
و امید ... و ... مقام ... دنیا ... از نفس ...
خود ... دل ... خود ... دنیا ... خود ...
... نظر ... دنیا ... بود ...
... و رسول صلی الله علیه و آله و سلم ... دلالت میکند ... دنیا و عیبها
از ... خود ... شده ... دنیا ...

بکی با ... رجوع فرما
از ... اخلاق ذمیمه ... و تحصیل
حسنه عمل باشد تا اصلاح ...
باید ... اگرچه ...
... موجب سعادت ...
نمیشود **باب اول** در بیان
اغراض ... نفس ...
اخلاق ذمیمه و بیان قوای نفس
انسانی ... چند فصل است
فصل ... که روح ... مملکت
... سلطان است و ...
او از اعضا و جوارح لشکر
دنیا است که ...
... معین است ...
... چهار قوه است که
حکمران مملکت ...
... در ...
... چهار قوه ...
عقل است که ...
... عقل ...
است که ...
...
عاقله ... سیم
غضب است که ...
...
... پادشاه ...
...
... اطاعت ...
چهارم وهم است که
...
...
سلطان مملکت ...
...

و منزلت دوزخ حضرت عزت پس باید که نظر کند بعقل خود که آیا گرامی داشت حضرت حق
تعالی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بسبب ترک دنیا یا خوار کرد او را پس اگر گوید که خوار
کرد او را دروغ گفته باشد بحق خداوند بزرگ و اگر گوید گرامی داشت او را پس باید که بداند
بدرستیکه خدای تعالی خوار کرد غیر او را جائیکه گسترانید دنیا را از برای او غیر جانب کر
گسترانید دنیا را از برای او غیر جانب دفع کرد دنیا را از نزدیکترین مردمان بجهت او داده
خزینها باید که اقتدا نماید باقتدا کند به پیغمبر خود و پیروی او کند و عدد را بیجای داخل
او و اگر نمیشود از هلاک پس بدرستیکه خدای تعالی گردانید محمد را صلی الله علیه و آله نشانه
قیامت و برای که پیغمبر اجر الرحمان است و بشارت دهنده اهل طاعت بجنت و بیم کننده اهل
معصیت بعقوبت بیرون رفت از دنیا گرسنه و نجات یافت از دنیا کل و دونه داد و وارد شد باخرت
سالم از معایب نفسانی نهاد سنگی را بر سنگی تا آنکه گذشت براه خود یعنی تا رفت بدار البقا
و اجابت کرد خواننده بدرگاه پروردگار پس چه بزرگ است منت و نعمت پروردگار ما که
دقیق کرد انعام کرد بر ما بانحضرت پیش آمده که پیروی کنیم او را در طریق دین و کشنده کرده
راه در عقب و تا برسیم بمقصد سوگند بخدای تعالی که هر آینه پیوند زدم در لباس خود را کرا
چندانکه شرم داشتم از پیوند کنند او و هر آینه گفت مرا گوینده که آیا نمی اندازی این گلیم را دور
از من که نزد صباح ستایش میکنند گروه شب رونده عاقبت این شب گیر را یعنی صابر چون تعب
شب گیر بخود نهد و پا بی ایستی بیند داشته راه بر بند صباح بمنزل رسیده ستایش میکند
شب برید را میجا انتقال عوض ... نعمت نعلش چو زد بخصلت را از عقوبت ستایش
میکند تعب بیابان میشنوی طرز مثل است که مرد میتواند برای تحمل مشقت با امید راحت
این خطبه بلیغه کافی است در او مقصود ما بر طریق اجمال و ما ذکر میکنیم بتفصیل مکارم اخلاق
آنحضرت را در جمیع احوال ... بر تحاسین و مسواک کردن و در حضر بودن و
در خوردن و آشامیدن بخصوص انحضرت و جمیع آنچه مروی است از آنحضرت و ائمه معصومین ع
نسبت بعموم احوال در هر ... باب و از حضرت حق جل و علا توفیق میخواهم در اتمام این
کتاب چه حق جل ذکره بر هر چه بخواهد توانا است و دشوار بر هر کاری که او را دانا است و بهمه بینا
و دانا است و این کتاب را ترتیب داده ام بر ده باب باب اول در خلق حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله و در خلق او و سایر احوالش مشتمل بر پنج فصل فصل اول در خلقت

مملکت بدن میدان محاربه
ایشان است تا آنکه غلبه کلیه
از برای یکی از این قوی حاصل
شود و دیگران مقهور حکم او گردند
و مملکت از نزاع قوه فارغ است که
نزاع سایر قوی نشود از آنکه
آثار خود را ظاهر سازند اما
این سه قوه دیگر دائم در نزاع
ایشان آن جهت که هیچ یک خود
خود سالک شکر عقل بکری ...
گری باشاره عقل فصل
بدانکه از برای هر یک از این چهار
قوه معتدله لذت عقلی است
لذت عقل در علم و معرفت و المش
در جهل و حیرت است و لذت غضب
در غلبه و تسلط و المش در ذلت
است و لذت شهوت و شهویه
لذت هر یک از تجربه که مقتضای
طبیعت حیوانیت است و المش
خلاف آنست و الا از بین لذتها
لذت عقلیه است و باقی لذات
که انسانها با اگرچه قوی
جوارح بنیان است ...
مطیع ...
قوه ... و آنچه باعث ...
خیر و شر است ... چهار است
... فضائل ...
چهار قوه ...
... قوه عاقله
... و بنیاد
...
... دیگر حکمت است

وصوت و سیرت آنحضرت و همنشینی با مردمان و کیفیت آن فصل دوم
در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت از کتاب شرف النبی و غیر آن از کتب که در تواضع
و حیای آنحضرت وارد شده فصل سیم در اخلاق آنحضرت در خوردن فصل
چهارم در صفت آنحضرت را اشامیدن فصل پنجم در ذکر مجملی از سایر احوال
آنحضرت باب دوم در آداب پاکی و خوش بوئی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن
و مسواک کردن مشتمل بر پنج فصل فصل اول در پاکی و خوش بوئی و آنچه در حکم
آنست فصل دوم در سرمه کشیدن بچشم و روغن مالیدن بدن فصل سیم
در مسواک کردن بدهن باب سیم در آداب حمام رفتن آنحضرت و آنچه بدان متعلق
است مشتمل بر شش فصل فصل اول در کیفیت حمام رفتن فصل دوم در پوشیدن
عورت فصل سیم در مالیدن بدن و روغن نوره و سبوس و غیر آن فصل
چهارم در تراشیدن موی سر و ازاله کردن موی از باقی اعضا از عانه و بغل فصل
پنجم در شستن سر بخطمی و برگ کنار فصل ششم در نوره نهادن باب
چهارم در آداب ناخن گرفتن و بروت چیدن و سر تراشیدن و شانه کردن و اصلاح
محاسن کردن و در آینه نگریستن و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل فصل
اول در ناخن چیدن فصل دوم در بروت گرفتن و اصلاح محاسن کردن و در
آینه نگریستن و آنچه بدان متعلق است فصل سیم در شانه کردن موی سر و در
متعلق است بدان فصل چهارم در حجامت کردن باب پنجم در آداب رنگ کردن
موی و زینت و انگشتری و آنچه متعلق است بدان مشتمل بر شش فصل فصل اول
در فضل رنگ کردن موی و در توصیف و زمان و در ذکر مسائل آن فصل دوم در رنگ
کردن محاسن و سیاهی آن فصل سیم در رنگ کردن بحنا و غیر آن و حنا نهادن
دست برای زنان فصل چهارم در کراهت حنا نهادن جنب و حائض و پیوند کردن
موی فصل پنجم در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بدان و غیر آن فصل
ششم در آرایش و زیور زنان با انگشتری و دست بحنی و غیر آن باب ششم
در آداب لباس پوشیدن و ترتیب عمامه و مسکن دادن و آنچه بدان متعلق است مشتمل
بر ده فصل فصل اول در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن فصل

فصل بدانکه شأن قوه عقلیه
دو قسم است ادراک امور است کلی و
ادراک کلیات کند و شأن ادراک
جزئیات و چون هر فعلی که از نفس
صادر میشود افعال جزئیات
پس باید که تحریک عمل ... جزئیات
افعال یعنی ... تدبیر قوه و تحصیل
و از این جهت او را عقل عملی و قوه
عامله میگویند چنانچه قوه عاقله
عقل نظری میگویند و شأن قوه
غضبیه تحریک بدن است بجهت
دفع امور غیر ملایمه از بدن و شهوی
تحریک است بجهت تحصیل
ملایمه پس اگر قوه عاقله بر سایر
قوی غالب شد همه را مطیع خود
گردانید انتظام افعال جمیع قوی و
بجهت صلاح و صواب خواهد بود
و نتیجه آن فضایل حاصل خواهد
گردید و از برای هر یک از قوی
تهذیب با کرد ... بهم خواهد رسید
و هر یک را فضیلتی که مخصوص باو
حاصل خواهد شد پس از تهذیب
قوه عاقله صفت حکمت و از قوه
عامله ملکه عدالت و از غضبیه
شجاعت و از شهویه عفت حاصل
میشود و این چهار صفت اصول
اخلاق فاضله اند و سایر اوصاف
حسنه شعب در تحت این چهار
و بسیاری از علمای اخلاق در باب
هر یک از این چهار فضیلت انواعی
ذکر کرده اند که شرح آنها موجب
انها و لکن این خلاف مقتضای
نظر است چنانچه بعضی از محققین

دویم در تر کردن جامه و غیران و پاک داشتن آن فصل سیم در پوشیدن انواع لباسها و اختلاف رنگها فصل چهارم در پوشیدن جامه خز و [illegible] و غیران فصل پنجم در پوشیدن جامه تواضع و افتادگی در آن فصل ششم در کراهت لباس شهرت و نکته چند در آن فصل هفتم در بیان دستار و طیلسان فصل هشتم در پوشیدن کفش و موزه فصل نهم در بیان مسکن و متاع و آنچه جایز است از آن و متعلق بآن است فصل دهم در جامه خواب و فراش و متاع خانه و تواضع در آن باب هفتم در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بآن و مشتمل بر سیزده فصل فصل اول در فضیلت طعام دادن و نیکویی کردن و دوست داشتن فصل دویم در آداب دست شستن فصل سیم در آداب خوردن و آنچه متعلق است بآن فصل چهارم در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است بدان فصل پنجم در آداب خلال کردن دندان فصل ششم در فضیلت نان و بعضی از ماکولات فصل هفتم در منافع آبها فصل هشتم در منافع گوشتها و متعلقات آن فصل نهم در ذکر شیرینیها فصل دهم در ذکر میوهها فصل یازدهم در ذکر سبزیها فصل دوازدهم در ذکر حبوبات فصل سیزدهم در ذکر خوردنیهای غیر مکرر باب هشتم در آداب نکاح و متعلقات آن مشتمل بر ده فصل فصل اول در رغبت در تزویج و مبارک بودن بعضی از زنان و شوم بودن بعضی از ایشان فصل دویم در صفات زنان و اخلاق ایشان فصل سیم در نکاح همسران و مناسبت [illegible] ایشان فصل چهارم در آداب عروسی و مباشرت و غیران و معاشرت فصل پنجم در حق زوج بر زوجه و حق زن بر شوهر فصل ششم در حق اولاد و آنچه متعلق است بدان فصل هفتم در ذکر عقیقه کردن جهت مولود و طعام دادن فصل هشتم در ختنه کردن و سوراخ کردن گوش و آنچه متعلق است بآن فصل نهم در آنچه متعلق است بزنان و مایحتاج ایشان فصل دهم در موانع نکاح باب نهم در آداب سفر و آنچه متعلق است بآن مشتمل بر هشت فصل فصل اول در سفر کردن و [illegible] دانستن فصل دویم در ابتدا کردن سفر بصدقه دادن و حرز کردن و غیران فصل سیم در بیرون آمدن از خانه و عمل کردن بچیزی چند که مستحب است در آن

اسیر فصل چهارم در مکارم اخلاق در سفر فصل پنجم در نگاهداشتن متاع و اموال و استخاره کردن و طلب کردن حاجت از ذو الجلال و الاکرام فصل ششم در آداب رفتن و کراهت تنها بودن در سفر و دعا خواندن برای دفع هر فصل هفتم در محافظت و خدمت چهارپایان و حقوق آنها بر صاحب ایشان فصل هشتم در نکتهای نوادر که واقع است در سفر باب دهم در آداب ادعیه و آنچه بآن متعلق است مشتمل است بر پنج فصل فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت آن فصل دویم در دعاهای شبانه روزی از ادعیه [illegible] فصل سیم در ذکر درود بر پیغمبر و استغفار و گریه و زاری بدرگاه آفریدگار فصل چهارم در نمازها که جهت حصول مهمات گذارند فصل پنجم در دعاها که برای حاجات بجای آورند باب یازدهم در آداب بیماران و علاج کردن ایشان و آنچه متعلق است بآن مشتمل بر پنج فصل فصل اول در آداب بیمار و پرسش کردن او و علاجش فصل دویم در آداب شفا طلب کردن از قرآن مجید در جمیع امراض فصل سیم در افسون کردن بدعوات و اسماء الله تعالی و غیر آن بخواندن و دمیدن و نوشتن و نگاه داشتن آن برای سایر بیماران فصل پنجم در حرزها و دعاها از هر باب لایق باین کتاب باب دوازدهم در نکتهای نوادر باین کتاب که واقع است در هر باب مشتمل است بر هفت فصل فصل اول در ذکر حقوقی که بر آدمی لازم است منقول از کلام امام زین العابدین علیه السلم فصل دویم در ذکر بعضی از کلام حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله در یاد کردن مناهی فصل سیم در وصیت کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فصل چهارم در موعظه حضرت رسول صلی الله علیه و آله مر ابن مسعود را فصل پنجم در وصیت و موعظه رسول صلی الله علیه و آله مر ابی ذر غفاری را فصل ششم در اختیارات و دعاهای مرویه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فصل هفتم در ختم این کتاب بخطبه امیر المؤمنین علیه السلم که فرموده بود در جواب همام باب اول در خلق حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سایر احوالش مشتمل بر پنج فصل فصل اول در خلقت و صورت و هیئت آنحضرت و [illegible]

بامردمان وکیفیت آن بروایت صحیحه از امام حسن و امام حسین علیهما السلم آنکه
محمد بن ابراهیم بن اسحق الطالقانی که او روایت کرد از ثقات و ایشان از حسن بن
امیرالمؤمنین علی علیهما السلم که آنحضرت فرمود که من پرسیدم از خال خود هند
بن ابی هاله تمیمی از حلیه و شمایل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و او وصف نمود و
حال آنکه من آرزومند بودم که او وصف نماید مرا از حلیه آنحضرت باندکی که خاطرم
بان بسی متعلق بود او گفت که رسول صلی الله علیه و آله شان او عظیم بود و قدر او
جسیم روی مبارک وی میدرخشید مانند درخشیدن قمر در شب بدر و قد مبارکش
نه دراز بود و نه کوتاه و سر مبارکش مناسب اندامش بود و موی مجعدش کشیده بود
تا بنا گوش و فرق موی مبارکش بر سر در حالی که انبوهی میکرد والا نرم رنگ مبارکش بود
نورانی و گشاده ابرو و پیشانی و رگی بود میان پیشانی مبارکش مشهور برگ هاشمی که
هرگاه که قهر فرمودی آن رگ ظاهر بودی بلند بینی بود و رخسار مبارکش لطیف و
هموار گشاده دندان معتدل دهان و گردن مبارکش چون گردن آهو در نیکویی و خوش
آیندگی چون نقره خام سفید و لطیف هموار و معتدل و متساوی الاجزاء و شکم مبارکش
تا سینه یکسان بود نه زیر و نه بالا و سینه مبارکش عریض بود و هر دو شانه اش از یکدیگر
دور بود و از چنبر گلوی مبارکش تا ناف خطی بود از موی باریک و هموار کشیده
و زیاده از آن بر ناف و پستان و شکمش و سینه موی نبود و بر ساعدش اندک مویی بود و
هر دو ساعدش دراز بودی و کف دستش گشاده و پشت پایش بلند و چون براه رفتی
باهستگی و نرمی بودی باوجود آنکه در غایت چستی بود و قدم کشیده رفتی و هرگاه که
روی باز پس کردی تمام بدن مبارکش باز گردیدی دایم چشم بر پیش داشتی و نظر مبارکش
بیشتر بر زمین بودی از نظر کردنش بسوی آسمان اغلب بگوشه چشم نگاه کردی و در حال
ملاقات مبادرت بسلام نمودی گفت گفتم مرا از وصف کیفیت تکلم و گفتگوی وی
گفت که آنحضرت دایما دل حزین و متفکر بودی و دایمش تحیتی (?) و راحت نداشتی اکثر
خاموش بودی و تا ضرورت نشدی سخنی نگفتی و چون تکلم فرمودی آنچه ما حصل سخن
بودی در عبارت فصیح اندک بیان نمودی که بمضمون فصل سخن شدی نه در دست کلام
بودی و نه در سخن و تعظیم نعمت الهی کردی اگرچه اندک بودی و هیچ نعمت را مذمت نفرمودی

از مبانی اخلاق و استغناءات
وان درغایت صعوبت است
فصل در نظام [illegible]
معلوم شد که در این مصحف
نیکی اخلاق و ذمایم غیر [illegible]
اشاره و دو طرف افراط و تفریط
و لکن هر یک از آنها نام معین
معلوم نیست بلکه بشمردن
جمیع ممکن نیست و تعداد جمیع
آنها شان علم اخلاق نیست
بلکه وظیفه آن بیان قاعده
کلیه ایست که جمیع رذایل
مندرج باشند و قاعده کلیه
همانست که دانستی که وسط
حکم وسط دارند و اطراف
از آنها یا طرف افراط یا تفریط
هر یک که باشد معلوم در کتب
اخلاق رذیلت است بر مقابل
هر یک از صفات فاضله
معین از اوصاف رذیله محقق
خواهد گشت چنانچه در مقابل
حکمت جربزه و بلاهت است
و در مقابل شجاعت جبن و تهور
و در مقابل عفت شره و خمود
و در مقابل عدالت ظلم و تمکین (?)
است بر خود در سبیل خواری
مذلت با وجود تعقب بر هم
آن دو انواع هر یک از رذایل
بر انواع بسیار است که
آنان و مندرج در آن نیز بحکم
متولد میشوند از جربزه مکر
و حیله و از بلاهت حمق و جهل
مرکب و از تهور تکبر و تند [illegible]

وهرچه از آن چشیدی نیک و بدش ظاهر نساختی و مدح و ذمش نگفتی و برای امور
دنیوی در قهر نشدی و اگر با حقی دیدی او غضب از تحمل نفرمودی تا انتقام او
نکشیدی و خاطر کسی را از غلط ملاحظه نکردی برای هوای نفس خود مدد از کسی نخواستی
برای آن امر و هرگاه اشاره فرمودی بدست برهنه دست اشارت کردی و چون تعجب
فرمودی دست مبارک گردانیدی و هرگاه که حدیث فرمودی بدست اشارت کردی و کف
دست راست بر انگشت دست چپ نهادی و چون خشم فرمودی روی مبارک بجانب دیگر کردی
و چون شاد شدی چشم مبارک بر انداختی معظم خنده اش تبسم بودی و دندانهای مبارکش
مانند مروارید ناسفته مینمود حضرت امام حسن فرمود که زمانی این اوصاف از امام حسین
علیه السلم پنهان داشتم بعد از آن حدیث کردم او را دریافتم که پیش از من او را این حدیث
از او پرسیده آنحضرت فرمود که من از پدر بزرگوار خود پرسیدم از مدخل و مخرج و شکل
آنحضرت هیچ چیز از آن فرو گذاشت نفرمود و امام حسین علیه السلم فرمود که من از پدر عالی
مقدار خود شنیدم که چون رسول بمنزل خود فرمودی اوقات خجسته ساعات خود را سه قسم
ساختی یک قسم صرف نمودی برای عبادت حق جل و علا و یکی دیگر را برای معاشرت
اهل خانه و یکی دیگر بجهت احوال خود و این قسم نیز که از برای آنحضرت بود قسمت فرمودی
بود میان خود و میان مسلمانی مردمان و فقیران و مساکین بر عامه و خاصه ایشان
دقیقه از آن فرو گذاشت نفرمودی و از سیرت آنحضرت بودی که هر کس را از امت بفضل و تقوی
او حرمت داشتی و مهمانی کردی بقدر حاجت او بعضی را از یک حاجت و بعضی را دو
حاجت و بعضی را حاجتهای بسیار و حاجات همه بر آوردی و بجد و سعی تمام ساختی و نصیحت
و موعظه فرمودی و احوال ایشان پرسیدی و مهمی باقی نمودی و امر فرمودی که هر که در مجلس
حاضر است آن را بغائبان مجلس رساند و فرمودی هر آنکه حاجت خود را نتواند عرض
نمود شما که حاضرید حاجت او را بمن رسانید و فرمودی هر کس حاجت کسی را بپادشاه
رساند که صاحب حاجت نتواند عرض حاجت خود نماید روز قیامت حق سبحانه و
تعالی پایهایش او را ثابت قدم دارد و هر که بخدمت آنحضرت نمی چون آمدی مقربی (?)
آمدی دانش و معرفتی وی را حاصل بودی ببرکت صحبت آنحضرت و از صحبتش ملال
کلال پیدا نکردی بلکه بذوق و خوشحال بیرون آمدی یاد فرمود که از پدر بزرگوار خود

و گردن کشی و عجب از ریب
بنوه (?) و حرص و دنائت و [illegible]
شره و حرص و بی شرمی و بخل
و اسراف در بذل و حسد و غرور
حسود قطع نسل و امثال آنها
و علمای اخلاق بسیاری از آنها
شرح داده و بیان نموده اند و ما
بر آنها اجمالا در این رساله
میکنیم انشاء الله تعالی **باب**
دویم در تفصیل اخلاق حسنه
و ذمیمه و فواید و مفاسد آنها
و کیفیت کسب اخلاق حسنه و دفع
اخلاق (?) ذمیمه و تفصیل این شرح
تمام **مقام اول** در بیان
آنچه که متعلق است بقوه عاقله
و همیشه که عدالت بمعنی اعم باشد
معنی ... و جمیع امور
بدانکه عدالت افضل فضایل
و اشرف کمالات است زیرا که
عدالت ملکه ایست حاصله در
نفس انسان که بسبب آن قادر
بر تعدیل جمیع صفات و افعال
و جمیع اخلاق فاضله مترتب بر
عدالت میشود و عدالت نیز
قسم است **اول** آنکه میان بنده
و خالق ایشان میباشد از کسب
معرفت و تحصیل محبت و سعی در
بجا آوردن فرمان خدا و اجتناب
نواهی آن و اتقیاد احکام شریعت
امتثال اوامر دین و مقتضیات
دویم عدالتی است که در میان
مردم میباشد که ادای حقوق
و رد امانات و انصاف و

پرسیدم که آنحضرت چون از خانه بیرون آمدی چه صنعت میکردی فرمود زبان مبارک
را دائم خاموش داشتی مگر بدان امر ضروری که تکلم بآن کردی و اصحاب را باهم الفت دادی و
از نفرت و جدائی تنفیر فرمودی و بزرگان هر قوم را حرمت داری نمودی و ولایت شان و
سرداری آن قوم را بوی تفویض فرمودی و مردمان را از فتنه رسانیدن و بر عیب کردن
کسان محترز باشد و در روی همه کس بشاش و خندان بودی و دائم تفحص احوال اصحاب
خود نمودی و احوال مردم را از مردم پرسیدی آنچه نیک و پسندیده بودی تحسین کردی
و تقویت فرمودی و آنچه بد و ناپسندیده بودی آنرا منع نمودی و از حال امت هرگز
غافل نبودی و ایشان نیز از اثر صحبتش از جاده اعتدال و منهج استقامت عدول نکردی
و آنچه مصلحت حق بودی آن کردی تا مردمان بی نیاز شوند و بفضل و دانائی که دارند در حضرت آنحضرت
بودندی اخیار و برگزیدگان قوم خود بودندی و بهترین مردمان نزد آنحضرت جماعتی
بودندی از روی قدر و منزلت که زیادت ایشان با مردمان حسن خلق و مدارا و مواسات
بودی باز حضرت امام حسین علیه السلام فرمود که از پدر بزرگوار خود پرسیدم که نشستن
آنحضرت در مجلس چگونه بودی فرمود که هرگز نه نشستی و نه برخاستی مگر آنکه ذکر حق سبحانه
و تعالی بر زبان مبارک راندی و چون بمجلس در آمدی هرجا که خالی دیدی نشستی و از
بالا و زیر تفاوت ننهادی و بیاران و امت این چنین امر فرمودی و با همنشینان بنوعی
اختلاط و مؤانست نمودی که هر کس گمان میکرد که آنحضرت او را از همه دوست تر میدارد
و هر که در صحبت آنحضرت نشستی یا در خدمت وی حاجتی داشتی چندان صبر فرمودی تا
آنکس خود برخاستی و روان شدی و هر کس حاجتی نزد وی بردی اگر توانستی حاجتش را
بر آوردی و اگر نه چندان لطف خاطر جوئی فرمودی که آنکس راضی و تسلی شدی و در کنف
خلق عظیم او همه کس را جای بودی و با مردمان بلطف و شفقت چون پدر مهربان بودی و
جمیع کس را بر یکدیگر تفضل و زیادتی ننهادی و همه را در راه حق برابر و یکسان داشتی و
مجلس آنحضرت مشتمل بر حلم و حیا و صبر و سخا و امانت بودی و از مجلسیان بلند نشدی
و کسی را یارای بلند گفتن نبودی بلکه در آن مجلس حرمت و احتیاط رعایت کردندی و نبودی
قصور و کس را زبان بفحش و دشنام نتوانستی گشودی و کسی را سهو اللسانی از برکت
صحبت مبارکش واقع نشدی و همه با هم در صحبت او برابر بودندی و به تواضع و دانائی سخن

معاملات و تعظیم بزرگان
و احترام پیران و فریاد رسی
مظلومان و دستگیری ضعفا
و امثال اینها **سوم** عدالت
است که بیان زندگانی
ذوی الحقوق با ایشان بعدل
مثل ادا کردن قرض بزرگان
و بجا آوردن وصیتهای ایشان
و یاد کردن آنها را بصدقه و
استغفار و دعا و غیر از آن
عدالت بمعنی اعم است و عدالت
بمعنی اخص که مقابل ظلم است
بعد ازین خواهد آمد انشاء الله
مقام دوم
در بیان معالجه اخلاق
ذمیمه که متعلق است
بقوه عاقله
دانستی که اجناس رذائل متعلقه
بقوه عاقله دو نوع است یکی
در طرف افراط دیگری در طرف
تفریط و در تحت اینها انواع
جهالات **و ما** اول جربزه
با صفاتیکه تحت سلطان اوست
که بعد از آن شرح انواع
آنها ثم انشاء الله تعالی و
معالجه آن معالجات سابقه
پس در این مقام سه مطلب است
مطلب اول در بیان
جنس رذیله قوه عاقله و علاج
آنها اما دو جنس رذیله
پس اول جربزه است که عبارت
از خروج از حد اعتدال است
در فکر و موشکافی است که

گفتندی و پرهیزکاری و درستی سخن را امر نمودندی و پیران را حرمت داشتندی
و جوانان را مرحمت کردندی و ایثار از غریبان و حاجتمندان دریغ نداشتندی و حفظ
نمودندی و حاجتشان بر آوردندی باز پرسیدم از پدر عالی مقدار خود که معاشرت
آنحضرت با همنشینان چگونه بود فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله همیشه گشاده رو
و خندان بودی و خوشخوی نمودی و آهستگی ظاهر ساختی و ترش روی و درشتخو
و زشتگوی و عیب کن و عیبجو نبودی و مدح و خوش آمد از آنحضرت بفعل نیامدی
و آنچه خواستی تغافل فرمودی و مواخذه ایشان نداشتی و سائل را از خود نا امید محروم
نگذاشتی و سه چیز را بر خود ترک انگاشتی جدال نکردی و اکثار در کلام نفرمودی
و بیهوده و ما لا یعنی نگفتی و سه چیز نسبت بمردمان روا نداشتی کسی را مذمت نفرمودی
و سرزنش ننمودی و عیب کسی نگفتی و سخن نفرمودی مگر که در ضمن آن امید ثواب بودی
و چون تکلم کردی حاضران مجلس سر در پیش انداخته مستمع بودندی و کسی را یارای
گفتار نبودی چون خاموش شدی حاضران متکلم شدندی و در حال سخن کردن آنحضرت
یارای منازعه نداشتندی هرگاه سخن کردی همه گوش داشته خاموش شدندی و در هر
چیزی که همنشینان خنده کردندی آنحضرت نیز بموافقت ایشان تبسم فرمودی و از آنچه
تعجب داشتندی آنحضرت نیز تعجب فرمودی و اگر غریبی سخن زشت در مجلس وی گفتی
یا چیزی درخواستی آنحضرت بر آن صبر و تحمل کردی و حاجتش را بر آوردی و امر کردی
اصحاب را که چون حاجتمندی حاجتی پیش ایشان آورد در روا کردن حاجتش سعی
نمایند و از هیچکس چیزی قبول نفرمودی تا مکافات و عوض آن فائده کلی باو نرسانیدی
و سخن کسی را در میان سخن او نبریدی و چندان گوش بسخن او داشتی که آن سخن را
تمام کردی **و دیگر** امام حسین علیه السلام فرمود که از پدر بزرگوار خود پرسیدم که
سکوت آنحضرت بچه کیفیت بودی فرمود که سکوت و خاموشی آنحضرت بر چهار چیز
مبتنی بود بر حلم و حذر و تقدیر و تفکر اما حلم چنانکه وقار و تمکین او را بغیر
نقصانی عارض نگشتی و برای مکروهات غضب نفرمودی و صبر پیشه فرمودی و اما حذر
در چهار چیز صورت نمودی اول در امور خیر و نیکی را ظاهر کردن تا امت بوی اقتدا
کنند و از باطل و ترک عادات بد باشند و دیگر در ترک بدایع و بدیها امر فرمودی

دمن در جاهای نارسیده سلوک
پیوسته در ایجاد شبهات و
استخراج امور دقیقه غیر
مطابق با واقع باشد و بآنجا
کردد که مباحث عقلیه و علوم
الهیه منجر بالحاد و کفر و خاتمه
غنیمت شود بلکه گاه بسر انکار
حقائق که صاحب آن انکار همه
اشیاء و نفی حقائق و حقیقتها
بنماید مانند طائفه سوفسطائیه
و در علوم شرعیه **و علاج آن**
بعد از تامل در قبح آن
انکار نصف میکند باعث حیرت
از علم و عمل و موجب شک میشود
رجوع است باشکال
علماء مشهورین باستقامت سلیقه
و بدانکه بعد از آنکه جمعی کثیر
از علماء اعلام دارای سلیقه و
صاحبان افهام مستقیمه بر این
طریقه باشند یاد میتواند
از طریقه تکلیف بالا محاله
از اعوجاج سلیقه است پس نفس
خود را بتکلیف بر طریقه ایشان
دارد تا عادت کند **ثانیاً** و
المیزان **دوم** جهل
است که عبارت است از خالی
بودن نفس از علم و دانائی
خود و در ابتدای این صفت
مذموم نیست بلکه باقی بودن
بر آن و در ذکر است و دفع آن
لازم است و
آن تامل در قبح حال جهل
بانکه حامل آن در جهل

تا از شر و نقصان محفوظ و معصوم مانند و دیگر در اجتهاد و تدبیر در چیزهائی که
صلاح کار امت در آن بود و دیگر ایستادگی در مهمات و قیام نمودن با مور یکه خیر و
ثواب اخروی امت را شامل بود و نیز تفقد نمودن یعنی جستجو و نظر در میان مردمان
و استماع کلام ایشان کردن و تفحص نمودن از امور باقی آخرت و امور فانی دنیوی و اشیای
فصل دویم در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت از کتاب شرف النبی صلی الله علیه و آله که
کرده در تواضع و حیای آنحضرت و در باقیه روایت است از انس بن مالک که رسول الله صلی
الله علیه و آله پرسش بیماران امت نمودی و پیروی جنازه های کردی و دعوت بندگان قبول کردی
و هر که او را خواندی اجابت نمودی اگر چه غلامی بودی و بود که بر مر کوب سوار شدی و در روز
غزای خیبر و بنی قریظه و بنی نضیر بود که بر حماری سوار بودی که پالان و افسار او از لیف
خرما بود و دوست نداشتی که او را تعظیم نمایند و هرگاه یکی از اصحاب که دید یا دستی
داشتی قیام نکردی که قیام موجب کراهت خاطر مبارک آنحضرت شدی **و نیز مرویست**
است از انس که آنحضرت بر زمین نشستی و بر زمین طعام تناول کردی و گوسفند دوشیدی
و نیز مرویست که آنحضرت بر کودکان سلام کردی و بر غلامان نیز سلام کردی **و روایت**
است از بنت بن ثابت بن مسعود روایت کرده که شخصی نزد آنحضرت آمد چون آغاز سخن کرد
لرزه بر اندام وی افتاد آنحضرت از روی مرحمت و مهربانی فرمود که خوش باش و باک
مدار که من از ملوک و پادشاهان نیستم بلکه من فرزند عورتی هستم که گوشت قدید خوردی
و روایت است از ابوذر غفاری که سید ابرار در میان ما و اصحاب چنان نشستی که اگر
غریبی در آمدی ندانستی که پیغمبر کدام است و ما در خواست کردیم که محلی از جهت آنحضرت
معین سازیم که تا ممتاز و پیدا باشد دکانچه ساختیم از گل که آنحضرت بدانجا نشستی
و یاران در حوالی وی نشستندی تا اگر غریبی بیاید راه بوی برد و چون به خانه در شدی
جامه خود را پاره دوختی و نعلین خود را پینه کردی و کار نعلین در ویشانه نشستی با اهل
خود تعلل اوردی و بهترین کارها پیش او خیاطی بود **از امام** جعفر صادق علیه السلام
مرویست در کتاب النبوه که زنی بذی‌زبان و بدخوی نزد آنحضرت آمد و آنحضرت طعام
تناول مینمود آن زن گفت که یا محمد چون خورد و نشستن تو چون خوردن غلامانست و نشستن
چون نشستن ایشان فرمود وای بر تو کدام بنده از من بنده تر است و کدام غلام از من

بلکه در صورت شبیه ایشان
و در واقع با بهائم است یکسان
و مصداق این و هم کسیکه خود را عاقل
اسنحکم است که جاهلی باشد
از علم بحقایق اشیاء و از اثر آن
نمودن جاهلیت و الفضل از صاحب
کمالیست و اثبات فضیلت
نجات الایمان **مطلب دویم**
در بیان مراتب که در تحصیل آن
کوشد و تحمل آن بسیط باشد
میبوند و از انتساب فعل و عمل
و انحراف صفت مقدار کل
حصول هر کمالیست که عبارتست
از آنکه کسی چیزی را اخذ نماید
که خلاف آن چیز بود و از آن
دفع آن و تعلیم صفوتست
و با عتناء کسب حاجت سلیمه که
دعوت و کیفیت شناختن آن
آنست که آدمی در حفظ نظام
استدلالات خود از نتیجه
ناصحیح و فکر در سر با استقلال
عرض نماید اگر آثار از او ظاهر
شود از امراض و علت
اگر غفلت نمود بیان علامات
و بعضی جهالت از برای نیز خواهی
علامت ریاضت از فضلا و حکما
که موجب سعادت و مزید
راه صواب است و صفت و تمیز
شده و چون شک بجزوی
تفریع شود از تحقیق حق و مدد
با اطلاع بر مطالب مقنعه از علما
تعارض در آنست و علاج آن
آنست که تا مل نماید در ادله

غلام تر است آن زن گفت از آن طعام که میخوری لقمه بمن ده لقمه برداشت که بوی دهد
زن گفت لا والله آن لقمه میخواهم که در دهان تست آنحضرت لقمه از دهان بیرون آورد
بوی داد امام جعفر علیه السلام فرمود که آن زن تا زنده بود دیگر زبان بیکی و فحش نگشود
و کسی از وی بدی نشنود تا از دنیا مفارقت نمود **و نیز** از انس بن مالک مرویست که گفت
ده سال در خدمت آنحضرت بودم ندانستم که هرگز گفته باشد بمن که چرا چنین کردی و
چنان نکردی و هرگز چیزی را بر من عیب ننمود **دیگر** انس بن مالک روایت کرده که ده
سال در صحبت آنحضرت اوقات گذرانیدم و همه بوئهای خوش را بوئیدم هیچ بوی خوشتر
از بوی آنحضرت نشنیدم و هرگاه که کسی پیش آنحضرت نشستی تا آنکس برنخاستی
آنحضرت بر نخاستی و اگر کسی دست مبارک وی را بگرفتی آنحضرت دست نکشیدی
و نیز انس بن مالک روایت کرده که روزی آنحضرت از راهی میگذشت اعرابی بوی رسید
و ردای مبارک وی را بقسمی تمام کشید که اثر گوشه ردا بر گردن مبارک ظاهر شد و
گفت یا محمد امر فرما که از مال خدا نزد تو هست بمن بدهند آنحضرت نظری بوی کرده
تبسم کرد و گفت تا چیزی بوی دادند **از ابو سعید** خدری روایت است که کسی از آنحضرت
چیزی طلب نکردی الا که بدادی **و نیز** روایت کرده که حیای آنحضرت زیاده بود از حیای
دختران در پرده و هرگاه که آنحضرت را از چیزی بدآمدی اثر آن در چهره مبارک ظاهر شدی
مبارک آنحضرت **ابن مسعود** روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که هیچ کس از شما از اصحاب من با من که در پیش من غیبت کسی بگوید تا نگوید
که من چنان دوست میدارم که چون نزد شما آیم سلیم القلب باشم و خاطر مرا صفائی
باشد **از امیر المؤمنین** علی علیه السلام روایت است که رسول صلی الله علیه و آله
همه کس دست گشاده تر بود و جوانمردتر و جرات از همه کس بیشتر و در راستی گفتار هم
بیشتر و با عامه خلایق لطف و کرم بیشتر بود و کسی که بوی نگاه کردی هیبت و دهشت بر وی
کار گر شدی و چون با او بنشستی و انس گرفتی دوستی وی در دل او جای گرفتی و هر که با وی اختلاط
کردی او را از همه کس دوست تر داشتی و هر که بدیدی او را از جمله خاکساران وی گشتی
نعت کننده آنحضرت گفتی که ندیدم مثل او را و نه پیش از آن و نه بعد از آن **و ابن عمر** گفت که ندیدم کسی را که
بسخاوت و شجاعت و سماحت و سخاوت و نجدت و نور انیت که شبیه تر برسول الله بوده باشد

مطالب حسنه [illegible]

آنکه اجتماع نمایند بقاع بعضی
از کمالات چون استمرار یکی از شقوق
منصوره حق و تمیز با طلال است
پس از آن سعی و اجتهاد و جهد
کند و استقصای تام از ادله
مناسبه با مطلب نماید تا جزم
بحقیقت یکطرف نماید و مطمئن
بر ظلمات و عبادات و از آن دور
و مصاحبت با اهل ورع و تقوی
از اهل ایمان و تضرع و زاری
بدرگاه خداوند و هر از روی
خضوع و از برای دفع شکوک
و تحصیل ایقان بخصوص در اینکه
که نادر می باشد و فهم ادله یا عجز
آن و مقابل او وصف دیگر
یعنی جهل مرکب و حرمه یعنی
از اهل زبان اعتقاد جازم
مطابق قطع است و حرمه یقین
است و مراتب افضل و افضل آن
و درجات بوی است که لعنتر
الایمان نکله و آن حضرت خداوند
مرتبه ایست که عمل الدبد
بهر آنست در نور خدا و در عمل
بسیار یدن یقین دارد و آن
یقین علما و چند از اول
آنکه در امور خود بغیر خدا
التفات نکند و مقاصد خود
از غیر او نخواهد و در هیچ امری
خود را دیگران را منشا اثر ندانند
بلکه همه امور را مستند بذات
مقدس او دانسته و همه احوال را منتسب
بوی بداند و چنان داند که
همه فعل و ارادت باید خواست

روایت است از جابر بن عبد الله که هرگز از آنحضرت چیزی نخواستم که بگوید نه و عبد الله بن
عباس روایت کرده که حضرت رسول فرمود که معلم و مؤدب من حق سبحانه و تعالی بود و من
معلم و مؤدب علی بن ابی طالب بودم و امر فرمود مرا حق سبحانه و تعالی بسخا و نیکوکاری و
نهی نمود مرا از بخل و درشتی و هیچ خصلتی نزد خدای تعالی بدتر از بخل و بد خلقی نیست
و این دو خصلت زشت عمل نیک را چنان فاسد می‌نماید که سرکه عسل را و هم از ابن عباس
مرویست که ابو سفیان تا بعد از فتح مکه در میان مردمان مذبذب بود و حضرت نبوی که از مسلمانان
با وی اختلاط نمیکرد و از این معنی بد حال و دلتنگ بود روزی نزد حضرت پیغمبر آمد و گفت
سه درخواست دارم از تو یا رسول الله آنحضرت فرمود که بگو گفت اول آنکه دختری دارم که
نیکوترین عرب است از روی جمال ام حبیبه نام میخواهم که بنکاح حضرت تو درآورم آنحضرت
قبول نمود دویم گفت پسرم معویه را داعیه دارم که کاتب مجلس تو باشد فرمود که چنین باشد
سوم همچنانکه در زمان شرک با مسلمانان کارزار میکردم در این زمان با کافران محاربه کنم
فرمود که چنین کن ابن زمیل گوید که اگر ابو سفیان این درخواست نمیکرد آنحضرت از او
این امور قبول نمیکرد چون خلق و کرم آنحضرت بمرتبه بود که هرگز سوال هیچ سائلی را رد
نکردی بنا بر این قبول فرمود در شجاعت آنحضرت مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلم
که در روز بدر همه پناه با آنحضرت میبردیم و او از همه ما بدشمن نزدیکتر بود و هیچ کس از او
دلیرتر و شجاع تر نبود و هم آنحضرت فرمود که شبی در مدینه غوغا برآمد و همه مردمان
بنا از عقب غوغا شدند در میان خلایق اول ما بدانجا رسیدیم آنحضرت را دیدیم بر اسب
ابی طلحه انصاری سوار شده شمشیر برهنه در دست دارد و بر روی مبارک باز پس کرده میگفت
هیچ مکروهی نیست ساکن و آسوده باشید و مردم را دلداری میداد در علامت رضا و غضب
آنحضرت روایت کنند از عمر که معلوم میشد شادی و غمناکی در روی مبارک آنحضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله و سلم هرگاه شاد شدی پس گوئیا ماه چهارده در روی مبارکش نمایان بودی و رنگش
بر روی دیوار نمایان و چون خشم گرفتی رنگش تیره گشتی گاهی بسیاهی مایل و گاهی بسرخی
چون ارغوان و کعب بن مالک روایت کند که چون آنحضرت شادمان شدی رنگ مبارکش
چون ماه شب چهارده برافروختی و امیر المؤمنین علیه السلم فرمود که چون رسول صلی الله
علیه و آله چیزی را دوست داشتی و بدیدی فرمودی الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات

و بسنید و تحریر این مقام بوده نظر
تعارف [illegible]
در مرض و صحت و در لذت و رنج
و [illegible]
چشم [illegible]
همه احوال [illegible]
و [illegible] حکم [illegible]
میداند [illegible]
و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شهود حضرت حق حاضر [illegible]
همه افعال و اعمال خود [illegible]
سیم آنکه [illegible]
بلکه صاحب کرامات باشد
زیرا که هر [illegible]
زیاد میشود [illegible]
میگردد [illegible]
در جمیع موالید کائنات [illegible]
[illegible]
میشود [illegible]
است علم الیقین و عین الیقین
و حق الیقین و تفصیل این
مراتب [illegible]
صفت سیم [illegible]
که [illegible]
از خدا دیگری [illegible]
داند [illegible]
[illegible]
[illegible]
و [illegible]
که رضای خدا [illegible]

در مهربانی آنحضرت نسبت با امت روایت کرده اند از اصحاب رسول صلی الله
علیه و آله که اگر کسی سه روز از صحبت وی غایب شدی تفحص احوال او فرمودی پس اگر به سفر
بودی دعا برای او کردی و اگر حاضر بودی بدیدنش رفتی و اگر بیمار بودی عیادتش فرمودی از
جابر بن عبد الله رضوان الله علیه مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
بیست و یک غزا کرد در نوزده غزا در رکاب آنحضرت بودم و از آن غزوات در غزوه
نوبت شد که شتری از شترها در راه شتر من ماند تا شدم من در آن حیران مانده بودم که ناگاه دیدم
آنحضرت در آخر همه میآید و من کلمه در دل می‌گفتم و او از من شنید پرسید چه کسی گفتم
جابر بن فدای تو باد مادر و پدرم یا رسول الله فرمود که چه حالی داری گفتم شترم مانده است
فی الحال فرود آمد فرمود که هیچ با تو عصائی هست گفتم بلی پس بستد او را نهیب کرد و
بر انگیخت و باز خوابانید و پای بر دستهای شتر من نهاد و مهارش گرفت و فرمود که سوار
شو پس سوار شدم در عقب آنحضرت و شتر من پیش گرفت از شترهای دیگران و بیست و پنج نوبت
در آن شب برای من استغفار کرد و از من طلبید و بعد از آن پرسید که از پدرت عبد الله
دیگر فرزند مانده اند گفتم هفت دختر مانده اند فرمود که پدرت هیچ قرض گذاشته گفتم بلی
فرمود که چون بیائی بمدینه درخواست کن از قرض خواهان که با تو مدارا کنند و چون وقت
خرما بریدن شود نزد من آی و دیگر فرمود که زن خواسته یا نه گفتم بلی فرمود از که گفتم فلان
بیوه دختر فلان که در مدینه میباشد فرمود که چرا دختر کوچکی نخواستی که با او بازی کنی
و او با تو بازی کند گفتم یا رسول الله نزد من خواهران کوچک بودند خواستم که عاقله باشد که
ضبط احوال ایشان کند فرمود که نیک کردی و صلاح دیدی دیگر فرمود که شتر را بچند
خریده گفتم پنج اشرفی فرمود که ما قبول دادیم بهمان پنج اشرفی چون بمدینه باز آمدیم
شترم را نزد آنحضرت بردم فرمود که ای بلال پنج اشرفی بوی بده و شتر دیگر بان مزید کن
تا بقرض خواهان پدرش عبد الله بدهد و شتر نیز بوی باز ده بلال زر بداد و من نهادم
بقرض خواهان دادم دیگر پرسید که با قرض خواهان هیچ قطع و فصل کردی گفتم نه یا رسول
الله فرمود که موقوف کن تا وقت خرما بریدن در رسد پس نزد من بیا پس چون وقت آمد
بخدمت آنحضرت رفتم پس بنخلستان خرما فرمود و دعا کرد برای ما و خرما بریدیم تمام
قرض را ادا کردیم و چندان ما را بماند که قوت سالیانه ما بود آنگاه آنحضرت فرمود

شرک جلی و شرک الطاف گویند
و شیعه [illegible] را آنکه شرک عظیم
موجب هلاک و خلود در عذاب
دیدن ذات است و صفات [illegible]
است و انتفای از آنها و توحید را
اول توحید ذات یعنی حق را
منزه دانستن از ترکیب خارجی
عقلی و صفات او را عین ذات
دانستن دویم توحید وجوب
وجود یعنی واجب الوجود یکی
کردن در خدا و نفی شریک از او
در صفت واجب الوجود سیم
توحید در ایجاد و خلاقیت
و وصول [illegible] توحید آن
که آدمی در جمیع امور خود توکل
بر خدا کند و امور خود را باو
گذارد و چشم از همه [illegible]
زیرا که بعد از آنکه [illegible]
که بغیر از خدا احدی [illegible]
نیست بلکه [illegible]
خلق [illegible]
مرض و صحت و ذلت و عزت
حیات و موت و غیر اینها [illegible]
است [illegible] دیگر در هیچ امری
ملتفت [illegible]
از خدا [illegible]
بر او است صفت چهارم
خواطر نفسانیه [illegible]
[illegible]
خیال نباشد [illegible]
خطور خواطر [illegible]
[illegible]
اطراف [illegible]

که بر دارید دگل و ورزن میکند آن را بر داشتیم بی کل و ورزن و مدتی بیدار
ان بخوابیدیم از ابن عباس مرویست که رسول صلی الله علیه و آله هرگاه مزاح میفرمود
یا از کسی چیزی میپرسید ... رضی الله عنهما و ابن عمر روایت
کند که چون کسی گفتی یا رسول الله فرمودی که لبیک و روایت کند زید بن ثابت که هرگاه که ما
می نشستیم در خدمت آنحضرت اگر از احوال آخرت یاد نیا یا از خوردن و آشامیدن سخن میگفتیم
آنحضرت با ما در آن سخن موافقت میفرمود و از آن میگفت ابی الحمساء گوید که وعده کردم
با رسول الله صلی الله علیه و آله پیش از زمان بعثت در مقامی و فراموش کردم و سه روز
بر آن گذشت چون روز سیم باین مقام باز گشتم فرمود که ای جوان مرا فراموش کردی و من
سه روز است که اینجا مقام دارم جریر بن عبد الله روایت کند که روزی آنحضرت با یاران
بخانه رفت خانه پر مردم شد و جریر بیرون خانه نشست که مردم پر بود پس آنحضرت
او را دید عبای مبارک خود را در هم پیچید و بنزد جریر انداخت و فرمود که بر بالای این بنشین
جریر آن را بر داشت بروی مالید و بوسید و نزد آنحضرت و در منقول است سلمان
فارسی که روزی نزد آنحضرت رفتم و او بر بالش تکیه کرده بود و چون مرا دید بالش را بسوی
من انداخت و فرمود که یا سلمان هر مسلمانی که بر برادر مسلمانی وارد شود و او از روی تعظیم
و تکریم بالش خود را برای او بیندازد خدای تعالی او را بیامرزد در مزاح و تبسم آنحضرت
مرویست که فرمود آنحضرت من مزاح و تبسم میکنم و اما غیر حق نمیگویم شخصی پرسید از
ابن عباس که آنحضرت مزاح میفرمود گفت بلی از امام حسن علیه السلام مرویست که فرمود
من پرسیدم از خال خود هند از صفت رسول الله صلی الله علیه و آله گفت هرگاه که غضب
کردی روی مبارک را بگردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک بر هم نهادی و بیشترین خنده
وی تبسم بود و در تبسم دندان مبارکش نمایان گشتی مثل دانه مروارید و نیز مرویست
یونس شیبانی که او گفت که امام جعفر صادق علیه السلام از من پرسید که چگونه است مزاح در میان
بعضی شما با بعضی گفتم اندک واقع میشود فرمود که چنین نکنید که بدرستی که مزاح از نیکوی
اخلاق است و بدرستیکه برادر مسلمان را بمزاح شاد میتوان کرد و حضرت رسول الله
مزاح میفرمود چون میخواست که کسی را شادمان کند در بیان گریه آنحضرت روایتکرده
بن مالک که چون ابراهیم پسر آنحضرت جان میداد آنحضرت گریه میکرد و میفرمود که چشم

ایشان آید بیکی صورتهای جمیل
از مصادر آن گردد و بحسب موجب
هر و صحانی را نشان است
... خیالات ... شیطان
... و بیان خواطر محموده ملکیست
و افکار دو قسم است اول
افکار بیکه غرض بر عمل است
علوم با چیزهایست با شر دوم
افکار بیکه غرض بر عمل نیست
محض خیالاتست و اینهم با افکار
محموده است و با افکار فاسده
و از برای هر یک انواع بسیار است
دانستن آنها معلوم میشود
کلیه خواطر ...
... دو قسم اند ... که افکار
... و عمل ... خیالات ...
محموده باشد انرا الهام گویند
که از فیض ملکی کرام است و
قسم دیگر را وسوسه گویند که
آن از آثار شیطانست ...
که آدمی ... شهوت
با معصیتی ... فرصت ...
...
...
...
...
...
...
...
...

اشك میریزد و دل اندوهگین میگردد و لیکن من نمیگویم غیر آنچه رضای پروردگار در آن باشد
و من برای تو ای ابراهیم اندوهگین و غمگینم مرویست از خالد بن سلمه مخزومی که چون
زید بن حارثه در غزای موته شهید شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله از برای او
تعزیت و پرسش دختر زید را چون چشم بر آنحضرت افتاد آغاز گریه کرد آنحضرت نیز بگریه
افتاد بعضی اصحاب که در خدمت آنحضرت بودند گفتند یا رسول الله این چه گریه بود فرمود
که این شوق دوستی است بدوست در بیان راه رفتن آنحضرت مرویست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که راه رفتن آنحضرت چنان هموار و خوش آیند بود که گویا نهالی از نسیم
صبا متحرک شده یا آبی بر روی سبزه روان شده و من ندیدم مثل آن رفتار هموار که هیچ
کس را باشد روایتست از جابر که چون آنحضرت راه رفتی اصحاب در پیش رفتندی و
عقب را بجهت فرشتگان گذاشتندی ابن عباس روایت کند که آنحضرت در راه چنان رفتی
که ظاهر شدی که از رفتن عاجز است و چون رفتی با اصحاب حلقه زدندی و اگر سوار شدی
چون با کسی همراه بودی او را بر عقب خود سوار کردی و اگر قبول نکردی فرمودی که پس
تو پیشتر برو و در جائیکه میخواهی باش تا مرا در یابی مرویست که روزی شخصی
آمد و آنحضرت را بمهمانی طلب کرد طعامی مهیا ساخته بود از جهت آنحضرت و پنج تن از
اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله اجابت فرمود با آن پنج کس و متوجه خانه او شد
در راه یکی دیگر همراه شد که با آن شش تن شدند چون بدر خانه رسیدند آنحضرت با
ششمین گفت که اینجا زمانی قرار بگیر تا ما از صاحب خانه اجازت طلبیم و جای برای تو
سازیم پس آنگاه در آئی در بیان نشستن آنحضرت و امر فرمودن اصحاب را در آداب نشستن مرویست
که چون طفلان مولود میشدند بخدمت آنحضرت میاوردند تا دعا میکرد و نام مینهاد و آن
حضرت او را در کنار مبارک خود مینشاند بجهت تعظیم خاندان و گاه بود که آن طفل
بر جامه آنحضرت بول کردی و بعضی که آنجا بودند بانگ بر او زدندی آنحضرت میگفت که هیچ
مگوئید و همچنان بگذاشتی تا کودک بول تمام کردی و بعد از آن دعا در حق او فرمودی
و نام نهادی تا اظهار خوشحالی بجهت سرور و خوبی خاطر ایشان ملول نگردد و چون
برفتندی جامه خود شستی مرویست که روزی شخصی بمجلس آنحضرت در آمد و آنحضرت تنها
نشسته بود در آنجا پس آن شخص آمد که در پهلوی وی بنشیند آنحضرت جای بروی تنگ

سپاه را غلبه حاصل شود بلکه
نفس را تحیر نماید و از هر کار
راه امید بسته اند دیگری بسته
و مجال دخول و خروج نماید
مگر گاهی بطریق عبور در نهان
قبل از آنجا بگفتند ای حاجب
برادر از شیطان و جنود او
... میشود که از یکی کردن
اندرست و ... باشد که ...
خونه ... جایست ...
فرو گرفته مانند هوا در ...
معلوم است که ... را از هوا
خالی نتوان نمود مگر آنکه ...
از چیز دیگر پر سازند ...
دل نیز چنین است اگر او ...
بذکر خدا و افکار محموده ...
ممکن است که لحظه از ... تهی
نموده ... الامر لحظه ...
خدا غافل گردد شیطان ...
... گردد چنانچه ...
فرموده و من یعش عن ذکر
الرحمن نقیض له شیطانا فهو له
... دل ... جای ...
... و ...
صفت پنجم ...
کردن است از برای ...
مطلوبات شهویه و غضبیه
... دراز ...
... از برای ...
... و ...
... و غضب ...
از برای ...
... ملکات ...

خود را از او دور کشیدند شخص عرض کرد یا رسول الله جای گشاد است شما اسوده
بنشینید انحضرت در جواب فرمود که حق برادر مسلمان بر مسلمان آن است که چون ببیند که
نزد وی خواهد نشیند خود را از او دور گرداند بجهت تکریم او **و در روایت** دیگر رسول صلی
الله علیه و اله فرمود که هرکه دوست میدارد که مردم نزد او برپای ایستند جای او در
دوزخ است و فرمود رسول الله صلی الله علیه و اله تا ایستید پیش یکدیگر چنانکه بعضی
اعاجم نزد بعضی میایستند ولیکن باکی نیست که در میان یکدیگر گرد ایند **و در روایت**
از امام جعفر صادق علیه السلام که چون انحضرت بمجلسی در امدی در پایین مجلس هرجا خالی بودی
نشستی **و بسند معتبر** از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که نشستن انحضرت بیشتر روی
بقبله بودی و فرمودی که از شما هرگاه بمجلسی در اید باید که بنشیند بجائی که با نجا منتهی
شده باشد **و نیز** انحضرت فرمود که هرکه از شما از مجلسی بیرون میرود سلام کند هم
چنانکه در اول که امد سلام میکرد که امدن و رفتن تفاوت ندارند در سلام **و دیگر فرمود**
که هرکه از شما از مجلسی بیرون رفت اولی است که چون بازاید بجای خود بنشیند **و مرویست**
است از انحضرت صلی الله علیه و اله که فرمود بدهید حق مجالس را گفتند یا رسول الله حق
مجالس چیست فرمود که چشم خود را بپوشانید و هرکه سلام کند جواب گویید و نابینا را
راه نمایید و امر کنید بمعروف و نهی نمایید از منکر **و مرویست** از ابی امامه که نشستن
انحضرت سه نوع بودی یکی چنانکه هر دو ساق مبارک را برداشتی و دستها را پیش ان
در اورده بر ساقها نهادی و گاهی بر دو زانو نشستی و گاهی یک پای پیش سینه نهادی و یکی
بر زمین نشستی و هرگز مربع ننشستی **فصل سیم** در اخلاق انحضرت از خوردن مرویست
است که رسول الله از اصناف و انواع طعام تناول فرمودی و انچه حق سبحانه و تعالی بر وی حلال
کرده بودی با اهل بیت و خدمتکاران خود میخوردی و هرکه از مسلمانان او را دعوت کردی
اجابت نمودی و بر زمین با ایشان طعام تناول فرمودی و انچه خورده ی چون مهمانی بر سر یکی
با مهمان میخوردی و طعام را دوست نداشتی که دستهای بسیار بر او در اید و از مهمانان و در کرم
بعضی از اصحاب گرسنه بودند فرمود که بار خدایا در میخواهم و سوال میکنم از فضل و رحمت تو
که ضر توما اللتان بغیر ونیست در اثنای این دعا شخصی امد و گوسفندی بریان کرده اورد پیش
فرمود که بگیر بیایید از فضل خدای تعالی و ما منتظر رحمت او هستیم و چون خوردی نزد انحضرت

در ذکر وسیله علاج آن

صفات شیطان و بندی دیگر
اوست و معصیت از بلد فت
از معصیت ادب رسانیدن
در علانیه و اشکار و از حضرت
است که حضرت رسول صلی الله
علیه و اله فرمودند که از غارت
کبر که مکر کند با مسلمانی
علاج ان منعکس شد بی عادت
مکر و تامل در انکه صاحب نفس
اثر شود ان صفت شیطان است
و دارد شد در حدیث هم گفت
که هرکه چاهی برای برادر خود کند
خود در ان افتد **مقام ششم**
در بیان صفات ردیله و اخلاق
حمد که منسوب است بقوه غضبیه
ذاتی که ضد جمیع رذائل بلکه
بازی قوت انها در حقیقت
است هرکدام متضمن صفات
حمید ذان یکی تهور است
نیمی اما تهور که طرف افراط
شجاعت است عبارت است از
ادمی بیندازد خود را در مهالکی
که عقلا و شرعا ممنوع است و این
صفت کار بهیمه است و مهلکات شرعیه
و اخرویه است و خدای تعالی از ان
نهی صریح نموده چنانچه فرموده
ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة
و حق این است که صاحب این صفت
از شان مجنون خالی نیست و اگر
احتراز نکند از مفاسد تهلکه
تهلکه شود بحکم شریعت مقدسه
باعث قتل خود شد و تهلکه
ابدی گرفتار شد است چه کوی

در او غذا بکند فرمود که بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة و در بیان
بودی که چون نشستی برای طعام خوردن جمع فرمودی هر دو پای مبارک را با زانوها چنانچه
برای نماز نشیند الا انکه پای بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهادی و فرمودی که
بنده ام چنان خورم که بندگان میخورند و چنان نشینم که بندگان می نشینند
و روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم هرگز
تکیه زده طعام نخوردی از ان زمان که خدای تعالی او را بپیغمبری فرستاد تا ان وقت که روح مقدس
بقبض نمود بجهت تواضع و فروتنی مر خدای را عز و جل و چون دست مبارک بسوی طعام دراز
فرمودی گفتی بسم الله بارک لنا فیما رزقتنا و علیک خلفه **امام** جعفر صادق علیه السلام
فرمود که انحضرت در وقت افطار فرمود که اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا
ذهب الظما و ابتلت العروق و بقی الاجر **و نیز** فرمود که انحضرت چون نزد قومی افطار
فرمودی گفتی و نعم بحمد خدا که افطار کردند نزد شما روزه داران و خوردند طعام شما
نیکوکاران و فرمودی که مستجاب است دعای روزه دار وقت افطار **و در روایت** دیگر وارد
شده که انحضرت بخرما افطار کردی و اگر شکر یافتی بان نیز افطار فرمودی **و از حضرت امام**
جعفر صادق علیه السلام روایت است که انحضرت افطار بیشتر بخرما میفرمود و اگر نیافتی باب
افطار مینمود و گفتی که اب جگر و معده را پاک میکند و بوی دهان را خوش میکند و دندانها
محکم و قوی میکند و چشم را روشن و بینائی میافزاید و گناهان را میشوید و تسکین میدهد رگهای
خون که مضطرب باشد و صفرا را میخواباند و بلغم را میبرد و حرارت را از معده میبرد و درد سر را
تسکین میدهد و انحضرت طعام گرم نخوردی تا سرد شدی و فرمودی که حق سبحانه و تعالی اتش
بخورد ما نمیدهد و برکت نمیباشد در طعام گرم و برکت است در سرد کنید و بخورید و انحضرت چون
طعام خوردی بنام خدای تعالی ابتدا میکرد از پیش خود خوردی و از پیش دیگری نخوردی و چون طعام
اوردندی پیش از همه شروع فرمودی در طعام خوردن و بسه انگشت تناول فرمودی بانگشت بزرگ
و پهلوی ان که سبابه گویند و میان و گاهی بر بچهارم انگشت طعام خوردی و گاهی بتمام کف
تناول کردی و هرگز بدو انگشت نخوردی و فرمودی که بدو انگشت خوردن فعل و عادت شیطان است
و مرویست که روزی بعضی از اصحاب پالوده نزد انحضرت اوردند چون از ان تناول کرد فرمود
از چه چیز ساخته اند این را یا ابا عبدالله گفت پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله روغن و عسل

در بیان صفات قوه غضبیه و علاج آن

مثلا اوایل مرض است یا معظم
ان دارد که نظر باید کند و تعلیق
هرکاری که بعمل بکند ان
بعقل و شرع عرضه نماید اگر
تجویز کند مرتکب شود و الا
اجتناب کند و اما جبن که در
طرف تفریط واقع است است
که ادمی احتراز کند از چیزی که
نباید حذر کند و این صفت در
نهایت خباثت و موجب ذلت
است و ادمی بسبب ان ذلیل
خوار و منعکس افتاده ناکس
است و در حدیث نبوی صلی الله
علیه و اله است که سزاوار نیست
مومن را که بخیل یا جبان باشد
و تعریف معالجه ان در بیان صفت
خوف که از لوازم جبن است بیان
میشود و حد وسط این دو جنس
رذیله شجاعت است که عبارت است
از اطاعت قوه غضبیه از برای
قوه عاقله و این صفت اشرف
صفات کمالیه است و کسی که
از ان باشد در دنیا نجات مخو
میشود و از برای جهاد است که حق
تعالی در وصف نیکان صحابه
فرموده اشداء علی الکفار
و اما انواع صفات رذیله متعلقه
بقوه غضبیه بسیار است صفت
اول خوف است و ان عبارت
است از تالم دل بسبب توقع
رسیدن مکروهی که حصول ان محتمل
باشد و اما مکروهی که حصول
ان مظنون یا متیقن باشد انرا خوف

دردیک کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید و بعد از آن نشاسته انداختیم و بر هم زدیم تا
پخته شد پس از این چنین شد که می‌بینید فرمود که این طعام نیکو نیست و گاه بودی که از جو نان پخته
نان کردندی و آنحضرت تناول فرمودی **در کتاب** روضة الواعظین نقل میکند از عیص بن قاسم
که گفتم مر حضرت صادق علیه السلام را که حدیثی روایت میکنند از پدر بزرگوار تو که حضرت رسول صلی
الله علیه و آله هرگز نان گندم سیر نخورد آیا این خبر راست است فرمود که هرگز از نان گندم نخورد
و از نان جو نیز هرگز سیر نخوردی **عایشه** گفت که آنحضرت هرگز از نان جو دو روز سیر نخورد
تا از دنیا رحلت فرمود و مروی است که آنحضرت هرگز از خوان طعام نخورد تا از دنیا مفارقت نمود
و نان تنک نیز هرگز میل نفرمودی و عایشه گوید که همیشه دنیا بر ما دشوار و دو برابر بود و چون آنحضرت
رحلت فرمود دنیا بر ما بحبت صحبتهای گوناگونی … **در کتاب** النبوة مذکور است که حضرت
صادق علیه السلام فرمود که همیشه خورش آنحضرت نان جو بود تا از دنیا مفارقت فرمود **و انس**
روایت کرد که آنحضرت اجابت دعوت مملوک کردی و در پس مرکب خود سوار نمودی او را و طعام خود
بر زمین نهادی و خوردی و خیار با رطب تناول فرمودی و خیار با نمک نیز خوردی و میوهای تر میل کردی
و دوست ترین میوها نزد وی خربزه و انگور بودی و خربزه با نان خوردی و گاهی با شکر اکل فرمودی
و گاه خربزه با رطب تناول فرمودی و گاه بهی دوست مدد کردی **و نقلیست** که روزی آنحضرت
نشسته بود و رطب تناول میفرمود … چکیدی و بر زمین نیفکندی تا آنکه
گوسفندی بگذشت … فرمودی با نخوان و رطب که در دست داشت و …
داشت بخورد و در دست چپ انجمع شد بود گوسفند میخواهد و چون فارغ شد گوسفند برفت
و آنحضرت چون روزه داشتی افطار با رطب فرمودی و در زمان انگور را دانه دانه خوردی
و گاهی بخوشه تناول فرمودی چنانکه قطرات آن بر محاسن مبارکش چکیدی چون دانهای مروارید
و آنحضرت چنگال خوردی و خرما تناول میفرمودی و آب بالای آن تناول میکرد و بیشتر طعام آنحضرت
خرما و آب بودی و گاه جمع فرمودی میان شیر و خرما و نام نهادی آن را اطیبین و دیگر بیشتر طعام
خوردی هریسه بود و بسحور با ذکر کردی و گویند جبرئیل علیه السلام از بهشت هریسه برای آن
حضرت آورد و از آن تناول فرمودی و سحور با ذکر کردی و در خانه خود میخورد … هریسه
بخوردند گوشت پخته با نان خوردی و گاهی گوشت بریان با نان تناول فرمودی و گاهی قدید
تنها تناول فرمودی و گاهی با نان هم خوردی و دوست ترین طعامها … تناول فرمودی و گاهی نان

در بیان خوف

آن را خوف نگویند و لکن چون
آن بجز از ضعف نفس و موجب
هلاک است در بعضی خوف ملکوتی
میشود و فرق خوف با حزن
آنست که در حزن الم در دل سوختن
ضرر نیست بخلاف خوف …
و دو قسم است … که خوف از
خدا و خطیئات و ازگناهان باشد
و آن قسم خوف در صفت دوم کی
میشود و دوم خوف مذموم کی
از تنبیه حس است … ایجاد
میشود و باید دانست که این قسم
خوف بر چند نوع است که همه
آنها مذموم است اول آنکه
خوف از امری باشد که البته
خواهد آمد و دفع آن ممکن نباشد
و شکی نیست که خوف از چنین چیزی
از تندی جهل است و بعضی از اطبا
فایده ندارد بجز ضیاع … که
خوف … و بعضا …
… باشد
… باید **دوم** خوف از
محتمل است … مثل …
مذموم بلکه … است **سیم**
آنکه خوف از امری باشد که سبب
آن … باشد اما
… است و … از ان …
که … از امری …
… شود …
از مرارت بودن … خورد …
… و فساد …
اینکه خوف از چیزی … باشد
که … از آن … نیست …

هم خوردی و دوست ترین طعامها نزد وی گوشت بود و فرمود که گوشت در قوت
شنوایی و بینایی میافزاید و میفرمود که گوشت بهترین همه طعامهاست در دنیا و آخرت
و اگر من از خدای تعالی درخواستمی که هر روزه طعام من گوشت باشد هر آینه چنان میکرد
آنحضرت ثرید با گوشت و کدو خوردی و دوست داشتی کدو را و فرمودی که این از درخت برادرم
یونس است و او را کدو خوش میآمد و آنحضرت گوشت مرغ خانگی خوردی و گوشت وحشی
و گوشت مرغ پرنده که صید کرده بودند نخریدی اما خود صید نکردی و دوست داشتی کر
کرده پخته نزد وی آوردند و دوست داشتی نان و نوعی از گوسفند پاچه و دست و گو
شانه را و از نان خورش ها سرکه را دوست داشتی و از سبزیها کاسنی و بادروج و بقلة الانصار
که آن را کلم گویند و آنحضرت نخوردی سیر و پیاز و کراث و عسل را کرد را و بقایای ماکول
که مگس از آن خورده و از شکم خود رحل انداخته نخوردی که آن موجب … هرگز
طعام را مذمت نفرمودی بچشیدی آن را اگر خوش آمدی خوردی و اگر نه بگذاشتی و آنحضرت اگر
چیزی را از طعام خوش نکردی بر دیگران حرام نفرمودی و بد نگفتی و چون از طعام خوردن
گشتی انگشت مبارک خود را لیسیدی و اگر چیزی بر انگشت مبارکش مانده بودی تا نلیسیدی تا پاک
کردی و دست خود را با دستمال پاک نکردی تا یک یک انگشتان مبارک بلیسیدی و میفرمود که معلوم
نیست که برکت در کدام انگشت است و آنحضرت از نمک آغاز خوردی چون نمک و اصحاب نیز چون
نمک را نمک تعقد کردندی و بر چیکی پیش آنحضرت آوردندی آنحضرت فرمودی که اگر از خوردن
دست نهادند … و دست مبارک را شستی بعد از طعام … پاک شستی که اثری از بوی
طعام را و نماند خاصه چون نان و گوشت تناول فرمودی دستها را نیک شستی و بعد از آن کرد
دست مبارکش بوی بدان روی مبارک را مسح کردی و تا ممکن بودی تنها طعام نخوردی و میفرمودی
که آیا شما را خبر دادم به بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که آنکه تنها خورد
و بنده مملوک را بزند و منع عطیه نماید **فصل چهارم** در صفت آنحضرت در آشامیدن و
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون آب آشامیدی ابتدا بنام خدای تعالی کردی و بعد
از آن یک نفس آشامیدی باز و نفس دیگر … و شکر الهی بجای آوردی …
کردی بنام خدای تعالی … آشامیدی و … حمد الهی بجای آوردی …
خوردن بسم الله و بتمام الحمد لله گفتی و آب … یکبارگی … میفرمود که

در انواع خوف و علاج آن

وحشت داشته باشد …
… خصوصا … در حالت
تنهایی و تمثال از خوف غلبه
نموده و منشا قصور عقل …
ضعف نفس است و علاج آن
آنست که اندکی … تامل کند
که … این موجب … نیست
خوف … کی بکند در … که
او با وجود قوت … بر این …
… چگونه … بی جهت
… خوف …
دیده و شنیده که … بر …
حمله کرده و بر او غالب شده باشد
و چنانکه … وجود … خلاف آن
… دلیل … وجود او یقین کند
… آنکه موجود باشد …
سبب … مقابل … باید و
خود را … واگر هم …
… سبب … ذات …
و اگر … قوت و …
خواهد … آخر … شرف
ممکنات … و اکثر … طبع …
… شرف … که …
… الاشیاء …
القوه خوف میکند … صاحب
این صفت باید … که …
… در مواضع … صبر
کند تا … این خوف زائل
زائل شود و خوف … نیز …
این نوع … اول …
این خوف … اول
آنکه چنان … کند … در …
نفس … و … داخل

در دیگر از آب خوردن است که یکجرعه بگلو نریزند و آنحضرت در اثنای طعام آب نخوردندی و
ظرف نفس نبردی و اگر خواستی که نفس زند ظرف را از پیش دهان دور بردی و نفس زدی و
گاهی بیک نفس آب خوردی و آب را از دهانهای شیشه خوردی که از شام میآوردند و گاه سبوی
چوبین و ظرفیکه از پوست ساخته‌اند آب خوردی و از ظرف سفالین نیز نوشیدی و گاهی بهر دو
کف مبارک خود آب آشامیدی و فرمودی که هیچ ظرفی بهتر از کف دست نیست و از دهان مشک
نیز آب خوردی و دهان مشک نپیچیدی چه منع فرمودی که در حین آب خوردن دهان مشک پیچیده
آب بنوعی میفرماید و گاهی ایستاده و سواره نیز آب نوشیدی و از مشک و سبو آورده بیکی
هم آب خوردی و از هر ظرفی که اتفاق افتادی و نیز لبنی که بر او شیر و شهد بودی گاهی سویق
نیز نوشیدی و آنحضرت گندم نیم دو بریان کرده گویند است که آب باران بریزند که بعربی از نار
سویق گویند و بنفشه فانوت و دوست نیز آشامیدی بهانه آنحضرت آشامیدی بود که
دندان شریف بود و در روایت آمده که دست نیز شربت نزدی در شب بیرون بودی
و گاهی آب بربالای عسل نوشیدی و گاهی شربت ساختی و نان در آن ریزه کردی و میل فرمودی
و فرمودی که بهترین اشربه در دنیا و آخرت آب است انس بن مالک گوید که آنحضرت
یک شربت آب بعد از افطار نوشیدی و یکی دیگر در هنگام سحر و گاهی نیز بیکی اکتفا نمودی
و گاه بودی که شیر بودی و نیز او گوید که شبی جهت آنحضرت نان در شیر ریزه کرده بودم
که چون از مسجد بخانه آید افطار نماید دیر کشید و نیامد گمان بردم که کسی او را دعوت کرده
من آن را خوردم بعد از نماز خفتن با اصحاب تشریف آورده پرسیدم از ایشان که مگر کسی بضیافت
آنحضرت را مهمانی کرده و یا در مسجد طعام تناول فرموده گفت نه چنانی افطار نکرده من بغایت ملول
و غمگین شدم بمرتبه ملول گشتم که خدای تعالی داناست از غم و الم که مرا بود مبادا که آنحضرت طعام
طلب فرماید چه جواب گویم چون آمد بحمد الله هیچ نیاورد و چیزی تناول نفرمود و آن شب را گرسنه
خواب کرد چون تا پسی از شب بگذشت ظرفی از شیر از جانبی برای آنحضرت آوردند و در دست
ابن عباس آمد بر راست آنحضرت نشست و خالد بن الولید آمد بر چپ آنحضرت نشست آنحضرت
از آن آشامید گفت با ابن عباس اینجا بر ظرف خالد افضل است اگر رخصت میدهی از آن چیزی بخالد
دهم چون او ... ابن عباس گفت لا والله که من نیم خورده حضرت رسول
الله صلی الله علیه و آله را بکسی وا نمیدارم پس گرفت اندست آنحضرت ظرف را و رد کرد و

او حاصل میشود و این نفس که
از حب جمال حقیقت است که
در دل دارد که هر که حقیقت
دوری از شناخت میداند که مرتبه
باعث کمال مرتبه انسانست
و آدمی بمرتبه ناقص و ناتمام
است و آنانکه کامل حقیقی
مرتبه است چنانچه حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود هم
[illegible]
دوم صعوبت قطع علاقه از دنیا
و اموال است [illegible]
[illegible]
خوف قطع علاقه از آنها است
سیم خوف از شمات دشمنان
و تصور خوشحالی ایشان است
[illegible]
چهارم خوف ضایع شدن
اهل و عیال و دوستان
[illegible]

عسل و شیر بود آنحضرت ابا فرمود از خوردن آن و گفت دو شربت در یک شربت و دو ظرف
در یک ظرف نمیخورم و بر کسی حرام نمیکنم و لیکن مکروه میدارم فخر و حساب آنرا در نهایت
دنیا در فردا و دوست دارم فروتنی را که هر که تواضع کند از برای خدای تعالی حق جل و علا
مرتبه او را بلند گرداند انشاء الله تعالی **فصل پنجم** در ذکر مجملی از اخبار احوال آنحضرت از بوی
خوش و روغن مالیدن و جامه پوشیدن و غیر آن **مرویست** که آنحضرت چون سر و محاسن
مبارک شستی با برگ کنار شستی و دوست داشتی روغن مالیدن را و مکروه داشتی ژولیده و شوریده
ژولیده گیسوی را و فرمودی که روغن مالیدن بر اعضا میبرد حزن و اندوه را و با صفا روغن
تدهین کردی و چون روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن نمودی و بروغن بنفشه بیشتر تدهین
کردی و گفتی او بهترین روغنهاست و اقل تدهین که بمرتبه رعایت بود و بعد از آن بهره
شانه و بعد از آن خود را در پیش چکانیدی و بوییدی و آنحضرت بجهت درد سر ابرو سما را
روغن مالیدی و شارب را تدهین کردی بروغنیکه فزاید روغن بودی که محاسن را بآن تدهین
فرمودی **در بیان شانه کردن آنحضرت** روایت است که گاهی خود سر و محاسن مبارک را شانه
کردی و گاهی زنان آنحضرت شانه کردندی و موئیکه افتادی نگه داشتندی **گویند** عدد آن
که در دست مردمانست از مویهاست و اما موئیکه در حج و عمره تراشیدی جبرئیل از برای
آسمان بردی و گاه بودی که یک روز دو نوبت محاسن مبارک را شانه کردی و شانه را در زیر بالش
نهادی و فرمودی که شانه کردن دفع وبا میکند و چون شانه کردی شانه را از زیر بالا چهل
نوبت بردی و از بالا هفت نوبت بجانب زیر زدی و فرمودی که این ذهن را زیاد میکند
بلغم را ببرد **در بیان بوی خوش آنحضرت** روایت است که بمشک طیب فرمودی و بعود و بر دو
سر مالیدی و بر دو گوش بوی ها طیب کردی که از مشک است و عنبر و گاه بغالیه نیز خود را خوشبو
ساختی و گاه زنان آنحضرت او را تطیب کردندی و بعود قماری تطیب و بخور کردندی و در شب
تاریک بی آنکه کسی ببیند از بوی خوش او دریافتندی و گفتندی که این پیغمبر است و
مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت بر بوی خوش بیشتر انفاق و احسان
نمودی که بر طعام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آنحضرت را سه خصلت بود که در
دیگری نبود اول آنکه او را سایه نبودی دیگر آنکه چون از راهی گذشتی بعد از دو سه روز
معلوم شدی از بوی عرق مبارکش که آنحضرت از آنجا گذشته است و دیگر بر هیچ سنگ و درختی

خوف خود را تنها اثر عین
دار برای وجود خود [illegible]
حرمت و ثروت [illegible] دیگران
ببینند [illegible]
معلوم شد که غالب [illegible]
طفولیت [illegible]
[illegible]
بیشتر بود که از اطفال [illegible]
[illegible]
خاطر جمع و مطمئن بوده [illegible]
[illegible]
[illegible]
و عیال خود باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] **نعم** [illegible]
او از عذاب الهی باشد بواسطه
معاصی و این قسم خوف ممدوح
[illegible]
[illegible]
از جهل و غفلت است [illegible]
گفتیم معلوم شد که خوف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حیات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
است [illegible]
رضا و خوشنود [illegible]
[illegible]

نکند شو مگر آنکه او را سجده کرده‌ای و هیچ بوی خوشی بر او عرض کرده نشدی الا آنکه آن
آن چیزی قبول نمودی و بان طیب فرمودی و گفتی که بوی خوش بودن خوب است و مبارک
است و اگر طیب نکردی انگشت مبارک بران زدی و بدهان بردی و لعق نمودی و فرمودی
که لذتش دریافتیم از زنان است و بوی خوش و نور چشم من در نماز است و دوده

در بیان سرمه کشیدن آنحضرت روایت است که سه نوبت سرمه در چشم راست
راست کشیدی و دو نوبت در چشم چپ و فرمودی که هر که خواهد سه نوبت در چشم نیز
میتوان کشید و اگر زیاده و کم از این کند باکی نیست گاهی اکتحال فرمودی و دوده
بودی و آنحضرت را سرمه دانی بود که در شب بدان سرمه کشیدی و کحل وی سرمه بودی

در بیان نگریستن آنحضرت آنحضرت در آئینه نگریستی و بر موی محاسن مبارک
دست کشیدی در زینت و ترتیب او بشانه کردن و گاهی نظر مبارک در آب انداختی و خود را
ساختی و چون نزد اصحاب رفتی زینت و تزیین بیش نمودی از آنکه نزد اهل خود رفتی و
بعایشه گفت وقتی که میخواست نزد اصحاب رود در خانه که دیدم او را گاهی که نظر بکوزه
انداخت که در آن آب بود و در آن مشاهده نمود تزیین و تجمل و ترتیب حسن و جمال نمود
عایشه گفت پدر و مادرم فدای تو باد که در کوزه چون آئینه روی خود را می‌بینی اینکه
و حال آنکه تو پیغمبری و بهتر خلقانی فرمود که دوست میدارد خدای تعالی از بنده خود
که چون نزد برادران خود رود خود را بلباس خوب و ترتیب و تزیین آراسته دارد در بیان

مالیدن چیزها بدن مبارکش روایت است که آنحضرت نوره فرمودی بدیگران تا طلا کردی
از بالای بدن تا محل بستن ازار و دو ران تا پائین تر بدست مبارک خود مالیدی و روایت است که آن
حضرت در هیچ سفری از خود جدا نساختی شیشه روغن و سرمه دان و مقراض و آئینه و مسواک و
شانه و در روایت ام سعد است که آئینه و سوزن و مصحف و تو بود که جامه را پاره دوختی و
کفش را پینه زدی و چون سوال کردی بعرض کردی

در بیان لطف آنحضرت تعالی
که آنحضرت شمله پوشیدی و آنرا از ساختی و گلیم در دنبال کار داشتی و گویند که آن نیز از آن
ساختی و آنرا خوش آیند بود چه سیاهی عمره باشیک آنحضرت ظاهر بودی
ناسب نمود و گویند تا و تبکه حق سبحانه و تعالی قبض روح المطهر فرمود آن نمره بود که
در بیرون عبد الاشهل ... بود که آنرا پوشید و چون نظاره خلق فرمودند آن نمره را ... چون

مشغول بریاضت و مجاهدت باشد
و در مقام تحصیل از برای کمال صفات
بد را که از خلق‌ها و طول الامل
از خود زایل کند و سعی کند از راه
او معتقد شده است خاصیت بر ...
صفت دویم از صفات مذمومه
شاعره تقوی عصبیه (ایمنی از
مکر الله است) یعنی ایمنی از عذاب
الهی و از انتقامات خدای ... شد
و از عظمت و جلال حضرت ذو الجلال
بیندیشد و سبب آن یا عقلا از
عظمت پروردگار یا عدم عقل
بعقد حیا یا الطبیان و تحت رحمت
خدا یا الطماع در طاعات و عبادات
خود است و این صفت از ... که
کناهی شده است انتهالک در
موجب خسران است جرا عراق
یا جهل یا کبر یا عزت یا عجب است
و در رشک از ابتهال اهل کرامتی
هلاک میرساند و ایات اخبار
در مذمت این صفت بسیار است
حق تعالی فرموده که ایمن از مکر الله
نیکرد مگر جماعت زیانکاران
و اخبار بسیار وارد شده است که
فرشتگان و ملائکه و پیغمبران
مکر الهی خائف و ترسان بوده اند
بنده مومن در هیچ حال از ان
الهی و انتقامات خدای غافل نشود
و شوخ خدای و غضب الهی از خوش
نماید و ضد این صفت خوف
خوف از خدا است و این صفت
خوف از عظمت و جلال خدا و ...
و مثال و خوف انکاه از تقصیرات

با مردم نماز گذاردی شمله پوشیدی و ابن بو عالیت گوید که دیدم مینمود که آنحضرت با ما
نماز پیشین میگذارد و بادی شمله بود که هر دو طرفش بر کتف مبارکش عقد کرده بود

در بیان طاقیه و دستار آنحضرت روایت است که آنحضرت طاقیه در زیر دستار پوشیدی
و طاقیه بی دستار نیز بر سر نهادی و دستار بی طاقیه نبستی و از طاقیه‌های یمنی بر سر بستی و در
طاقیه سفید مصری بر سر نهادی و طاقیه کم بر سر نهادی که گوشها اندو طرف داشتی
و بعضی سبز بودی و گاهی بود که طاقیه از سر برداشتی و در پیش رو نهادی و نماز بسوی او گذاردی
و در سفر گاهی عمامه از خز سیاه بر سر بستی و در پیش رو گاهی نیز بستی و بالای دستار گاهی خیری
پوشانیدی چنانکه گوشها و گردن بدان پوشیده شدی و گاه بودی که دستار نبستی و عصابه بستی
برگرد سر و پیشانی را از خواص آنحضرت عصابستن بودی و دستار دیگری مسمی بود او ابن حنیف که
حضرت را دستاری بود که آن را سحاب گفتندی و آن را بامیر المؤمنین علی علیه السلام داد و گاهی که
بدان بمقدم رسول فرمودی که علی علیه السلام آمد در سحاب یعنی بدستاری که تو بخشیده بودی عمامه
گوید دیدم که آنحضرت با جبه از صوف و عمامه از صوف بر من آمد و خطبه
بلیغ ادا نمود که من نشنیده بودم از خلق خدا هیچ کس در هیچ حال بیان حسن و جمال در بیان

جامه پوشیدن آنحضرت روایت است که چون جامه نو پوشیدی فرمودی که الحمد لله الذی کسانی
ما اواری به عورتی و چون جامه را از تن بر کندی ابتدا از دست راست کردی و از عادت آنحضرت
بود که چون لباس نو پوشیدی شکر آن بجا آوردی و حق جل و علا را دعا خواندی و مسکینی طلب
کردی و جامه کهنه را بوی دادی و فرمودی که هر مسلمانی که مسلمانی را جامه خود بپوشاند خاص
از برای خدای تعالی دائما او در ضمان و امان خدای تعالی باشد و او را نزد خدای تعالی قدر و
منزلت باشد در زندگی و مردگی و روایت است که آنحضرت چون لباس نو پوشیدی بر بنا نمودی و هست
بایستادی پیش از آنکه از خانه بیرون رود و گفتی که اللهم بک استترت و الیک توجهت و بک
اعتصمت و علیک توکلت اللهم انت ثقتی و رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا
اهتم به و ما انت اعلم به منی عز جارک و جل ثناءک و لا اله غیرک اللهم زودنی التقوی
واغفر لی ذنبی و وجهنی للخیر حیث ما توجهت و بعد از آن بیرون رفتی برای حاجتی که داشتی
و آنحضرت را دو جامه بودی یکی خاصه از برای روز جمعه و یکی دیگر جهت غیر جمعه و آنحضرت را
خرقه معین بود که بعد از وضو مبارک خود را خشک ساختی از وضو گاه و بوی کتانی مندیلی بود

در دفع خوف خدا

خود و خوف او از این مرده باید و
شبهه نیست که هر که معرفت
بعظمت و جلال پروردگار
بیشتر و بعیوب خود بینا تر باشد
ترس او از خدا زیاده تر میشود و
از این جهت است که حق تعالی
خوف را نسبت بعلماء داده که
فرموده انما یخشی الله من عباده
العلماء و رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرموده که ترس من از
خدا از همه بیشتر است و البته
اگر شنیده شنیده حکایات خوف
انبیاء و مقربین و خشیت ...
در حال امیر المومنین علیه السلام
و سبب آن کمال معرفت ایشان
بخدا است که معرفت کامل در دل
اثر میکند و از آن نور ... جلی
بیاید و قرار از دل ... سلب
میکند و گاه ضعیف و لاغر
جمعی از ... و دیده را گریان
بینا ازد و بعضی ... که خوف
... تحصیل ... از حق
... نکند و اگر ... موم ...
... باشد که ... میکند
... از رحمت خدا ... از
ضلال و کفر است و ... گمراهی
که خوف از خدا بمرتبه ... از
که ... بنده گان ... طغی
بر علم و عمل و طاعت و عبادت
تا ... مثل اطفال ... تمام
میکنند که ... ثمر ندارد
مهلک است و باید دانست که
تحصیل صفت خوف بچند طریق

در بیان انگشتری آنحضرت مرویست که ... خود را خلق ساخته بودی بوی که باشد دانی بطرف
که آنحضرت انگشتری نقره در انگشت کردی و نگین او حبشی بود و او را بطرف کف دست
گردانیدی و گاهی انگشتری حدید در انگشت کردی که معاذ بن جبل بر سبیل هدیه نزد وی آورده
بود و محمد رسول الله بر آن نقش کرده و آن انگشتر را بدست راست کردی و آنحضرت را انگشتری
بود که از نقره و نگینش ظاهر بود و همچنانکه مردمان آنرا بدست میکنند و در آن محمد رسول الله
نقش بود و استنجا بدست چپ کردی و بعضی انگشتری از نقره داشت که نگینش نقش داشت و لیکن ...
مرویست که انگشتری را با تمام در دست راست ... از دنیا رحلت فرمود و گاهی انگشتری ...
میان ... در بند دویم از آن و گاهی در انگشت سبحه کردی که پهلوی انگشت بزرگ است و ...
... گاهی کردند اصحاب ... تا آن عدد کرده باشد و مهر بر کتاب ...
بر کاغذها امانات ... **در بیان نعلین آنحضرت** روایت است که نعلین پوشیدی بر مثال کفش
که میان آن باریک و با پاشنه ... و پیش آن پهن بودی ... و بیان
پوشیدن نعلین سنت که بر آن ... نبودی و چون ابتدا بپوشیدن نعلین فرمودی از پای راست ابتدا
کردی و چون از پای کندی ابتدا از پای چپ کردی و گاه امر کردی بپوشیدن نعلین هر دو با هم
کندن مردمان را زیرا که مکروه داشت که یکی بپوشند و یکی نپوشند و از نوع همه نوع پوشیدی
در بیان جامه خواب آنحضرت مرویست که جامه خواب آنحضرت ... که از دنیا رحلت
ابتدا ... بود از پشم شتر پر کرده و گویند دراز ... دو گز بوده و پهنای آن
و وجبی بود مرویست از امیرالمؤمنین علیه السلام که جامه خواب آنحضرت عبائی بود و ...
آنحضرت پوستی بود پر از لیف خرما شبی فرمود آنرا دو تا کردند و بر آن خواب کرد و صباحش
فرمود که مرا جامه خواب امشب از نماز منع کرد و فرمود که آنرا یک تا کردند و جامه خواب ... پوست
پر از لیف خرما و ... بود ... که پوشیده اند و ... خشوع کردی و آنحضرت گریه
... کوتاه ... گلیم ... نماز گذاردی **در بیان**
خواب آنحضرت مرویست که آنحضرت خواب فرمودی بر روی حصیر که هیچ چیز در زیر آن نبودی
و چون اراده خواب میفرمود مسواک میکرد و چون بجای خواب میرفت بر پهلوی راست خسبیدی
و دست راست در زیر روی ... نهادی و فرمودی که اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک
در بیان دعای آنحضرت نزد خواب و در این باب روایات مختلف است از آن جمله آنست که

ببیشود اول آنکه سعی کند
تحصیل یقین و ایمان بخدا و روز
جزا و بهشت و دوزخ و عقبات
حساب دویم آنکه پیوسته متفکر
احوال روز حساب شود ...
عذاب ... [illegible]
... و صعوبت عالم قبر و برزخ
و مواخذه روز قیامت ...
نماید سیم آنکه تأمل نماید
احوال ... از خدا ...
کند حکایات انبیا و اولیا که
خوف ایشان بچه حد بود ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... آخر ...
... ظاهر ... خود
خوشنود ...
[illegible]
از برای ...
خود را ...
[illegible]
کرد که ...
او ... چنانچه ...
ثلاث ... سال
عبادت و عمل ... بهشت
میکند ...
[illegible]
[illegible]
شده است ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
(موعظه)

خوف از شر

چون بجای خواب می فرمودی که اللهم انی اعوذ بک بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ برضاک
من سخطک و اعوذ بک منک اللهم انی لا استطیع ان ابلغ فی الثناء علیک و لو حرصت
انت کما اثنیت علی نفسک و در وقت خواب کردن گفتی بسم الله اموت و احیی و الی الله
المصیر اللهم آمن روعتی و استر عورتی و ادّ عنی امانتی و آیة الکرسی خواندی نزد خواب
کردن و فرمودی که جبرئیل آمد بمن گفت یا محمد عفریتی از جن مکر بتو دارد که در وقت
خواب بر تو ظفر یابد بر تو باد که آیة الکرسی بخوانی و در وقتیکه از خواب بیدار شوی نیز بخوان
مرویست از امام محمد باقر که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز از خواب بر نخاست
الا آنکه خدای تعالی را سجده کرد و روی نیاز بر زمین نهاد و دیگر گویند که آنحضرت خواب
نکردی تا مسواک بر بالای سر خود نهادی و چون از خواب بیدار شدی اول مسواک کردی
که ... مسواک کردن ... که بر من واجب گردانید باشد و چون از خواب
در آمدی گفتی که الحمد لله الذی احیانی بعد موتی ان ربی لغفور رحیم بعد از آن فرمودی
که اللهم انی اسئلک خیر هذا الیوم و نوره و هداه و برکته و طهوره و معافاته اللهم
انی اسئلک خیره و خیر ما فیه و اعوذ بک من شره و شر ما بعده **در بیان مسواک آنحضرت**
روایت است که آنحضرت هر شب سه نوبت مسواک فرمودی یک نوبت پیش از خواب و
یک نوبت از خواب برخاستی و یک نوبت پیش از آنکه نماز صبح بجا آورد و چون ابتدا مسواک
کردی ... فرمودی که جبرئیل مرا بدین فرموده است **مرویست** از امام جعفر صادق
که گفت مکروه میدارم که مرد پیر شود و بمیرد و سنتی از سنتهای رسول الله ص فرو گذاشت کرده باشد
باب دویم در آداب پاکی و خوش بوئی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک
کردن مشتمل بر سه فصل **فصل اول** در پاکی و خوش بوئی و سرمه کشیدن و روغن
مالیدن و آنچه در حکم آنست **مرویست** از ابو عبد الله علیه السلام که امیرالمؤمنین علی علیه السلام
فرمود که پاکیزه کنید ... که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد بندگان ناپاک را
هم از آنحضرت منقولست که شستن جامه غم را ببرد و پاکی سنت از برای نماز و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده با انس که ای انس ... پاکیزه کن که حق سبحانه و تعالی ... زیاده
گرداند عمر تو را اگر توانی چنان کن که شب و روز بطهارت باشی که اگر بطهارت بمیری شهید
باشی ... در روضة الواعظین مذکور است **مرویست** از امام جعفر صادق علیه السلام که

مؤمن را بر خیر و اسلام الا ...
... تعجب میکنند میگویند
چگونه نجات یافت از دنیا ...
... نجات یافتند ...
و نیز روایت شد که مردم همه
اهل هلاک اند مگر علما و علما
همه اهل هلاک اند مگر کسانیکه
بعلم خود عمل میکنند و همه اینها
نیز اهل هلاک اند مگر مخلصین
و مخلصین همه بر خطر عظیم اند
... ترسیدم ... از خود
گریه کنم ... احوال خویش ...
دیدها ... دیگری چون ...
... خود ...
هر که ...
...
و ... خوف ...
الاثر ...
...
خاتمه ...
... اول که آن
...
... ظاهر ...
او ...
بعضی از ...
شود ...
خدا که ...
... دویم آنکه ...
خداوند ...
دنیا ...
...
...
...
(در نظر)

که وضو بسازد و دایم را خشک کند و دایم که حسنه باشد و هر که وضو بسازد و خشک
نکند تا خود خشک شود ثواب سی حسنه در دیوان عمل او بنویسند و روایت کرده علی بن اسباط که
شنیدم از ابی الحسن علیه السلام که چهار چیز است که از اخلاق انبیاست خوش بوی بودن
و دندانها را پاک داشتن و موی ستردن از جسد بنوره نهادن و نزدیکی بسیار کردن
در بیان بوی خوش و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که بوی خوش
دل را قوی میگرداند و در کتاب امالی طوسی مذکور است از امام جعفر صادق علیه السلام که
فرمود خدای تبارک و تعالی دوست میدارد جمال و نیکوئی را و دشمن میدارد [illegible] و میان
گرفتگی و چرکین بودن را بدرستی که حق سبحانه و تعالی هرگاه نعمتی با بنده انعام فرمود
دوست میدارد که اثر آن نعمت بر او نمایان باشد پرسیدند که چگونه است اثر انعام الهی بر او
فرمود که پاک کند جامه را و بوی خوش بکار برد و خانه را بعد از بنا گچ سفید کند و
اطراف خانه را جاروب نماید و بعد از غروب چراغ روشن کردن پیش از فرو رفتن آفتاب
فقر میکند و روزی را میافزاید **و در حدیث** از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود چهار خصلت از
سنتهای پیغمبران است مسواک و حنا و بوی خوش و زنان و هم آنحضرت فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در هر شب جمعه بوی خوش بر خود کردی و اگر نیافتی غالیه را از بعضی زنان
خود گرفتی [illegible] و هم از او مرویست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که قبول نکردم از دنیای شما مگر بوی خوش و زنان را و فرمود که آنچه خرج بوی
خوش میکنند اسراف نیست **و دیگر** فرمود که هرگاه یکی از شما را تحفه بدهند باید که
ببوید و بر چشم خود مالد اگر از بهشت عنبر سرشت است **و در کتاب روضه** مالک جهنی گوید
که یکدو ریحان بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بردم گرفت و بوسید و بر چشم مالید و
فرمود که هر که ریحان یا چیز خوشبو بگیرد و ببوید و بر چشم نهد و بگوید که اللهم صل علی محمد و آل محمد
الخطای تعالی او را بیامرزد **و در حدیث** از رسول صلی الله علیه و آله که هرگاه برادر مسلمان ریحانی
برای یکی از شما بیاورد رد مکنید که از بهشت است و بهره بردن از آنجا **و روایت** کرده امام
رضا علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که بوی خوش نیکوست و عسل نیکوست و نگاه
کردن بسبزه نیکوست و سواری نیکوست **و هم** از امام رضا علیه السلام فرمود که معلوم
بود امام جعفر صادق علیه السلام را در مسجد بجهت بوی خوش **و نیز** فرمود که بوی خوش از خصایل

پیغمبرانست **و دیگر** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز با بوی
خوش کرده بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی بوی خوش باشد **و دیگر** فرمود
که سه چیز از خصلتهای پیغمبرانست موی ستردن و بوی خوش بکار بردن و بسیار مباشرت
با زنان کردن **و در حدیث** از امام جعفر صادق علیه السلام تا امام رضا علیه السلام که رد مکنید
بوی خوش را که آنکه کرامت است رد نباید کردن مگر کسی که عقل او مثل عقل
خر باشد که آن را رد کند **و دیگر** فرمود که شارب را خوشبوی کردن از اخلاق انبیا و کرام
الکاتبین است **و هم** از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که حضرت پیغمبر را نافه مشک
بودی که چون وضو ساختی او را بدست گرفتی در حالیکه دستش تر بودی و هرگاه بیرون رفتی
معلوم شدی که آنحضرت رسول الله است که بیرون آمده **و روایت** کرده حضرت امام رضا علیه
السلام که امام زین العابدین علیه السلام را عطردانی بود از رصاص که در خانه او آویخته بودی که
در آن مشک بودی پس هرگاه خواستی که بیرون آید جامه را بوی دادی عطردان را اگر فتی
و آن مشک بیرون آمدی و در جامه اثر آن ظاهر میگردید **و روایت** کرده امام رضا علیه السلام بعود هندی
بسیار بخور کردی و بعد از آن گلاب بر جسد انداختی و مشک بکار بردی تمام این خاصیتها از
متبرکات سید المرسلین ابی البرکات است **و از حضرت** صادق علیه السلام مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که [illegible] و نیز
بوی بهای بوی مشک است **و نیز** فرمود که رسول صلی الله علیه و آله بوی خوش ایثار کردی بیش از طعام
در رسول صلی الله علیه و آله فرمود با امیرالمؤمنین علی علیه السلام یا علی بر تو باد بوی خوش در هر
روز جمعه که [illegible] و در مسجد بوی خوش [illegible] ادام کن بوی خوش از تو
و دیگر فرمود که سزاوار است که مرد در هر روز خود بکار برد بوی خوش و اگر قادر نباشد
پس در هر روز یکبار و اگر نتواند پس در هر جمعه یکبار **و دیگر** حضرت رسول صلی
الله علیه و آله فرمود که خرج کردن در بوی خوش بکار برد و از خانه بیرون آید بلعنت باشد
تا آنکه بخانه آید **در بخور کردن** مرویست از مرازم که گفت با ابی الحسن علیه السلام بحمام رفتم پس
چون بحمام داخل شد امام مجمر طلب کرد و بخور کرد و فرمود که آنجمر نصیب بگیرید **و روایت** از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت سزاوار است که مرد بخور کند جامه‌های خود را اگر بر آن قادر باشد
و روایت که در زمان امام حسن علیه السلام را بوی طلبید که آن طعام [illegible]

ابا کرد از آن جهت که دو زره داشت پس جبرئیل گفت که تحفه برای تو بیاوردم که لایق بوده
باشد آنحضرت قبول فرمود و بمنزل او رفت او بوی خوش و روغن آورد آنحضرت روغن
بر محاسن مالید و جامها را بخور کرد و نیز حضرت امام حسن علیه السلام فرمود که تحفه
آنست که بوی را شاد کند و جامه را بخور کند از صادق علیه السلام مرویست که رسول فرمود
که بوی خوش زنان آنست که رنگش ظاهر باشد و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان
آنست که بویش ظاهر باشد و رنگش مخفی باشد **در بیان گل و گلاب** از کتاب طب الائمه
علیهم السلام روایت کرده حسن بن منذر که چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بمعراج رفت
زمین از دوری آنحضرت حزین و غمگین شد و گیاه رویانید و چون باز آمد خوشحال و شادمان
گشت پس گل برویانید پس هر که خواهد که بوی پیغمبر را شمام نماید باید گل بو کند و در حدیث دیگر
وارد شده که چون آنحضرت بمعراج فرمود عرق از جبین مبارکش بر زمین چکید گل سرخ
از آن روئید پس آنحضرت فرمود که هر که خواهد که بوی مرا شنود گل سرخ بو کند **انس بن
مالک** روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در شب معراج گل سفید از عرق
من خلق شد و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و دیگر مرویست از آنحضرت
که گلاب بروی بپاشد در آن روز بیچارگی و پریشانی نبیند و نیز از آنحضرت روایت کرده که هر که گلاب
بروی مالد و از آن روز بعد در وی نرسد و هر که خواهد که گلاب بکار برد بر روی و دست
بمالد و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و علیهم السلام صلوات فرستد **روایتست** از حضرت
امام حسن علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله بهر دو دست گل را پیش من برنهاد و
فرمود که این سید ریاحین است در دنیا و آخرت **در بیان نرگس** روایتست از
حسن بن منذر که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نرگس را فضائل بسیار است
ثواب بسیار در بوئیدن آن دارد و خواص او بسیار است و چون نمرود ابراهیم را در آتش انداخت
بجهت سوختن ابراهیم حق سبحانه و تعالی آن را بر او خنک و سلامت گردانید و در آن
حق تعالی نرگس رویانید پس اصل نرگس از آنست که حق تعالی در آن زمان رویانید **در
بیان مرزنگوش** انس بن مالک روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که بر شما باد نگاه داشتن مرزنگوش که بوئیدن آن بغایت برای زکام نافع است و روایت کنند
که اگر گلی و ریحانی پیش آنحضرت آوردندی بوئیدی و باز پس دادی غیر مرزنگوش که آنرا پس

در صبح و عادت

از معاشر و اخلاق دنیه
پادشاهان رهیده از خانه
خان دود و فرامشهم
در دو مکانست پس که آن
خود زراعت کند پس از آن
داشته باشد و بنا کند
و الا از ... روز روی
که از فصحای عرب گفته
ما اشتار العسل من اختار الکسل
حاصل سخن آنکه شغل
باید در رنج و محنت نشود
مرد از گرفتاری ... دیگر
و آنچه وارد شده که شخصی
صادق علیه السلام عرض کرد که
قومی از دوستان شما معصیت
میکنند و میگویند ما امیدواریم
حضرت فرمود دروغ میگویند
دوستان ما نیستند ایشان قومی
هستند که امانی و آمال بر ایشان
غلبه کرده هر که امید
داشته باشد عمل از برای او
میکند و هر که از چیزی ترسد
گریزد ... و امید ...
فاید شد بسیار است و اگر
در این باب خبر ...
مرحمت حق تعالی و شفاعت
حضرت رسالت پناه و اهل بیت
طاهرین او علیهم السلام بشارت
وارد شده که از برای شیعیان
ولیکن شیعه آنکه از فاسقان
جانی که ...
عمل ...
امر ... و مغفرت ...

زاد پس مرویست از امام موسی کاظم علیه السلام که رسول علیه السلام فرمود که بگو
ریحان است مرزنگوش رستنی است که در زیر ساق عرش اعظم و آب او شفای دیدگانست
فصل دوم در سرمه کشیدن و روغن مالیدن **در کتاب** من لا یحضره الفقیه روایت
کرده از امام محمد باقر علیه السلام که سرمه کشیدن مژه را میرویاند و دیده را تیز میگرداند و یاری
میکند بر درازی سجود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که اعرابی بخدمت رسول
صلی الله علیه و آله آمد تعلیم نام و چشمهای وی تر بود آنحضرت فرمود که ای اعرابی چشمها
را من میبینم تر تو را سرمه کشیدن بدرستیکه آن چراغ چشم است و دیگر فرمود که سرمه کردن
دندانها را جلا میدهد سرمه کشیدن بوی دهان را میبرد **مرویست** از امام رضا علیه السلام
که هر که را ضعف بصر باشد باید که هفت میل از سرمه بکشد چهار میل در چشم راست و
سه میل در چشم چپ بدرستیکه آن مژه را برویاند و دیده را نور میدهد و انتفاع میگرداند
او را حق سبحانه و تعالی از آن سرمه کشیدن بعد از بیوتی بالوع و دیگر فرمود که هر که ایمان بخدا
دارد و بروز آخرت باید که سرمه کشد و نیز فرمود که بر شما باد به سرمه کشیدن که دیده را جلا
میدهد و موی مژه را میرویاند و آب دهن را خوش میکند و در باه بیفزاید **دیگر** از آنحضرت
فرموده که هر که ضعف بصر پیدا کند باید که در وقت خواب کردن هفت میل سرمه بکشد چهار
میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ **از** امام جعفر صادق مرویست که سرمه کشیدن بوی
دهان را خوش میکند و منفعت او باقی است تا چهل صباح **و هم** از آنحضرت مرویست که
بیشتر سرمه کشیدن پیغمبر در شب بودی و عدد هر چشمی سه میل کشیدی و نیز از آنحضرت روایت
که سرمه کشیدن در وقت خواب امانست از زوال بصر و از او روایتست که حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله سرمه کشیدی هرگاه که بجامه خواب رفتی **ابن فضال** گوید که حسن بن جهم میل از
آهن بمن نمود گفت این از حضرت امام رضا علیه السلام است که با آن سرمه کشیدی و من هم میکشم
از یاسر خادم مرویست که یکی عرض کرد بخدمت امام رضا علیه السلام که در منزل دو تا چند
زینت را امام فرمود از خدا بترس و سرمه بکش و اندوه مگذار آن را **مرویست** از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که سرمه کشد باید که طاق بکشد و هر که بخور کند باید
که طاق کند که بغایت خوبست و اگر چنین هم نکند باکی نیست **و هم** مرویست از آنحضرت که
هر که سرمه کشد طاق کشد و هر که بخور کند طاق کند و هر که استنجا نماید بحضرت عرض

در مذمت ضعف نفس

هیچ کس خطور نکرده باشد
ایکه شیطان طمع اندر وی
کردیست که اگر بنده گناه
نکند حق تعالی خلق دیگر خواهد
آفرید که گناه کنند تا ایشان را
بیامرزد

عفو خدا بیشتر از جرم ماست
نکته سربسته چه گوئی خموش
...
خطاب ...
صفت چهارم ضعف نفس است
و علامت آن عجز و اضطرابست
در وقت حدوث حادثه و نزول
بلیه و این صفت از خبث که
صاحب آن در نظرها خوار و
بی مقدار میکند و لازم است
را ها ...
بدلیل و جلیل ... امور غالبه
مشاهده ...
تنگی و اضطراب باشد ...
... **وصد آن**
بزرگی نفس ...
آنست که آدمی ...
کردار ... و چون ...
ضعیف ...
چون ...
با ...
که ...
و طریق تحصیل این صفت ...
در دم خوف ...
معلوم میشود **صفت پنجم**
...
...

طاق نماید و هر که استنجا کند طاق کند و دیگر فرمود که بر شما باد سرمه کشیدن
بدرستیکه بوی دهان را خوش میکند و بر شما باد مسواک کردن بدرستیکه بصر را جلا میدهد
شخصی پرسید که چگونه است یا رسول الله فرمود که چون مسواک میکنی بلغم از دماغ فرود میآید
و بصر را جلا میدهد و چون سرمه میکشی بلغم را میبرد و دهان را خوشبو میگرداند و مستحب است
که در وقت سرمه کشیدن این دعا بخواند اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص
فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی **در بیان**
روغن بر بدن مالیدن و بدماغ رسانیدن **ابو جعفر** بن بابویه قمی روایت کرده از امام جعفر
صادق علیه السلام که هرگاه روغن بدست بگیری بگو اللهم انی اسئلک الزین و الزینة فی
الدنیا و الآخرة و اعوذ بک من الشین و الشنآن فی الدنیا و الآخرة و دیگر فرمود که روغن
مالیدن نرم میکند جلد را و میافزاید در دماغ و آسان میکند راه آب را و میبرد خشکی را
و روشن میگرداند رنگ را و دیگر فرمود که هر که مسلمانی را روغن مالد بپوشد خدای تعالی
بعدد هر موی نوری در قیامت و نیز فرمود که روغن بنفشه مالیدن بخشکی دماغ و تنگی
ببرد **دیگر** فرمود که روغن بنفشه بهترین روغنها است و رسول الله در وصایا فرمود با امیر
المؤمنین علی علیه السلام که ای علی تناول کن زیتون را و بمال روغن زیتون را بدرستیکه هر که روغن
زیتون را بمالد روغن او را تا چهل صباح شیطان گرد او نگردد **امیر المؤمنین علی** فر
میفرماید که بکار دارید روغن بنفشه را که آن سرد است در تابستان و گرم است در زمستان
و از حضرت روایت کرده که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فضل روغن بنفشه بر دیگر روغنها مانند
فضل اسلام است بر سایر ادیان و مرویست از حضرت صادق علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که فضل بنفشه بر سایر روغنها همچو فضل ماست بر سایر مردمان و هم از آنحضرت مرویست
که روغن مالید بیکروز در میان و طاق کشید سرمه را در چشمان **فصل سیم**
در مسواک کردن بعضی **در** کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که دائما جبرئیل وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه ترسیدم که دندانهای مرا بایل کند
یا بریزد و همیشه وصیت میکرد برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که عنقریب باشد که میراث برد و همیشه
وصیت میکرد مرا برعایت و خاطر جوئی مملوک تا آنکه گمان کردم که عنقریب باشد که عهدی و مدتی

کارهای بزرگ دفع عدو
نفس و شغلهای پست و اعمال
شنیعه و این صفت خبیثه مخصوص
کردن و ضعف نفس است
و ضد آن علو همت است که
سعی نمودن در تحصیل مراتب عالیه
و کارهای بزرگ باشد و کسیکه
همت او عالی باشد با حوادث
سر فرو نیاورد و بطمع منافع
خسیسه دنیویه خود را اسیر
غلام هر ناکس نکند هرچه کوید
رهر چه ... تعلق بدان دارد
و این صفت نتیجه بزرگی نفس و
شجاعت نفس است و با الاثرین
فضایل نفسانیست زیرا که هر
که بجائی رسید هر که بجائی رسید
سرافراز گردید بواسطه این صفت
شد **صفت ششم**
بی غیرتی و بی حمیتی است و آن
کوتاهی و اهمال کردن است در
محافظت آنچه نگاهداشتن آن
لازم است از دین و عرض و
اولاد و اموال و این مرض را
باشد بیوفی مهلکی شود و در
حقیقت است که دل مرد بی غیرت
نگونسار است **و ضد آن غیرت**
و حمیت است که نتیجه شجاعت و
قوه نفس است و از شرایف ملکات
است و کسی که از این صفت خالی
است از زمره مردان خارج و نام مرد
بر او اطلاق نتوان کرد و از جناب
صادق علیه السلام روایتشده
که حق تعالی غیور است و صفت

متفرق گردد که دندان محکم شود و از امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که خود را اشنا
بدن را میگداختند و مالیدن بغال جعد اکهنه میشاید و مسواک کردن در خلا بوی دهن میبرد
و روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مسواک کردن میافزاید در فصاحت و دیگر فرمود
که چون بر وضو باشید با مداد مسواک کنید و در آخر روز مسواک کنید زیرا که هر روزه دار که لبان او
خشک شده باشد در آخر روز بوی او در روی او نیکو باشد در روز قیامت و دیگر فرمود که خوب
چیزیست مسواک کردن از چوب بون کان درخت مبارکست زایل میکند خارش و دوستی دندانها
و آن مسواک من است و پیغمبرانی که پیش از من بوده اند و دیگر فرمود که چهار چیز است که از صفت
پیغمبرانست ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن و نکاح کردن و مسواک کردن و صادق علیه السلام
فرمود که چهار چیز است که سنت انبیاست بوی خوش و مسواک و دندان و حنا و امام موسی کاظم علیه
السلام فرمود که شیعه ما را ناچار است از چهار چیز سجاده از برای نماز و انگشتری که
در دست کند و مسواک که بآن مسواک نماید و تسبیحی که از خاک قبر امام حسین علیه السلام کرده
شده باشد که چون بگرداند بنویسد حق سبحانه و تعالی بجهت او بهر دانه چهل حسنه و
اگر از ایشان در غفلت بگرداند بنویسد برای او بیست حسنه و حضرت رسول فرمود در وصایا با امیر
المؤمنین علی علیه السلام که ای علی بر تو باد مسواک کردن نزد هر وضو چنانچه نصف وضوست و امام
صادق علیه السلام فرمود که چون حضرت در مابین اسلام دعیها مدند گروه گروه بنی اسرائیل
که دل ایشان تنگ بود و دهان ایشان پاکیزه نگشته یا رسول الله تنگی دل و پاکی
دهان ایشان از چیست فرمود برای اینکه ایشان مسواک میکردند در زمان
جاهلیت بدینی که داشتند **و دیگر** فرمود که هر چیزی را پاک کننده ایست و
پاک کننده دهان مسواک است **و امام محمد باقر** علیه السلام فرمود که رسول خدا
صلی الله علیه و آله بسیار مسواک میفرمود و بفرمود که واجب نیست پس حضرت نیز
ترک آنرا در بعضی ایام و باکی نیست که مسواک کند روزه دار در ماه رمضان در هر وقت
از روز که خواهد **و نیز** باکی نیست در مسواک کردن محرم **و مکروه است**
مسواک کردن در حمام زیرا که باعث فساد دندان میشود **و امام محمد باقر و**
امام جعفر صادق علیهما السلام فرمودند که دو رکعت نماز با مسواک
گذاردن بهتر است از هفتاد رکعت بی مسواک گذاردن **و دیگر**

غیرت را دوست دارد و از غیرت
او است که همه اعمال ناشایسته
ظاهر و باطنه را حرام کرده است
پس باید شخص غیور سعی کند
در رد بدعت مبتدعین و کسانی
که اهانت میزنند بدین مبین
و رد شبهه منکرین دین و جهد
کند در ترویج احکام دین و سعی
نکند در امر معروف و نهی از منکر
و محافظت کند اهل و حرم خود را
و در وقت آنها اهمال نکند و نا
تواند چنان نکند که ایشان نظر
در مردان ایشان نبینند و منع کند
ایشان را از آنچه احتمال فساد
در آن باشد مانند استماع
ساز و نوا و شنیدن خوانندگی
و غنا و بیرون رفتن از خانه
و آمد و شد با بیگانه و ... د
بمجالس و مجالس عروسیها
و سایر محافل و مجالس و ... منع
کند ایشان را از شنیدن حکایات
شهوت انگیز و نقلهای عشق آمیز
و مصاحبت با پیر زنانی که سا
از دم آمد و شد دارند و باید
مرد صاحب غیرت خود را در
نظر زنان با مهابت و صلابت دارد
تا همیشه از او خایف باشد و هیچ
وقت او را بیکار نگذارد که بیکاری
بوسیله ادنی باعث اراده خانه
شغلی بیرون گذارد نتواند
که کسی بیکار باشد شیطان او را
بفکرهای باطل میاندازد و میل
بیرون رفتن و دخول در ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ترک مکنید مسواک کردن را در هر سه روز
اگرچه یکبار باشد و دیگر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سرمه را در چشم طاق بکشید و مسواک را
بعرض بکشید و امام جعفر صادق علیه السلام ترک کرده مسواک کردن را پیش از شصت سالگی بجهت
بجهت ضعف دندان و روایت علی بن جعفر از برادر خود امام موسی کاظم علیه السلام از مردی که
مسواک با انگشت میکرد هرگاه که بر میخاست از برای نماز شب در حالی که دادو در بود بمسواک کردن
بجو بخر مود که هرگاه که برخیزد از برای نماز صبح باکی نیست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که هرگاه که برخیزد از برای نماز صبح باکی نیست و حضرت رسول فرمود که اگر مشقت نبود بر امت هر آینه
امر میکردم ایشان را بمسواک کردن نزد وضوی هر نمازی **مرغیبک** کعبه شکایت کرد بسوی
خدای تعالی با پیغمبر سید باد از نفسهای مشرکان پس حضرت حق سبحانه و تعالی وحی فرستاد بسوی
کعبه که آرام باش ای کعبه که من ایشان را بدل میکنم بجهت تو بقومی که پاک کرده باشند دهان را
بشاخ درخت باریک پس چون حق سبحانه و تعالی پیغمبر خود محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث گردانید
جبرئیل امد با مسواک و خلال و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در مسواک کردن دوازده
خصلت است و آن سنت است پاک کننده دهان است روشن سازنده دیده گان است خشنود
کننده رحمن و سفید سازنده دندان و برکند چرک دندان و محکم کند گوشت بیخ دندان و
اورنده طعام و برنده بلغم و افزاینده در حفظ و مضاعف سازنده حسنات و شاد شوند
با او فرشتگان **مرغیبک** که امام رضا علیه السلام را کیسه بود که در او پنج مسواک بود و بر هر
مسواکی نام نمازی نوشته بود که با او نماز های پنجگانه گزاران نماز را بالان مسواک که برای نماز
بود دامیفرمود **دو** کتاب طب الائمه وارد است که مسواک کردن روشن میسازند دیده را
میشنوانند و بر داشتن چشم را **در وصایای** حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
مر امیر المؤمنین علی علیه السلام را که ای علی بر تو باد بمسواک کردن و اگر بتوانی فدا در چیزی
ان کن تا بعوض چنان کن که هر نمازی را که میگذاری بمسواک گذاری که فضیلت دارد برای نمازی
که بی مسواک میگذاری تا چهل روز **از** امام جعفر صادق علیه السلام است که جبرئیل نازل شد
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بخلال و مسواک و حجامت و دیگر فرمود که رسول فرمود پاک کنید راه
قران را گفتند یا رسول الله چه چیز است راه قران فرمود که دهنهای شما گفتند بچه پاک کنیم
فرمود بمسواک و نیز فرمود که پاک سازید دهنهای خود را که از محل در مرد تسبیح است **مرغیبک**

و خود نماز میکند و طلوع
او از حظ و رغبت مینماید
کار او فساد دنیا همانطور
چون ماه با زا بگردد بر
دیگر بود در خانه شب چون
نیکان نکان چشم زنی فرو باد
جو هر چون شد از خانه دیگر
نزدیکی تعلق باشد که صفت
اگرچه خوب و مستحسن است
باید مجتنب از طرف شد و ادعا
بسوی شود که بی سبب مردم
بدگمان شود و ایشان زیاد
شک نکردید در صفت تجسس
باطن ایشان بر نیاید زیرا که
صحیحا انکه در حدیث ثواب
است زن مانند انطعو ننج
اگر خواهی اندازات کهف
میکنند و المجالس بالغرد
تجسس احوال ایشان نمود
بالاموات زیرا که این تجسس
ظن میشود و آن شرعا مذموم است
صفت هفتم عدول
شتابکرا ما لا و اقوال است
کار در هیچ جا نکرد و بحثها
خطور کند اقدام بر انها
مصلحتا نکرد احوال انها را
نماید و این صفت صفت صغیر
دارد اهمها ی نفس و شیطان
فرود حدیث نبوی است که آن
ارخاب شیطان است و تانی
خدای تعالی است و حکم
حجر بر سیما است که در کار
بنا حق الا دمی بر ند با حث

از امیر المؤمنین علی علیه السلام که مسواک کردن موجب صفای الهی است و زنده سازنده سنت
حضرت رسالت پناهی و خوشبو کننده دهان و از ابو عبد الله علیه السلام منقول است که مسواک
کردن موجب صفای الهی است و بر حال نشستن موجب خوشبوی دهان است و از امیر المؤمنین علیه السلام
روایت کرده که ستر چیز بلغم را دفع میکند و در حفظ می افزاید مسواک کردن و روزه داشتن
و قرائت قران نمودن **باب سیم** در اداب حمام رفتن و انچه بدان متعلق است
مشتمل است بر شش فصل **فصل اول** در کیفیت حمام رفتن **دو** کتاب من لا یحضره الفقیه
روایت کرده محمد بن حمران از حضرت صادق علیه السلام که چون بحمام داخل شدی پس بگو در وقت جامه
کندن اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان و چون بخانه اول در آئی
بگوی اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه و چون بخانه دوم
در آئی بگوی اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و فرا گیر آب گرم را
و بریز بسیار بر سر و پاهای خود و اگر توانی که از آن جرعه بیاشامی پس بیاشام که مثانه را پاک
و بعد از آن ساعتی در خانه دوم درنگ کن و چون در آئی بخانه سوم پس بگو که نعوذ بالله
من النار و نسأله الجنة و این دعا را مکرر بگو تا وقتی که بیرون امدن تو از گرم خانه و
باید که حذر کنی از آب سرد و خوردن فقاع در حمام که آن معده را فاسد میسازد و آب خنک
بر خود مریز که آن موجب ضعف بدن است و بریز آب سرد را بر هر دو قدمهای خود وقتی که بیرون
امدی از حمام و جامه پوشیدی بگو که اللهم البسنی التقوی و جنبنی الردی پس هرگاه که
چنین کردی ایمن شدی از هر دردی و باکی نیست از خواندن قران در حمام مادام که مقصود تو
از ان خوش خوانی نباشد هرگاه که بر تو ازار باشد **و** بسند محمد بن مسلم از امام محمد باقر
که ایا امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمود از خواندن قران در حمام فرمود نه بلکه نهی فرمود
انکه قران خواند در حالی که برهنه باشد پس هرگاه که ازار داشته باشد باکی نیست **علی بن**
یقطین پرسید از امام موسی علیه السلام که قران میتوان خواند در حمام و نکاح در حمام
کرد گفت باکی نیست و امیر المؤمنین علی علیه السلام میفرمود که حمام بد خانه است که اتش
دوزخ را بیاد میدهد و چرک را میبرد و دیگر فرمود که حمام بد خانه ایست کشف عورت
میکند و حیا میبرد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که بد خانه ایست حمام که هتک ستر
مینماید و کشف عورت میکند و خوب خانه ایست خانه حمام که گرمی دوزخ بیاد میدهد و ان

خسران و زیان و حاصل است
نادم و پشیمان میشود و هر یکجو
شکی و نظرها حوار و در
دلها بوقع و بی عبادت و
ضد صفت عجله و تانی است که
است از اطمینان نفس و نکوئی
در گفتار و کردار و در کارها
پیش از انکه شروع در یکی ازانها
کند و آن نتیجه قوت نفس است
از فضایل صفات است بلکه از
حسنه که مقبول است که تر
صفت سد و بر کرد کمان نفس
این صفت فرح میکند چنانچه
در منع برد و سبب انها حاصل
الو تایبها الکینه و ظاهر است که
در نظر مردم هیچ صفتی مانند
صفت ادمی شریف و عزیز نکند
چه این اوامر از است که بوسیله
شرافت و بی کیر صفت لاد نظر
داشته باشد و خود را از اعمال
و احوال ایشان بیاید تا عادت شود
ملکه او گردد و بر ظاهر است که
کار بها اصحیح نامل برای مستعمل
درآید چشم خویش و بیند تا
کار امسته بسر برد از شتابان
بهتر باد با آن که فرو ماند
شتر بان هم چنان اهسته میراند
صفت هشتم توکل است
بسوی خدا که خالق و اولی صفت
اظهار حیرت و ضعف عقل است
که هر حال ضعیفا الفقیر ترک
تا سعی که بنیامین میکند بقوت
و اعتماد بر نیابد اعتماد میکند

آداب حمام آن است که مرد فرزند خود را با خود بحمام نبرد تا نظر بعورت او نکند و حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس باید که نفرستد
عیال خود را بحمام و دیگر فرمود که منع میکنم زنان امت خود را از رفتن بحمام و امام موسی علیه السلام
فرمود که مروید بحمام ناشتا تا نخورید چیزی از طعام ابی عبدالله علیه السلام فرمود که مرو بحمام
مگر که در اندرون شما چیزی باشد از طعام تا حرارت معده را فرو نشاند و بدن را قوت دهد
و مروید بحمام وقتیکه شکم شما پر از طعام باشد و دیگر فرمود که باکی نیست مرد را که قرآن خواند در
حمام هرگاه که باین قصد ثنای الهی کرده باشد نه خوش خوانی ابن ابی یعفور گوید که پرسیدم از
ابی عبدالله علیه السلام که آیا مرد برهنه میتواند شد وقت ریختن آب که کشف عورت کند یا برهنه
آب ... و ببیند مردمان عورت او را یا او ببیند عورت مردمان را فرمود که پدرم مکروه میداشت
مرتبه آنها را و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که باید بر پشت پا رخت ببندید یکی نشاندن در حمام
خوا که بجا میکنند و بعضی روایت کرده اند که امام جعفر صادق علیه السلام از حمام بیرون میفرمود
دعا ... و بعضی بود که عمامه را ترک نکردم وقت بیرون آمدن من از حمام سرد زمستان و سرد در
تابستان و امام موسی علیه السلام فرمود که بحمام یکروز نباید رفت و یکروز نه که حمام هر روزه میکند
پیه گرده را و بنوبت گوشت را زیاد میکند و امام رضا علیه السلام فرمود که هر کسی که پای خود بشوید
بعد از بیرون آمدن از حمام پس باکی نیست و اگر نشوید پس باکی نیست منقولست که امام حسن علیه
السلام روزی از حمام بیرون آمد مردی گفت طاب استحمامک دراز باد حمام شما فرمود که این چه
کلمه گفت طاب حمامک خوش باد حمام شما فرمود هرگاه خوش باشد پس راحت بلنچه باشد
مرد گفت طاب حمیمک خوش باد عرق تو فرمود و بحق آیا نمیدانی که حمیم عرق است مرد گفت
پس چه بگویم فرمود بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک خوش باد آنچه پاک است از تو
پاک باد آنچه خوش است از تو امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون کسی گفت بود دروغ که
از حمام بیرون آمد طاب حمامک بگو در جواب که انعم الله بالک و حضرت رسول صلی الله علیه و
آله فرمود که بعد دشنه گوشت است دوای ... یا جهت غلبه گی خون است یا جهت صفرا یا جهت
بلغم پس دوای خون حجامت است و دوای بلغم حمام و دوای صفرا حرکت و تردد و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که سه چیز بدن را فربه میکند و سه چیز لاغر میسازد اما آنچه بدن را فربه کند
بسیار بحمام رفتن و بوی خوش استعمال کردن و لباس نرم پوشیدن و اما آن سه که بدن را لاغر میسازد

تخم مرغ بسیار خوردن و بسیار ماهی خوردن و بسیار بحمام رفتن تا آنکه تعویذی در پیات
بگذارد چه هر دو گوشت را کم میکند و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آب حمام را باکی
نیست هرگاه که از آن را ... باشد از داود بن سرحان مرویست که گفت از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدم که چه میفرمایی در دا بحمام رفتن گفت که او میخرد را ... است از محمد بن مسلم
مرویست که گفت پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که آب حمام جنب و غیر جنب غسل میکند چون است
فرمود که نیکوست باکی نیست که جنب از غسل کند چون غسل کردی بیرون آمدی هر دو پای خود را
بشوی اگر بجا آلوده باشد و آورده اند مرویست که گفت امام محمد باقر علیه السلام را دیدم که از حمام
بیرون آمد و شنید که پای را شسته باشد تا نماز بخواند و امام جعفر صادق علیه السلام مینمود که پا
بشوید چون از حمام بیرون آمد میکرد شقیقه را تکیه میداد و چون بیرون آمد عمامه
بند و از محمد بن موسی مرویست که گفت امام محمد تقی امام جعفر صادق علیهما السلام چون از حمام
بیرون میامدند دستار میبستند در تابستان و زمستان و میگفتند که آن موجب امان است از درد
سر و مرویست که هرگاه یکی از شما بحمام رود و حرارت بر او غالب شود پس باید که بریزد بر خود آب
سرد که آن تسکین میدهد حرارت را منقولست از امام رضا علیه السلام که ناخن بگیرید در روز
سه شنبه و حجامت کنید در روز چهارشنبه بحمام روید روز پنجشنبه و بوی خوش بکار برید در روز
جمعه فصل دوم در پوشیدن عورت در کتاب من لا یحضره الفقیه از ... که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدای تعالی دارد و بروز قیامت پس باید که بحمام نرود
مگر با ازار و بدرستیکه جماعتی از فرشتگان بر ارباب کاشته اند و پرسیدند از ابی عبدالله علیه السلام
از غسل کردن برهنه بی ازار فرمود که چون از دور کسی نبیند روا است و از ابی عبدالله مرویست
که امیر المؤمنین علی علیه السلام منع میفرمود از در رفتن بآب بی ازار و فرمود که شیطان نظر میکند
در حال برهنگی و طمع میاید در آن پس بپوشانید ازار همرویست که سعد بن عبدالملک
از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید که چون است که کسی با کسان خود بحمام رود فرمود که باکی
هرگاه که بر او و بر ایشان ازار باشد و برهنه نباشند بمثال خران که بعضی از آن نظر کند بعورت
دیگری منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که بغایت نجاست نظر بعورت مسلمان
کردن و اما آنکه مسلمان است مثل نظر کردن است بعورت حمار و دیگر فرمود که بلیه نظر کند
مرد بعورت برادر خود پس هرگاه برادر پوشش باشد پس بر او چیزی نبیند و دیگر فرمود که آنان

[illegible]

عورت نیست **و** از حفص بن منصور مرویست که گفت از ابی عبد الله علیه السلام از آنکه مردم می
میگویند که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است فرمود که نیست همین که بران زعم کرده اند بلکه مراد
عورتش چیزی دید که او را باعث عیب کند او را بپوشاند و فاش نکند که مبادا که او را بدنام
گرداند نه دیدن اندرون او **فصل سیم** در مالیدن حنا و در خضاب زینت و بوی
دختران **در کتاب** من لا یحضره الفقیه مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمود که در حمام
پشت بسنگ مکنید که ... و پای خود را بسفال نمالید که جذام میآورد **و** گویند که هم
گل مصر و سفال شام است **و** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سفال بپای نمالید که برص میآورد
و دوای ... حمام پا را ... که آب بوی میبرد **و** امام رضا علیه السلام فرمود که در حمام بدن
زینت و بسودن بر بدن مالیدن روا است چیزی که فائده ببدن میرساند اسراف نیست اسراف
مالیست در چیزی که بدن ضرر میرساند **و** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در حمام بوی خوش
بکار داشتن روا است و دایم بکار داشتن در حمام سنت نیست **و** از امام رضا علیه السلام پرسیدند
درباره مردی که در حمام بعد از نوره زینت و روغن بدن خود بمالد فرمود که روا است **شخصی**
از اصحاب حضرت ... علیه السلام پرسید که یا رسول الله ... چیست که ان تفسیر ...
است فرمود که نان با نمک خوب ... چه گفت ...
خوب بکار و با شیر بکار و با روغن زینت بکار **فصل چهارم** در تراشیدن موی سر و زایل
کردن موی از جمیع اعضا از زهار و بغل **در کتاب** من لا یحضره الفقیه آورده که پیغمبر فرمود که
که سر بتراش که آن چرک را زایل میکند ... **و** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که تراشیدن سر در
غیر حج و عمره مثله است برای دشمنان شما و جمال است برای شما **و** در کتاب نوادر الحکمه از امیر
المؤمنین علیه السلام روایت کرده که تراشیدن سر کودکان از ... چرک ... بعضی را تراشید و بعضی را
بگذارید **و** دیگر فرمود که کودکی را بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آوردند که برای او دعا کند
در سر او کاکل بود دعا نکرد و امر فرمود بتراشیدن سر او **و** دیگر آنحضرت امر فرمود بتراشیدن موی
شکم **مرویست** که رسول صلی الله علیه و آله فرمود و سر تراشید امام حسن و امام حسین علیهما السلام را
و بعدد موی سر ایشان نقره تصدق فرمود و عقیقه نمود و قابله را گوشت ران داد **و** فرمود که چون سر
تراشید بطرف پیشانی بنا کنید و این دعا را بخوانید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة چون فارغ شدید بگوئید اللهم زینی بالتقوی

[illegible]

و جنبنی الردی **و** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که پاکی بموی عانه باید در هر هفته
نوره نمائید یا بپانزده روز و پرسیدند از آنحضرت از درازی موی فرمود که اصحاب رسول الله
میتراشیدند پس از آنکه دراز شود **و** دیگر فرمود که موی بینی بکنید که در نیکوئی رو میافزاید
و دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد نگذارد
موی زهار را زیاده از چهل روز و زنی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد حلال نیست که موی زهار
بگذارد زیاده از بیست روز **و** دیگر امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که بخدا و روز قیامت
ایمان دارد باید که موی عانه را زیاده از یک هفته نگذارد و بهر ماه یکبار نوره نهد **پس** هر که
زیاده از این بگذارد ایمان ندارد **و** حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که مرد و زن باید
که بتراشند موی شکم را **و** از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که حق تعالی امر فرمود با ابراهیم
علیه السلام که پاکی کن پس او ناخن را تراشید **و** دیگر فرمود که نوره زایل سازد موی بغل را
حمام کردن ... دو شبها را ضعیف میسازد و ضعف بصر میآورد **و** دیگر فرمود که تراشیدن موی
بغل بهتر است از کندن و نوره نهادن بهتر است از تراشیدن **و** امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود
که ازاله کردن موی بغل بوی بد را میبرد و آن پاکی است و سنت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله است **و** حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که موی بغل را دراز نگذارید که شیطان
در آن پنهان میشود **و** جنب را باکی نیست که نوره بنهد زیرا که نوره در پاکی میافزاید **و** امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که ما بین زمان نوح و ابراهیم هزار سال بود و شریعت ابراهیم
مدارش بر توحید و اخلاص بود و از بت پرستی منع میفرمود و از فطرت درست بود که بدان
فطرت خلایق مخلوق شده بودند و بر او پیمان گرفته بودند که غیر از معبود بحق که الله است
نپرستند و بچیزی شریک نیاورند و امر میفرمود بنماز و امر بمعروف و نهی از منکر و حکم نبود برای او
احکام فرض مواریث و زیاده فرموده بود او را در سنن حنیفه که آن ختنه کردن است و موی سبلت
گرفتن و موی بغل زایل کردن و ناخن چیدن و موی زهار تراشیدن و امر فرموده بود او را ببنای
خانه کعبه و مناسک حج پس اینها همه شریعت او بود و هم از او منقول است که حق سبحانه و تعالی
فرمود با ابراهیم علیه السلام که پاکی کن پس گرفت موی شارب را **و** دیگر فرمود پاکی کن بعد از آن گرفت
موی بغل را **و** دیگر فرمود که پاکی کن پس ناخن را چید **و** دیگر فرمود پاکی کن پس موی زهار را تراشید
پس فرمود که پاکی کن پس ختنه کرد **فصل پنجم** در شستن سر بخطمی و برگ کنار **در کتاب**

من لا یحضره الفقیه مرویست که سر شستن روز جمعه بخطمی امان است از برص و جذام و دیوانگی
میبرد و روزی را زیاد میکند و در خبر دیگر وارد است که سر شستن بخطمی فقر را برطرف میکند و امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که سر شستن بخطمی چرک را میبرد و آلودگی را دفع میکند روزی رسول الله
صلی الله علیه و آله غمگین بود جبرئیل آمد و امر نمود او را که سر را ببرگ کنار بشوی که سبب زایل شدن
اندوهاست و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که بشوئید سر را با سدر که میگشاید روزی را
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که بشوئید سر را ببرگ سدر که پاکیزه کرده است آنرا هر ملک مقرب
و هر پیغمبر مرسل و هر که سر خود را بشوید ببرگ سدر حق سبحانه و تعالی بگرداند از او هفتاد روز
وسوسه شیطان را و هر که را دفع کند از او وسوسه شیطان نافرمانی نکند و هر که نافرمانی نکند
بهشت داخل شود و هم از او مرویست که هر که سبلت را بگیرد و ناخن بچیند و سر را بخطمی بشوید
در روز جمعه چنان است که بنده را آزاد کرده باشد جابر جعفی گوید که شکایت کردم بامام
محمد باقر علیه السلام از خارش بدن فرمود که آب سدر و ... که سرکه شدید و نمک بهم زدن بعون
هر چه تمام شد پاک کند و بعد از آن سر و محاسن خود را بآن بشوید بهتر ... کرد ... دیگر روز
بمال بروغن بنفشه کند **فصل ششم** در نوره نهادن در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده از امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که خواهد نوره بنهد فرا گیرد نوره را در ... بینی بگیرد و بگوید
اللهم ارحم سلیمان بن داود علیهما السلام کما امرنا بالنورة نوره او را نسوزاند و مرویست
که هر که بنشیند در زمان حال که او نوره نهاده است زیاد شود او را ... در کتاب محاسن از
حکم بن عتیبه مرویست که گفت دیدم امام محمد باقر را که بر ناخنهای خود حنا نهاده و فرمود ای
حکم چه میگوئی در این گفتم چه گویم در این که علمای ما جوانان این کار را میکنند فرمود ای حکم هرگاه
کسی نوره بنهد ناخنهای او متغیر میشود مثل ناخن مردگان پس باکی نیست اگر تغییر دهد حنا
آنرا و رنگ آنرا تغییر کند حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که حنا بنهد حق سبحانه
و تعالی او را ایمن میگرداند از جذام و برص و آکله و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که روز چهار
شنبه نوره منهید که روز نحس مستمر است و امام رضا علیه السلام فرمود که هر که روز جمعه نوره
بنهد و ببرص مبتلا شود پس باید که ملامت نکند مگر خود را و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حنا نهادن بعد از نوره امان است از جذام و برص و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که پنج چیز
است که برص پیدا میکند نوره نهادن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن بآب گرم

و در حدیث نبوی است که ...
کسی است که در حال غضب خود را
نگاه دارد شعر
بلی مرد آنکس است که در وقت خشم
که چون خشم آید ...
و چون مفاسد غضب را دانستی
پس بدانکه علاج آن موقوف است
بر چند چیز اول آنکه زائل
اسباب آن کند و اسباب آن کبر
و عجب و مزاح و لجاج و استهزا و
...
است الیهاست دویم ملاحظه
... ثمرات غضب
مدح حلم و درک ثواب نگاه داشتن
خود از غضب ... سیم
حفظ کردن ... از قول و فعل
که تا غضب بشود چهارم
اجتناب کردن از مصاحبت کسی
که قوه غضبیه بر ایشان غالب است
و از صحبت ... پنجم یاد
کردن ...
و از ...
غضب بکشی شعر
[illegible]
[illegible]
ششم آنکه ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... شعر
[illegible]
[illegible]
هفتم آنکه بداند که هر حلم و

در آفتاب گرم شده باشد و بر جنابت چیزی خوردن و بزن نزدیک شدن در حال حیض و بر
سیری طعام خوردن روایت است که هر که نوره بنهد و بعد از آن حنا بر تمام بدن بمالد حق
تعالی فقر و پریشانی را از او ببرد **باب چهارم** در آداب ناخن چیدن و شارب گرفتن و شانه کردن
و اصلاح محاسن نمودن و در آینه نگریستن و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل **فصل اول**
در ناخن چیدن در کتاب لباس از سلیمان بن خالد روایت است که گفتم مر ابی عبدالله علیه السلام که
آیا ناخن بگیریم در هر روز جمعه گفت بلی اگر دراز باشد موسی بن بکر گوید که گفتم مر امام موسی
علیه السلام را که اصحاب ما میگویند که گرفتن شارب و ناخن گرفتن در روز جمعه مناسب است فرمود
سبحان الله بگیر هر وقت که خواهی از روز جمعه و غیر آن از سایر ایام و روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که ناخن چیدن و بروت گرفتن و سر بخطمی شستن درد و پریشانی را میبرد و روزی را زیاد میکند
و هم از او از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که هر که در روز جمعه ناخن بچیند حق سبحانه و تعالی
درد از ناخنهای او بیرون برد و شفا داخل کند و دیگر فرمود ناخن گرفتن و بروت چیدن در روز
جمعه امان است از جذام تا جمعه دیگر و از ابو کهمس مرویست که گفت مردی گفت مر عبدالله بن
حسن را که تعلیم کن مرا چیزی در طلب کردن روزی گفت بگو که اللهم تولّ امری و لا تولّ غیرک
پس گفتم اعلام کردم باین ابا عبدالله فرمود که من تعلیم کنم ترا در روزی بچیزی که بهتر باشد
از این گفتم بفرما فرمود که بروت و ناخن خود را بگیر یعنی در هر روز جمعه روایت است از ابو عبدالله
علیه السلام که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که بچیند ناخن خود را در روز پنجشنبه و بچیند
و بعضی خود را بگیرد و ایمن باشد از درد دندان و درد چشم خلف گوید که امام رضا علیه السلام
مرا دید که درد چشم داشتم فرمود که آیا دلالت بکنم ترا بر چیزی که چون آنرا بجا آوری درد چشم
نکشی گفتم بلی یا ابن رسول الله فرمود که بچین ناخنهای خود را در هر روز پنجشنبه گفت چنین کردم
درد چشم نکشیدم و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که در روز جمعه ناخن بچیند و بروت بگیرد
و بگوید در حال چیدن که بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد حق سبحانه و تعالی بهر ناخنی
او را ثواب آزاد کردن بنده کرامت فرماید و بیماری نکشد مگر بیماری که در آن وفات یابد
و مرویست که امام جعفر صادق علیه السلام میفرمود مردمان را که بچینید ناخنهای خود را و زنان را
میفرمود که بگذارید که آن زینت شماست و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روز
شنبه و پنجشنبه ناخن و بروت بچیند از درد چشم و دندان محفوظ باشد و امام محمد باقر علیه السلام

بردباری غالب شود ...
ادبوا ...
بخلاف آدم غضبناک شعر
تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر
بل ز صد لشکر ظفر انگیزتر
هشتم آنکه تصور کند که
در وقت غضب صورت او چه قدر
قبیح و متغیر و اعضای او متحرک
و کردار او از نظم طبیعی خارج گردد
(و از جمله) معالجات غضب
است که در وقت هیجان آن
پناه گیرد بخدا از شر شیطان و اگر
ایستاده باشد بنشیند و اگر نشسته
باشد بخوابد و بعضو گرمی و غسل
کردن باب سرد و در ...
مفید است و اگر غضب بر ... باشد دست
بر بدن او گذارد تا غضب ساکن شود
و ضد غضب حلم است
که عبارت است از اطمینان نفس بحیثیتی
که قوه غضبیه باسانی او را حرکت
ندهد و مکاره روزگار بزودی او را
مضطرب نگرداند و کظم غیظ
که عبارت است از فرو بردن خشم خود
در حال غضب اگر چه ...
آن ...
...
اخلاق حسنه است اما شرافت حلم
پس معلوم است که غالب اخبار که
در باب علم است حلم با او توأم است
و روایت شده که ...
کمال ...
این است که علم او بسیار و حلم او
شود ...

فرمود که ناخن بچینید روز جمعه و ابتدا کنید از انگشت کوچک دست چپ و تمام کنید به انگشت کوچک دست راست و سنت است که چون موی و ناخن و خون بگیرند در خاک دفن کنند و امام زین العابدین علیه السلام هرگاه در حمام نوره میکشید میفرمود که ناخن را از ...

فصل دوم در برداشتن و گرفتن و اصلاح محاسن کردن و در آینه نگریستن و آنچه بآن متعلق است در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در گرفتن بروت از جمعه تا جمعه امان است از جذام و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بروت را دراز مکنید که شیطان در آن پنهان میشود و هر که بروت نچیند از ما نیست و دیگر فرمود که بروتها بچینید و محاسن را کوتاه کنید و مانند یهود نشوید و دیگر فرمود که مجوس ریشها را میتراشند و بروت را میگذارند و ما بروت میگیریم و محاسن را میگذاریم و آن فطرت است و چون بروت بچینند بگویند بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله و سکونی روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سنت است چیدن بروت تا به لب رسد امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که محاسن هر که یک قبضه درست زیاده باشد در آتش است و فرمود که محاسن از سعادت است و فرمود که عقل مرد را میتوان از درازی ریش و نقش انگشتر و کنیت او فهمید که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله نظر بمردی کرد که ریش دراز کرده بود فرمود چه اصلاح محاسن نمیکنی آن مرد رفته اصلاح محاسن کرد و باز آمد آنحضرت فرمود که چنین کنید محمد بن مسلم گوید که دیدم امام محمد باقر علیه السلام را که حجامی از محاسن مبارک خود گرفته بود و میفرمود که مدور بساز محاسن را و امام جعفر صادق علیه السلام محاسن مبارک خود را بدست میگرفت و آنچه از قبضه زیاده بود میچید علی بن جعفر گوید که من پرسیدم از برادرم امام موسی علیه السلام از مردی که محاسن خود را چیده بود فرمود اگر از دو عارض گرفته بود پس باکی نیست و اما از مقدم آن پس باید که نگیرد و سدیر گفت که دیدم امام محمد باقر علیه السلام که گرفته بود از هر دو عارض خود و از زیر محاسن نیز و امام صادق علیه السلام فرمود که مردی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد موی سفید در ریش او بود آنحضرت فرمود که هر که پیر شود در اسلام او را نوری باشد در روز قیامت و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اول کسی که ابراهیم پیغمبر علیه السلام پس دید در محاسن مبارک خود موی سفید فرمود که ستایش مر خدای را که مرا رسانید باین سن و چشم بر هم زدنی مرا عاصی و نافرمانی نساخت عز و جل و علا شأنه و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود

که چون ابراهیم پیغمبر علیه السلام موی سفید در محاسن خود یافت گفت ای پروردگار من چه چیز است خطاب عزت در رسید که این وقار است فرمود که زیاده گردان وقار مرا و روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که باکی نیست چیدن موی سفید از محاسن و کندن آن و پیش من چیدن از کندن بهتر است و پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه ریش را در دهن در آورد و بازی کند و آنحضرت محاسن را شانه میفرمود باب در کتاب مکارم آورده که هر گاه که خواهد که در آینه نگرد پس باید که بدست چپ بگیرد و بگوید بسم الله و بنهد دست راست خود را بر فرق سر خود و بکشد آن را بر روی خود و بگیرد محاسن خود را و نظر در آینه کند و بگوید الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا و زانی و لم یشنی و فضلنی علی کثیر من خلقه تفضیلا و من علی بالاسلام و رضیه دینا پس چون بنهد آینه را از دستش بگوید اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک و اجعلنا لانعمک من الشاکرین و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وصیت با امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که ای علی چون نظر کنی در آینه بگو اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقنی و امام جعفر صادق علیه السلام میفرمود الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی فاحسن صورتی الحمد لله الذی زان منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام **فصل سیم** در شانه کردن موی سر و ریش در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند از قول الهی که خذوا زینتکم عند کل مسجد فرمود که مراد شانه کردن است در هر نماز و دیگر فرمود شانه کردن امان است از علتهای بد و روزی را زیاد میکند و شهوت نکو میسازد و حاجت را بر میآورد و پشت را قائم میگرداند و قطع بلغم میکند و دیگر فرمود که موی سر شانه کردن دفع وبا میکند و ریش را شانه زدن دندان را محکم میگرداند و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که چون موی سر و ریش شانه کنید شانه را بر سینه بمالید که اندوه و غم و وبا را دفع میکند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که هفتاد نوبت ریش را شانه کند و یک یک بشمارد تا چهل روز شیطان بگرد او نگردد و در روضة الواعظین آورده که رسول صلی الله علیه و آله محاسن خود را از زیر چهل نوبت شانه میفرمود و از بالا هفت نوبت و میفرمود که ذهن را زیاد میکند و بلغم میبرد و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که شانه کنید که وبا را دفع میکند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که باکی نیست که شانه و روغن دان و سرمه دان از عاج باشد و دیگر فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که موی نیکو از کسوتهای حضرت عزت است پس گرامی

دار بدارد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی که ریش بلند دارد باید که نیکو تربیت
نماید یا کوتاه کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایستاده ریش را شانه کند
بلای قرض گرفتار شود و دیگر فرمود که در حمام ریش را شانه مکنید که موی تنک میشود و دیگر
فرمود که موی ریش را شانه کردن درد دندان را میبرد دیگر فرمود موی سر بروغن چرب کردن
تنگی را زایل گرداند و دیگر فرمود که هر که وافر دارد موی سر را در فرق نکند حق تعالی باره آتشین
فرق کند و موی رسول الله در کثرت بحد فرق نمی رسید که فرق باید کرد قاسم بن ولید گوید که
از ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم که شانه و ظرفی که از استخوان فیل میتوان کرد فرمود بلی و لیکن
مکروه است که از نقره باشد و سؤال نمودم از ظرف طلا و نقره که در آن روغن باشد فرمود که روا
نیست گفتند که بعضی روایت کرده اند که امام حسن علیه السلام را آینه بود که بنقره پوشیده بود فرمود
نه بلکه حلقه از نقره بود و امام محمد تقی و امام حسن عسکری علیهما السلام فرموده اند که سر را
شانه کردن بعاج موی سر را میرویاند و کرم از دماغ میبرد و صفرا را میخشاند و جای دندان را پاک
محکم میگرداند و امام موسی علیه السلام فرمود که بپای ایستاده موی سر را شانه کردن موجب ضعف
دل است و نشسته موجب قوت و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که ریش را شانه کردن بعد از
مرض و دبا را میبرد روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که چون کسی از شما خواهد که
شانه کند باید که بنشیند شانه را بدست راست گیرد و بنهد بر فرق سر و پیش سر را شانه کند و بگوید
محل پیش سر شانه کردن اللهم حسن شعری و بشری و طیبهما و اصرف عنی الوباء و بعد
از آن پس سر را شانه کند و بگوید اللهم لا تردنی علی عقبی و اصرف عنی کید الشیطان و لا
تمکنه من قیادی فیردنی علی عقبی و بعد از آن موهای ابرو را شانه کند و بگوید اللهم زینی
بزینة الهدی پس موی ریش را از بالا شانه کند بعد از آنکه از زیر شانه کرده باشد بعد نشسته و
بگوید اللهم سرح عنی الهموم و الغموم و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان بعد از آن انا
انزلناه فی لیلة القدر بخواند و در روایت دیگر وارد شده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که شانه کردن بلغم را دفع میکند و شانه کردن ابرو جذام را زایل میگرداند و شانه کردن موی
عارض دندان را محکم میگرداند و پرسیدند از آن حضرت از تراشیدن سر فرمود که نیکوست **فصل**
چهارم در حجامت کردن در کتاب طب الائمه از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خون
سه نوع است یا از آن پیدا شده در جسد و خارش اعضا و چیزی مانند جوش در بدن و دیگر

حاشیه:
صفت ... کثیر است
بدی ... شد جز ...
اگر ... اساس ...
و ... صفت عفو که
... کاملست
در مقام ... ثنا آورده
باین صفت جمیل ... دعا
سید سجاد در صحیفه مکرمه در
مقام ثنای حق تعالی گفته است
الذی ... بالعفو ...
صفت یازدهم ... غلظت
در کردار و گفتار است و این صفت
خبیثه که باعث نفرت مردمان و
موجب اختلال امر زندگانی میشود
و از این جهت است که حق تعالی در
مقام ارشاد پیغمبر خود فرمود
که اگر تو خشن و غلیظ القلب
مردم از دور تو پراکنده
میگردند و از بعضی اخبار مستفاد
میشود که غلظت و درشتی خوی
که باعث سلب ایمان و دخول
شیطان میگردد **مخمد**
و ... دارا ... و افعال
و از ... صفات اخلاق ...
است و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرموده اند که اگر ... چیزی
بود ... که هیچ
مخلوقی ... نیکو ...
بشکل ...
... توان ...
... کارهای ...
... نساختن
و ... دعا

و در حدیث دیگر وارد شده که خواب است و چون یکی از اهل خانه را علتی پیدا میشد میفرمود که نظر
کنید در روی او پس اگر زرد است پس آن از غلبه صفرا است پس میفرمود که آب بیاشامد و اگر سرخ
است آن از غلبه خون است پس امر میکرد بحجامت و امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول الله صلی
الله علیه و آله که فرمود که حجامت کنید که خون چون غلبه کرد صاحب خود را میکشد **انصاری**
روایت کرده از امام رضا علیه السلام که با خون که حضرت میرسانند پس حجامت کنید در لب ... **امام**
جعفر صادق علیه السلام فرمود که روزه دار که در غیر ماه رمضان هر وقت خواهد حجامت کند و اما در
ماه رمضان خون نگیرد اگرچه ترس و زنی باشد مگر آنکه بوی مضرت رساند و دیگر فرمود که حجامت
در ماه رمضان بشب است در غیر آن در روز یکشنبه و حجامت ... الیان ... و روز دوشنبه و دیگر
فرمود که بحمام مروید و حال آنکه شکم شما پر باشد از طعام و حجامت مکنید تا چیزی از طعام نخورده
که آن روان تر است در عروق و قوت آن بیشتر است برای بیرون آمدن خون و قوت هضم برای بدن
و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که حجامت بعد از خوردن است زیرا که هرگاه که چیزی خورد و حجامت
کرد جمع میشود خون و بیرون میاورد درد را و هرگاه حجامت کرد پیش از خوردن خون بیرون میاید
و درد میماند **زید شحام** گوید که من در خدمت ابی عبدالله علیه السلام بودم پس حجام را طلب کرد
و فرمود تا محجمه را بشست و بر محل حجامت گذاشت ... فرمود و چون فارغ از حجامت
شد ... دیگر طلب فرمود و خورد و فرمود که این صفرا را فرو مینشاند و فرمود حضرت ... حجامت
خود که چون خواهی حجامت کنی و خون بیرون آید از محجمه تو پس بگو پیش از فارغ شدن و دفع
شدن خون که بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من
کل سوء و فرمود هرگاه این را بگویی جمع کرده خیر را زیرا که حق تعالی فرموده در کتاب
عزیز خود و لو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما مسنی السوء **ابو بصیر** گوید
پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام که چه چیز بخورند بعد از حجامت فرمود که کاسنی و سرکه
و مرویست که ابو عبدالله علیه السلام چون حجامت میفرمود میگفت تا جایز خود که از قند نبات
چیزی میاوردند و میفرمود شکر بعد از حجامت خون تازه را بعروق باز میگرداند و در قوت
میافزاید و از امام موسی کاظم علیه السلام روایت است که رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که
هر که از شما خواهد حجامت کند باید که روز شنبه حجامت کند و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که حجامت در روز یکشنبه شفا است از هر دردی و هم از آن حضرت روایت است که ...

حاشیه:
کارها خوب است و ... عامه
این مطلب پوشیده نیست ...
بشیرین زبانی و لطف و خوش
توانی که ... مو ...
صفت دوازدهم
کج خلقی است و ظاهر است که
غلظت ... از ثمرات کج
باشد ... انقباض ... روی
دل تنگی ... و کلام ... آثار آن است
و این صفت از نتایج قوه غضبیه است
و از جمله صفاتی است که ادمی را
خالق و خلق دور میکند ... خود
معذب است ... و دوست
دشمن گرفتار است که هرجا رود
از دست خوبان و خلاص نیابد
اگر ... از فلک ... بدخو
ز دست خوی بد خویش در بلا باشد
و وارد شده که بدخلقی ...
بنده را با ... جحیم **صفت**
... خوش خلقی است که از ...
صفات است و در کتب ...
چیزی ... از حسن خلق ...
... میگذارند چنانچه ...
... خوش خلقی افضل صفات
پیغمبران است و از این جهت حق
تعالی ... اظهار نعمت خود
برای حبیب خود ... در مقام ثنا
و مدح او فرموده انک لعلی خلق
عظیم **صفت سیزدهم**
عداوت و دشمنی است ...
... زیرا که هر که عداوت کسی
دارد یا ... در دل ...
... انتظار ... فرصت میکشد

[illegible]

بر قومی که حجامت میکردند فرمود که چه نیست که تأخیر میکردید تا آخر روز یکشنبه که ما دردها از بدن شما بیرون رود و روایت است از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که پیغمبر فرمود که حجامت کنید در روز دوشنبه بعد از عصر **ابوسعید** خدری گوید که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حجامت در روز سه‌شنبه هفدهم ماه یا نوزدهم ماه یا بیست و یکم ماه موجب شفاست از دردهای تمام سال **زید بن علی** روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی که در روز چهارشنبه حجامت کند پس عارض شود او را برص پس ملامت نکند مگر نفس خود را و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر که حجامت کند در آخر روز پنجشنبه آخر از ماه درد از بدن او تمام بیرون کند و دیگر فرمود که خون جمع میشود در موضع حجامت در روز پنجشنبه پس چون زوال آفتاب شد متفرق میگردد پس بگیر بهرهٔ خود را از حجامت پیش از زوال آفتاب و نهی فرمود از حجامت کردن در پیشین روز جمعه و پیغمبر فرمود که آیة الکرسی بخوانید هر وقتی که خواهید که حجامت کنید و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که حجامت را دست نگذارید در هفتم حزیران ماه رومی پس اگر آن فوت شود پس از چهاردهم آن ماه و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که رسول الله حجامت میفرمود در سر و در میان هر دو شانه و نام اول را نافعه میگفتند و دوم را مغیثه سوم را منقذه و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کودک را چون چهار ماهه شد ماهی یکبار حجامت کنید که لعاب دهانش کم میشود و ماده از سر فرو میآید و بدن را پاک میگرداند **معاویة بن حکیم** گوید که امام محمد باقر علیه السلام فصاد را طلب کرد و از شکم خود فصد نمود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام مرا چندان بحجامت وصیت فرمود که گمان کردم که واجب است و دیگر فرمود که حجامت زیاد میکند عقل را و قوت حافظه را و شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام از خارش بدن فرمود که حجامت کن سه نوبت در هر دو پای میان ساق و کعب چون چنین کرد زائل شد و شکوه کرد مردی با امام رضا علیه السلام از جرب فرمود که از بخار جگر است فصد کن از پای راست و دوم روغن بادام شیرین با آش جو بخور و ماهی و سرکه مخور چون چنین کرد باذن الله تعالی صحیح شد

باب پنجم

در آداب تنک کردن موی و زینت و انگشتر و آنچه متعلق است بآن مشتمل بر شش فصل **فصل اول** در فضیلت تنک کردن موی و [illegible] زنان [illegible] در کتاب من لا یحضره الفقیه منقول است که حضرت رسول

[illegible]

صلی الله علیه و آله فرمود که محاسن را تنک کنید [illegible] میگردانند و بوی دهان را خوش میکند و درد را ساکن میگرداند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حنا بستن دندان چشم را روشن میکند و موی را میرویاند و بوی بدن را خوش میکند و زن را نیکو میگرداند و امیرالمؤمنین علی علیه الصلوة و السلام فرمود که محاسن را تنک کردن [illegible] **روایت** است که شخصی آمد بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و ریش را زرد کرده بود آنحضرت فرمود که چه نیکوست این پس بار دیگر آمد و حنا بسته بود آنحضرت تبسم فرمود و گفت این نیکوتر است دیگر باره آمد و سیاه کرده بود خنده بر آنحضرت غالب شد گفت که این نیکوتر است از هر دو و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود [illegible] امیرالمؤمنین علیه السلام را آگاه [illegible] که یک درهم در خضاب صرف کردن نیکوتر است از هزار درهم که بغیر آن در راه خدا صرف کنند چهارده خصلت است او را [illegible] دفع میکند و چشم را روشن میگرداند [illegible] و فرح میرساند مومنان را و مرض را میبرد و وسوسهٔ شیطان را دفع میکند و ملائکه را خرم میسازد و کافر را بخشم میآورد و زینت است و پاکی است [illegible] و منکر و نکیر را [illegible] و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که دوست‌ترین خضاب [illegible] بسوی خدای تعالی خضاب سیاهی است و امام رضا علیه السلام فرمود که در خضاب اجر بسیار است بدرستیکه زیاد میکند عفت و صلاح را و [illegible] زنان را [illegible] بدرستیکه سلیمان پیغمبر علیه السلام [illegible] صورتش خوب [illegible] میشود و عفتش زیاد میشود [illegible] بود در قصر و سیصد زن مهری بود و هفتصد کنیز بود و در هر روز و شب از جماع ایشان [illegible]

فصل دوم در تنک کردن محاسن [illegible] **عمر بن قیس** از ابو عبدالله علیه السلام [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نظر فرمود [illegible] در محاسن او [illegible] فرمود که هر جوانی که پیر شود در اسلام او را نوری باشد در قیامت پس چون بار دیگر آمد [illegible] کرده بود محاسن خود را آنحضرت فرمود که اکنون نور است اسلام و دیگر بار آمد سیاه کرده بود فرمود که این نور است و ایمان و اسلام و محبت زنان و ترس در دلهای دشمن **ابن فضال** از حسن بن جهم گوید که رفتم بخدمت ابی الحسن علیه السلام دیدم که محاسن سیاه کرده بود گفتم فدای تو گردم خضاب فرموده گفت بلی در خضاب کردن ثواب و اجر است [illegible] و دیگر [illegible] اسباب را [illegible] در عفت زنان و اگر ترک کنند عفت را زنان [illegible]

میکنند شوهران ایشان تقصیر را از برای ایشان و از ابی عبدالله علیه السلام مرویست که امام حسن علیه السلام سر مبارک خود را بوسمه رنگ میکرد و از انحضرت پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن بوسمه باعث مهابت است برای دشمنان و زینت است برای زنان جابر روایت کند از امام محمد باقر علیه السلام که او فرمود که جابر بخدمت امام زین العابدین علیه السلام آمدم دیدم که محاسن را بوسمه رنگ کرده از آن پرسیدم دست بر محاسن مبارک کشید و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله در غزای از غزوات امر فرمود اصحاب را که محاسن را رنگ کردند تا آنکه داشته شوند از مشرکان تا قوی شوند بر مشرکان و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زنان دوست میدارند که زینت کنند مردان مثل آنچه دوست میدارند مردان که زنان برای ایشان زینت کنند **فصل سوم** در رنگ کردن بحنا و غیر آن و حنا نهادن در دست برای زنان در **کتاب اللباس** از حلبی روایت شده که گفت عرض کردم از ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم از رنگ کردن موی فرمود که رسول و امام حسن و امام حسین و امام محمد باقر علیهم السلام خضاب میفرمودند بکتم و آن رنگی است که بوسمه میامیزند بآن رنگ میکنند و ابو عبدالله علیه السلام محاسن خود را رنگ زرد میکرد بحظی و حنا و میفرمود که حنا زیاد میکند جوانی را و در حسن روی میافزاید **اسمعیل** بن بزیع گوید که من بخدمت امام رضا علیه السلام رفتم گفتم که من کنیزکی دارم جوان که حیض او بر طرف شده فرمود که سر او را بحنا بگیر که زود باشد که آن عود کند چون چنین کردم عود کرد دیگر فرمود که در خضاب سه خصلت است یکی هیبت در جنگ و دیگر محبت زنان را افزون میکند و باه **مرویست** که امام رضا علیه السلام فرمود که در خضاب ثواب بسیار است دیدیم که زنان دوست میدارند که ببینند از مرد صورت خوب و زینت و زنان بنی اسرائیل که از عفت و صلاح بفسق و فجور افتادند جهت آن بود که شوهران ایشان زینت کم میکردند میگفتند ما میخواهیم از شما آنچه میخواهید شما از ما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خضاب بحنا بهترین بهشت است و قیام نماید بحنا همچون روزه است در راه خدا و دیگر فرمود که خضاب در اسلام زینت است مؤمنان را و میبرد درد سر را و تیزی بینائی زیاد میکند و در جماع شهوت میافزاید و پاک میگرداند بشره را و دیگر فرمود که آنچه تغییر میدهید پیری شما را خضاب و کتم **امیرالمؤمنین** علیه السلام نقل فرموده از آنحضرت که رنگین شوید بحنا که میافزاید در جوانی و جمال شما و قوت میکند در نکاح شما و حسن روی شما را نگاه میدارند و حق سبحانه و تعالی مباهات مینماید بشما مر فرشتگان را و دعا و نعمی در راه

در فحش

شیطان ممزوج شده و او بمرتبه رسیده و پیغمبر مرویست که حق تعالی علو مقام نکرده خدا بهشت را بر کسی که مردم از زبان او حذر نمایند پس مدار او است در ایذای مؤمن که زبان خود را از هرزه گوئی و فحش نگاه دارد چه الفاظ رکیکه کلام غیر مستحسن است بلکه بر شرع ذکر کند مثل الفاظی که متعلق است بزنان و بول و غایط و بعضی عیوبها و اما الفحش پس از دم خباثت است و از بعض خبایث نفس بر میخیزد که اکثر کردن رکیکه را نسبت لهو میگردد و بعضی نیز اینگونه نمایند در اثر گفتن بعضی گفته اند که خدا عالم را کاین زیاد از جماع بلفظ صریح الفاظ بعضی بجماع انسان بحیه الذا بیان نمودند و همچنین امثال اینها از آنچه در عرف مستحق و مستهجن است ... زبان نیز خود بلا ... دیگر بعضی نقل کنند که ... چنین گفت بایستی تو چنین گفت که گویی اهل خانه تو یا اهل خانه شما یا مانند اطفال ... و نحو اینها و همچنین کسی که ... کسی که تنبیه شده که از الهام ... شرم کند اگر ذکر نشود تصریح نکند مثل ... نگوید که شما ... بجهت ... مگر چیزی ... شما بعد از ... شناسند و نحو اینها

خدا صرف کردن حکم هفتصد درهم دارد و در نسخه دیگر خدا صرف نمودن حکم هفتصد هزار درهم دارد پس هرگاه که مرد یکی از شما و منکر و نکیر بر او داخل شوند و نظر کنند بحنا او حیا میکنند و میگویند یکی بآن دیگر که با او مدارا کنیم از نور او که ... بهشت بر او و آنحضرت امر میفرمود زنان شوهر دار و غیر شوهر دار را بخضاب اما شوهر دار را جهت آرایش از برای شوهر را خوش آید اما غیر شوهر دار را تا اینکه نشود دستش ببدن مردان **فصل چهارم** در کراهت حنا نهادن در جنب و حایض و پیوند موی **در کتاب اللباس** از امام رضا علیه السلام مرویست که مکروهست بر جنب رنگ کردن و مرد در حال جنابت فرمود که کسی که جنب باشد و حنا بندد یا در حال خضاب خود را جنب گرداند ایمن نشود بر خود با آنکه شیطان در او دخل کند بعدی و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که جنب مباشید و جنب نگردید در حال خضاب و زن حایض نیز همچنین که شیطان حاضر میشود نزد ایشان تا نفساء را پاکی نیست سؤال نمودند از یکی از ائمه علیهم السلام که روا است که زن موی سر را بموی دیگر پیوند کند جواب فرمود که از موی خودش باکی ندارد و از موی غیر او نه **سلیمان** بن خالد گوید که از ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم از پیوند موی زنان فرمود که از موی زن دیگر نیز روا نیست از پشم و موی گوسفند روا است **عمار** ساباطی گوید که گفتم مر ابی عبدالله علیه السلام را که مردمان روایت میکنند که رسول صلی الله علیه و آله لعنت کرده واصله و موصله را فرمود که بلی گفتم اگر موی جوانی پیوند کند چون فرمود که باکی نیست گفتم پس چه معنی دارد واصله و موصله فرمود که مراد زن فاجره بوده **فصل پنجم** در بیان انگشتری و آنچه بآن متعلق است و غیر آن **امام موسی کاظم** علیه السلام فرمود که پدر بزرگوار من انگشتری داشت که آن را بهفت دینار طلا خریده بود و رسید از امام جعفر صادق علیه السلام از انگشتری حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که از نقره بود و نوشته بود بر آن که محمد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که از نقره بود دیگر پرسیدند از که نگینش چه بود فرمود **سکونی** روایت کند از ابی عبدالله علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حق سبحانه و تعالی پاک میگرداند دستی را که در او انگشتری عقیق باشد و هم او روایت کند از پدر بزرگوار خود که رسول الله صلی الله علیه و آله امر فرمود ما را بهفت چیز و نهی نمود از هفت چیز امر فرمود ما را بپرسیدن بیماران و پیروی جنازه و افشای سلام و یاری دادن مظلوم و اجابت کردن دعوت و راست ساختن سوگند و جواب عاطس گفتن به یرحمک

در ذم عجب

بر مردم مگر با کسی که از صاحب شرع نص بجواز لعن ایشان رسیده و نظایر آن و تعریض بعلما نیز همانند لعن مذموم است حتی بر ظلمه مگر در صورت اضطرار در علاج آن و اما طمع در رحمت ... از افعال حمیده است و از جناب باقر علیه السلام مرویست که هیچ کس از مؤمنین طمع نبرد مگر آنکه ...

صفت چهارم عجب آن عبارت از بزرگ شمردن نعمت خود است بجهت کمالی که در خود بیند اعم از آنکه آن کمال را داشته باشد یا در اثبات آن دانا کرده باشد و بعضی گفته اند که عجب آنست که صفتی یا نعمتی که دارد باشد بزرگ شمرد و از منعم آن فراموش کند و فرق عجب با کبر آنست که متکبر خود را بالاتر از غیر بیند و مرتبه خود را بیشتر شمارد و در عجب با غیری در میان نیست بلکه معجب آن است که خود را بالاتر داند و شاد باشد و خود را تحسین نماید و منعم را فراموش کند و اگر صفت خوبی شاد باشد از این راه که نعمتی است از حق تعالی که بعضی و لطف خود بر او کرامت فرموده مراد ... کاین معجب نباشد و عجب بخواهد بود بخلاف آنکه اگر از صفت از جهت کمالات و مرتبه خود در نظر داشته شاد گردد که خدا سلب آن نعمت را نکند و نا خوش داشتن نعمت و اعتدال مجبت نعمت ... داشته باشد این شاد ... و شاد

الله و نهی نمودن ما را از انگشتری طلا و امثال آن و نظر به نقره و نقش محمد در نگین سرخ و زرد
که بغایت سرخ باشد و از پوشش ابریشمینه و از دیباج و بجیه و از ابو عبد الله علیه السلام روایت
کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله منع نمود امیر المؤمنین علی علیه السلام را که زینت کند
از انگشتری طلا در دنیا که آن زیور تو خواهد بود در بهشت **داود** بن سرحان گوید که پرسیدم
از ابو عبد الله علیه السلام که چگونه است کودکان را زینت طلا نمودن فرمود که پدرم زنان و
فرزندان کوچک را زینت میفرمود بطلا و آن باکی نیست **امام موسی کاظم** علیه السلام میفرمود که
پدرم نهی میفرمود از انگشتری که در آن نگین بجادی بود و فرمود که چون زید بن علی علیه السلام
که شهید کردند نگین بجادی در دست داشت و مرویست که امیر المؤمنین علی علیه السلام را چهار انگشتری
بود یکی از نقره یکی نگین یاقوت سرخ در دست میکرد جهت تیر انداختن و دیگری نگین عقیق سرخ
جهت حفظ در دست میکرد و دیگری نگین فیروزه در دست میکرد جهت ظفر و فیروزی و دیگری
نگین آهن چینی در دست میکرد جهت قوت و توانائی و نبی میفرمود شیعه از انگشتری آهنین و در
میفرمود اجتناب نمود از آنکه در نقش نگین او نام خدای تعالی است و نبی که با آن استنجا میکند
… **و روایت** است از ابی عبد الله علیه السلام که رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که انگشتری عقیق غم را برطرف میکند … و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که
هر که انگشتری عقیق در دست کند حق سبحانه و تعالی خاتمت و عاقبت او را … فرماید بر امر و
ایمان **و غیبت** از ابی عبد الله علیه السلام که انگشتری عقیق را بدست کنید که آن اول کوهی بود
که اقرار کرد بخدای عز و جل بربوبیت و محمد صلی الله علیه و آله را بنبوت و علی را بوصیت … اول
کوهی است که تکلم کرد حق عز و جل با موسی پیغمبر با کلام خود و هر که یک نماز با آن بگذارد فضل آن
بچهل درجه از نمازهای که بغیر آن گذارد … انواع جواهر **سلیمان** اعمش گوید که
خدمت امام جعفر صادق علیه السلام بودم که در خانه منصور دوانیقی … برادر
نماز … فرمود که ای سلیمان نظر کن که در دست او … نگین انگشتری او از چه جنس است
گفتم یا ابن رسول الله نگینش از عقیق است فرمود که ای سلیمان اگر نگینش عقیق میبود تا زیانکار نمی بود
گفتم یا ابن رسول الله بیان زیاده کن فرمود که آن امان است از خون گفتم بیان زیاده کن فرمود که خدا
عز و جل دوست میدارد که دستی را که بلند شود بجهت دعا که در آن نگین عقیق باشد گفتم یا ابن رسول الله
بیان زیاده کن فرمود که عجب است از مردی که در دست او نگین عقیق باشد و آن خالی بود از دینار و درهم

در عجایب …
گویند و این از عجب تر است
و عجیب تر آنکه عجب از اعظم
مهلکات است و از حضرت …
علیه السلام … کرده …
… شدند …
چون از … شدند
از … بود …
… عجب …
عابد داخل مسجد شد و عبادت
خود را … و دیگری
فاسق در … از گناه …
… از …
… از عابد …
… گناه …
… تضرع …
… درگاه …
… و …
… از …
… دیگر …
… و …
… و آنکه عجب …
… و …
… از …
… عبد …
… و دیگر …
… خود …
… و …
… تمام …
… تا …

گفتم بیان زیاده کن فرمود که آن حفظ است از هر بدی گفتم زیاده کن فرمود که امان است از فقر گفتم
این حدیث که نقل مینمایی از جد خود امام حسین علیه السلام است که نقل فرمود از پدرش امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام فرمود که بلی و در ثواب الاعمال روایت کرده از امام رضا علیه السلام که ابو عبد الله علیه
السلام فرمود که آن کسی که فرا گیرد انگشتری نقره که نگین او عقیق باشد محتاج نشود و حاجتهای او
گردد بر وجه احسن **امیر المؤمنین** علیه السلام فرمود که انگشتری نگین عقیق در دست کنید که آن مبارک
میشود و باشید در امن و امان از بلا **امام** جعفر صادق علیه السلام روایت کرده … بزرگوار خود که
شکایت نمود برسول صلی الله علیه و آله از حرامیان که بر آن حضرت رسانیده بودند فرمود که انگشتری
عقیق در دست کن تا … دیگر امام علیه السلام فرمود که
انگشتری عقیق در دست داشته باشد …
حق سبحانه و تعالی نگاه دارنده باشد … نگاه دارد و … افتاده بود …
با امام جعفر صادق علیه السلام افتاد فرمود که انگشتری عقیق را از دست مگذار بدرستی که هر دستی که در آن
انگشتری عقیق باشد مکروه نبیند **عبد المؤمن** انصاری گوید که … هر مردی که در دست او
انگشتری فیروزه باشد **علی** بن مهزیار گوید که … امام موسی علیه السلام دیدم که در دست
وی انگشتری بود که نگین او فیروزه بود و نقش او الله الملک بود …
از آن فرمود که چنین است که … نگین است که جبرئیل علیه السلام جهت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله از بهشت آورده و آن حضرت بامیر المؤمنین علیه السلام بخشید و نام او بفارسی فیروزه است
و بعربی ظفر و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در دست کنید انگشتری که نگینش از جزع یمانی باشد
زیرا که او دفع میکند کید شیطان را و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نیکو نگینی است بلور …
است که انگشتری زمرد و یاقوت سرخ دفع درویشی میکند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نقش
نگین رسول صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین امیر المؤمنین علیه السلام الملک لله
و نقش نگین امام حسن … العزة لله **و روایت** است از ابراهیم بن عبد الحمید که نقش نگین امام حسین
علیه السلام حسبی الله بود و از صفوان روایت است که نقش نگین امام جعفر صادق علیه السلام است
… ما عصمنی من خلقک بود **و روایت** است از امام جعفر صادق علیه السلام که نقش نگین امیر
المؤمنین علیه السلام نعم القادر الله بود و نقش آدم علیه السلام لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله … **ابن خالد** گوید که امام رضا علیه السلام فرمود که حق سبحانه و تعالی … نوح

در … عجب
دین … عجب …
… خود …
… ملاحظه کن …
… خود …
… خصال …
… احوال …
از … و …
ای … از …
… نظر …
خود … از …
و … خود …
… خود …
چند … حال …
چند …
و … صاحب این صفت …
آنانچه … عجب …
کند … اگر عجب … علم …
یا عبادت … از کمالات
… باشد تأمل کند …
از … حاصل شده …
… اگر … است …
… عجب …
… و …
و اگر … است که … خود
… صفت …
… علم …
… خود …
… نمی …
… عجب …
و اگر عجب … است …
… است …
… دیگر …
… و …

علیه السلام تو را نابیکه با تو اند چون در کشتی قرار گیرند تو هزار بار لا اله الا الله بگو و جمیع
خود را بخواه پس چون سوار شد بکشتی باد تند شد و کشتی بالا گرفت و اضطراب پیدا کرد نوح با
خود گفت تا هزار بار تهلیل گفتن میترسم کشتی غرق شود پیش از فارغ شدن پس افضا فرمایم
بزود تو ام گفتن هزار بار فرمود خدای تعالی که یکبار بگو الفا هو هو هو یا باری اتقن
گفت پس کشتی قرار گرفت و حق سبحانه و تعالی ایشانرا ایمن گردانید از غرق و سالم ماندند پس
نوح علیه السلام فرمود کلامی که من با قوم بآن نجات یافتم سزاوار است که آنرا نقش نگین گردانم
دار خود جدا نکنم حسین بن خالد گفت گفتم بابی الحسن علیه السلام که این کلام نوح تفسیرش چیست
فرمود این کلام سریانی است و تفسیرش بعربی این است که لا اله الا الله الف مرة یا الله اصلح
و فرمود که نقش نگین ابراهیم پیغمبر شش حرف بود که جبرئیل آورده بود وقتیکه او را در منجنیق
نهاده بود در حالتی که با آتش انداختند گفت مراد از آن کلامی ابراهیم حق جل و علا از اسلام [illegible]
خویش را نقش خود را و بآن عمل و امر فرمود که این کلمات را نقش نگین سازد تا آتش را حق سبحانه و
تعالی بر تو سرد گرداند سالم مانی و آن شش حرف این است لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت
علی الله اسندت ظهری الی الله فوضت امری الی الله لا حول و لا قوة الا بالله و نقش نگین
انگشتری سلیمان پیغمبر این بود سبحان الذی الجم الجن بکلماته و نقش نگین موسی پیغمبر که
در توریة مسطور بود این بود اصبر توجر اصدق تنج و نقش نگین عیسی که در انجیل مذکور است
بود که طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل لعبد نسی الله من اجله حمیری روایت نموده است از
ابی الحسن الثانی علیه السلام که نقش خاتم رسول الله صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش
خاتم امیر المؤمنین الله الملک بود و نقش نگین امام حسن علیه السلام العزة لله بود و نقش نگین امام
حسین علیه السلام ان الله بالغ امره و از علی بن الحسین علیهما السلام همان نقش نگین پدر بزرگوارش
نقش نگین ابو جعفر الکبیر [illegible] نقش خاتم جدش حسین علیه السلام بود و نقش نگین امام جعفر صادق علیه السلام
الله ولیی و عصمتی من خلقه و نقش خاتم ابو الحسن الاول علیه السلام حسبی الله بود و ابو الحسن الثانی
علیه السلام ما شاء الله لا قوة الا بالله و نقش نگین ابی جعفر الثانی علیه السلام حسبی الله حافظی
بود و نقش نگین ابو الحسن الثالث علیه السلام الله الملک بود و از امام حسن عسکری علیه السلام ما
شاء الله لا قوة الا بالله بود و در روایت دیگر وارد شده که نقش نگین انگشتری امیر المؤمنین علیه السلام
صدق سطر بود که بجوهر حدید چینی بعض صانع نقش کرده بودند کرد که آنرا نهاد در دست مبارک

در معالجه عجب

خود ناقص و بی کمال است کمال
بجز وجود او نا چیز بود بجز شو
جائیکه [illegible] بود
فرزندی که [illegible] بود
چون بشر بود [illegible] باش
[illegible] خال خویشتن باش
وحق تعالی فرموده ان اکرمکم
عند الله اتقیکم و از کرم عجب
و جهالت است پس علاج آن است که
[illegible]
شد بحکم [illegible]
[illegible]
و کدام [illegible]
[illegible]
فاسد کند شعر
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شعر
[illegible]

میکرد بعد عبادت اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول و لا قوة الا
بالله و لکل مصیبة نازلة حسبی الله و لکل ذنب کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم فادح
ما شاء الله و لکل نعمة تجددت الحمد لله ما علی بن ابی طالب من نعم الله فمن الله و در
دیگر فرموده است که نقش نگین امام محمد باقر علیه السلام این بود ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و
بالوصی ذی المنن و بالحسن و الحسین و اسمعیل بن موسی گوید که نقش انگشتری جد بزرگوار من
امام جعفر صادق علیه السلام این بود یا ثقتی و عدتی [illegible] جمیع خلقک و امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس که
نقش نگین او آیه از کتاب الهی باشد ایمن نشود در کتاب اللباس از بحر روایت شده که گفتم بحضرت
ابی عبد الله علیه السلام از انگشتری بدست نکردن فرمود که همه بنی هاشم بدست راست میکردند
و پدرم نیز بدست راست میکرد و او افضل همه بنی هاشم بود از حضرت صادق علیه السلام روایت که
پیغمبر صلی الله علیه و آله منع میفرمودند از آنکه انگشتری را بانگشت سبابه و انگشت میانین کند و
روایت است که چون انگشتری را بدست کند این دعا بخواند اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی
بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الاسلام من عنقی منقول است از
کتاب طب الائمه که چون اول جمعه ماه رمضان بر نگین عقیق این کلمات نقش کند در دو سطر
بهمین طریق بر او مهر علی خوب است که [illegible] لا اله الا الله [illegible] بالله

فصل ششم در آرایش و زیور زنان و انگشتری بدست بعضی و **قرائت** است از مفضل
که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که فاطمه زهرا علیها السلام بهترین زنان اهل بهشت است و مقنعه
ازرد و شیر فرو دامی بود و بیشتر دستش را پوشیده بود و ابی عبد الله علیه السلام فرمود که سزاوار است
کردن حلقه مقنعه و پیراهن بپوشد که بدن زن را بپوشاند و اند بود زنان از حضرت پرسید فرمود
که سزاوار این است که زن زیور کند اگر چه آن قلاده باشد در گردن نمایند که بزن نکند خضاب با
اگر چه نیست حنا باشد بسیاری اگر چه آن [illegible] باشد **زراره** روایت کرده از امام محمد
باقر علیه السلام که عادت رسول صلی الله علیه و آله این بود که چون اراده سفر میفرمود سلام تودیع
میکرد بهر کس از اهل خود تا آخر وداع فاطمه میفرمود و از جهاد و از سفر میرسید چون باز میگشت
اول بخانه فاطمه علیها السلام میرفت و بعد از آن بدیگر خانه ها پس یکمرتبه از سفری باز گشت بخانه
فاطمه رفت و در آن [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] بود و بفاطمه علیها السلام
داده و از آن دو دست برنجن نقره ساخته بود و در دست داشت و یک پرده جهت در خانه خریده

در شکستن نفس

خود پسندی [illegible]
و ظاهر است که مسلمانان [illegible]
بپوشند [illegible] بگوید
اگر مشتری از [illegible]
مشتری خود بگوید [illegible]
و تجربه معلوم شد که خویشتن
در نظر همه مردم [illegible]
[illegible]
که از خود بزرگ نماید [illegible]
[illegible]
چو خود گفتی [illegible]
فصل عجب شکستن نفس است
که خود را حقیر و پست شمرد
و این بهترین اوصاف است [illegible]
[illegible]
و تجربه [illegible] معلوم شد که [illegible]
این صفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
کشتی حضرت نوح [illegible]
از این جهت [illegible]
یکی قطره باران ز ابری چکید
خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جائیکه دریاست من کیستم
گر او هست حقا که من نیستم
چو خود را بچشم حقارت بدید
صدف در کنارش بجان پرورید
سپهرش بجائی رسانید کار
که شد نامور لؤلؤ شاهوار

بزرگان نکردند در خود نگاه
خدا بینی از خویشتن بین مخواه
[illegible]
[illegible]

بود داد یعنی چون آنحضرت از دست برنجن و پرده را دید همانجا ایستاد و نظر کرد بسوی فاطمه و غمگین شد و گریه افتاد برای آنکه آنحضرت نزد ایشان نیامد و برگشت پس فرمود
چون آنحضرت بمنزل خود مراجعت فرمود فاطمه علیها السلام از دست برنجن را از دست بیرون کرده و پرده را باز کرده و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام داده بخدمت پدر بزرگوار خود فرستاد و فرمود که سلام من برسانید و بگوئید که امر امر شماست هر چه فرمائی بعد از این چنان کنم چون ایشان آمدند و پیغام گذاردند آنحضرت ایشان را در کنار گرفت و بوسه داد و نوازش فرمود و امر فرمود که دست برنجن را بشکنند و آن پرده را بچند پاره کردند و باصحاب صفه داد از جمله آن که بغایت برهنه بودند طلب فرمود و با ایشان قسمت نمود و ازار خود نمودند بعد از آن فرمود زنان که سر بر ندارند از رکوع و سجود تا مردان سرها بالا کنند بجهت آنکه ازار مردان کوتاه بود و چون رکوع و سجود میکردند عورت ایشان نمودار میشد پس جماعتی که در پس ایشان نماز میکردند آنان را نظر بعورت ایشان میافتاد پس بعد از آن فرمود حق جل و علا رحمت کند بر فاطمه زهرا علیها السلام و در عوض این لباس حلهای بهشت بپوشاند و کرامت فرماید **حلبی** گوید که من پرسیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که چون کسی را دندانی بیفتد جایز است که دندانی از طلا یا از گوسفند بجای او نهد فرمود بلی اگر دندان گوسفند مرده نباشد **زراره** گوید شخصی پرسید از آنحضرت و من حاضر بودم که اگر دندانی از مردی بیفتد و دندان مرده آدمی بجای او نهد چونست فرمود که باکی نیست

باب ششم در آداب لباس پوشیدن و ترتیب مقام و مسکن دادن و آنچه متعلق بآن است مشتمل بر ده فصل **فصل اول** در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن در معتبر لباس پوشیدن **مرغیست** از امام جعفر صادق علیه السلام که چون ابن عباس از جانب امیر المؤمنین علی علیه السلام برسالت بنزد خوارج رفت میپوشید بهترین جامها که بوی خوش مطیب ساخته بود و به نیکوترین مرکبها سوار شد بسوی ایشان روانه گشت خوارج گفتند ای پسر عباس که ما خیال کردیم که تو در میان ما بهترین مردمانی و تو که لباس جباران و مرکب ایشان برنشستی ابن عباس این آیه خواند قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق چون لباس زیبا پوشیدم و بر مرکب راهوار سوار شدم زیرا که خدای تعالی جمیل است جمال را دوست میدارد و لیکن باید که حلال باشد **اسحق** بن عمار گوید که پرسیدم از آنحضرت از مردی عالم که تجمل بسیار میکرد و جامه های فاخر پوشیده بود که مرا باید که لباس بهتر بپوشم یا این اسراف است فرمود که

بلندی از آن یافت کو پست شد
در نیستی کوفت تا هست شد
ز ان حضرت آنان گرفتند صدر
که خود را فروتر نهادند قدر
نه اینست جاه آنکه مرزای ...
عزت نکرد مگر خود نگاه
از آن رو ملایک شرف یافتند
که خود را از آن کمتر شمردند
ادعیه خدا ... دلهای شکسته
و شکستگان را بدوست میدارد
در کوی خانه شکسته ... نیز
بازار خود نزد ... شکسته
صفت تواضع کبر است
کار خود را بالا تر از ... بیند
و اعتقاد برتری خود بر غیر
داشته باشد و ترقی کبر و عجب
گذشت و ... این صفت
ظاهر است ... چند است که ... یا
تکبر ... بندگان ... که یا
حقیر شمرد ... و ... تکبر
گرید چون ... قدر داشته ...
منتهی با تصور کی ... او
او را انتظار سلام کردن ...
راه دادن ... در نشستن
در ... ایشان او ... گفتن
و ... با او تکلم کردن و ...
و موعظه ... ابی ... شنفتن
و اشال ... بعضی از این ...
... و کبر ... با ...
... و صفت کبر از اعظم ...
... است و ... است
... خلق ... مگر آنکه ...
... مخالف

حق سبحانه و تعالی فرمود که لیقطع ذکره ... ابو عبد الله علیه السلام روایت کند که مردی بر در خانه پیغمبر صلی الله علیه وآله ایستاده بود و انتظار میکشید که آنحضرت بیرون آید آنحضرت در کوزه آب نظر میکرد و موی محاسن را راست مینمود چون بخانه معاودت فرمود عایشه گفت یا رسول الله تو سید ولد آدم و رسول پروردگار عالمی و بر سر کوزه آب ایستاده و موی محاسن میآرائی فرمود که ای عایشه خدای تعالی دوست میدارد که چون کسی بنزد برادر خود رود تجمل کند و خود را بیاراید و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود که ... مرد در عفت زنان است **روایت** است که سفیان ثوری گفت با امام جعفر صادق علیه السلام که تو روایت میفرمائی که امیر المؤمنین علیه السلام جامه های درشت میپوشید و تو جامه های نازک میپوشی فرمود که آنحضرت در زمان تنگی واقع شده بود و این زمان وسیع است چون بمقتضای زمان عمل کردن اولی است امام رضا علیه السلام فرمود که یوسف پیغمبر علیه السلام جامه های حریر مصری مطرز بطلا میپوشید و بر تخت حکومت مینشست امام محتاج نیکی و ... است و امام زین العابدین علیه السلام دو جامه میپوشید در تابستان که بپانصد دینار خریده بود و در زمستان جامه خز میپوشید و در تابستان بپنجاه دینار میفروخت و تصدق میفرمود و امیر المؤمنین علی علیه السلام میفرمود که باید شما زینت کنید جهت برادری که نزد شما آید چنانکه زینت میکنید برای غریبی که دوست میدارید که شما را بصورت و هیئت خوب ببیند **ابو خداش** بصری گوید که غلام امام رضا علیه السلام آمد که او را عبید میگفتند و گفت قومی از اهل خراسان آمدند بخدمت امام رضا علیه السلام و گفتند که مردمان انکار تو میکنند از لباسهای زیبا که میپوشی و مرکبهای خوشنما که سوار میشوی فرمود در جواب ایشان که یوسف علیه السلام پیغمبر بود و پسر پیغمبر و پسر پسر پیغمبر و لباس دیباج میپوشید و از در زر بند میبست و در مجلس آل فرعون مینشست و این حال مرتبه او را کم نساخته بود و از نزد حضرت ذو الجلال بر امام واجب است که حکم بعدل کند و بوعده وفا نماید و راست باشد و آنچه خدای تعالی حرام کرده حرام است چه کم و چه بسیار باشد و آنچه حلال فرموده حلال است چه کم و چه بسیار باشد **اسحق** بن عمار گوید که گفتم بحضرت ابی عبد الله علیه السلام که آیا میتواند بود که مؤمن ده پیراهن داشته باشد فرمود بلی گفتم بیست فرمود بلی و این داخل اسراف نیست که پیراهن نگاه داشتن تو پیراهن تو باشد **امام** جعفر صادق علیه السلام چون جامه نو پوشیدی این دعا بخوان اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اللهم ارزقنی فیه

عزت و بزرگی بود در جمیع صفات
نیکو نیست مگر آنکه از آن منزه
است و از این جهت است که
در معرفت و انکار و خارج از
حیز شمار است ... که حق
سبحانه و تعالی فرموده که کبر
بزرگی ردای من است و عظمت
ازار من هر که خواهد
در یکی از اینها با من برابری کند
او را بجهنم خواهم افکند و نیز
روایت شده که متکبران را در روز
قیامت محشور خواهند کرد بصورت
مورچه های کوچک تا پامال
مردم خواهند شد بجهت آنکه
که در دنیا ... **تواضع** ...
... و از تکبر ... تواضع
... خود ... و ...
... اگر نفس و شیطان ...
... خود ... واجب ملکه
تواضع ... از تکبر ...
... آنکه ...
... باشد ... از ...
آن دست ... **آنکه** ...
کبر و تواضع علامات چند است که
باید با خود ...
اول آنکه چون با امثال ...
خود ... گفتگوی ... اگر ...
بر ... ایشان ... خود ...
خلاف ... اگر ...
کرده ... ایشان ...
معلوم است که تواضع ...
...
... **دوم** آنکه ...

شکر نعمتک وحسن عبادتک والعمل بطاعتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی
واتجمل به فی الناس **معویة** بن عمار گوید که پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام چون کسی
خواهد که جامهٔ نو پوشد چه دعا بخواند فرمود که بگوید که بسم الله وبالله اللهم اجعله ثوب
یمن وتقوی وبرکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک وعملا بطاعتک واداء شکر نعمتک
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی واتجمل به فی الناس **ابو بصیر** گوید که از امام
محمد باقر علیه السلام [illegible] فرمود که امیر المؤمنین علی علیه السلام پیراهن سنبلانی خرید بچهار درهم و
پوشید آستین دراز بود بمقراض برید و فرمود الحمد لله الذی کسانی من الریاش ما استر به
عورتی واتجمل به فی الناس اللهم اجعله ثوب یمن وبرکة اسعی فیه لمرضاتک واعمر
فیه مساجدک پس فرمود که شنیدم که رسول صلی الله علیه وآله میفرمود که کسی که جامه
نو پوشد و این کلمات گوید آمرزیده شود **و نیز** مرویست در کتاب نجاة که در وقت زیرجامه
نو پوشیدن این دعا بخواند اللهم استر عورتی وآمن روعتی واعفف فرجی ولا تجعل للشیطان
فی ذلک نصیبا ولا له الی ذلک وصولا فیصنع الی المکاید ویهیجنی لارتکاب محارمک
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که طریق پیغمبران گرام علیهم السلام
آن بود که پیراهن پیش از زیرجامه پوشیدند ایستاده و رو بقبله و دعا نادمی پوشیدند
نیز روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که روزی امیر المؤمنین علیه السلام غمگین بود بعد
از آن فرمود که غمیدنم که بر آستانه در نشسته بودم یا میان گوسفندان گذشتم یا زیرجامه را ایستاده
پوشیدم یا دست و رو بدامن جامه پاک کرده ام **روایت** است از آنحضرت که میفرمود که کسی که بانچه
شد از دنیا بانچه او را کافیست قناعت کند با اسانتر تر بند و حسن تو همیشه رسد و اگر راضی نشد از دنیا
او را کافی نیست از هیچ وقت بهم رسد با آن قدر که او را کفایت باشد و دیگر فرمود که چون کسی جامه
نو پوشد باید وضو ساخته دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و آیة الکرسی
و انا انزلناه بخواند بعد از آن حمد الهی بجای آورد که ستر عورت او فرموده با آن جامه و زینت داده او را
بآن که میان مردمان و بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله پس او در آن جامه عصیان نکند مگر آنکه
باشد بعدد هر رشته بعدد فرشته که استغفار از برای او کند و ترحم بر او از حق جل و علا طلبند
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون یکی از شما وضو بساخته باشد یا ابی بپاشد یا طعامی بخورد با
جامه نو بپوشد و هر کاری که خواهد بکند سزاوار آنست مرا او را که خدای تعالی را یاد کند که

دعا المسکنت تو بر تو مقدم
و تو فرود بیاد و دست
مقدم باشد متو در بعضی
باشی چون اگر مطلقا تفاوت
نیست واست متواضع لا امکن
و از حضرت صادق علیه السلام
که فرمودند متواضع آنست که
آدمی در مجلسی که پست تر از جای
دیگری باشد راضی شود و بهر که
ملاقات کند سلام کند و ترک
مجادله نماید اگر چه حق با او باشد
و نخواهد که او را متقی بپرهیزکاری
بخوانند و مدح کنند و بعضی
که بعضی از متکبرین طالب صدر
میخواهد که امر را مشتبه کنند
میگویند که مؤمن نباید خود را
ذلیل کند و بعضی از مشتبهین
اهل علم متمسک میشوند که علم
را باید عزیز داشت ...
و در وقت دیگری بود دست کشانی که
مثل او باید بلند بنشیند
خدا اگر ممنوع باشد
که مؤمن در مجمع اهل کفر از اصحاب
علم در مجلس ظلمه
حاضر شود علاوه بر آنکه
نتوانست اگر اتفاق در
خانه نبودنشستن منبر
و مضطر به نشستن
دست کشیدن نماز و علم
بهم رسد هزار مسلمان
عالم را ... که انواع
با ایشان میرسد چنان

اگر چنان نکند شیطان با او در آن شریک گردد و بدرد و بنو دیگر آمد که کسی که جامه نو
خواهد بپوشد مستحب است که آیة الکرسی را بخواند و سی و پنج بار انا انزلناه و آب بر آن
جامه نو بپاشد بهتر او را خیار شود تا از جامه کهنه گردد **مروی است** که امام رضا علیه السلام
که چون جامه نو پوشید مستحب است طلبید و ده نوبت سوره انا انزلناه و ده نوبت قل هو الله احد
و ده نوبت قل یا ایها الکافرون بر آن میخواندند آن آب بر آن جامه میپاشید میفرمود کسی که چنین کند
او همیشه در عیش خوشگوار باشد تا از آن جامه باقی است **فصل دوم** در کوتاه کردن جامه
دنیا لند داشتن آن **روایت است** که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود شستن جامه غم و اندوه را میبرد
و پاکی است از برای نماز و حق سبحانه و تعالی فرمود و ثیابک فطهر یعنی کوتاه کن ثیاب خود را
فصل سیم در پوشیدن انواع لباسها و اختلاف رنگها ابو عبد الله علیه السلام روایت
کرده از امیر المؤمنین علیه السلام که او فرمود لباس پنبه بپوشید که آن لباس رسول است و لباس ما و
لباس آنحضرت پشمینه نبود مگر بنا بر ضرورت چه حق سبحانه و تعالی جمیل است و دوست میدارد
جمال را و نیز دوست میدارد که ببیند اثر نعمت خود را بر بندگان و فرمود که کتان از لباس پیغمبران
و امام محمد باقر علیه السلام فرموده که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که هیچ لباس بهتر از پنبه نیست
پدران را بپوشید و کفن مردگان را از آن کنید **سلیمان** بن رشید گوید که پدرم گفت که دیدم
بر امام رضا علیه السلام دراعه سبز و طیلسانی کبود **زرارة** گوید که روزی بیرون آمد امام
محمد باقر علیه السلام که نماز بگذارد بر بعضی اطفال ایشان و جامه خز زرد و عمامه خز سبز و ردای **ابان بن**
تغلب گوید که روزی بخدمت حضرت ابو عبد الله رفتم آخر روز در ماه رمضان فرمود ای ابان بن تغلب
که نازل شد جبرئیل علیه السلام بر رسول در آخر روز رمضان بعد از عصر پس چون بازگشت بجانب
حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فاطمه علیها السلام را طلب کرد و اجابت فرموده آمد در عبائی
نیمه آن بر بدن او بود و نیمه دیگر بر زمین میکشید پس آنحضرت فرمود بخوان ای فاطمه شوهر تو علی علیه
السلام را چون آمد آنحضرت دعا کرد او بود است خود را در دست راست در کار خود نهاد و فاطمه علیها
السلام را در دست چپ خود و دست او را در کار خود نهاد بعد از آن فرمود که ای جبرئیل هم شما را
با چه خبر داده مرا جبرئیل علیه السلام گفت بلی یا رسول الله فرمود که خبر داده مرا جبرئیل علیه
السلام که مرا در روز قیامت بر راست عرش باشم و حق سبحانه و تعالی دو جامه بمن بپوشاند یکی
از آن سبز باشد و یکی از آن سرخ گلرنگ و تو ای علی نیز بر راست عرش باشی و خدای تعالی بعضی

بیک کرد بین جماعت نیز بکند و
بخود از تکبر بین اگر در علم و ادب
شود که بعضی جاهای برابر اسب
نباشد در صف نعال میشیند با
دیگری میان صدر و صف نعال
مکان خالی بسیار نباشد یا بعضی
پست تر از خود دیگر ... در صدر
نشسته است ... که فهمانند
که ما نیز شایسته صدر ... انگ
ما خود از صدر گذشته ایم ... باشد
کرده ... بر چنین عین شود که
معلوم ... خود ... ان دیگر
میکنند تا ... با او بیشتر
حاصل شود ... جمیع کرده بیت
نقل است **سوم** آنکه ... کرده
کردن برادر ... اگر رضا
داشته باشد ... خواهد
اگر ... که کلمات
... حاجات ... خواب
... باید ... تجبر
... ضرورت ... از اینها
هرچه ... عزه ... راز
و خود ... اگر آنها برادران
باشد تکبر است و از بعضی اخبار ... ضعف
میشود که اگر ... عمدی
ارتکاب ... تبع ... حق
شود که مردم غیبت و کنند ...
بهتر است و این نسبت ... خاص ...
و بعضی ها مختلف میشود ... که ...
باید حرمت ... بیست
... تکبر ... انکه بپوشند
با انهایی که ... طبقه
و ... برادران باشد **ششم**

دو جامه بپوشانند ابان گفت عرض کردم فدای تو گردم بلی شنیده که مردمان مکروه میدارند
جامهٔ گلرنگ را فرمود که ای ابان بدرستیکه خدای تعالی چون بالا برد عیسی علیه السلام را باسمان
او را با بهشت راه داد که عطا دوغرفه در او بود که حق تعالی دو جامه بر وی پوشانید یکی از آن سبز
بود و دیگری سرخ گلرنگ پس گفتم فدای تو گردم خبر ده مرا بنظر اندازان فرمود که حق سبحانه
وتعالی فرمود که فاذا انشقت السماء فکانت وردة کالدهان **فصل چهارم**
در پوشیدن جامهٔ خز و حله و غیر آن **عبدالله** بن سلیمان گوید که شنیدم از ابی عبدالله علیه
السلام که میفرمود که امام زین العابدین علیه السلام در مزاج مبارکش بر خانه دو نانشتر کرد بجهت انحضرت در
زمستان جامهٔ خز را بهزار درهم یا پانصد درهم میخرید و چون زمستان بسر آمد آن جامه را فروخت
و قیمتش را تصدق فرمود **قتیبه** بن محمد گوید که من پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که من
این جامهٔ خز را میپوشم و تار او ابریشم است این جایز است یا نه فرمود که باکی نیست چون تار ابریشم
دیگر باشد و فرمود که روزیکه امام حسین علیه السلام را شهید کردند جبه پوشیده بود که تار آن
ابریشم بود و پود آن موی خز قتیبه گوید گفتم که ما جامه‌های صوف میپوشیم که موی آن از حیوان
مرده است این جایز است یا نه انحضرت فرمود که در پشم جان نیست نمیبینی که گوسفند با وجود که
زنده است پشم او را میبرند و میپوشند **و** محمد بن سعد روایت کند از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت پدرم جامهٔ خز میپوشید و قیمتش پانصد درهم بود پس چون تا سال یا دو میگذشت آن جامه را
بصدقه میداد گفتند یا امام اگر بفروشی و قیمتش را تصدق فرمایی بهتر است فرمود چگونه روا باشد
جامه را که در او نماز گذارده باشم پس اولی است که بر مستحق دهم که او نیز در او نماز گذارد **روایت**
است که شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که پوست خز میتوان پوشید انحضرت فرمود
که اعیان شخص گفت آن خز زاد بدام مانند سگ آبی است فرمود که چون در کبیر بود تا بغیر
باکی نیست پس امر بحل کرد که فدای تو گردم این که بلاد ما از آب بیرون میآید انحضرت فرمود
چون بیرون آمد از خارج آب میمیرد گفت نه فرمود پس چه باک **معلی** بن خنیس گوید که ابی
عبدالله علیه السلام فرمود که نزد امیر المؤمنین علیه السلام چند حله از دنیا آوردند امام حسن علیه السلام
یک حله که نیکوتر بود برداشت انحضرت فرمود که و حله عوض از من دهم یا پنج حله دینا سند امام
حسین علیه السلام آن حله را طلب فرمود انحضرت او را بوی داد و فرمود که تو این را بپوشی و مردمان
تو را ابن امیر المؤمنین میخوانند و باز دیگر میپوشی که رحمکین بخود و فاسد میگردد و این را بپوشان

در صفت کبر و تواضع و فروتنی

تا کبر آن و غلامان و خدمتکاران
خود در یک سفره طعام خورند
چنانچه از صفات سلطان سریر
ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا
علیه السلام منقولست و امثال این کلم
و تواضع حضرت بسیار است چنانکه
امثال و اتباع تکبر بر جیا مست
مانند اینکه خواهد که پیش او
بایستند و خواهد که همراه او دوند
که چه را انا ربکم الاعلی انا خیر منه
و هیچ هیزم جهنمیان درین سخن بنا
وار اندرد ز ایشان بعضا بر نکند
و ضد صفت کبر تواضع و فروتنی
است که لازم آن کرداری و گفتاری چند
که دلالت بر تعظیم دیگران میکنند
متفاوت بر انها اقوی صفات الحمیدات
از برای مرض کبر و انار شرف و صفات
است و روایت شده که هیچ کسی تواضع
نکرد مگر آنکه خدا او را بلند گردانید
تواضع را اسر بلندی و رفعت
ندوی شرف را خجندی بعد
و خدا وند تعالی حضرت خلق
خود را بتواضع امر فرموده و فرموده
و اخفض جناحک لمن اتبعک من
المؤمنین پس از تواضع که موجب
میشود که شرف ذات و علو همت و
در معرض اشیاء ضائع باشد و اما
آنکه تکبر همین الامر مخلوق و حق تعالی
است او از تواضع نرسند بر اکرم
از بندگی و جلال او چیزی کم نکند
بلکه شوکت و دکر و حق تعالی و مخلوق
بیفزاید و از این جا معلوم میشود که
تکبر از خدا بغیر خصلت و نادانی

فروخت و پنج حله از بهای آن خرید که پنج غلامان بپوشد **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود
که اسامة بن زید بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد جامهٔ ابریشم پوشیده بود فرمود
که این لباس کسی است که او را نصیبی در آخرت نیست پس فرمود که این را بمعجزه زنان ساخته و زینت
ایشان بخش کند **روایت** از ابی عبدالله علیه السلام که پوشیدن لباس ابریشم خالص نیست
لیکن میتوان فروخت و در حال جنگ میتوان پوشید اگرچه از صورت و تماثیل باشد **روایت**
کند ابی عبدالله علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود رسول صلی الله علیه و آله مرا
فرمود که چیزی نپوشم با انگشتری طلا در دستم که تا این پوشش سرخ و را اسب نکنم با ندرد کوع قرآن
خوانم **فصل پنجم** در تجمل در جامه و تواضع و افتادگی در آن عبدالله بن هلال
گوید که امر فرمود مرا ابی عبدالله علیه السلام که بجهت تجمل آباء بخرم گفتم گشاده باشد فرمود بلی
دراز نباشد و الا مقدار بحاف آن قطع کن که پدر بزرگوارم میفرمود که هرچه تجاوز کرد از کعبین
در آتش است **روایت** است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که جامه را تا نصف ساق بپوشم یا
تا کعبین و هر بیاشت که حضرت که بلند از جامه دراز پوشید چیز از شعار متکبران است و خدای تعالی
دوست نمیدارد متکبران را و دیگر فرمود بوی بهشت هزار سال راه آید و متکبر خاصه بر زمین
کشان بوی او را نشنود و دیگر فرمود که سه طایفه باشند که حق سبحانه و تعالی با ایشان سخن نگوید
که ایشان را خوش آید در روز قیامت و پاک نگرداند از آلودگی گناه و مر ایشان را باشد عذاب دردناک
یکی آنکه دامن جامه خود بر زمین کشد بجهت کبر و بزرگی دیگر آنکه دروغ گوید دیگر آنکه متاعها
گناه در روی کند در بیع تو و دل او بیابد از کبر بود و دیگر فرمود هر که بنوعی نعمتی دود تکبر
در زمین با عجب راه رفتن کند **روایتست** که امام محمد باقر علیه السلام سیاهی را دید که دو جامه پوشیده یکی را ازار کرده
و دیگری را ردا و بدان جامه‌ها سکان میرفت انحضرت فرمود که این جبار است شخصی گفت یا امام
این مال است فرمود که او جبار است و از جمله وصیت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله با ابی ذر
غفاری این است که فرمود که ای ابی ذر بهشت و زنجیان متکبر است مردی گفت یا رسول الله هیچ کس
باشد که از کبر خلاصی یابد فرمود بلی کسیکه جامهٔ پشمین پوشد و بر خر سوار شود و گوسفند دوشد و با
مسکینان نشیند ای ابوذر هر که زنار را چیزی بجهت تجمل را برخود و حود بوده و دوست و نازبوا ازکبری
خلاص باشد ای ابوذر هر که دامن خود را بر زمین کشد بجهت تکبر حق سبحانه بروی نظر نکند در
روز قیامت **روایتست** که امیر المؤمنین علیه السلام روزی با جمعی میرفت شخصی را دید جامه دراز پوشیده

در صفت تواضع و فروتنی

که غرضان از آن پوشانیدن تخفیف
خوبی است اما حقیقت تنبیه خود با
لامح و عنوان موجزا و الخیر خود
زنا که از تنبیه نشاء و منها ک
بر بعضی نهاد که مگر که جز طالب
تواضع سر بصفت از ایستد
تکبر بجا الحمد ما ندانست
مرتبه انکه خود نرسد
مواد بر نهند در باز
بگردن نهند نه که عند تو
بلندی با بعض مجو
بلند با تواضع گزین
کار نام نابلند مثل سرا
و بدانکه در صنایع مذکور شد که در
صفت نهیلین دو تن طا است در دو
طرف افراط و تفریط آن مذموم است
و طرف افراط تواضع تکبر است که
مذکور شد و طرف تفریط ذلت
است پس همچنانکه تکبر مذموم است
همچنین خود را خوار و ذلیل کردن
مذموم است و نیز چنانکه تواضع
کردن موجب بلندی است تکبر
نباشد و اما برای متکبر از تواضع
در روش تکبر و با ایشان بجهت
که فرو تنی برای ایشان باعث طغیان
و موجب گمراهی و زیادتی تکبر ایشان
و در حدیث نبوی است که هرگاه
متواضعین امت مرا ببینید از برای
ایشان تواضع کنید و هرگاه متکبرین
ببینید با ایشان تکبر کنید زیرا که
این باعث مذلت و خواری ایشان
میشود **صفت شانزدهم**
عصبیت است که عبارت است

در صفت عقل [illegible]

بود با آنکه بر او بود که جامه خود را بر دارد که زمین او را نخورد رسول الله فرمود که ای ابوذر هر که
بر دارد جامه خود را از زمین برای رضای خدای تعالی پس او برخیزد از کبر و دیگر فرمود که [illegible]
کار است [illegible] ما را از ان [illegible] سازند و بکبر براه روند حق تعالی سوگند یاد کرده که ایشان را با
یکدیگر گذارد **روایت** از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که روزی امام زین العابدین علیه
السلام جامهای فاخر پوشیده از منزل بیرون رفت ناگاه سائلی [illegible] طلب کرد و جامهها را بیرون
کرد و بوی داد که بجانب بر که من چنان خیال میکنم که من علی بن الحسین نیستم و آنحضرت هر گاه که
میرفت [illegible] براه [illegible] کرده [illegible] خود نظر نمیفرمود و میفرمود که بدبخت کسی که جامه
نرم پوشید طغیان میکند **حسن** بن فضل گوید که روزی امام جعفر صادق علیه السلام جامه کهنه
امیر المؤمنین علیه السلام را [illegible] شهید کرده بود [illegible] ملاحظه نمود [illegible]
بود [illegible] آستینش [illegible] و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام دو
پیراهن [illegible] غلام خود را [illegible] کرد که هر کدام را از این دو میخواهی [illegible] دیگر را من
گذار چون پوشید از آستینش [illegible] خدای را شکر [illegible] **روایت**
از ابو عبدالله علیه السلام که روزی امیر المؤمنین علیه السلام سه جامه خرید یک دینار پیراهن [illegible] لنگی
[illegible] و بعد از آن سر سوی آسمان کرد و شکر خدای بجا آورد [illegible] که جامه [illegible] و فرمود
که لباس [illegible] اینست لیکن [illegible] اگر این جامه را بپوشیم مردمان [illegible] خوانند یا گویند
[illegible] و لیکن چون قائم ما ظاهر شود این لباس [illegible] خواهد بود و هشام بن سالم گوید
که شنیدم از ابو عبدالله علیه السلام که هر گاه [illegible] جامه کهنه [illegible] بپوشد [illegible]
[illegible] و حق تعالی [illegible] **عبدالله** بن یعفور گوید که [illegible] فرمود
که مرد نظر کند بنفس خود چون لباس نو بپوشد خوش باید که جامه زیبا و فاخر پوشیده باشد
[illegible] فرمود که بل الانسان على نفسه بصيرة **ابن سنان**
روایت کرده از ابو عبدالله علیه السلام که فرمود که پدرم دو جامه داشت [illegible] چون نماز گذارد
آن را پوشید و چون حاجتی از خدای تعالی خواستی [illegible] لباس [illegible] و ابو طلحه [illegible] روایت
کرده از ابو عبدالله علیه السلام که روزی امیر المؤمنین علیه السلام در میان مردمان خطبه خواند
جامه آنحضرت کرباس درشتی بود که بعضی از آن پارهای صوف پینه کرده بود گفتند یا امیر
المؤمنین چرا این را پوشیدی فرمود که در این لباس خشوع و خضوع زیاده میشود و مؤمنان

در [illegible]

با اساس [illegible] خواند کرد **عبدالله** بن عباس گوید که چون از سفر باز گشتم و [illegible]
بخدمت آنحضرت بردم دیدم در بازار ایستاده و امر بمعروف و نهی از منکر میفرماید پیش رفتم سلام
کردم جواب فرمود و از احوال من پرسید دیدم که شمشیر خود [illegible] گرو داده که [illegible]
و چهار دینار را پیراهن خرید دو درهم صدقه کرد و [illegible] مرا [illegible] که **حسین**
بن کثیر گوید که امام جعفر صادق علیه السلام جبه [illegible] در زیر [illegible] پیراهن کرباس درشتی پوشیده
که از [illegible] فرمود که پدرم را دیدم که چنین میکرد و ما هر گاه نماز میکنیم درشت ترین
جامها میپوشیم **فضل** بن کثیر گوید که بابی عبدالله گفتم جامه کهنه [illegible] دیدم پس
نظر کردم [illegible] چه نظر میکنی در این جامه نظر کن در این کتاب چون نظر انداختم در آن کتاب
که پیش وی نهاده بود نوشته بود که لباس نو نباشد برای کسی که کهنه نپوشد **ابن بابویه**
روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پنج چیز را ترک نمود تا حین وفات با بندگان بر زمین
طعام خوردن و بر الاغ سوار شدن [illegible] و جامه صوف پوشیدن و بر کودکان سلام کردن
و میفرمود [illegible] باشد بعد از من **فصل ششم** در کراهت لباس شهرت و نکته چند
از **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که [illegible] مرد که جامه برای شهرت پوشد
و سوار [illegible] برای شهرت کند خدای تعالی دشمن میدارد شهرت لباس را **عباد** بن کثیر بصری
بخدمت ابی عبدالله علیه السلام آمد در حالی که جامه شهرت پوشیده بود امام فرمود که ای عباد این
چه جامه است گفت یا ابا عبدالله عیب میکنی بر من این را فرمود بلی حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که بپوشد لباس شهرت را در دنیا حضرت عزت لباس خواری بر او پوشاند در قیامت
روایت است که نزد امام موسی کاظم [illegible] از جامه شهرت بود و چون جامه نو [illegible]
[illegible] و بعد از آن پوشیدی **روایت** است که ابی عبدالله علیه
السلام مردی را دید که بالای پیراهن ازار پوشیده بود فرمود چنین مکن که این کبر است و امام محمد باقر
علیه السلام این را مکروه میداشت و میفرمود که این از فعل جاهلیت است رسول صلی الله علیه و آله نهی
فرمود است [illegible] از آن و [illegible] **ابن مهران** گوید که ابو عبدالله علیه السلام مردی را
دید که دامن جامه را بر زمین میکشید فرمود که مرا مکروه مینماید که مردان خود را مانند زنان گردانند
و دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله منع میفرمود مرد را [illegible] خود را [illegible]
و زن را چنین [illegible] و میفرمود که بهترین جوانان شما آنانند که خود را مانند [illegible] پیران [illegible]

بدعتی بیرون نیاید تا آنکه خود را شبیه کند بجوانان **یونس** بن یعقوب گوید که دیدم حضرت ابا عبد
الله علیه السلام را در مرضی که در آن مرض فرموده بود و جبه از خز پوشیده و لحافی بر روی او بود از پوست روباه
گفتم فدای تو گردم چه میفرمائی در پوست روباه فرمود که آن پاک است ولیکن در نماز مپوشید که
آن نماز قبول نیست **عبدالله** بن سنان گوید که از ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام
شنیدم که پوستین جهت پدر بزرگوارم از عراق آورده بودند […] از آن پوستین هرگاه نماز گذارد
آن را بیندازد **و** از امام رضا علیه السلام پرسیدند از پوست روباه و سنجاب و سمور فرمود که سنجاب
پدر بزرگوارم […] اما من سمور و روباه را […] **فصل هفتم** در بیان دستار و عمامه
سکونی گوید که حضرت صادق علیه السلام روایت کرد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که عمامه تاج
عرب است پس هرگاه که بر سر بستند حق تعالی عزت ایشان را افزون کند و دیگر فرمود که دستار بر سر ببندید تا بر
حلم شما افزاید **ابو اسحق** گوید که دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام را که خطبه میخواند بر منبر و دستار
رسول صلی الله علیه و آله را بسته بود و هر دو سرش را پیش و پس خود در دو طرف انداخته بود **معویة** بن
عمار گوید که من از ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که میفرمود روزی که رسول صلی الله علیه و آله فتح مکه کرد
فرموده بود عمامه سیاه بسته بود و اطراف آن فرو گذاشته بود **و** از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که
فرشتگان که در روز بدر بمدد آمدند عمامه سفید بسته بودند و اطراف آن فرو گذاشته بودند **و** حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که دو رکعت نماز با عمامه گذاردن بهتر است از چهار رکعت که بی عمامه گذارد **عبدالله**
بن سلیمان گوید که من با پدرم در مسجد بودیم که امام زین العابدین علیه السلام تشریف آورد و من آنحضرت را
ندیده بودم دیدم عمامه سیاه بسته بود و دو طرف آن را فرو گذاشته بود بر دوش مبارک خود مرد دیگر نزدیک
من بود از او پرسیدم که این چه کس است گفت چون است که از دیگری نمی پرسی از مردی که در این مجلس
زیرا که من نپرسیدم […] از او گفت این علی
بن الحسین است **ابو عبدالله** علیه السلام روایت کرد که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله عمامه امیرالمؤمنین
علیه السلام را بدست مبارک خود بست و از پیش گوشه آن را آویخت و از عقب او چهار انگشت
بعد از آن فرمود که رو بگردان برگشت و دیگر فرمود که پیش آ پیش آمد فرمود این چنین بود دستار فرشتگان
روایت است از امام موسی کاظم علیه السلام که فرمود که من ضامنم هر که از خانه بیرون رود
تحت الحنک بسته باشد از سه چیز […] ایمن باشد از […] و دیگر از غرق شدن و دیگر […]
و در حال دستار بستن این دعا بخواند که اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة و

در بیان شکم

صفت عفاف که منشأ جمیع
صفات کامله متعلقه این قوه
است و ما اول بیان این و بعض
و ضد آن تا که عفاف است بکنیم
و بعد شرح صفات متعدده
در ضمن […] میپردازیم پس در این
مقام دو مطلب است **مطلب**
اول در بیان بعضی صفات
خبیثه متعلقه بقوه شهویه و ضد
آنها است و بنا بر این در فصل
فصل اول در بیان شره شکم
که طرف افراط قوه شهویه است
و آن عبارت است از شدت حرص
شکم و فرج و حرص باکل و جماع
شکی نیست که این صفت اعظم مهلکات
است و از این جهت است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرموده است
که هر که از شر شکم و زبان و فرج خود
محفوظ ماند از همه شرها محفوظ است
و نیز فرموده که بیشتر چیزی که امت من
بواسطه آن داخل جهنم میشوند
شکم و فرج است و جناب صادق
علیه السلام فرمود که هرگاه شکم
سیر شود طغیان میکند و […]
شکم و فرج مرد موجب […]
است اما منافع شکم پر […]
بنهد که […] از […]
حاصل میشود و […]
بواسطه […]
[…] و […] ظاهر است که
تا شکم […]
دنیا […]
[…]

قلدنی بحبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و باید که ایشان دستار
بتحت الحنک بندد **محمد** بن علی گوید که دیدم علی بن الحسین علیهما السلام که قلنسوه خز بر سر
داشت و اشتران میفروخت **و** ابو عبدالله علیه السلام روایت کند که رسول الله صلی الله علیه و آله
قلنسوه مصری سفید بر سر مبارک میگذاشت و در حال جنگ قلنسوه میپوشید که دو گوش داشت که بر
سر میانداخت **و** از امام رضا پرسیدند از مردی که پوشیده بود قلنسوه را که پیش رو میانداخت
فرمود که ابو عبدالله علیه السلام آن را میداشت بجهت آنکه مانع آفتاب بود اما در غیر آن منع میفرمود
و میگفت آن پوشش یهود است **حسن** بن بغداد گوید که امام موسی علیه السلام میفرمود که بعضی […]
من قلنسوه بیاورند که ساختن در او چیزها است […] لایق نباشد که قلنسوه که ساختن
او چنینها ساخته باشند بپوشند **فصل هشتم** در پوشیدن کفش و موزه **روایات** […]
که حضرت پیغمبر و حضرت امیرالمؤمنین علیهما السلام موزه پوشیدند **ابو صباح** نقل میکند که ابو عبدالله
علیه السلام […] که امیرالمؤمنین علیه السلام در سفر […]
ابتدا یک موزه پوشید و خواست که موزه دیگر بپوشد ناگاه مرغی از آسمان فرود آمد و آن موزه را برد
و بالا گرفت چون رها کرد از موزه ماری از آن بیرون افتاد […] **و** روایات است
که موزه سیاه پوشیدن سنت است و موزه سرخ شعار جباران است و موزه سفید طریق پادشاهان
روایت از ابو عبدالله علیه السلام که در سفر موزه سرخ پوشیدن ممنوع نیست اما در حضر و
ابو عبدالله علیه السلام در راه مکه پوشیده بود **و** از ائمه علیهم السلام مرویست که موزه پوشیدن
جهت حفظ نور چشم نیکوست **و** منقول است از ابی عبدالله که […] پیغمبر […] شخصی کفش
پیش پای آنحضرت نهاد آنحضرت دعا فرمود که اللهم ان عبدک تقرب الیک فقربه و لا
[…] **آورده اند** که روزی آنحضرت مضمضه فرمود و آب را در ظرفی
ریخت شخصی برجست و آن آب را خورد آنحضرت دعا فرمود برای او که اللهم ان عبدک یحب الله فاحبه
و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که کفش پوشیدن بدن را نگاه میدارد و مدد است در نماز و پاکیزگی
و سنت است که اول کفش را بپای راست کنند و در وقت بیرون آوردن اول از پای چپ و دعائی که
مرویست در وقت کفش و موزه پوشیدن بخواند این است بسم الله صل علی محمد و آل محمد و
وطئ قدمی فی الدنیا و الاخرة و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون
پای بیرون کند این دعا بخواند بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من

در مذمت شکم

منشأ این […] اگر […] شکم
پر شود […]
[…]
[…]
[…]
[…]
اگر […]
دیگر […]
[…]
نور […]
مصیبت […]
[…] شکم
و اگر […]
شکم […]
شکم […]
و همچنانکه از برای […]
بسیار است از برای گرسنگی […]
بیشمار است دل را نورانی میکند
و ذهن را تیز میکند و […]
لذت مناجات با قاضی الحاجات
میرسد و از ذکر و عبادت […]
میشود […]
میکند دیگر گرسنگی روز قیامت را بیاد
میآورد و شکسته نفسی […]
میشود و طاعت و عبادت […]
سهل میشود […]
و […]
و امراض […]
فائده […] گرسنگی […]
[…] شکم […]
[…]
[…] شکم […] گرسنگی […]
و اخبار متعلقه باین مقام […]

الاذی اللّهمّ ثبّتهما علی صراطک ولا تزلّهما عن صراط المستقیم و ابوعبدالله علیه السلام فرمود که هر که در قصر بر جامه دوزند و کفش را پینه زند و بار خود را بر دارد از کبر بری است و از امام محمد باقر علیه السلام روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که آب بپاشد در حال ایستادن یا تکیه کند بر چیزی یا بر غیر جوب کند یا بیک کفش راه رود عارض شود او را شیطان و از او مفارقت نجوید مگر آنکه خدای تعالی خواهد و روایت کنند از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که برهنه کفش از پای کندن سنت حسنه نیکوست و برای قدمها راحت است ابوعبدالله علیه السلام فرمود که کسی که کفش زرد بپوشد تا کهنه نشود از آن غاشه و خوشحالی یابد بعد از آن آیه کریمه فرمود که صفراء فاقع لونها تسرّ الناظرین و دیگر فرمود هر که کفش زرد بپوشد پیوسته شاد باشد تا آن کهنه شود و سفیان بن سعید گوید که من بخدمت ابوعبدالله علیه السلام رفتم و کفش سیاه پوشیده بودم فرمود که چیست ترا که کفش سیاه پوشیده آیا ندانسته که در آن سه خصلت بد است گفتم کدام است آنها فرمود که بینائی را ضعیف میسازد و آلت تناسل را سست میسازد و غم میآورد و با این همه از پوشش جباران است بر تست از پوشیدن کفش زرد که در آن برخلاف این است بینائی را زیاد میکند و آلت را محکم میگرداند و غم را میبرد و با این همه از پوشش انبیا علیهم السلام است و فرمود سنت است که موزه سیاه باشد و کفش زرد و امام علی النقی علیه السلام فرمود که هر گاه موزه کفش پای کسی را جراحت کند خاکی را بگیرد و بر دور آن بمالد و بر آنجا نهد بر طرف گردد باذن الله تعالی

فصل نهم در باب مسکن و عمارت و آنچه متعلق است از آن بمتعلقات آن بروایت **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که از سعادت است وسعت منزل **بسند دیگر** فرمود مؤمن را راحت است وسعت و گشادگی منزل و امام موسی علیه السلام فرمود که بهترین عیش در زندگانی دنیا گشادگی منزل است و بسیاری دوستان بحوالی **مسکونه** روایت کنند از ابوعبدالله علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که از سعادت مرد مسلمان است مسکن گشاده و مرکب خوب و فرزند شایسته مرغوب و ابوعبدالله علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که خانه را شرف و برکتی میباشد و شرف و برکت خانه خوبی موضع است و گشادگی و نیکوئی همسایگان و در المحاسن از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سعادت مرد از چهار چیز است و شقاوت او چهار چیز اما سعادت زن نیک صالحه است و مسکن گشاده و همسایه نیکو و مرکب

پسندیده اهل سعادت و ... و مسکن تنگ و ناهموار است و همسایه بد و مرکب ناپسند و دیگر آنحضرت فرمود که ... حاصل است که این گردد ... و دیگر فرمود که حرمت همسایگان مانند حرمت مادر است و روایت است از **محمد** بن مسلم که بخدمت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ای محمد خانه را زیاده از هفت ذرع بنا مکن که هر چه زیاده بر آن است مسکن جنیان است چه مسکن ایشان بر زمین است ... و در بعضی روایات هشت ذرع وارد شده که ... مگر آنکه آیة الکرسی بنویسند که جن بآن مسکن ننمایند و از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مردی از انصار شکایت کرد نزد رسول از خانهای ... تنگ فرمود بلند ... آنچه توانائی داری و از خدای تعالی درخواه که بر تو گشاده گرداند **ابوعبدالله** روایت کند از رسول الله که آنحضرت فرمود که کسی که منزلی بنا کند باید گوسفندی بکشد و فقرا را بخوراند و این دعا بخواند اللّهمّ ادحر عنّی و عن اهلی و ولدی مردة الجنّ والشیاطین و بارک لی فی بنائی پس بدرستیکه آن خانه را ... نباشد و حاجت روا باشد ان شاء الله تعالی و هم از ابی عبدالله روایت است که هر بنائی که از کفایت زیاده است پس آن وبال است بر صاحبش و دیگر فرمود که هر که ... خدای تعالی ... مسلط سازد ... صرف کند و روایت است که رسول الله فرمود که جاروب کنید خانهای خود را مانند یهود مگردید که جاروب کردن موجب زیادتی روزیست و همچنین شستن کاسه و کوزه و دیگر آنحضرت فرمود که چون تابستان از خانه بیرون میروید باید که روز پنجشنبه بیرون روید و چون زمستان بخانه در آئید در جمعه در آئید و عبدالله بن عباس روایت کند که حضرت پیغمبر شب جمعه در تابستان بیرون میآمد و در زمستان شب جمعه در آمدی و ... مهران گوید بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم در خانه نظر کردم ... چراغ ... فرمود ... که شیطان نمیتواند ... ظرف را ... که شیطان نمیتواند برداشت ... چراغ را که موش ... خانه را ... و سنت است که در خانه کبوتر نگاه دارند و گوسفند و گربه که ایشان ستون خانه اند و در روایتی بجای گوسفند خروس است و ... که شیطان از آن گریزانست زیادتی برکت است **منقول است** که در خانه ... نگاه داشتن خروس است و کبوتر و گربه ... که خروس سفید در خانه دفع شر و سحر ... میکند و حفص گوید که ... امام موسی علیه السلام را که ... کبوتر در خانه داشت ... بود و ماده اش سیاه و ایشان را

طعم میداد و دعه بعیر بود که در شب حرکت میکنند و سو دنخواهند و بیدار میشویم از بیداری
ایشان و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که دوست میدارد اهل بیت را باید که دوست
دارد کبوتر را و ابو عبدالله علیه السلام فرمود که در خانه هیچ پیغمبری نبود که کبوتر نباشد برای آنکه
سفیهای جن بازی میکنند با کودکان خانه پس هر گاه که در آن کبوتر باشد با اینها مشغول میگردند
بازی **فصل پنجم** در جامه خواب و فرش و متاع خانه و تواضع در آن **عبدالله** بن
عطا گوید که روزی بمنزل امام محمد باقر علیه السلام رفتم دیدم که فرشها و جامها و بالشهای خوب
که در بالای یکدیگر نهاده اند پرسیدم که اینها چیست فرمود که اینها متعلق بزنان است **جابر** بن
عبدالله روایت کرده از امام محمد باقر علیه السلام که چون بمنزل امام حسین علیه السلام در آمدم فرشها
و چیزهای زیبا دیدم تعجب کرده از آنحضرت پرسیدم آنحضرت فرمود که ما کابین زنان را ادا میکنیم
و ایشان از آن برای خود چیزها میخرند اینها از ما چیزی در اینجا نیست **امام محمد باقر** علیه السلام فرمود
که چون امیر المؤمنین علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام را نکاح فرمود بساط خانه ایشان پوست گوسفند
و بالش که پر کرده بود از لیف خرما و جوی که فرش کرده بودند و مشکی برای آب بخته و جهت آب
پرده برای آن پوشیده **حسین** بن نعیم گوید که از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود
که چون رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را با امیر المؤمنین علیه السلام داد متاع خانه
ایشان یادی از عبای قیمتی بود و فرش و بالشی از پوست گوسفند پر از لیف خرما و در کتاب
موالید الصادقین که محمد ابراهیم طالقانی نقل کرده که در آن روز که رسول صلی الله علیه و آله
هجرت فرموده بود در خانه تشریف داشت که بجهت دباغت پوستی در آنجا نهاده بود و حضرت
خواب فرموده بود بر حصیری که اثر آن بر پهلوی مبارکش نمایان بود یکی از اصحاب بنجار رفت چون
بوی آن پوست شنید گفت یا رسول الله این چیست فرمود که این متاع این قبیله است چون حضرت
نشست اثر حصیر را در پهلوی مبارکش ملاحظه کرد گفت من گواهی میدهم که تو رسول خدائی و نزد
خدای تعالی گرامی تری از قیصر و کسری چون است که تو بر حصیر خوابیده که نقش آن در پهلوی تو
پیداست و ایشان را از متاع دنیا بسیار است فرمود چرا راضی نباشم که ایشان را دنیا باشد
و مرا آخرت **وصل** گوید که من پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام از نخی که از طلا باشد جایز است
که در خانه نگاه دارند یا نه فرمود که اگر عین طلا باشد جایز نیست و اگر آب طلا باشد باکی
نیست **حلبی** گوید که ابی عبدالله علیه السلام فرمود که گاهی هست که نماز میگذاریم و در

فصل در بیان خوردن توضیح قوه شهوت است ذات عبارت است از کرامی کردن در تحصیل قدر ضرورت از قوت بجهت سد رمق و سعی نمودن آن قدر که لازم است نه بهوس چنانچه در بدن بکند بجهت تحصیل طرف شد اول قوت و تضییع حال در قطع نسل شود و شکی نیست که از صفات رذیله مذموم است بلکه تحصیل قدر ضرورت و سعی در عبادت بود که اکثر کتب فضائل در مدح آنست مملو و قوت عقل مذمت چنین که نامی نیست بدن عالیه ادعیه از رسول مکرم منبا و دیگر اخبار که از اهل بیت رسیده آنرا غلبه بر محرومی گردد **فصل سوم** دانسته که شده در حرص شره و خوردن که عبارت است از طمع شدن قوه شهوت غافل از آنکه اجزا امر بآن نفس نتابعت کند و از آنچه نهی کند اجتناب نماید بعد از آنکه حق است که مذموم است در شرع و عقل چرا که آنکسی که اخبار و آثار نصیحت بخوردن او طعام نبرده باشد بلکه بر آنها بیک خوردن آنست حسنی که در آن اشتغال بهم تحصیل خوابیدن رود و غالب شود و معلوم است که اکثر غفلت و بیماریها از رفع بر آن کند ... چندان نخورند مگر آنچه آنکه از ضعف جان دهند که بتن ده میارانست که ابجد گرسنه شود مجدود که مضره و غشاوه شده که

پیش روی من بالوث منا باشد که در آن صورت مرغان منقوش است پرده بر آن میپوشم و دیگر
فرمود که باکی نیست که صورت مرغان در او منقوش بوده از جانب شام برای من هدیه آورده بودند
امر کردم که صورت سر مرغان را تغییر کردند باقی بصورت درخت شد **محمد** بن مسلم گوید که سؤال
کردم از ابی عبدالله علیه السلام از صورت شجر و شمس و قمر چون است فرمود که باکی نیست چون که
از صورت حیوان نیست **ابو العباس** گوید که من از آنحضرت پرسیدم که از قول الهی که یعملون
له ما یشاء من محاریب و تماثیل چه مراد است فرمود که مراد صورت درخت و مانند آن است
ابو بصیر گوید که گفتم بآنحضرت که در خانه های ما بالشها و فرشها میاندازند که در آن نقش
نقش کرده اند آیا جایز است یا نه فرمود که اگر بر زمین انداخته اند و پای بر آن میگذارند جایز است
و اگر بر دیوار و تختها فرا ششه میکنند جایز نیست

باب هفتم

در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بآن و مشتمل بر سیزده فصل

فصل اول

در فضیلت طعام دادن و نیکوئی کردن و در روزه سنت نگاه داشتن **در** کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده در قول حق سبحانه و
تعالی وما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی هر چیزی که شما تصدق میکنید حق سبحانه و تعالی
عوض آنرا بشما میرساند و منقول است که میفرمایند کسی را که اندک طعامی داشته باشد با وجود حاجت
تصدق کند که ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة **و** رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که ایمان بخداوند ندارد کسی که خود سیر خوابد و برادرش گرسنه باشد و ایمان بحق تعالی ندارد
کسی که خود پوشیده و برادرش برهنه باشد فرمود که یقین داند با نکه هر چه صدقه میکند عوض
میابد نفس او بخیل نمی شود و شنید امیر المؤمنین علیه السلام که مردی گفت شخص بخیل کمتر است
از ظالم فرمود که دروغ میگوئی ظالم گاه هست که توبه میکند و مظالم صاحبان میدهد و
بخیل زکوة نمیدهد و صدقه نمیدهد و صله رحم نمیکند و مهمانی و خیرات در راه خدا نمینماید
حرام است بر بهشت که داخل گرداند بخیل را در خود و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که عجایب
آخرت در آنست که طعام دهند بمحتاجان و سلام کنند بهر کسی از مؤمنان و شب نماز گذارند
و مردمان باشند در خواب گران و دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعام کند ولی
مؤمنان آن بخورند اسراف نیست و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس بخدا و رسول و روز
قیامت ایمان دارد اکرام کند مهمان خود را و اگر سخن گوید خیر بگوید و زبان را نگاه دارد یا خاموش
شود و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که اول چیزی که در آخرت ثواب آن داده شد صدقه است

در شکند چنانچه از حکیمی پرسید که روزی چه مقدار از طعام باید خورد گفت از صد درم تجاوز نکند گفتند اگر بیشتر بخورد گفت ما زاد علی ذلک فانت حامله
خورند برای بدن ذکر کرده اند و معنی آنکه بدن این را میخورد تا ... و باید غرض او از خوردن قوت باشد نه لذت بلکه قوت تمام برای عبادت مقصود او باشد و بدانکه عرفا ترغیب نمایند در گرسنگی نموده اند و حکایات چند در حسن گرسنگی نقل نموده اند و از بعضی ذکر نموده اند که ایشان ماه ها بنان و چیزی نخوردند و ابن المرتب در ادعای احاطه از اخبار ... و نظر از اینجا خاصه هر قوم بان تکلف اگر خوب باشد برای قوم مخصوص خواهد بود و تکلیف هر کس نیست **و اما** اجماع بر حد اعتدال است از آنست که اقتضا کند بعد نسبکه نسل منقطع نگردد و از وسوسه شیطان فارغ شود و خطر اشتباه از دل او بیرون رود **مطلب دوم** در بیان شاه صفاتی که متعلقند بقوه شهوت و از جمله مذکور شد که بیشتر و اما بیان آنست **صنف اول** محبت دنیا و عقبه است که منشاء همه خطاها است بنا آنکه دنیا در حقیقت مذکور است که از جمله سر در آن برای بندگان و تعلق بدو و غرض خودم حب باشد

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که جگر گرم را آب خنک
کند و هر که جانداری را آب دهد حق سبحانه و تعالی او را نگاه دارد در سایه عرش خود در
روز قیامت و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که آب دهد کسی را در جائیکه آب یافت شود
ثواب آزاد کردن بنده دارد و اگر در جائی آب دهد که آب یافت نشود ثواب زنده کردن مرده دارد
و هر که سبب زندگی یکی شود گویا که مردمان را زنده ساخته و دیگر فرمود که بهترین اعمال
نزد حضرت ذو الجلال مؤمن گرسنه را سیر کردن است و شفقت او را بودن داشتن و قرض او را ادا کردن
منقول است از امام موسی کاظم علیه السلام که کسی که توانائی نداشته باشد که با ما نیکوئی کند پس باید
که نیکوئی کند بمؤمن و شیعه ما و کسیکه توانائی نداشته باشد که زیارت قبر ما کند باید که زیارت
کند برادران مؤمن ما را از شیعیان ابوعبدالله علیه السلام فرمود که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که ثواب صدقه ده چندان است و ثواب قرض هجده چندان و نیکی برادران بیست چندان
و ثواب پیوند با خویشان بیست و چهار چندان و منقول است از ابوعبدالله علیه السلام که حق
سبحانه و تعالی فرمود که هر عبادتی ملکی گماشته ام که فرا میگیرد آن را الا صدقه که بدست خود
فرا میگیرم و اگر کسی یک خرما را صدقه کند آن را فرزند میکنم و تربیت میکنم تا مثل کوه احد شود
و افزون تر و دیگر فرمود که خدای تعالی دوست میدارد طعام دادن در راه او را و برکت و کثرت
در خانه او شتابان تر است از سرعت کارد در کوهان شتر و رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که بدرستی که داخل میگردد در بهشت معروف و اهلش و اول کسی که وارد گردد
بر من بر کنار حوض اهل احسان باشند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نیکی کردن ببرادر
مؤمن خود چنان است که نیکی برسول کرده و دیگر فرمود که من میبینم نیکی را مثل نامش که معنی
معروف است و چیزی نیست که بهتر باشد از معروف مگر ثواب آن و این مراد است از آن و آنچه
نیست که هر که دوست دارد که نیکی کند بمردمان نیکی باشد و نیست هر کسی که رغبت در آن داشته باشد
قادر گردد بر آن و نیست هر آنکه قادر گردد بر آن اذن یافته باشد بر او در آن پس هر گاه که رغبت
و قدرت و اذن جمع شوند سعادت تمام گردد برای طالب و مطلوب بآن و دیگر فرمود دیدم معروف را
که صلاحیت ندارد مگر بسه خصلت تا فائده تمام دهد یکی کوچک شمردن آن و دیگر پنهان داشتن
آن و تعجیل نمودن در آن که هر گاه تو آن را کوچک داشتی یافت عظمت و بزرگی نزد آن که با او کرده ای و چون
پنهان کردی تمام نمودی سعادت را آشکار و چون تعجیل کردی بسازگاری با طبع و خاطر او خوش

آنچه را آدمی در آن بما میل
دارد و بر او ختم است نیکی که
فائده آن بعد از مرگ آدمی برسد
و غرض از تحصیل آن ثروت و نعم
اخروی است مثل علم نافع و عمل صالح
که صاحب آن را باعث تقرب میشود
اگرچه از دنیا است ولکن در دنیا
معدوم نیست و آن را از دنیا نمی
شمارند که در آنجا حاصل میشود
و آن از جهت حضرت رسول صلی
الله علیه و آله آن را از دنیا شمرد
و فرمود حبب الی من دنیاکم ثلث
الطیب و النساء و قرة عینی فی الصلوة
و همچنین از دنیا حساب میشود
تحصیل آنچه بکار رفقاء حیات
و معاش عیال و حفظ آبرو ضرورت
باشد از اعمال الصالحات و مروی است
که عبادت خدا جزو است افضل
آن طلب معیشت حلال است و مروی است
که از ما نیست کسی که دنیا را
بجهت آخرت ترک کند یا آخرت را
بجهت دنیا ترک کند و انبیا و ائمه
علیهم السلام همیشه مشغول کار و
زراعت و تجارت بودند و
و اما مذموم آنست که مذموم است
آنست که علاقه دل بآن داشته باشد
آن را بر اولی صلاح آخرت باشد
بلکه مجرد خواهش نفس باشد که هوا
و هوس بآن تعلق گیرد و
و همین علاقه دنیا است که بیشتر
از تمام اعمال است و
و علاقه دیگر ...
آن را ... و ...
...

چشم ما را ببیند خیر او باشی و اگر غیر این کردی آن را و نشاید باشی و ترا ندامت نامتناهی برای خود
نامتناهی و دیگر چون خواهی که سعادت و شقاوت مرد بدانی پس نظر کن بکار نیکی که از جهت خیر صادر میشود
نزد حق جل و علا نیکوکار است و اگر بغیر مستحق میدهد آن نیکوکار است و دیگر فرمود که بهترین شما
سخیان شما اند و بدترین شما بخیلان و دیگر فرمود که نیکوئی با برادران و سعی در حاجات ایشان از خلوص ایمان
است و دیگر فرمود جوان گنه کار بخشنده دوست تر است نزد باری تعالی از پیر عابد بخیل و رغبت
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ادا کند آنچه خدای تعالی بر او واجب گردانیده او سخی ترین
مردمان است و دیگر فرمود که هیچ چیز محو نمیکند اسلام را مانند بخل و باز فرمود که بخل میگردد مثل
مور چه سیاه است از شاخهای شرک و دیگر فرمود که یک نان را صدقه کردن بهتر است از نشستن
قربان کردن و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکوئی و صدقه دفع درویشی میکنند و در عمر میافزایند
و ابوعبدالله علیه السلام فرمود که صدقه کردن دفع مردن بد میکند و هفتاد نوع از انواع بلا را
کرد دفع میکند و بعد شیاطین را اگرچه بسیار باشند از او دور میگرداند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و
آله فرمود که صدقه پنهانی فرو مینشاند خشم یزدانی را و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بسوی
کسی که آنچه رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بر خود در سؤال بگشاید حق تعالی او را محتاج باشد
او را در دنیا محتاج گرداند و در عقبی تر خواهد بود و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مردی
بخدمت رسول صلی الله علیه و آله آمد گفت یا رسول الله دلالت کن بر من چیزی که چون او را بجا آرم دوست
گرداند خدای تعالی مرا و آن جماعتی که در آسمانها و زمین اند فرمود که رغبت کن در آنچه
نزد حق سبحانه و تعالی است از ثواب تا دوست دارد خدای تعالی ترا و ترک کن آنچه نزد مردمان است
از متاع دنیا تا مردمان ترا دوست دارند و امام محمد باقر علیه السلام فرمود اگر سائل بداند آنچه
در سؤال کردن است از مضرت هیچکس از هیچ کس سؤال نمیکرد و اگر میدانست عطا دهنده آنچه در عطیه است
از منفعت هیچ کس رد نمیکرد سائل را و امام زین العابدین علیه السلام روزی که روزه بود امر میفرمود
بکشتن گوسفندی و پختند آن را و بر مردمان بخشش میکرد و در حال بخشش میفرمود
پس آن را تقسیم نمودند و خرما میآوردند و افطار میفرمود و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که هر که روزه داری را روزه گشاید بقدر ثواب او ثواب او باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله فرمود که ایمان نیاورده بمن کسی که شب سیر باشد و همسایه او گرسنه خواب کند و دیگر فرمود که
هر که در ماه رمضان روزه مؤمنی بگشاید از گناه امرزیده شود و ثواب آزادی بنده دارد بعضی گفتند
یا رسول الله ما همه توانائی نداریم که روزه روزه داری را بگشائیم فرمود که حق تعالی کریم است

و آیات و اخبار در مذمت دنیا
در دنیا اخبار بعد صفات آن
از دنیا از حد حصر و احصا است
و ذکر عشری از اعشار آن این
مختصر گنجایش ندارد و دلیل است
مذمت آن که دشمن خدا و دشمن
دوستان و دشمنان خدا است و
عجب است هر که طالب دوستی
او باشد و ...
بعضی ...
...
مثل آب دریا است که هر چه تشنه
از آن میخورد تشنگی او زیاده میشود
تا او را بکشد و ...
که ظاهرش منقش و نرم است و
باطنش پر از زهر است
خردمندان گفته اند ...
...
هر که ...
دنیا ...
چون ...
مثل دنیا ...

نظم

...
...
...
...
...
...
...
...
...

بیند همان ثواب را بکسی از شما که آب یا شیر یا چیز حلالی بروزه دارد دهد و امام رضا علیه السلام فرمود که روزه گوشت را بر بدن تو برادر روزه دار را ثواب آن بیاد تو است از روزه داشتن خود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود روزی بر اصحاب خود که آیا خبر کنم شما را بچیزی اگر شما آن را بعمل آرید دور گردد از شما شیطان مانند دور بودن مشرق از مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود که روزه سیاه میکند روی شیطان را و صدقه میشکند او را میشکند و دوستی با مومنان برای رضای الهی و مدد بر عمل صالح تا آخر میبرد او را و توبه و استغفار رگ گردن او را میبرد و باز فرمود هر چیزی را زکوة است زکوة بدن روزه است و باز فرمود که مرد روزه دار دایم در عبادت است اگر چه بر بستر خود باشد مادام که غیبت مومنان نکند و حق تعالی فرمود که روزه جهت رضای من است و جزای آن نیکو میدهم و فرمود که روزه دار را دو فرح است یکی نزد روزه گشودن و یکی دیگر با من رحمت الهی و بحق آنکه نفس محمد صلی الله علیه و آله بید قدرت او است که بوی دهان روزه دار نزد خدای تعالی بهتر است از بوی مشک تا تار **حدیث** از صادق علیه السلام که پیغمبر در اول حال چندان روزه میداشت که مردمان میگفتند که افطار نمیاید و بعد از آن چندان افطار میفرمود که مردمان میگفتند که روزه نمیدارد و بعد از آن یک روز روزه میداشت یکروز افطار میفرمود بعد از آن روزه دوشنبه و پنجشنبه روزه میداشت و بعد از آن قرار شد که هر ماهی پنجشنبه اول و چهارشنبه میانه و پنجشنبه آخر روزه میداشت و میفرمود که ثواب این سه روزه معادل روزه تمام سال است **و امام جعفر صادق علیه السلام** فرمود که هر کس این سه روز را از هر ماه روزه دارد از وسوسه خلاص میشود و چون بروزه باشد باید که بمردم کید و جدال نکند و سوگند دروغ نخورد و اگر کسی بوی سخن نالایق گوید بحمل کند **و امیر المومنین علیه السلام** فرمود که روزه داشتن ماه صبر است و شکیبائی بر مکروه و سه روز روزه داشتن از هر ماه زایل میگرداند وسوسه های سینه ها را و سه روز را از هر شهر روزه داشتن تمام سال است بدلیل آنکه حق سبحانه و تعالی میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی این سه روز را از هر ماه روزه نتواند داشت فرمود بدل هر روزی یک مد از طعام بصدقه دهد و فرمود اگر روزه دار را کسی نزد برادر خود رود و افطار نکند و نگوید که روزه ام بهتر است که روزه باشد حق سبحانه و تعالی ثواب یکسال روزه بوی دهد **و امیر المومنین** علیه السلام روایت کرده است از رسول صلی الله علیه و آله که هر که یک روز روزه سنت بدارد حق سبحانه و تعالی او را بهشت در آرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر گاه که از ...

در بیان صفات ...

از نرمی و خوی دلداده و نرمی خواهش و خوش بخشش و زحمت تحمل مال و محافظت از دشمن و ظالم و حاسدان **شعر** نقد عمرت بر غصه ها مگری گرشه روزه در این قصه با صلاح **و اما صفات اخلاق** پس بدانکه نوع است **اول** آنست که باکتساب معاصی میگردد زیرا که بواسطه معصیت بر معاصی حاصل و وصول بانها آسان میگردد **دوم** آنکه با صرف شدن در نفسها دخوش گردانیدن میشود و صاحب دنیا بان عادت میکند و با آنکه از حلال میسر گردد پس دنیا رشته دار میکند و رنج از آن تجاوز نموده بحرام میافتد و باین سبب با نواع اخلاق ذمیمه از کینه و نفاق و دروغ و حسد و غیر اینها مبتلا میگردد **سیم** آنست که هیچ ساعتی از آن خالی نیست و از محافظت مال و انجام دادن امور متعلقه بان است که آدمی را از یاد خدا که روح عبادت است باز میدارد (**سنائی**) ... گاه در حرکات و خیال عقاد (**سعدی**) ... و ضیق محبت با دنیا ...
(زاهد)

سیمود این دعا میخواند که اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت **فصل دویم** در آداب دست شستن **در** کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که خواهد که خیر او بسیار باشد پس باید که نزد حضور هر طعام وضو بسازد و دیگر فرمود که هر کس وضوی خود را تا جمع سازد خدای تعالی پراکندگی شما را و دیگر فرمود وضو پیش از طعام درویشی را میبرد و بعد از آن غم و اندوه را زایل میگرداند و بنور چشم میافزاید و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام بسیار میگرداند برکت در اول و آخر و در روزی میافزاید و صحت بدن میابد **و** دیگر فرمود که هر که دست خود را بشوید پیش از طعام و بعد از طعام باید که خشک نکند آن را بدستمال چه همیشه برکت میباشد در طعام مادام که تری در دست او باقی است **و** دیگر فرمود که ابتدا دست شستن پیش از طعام از صاحب طعام نماید و دیگر آنکه بطرف راست اوست و بعد از طعام از طرف چپ ابتدا کند **و** مروی است که چون دست بشوید پیش از آنکه خشک کند بر سر و روی خود بمالد و بگوید اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجوههم قتر و لا ذلة و در چشم نکشد **و** دیگر فرمود که ملکه طلب امر زش میکنند جهت کسی که بعد از خوردن طعام انگشت خود را بلیسد **و** در کتاب عوالی الصادقین آورده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون دست مبارک می شست بعد از طعام دست بر روی خود میمالید و میفرمود که الحمد لله الذی هدانا فاطعمنا و سقانا و کل بلاء صالح اولانا **فصل سیم** در آداب طعام خوردن و آنچه متعلق بآن **حدیث** از امیر المومنین علیه السلام که فرمود که وقتیکه طعام خورید یاد خدای کنید و سخن لغو مگوئید چه طعام نعمت خدا است و واجب است بر شما که در نعمت شکر منعم و ستایش او بگوئید و اداء حق نعمت نمائید بدانید که نعمت بهره دارد نزد خدای تعالی و گواهی میدهد با صاحبان که شکر او کنند از شکران و کفران **و** دیگر فرمود که چون یکی از شما طعام خورد باید که بادب بنشیند چون نشستن بنده و بر طعام بخورد و مربع ننشیند که آن نشستنی است که خدای تعالی را از آن خشم میآید **و امام جعفر صادق** علیه السلام فرمود که طول دهید نشستن بر خوان طعام را بدرستیکه آن ساعتی است که از عمر شما بحساب نمیآید **و** در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده بروایت امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت علی علیهما السلام که در خوان طعام دوازده خصلت است که هر مسلمانی باید بداند که چهار از آن فرض است و چهار از آن سنت است و چهار دیگر از آن ادب است اما واجب آن شناختن حق تعالی و نعمت اوست و رضا بر آن و شکر او بجای آوردن اما آن چهار که سنت است شستن دست پیش از طعام و ...

در صفت زهد ...

نعمات که عبارت است از دل برداشتن از دنیا و اکتفا نمودن بقدر ضرورت از دنیا برای حفظ بدن یا عبارت است از پشت کردن بدنیا و رو آوردن بآخرت و این صفت از اشرف مقامات سالکین است و در آن بشد و کم هر که خواهد که خدا او را اعلم دهد بدون درس و علم بدون تعلم دنیا کند باید که زاهد باشد در دنیا و زهد در دنیا که جمع کند و بریده گردد علامت غالب احوال است که دل از دوستی دنیا ... ناپسند بردارد ... برداشتن و زهد هیچ زاهد که دنیا متمتع نمیکند و در هیچ حرکت بر دنیا ... او ... زیادتی بکند پس معلوم است که از نصیب خود در آخرت محروم شود و بس در فضیلت زهد که همه انبیا و اولیاء باین صفت موصوف بوده اند و اشرف صفات ایشان بوده و پیغمبری مبعوث نشده مگر آنکه زاهد بوده و زهد ایشان تمام تر بوده ... در کتب احادیث ... و خوابیکه بعضی از ایشان بوده کر ... صفات ایشان بوده ... بیمار نکند ... که ایشان ...
(زاهد دنیا)

نشستن بر جانب چپ و بسیار نگشتن طعام خوردن و لیسیدن انگشتان تا ادب خوردن است از طرف خود و لقمه کوچک برداشتن و نیک خاییدن و کم نگریستن بر روی مردم و محمد بن قیس گوید که عبید به خدمت امام محمد باقر علیه السلام رفتم و خوان طعام حاضر بود پرسیدم که آداب خوان طعام چیست فرمود که چون بنهی بر زمین بگو بسم الله و چون برداری بگو الحمد لله و چون آنچه بر حوالی خوان ریخته باشد برچین چرا که آنست حدا ابن محمد بن ابی یزید گوید که بخدمت امام علی نقی علیه السلام طعام خوردم چون فارغ شدیم و خوان برداشتند غلام برچید آنچه ریخته بود طعام را آنحضرت فرمود که چون طعام خورید اگر در صحرا باشد بگذارید آنچه ریخته باشد اگرچه ران گوسفند باشد و اگر در خانه باشد برچینید **منقولست** که امام جعفر صادق علیه السلام مکروه میداشت بدست چپ طعام خوردن یا آب آشامیدن یا چیزی بدست گرفتن و امیر المومنین علیه السلام فرمود که چون طعام خورید ابتدا به نمک کنید و اگر مردم بدانند که چه فایده ها در نمک است اختیار کنند بر تریاق مجرب **پیغمبر** صلی الله علیه و آله فرمود به امیر المومنین علیه السلام که یا علی ابتدا کن بنمک بجهت آنکه در آن شفا است از هفتاد درد که از جمله آنها جنون و جذام و برص و درد گلو و درد دندان و درد شکم است **و** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در طعام خوردن ابتدا بنمک کنید و ختم بسرکه **و** حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو نان خورش است سرکه و هر خانه که سرکه باشد **و** باز فرمود که چون خوان طعام مینهند چهار فرشته باو حاضر میشوند و چون بنده از بندگان خدا بسم الله میگوید فرشتگان میگویند بشیطان که ای فاسق بیرون رو که اینجا ترا حکم و غلبه نیست و چون فارغ شد گفت الحمد لله فرشتگان میگویند مرشیطان را که بر این خوان قومی اند که خدای تعالی بر ایشان نعمت کرامت فرموده و شکر آن را بجا آوردند و اگر نمیگویند بسم الله فرشتگان بشیطان میگویند که ای فاسق نزدیک شو با ایشان و طعام بخور و چون بعد از فراغ حمد خدا را نگفتند میگویند فرشتگان که اینها جماعتی اند که حق تعالی نعمت با ایشان کرامت فرموده و پروردگار خود را فراموش کردند **و در حدیث** است که امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که در حال طعام خوردن بسم الله بگوید من ضامن او میشوم که هیچ المی نیابد **ابن کوا** که در میان خوارج بود گفت یا امیر المومنین من دوشینه طعام خوردم و بسم الله گفتم بر آن و بمن الم رسید آنحضرت فرمود که ای ملعون تو چند نوع طعام خوردی بر بعضی بسم الله گفتی و بر بعضی نه **و** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که فراموش کند گفتن بسم الله را با انواع طعام پس باید بگوید بسم الله علی اوله و آخره **و** دیگر فرمود که هرگاه تخمه شدی

صفحه غیاث

یا آب استنشاق کنند و ... زمین فرش کردند ... جاری و با وضو ... و نادر بود ... زهد و درجات ... که فقیر ... **درویش و توانگری** ... [illegible] **اول** ... [illegible] **دوم** ... [illegible] **سیم** ... [illegible]

بجهت آنکه چون بد بطعام خوردن کرده ام بسم الله گفته ام و چون فارغ شدم الحمد لله بر زبان رانده ام و شکم چون پر شد نافرمانی خود نمیکند **و در حدیث** است که امیر المومنین علیه السلام فرمود به پسر خود امام حسن علیه السلام که ای پسر هر گاه از طعام سیر شوی که خوردی و هر چه آب که آشامی بیاید که پیش از آن بگوئی اللهم انی اسألک فی اکلی و شربی السلامة من وعکه و القوة به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما بقیته فی بدنی و ان تشجعنی بقوته علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک پس بدرستیکه هر گاه این دعا خواندی از درد و آزار طعام ... **و در حدیث** است که امام زین العابدین علیه السلام هر گاه که طعام خورد این دعا خواندی الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سلیمان علیه السلام هر گاه که دست خود را میشست از طعام میگفت اللهم اکثرت فاطیبت فزدنا اشبعت فاهنئت **و** حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چون از طعام خوردن فارغ شدی فرمودی الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظامئین و کسانا فی عارین و هدانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین و اخدمنا فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین **و حضرت** پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون خوان برداشته شد بگوئید الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة **و در کتاب** محاسن روایت کرده اند دعا نزد طعام خوردن این است الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه اللهم لک الحمد علی ما رزقتنی من طعام و ادام فی یسر و عافیة من غیر کد منی و لا مشقة بسم الله خیر الاسماء رب الارض و السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء و هو السمیع العلیم اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره و اعذنی من شره و انفعنی بنفعه و اسلمنی من ضره انک علی کل شیء قدیر و دعا نزد فراغ طعام این است الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی و سقانی فاروانی و صاننی و حمانی الحمد لله الذی عرفنی البرکة و الیمن مما اصبته و ترکته منه اللهم اجعله هنیئا مریئا و لا وبیا و لا دویا و ابقنی بعده سویا قائما بشکرک محافظا علی طاعتک و ارزقنی رزقا دارا و اعشنی عیشا قارا و اجعلنی ناسکا بارا و اجعل ما یتلقانی فی المعاد مبهجا سارا برحمتک یا ارحم الراحمین **و در کتاب** طب الائمه علیهم السلام منقولست که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دعا کرد که براه رود بعد طعام بخور که آنکه مضطر شود بآن **و در کتاب** بصائر الدرجات روایت کرده اند که خاصم گفت ما جماعتی نیز صبر کنیم پس چه ... که در دل ایشان ...

صفحه غیاث

خانه فقیر ... بیرون ... از احتیاج ... اگر ... [illegible]

علیه السلام در آنجا تشریف داشتند خواستند که ممانعت کنند مادر پس فرمود تا طشت و آب آوردند
و آنحضرت دست شستند و از طرف دست ایشان طشت گردانیدند تا مردم دست شستند و بعد از آن
فرمود که نمک آوردند فرمود که بخورید و بسم الله بگوئید بعد از آن سرکه آوردند با گوشت شانه
بریان کرده فرمود بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید بدرستیکه این طعامی است که پیغمبر صلی الله
علیه و آله دوست میداشت و بعد از آن سرکه و زیت آوردند فرمود که بسم الله بگوئید و بخورید که این
طعام را فاطمه زهرا دوست میداشت و بعد از آن شیر کرده آوردند فرمود بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم
بگوئید که امیر المؤمنین علیه السلام این را دوست میداشت و بعد از آن گوشت قلیه شلغم کرده آوردند تا بجای
آوردند و فرمود بخورید که امام حسن علیه السلام این را دوست میداشت و بعد از آن زیره شیر
ترش آوردند فرمود بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید این را امام حسین علیه السلام دوست میداشت
بعد از آن گوشت سرد آوردند فرمود بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید که امام زین العابدین علیه السلام
این را دوست میداشت بعد از آن گوشت پهلوی قیمه آوردند فرمود بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم
بگوئید که امام محمد باقر علیه السلام این را دوست میداشت بعد از آن ظرفی آوردند که در آن خاگینه بود
فرمود بخورید و بسم الله بگوئید که پدرم امام جعفر صادق علیه السلام این را دوست میداشت بعد از آن حلوا
آوردند فرمود بخورید و بسم الله بگوئید که من این را دوست میدارم بعد از آن فرمود که تا خوان برداشتند
و تا قصد کردیم که طعامی که ریخته بود بر چینیم آنحضرت فرمود که اگر چیزی از طعام در خانه ریخته باشد
بردارید اما آنچه در صحرا باشد بگذارید که حصه مرغان و جانوران است و بعد از آن خلال آوردند
فرمود که زبان در دهان بگردانید تا طعامی که بزبان آید فرو برید و آنچه بخلال بیرون آید بیندازید
و بعد از آن طشت و آب آوردند و از طرف چپ آنحضرت بنیاد کردند تا جمیع مردم دست شستند آنگاه
فرمود که ای عاصم شما در نیکوئی با یکدیگر در چه مرتبه اید عاصم گفت بنیکوئی و جمعی پس آنحضرت فرمود
که هر کدام از شما آنچنان هستید که چون حاجتی داشته باشید بخانه برادری بروید و آنچه خواهید بی اذن
او ببرد خانه او باشد چون بیاید منع نکند و تنگدل نشود عاصم گفت نه آنحضرت فرمود پس شما نیستید بخوبی و جهی
در نیکوئی با یکدیگر عمرو بن ابی مقدام گوید که من ندیدم که ابو عبدالله علیه السلام تکیه کرده طعام
تناول فرموده باشد چه منع فرموده که رسول الله تکیه کرده طعام تناول نفرموده تا رحلت فرمود
و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که آنچه از خوان طعام میریزد مهر زنان حور است و پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که آنچه از خوان طعام میریزد تا دو سه ساعت بر طعام برکت از آن نبرد و دیگر آنحضرت

در انواع ورع

و دیگر مردی بیست که صد مرتبه
شتاق به بهشت اند و بهشت
مشتاق عمر است و هر مردم در
قیامت از تقصیر خود عذر خواهند
و حق تعالی از عذر ایشان در خواهی
نماید و روایت شده از امام علی
شریف نبوی صلی الله علیه و آله
الفقر فخری و گفتهٔ آنحضرت
که خدایا مرا با فقرا محشور کن
حافظ دولت فقر خدایا بمن ارزانی دار
کاین کرامت سبب حشمت و تمکین منست
درهای فقر هیچکس خدا داند
صفت زاهدان دهر دنیا که
ده ده قانع بهر نوع که باشد
خواهد گذشت تا چشم بر هم زنی
وقت که رسیده است فقر و غنی یکیست
بلکه باید که شادی با شکر
است تا از عقار که دنیا ربع
البالی از حساب و شمار وند
حدیث نبوی است که اصحاب افضل از
فقیر بهشت هرگاه از خدا راضی باشد
اگر تنگدست فقر عیالمند باشد
کنز لا یفنی مال قناعت است
و بعضی گفته اند که فضیلت نیز او
است و کلید فقیر بی چیز غنی شود

طمع آنست که خواهد از مردم
خواهش از جهان بیش از کفاف
مستلزم است که نفس بوقت
تنگ شود و ترش و جلادت محکم
گدائی گوید شخصی لب نان گرسنه
لب خود را نه بی نوا محکم کند
عطا الشیخ رد نشود که ای عزیز
شنبه همه گفته است
لطیفه استعمال دهم دهم
سانسه که ... بیاد ... ... بیاد
(را ایچ)

دیده کسی را که طعام از خوان ریخته بود بر میچید دعای برکت بوی کرده بدین عبارت که بورک لک
و بورک علیک و بورک فیک فرمود که هر که چنین کند حق سبحانه و تعالی او را نگاه دارد از
جذام و جنون و برص و زردی بوی و خفقان امام موسی علیه السلام فرمود که سه چیز است
که بر مؤمن حساب نمیکنند طعامی که میخورد و جامه که میپوشد و زن صالحه که یاری وی
میکند و دین او را نگاه میدارد و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بگذارید طعام گرم را تا سرد
شود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حق سبحانه و تعالی آتش را بما نخورانید و دیگر آنکه برکت در
طعام سرد است نه در طعام گرم و دیگر فرمود که هر که بعد از طعام آن کاسه را بلیسد فرشتگان
برای او صلوات میفرستند و دعا میکنند که روزی او گشاده گرداند و در حسنات قرب بیفزاید ابو عبدالله علیه السلام
روایت کرده که چون میوه نو نزد رسول صلی الله علیه و آله آوردندی اول ببوسیدی بر چشم نهادی
و این دعا خواندی اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة و دیگر فرمود که
سزاوار نیست مرد مؤمن را که خواب کند مگر که طعام سیر خورده باشد چنان نخوابد
عمامه سر است و از بوی بد دهان نگاه دارنده است و دیگر فرمود که عجب میآید مرا از کسی که خود را
نگاه دارد از طعام ناسازگار تا آزرده نگردد و خود را نگاه نمیدارد از گناه با آنکه تا آتش دوزخ
نرسد و دیگر فرمود که چیزی خوردن در بازار دنائت است شخصی پرسید از امام جعفر صادق
علیه السلام اگر کسی بکشتزاری واقع شود میتواند که از آن خوشه بچیند فرمود که نه اگر چه هر که
او بگذرد و خوشه بچیند پس برای صاحب صحیح نماند مرویست که شخصی گفت یا رسول الله ما طعام
میخوریم و سیر نمیشویم فرمود که گویا شما از یکدیگر جدا طعام میخورید پس باید که جمع شوید بر سر
و نام خدای تعالی بر زبان آرید تا برکت یابید مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون طعام
خورید از پیش خود بخورید و از پیش همنشین خود نخورید و از بالای کاسه نخورید که برکت از بالای
کاسه است و دیگر دست از طعام مکشید اگر چه سیر باشید تا همنشین شما خجل نشود تا میل داشته
باشد و منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله همیشه بر سر خوان طعام خوردی و فرمودی که
بیشتر مردم که در دنیا از طعام سیر بودند در عقبی گرسنگی ایشان بسیار خواهد بود و دیگر فرمود
که نور حکمت در گرسنگی است و دوری از خدا در سیری و نزدیکی حق تعالی در دوستی مسکینان
و نزدیکی بایشان و دیگر فرمود که دستهای طعام و آب را بیرون بیندازید و دیگر فرمود که هر که
حلال بخورد فرشته بر سر او می‌ایستد و استغفار از برای او میکند تا از طعام خوردن فارغ

در فضیلت قناعت

راضی بحق شود باشد و اگر
کراهتی از آن داشته باشد خلعت
کرامت محروم باشد از نجات که
فی الجمله ... باشد
است و بایمان ...
باین جهت شاد باشد ... باطن
توکل بر خدا داشته باشد ...
و آنکه ... راه ...
و آنچه با ... باشد ...
نخواهد ... و جهت ...
... کرده ...
ایشان است ...
تا ...
با ... کرد ...
و ... تحصیل ...
هر جا که باشد ... باشد و
همیشه خوش خلق و مطیع ...
باشد و ... حال ...
و ... رضا ... باشد ...
که ... استغنا کند ... برکت
خود ... اغنیا ...
کند و ...
نما ...
و ... حرص ...
حضرت علیه السلام از حضرت ... علیه
السلام پرسید که بهترین اعمال
فرمود ... رضا ...
رضای خدا ...
تا ...
...
کلام است که ...
رضا ...
...
(از بیاض)

میشود و اگر لقمهٔ حرام بشکم او برسد تمام فرشتگان زمین و آسمان بر او لعنت میکنند تا آن
لقمهٔ حرام در شکم اوست حق سبحانه و تعالی نظر رحمت از او برمیدارد و او را دعوت خصم میباشد
پس اگر توبه کرد خدای تعالی توبهٔ او را میپذیرد و اگر مرد بدون توبه بمعرض جهنم میرود **فصل**
چهارم در آداب آشامیدن و آنچه منقولست بیان در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرموده که ظرف طلا و نقره متاع آنهاست که ایشان را یقین حاصل
نیست و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سزاوار نیست که آب بیاشامند از ظرف طلا و نقره
و نه بچیزی که چیزی از آنها داشته باشد پس اگر ضرورت باشد دهان را از محل آن بگذارند و فرمود
که مکروه است بعضی از آنکه از طلا و نقره باشد و نیز مکروه است استعمال کردن شانه که
از طلا و نقره باشد **مرویست** که سؤال کردند از امام جعفر صادق علیه السلام که آب را بیک
نفس میتوان آشامید فرمود که اگر آن کسی که آب بتو داده مملوک تست بسه نفس باید آشامید
و اگر مملوک تو نیست بیک نفس و در روایت دیگر آنست که آشامیدن آب بسه نفس افضل است
از یک نفس چرا این شبیه است باشامیدن شتر آب را و مرویست که بعد از آشامیدن آب این دعا بخواند
الحمد لله منزل الماء من السماء و مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء
منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که جماعتی از صحابه نزد آن حضرت بودند و گو از
و گفتند که گمان تو آنست که هر چیزی را حدی است که منتهی میشود بآن بیچیزی پیشم فرمود که بلی
این چنین است پس آنحضرت کوزهٔ آبی طلبید تا ایشان بیاشامند ایشان گفتند یا امام جعفر حد
این کوزه چیست آنحضرت فرمود که حدش آنست که از میان لبان بیاشامند و نام خدا را
یاد کنند و بسه نفس بیاشامند و بهر نفس حق را یاد کنند و از گوشهٔ کوزه نیاشامند زیرا
که آن جای آشامیدن شیطان است و بعد از آن این دعا بخواند الحمد لله الذی سقانی ماء
عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی و در روایت دیگر آمده که الحمد لله الذی سقانی
فارواني و اعطاني فارضاني و عافاني و كفاني اللهم اجعلني ممن تسقیه في المعاد من
حوض محمد صلی الله علیه و آله و تسعده بمرافقته برحمتك یا ارحم الراحمين و سؤال
کردند از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که آب ایستاده باید آشامید فرمود که نزدیکتر
بر بدن که ایستاده طعام خوردن چون است فرمود که بدتر است **و از امام جعفر صادق**
علیه السلام سؤال نمودند که آب چه طعم دارد فرمود که طعم حیات فرمود که آب بیاشامید

از برای فقیر آنکه اگر قلیل است
قوت او در نزد او آمد بدان خدا
بدل کند و ثواب آن بسیار قلیل
بیشتر از مال اغنیای فراوانست
که خرج بد میکنند شعر
اگر بیان کند بهرام گوری
نه چون پای ملخ باشد ز موری
دیگر آنکه او را ممکن باشد از کسی
چیزی خواهش کند و سؤال
نماید زیرا که آن متضمن شکوه
از خدا و ذلیل کردن خود و لیکن
مسئولست و حضرت رسول صلی
الله علیه و آله ضامن بهشت شد
از برای فقیر آنکه اصحاب بر شرط آنکه
از ایشان از احدی چیزی سؤال نکنند
و ایشان تعهد نمودند و چنان
بودند که اگر در سفر تازیانه از
دست یکی میافتاد از اسب فرود
میآمد و خود بر میداشت و سؤال نمیکرد که
تازیانه را بمن بده بلکه خود
پیاده میشد و بر میداشت و اگر پیوسته
نشسته بود [illegible]
میبود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دنیا [illegible]
[illegible]
حافظ [illegible]
[illegible]

بسه نفس یک نفس بشکر آب آشامیدن و یکی دیگر بجهت راندن شیطان و دیگر بجهت شفای
الم اندرون و عبد الله بن عباس گفته که دیدم رسول صلی الله علیه و آله که بسه نفس آب آشامید
و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون مگس در ظرف شما افتد او را در طعام فرو برید که
در یکی از پرهای آن زهر است و در یکی شفا و پری که زهر دارد در دست طعام در میبرد
پس باید که تمام آن را بطعام فرو برید بعد از آن بیرون آورده بیندازید **فصل**
پنجم در آداب خلال کردن دندان در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که
وهب بن عبد ربه گفت دیدم امام جعفر صادق علیه السلام خلال میفرمود پس نظر کردم بسوی
او فرمود که رسول خدا خلال میکرد و میفرمود که آن پاکی دهان است و در خبر دیگر وارد
یافته که خوش نمانست که بجهت او خلال را مهیا سازند و دیگر فرمود که آنچه بزبان تو
بیرون میاید از دهان فرو ببر و آنچه بخلال بیرون میآید دور بینداز **فضل بن یونس**
پرسید از امام موسی علیه السلام از حد خلال فرمود که تیزی او را تا بیخ دندان فرو
نکند **امام رضا** علیه السلام فرمود که بچوب انار خلال نکنید و نه بچوب ریحان که آنها حرکت
میاورند عرق جذام را و رسول صلی الله علیه و آله بهر چوب خلال فرموده الا چوب خرما
و نی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که رحمت خدا بر خلال کنندگان از امت
من در وضو و طعام **و مرویست** که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مسواک بوی دهان را
خوش میکند و خلال دندان را از باد میکند و منقولست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که پاک گردانید بخلال دهان خود را که جای دو فرشته است که نگهبان شمایند و ثبت
عمل شما میکنند و آب دهان مداد ایشانست و قلم ایشان زبان شما و بر ایشان مکروه میدارند
که طعام در دهن شما بماند **و مرویست** از امام موسی علیه السلام که فرشته ندا میکند
از آسمان که اللهم بارک فی الخلالین و المتخللین یعنی بار خدایا برکت ده خلال کنندگان
و مسواک کنندگان را چه سر که در خانهٔ مرد صالح است که دعای خیر و برکت کند برای
اهل خانه و فرمود که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و آورد ذو الجلال و
خلال **و امام جعفر صادق** علیه السلام فرمود که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خلال
کنید که اثر طعام که در پای [illegible] دهان و دندان را متعفن میکند
و روایت کرده محمد بن حسن بارانی از آنحضرت که هر که بچوب نی خلال کند ناخوش میشود

و بدانکه خلعت سلطان اگرچه
عزیز است لیکن جامهٔ خلقان خود
از آن عزیزتر و خوان بزرگان
اگرچه لذیذ است لیکن خوردهٔ
انبان خود لذیذتر شعر
سرکه از دسترنج خویش و تره
بهتر از نان ده خدا و بره
حکما گفته‌اند اگر آب حیات
فروشند دانا بخرد که مردن بعلت
به از زندگانی بمذلت شعر
بنای نعمت دنیا که خال بر آبست
منه زمانه که هر لحظه باز گردد
بیک دو روزه [illegible]
[illegible] ابنا الدهر [illegible]
صفت سیم حرص است
و آن صفتی است که آدمی را میدارد
بر جمع نمودن زیاده از آنچه باید
احتیاج دارد و آن یکی از شعب حب
دنیا و از مهلکاتست بلکه این
خبیثه بلائی است که آن را پایان
که از هر طرف رو بجانب [illegible]
وادی است بی انتها که هر چند
آن فرو میروی بجائی نمیرسی
بیچاره که بآن گرفتار شد هلاک
شد زیرا که حریص هرگز حرص او
بجائی منتهی نشود اگر جمیع اموال
دنیا را جمع کند باز در فکر تحصیل
باقی است و هر که باین مرض مبتلا
سعدی ده آدمی از سفره بخورند
و دو سگ بر لاشه بسر نبرند حریص
با جهانی گرسنه است و قانع بنانی
سیر و حکما گفته‌اند که درویشی
بقناعت به از توانگری ببضاعت

حاجت او دور افزود و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که پیغمبر فرمود خلال کنید که
فرشتگان دشمن میدارند آنکه ببینند در دندانهای بندگان طعام را امام رضا علیه السلام
فرمود که امام حسین علیه السلام فرمود که چون ما خلال میکردیم امیر المؤمنین علیه السلام آب
میفرمود که آب نیاشامیم مگر وقتیکه دهان را سه بار بشوئیم

فصل ششم

در فضیلت نان و سایر ماکولات **مروی** است از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود نان را
گرامی دارید بعضی خورده مکنید و پای بر آن منهید و چون حاضر شود انتظار غیر آن نکشید چیز دیگر
که خدای تعالی آن را از برکات آسمان فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله دعا فرمود که بار خدایا برکت فرما در نان و جدا مگردان میان
ما و نان پس اگر نان نبود ما نماز نمیگذاردیم و روزه نمیداشتیم و فرض الهی ادا نمیکردیم و
ابو عبدالله علیه السلام فرمود که گرامی دارید نان را که آنچه در میان عرش و زمین است
عمل کرده اند در بنای چند بر نان است و امام صادق علیه السلام فرمود که قوت رسول صلی
الله علیه و آله از جو بود و حلوای ایشان از خرما و نان خورش روغن زیت و امام رضا علیه السلام
فرمود که فضیلت نان جو بر نان گندم همچو فضیلت ماست بر مردم و تمام انبیا علیهم السلام
از جو خورده اند و دعای برکت بر آن کرده اند و بهر شکم که درآید بیرون میاورد از آن درد را
جو قوت پیغمبران است و طعام نیکو کاران است خدای تعالی ابا نمیدارد قوت انبیا را مگر
برای اشقیا و دیگر فرمود امام رضا علیه السلام اگر بدانستی خدای تعالی در چیزی شفا
میباشد بیشتر از نان جو آن را غذای پیغمبران نمیساخت و دیگر فرمود که نان برنج دوای
مسلول است و هیچ چیز نیست که فایده مند تر باشد از او در باب سل و هیچ چیز نیست که
باقی بماند در اندرون از صباح تا شب مگر نان برنج و امام رضا علیه السلام فرمود که پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که سید طعام دنیا و آخرت گوشت و برنج است و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که نان جاورس سبک است و چون شیر نرم است و نان عدس از برای معده

فصل هفتم

در منافع آبها **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که سید شراب
اهل بهشت آب است و مروی است که ابو طیفور طبیب گفت نهی کردم امام رضا علیه
السلام را منع کردم از آشامیدن آب فرمود که سبب منع آب چیست و حال آنکه آب
طعام را هضم میکند در معده و صفرا میبرد و غضب را تسکین میدهد و ...

شد خلاصی از آن نهایت مشکل
دارد از این جهت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده که هر که
از برای غیر نماز در مسجد خانه
طلا باشد بار دیگر خانه سوم
طلب کند و نعمتها در هیچ چیز نمیکند
مگر خاک در زمین که آدمی زاده
پیر میشود دو صفت در او جوان
میشود حرص میگردد و بخیل
و دیگری طول امل و حضرت
باقر علیه السلام فرمودند که حرص
بر دنیا چون کرم ابریشم است هر
بیشتر بدور خود میپیچد راه
بیرون شدن بسته میشود تا از غصه بمیرد

فصل حرص و قناعت

نان ملک است که با صد هزار
الکفاف که دنیا بقدر حاجت
ضرورت قناعت کند از...
فضول النعال قانع بضعف از...
اخلاق حسنه است و قناعت
بان مربوط کرده احادیث و
بان مربوط است و قانع خوش
مردم است و حضرت امیر علیه السلام
فرموده که ای فرزند آدم اگر از
دنیا بقدر حاجت میخواهی که کفایت
کند اندک چیزی از آن ترا بس میکند
و اگر زیاده میطلبی تمام آنچه در
دنیا است ترا بس نخواهد کرد
و کفایت نخواهد نمود
دیده اهل طمع بنعمت دنیا
پر نشود چنانکه چاه بشبنم

پادشاه ... دنیا ...
اگر ... شود ...

و حرارت را فرو مینشاند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که آب میزان شفای هر
دردی است اگر بجهت آن بیاشامند و در حدیث دیگر آمده است که آب میزان شفای هر درد
است و امان است از هر خوف **صادق** گوید مردی از اصحاب ما را وجعی گرفت که بمرتبه
مرگ رسید من بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود یا صادق فلان آنچه حالت
است گفتم نزدیک مرگ شده فرمود که اگر من آنجا میبودم آب ناودان کعبه باو میدادم
صحیح میشد پس ناگاه بارانی آمد رفتم آب ناودان کعبه بدو دادم آشامید صحیح شد
چنانچه از بستر خارج شد ... سویق جو خوردند و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که آب باران را بیاشامید بدن را پاک میکند و مرضها را میبرد چنانکه حق تعالی فرموده
وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ
عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ **خالد** بن بکر گوید که ابو عبدالله علیه السلام فرمود
بعضی که اگر من نزد شما میبودم هر روز از آب فرات غسل میکردم و ... از قربه میخوردم
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بعد نیل مصر دل را میمیراند و بعضی ... آب
مشوش که آن موجب ... و دیگر فرمود که کسی که آب گرم را ...
آب سرد بر او بریزید که گرمی او را مینشاند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب
گرم را مینشاند و بلغم را صفرا میکند و هضم طعام مینماید در معده و ... میبرد
و دیگر فرمود که آب گرم بیاشامد که در آب و ... فزاید و در دارند منبر **امام**
رضا علیه السلام فرمود که ... هفت جوش ... نظر فی بطن
دیگر پس از آن از ایل ... و قدم را قوت میدهد **و** ابو عبدالله علیه
السلام فرمود که حضرت ... از آشامیدن آب بسیار که آن مایه هر دردی است و فرمود
که آب کم بخورید تا مستقیم بمانند بدنهای شما **و** رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون
کسی چیز فربه خورده باشد باید که آب کم بخورد گفتند یا رسول الله شاکر آب میل
میفرماید فرمود که آن برای گوارندگی طعام بهتر است **و** صادق علیه السلام فرمود
که اگر کسی در میان آب ایستاده بیاشامد طعام وی هضم شود و اگر کسی در شب ایستاده
بخورد مرض ... پیدا کند و اگر در شب آشامد سه نوبت بگوید یا ماء علیک
السلام من ماء زمزم و ماء الفرات مضرت نیابد و رسول صلی الله علیه و آله

و اخبار بکر در فضیلت قناعت
رسیده بسیار است و مضمون حدیث
مشهور در اینجا کافی است
عز من قنع ذل من طمع
قناعت کن بنفس جاهلک
که سلطان ...
چو ایشان ...
چو یکسو نهادی طمع ...
دگر خود پرستی کم ...
در خانه این ...

صفت حیاء و طمع است

که آن توقع داشتن در اموال مردم
است و از توقع محبت دنیا و انقطاع
مهلکات است و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که فرمودند
هر که خواهی استغنا کن تا مثل او
نظیر او باشی و از هر که خواهی طمع
کن تا بنده و اسیر او باشی و بهر که
خواهی احسان کن تا امیر او باشی
گردی ... و خادمی ...
و خواری ظاهر اثر ... است
معلوم و ظاهر چه طامع بطمع
... دنیا ... میبرد و
کاهی خود را بنده ناکسی میسازد
که از ... او ...
... در ... حیله
... تا ... گرداند
گردد و ... کار ...
کلامی ... دیگر صفت
فاسقی ... گرداند
میان بندگان ... و خفت
چنین ... فضل طمع استغنا
... دنیا ... مردم است ...

فرمود که چون اباشامید بمکید و بگلو مینداز[ید] که جگر را صحت است **فصل**
هشتم در منافع گوشتها و متعلقات آن امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که گوشت
سید طعامهاست در دنیا و آخرت امام رضا علیه السلام فرمود که نزد رسول صلی الله
علیه و آله حکایت گوشت و پیه میکردند آنحضرت فرمود که هیچ قطره از آن در بدن
واقع شود درد بعد و شفا پیدا شود دیگر فرمود که چون طعامی پزید آبش زیاده
کنید که بهمسایه برسانید و ابو عبد الله علیه السلام روایت کرد از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که ما گروه پیغمبران بگوشت معتادیم زراره گوید که من در خدمت امام محمد باقر علیه السلام
بودم چهارده روز گوشت خوردیم در ماه شعبان و ادیم گوید که گفتم با امام جعفر صادق
علیه السلام که مردم میگویند این خبر که خدای تعالی خشم میکند بر اهلی که گوشت بسیار میخورند
آنحضرت فرمود که آن در اهلی است که گوشت مردم میخورند چه پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست
میداشت گوشت را و هر که چهل روز گوشت نخورد خلقش بد میشود و هر که بدخلق شود اذان باید گفت در گوشش
که گوشت بخورد تا خلقش نیکو شود و هر که آن پیه بخورد مثل آن درد از بدنش بیرون رود
و فرمود هر که ضعفی در بدن داشته باشد باید که دل گوسفند خوب شیر دار بخورد
از امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که پیغمبری از پیغمبران بسوی حق تعالی شکایت کرد
از ضعف فرمود گوشت تناول کن اینچنان کرد قوت گرفت و ضعفش گذاشت و امام موسی
علیه السلام فرمود که پیه گوشت را بمیراند و درد را میبرد و مروی است که بخدمت امیر
المؤمنین علی علیه السلام رفتند آنحضرت بشیر ترش و نان خشک تناول میفرمود از حال پرسید
فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله نان از این خشکتر میخورد و جامه از این سطبرتر میپوشید من
نیز چنین کردم از خوف آنکه مبادا که بوی ملحق نشوم و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر
که چهل روز گوشت نخورده باشد بدخلق میشود باید که شخصی از برای او قرض کند از برای
رضای خدای تعالی تا او بخورد و مردی گفت نزد صادق علیه السلام که مردم میگویند که
هر که سه روز گوشت نخورد بدخلق میشود **موثقی** است از سعد بن سعد که گفتم امام
موسی علیه السلام را که مردم من گوشت گوسفند نمیخورند فرمود چرا گفتم که میگویند که
موجب صفراست و صداع و اوجاع فرمود که اگر خدای تعالی چیزی را بهتر از گوسفند میدانست
از برای فدای اسمعیل پیغمبر علیه السلام میفرستاد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که گوشت

صفا نحوا است که باعث قرب
پروردگار نمیشود زیرا که هر
که قطع طمع از غیر خدا نمود
خدا او را دوست دارد و عاری
حقیقی عبارت از آنست
اعرابی موعظه از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله خواست
آنحضرت فرمود که هر وقت که نماز
میکنی نمازی بکن که دنیا را
وداع کنی زیرا که چه میدانی
تا بمانی دیگر خواهی بود و چون
سخن گویی سخنی گوی که عذر باید
خواستن از آن و جهد کن که امید نداشته باشی
از آنچه در دست مردمان است
و از حضرت سجاد علیه السلام
مرویست که خوبیها را دیدم که
جمع بود در قطع طمع از مردم
و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که شرف مؤمن ایستادن او است
در نماز شب و عزتش استغنا است
از مردم   شعر
اگر دو گاو بدست آوری و مزرعی
یکی امیر و یکی را وزیر نام کنی
بدان قدر چه کفاف معاش تو نشود
روی و نان جوی از جهود وام کنی
هزار بار از آن به که از پی خدمت
کمر ببندی و بر ناکسی سلام کنی
صفت بیست و پنجم بخل است
که مراد امساک کردن است از آنچه
باید که بذل کرده شود از صفات
خبیثه و نتیجه حب دنیا است و مذ
مت آن بسیار وارد شده بمرتبه که فرمودند
خود که بخیل داخل بهشت
(نکند)

گاو درد است و روغنش و شیرش دواست و شفا و روایت است از امام محمد باقر علیه السلام
که بنی اسرائیل علیه السلام شکایت بردند نزد موسی پیغمبر علیه السلام از بیماری پیسی
شکایت ایشان را بحق تعالی عرض کرد وحی آمد بسوی که بگو ایشان را که بخورند گوشت گاو
جوان را با چغندر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در گوسفند ده چیز است که نباید
خورد آنچه در شکمبه او است و خون و پشت و هار و عصب و [illegible] و خصیتان و قضیب
و رگهای گردن و سیاهی چشم و ده چیز است از مرده حیوان که خوردن حلال است شاخ و سم
و استخوان و دندان و پنیر و شیر و مو و پشم و پر و تخم و پیغمبر صلی الله علیه و آله
گوشت شتر بخورید چه هر مؤمن که مخالف یهود است میخورد و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که سه چیز بدن را ضعیف میگرداند تا آنکه بهلاکت میکشد خوردن
گوشت قدید بوی گرفته و حمام ناشتا رفتن و جماع پیر زنان **مروی** است از جابر بن عبد
الله که پیغمبر صلی الله علیه و آله امر فرمود با آنکه توانگران گوسفند نگاه دارند و فقیران مرغ
و امام موسی علیه السلام فرمود که گوشت کبک ساق را قوی میگرداند و تب را میبرد **علی**
بن مهزیار گوید که من با امام محمد باقر علیه السلام گوشت قطا میخوردیم فرمود که این صاحب کبد
را و آنحضرت را خوش می آمد و فرمود که یرقان را سودمند است و امام موسی علیه السلام فرمود
که گوشت دراج خوب است از برای بواسیر و درد پشت و از قوت باه میافزاید
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر که شکایت کند درد دل و بسیاری غم را اشتها باشد
گوشت دراج بخورد خوش میشود و دیگر فرمود خشم را فرو نشاند ابی عبد الله علیه السلام
فرمود که ماهی خوردن بسیار بدن سبب حصول سل است و دیگر فرمود که ماهی تازه بدن را
میگدازد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هرگاه ماهی خورد دعا میفرمود
اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه **حمیری** گوید که نوشتم با امام موسی علیه السلام
با آنکه ضعف مزاج دارم و خون و صفرا هر دو غالب است که حجامت میکنم صفرا غالب
میشود و اگر حجامت نمیکنم خون غلبه میکند پس آنحضرت جواب نوشت که حجامت کن
و بعد از آن ماهی تازه بخور و مکرر این حال اعلام کردم و همان جواب فرمود پس حجامت
کردم و ماهی تازه خوردم شفا یافتم **احمد** بن اسحق گوید که سؤال کردم از آنحضرت از
ماهی سقنقور که با پوست خشک [illegible] مردم میخورند فرمود که باکی نیست و اما

نکند و بخیل دشمن خداست
و مخلوق و بهشت حرام است بر
بخیل و [illegible] جهنم و شخصی که بجهاد رفت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله
کشته شد زنی بر او میگریست
[illegible] میکرد و میگفت واشهیدا
حضرت فرمود چه میدانی که
شهید است شاید که حرف بیهوده
میگفته یا بخیل بوده و اخبار
در مذمت بخل بسیار است
که بخیل [illegible]
نگاه کردن [illegible]
میگردد [illegible] میکند و [illegible]
در مذمت بخل که هیچ عمل
فائده ندهد [illegible]
اولاد [illegible] اولاد
حالش [illegible] چشم [illegible]
گشاده اند و در [illegible]
کنند [illegible]
و دنیای خود [illegible]
ببینم بخیل از خاک [illegible]
گردد در خاک رود   شعر
بخیل توانگر بدینار و سیم
طلسمی است بالای گنجی مقیم
و بخیل را [illegible]
زیرا که هر که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
چون [illegible] دنیا
خوار [illegible]
و صفت بخل [illegible]
[illegible]

المؤمنین علیه السلام فرمود که ملح دفع هفتاد و دو بلا میکند پس آنچه را از اینها داده دند بنا بر مرد
مرد آدا است و امام موسی علیه السلام فرمود که چون ملح غلبه کرد منفرق شوید و بکنید
بگوشید چون چنین کنید ملحها برود علی بن محمد هشام گفت شکایت بردم پیش امام
رضا علیه السلام از هضم نشدن طعام در معده فرمود که زرده تخم مرغ را بخور چون چنین
کردم فایده یافت و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که اگر کسی را فرزند نشود باید که تخم
مرغ بسیار بخورد و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت برد بسوی
خدای تعالی از قلت نسل در امت او پس حق سبحانه و تعالی وحی فرستاد که ایشان را امر کنید
بخوردن تخم مرغ و در روایت است از امام محمد باقر علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله شکو
کرد بسوی حق سبحانه و تعالی از درد پشت پس امر فرمود حق تعالی که گوشت و گندم بخور یعنی
هریسه و آنحضرت فرمود که جبرئیل علیه السلام فرود آمد و امر کرد مرا بخوردن هریسه تا پشت
من قوی شود و قوت بر طاعت حق داشته باشم و دیگر فرمود که اگر چیزی مرا باز میداشت
از عشا هر آینه مرا از طعامی است که از برنج و نخود و باقلا خورد کرده با شیر می پزند علی
بن سلیمان گوید که با در خدمت امام رضا علیه السلام کله گوسفند میخوردیم آنحضرت فرمود
نا سوی او و دند گفتم هر گاه میباشد که امتلا بلغم از سر گوسفند فرمود اندک از سوی
هضم نمیکنند دوای آن اینست یونس بن بکر گوید که امام رضا علیه السلام فرمود
که چیست ترا که رنگ ترا زرد میبینم گفتم تب کشیده ام گفت که گوشت بخور پس خوردم بعد
از یک هفته مراد بدید همان رنگ فرمود که نگفتم ترا که گوشت بخور گفتم یا امام من غیر از آن
چیزی نخوردم از آن بود که فرمود پس فرمود که چگونه خوردی گفتم پختم و خوردم فرمود که کباب
بخور بعد از جمعه بگردید همان رنگ پس امام من بود زراره گوید که پرسیدم از امام محمد
باقر علیه السلام که از این مرغها کدام حلال است فرمود که آنچه در حال پرواز بالها جنباند
حلال است گفت پرسیدم از تخم مرغان فرمود که اگر معلوم نباشد که از تخم کدام مرغ است
اگر سر و تیزیش هموار نیست حرام است و الا حلال پس پرسیدم که مرغی که از آب صید میکنند
فرمود که اگر در پایش پرده نیست و در شکم او سنگدان هست حلال است و الا فلا **فصل هفتم**
در بیان شیر بهار روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله عسل را
دوست میداشت و فرمود که لیس فی عسل شفاست از همه دردها و امام رضا علیه السلام

که از ثمرات زهد است و
مشهورترین صفات پیغمبران
خدا و اوصیا و اولیا است
از معالی اخلاق و صاحبان
پسندیده اهل آفاقند
حضرت امیر علیه السلام فرموده
من جاد ساد یعنی هر که جود
و کرم بیند [illegible] **نظم**
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خطاب [illegible]
[illegible] و بالجمله
فضیلت این صفت [illegible]
و صاحب آن [illegible] خالق و خلق
محبوب [illegible]
اهل [illegible]
[illegible]
نظم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ایثار است [illegible]
[illegible] احتیاج [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت پیغمبر آخر الزمان صلی
[illegible]

فرمود که کسی که ضعف پشت داشته باشد شیر و عسل او را نافع است و مروی است از ابو عبد
الله علیه السلام که هیچ چیزی مردم را شفا نمیدهد که مثل عسل باشد بورقی گوید که یکی از
اصحاب گفت که زنی فدک بی پیمان بمن داد که بمکه برم و جامه کعبه را از آن بخرم بجهت شفا
بیماری چون بمکه رفتم نخواستم که جامه از کعبه هم جهت خیانت داشتم چون بمدینه رفتم
حکایت با امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم فرمود که با زعسل و زعفران بخرد و قدری از
خاک امام حسین علیه السلام در آب باران مشروب کن و بشیعیان قسمت کن ناخوشیهای ایشان را
دوا کنند و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که عسل شفاست از هر دردی بلغم را کم میکند
و دل را نیز روشن میگرداند و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که عسل بیاشامد در هر
ماهی یکنوبت عافیت یابد از هفتاد و هفت مرض و امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده
از رسول صلی الله علیه و آله که هیچ چیز است که قوت حافظه را میافزاید و بلغم را
میبرد مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و عسل بشیر خوردن امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که خاک قبر امام حسین علیه السلام دردها را شفاست و چون
برداری بگو بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک
علی کل شیء قدیر و فرمود که اگر شیعه ما بخورند شفای همه دردها است و اگر دشمن ما
بخورند میگدازند همچون گداختن دنبه و فرمود که چون یکی از شما خواهد که آنرا بخورد
مقدار نخودی بسر انگشتان بردارد و ببوسد و بر چشم نهد و بر تمام اعضا بمالد و این دعا
بخواند اللهم بحق هذه التربة و بحق من حل فیها و بحق ابیه و امه و اخیه و الائمة من
ولده و بحق الملائکة الحافین ان تجعلها شفاء من کل داء و براء من کل آفة و
حرزا مما اخاف و احذر و بعد از آن بخورد و از آنحضرت سؤال کردند که گل ارمنی
جهت وجع شکم خوردن جایز است فرمود بلی و لیکن گل قبر [illegible] است و خاک
قبر امام حسین علیه السلام از آن بهتر است و فرمود که خوردن گل حرام است و هر کس که بخورد
و بمیرد بر او نماز نگذارم الا گل قبر امام حسین علیه السلام و دیگر فرمود که چیزی نیست که
من بهتر باشد از شکر علی بن یقطین گوید که شنیدم از امام موسی علیه السلام که هر که
دو حب نبات نزد خواب بخورد هر دردی را شفاست بغیر از مرگ و دیگر فرمود که اگر نزد
مرا زر درهم باشد دندان شکر بخرم [illegible] و دیگر فرمود که برای [illegible]

الله علیه و آله و بعد از او فرزندان
بزرگوار اهل بیت او امیر المؤمنین و
اولاد طاهرین او اصحاب علیهم
سلام الله الرحمن بوده و هستند
ایشان از بزرگواران معصومین
حضرت امیر علیه السلام در کتب
نوادر و سیر مسطور است
[illegible] علی [illegible] و کرمه
[illegible]
[illegible]
[illegible] پس
[illegible]
ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible] پس از آن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

باشد یا خشک ترش کند و بناشتا بخورد و دیگر فرمود که شش چیز ضرر نمیرساند انگور
رازقی و نیشکر و سیب و دیگر فرمود که نیشکر سده را میگشاید و با او دردی و المی نیست و
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که خرما بخورید که شفای همه دردهاست هر که خرما بناشتا
بخورد هیچ مضرتی بوی نرسد و دیگر فرمود که هر که هفت دانه پیش از طعام هفت خرمای عجوه
بخورد از کرم و سحر و شیطان مضرت نیابد و دیگر از ابی عبدالله علیه السلام فرمود که عجوه
که در خرماهاست و از آن است که آدم علیه السلام از بهشت آورده و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
که خانه که در آن خرما نباشد اهل آن خانه همه گرسنه باشند و دیگر فرمود که جبرئیل علیه السلام
فرود آمد و خرمای برنی از بهشت آورد و فرمود که زنان در زمانی که زایند این خرما بخورند
تا فرزند نیکو سیرت باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وصف برنی میفرمود و میگفت
در او نه خصلت است پشت را قوی میگرداند حایل میشود میان او و شیطان و طعام را
سازگار میسازد و بوی دهان را خوش میکند و در قوت سمع و بصر میافزاید و نزدیک
میگرداند بخدای عز و جل و دور میگرداند از شیطان [illegible] و میبرد درد را از بدن [illegible]
و دیگر فرمود که چون حلوای خرما پیش آرند باید که باز بگردانند و دوست ترین حلوا نزد
آنحضرت حلوای خرما بوده و امام حسین علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله چون
روزه میگشادند از طعام بخرما میفرمود و امام رضا علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه
و آله چون خرما میخورد استخوان هسته را بر پشت دست مینهاد و میانداخت

فصل دهم

در ذکر میوه‌ها رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون آدم از بهشت بیرون آمد حق سبحانه
تعالی از میوه‌های بهشت بوی داد و تعلیم فرمود او را طریق تربیت آن [illegible] میوه‌های شما
میوه‌های بهشت است لیکن از اعمال گشته و امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ انار نیست مگر یک دانه از انار بهشت در آن است و
آن دانه بمعده هر مسلمان که در رود چهل صباح نورانی باشد و دیگر روایت است که آنحضرت
انار را در شب جمعه میخورد و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که انار را با پیه بخورید که معده
پاک میسازد و چون انار میخورد دستار را پهن میافکند و بر او میخورد و میفرمود از جهت آنکه
دانه بهشت دارد جمع کنند و امیرالمؤمنین [illegible] میخورند [illegible]
سبحانه و تعالی فرشته را میفرستد که دانه او را بر میدارد تا آن را بخورد و امام جعفر

[illegible] جهت گفت بیکجهت
اکنون خورند و گیشت دیگر جهت
اکنون دو هشت حضرت موسی
علیه السلام [illegible] ضعیف کرد
کاحسن کما احسن الله الیک
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فصل [illegible]
[illegible]
[illegible]

صادق علیه السلام فرمود که پنج نوع از میوه‌های بهشت در دنیا موجود است انار املیسی
و سیب شامی و انگور رازقی و رطب و فرمود که هر که انار را تنها بخورد حق
تعالی پریشانی دل او را ببرد چهل روز و اگر سه عدد بخورد حق تعالی وسوسه شیطان را
از او دور کند یکسال تا آنکه گناه نکند و هر که گناه نکند به بهشت رود و امام زین العابدین علیه
السلام فرمود که در صباح روز جمعه پیش از طعام یک انار بخورد چهل صباح دل او نورانی
باشد و وسوسه شیطان از او دور شود و معصیت نکند و شیخ ابوجعفر طوسی رحمة الله
علیه فرمود که طفلان را انار بدهید که موجب فصاحت زبان است و رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که به بخورید که موجب قوت دل است و موجب شجاعت و سخاوت و
دیگر فرمود که به را بیکدیگر ببخشید تحفه بفرستید که چشم را روشن میسازد و محبت
در دل پیدا میکند و بزنان آبستن بدهید که سبب نیکوئی صورت و سیرت میشود [illegible]
و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که سیب قوت و حیات دل است و بزدل را شجاع میسازد
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که به بخورد چهل روز حق تعالی زبان او را
بحکمت گویا گرداند و بوی به بوی پیغمبران است و روایت است که حق تعالی هر پیغمبری که
مبعوث فرمود به بدست او بود و امام رضا علیه السلام فرمود که شخصی بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت بغایت دوست میداشت آن را [illegible] بعضی از آن
تناول فرمود و بعضی دیگر بحاضران مجلس بخشش کرد بعد از آن فرمود که بر شما باد بخوردن به
که دل را روشن میگرداند و وجع سینه را میبرد و در عقل میافزاید و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که هر که به را بناشتا بخورد نیکو شود آب نطفه او و امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که به غم را میبرد و امام جعفر صادق علیه السلام [illegible] خوشبوئی را زیاد میکند و فرمود که پدر
او به خورده و در نطفه او سرایت کرده و روایت دیگر [illegible] بوی پیغمبران
و بوی حوریان و گل بوی ملائکه و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که صباح
پیش از طعام بخورید که معده را قوت میدهد و امام موسی علیه السلام [illegible]
روایت کرده که ما اهل بیت مدارا میکنیم تب را با شامیدن آب سرد و خوردن سیب و امام
رضا علیه السلام فرمود که سیب دفع میکند بخار و زهر و جنون را و آنچه عارض شود از بلغم و
[illegible] چیزی نافع تر از سیب [illegible] که برادرم سیف
رفتم و مردم را خون [illegible] از بینی میآمد برادرم [illegible] شد [illegible]

[illegible]
اول آنکه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کرج [illegible]
[illegible]
[illegible]
و حکایات [illegible]
ائمه علیهم افضل الصلوات [illegible]
[illegible]
طعام [illegible]
[illegible]
و با آنکه احادیث کثیره [illegible]
[illegible]
در خبر است [illegible]
[illegible] ثواب [illegible]
و در حدیث دیگر است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

صادق علیه السلام رفتم و حال را عرض کردم فرمود که برادرت را سیب بده چون دادم به
شد **ابوذر** رحمه الله علیه گفت شخصی طبقی انجیر بهدیه نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آورد
فرمود بر اصحاب که بخورید که اگر میگفتم که میوه از بهشت نیامده میگفتم که این است که
خوردن آن دفع بواسیر میکند و بنقرس فایده میدهد و نیز و خلال آن در قوت جماع میافزاید
و امام رضا علیه السلام فرمود که انجیر بوی دهان را میبرد و استخوان را محکم میسازد و مو را میرویاند
و درد را دفع میکند **مویز** است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نوح علیه السلام
شکوه کرد بسوی خدای تعالی از غم و اندوه وحی آمد بسوی او که انگور سیاه بخور که غم میبرد
و دیگر فرمود که دو چیز است که بهر دو دست میباید خورد انگور و انار پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که انگور را یک دانه یک دانه بخورید و دیگر فرمود که بهترین میوه‌های شما انگور و خربزه است
و امام رضا علیه السلام فرموده که امام زین العابدین علیه السلام انگور را دوست میداشت
تا کنیزک خوشه انگوری نزد آنحضرت نهاد در وقتی که روزه بود سائلی آمد و طلب کرد خوشه انگور را به او
داد کنیزک دیگر رفت و خوشه انگور را از آن سائل خرید و نزد آنحضرت نهاد سائل
دیگر آمد بسوی او داد باز کنیزک از او خرید تا سه نوبت و در نوبت چهارم تناول فرمود
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که امرود دل را روشن میگرداند و دردهای اندرون را
تسکین میدهد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که امرود معده را پاک میسازد و قوت
میدهد **زیاد** عبدی گوید که من بخدمت امام رضا علیه السلام رفتم ظرفی پیش وی
نهاده بود و در آن آلوی سیاه بود فرمود که این حرارت را میشکند و تسکین صفرا میکند
و خون را گرم میکند و مروی است از رسول صلی الله علیه و آله که هر که در هر روز پیش از طعام
بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد در جسد خود از علت چیزی نبیند و فرمود که بر شما است که
مویز بخورید بدرستیکه مویز صفرا را میبرد و دفع بلغم میکند و بدن را صحیح میسازد و خلق را
نیکو میسازد و پی را سخت میکند و منقولست که کسی گفت که چشمم سفید شده بود و غمگین بودم
پس امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دیدم و حال خود عرض کردم فرمود که عناب را بکوب
و در چشم کش پس عناب برداشتم و با استخوانش کوفتم و در چشم کشیدم تا دیگر از چشم مردم
و بینا شدم و دیگر فرمود که گوشت سنجد گوشت را میرویاند و استخوان او استخوان را
و پوست او پوست را و با این همه گرده را گرم میسازد و دباغ معده است و امان است از بواسیر

محبت و از امر بعبادت مستحسن
و مندوب باشد که ... برادر مؤمن و بر طرف کردن
کینه‌ها است **سیم** مهمانی است
که از برای تا ... جمیل و ثواب
جمیل و ارد شده است و در حدیث
نبوی است که هر که مهمانی کند
... خیر در او نیست و در خبر
دیگر است که هر که اطعام کند
مؤمنی را یا سیر کند او را اجر ...
... خدا ثواب ... مید ...
... ملک مقرب و پیغمبر مرسل مگر
حق تعالی و باید دانست که مهمانی
مرغوب و مندوب که ... آن است
... است که
مهمانی ... اهل این ...
است که خالص قصد ...
... از اهل دنیا ... جمع
نموده ... و ... غیب
... انواع ...
... بیچاره ... طلب طعام ...
... بیابد با انواع ...
آن بیچاره را ... کند
...
... پیغمبر
صلی الله علیه و آله ...
... باشد اگر چه
مهمانی اغنیا و مطلق مردم ...
...
مهمان نکند ...
... کند ... مهمان
... تکلیف

و تقطیر و قوی میسازد مثانه را و قطع میکند بیخ جذام را **روایت** است که پیغمبر صلی
الله علیه و آله در حالت تب فرمود با امیر المؤمنین علیه السلام که سنجد بخور تا تب دور
شود **فصل یازدهم** در ذکر سبزیها و حدیث وارد است که بر خوان طعام سبزی
حاضر کنید که شیطان میگریزد از آن و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر چیزی را
زینتی است و زینت خوان سبزی است **احمد** بن هارون گوید که من بخدمت امام رضا علیه
السلام رفتم آنحضرت سفره طلبید بر آن سبزی نبود فرمود که ای غلام میدانی که من طعام بی
سبزی نمیخورم پس سبزی آوردند و با ما تناول طعام فرمود و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که هر که شب خواب کند و در [illegible] کند و درد دماغ و درد حلق ... مرزنجوش است که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کندنا بسیار دارید که قوت عقل و دماغ است و
در مجلس آنحضرت کندنا آوردند ... پس بخوردند و بسیار دوست میداشت و
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که شب خواب کند و در شکم او هفت برگ کاسنی باشد
ایمن شود از قولنج و دیگر فرمود که اگر کسی خواهد که او را فرزند حاصل شود کاسنی بسیار
بخورد که هر صباح از بهشت قطره چند بر او میچکانند پس چون ... از ...
و فرمود که هر که هفت برگ کاسنی در روز جمعه بخورد بهشت ... و امام رضا علیه السلام
فرمود که کاسنی شفای هزار درد است و کسی نزد آنحضرت شکایت از صداع داشت فرمود که
کاسنی بکوبید بر کاغذی بنهید روغن بنفشه بادام بر او بچکانید بر سر بندید تا صداع
تسکین یابد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس که کاسنی بخورد و بر آن
بخوابد زهر و سحر در وی کار نکند و تب او زایل شود **و سیار** گوید که امام رضا علیه
السلام فرمود که بدرستیکه کاسنی بخورید که در آب بهشت نمو یافته ... و در نقصان ...
فانکه گرم و نرم است ... و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ما سیر
و گندنا میخوریم **موسی** بن بکر گوید که غلام امام موسی علیه السلام وجع سپرز داشت
آنحضرت فرمود که تره گندنا بوی دهد ... خوب شد و امام صادق علیه السلام
فرمود که هر چیزی حلیه‌ای است و حلیه سبزیها گندنا است و امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که گندنا دفع باد میکند و بوی دهان را خوش میسازد و بواسیر را قطع میسازد و امان است
از جذام اگر بسیار بخورند **موسی** بن بکر گوید که آمدم بخدمت امام موسی علیه السلام ...

نکند و از برای مهمان ...
حاضر کند که شاید ...
ممدوح است و طعام ...
حاضر کند و ادب مهمان ...
است و ... در کتاب ...
سنن ذکر نموده ام ...
معلوم و حق ... حق
معلوم ...
بر خود ... کرد ...
در ...
حال خود ...
...
...
از ...
از ...
...
...
...
بدهد **نظم**
ثواب ...
اگر ...
...
...
...
علیه السلام ...
...
...
...
...
...
...
...
است که ...

کرفس را از بدی میبینم پیش کند تا بخورد چون خوردم زردی من زایل شد و روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و
آله بادروج نوبهار دوست میداشت و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که آن سبزی
پیغمبر است و در او هشت خاصیت است هضم طعام میکند و سده را میگشاید و بوی
دهان را خوش میکند و اشتهای طعام را میآورد و سیل را میبرد و امان است از جذام که
در اندرون آدمی قرار گرفت و تمام درد دهان را میبرد و اهل بهشت خوان نعمت را با آن
میآرایند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود خرفه بخورید که بر روی زمین سبزی بهتر از خرفه
و آن سبزی فاطمه زهرا علیها السلام است و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خرفه بخورید که
عقل را میافزاید و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که بخورد کنگر را شب بلوجع
در بینی او بحرکت آید و دیگر فرمود که او را در شب خورند زهورش بر طرف است و امام حسین
علیه السلام روایت کرده از امیر المؤمنین علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله مرا وصیت
فرمود بچند چیز از آن جمله فرمود که کنگر بخورید که آن سبزی الیاس و یوشع بن نون است
مروی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که عناب بکوشید از برای بند گوش و
امام رضا علیه السلام فرمود که عناب در فصل میافزاید لیکن آب پشت را زیاد میکند
و امام رضا علیه السلام فرمود که چغندر بخورید که بوکار زهره و در درد و بخور جشید شفا
و در دهر درد دهانرا شفا است و پی را محکم میکند و استخوان را قوی میسازد و اگر دست گاه
بد شمر سفید برگ از چغندر خوش میشد کیفی مرد را میپوشانید و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که حق سبحانه و تعالی از یهود جذام برداشت بجهت آنکه چغندر میخورند و تره
از امام صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که اگر خواهید که ترب را بخورید
و بوی آن را نشوید مرا یاد کنید در حالت بریدن آن و شیخ ابو جعفر رحمة الله علیه
آورده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که اصل ترب بلغم را قطع میکند و هضم طعام مینماید
امام صادق علیه السلام فرمود که برگ است بخوردن شلغم که از جذام است و پنهان دارد
اعضا مگر از اهل شرع هیچ کس نباشد که در او عرق جذام نباشد پس بخورند آن را میگدازد
آن را وآزرا بلسا زد و مروی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بزر بخورید و
مداومت بکنید که هفتاد درد را دوا است و فرمود که بزر بخورید که اگر من با ملک ...

(وصفت هفتم در اجتناب از حرام)

است و این عمل نیز فضیلت
بسیار دارد بلکه از جمله واجبات
است **هفتم** اجتناب از جمله پوشیدن
لباس پوشانیدن و کسی
دادن و غارت زیاد و امثال
اینها **هشتم** احتراز کردن
بعد حفظ ابرو که زنم شد
و منع ظلم ظلمه از خود میکند
نهم ساختن مسجد و مدرسه
و پل و رباط و اجرای قنوات و کاشتن
درختان و امثال اینها که صدقه
جاریه اند **نظم**
نمرد آنکه ماند پس از وی بجای
پل و برکه و خوان و مهمان سرای
و از برای هر یک از این مذکورات
ثواب بسیار وارد شده است
صفت ششم
مال حرام خوردن و از آن حذر
نکردن است و آن از نتایج خبث
و حرص است و از اشد مهلکات و
اعظم موانع وصول بسعادات است
و اکثر مردم که از فیوضات محروم
ماندند بواسطه آن شد اکثر
دلیکه از لقمه حرام روئیده شد
کجا قابلیت انوار عالم قدس دارد
پس هر که طالب نجات است باید
که از مال حرام مجتنب شود
و بلکه از مشتبهه و مکروهات نیز
لکن افزون از حد کرده آن امثال از
زمان که حلال الخطاب باز
علف بایان یا فته بیشتر را نخورد
بینیم همه را دست خود را نجس
و حفظ ... نماید و از مال ...

نمیکردم میخوردم و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که سیر را بپزید و بخورید مگر آنکه پخته
باشد و چون بخورید بمسجد نروید امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که پیاز فرمود که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون بشهری بروید پیاز آن شهر را بخورید که وبا را از شما
دفع میکند و دیگر فرمود که پاکی نیست خوردن پیاز چون زرد بلک باشد و فرمود که بوی
پیاز بوی دهان را خوش میکند و باه را میافزاید و مروی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که طعام عیسی علیه السلام باقلا بود تا او را بآسمان بردند و فرمود که باقلا با پوست
بخورید که آن دباغ معده است و امام جعفر صادق علیه السلام که باقلا مخ ساقها میافزاید و
او هیچ درد نیست و مروی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بخورید بادنجان
که آن درختی است در بهشت که گواهی داد بوحدانیت خدای تعالی و بنبوت من و بولایت
امیر المؤمنین علیه السلام و هر که آن را بخورد بقصد و اراده او حاصل شود و امام علی
نقی علیه السلام فرمود به بعضی از کارکنان خود را که بسیار بخورید بادنجان را که در گرما
گرم است و در سرما سرد و معتدل است در وقتها عندالله نیکو است بهر حال و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که نزد جد بزرگوارم امام زین العابدین علیه السلام بادنجان بعد
بریان کرده نهاده بود و او در چشم داشت آن را میخورد بعضی گفتند ای فرزند رسول
این گرم است خوردن این مناسب نیست فرمود که خاموش باش که منقول است از جد بزرگوارم
من که بادنجان از پیه زمین است و نیکو است هر چیز علفی را فائده مند است و دیگر فرمود که
بر شما است ببادنجان بورانی که آن شفا است و ایمن میگرداند از برص مخصوص که بروغن
پخته باشد داود بن فرقد گوید که من بخدمت ابی عبدالله علیه السلام رفتم نزد آن حضرت
در دل چند نهاده بود پس یکی از آن برداشته و فرمود که مرا دندان درد میکند فرمود که بکن
ده تا بکوبید و بخورد که گرده را گرم میکند و باه را قوت میدهد و امان است از قولنج و تواتر
و امام موسی علیه السلام روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله خربزه تناول مینمود با شکر
و خرما **هو وسی** است از امیر المؤمنین علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خربزه
بخورید که آب است و رحمت است و شیرین و در آن خواص است و هر که لقمه از آن بخورد هفتاد
هزار حسنه در نامه اعمال او بنویسند و هفتاد هزار گناه از او محو کنند و مروی است که امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که در خربزه ده خصلت است و در او ده خصلت بخور

(در اجتناب از حرام)

نموده بلکه طعام را نستند
اگر در غذا تماما چنین بوده و
لهذا جناب صادق علیه السلام
فرموده خوراک بنده مؤمن در
دنیا خوراک مضطر است و
طالب نجات باید مایوس نباشد
از تحصیل حلال و در تحصیل
خود را بهر غذا در دنیا لایق
بداند که اموال حرام آنچه قسم
بیرون نیست **اول** آنکه ذاتا
از حرام است مثل شراب و خوک
و خاک و غیره **دوم** آنکه بجهت
عارض حرام شد چون طعام مسموم
و نجس و غیره **سیم** آنکه
نقص در خلل در آن بپاشد و آن
را انواع بسیار است مثل
اموالی که گرفته میشود بظلم و
عدوان و غصب و دزدی و خیانت
و مکر و حیله و کم فروشی و رشوه
و ربا و نظایر اینها را اجمالا و کتب فقه
در شرح دقایق و خصوصیات
رسم شده اند **صفت هفتم**
اینها اجتناب **صفت** ضد صفت
اجتناب از مال حرام است که
ورع است و ورع انتصاف
ضابطه شرعا واجب است و از حضرت
باقر علیه السلام مروی است که فرمود
نیست شیعه ما مگر کسی که پرهیزکاری
شعار خود کند و خدا را اطاعت
نماید پس پرهیز بکنید و عمل کنید
معنی ورع و تقوی نگاه داشتن خود
است از مطلق معاصی و تقوی
بر مرتبه ... ورع ...

طعام است و آب و میوه و ریحان که بوی خوش دارد و نان خورش است و حلوا و اشنان
و خلالی که دندان را پاک میکنند و ترک میگردانند و بغلت ورود را و امام رضا علیه السلم فرمود
که خربزه را بناشتا خوردن موجب فالج و قولنج است و امام جعفر صادق علیه السلم روایت
کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله باذنجان میخورد با نمک و میفرمود که چون باذنجان بخورید
شونیز همه دردها را شفاست الا مرگ و آنحضرت از پاشین بخورید که برکتش بسیار است
مروی است از امام جعفر صادق علیه السلم که رسول صلی الله علیه و آله فرمود حبة السوداء
یعنی شونیز همه دردها را شفاست الا السام و آنحضرت را دوست داشتی محمد بن ربیع
گوید که من شکوه کردم با امام جعفر صادق علیه السلم از درد شکم فرمود که شونیز بخور که
شفاست از هر دردی عبد بن شکنه ... زیر و شب ... درد چشم و درد شکم و هر دردی که
بما میرسد از آن میخوریم حق سبحانه و تعالی شفا میدهد مروی است که پیغمبر صلی الله
علیه و آله گفت هیچ شاخی نبات از درخت اسفند نیرو گرش و برگش مگر که فرشته با آن
موکل است تا آنکه آن بهر جای که باید برساند و نگذارد که فرو ریزد و در اصل و فرع آن
نفع عظیم است و دوری از هفتاد و دو درد شفاست محمد بن حکم گوید که پیغمبری از
پیغمبران شکوه کرد بحق سبحانه و تعالی از بد دلی امت خود حق تعالی وحی فرمود که امر کن
امت خود را بخوردن اسفند و پرسید از امام جعفر صادق علیه السلم از فائده کندر و اسفند
فرمود که در اسفند با وجود موکل بودن ملکه در هر خانه که آن در آن باشد شیطان نزدیک
نمیتواند شد بآن خانه و هفتاد خانه که در حوالی آن است و هفتاد درد را شفاست که آسان ترین
آن جذام است پس باید که از شما فوت نشود و کندر پس مختار پیغمبران کرام علیهم السلم است
که پیش از این نعمان بوده اند و مریم همان بخور کرده و هیچ دردی ... کرده بر آن بآن
اسمان بعد و آن دور کننده جنیان است دفع کننده دردهای بیدرمان است پس باید که
از شما فوت نشود و منقول است که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که زنان آبستن را کندر
بدهید تا بخایند که موجب زیادتی عقل است در فرزندان ایشان و در هر خانه که بخور کنند
عقارب و حشرات از آنجا بسته شوند و امیر المؤمنین علیه السلم فرمود که خاییدن کندر دندانها را
محکم میکند و بلغم و بوی دهان را میبرد و امام رضا علیه السلم فرمود که کندر بخایید بجاست
که بلغم را از معده میجنباند و عقل را قوت میدهد و طعام را هضم میکند **فصل دوازدهم**

ابتدا آنچه در نزد خدا است غنیمت
در میان خدا و میان که خویش
و قرابت و دوستی بندگان
در نزد خدا آنها اند که بهتر کار کنند
و مطیع تر باشند و از رسول
خدا صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که چهل روز حلال بخورد
خدای تعالی دل او را نورانی میکند
و چشمهای حکمت را از دل او
بر زبانش جاری میگرداند و نقل
شده که روزی بعضی از صحابه از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله
طلب کرد که از خدا بخواهد که او
مستجاب الدعوه کند حضرت با او
فرمود که خوراک خود را پاک و حلال
کن تا خدا دعای ترا مستجاب کند
و بدانکه مداخل حلال از پنج قسم
بیرون نیست و ذکر تفصیل آنها مقام
نیست و کسیکه طالب معاش باشد
باید از برای خود کسبی مقرر نماید
و مصدر که معاش او از آن بشود تا
مشغول آنها بهر دلشان باشد و کسی که
دیگری ... آنها عمل نموده ...
از آنجا شود و اخبار بسیار در فضیلت
حلال و کسب حلال وارد شده و یکی
در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله
است که طلب حلال واجب است
بر هر مرد مسلم و زن مسلمه و در
روایت شده که عبادت هفتاد جزو است
نه جزو آن طلب حلال است بعض
... بعضی مردم ... ذکر ... و سبعی
نیست و آنها موجب ... صنعت

در حبوبات مروی است که یکی از اصحاب امام رضا علیه السلم بهق داشت آن
حضرت فرمود که آش ماش بخورید و ماش را با برگش بکوبید و آب آنرا بناشتا بیاشامید
و بر بهق نیز بمال چنان کردم صحت یافتم و مرویست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بر
شما است خوردن شنبلیله که اگر امت من میدانستند که چه منفعتها در آن است آنرا
بوزن طلا ابرا میکردند و روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله امت خود را میخواند بخوردن
و سعتر و شونیز که سفیکدا میبرند و گرانی طعام را سبک میگرداند و قوت میدهند معده را
و قطع بلغم میکند و امان است از لقوه **شخصی** نزد امام جعفر صادق علیه السلم از نخود پرسید
فرمود که نیکو است برای درد پشت و امام جعفر صادق علیه السلم از پدران خود روایت کرده است
که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله بر سجاده عبادت نشسته بود که عبد الله بن نبهان آمد و
گفت یا رسول الله من نزد تو بسیار می نشینم و سخن تو بسیار میشنوم لیکن دل من رقت پیدا
نمیکند و اشک از چشم من بیرون نمیشود آنحضرت فرمود که عدس بخور که دل را نرم میکند
و اشک را روان میکند **حضرت** صادق علیه السلم فرمود که پیغمبری از پیغمبران از دل سخت
قوم خود شکایت کرد بحق سبحانه و تعالی وحی فرستاد که قوم خود را بگوی که عدس بخورند
که دل را رقت پیدا میکند و عطش و کبر ... و آن طعام مردم نیکو خصال است و هفتاد
پیغمبر آنرا برکت یافته اند که آخر ایشان عیسی بن مریم است و امام جعفر صادق علیه السلم روایت
کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی دفع مرگ
میکند سنا است و فرمود که اگر بدانند خاصیت سنا را هر آینه یک مثقال آن به دو مثقال
طلا بفروشند و دیگر امان است از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لقوه اگر بدان
با مویز سرخ بی دانه و هلیله کابلی زرد و سیاه اجزا را برابر استعمال کنند و بناشتا مقدار
... درهم و در وقت خواب نیز این چنین و آن بهترین دواهاست و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود که هر که نیت کند که بناشتا معده را از شب دو درهم یا سه درهم از بوره ... کرده ... بکند
ایمن شود از برسام در آن علت **فصل سیزدهم** در ذکر خوردنیهای غیر مکرر
امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که پنیر و گردکان با یکدیگر خوردن موجب شفاست
و بی یکدیگر خوردن سبب درد است و دیگر فرمود که پنیر هضم میکند طعام را و اشتها
میآورد و دیگر فرمود که گردکان در گرما خوردن دنبل در جسد پیدا میکند و در سرما خوردن

که حق تعالی مقرر نموده باشد
از آنها موجب در تحصیل معاش
و وجه حلال از آن تکاهل میورزند
و محتاج میشوند بآنکه از آنچه
دیگران کسب کرده اند بگیرند و صرف
خود کنند و بغیر حلال یکی از
دو جزو ضعیفه اختیار میکنند
که یکی لصوصیت یعنی دزدی
دیگر تکدی میباشد هر یک
از این دو نوع را اصناف مختلفه
میباشد **اما** نوع اول بعضی
قطاع الطریقند که راه زنی میکنند
و بعضی دیگر بانواع تدبیرات
نقب کنند و کمند اندازند و
امثال آنها داخل خانه ها میشوند
و دزدی میکنند و بعضی متوسل
میشوند بسلاطین و قدرت و حکام
و ... ظالم بوسیله تعدی
و ظلم بر رعایا میبرند و از مال
ایشان میخورند **اما** نوع دویم
یعنی گدایان نیز اصناف بسیار دارند
بعضی خود را کور و معلول و برص
مینمایند با آنکه طفل را برهنه
بطریق بیت میخوانند و بعضی گربه
و زاری ... اشعار خوانی میکنند و
طائفه اصوات دلربا ...
خو میکنند و جمعی سخنان غریبه
و کارهای عجیبه بازار گرمی
خود را رونق میدهند چنانچه
بعضی معرکه را تقلید کرده اند
سخنان خنده آمیز گفتن و ...
عوض آمده گوئی و تملق و ...
بانی و گروهی شعبده بازی ...

کرده‌ها را گرم میسازد و دفع سرما میکند و منقول است که رسول صلی الله علیه و آله فرمود مر امیر المؤمنین علیه السلام را که ای علی در طعام خوردن ابتدا بنمک کن و ختم بنمک کن که نمک شفاست از هفتاد درد که از جمله جذام و جنون و برص و درد حلق و درد دندانست و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که لقمه اول از طعام بنمک زند نقطه‌های سیاه و سفید از روی وی ببرد و امام رضا علیه السلام پرسید از اصحاب خود که کدام نان خورش بهتر است یکی گفت گوشت و دیگری گفت زیت و دیگری گفت دوغ گاو فرمود که بهتر نمک است و مرویست که رسول صلی الله علیه و آله بخانه ام سلمه فرمود پس نان خشک پیش آوردند فرمود که هیچ نان خورش نزد شما هست ام سلمه گفت یا رسول الله نزد ما بغیر از سرکه چیزی نیست فرمود که نیکو نان خورشی است سرکه که در هر خانه سرکه باشد اهل آن خانه فقیر نشوند و فرمود که بار خدایا برکت فرما در آن خانه که سرکه باشد که آن نان خورش پیغمبران بوده است پیش از من و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سرکه عقل را قوت میدهد و صفرا را میکشد و دل را زنده میگرداند و فرمود که بوی شما بسرکه شراب که خوب سرکه شده باشد چنان جنبنده در شکم شما نمیگذارد مگر آنکه میکشد آن را و دیگر فرمود که یوسف پیغمبر در وقتی که در زندان بود شکوه کرد بحق تعالی از نان تهی خوردن و طلب نان خورش نمود مأمور شد که نان خشک شده در ظرفی کرده آب و نمک باشد بیندازند نان خورش سازد و روایت کرده امام جعفر صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بخورید زیت را و بدهن کنید بآن که آن از شجره مبارکه است و دیگر فرمود که زیت طعام ابرار است و طعام اخیار و دیگر امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چهار چیز است که جلا میدهد دیده را و فائده دارد و ضرر ندارد از آن پرسیدند فرمود که سعتر و نمک با یکدیگر خوردن و ناخواه و گردکان با یکدیگر خوردن گفتند خاصیت این جمعیت چیست فرمود که ناخواه و گردکان بواسیر را میسوزانند و باد میرانند و رنگ را نیکو میسازند و معده را درشت میگردانند و گرده‌ها را گرم میکنند و سعتر و نمک باد را از دل میبرند و سده را میگشایند و بلغم را میسوزانند و آب پشت را صاف میکنند و بیرون میاورند و دهان را خوش میکنند و معده را نرم میسازند و باد بد را میبرند و باه را قوت میدهند و ابراهیم بن نظام گوید که دندان مرا گرفته بود و دردگرم

طاهره نفقه حلال و طلب دین و حجر و دیگر پرهیز کردن از باطل و عقرب و دم زدن در تسبیح طاهره ... از شرهای عمومی یا کلام صحیح مصون حسن و بعضی دیگر یا وشید و تحقیق ... یا فراز دادن و ... بهیمه و دیگری و صفی دیگر خود را طبیب یا حکیم یا کمال نامیده ... هائی که فائده ... و دو خورد فرام آورده ... بعضی ... و زنان ... عقلان را بامر ... دهند و نوعی دیگر خود را در معرض رمالی و منجمی و فال‌گیری و طلسم و دعا نویسی و تعبیر خواب کردن در آورده‌اند و غیر اینها از نحو آن دیگر که در حصر ... طوری ... خوردن مال مردم ساخته تمام ... از تکدی نموده اند ... از معاد غافل و ... از بیش ... داخل صفت

هفتم خیانت و غدر است

در مال مردم ... خبیثه است مال مردم خوردن و ... احوال ایشان ... شرعی و کم فروشی و غش ... و غیرها ... خیانت ... که قائل ... خیانت نموده ... صفت امانت ... شرایط صفات ...

درد دهان من بیخ شد تا بحدی رسید که دهان من بعد از آن بر غیر از آن غش شد پس دندانهای من تمام افتاد بعد از آن امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم شکوه از حال خود عرض کردم فرمود که سعد استعمال کن که دندانت صحیح شد بعد از آن بجانب خراسان رفتم و بخدمت آنحضرت رسیدم و سلام کردم شرح آن حال و خواب گفتم فرمود که در بیداری نیز همان دوا میگویم استعمال سعد کن پس استعمال کردم دندانهای من تمام رست چنانچه بود و مرویست که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بهترین طعامی که رغبت دارد در حضرت سویق است و خرما و سویق جو که ... خود ذکر کرده است و منقول است که مردی گفت مر ابی عبد الله علیه السلام که مرا فرزندی هست که بغایت ضعیف است معلول فرمود که سویق بده او را تا ... که گوشت میرویاند استخوان را محکم میکند گوشت را و امام رضا علیه السلام فرمود که اگر سویق با آب بشویند و هفت نوبت از ظرفی بظرفی بگردانند و بیاشامند تب گرم را ببرد و قوت دارد قوت را در ساقها و قدمها سیف تمار گوید که حال مرضی را نزد ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم فرمود که او را سویق جو بخورانید که نیکو شود انشاء الله تعالی که آن غذایست در اندرون بیمار را وی گفت که او بکار نخورده از بیماری خلاصی یافت ابن کثیر گوید که شکم من درد میکرد بابی عبد الله شکوه کردم فرمود که سویق جاورس با آب بره کوهی بیاشام چنین کردم پس عافیت یافتم احمد بن یزید گوید که آنحضرت فرمود که هرگاه کسی را ما را ... عرض بگیرد او را سویق سیب بخورانید ابو بکر گوید که از بینی من خون میآید پرسیدم از آن حضرت که چکنم فرمود که سویق با آب ... پس چون آشامیدم خون ایستاد و دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی میشکند و معده را قوت میدهد و حرارت را تسکین میدهد و ... خشک میسازد و هفتاد درد را شفاست علی بن مهزیار گوید که مرا کنیزکی بود که خون حیض از او منقطع نمیشد تا مشرف شد بر مرگ پس امام محمد باقر علیه السلام فرمود که او را سویق عدس بیاشامید پس چون آشامید خون از او منقطع شد و روایت کرده امام حسن علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله چون شیر میآشامید این دعا میخواند اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه و منقول است که کسی گفت بامام جعفر صادق علیه السلام که من شیر خوردم و بمن مضرت رسانید فرمود که چیزی دیگر با آن خورده که بتو مضرت داده او از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کردند که شیر گاو و گوسفند و ... فرمود بلی و سؤال کردند از بول و اگر کسی بیاشامد

دار است و هیچ پیغمبری ... مبعوث نکرد مگر ... اداء امانت ... جعفر صادق علیه السلام ... خوردن ... نماز ... بیکند و لکن امتحان کنید ... راستگوئی و امانت ... ثابت است که هر خیانت کاری ... نگیست ... احسن خلق الله است

صفت هشتم خوض در باطل است که ... حکایت کردن معصیتها ... محرمات است مثل حکایات ... و مجالس شراب ... و ... و امثال اینها که ... و کر کلام ... بکلمه ... شود ... اینها نشود ... اکتفا کردن ... صفت ...

از کلام **صفت نهم** تکلم بما لا یعنی و فضول است یعنی گفتن سخنان بی فائده که ... دنیا ... اگر چه حرام نیست لکن ... باعث ... و ... کرده ... شود که ... و تضیع ... و در خصوص این صفت ... بسیار وارد شده و در صفت

چون باشد فرمود که اگر احتیاج دارد بعد از وای ادبی باکی نیست جعفر بن ... گوید که
شنیدم از آنحضرت که میفرمود که بول شتر بهتر است از شیر شتر و چربی آن شفا است و مروی
است از امیر المؤمنین علیه السلام که پیغمبران بعد از آنکه شب عشا میکردند طعام میخوردند پس شما
ترک آن مکنید که موجب خرابی بدن است و رسول صلی الله علیه و آله فرموده که کسی که ترک کند
آن را شب شنبه و یکشنبه متوالی بعد از او قوت تا چهل روز باز نیاید و دیگر امام موسی
علیه السلام فرمود که خوردن عشا را ترک مکنید اگر چه نان خشکی باشد که موجب قوت جسد است
و امام جعفر صادق علیه السلام گفت که اگر هم یک لقمه باشد که باید با نمک بخورند ترک نکند که اگر
شب ترک کرد یک رگ در بدن او میمیرد و هرگز زنده نمیشود و امام موسی علیه السلام فرمود
که هر که تخم مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد قوت مباشرت او بسیار میشود و هر که گوشت و تخم
مرغ بخورد بسیار شوند فرزندان او و یکی از اصحاب امام جعفر علیه السلام گفت که فدای تو
گردم کنیزکانی دارم مرا تعلیم فرما چیزی که قوتم زیاد شود فرمود که قلیه دبا را با زیتون
و تخم مرغ و روغن زیت بخور گفت چنین کردم فائده داد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که سه چیز است خوردن آن موجب فربهی است کتان پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و
نوره نهادن و سه چیز است که خوردن آن موجب لاغری است گوشت خشک خوردن و پنیر
و شکوفه خرما و دو چیز است که نفع دارد و مضرت ندارد شکر و انار

باب هشتم

در آداب نکاح و متعلقات آن مشتمل بر ده فصل **فصل اول** در ترغیب بتزویج و مذمت مبا...
بودن بعضی از زنان و شوم بودن بعضی از ایشان امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که چه مانع میدارد که مرد مؤمن زنی بگیرد شاید که حق سبحانه و
تعالی روزی کند او را فرزندی که گران سازد زمین را بکلمه طیبه لا اله الا الله و دیگر فرمود
که هر که زن را نکاح کرد نصف دین را حفظ نمود پس باید که پرهیزکاری کند در نصف دیگر
و دیگر فرمود که بنائی نهاده اند در اسلام بنائی که دوست تر باشد بسوی خدا عز و جل از تزویج
و دیگر فرمود که کسی که دوست میدارد فطرت مرا باید که پیروی کند سنت مرا و از سنت من نکاح است
و دیگر فرمود که کسی که توانائی داشته باشد بنکاح و نکند پس از ما نیست و دیگر فرمود که طلب
کنید روزی را بنکاح و مروی است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کسی که ترک نکاح
کند بجهت خوف درویشی پس او گمان بد برده بپروردگار خود که فرموده بقول الله ان یکونوا فقراء

در فضول کلام [illegible]

بطل حدیثی در مذمت آن
مذکور شد که بطلان تمام
داشت بر کثرت ... از صفت
ما قام ... نشان سفاهت ... بسیار
است و ضابطه آن تکلم کردن
بچیزی است که اگر نگوئی ضرر
دینی یا دنیوی بتو نرسد ...
... پس از ... آن
قبیل است لغو و فضول است
... حکایات ... خرها ...
کردن ... شهرها ...
... احوال مردم ...
... که طالبان ...
... عزیز من ...
... است که ...
... بادیه ...
... نشستن ...
... باشد ...
... کلام ... فائده ...
موجب خسران ...
... بهشت ...
... ان ...
... کسی ...
... گوئی ...
... یا کسی ...
... با ...
... باشد ...
... اظهار کند
... میگوید ...
... کند یا سکوت نماید ...
باعث گناه یا موجب خجلت ... یا
... انفاس ... تشکی
... کند که ...

یغنهم الله من فضله و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نکاح کنید با بسیار
شوندگان که من فخر کنم بشما در روز قیامت تا آنکه فرزندی که از شکم رفته باشد باید خشمگین بر در بهشت
گوید که مرا اول ... که در روم بهشت گویند ... تا بعد از پدر و مادرم پیش من و امام جعفر
صادق علیه السلام روایت کرده از امیر المؤمنین علیه السلام که نیکوترین شفاعتها آنست که شفاعت
کنند در نکاح دو کس تا حق تعالی جمع کند میان ایشان و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
ای جوانان نکاح کنید ... تا حذر نمائید که آن موجب کمال ایمان است و فرمود که دو رکعت
نماز ... کسی که زن داشته باشد فاضلتر است از عزبی که روز بروزه باشد و شب بنماز
دارد و دیگر فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دو
رکعت نماز که مرد زن دار بگذارد بهتر است از هفتاد رکعت که عزب گذارد و دیگر فرمود که بیشتر
حسنات و خیرات در زنان است چه دوستی زنان از اخلاق پیغمبران است و دیگر فرمود که اگر بنده
دوستی زنان بگزیند ایمان او بیفزاید و دیگر فرمود که نکاح کنید و طلاق مدهید که
عرش از آن میلرزد و امام زین العابدین علیه السلام فرموده که هر که از جهت رضای خدای تعالی
و صله رحم زن بخواهد حق سبحانه و تعالی او را تاج کرامت بر سر نهد و رسول صلی الله علیه و
آله فرمود که کسی که مال داشته باشد و نکاح نکند از من نیست و دیگر فرمود که نیکوترین زنان
امت من آنست که روی تازه و خرم داشته باشد و مهر آن کم باشد و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که برکت زن آنست که خرج او اندک باشد و زائیدن او آسان و شومی زن آنست که خرج
او بسیار باشد و زائیدن او دشوار و ابو عبد الله علیه السلام فرمود که نکاح مکنید در وقتی که
ماه در برج عقرب باشد که از آن نیکوئی نمی‌بینید و در روایت دیگر وارد است که مکروه است نکاح
کردن در تحت الشعاع **فصل دوم** در اصناف زنان و اخلاق ایشان امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که زنان چهار صنفند یکی از آن ربیع مربع است و آن زنی
که فرزند در کنار داشته باشد و فرزندی در شکم و دیگر جامع مجمع و آن زنی است که خیر او
بسیار باشد و ... و دیگر کرب مقمع و آن زنی است که با شوهر بدخلقی نماید و دیگر غل
قمل و آن زنی است که نزد شوهر چنان باشد ... مثل غلی که بر گردن
بندند و دیگر فرمود که عقل ایشان در جمال ایشان است و جمال مردان در عقل ایشان
دارد کرخی گوید گفتم بحضرت ابی عبد الله علیه السلام که زنی فوت شده و مرا یار موافق بود

در حکم [illegible]

امان ... گشته و از ...
است ... و لا غرض
... انکه ... مریض
شد ... باین ...
... علامت ...
است باعث ... و ...
خاطر میشود و سبب ...
یا حرص ... چیز ...
بی فائده است یا خوش ...
کردن ... مردم ... میکنند
یا ... و ...
... ابها ...
... صاحب ...
... است و علاج ...
... بیان و ...
... و ...
کار ... ممکن ...
کند ... نکرد ...
... فائده ...
... کند ...
... کلام نگوید (سعدی)
تا ... خطا ...
... جواب
کمال ... نظر ... بحق
تو ... ناقص ...
کرا ...
... بهتر ... بگو

در فضیلت خاموشی

و ترک سخنان بی فائده است
فضیلت ... آن
بیشمار ... انکه ...
از ... کرد ...
و حکمت ... است ...

در حکایت

حکیم از چیزهائیکه حکایت کرده …
[illegible]

و میخواهم که زنی دیگر بخواهم فرمود نظر کن هر کجا یاد میگیری باید که او کسی باشد که حفظ
مال تو کند و دین ترا نگاه دارد و خود را از غیر پنهان کند و امانت ترا رعایت کند پس اگر
ناچار شوی ترا باید با این صفت باشد و با این شکر بجز زن نیکوتر است و امام زین العابدین
علیه السلام فرمود که پنج خصلت است که اگر کسی یکی از آن را ندارد زندگانی او ناقص است
و عقل او زایل و خاطر او مشغول و دل او معلول و آن حسب و نسب است و روزی فراخ و زن
موافق یعنی زن صالحه و فرزندان فرمانبردار و مصاحب صالح لایق موافق امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود که اگر خواهید که زنی را نکاح کنید از نسب او سوال کنید چنانچه از دین او
سوال میکنید زیرا که موی زن یکی از زینت و جمال اوست و دیگر فرمود که بهترین زنان شما
آنانند که خوش خوی و خوشبوی باشند و پاکیزه طعام که اگر انفاق کنند انفاق ایشان بمیزان
باشد یعنی چیز بکار برند و اگر امساک کنند امساک نمایند بمعروف و چنین زنی
عامل کار … عمل کنند … ناامید نمیشود ایشان را حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که بهترین زنان شما زنی است که اگر نافرمانی از او سر زند
یا غضب … تصرف … اگر …
نباشد … و حضرت رسول صلی الله علیه و آله که نیکوترین زنان زنی است که شوهر
دوست … مردم خود ذلیل باشد …
شوهر … خود را … نگاه دارد و … شوهر …
بجای آورد و چون شوهر … خود را از کسی … دیگر
فرمود که نیکوترین … اسلام زینت مسلمانی که چون شوهر بدو نظر کند خرم
شود و چون او را کاری فرماید فرمان بجای آورد و چون غایب شود حفظ خود و مال
او نماید … رسول صلی الله علیه و آله گفت … که چون
بخانه …
… حق سبحانه و تعالی …
… آن حضرت فرمود که بشارت باد او را …
ثواب هفتاد شهید است امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که زنان نیکوکار نیکو شوی
… دیگر فرموده که حیا ده جزو است نه جزو در زنان است

در مذمت حسد

و بال بر دوش حاسد باشد
چه حسود از نعمت حق بخیل است
[illegible]

دیگر جزو در مردان پس چون زنان حنا نهادند یک جزو برود و چون شوهر کنی باز خود
کرد یک جزو دیگر برود و چون زاید یک جزو دیگر و پنج جزو دیگر باقی ماند اگر بصلاح زیست باقی بماند
آن پنج دیگر و اگر فجور کرد تمام حیای او برفت و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون زن
پنجگانه بگذارد و روزه ماه رمضان بدارد و خود را نگاه دارد و فرمانبردار شوهر کند هر
کدام از در بهشت که خواهد اندرون رود و فرمود که هر زنیکه مدد شوهر کند بحج و غزا و طلب علم
حق سبحانه و تعالی مقدار … ثواب پیغمبر او را ثواب دهد فرمود که نیکوترین زنان امت من
زنی است که … خرم باشد و مهر … امام جعفر صادق فرموده که بدترین چیزهای
بنده مومن زن بدخلق است و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که زنان را دو چیز است …
و عورت پس باید که عورت خود را در خانه پنهان سازند و در خانه … بخاموشی اختیار کنند
دیگر فرمود که زنی که صورت خوب نداشته باشد و فرزند آرد نیکوتر است از زن خوب صورتی که فرزند
نزاید دیگر صفات … امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که اگر زن طلا و نقره تمام
عالم بخانه شوهر آورد و سرزنش شوهر کند که مال من است تمام عبادت و نیکوکاری او
ضایع میشود اگرچه عابدترین مردم باشد مگر آنکه توبه کند و عذر از شوهر بخواهد و دیگر فرمود
که هر زنی که از شوهر … گریزد بغیر حق او را در روز قیامت با فرعون و هامان حشر کنند و
در درک اسفل باشد در دوزخ مگر که توبه کند و از آن باز گردد و مرویست که رسول صلی الله علیه
و آله بر جماعتی از زنان گذشت فرمود که ای گروه زنان شما نقصان دارید در عقل و دین و چنان
می‌بینم که بیشتر اهل دوزخ شما خواهید بود در روز قیامت پس تا توانید عمل شایسته بکنید …
نزدیک شوید … زنی گفت یا رسول الله نقصان عقل و دین ما چیست فرمود که نقصان دین
بجهت آنکه در وقت حیض نماز و روزه شما درست نیست و نقصان عقل آنکه گواهی دو نفر از شما برابر
یک مرد است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بپرهیزید از زن صاحب جمال که اصیل نباشد
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که اگر مرد بطمع مال و جمال زن کند از آن محروم شود
اگر بجهت حفظ دین باشد آن روزی او میشود و دیگر فرمود که … امیر
المومنین علیه السلام … آن حضرت خطبه بلیغ ادا نمود بعد از آن فرمود که اطاعت زنان در جمیع امور
مکنید و مال در دست ایشان مگذارید زیرا که اگر ایشان را بخود بازگذارید در مهلکه افکنند
که … و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که

دعا که بارخدایا من پناه بتو میآورم از فرزندی که بر من وبال باشد و از مالی که بر من وبال
باشد و از زنی که پیش از پیری مرا پیر کند و از [illegible] دیگر فرمود که اگر با ایشان
نیکی میکنید فراموش میکنند و بدیها را فراموش نمیکنند و شیطان مینمایند چون با ایشان سخن
نرم و نیکو گویید تا نیکوکردار شوند **فصل سیوم در نکاح همسران و مناسبت با**
ایشان **حسین بن بشار** گوید که نوشتم بامام محمد باقر علیه السلام در باب مردی که خواستگاری
میکند دختر مرا و میبینم که اخلاق او خوب نیست چه میفرمایید در جواب نوشت که یا حسین آنکه دختر
میخواهد اگر دین او مرضی است فقاهت [illegible] پسندیده است هر که میخواهد گو باش با او ببخشید اگر
نباشد [illegible] فتنه و فساد عظیم شود در زمین **منقول است**
که رسول صلی الله علیه وآله فرمود که چون آدمی [illegible] با شما نکاح میکنم و تزویج مینمایم
مگر فاطمه را که خدای تعالی تزویج او را فرمود و او را در آسمان [illegible] فرمود آنحضرت با اولاد علی
بن ابیطالب علیه السلام و اولاد جعفر نظر کرد پس فرمود که دختران ما برای پسران ما اند و پسران ما
برای دختران ما و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مومنان در نکاح همسر یکدیگرند
دیگر فرمود نکاح مکنید با [illegible] که زنا کند بطعام و با زنی که زنا کند بفاحشه **روایت است**
که شخصی در نکاح دختر خود مشورت کرد با امام حسن علیه السلام فرمود که دختر را بمردی متقی
بده که اگر دوست دارد او را گرامی میدارد و اگر دوست ندارد بر او ظلم نمیکند و نمیآزارد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که هر کس شراب خواره باشد صلاحیت آن ندارد که
دختر بوی دهند و مرویست که امام جعفر صادق علیه السلام پرسید از ابی بصیر که چون یکی از شما
نکاح میکند چه میگوید جواب گفت نمیدانم آنحضرت فرمود که چون قصد نکاح کند دو رکعت
نماز بگذارد و حمد خدای تعالی بجای آورد و بعد از آن این دعا بخواند اللهم انی ارید ان
اتزوج اللهم فقدر لی من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن
لی فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و قیض لی منها ولدا طیبا
تجعله لی خلفا فی حیوتی و بعد موتی و امام زین العابدین علیه السلام فرمود که رسول صلی
الله علیه وآله چون فاطمه علیها السلام را بامیر المومنین علیه السلام نکاح میکرد این خطبه میخواند
الحمد لله المحمود بنعمته المعبود بقدرته المطاع بسلطانه المرهوب من عذابه المرغوب
الیه فیما عنده النافذ امره فی سمائه و ارضه ثم ان الله عز و جل امرنی ان ازوج

بعض و امثال آن که خلق نفس
نمیرد مگر غم و محنت در وقت
مردن غمی نیست مگر [illegible]
و در قیامت چیزی [illegible] نیست
مگر [illegible] شدت [illegible]
چیزی با او نمیرسد مگر عذاب
فضیحت و حضرت رسول صلی الله
علیه وآله فرمود [illegible]
لذة الحسود و حضرت امیر المومنین
علیه السلام فرمود الحسود لا یسود
و مثل مشهور است که [illegible] الحسود
حسنه شعر
الا [illegible] حسود
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فاطمة من علی فقد زوجته علی اربعمائة مثقال فضة ان رضی بذلک علی و بعد از
آن طبقی خرما طلب فرمود که تناول کنید پس در اثنا که این را میفرمود امیر المومنین
علیه السلام در آمد آنحضرت فرمود که یا علی حق سبحانه و تعالی مرا امر کرده که فاطمه علیها السلام را
بزنی بتو بدهم پس بزنی بتو دادم بچهارصد مثقال نقره اگر راضی باشی امیر المومنین علیه السلام
گفت راضی هستم باین نکاح از خدا و رسول او پس آنحضرت دعا فرمود [illegible] امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که زنی را نکاح کند و [illegible] که مهر او ندهد
نزد حق تعالی آنچنان است که زنا کرده باشد و امیر المومنین علیه السلام فرمود که [illegible]
شرطهای نکاح است که مهر [illegible] حضرت محمد صلی الله علیه وآله [illegible] مهر پانصد درهم
است هر کس [illegible] باز گرداند [illegible] شوهر بکند [illegible] واجب
ادا کند در حیات خود یا بعد از موت او آنست که بعد از مردن زن فرزندان از پدر مطالبه
چیزی اگر در زن در حیات خود مطالبه [illegible] و فرمود که سبب آنکه مهر سنت پانصد درهم نقره
است که اگر بنده مومن صد نوبت الله اکبر بگوید و صد نوبت سبحان الله و صد نوبت لا اله الا الله
و صد نوبت الحمد لله و صد نوبت اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن این دعا بخواند اللهم
زوجنی من الحور العین حق سبحانه و تعالی واجب گرداند بر نفس خود که حوری از بهشت بوی
دهد و ثواب او را مهر او گرداند دیگر فرمود که هر مردیکه دختر خود را [illegible]
که مهر او را بخورد و منقول است که رسول صلی الله علیه وآله چون فاطمه علیها السلام را بعلی علیه
السلام نکاح میکرد جمعی از قریش نزد آنحضرت آمدند و گفتند دختر را بعلی بمهر اندک دادی
فرمود که نه آنکه من دختر بعلی دادم بلکه حق سبحانه و تعالی دختر مرا نکاح فرمود بعلی در شبی که
مرا باسمان برد نزد سدرة المنتهی بحق سبحانه وحی فرستاد که نثار خود را [illegible]
[illegible] حوران [illegible] که این نثار فاطمه علیها السلام
دختر محمد است و چون شب عروسی شد آنحضرت استر شهبا که داشت فرمود که او را [illegible] و قطیفه بر
آن افکندند فاطمه علیها السلام را گفت سوار شو و سلمان را فرمود که عنان استر او را میکشید
و آنحضرت از عقب [illegible] میرفت ناگاه در میان راه جبرئیل علیه السلام فرود آمد با هفتاد هزار
فرشته و میکائیل با هفتاد هزار فرشته آنحضرت فرمود که چه باعث فرود آمدن شما شد گفتند برای عروسی
علی مرتضی و فاطمه زهرا فرود آمدیم تا فاطمه را بخانه امیر المومنین علیه السلام برسانیم پس رسول

مریض حسد است [illegible]
مطلب است پس این جهت [illegible]
که مرض [illegible] خود
میمیرد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دنیا است که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شعر
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

با تمامی فرشتگان تعالوا الا من توجه ان سرا شد به تکبیر گویان از این جهت تکبیر در عروسی
سنت شد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که عروس را در شب زفاف کنید و در صباح
اطعام نمایید که آن ولیمه است **فصل چهارم** در آداب عروسی و مباشرت و غیر آن از سنن
مروی است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود به یکی از اصحاب خود که چون بخانه عروس
در آید دست بر پیشانی عروس بنه و رو بقبله باشد و این دعا بخوان اللهم بامانتک
اخذتها و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا سویا و لا
تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا **منقول** است از ائمه انام علیهم السلام که چون زن را
نزدیک شد باید که مرد امر کند که زن وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و مرد نیز مثل
بجای آورد و حمد الهی و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد بهم بنشینند و این دعا بخوانند اللهم ارزقنی
الفها و ودها و رضاها بی و ارضنی بها و اجمع بیننا باحسن اجتماع و انفس ائتلاف فانک
تحب الحلال و تکره الحرام و در حال مباشرت بگوید اللهم ارزقنی ولدا و اجعله تقیا زکیا
لیس فی خلقه زیادة و لا نقصان و اجعل عاقبته الی خیر و خدای عز و جل را یاد کند در
مباشرت و ابو سعید خدری روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله و صحبه فرمود امیر المؤمنین
علیه السلام را که ای علی چون عروس بخانه تو در آید کفشهای او را از پای بکند در وقتی که بنشیند
و آنگاه پای او بشوید و آن آب را بریز از در خانه تا آخر خانه چون چنین کردی حق سبحانه و تعالی
بیرون میبرد از خانه تو هفتاد هزار نوع از فقر و فاقه و در می‌آورد هفتاد هزار گونه از برکت
فرو میفرستد بر تو هفتاد هزار رحمت که پرواز کند بر سر عروس تا برکت آن بتمام کنجهای خانه تو
برسد و ایمن شود عروس از جذام و برص و جنون مادام که در این خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت
روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس گفت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا رسول
چرا منع کنم او را از این چهار چیز فرمود بجهت آنکه رحم او سرد میشود و فرزند نمی‌آید و عقیم میگردد
و حصیری که در گوشه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند نیاورد و دیگر فرمود که
اگر زن در حال حیض سرکه بخورد هرگز تمامی پاک نشود و اگر سیب ترش بخورد حیض او بند شود
و آن موجب درد شود و اگر گشنیز بخورد حیض او منعقد شود در شکمش و سخت شود بر او ولادت
دیگر آنحضرت فرمود که ای علی مباشرت مکن با زن در اول و آخر و میان ماه که آن موجب
جنون و جذام است و دیگر بعد از وقت پیشین که فرزند احول میشود و شیطان با احول فرح میکند

در صفات

آخر هم ... مثلین ... میگردد ... صلح ... و بعد از آن ... ضرر ... دنیای تو موجب
نفع دنیا و آخرت تو میگردد و مطلقا با او ضرری نمیرسد ... خود ... دشمن خود
و دوست ... و اگر چنین ... حسد میکند **و اما علاج** ... از برای شفا ... حسد ... است
که ... لوازم ... مواظبت نمائی ... که خود را بر خلاف مقتضای حسد
... تواضع کنی ... در مجالس زبان بمدح ... او بگشائی ... تکلف ... او ...
چون ... اعمال مواظبت کنی ملکه تو میشود و حسد از تو قطع میشود و این معالجه ... حسد
... و از برای هر نوعی ... علاج مخصوص است که ... اذکر ... **و ضد**
حسد نصیحت است که خیر خواهی ... از ... صفات است ... خیر ... از برای مسلمانان ...
باشد ... خیر ... شریک است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بر مؤمن واجب است
خواهی برادر مؤمن خود ... و غیبت ... و غایت ... نصیحت ...

یا علی در وقت مباشرت سخن مگو که اگر فرزندی پیدا شود ایمن نیست که گنگ باشد و باید که نظر در
هیچ جا از عورت زن نکند که موجب کوری فرزند است یا علی مباشرت مکن بشهوت زن دیگر که میترسم
که فرزند مخنث یا دیوانه شود ... که خوف آنست که فرزند مخنث باشد ای علی هر که جنب باشد در
جامه خواب با زن قرآن نخواند که میترسم که آتش از آسمان بر ایشان ببارد ای علی
در وقت مباشرت باید با تو خرقه باشد و با او خرقه دیگر و هر دو یک خرقه استعمال نکنید
که آن موجب عداوت و نفرت شود و بطلاق انجامد یا علی باید که مباشرت ایستاده نکنید که آن
فعل حمار است و چون فرزند بهم رسد بول در جامه خواب کند همچو حمار که بول میکند در هر کجا
ای علی مباشرت مکن در شب عید فطر که فرزند شر کار باشد یا علی مباشرت مکن در شب عید
قربان که فرزند شش انگشت باشد یا چهار انگشت ای علی مباشرت مکن در زیر درخت میوه دار
که فرزند جلاد و قتال باشد ای علی مباشرت مکن در مقابل آفتاب مگر پوشیده
باشید که فرزند در فقر و پریشانی باشد تا بمیرد ای علی مباشرت مکن میان اذان
نماز و اقامت که فرزند خونریز باشد ای علی چون زن تو حامله باشد مباشرت مکن
مگر با وضو که فرزند بخیل و کور دل باشد ای علی مباشرت مکن در نیمه شعبان که فرزند شوم
ای علی مباشرت مکن چون ده روز از ماه باشد در شعبان که فرزند شوم باشد یا کال
و هلاک بعضی مردم بر دست او باشد ای علی مباشرت مکن در پشت بام که فرزند منافق
مرائی و مبتدع باشد ای علی مباشرت مکن چون خواهی که سفر کنی در آن شب که فرزند مال
خود را بناحق خرج کند و حضرت این آیه را خواند که ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین
ای علی اگر خواهی سفر کنی که سه روز باشد مباشرت مکن که فرزند یاور ظالمان باشد
او ... کار ظالمان باشد ای علی در شب دوشنبه مباشرت کن که فرزند حافظ کلام
باشد و بقسمت الهی راضی بود ای علی مباشرت کن در شب سه شنبه که چون فرزند بهم رسد
روزی او گردد بعد از آنکه گفته باشد لا اله الا الله محمد رسول الله و خدای تعالی عذاب
نکند او را با مشرکان و بوی دهان او خوش بود و دل او رحیم باشد و دست او از ریختن خون
و دروغ و بهتان ای علی اگر در شب پنجشنبه مباشرت کنی فرزند حاکم باشد یا عالم و اگر در
وقت پیشین روز پنجشنبه مباشرت کنی ... شیطان نزدیک او نگردد تا پیر شود ... و اگر مباشرت کنی در شب جمعه
روزی ... شود و شیطان نزدیک او نگردد ...

در آفات شکم

است که ... از برای ... و ... بطن ... نماند ... از برای ... صفت **صفت دویم** ... است
... بندگان خدا ... بیت ... حرمت ... صفت ... است
ان موجب ... صاحبش است **او** رسول خدا صلی الله علیه و آله ... که ...
امانت ... یکی از ... که ...
و این مضمون ... است ... که ... خدا ...
... که ... حلال ... است ...
... **و ضد این صفت**
تعظیم و احترام بندگان خدا ... و در حدیث ... که ...
ایمن شود از غضب ... کند ... مؤمن ... است ...
... که ... نظر ...
... جای ... مکن ...
... است ... اکرام ... اعزاز
جمیع طبقات مردم ... که
... است و ... است ...
... شود ... تعظیم و تکریم
اهل علم و فضل و صاحبان ... مستوفی ... و ...
اهل اسلام ...

خطیب و فصیح باشد اگر همین شب بستد از فرزند زن شقی باشد آن فرزند ابدال باشد ای علی
مباشرت مکن در ساعت اول شب که فرزند ساحر باشد و اختیار کند دنیا را بر آخرت و این
وصیت را یاد گیر از من چنانچه من از جبرئیل یاد گرفتم **امام** جعفر صادق علیه السلام روایت
کند که باید مباشرت نکند رو بقبله و پشت بقبله و دیگر فرمود کره اول ماه و میان ماه
و آخر ماه باید که مباشرت نکند اگر چنین کند البته باشد که فرزند سقط شود اگر تمام شود
شود بیم آن است که دیوانه باشد و مبتلا به جذام باشد پس بهتر چون در اول ماه و آخر ماه و وسط ماه مباشرت
و دیگر فرمود که مکروه است جنب شدن در وقت زرد شدن آفتاب و بعد از طلوع صبح
فرموده که در کشتی مباشرت نباید کرد و رسول صلی الله علیه و آله فرموده کسی که محتلم شده
باشد مکروه است که مباشرت کند با زن پیش از غسل که فرزند مجنون باشد و دیگر فرمود که
کسی که مباشرت با زن حایض کند فرزند مجذوم باشد یا ابرص و در ملاعبه نکند
الا خود را و دیگر فرمود که کسی که خواهد بقا و عمر دراز را طعام بگاه خورد و قرض اندک کند
و مباشرت با زن کمتر کند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که لذت ده نود و نه مرتبه
بیشتر است از لذت مرد ولیکن خدا تعالی با ایشان حیا داده و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون
زن از محل مباشرت برخیزد کسی بر جای او ننشیند تا هنگامی که جای او خنک شود و مردی
کرد که گفت با امام محمد باقر علیه السلام که هیچ وقتی از اوقات نیست که مباشرت مکروه باشد با
حلال خود فرمود که بلی از اول صبح تا طلوع آفتاب و در فرو رفتن آفتاب تا غایب شدن شفق
و در روزی که در آن آفتاب بگیرد و شب گرفتن ماه و در شب و روزی که باد سیاه یا سرخ یا زرد آید و در
شب و روزی که در آن زلزله واقع شده باشد **منقول** است که رسول صلی الله علیه و آله مرد
را در بیجا دعوت فرمود بعد از شام و نان و در غذا حاضر کرده شد و نتیجه خوردند **مروی** است که چون
آنحضرت دختری بنت عبد الله بن عمر بود و امیرالمومنین علیه السلام فرمود
کسی است که نزدیکی کردن با زن در شب اول ماه رمضان بمقتضای آیه کریمه احل لکم لیلة الصیام
الرفث الی نسائکم یعنی حلال است برای شما در شب روزه ماه مباشرت با زنان خود **فصل**
پنجم در حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر **حسن** بن محبوب روایت کند از مالک بن عطیه
داود از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام که زنی بخدمت رسول صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد یا
رسول الله حق شوهر بر زن چیست فرمود که زن اطاعت او بکند و مخالفت او ننماید و از خانه او بی رخصت

در احادیث کرده است فضیلت اکرام بیتیم را بیان کرده شد است
صنف بیستم ظلم است که
عادت است از ضرر رسانیدن بغیر از جهت شرع
و باعث آن اگر عداوت و کینه باشد از نتایج قوه غضبیه است
و اگر حرص و طمع در مال باشد از نتایج قوه شهویه است و بعضی
گفته اند که عادت ظلم قبیح و از معاصی اعظم است و در مذمت
کثیره از قرآن بر ظالمین وارد شده و در اخبار متکثره ذم عظیم شده و تهدید بر آن که
السنة ظالم و آزار و لعن است و بسیار لعن شده بر وحی ظالمین وارد
میرسد
شعر
تو بر چنین ملک و دولت بود
که لعنت بر او تا قیامت بود
نماند ستمکار بد روزگار
بماند بر او لعنت کردگار
و در خبر است که ظلم در خون زدن
ساعت بدتر است نزد خدا
از شصت سال گناه و هر که از
مکافات ظلم بترسد البته از ظلم
بازمی ایستد چه ستم خیمه
انتقام مظلوم را میکند و مکافات
ظالم را باو میرساند
شعر
آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند
چو تو بید کردی مزن بایمنی
تا که کژدم است و بد و آبستنی
مکافات در عمل نافرمان
گندم از گندم بروید جو ز جو

او صدقه ندهد و روزه سنت بی اذن او نگیرد و منع از خود نکند اگرچه بر روی پالان شتر باشد
و از خانه بیرون نرود مگر برخصت او و اگر بی رخصت او از خانه بیرون رود فرشتگان زمین و آسمان
بر او لعنت کنند تا وقتیکه بخانه باز آید پس آن زن سوال نمود که یا رسول الله از خلایق که را حق بر
مرد بیشتر است فرمود که مادر و پدر او پس پرسید که را حق بیشتر است از خلایق بر زن گفت شوهر
گفت مرا از حقها حق نیست بر شوهر که او دارد فرمود که نه از صد یکی پس زن گفت
سوگند بآنکه ترا بحق بخلق فرستاده که هیچ مرد مالک رقبه من نشود هرگز و دیگر پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که هر زنیکه ایذا بشوهر رساند نماز او قبول نیست و حسنات او قبول نکند تا او را فرض و
سنت و نه نیکی عملش اگرچه در تمام عمر روزه باشد و شب بپا ایستاده باشد و بندگان را آزاد کرده
باشد و در راه خدای تعالی داده و اول کسی باشد که بدوزخ رود تا وقتی که شوهر را راضی کند و همچنین
است حال شوهر اگر ظلم کند بر زن و دیگر فرمود که هر زنی که صبر نماید بر شوهر و با بکند با او
فدیه وظایفی نداشته باشد قبول نیست از او هیچ عمل نیکو و چون بخشم آید الهی بسند خدای تعالی
بر او خشمگین شود و دیگر فرمود که حق شوهر بر زن آن است که چراغ روشن کند و طعام پزد برای او
و باستقبال او بیاید و تواضع نماید و چون طعام خورد حاضر او باشد که طشت و دستمال نزد او بود
و دست او را بشوید و نفس خود را از او باز ندارد مگر که علتی داشته باشد و قومی از آنحضرت امدند
گفتند یا رسول الله ما میبینیم که بعضی سجده میکنند بعضی آنحضرت فرمود که من اگر امر میکردم
کسی را سجده غیر خدا هر آینه زنان را امر میکردم که شوهر را سجده کنند و دیگر فرمود که اگر زنی پستان خود را
بر زند و بیک پستان دیگر او را یاری نکند ادای حق شوهر نکرده و با وجود این که اگر نافرمانبرداری
شوهر کند یک طرفة العین او را ایذا رساند اعمال دارد و در دوزخ خواهد رفت مگر که توبه کند و او را
راضی گرداند و دیگر فرمود که زن ادا نکرده حق حق تعالی را مگر وقتی که ادا کند حق شوهر را و امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که زن شوهر دار را جایز نیست بی رخصت شوهر بنده آزاد کردن
و مدبر ساختن و بخشیدن و صدقه کردن در مال خود مگر بصلة رحم و همچنین مگر حج واجب و زکوة
واجب و نیکویی کردن با پدر و مادر یا نیکی با خویشان کردن با برادر و خواهر و امام محمد باقر علیه
السلام فرموده که حق تعالی فرض کرده جهاد بر مردان و زنان پس جهاد مردان آن است که صرف کنند
مال خود را تا کشته شوند در راه خدای تعالی و جهاد زنان آن است که صبر کنند بر آنچه ببینند از شوهر
و غیرت او و در روایت دیگر وارد است که جهاد زنان آن است که با شوهر نیکی کنند و دیگر فرمود که

خانه های آنکه بر ظالم اختیار برده
در دست دارند با بیچارگان
بیازاری کر کس فی کسان در
مقام آزار تو بر آید
شعر
بچه نیاید که بنیاد خود
بکند آنکه بنهاد بنیاد بد
خرابی کند مرد شمشیر زن
نه چندانکه دود دل پیرزن
چراغی که بیوه زنی برفروخت
بسی دیده باشی که شهری بسوخت
و از این جهت است که سلطان
محمود غزنوی میگفته که من از
نیزه شیر مردان این قدر نمی ترسم
که از دود دل بیوه زنان شب هنگام
اضطراب و عمیدی بی بازغم
که میوه شیرین که بنیاد
دهقان با غول دیر خوش گهر
کامی تو خشم خر کشته
اگر به حق چشم نیکی مدار
که هرگز نیاید گرانگور بار
بپندارم ای دو خوان کشته جو
که گندم ستانی بوقت درو
رطب نارسد چو بجز نخل بار
چو تخم افکنی بر همان چشم دار
و نیز از آن نیز جا که ظلم منع
و عالمان که دنیا و آخرت ظلم
است همچنین است عادت ظالم
بر ظلم و راضی شدن بظلم او حضرت
صادق علیه السلام فرموده که هر
که ظلم کند و هر که یاری ظالم کند
و هر که بظلم او راضی باشد هر
ظالم و با ما نکند ظلم شریک در
بر نیت و عذاب که خون بدو خدا

هر زنی که شب خواب کند و شوهرش بر او خشمگین باشد نمازش قبول نیست تا شوهرش از او راضی
نشود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر زنی که بیرون رود از خانه بی رخصت شوهر
پس بوی خوش استعمال کند نمازش قبول نیست تا آنکه برگردد و دیگر فرمود که هر زنی که بوی خوش بکار برد جهت غیر شوهر
نمازش قبول نیست تا آنکه از بوی خوش غسل کند مانند غسلی که از جنابت کند و دیگر فرمود که
زنی که بنهد جامه خود را در غیر منزل شوهرش بی رخصت او همیشه به لعنت خدای تعالی باشد
تا باز گردد بخانه خود **دیگر** فرمود که هر زنی که بگوید به شوهر خود که هرگز خیری از تو
ندیدم هرگز نیکی پس این گفتن عمل او ضایع میشود **مرویست** که مردی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله
داعیه سفر داشت از زن خود عهد گرفت که از خانه بیرون نرود تا او از سفر باز آید پس پدر آن زن بیمار
شد کسی فرستاد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله تا رخصت حاصل کند و بپرسش پدر برود
آنحضرت رخصت نداد و گفت در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن چون پدرش بیمار شد فوت گردید
آنحضرت کس بر سر او فرستاد که حق سبحانه و تعالی امر زیدیت پس پدرش وفات یافت باز رخصت
طلبید تا بر پدر نماز گذارد رخصت نداد و گفت در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن چون پدرش را
دفن کردند آنحضرت کس بر سر او فرستاد که حق سبحانه و تعالی امرزید پدرت را بجهت فرمان
برداری تو شوهرت را **در حق زن بر مرد** حق زن بر مردان آنست که
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده از رسول صلی الله علیه و آله که فرمود که جبرئیل امین مرا
وصیت کرد بزنان تا به مرتبه که گمان کردم که سزاوار نیست طلاق دادن او مگر از فاحشه
ظاهره **و امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که حق زن بر شوهر آنست که او را طعام سیر کند
بپوشاند و اگر گناه میکند بجاهلی بپوشد بدرستیکه ابراهیم خلیل شکایت کرد بسوی حق جل و علا
از خلق ساره پس وحی فرستاد حق تعالی بسوی که مثل زن مثل استخوان پهلوست اگر خواهی راست کنی
میشکند و اگر گذاشتی انتفاع خواهی برد از او با کجی **و امام** محمد باقر علیه السلام فرمود که
کسی که نزد او زنی باشد که او را طعام و لباس ندهد سزاوار است بر امام که جدایی کند میان
ایشان **و امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون این آیه نازل شد که یا ایها الذین آمنوا قوا
انفسکم و اهلیکم نارا یعنی ای اهل ایمان نگاه دارید خود را و اهل خود را از آتش دوزخ مردی
از مسلمانان این را شنید بگریست و بنشست و گفت من عاجزم
بر نفس خود از نگاهداشتن و مرا تکلیف کرده اند بنگاهداشتن اهل نیز این خبر برسول صلی الله علیه

نمود ... کرد ... ایشان ... زنی که ... ایشان ... باشد ... **فصل** ... ایشان ... خود باشد ... ستم ... و دفع ظلم از ایشان ... بر زنان است ... کتاب ... زنی که ... دین ... حقوق ... یکبار ...

و آله رسید فرمود که بس است ترا آنکه امر کنی ایشان را بچیزی که امر میکنی نفس خود را
و نهی کنی ایشان را از چیزی که خود را از آن باز میداری و روایت کرده امام جعفر
صادق علیه السلام که زنی برای حاجتی بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد آنحضرت
فرمود که شاید تو از مسوفات باشی پرسید که مسوفات کیستند فرمود که مسوفات کدام اند
فرمود که زنانی که چون شوهران ایشان را برای حاجتی خوانند ایشان تاخیر کنند و
بهانه دیگر آغاز کنند تا شوهران بخواب روند پیوسته فرشتگان بر این زن لعنت میکنند
تا وقتی که شوهران ایشان از خواب بیدار شوند **و دیگر** فرمود که رحمت کند حق تعالی
بنده را که میان او و زنش حسن خلق و نیکویی باشد زیرا که حق تعالی تمام اختیار زن را به
مرد داده و قیم او گردانیده پس او را سزاوار است نیکویی باید کرد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه
فرمود که عیال الانسان اسیرانند و دوست ترین بندگان بدرگاه الهی آنانند که
نیکویی کنند با اسیران و امیرالمومنین علیه السلام فرمود محمد بن حنفیه را که ای پسر من
چون قوت یافتی بعزای در طاعت الهی و در ضعف ضعیف گردان معصیت را و باز دار
از مناهی و اگر توانی با عیال خان کن که ما الک نگردانی زن را در امور خانه آنچه بکار کند
از حد چنان مناسب است و باید در عیال ... خوش باشد تا بخاطر فرخند فال او دیگر
عیال و مال او زیرا که آن ریحانه است ... قهرمان ... نکار ... را که با وی
در هر حال ... را با وی نیکو دار تا زندگی بر تو تلخ نگردد **و امام**
جعفر صادق علیه السلام فرمود که بپرهیزید و بترسید از خدای تعالی در باره دو ضعیف که
آن دو ضعیف یتیمان و زنانند **فصل ششم** در ذکر اولاد و آنچه متعلق است بآن
روایت کند سکونی که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که فرزند صالح ریحانه است از ریاحین
بهشت **و امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که میراث خدای تعالی از بنده مومن فرزند
صالح است که برای او استغفار کند **و دیگر** فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمت
بر حسنات ثواب میدهند و از نعمت میپرسند **مرویست** که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله را بشارت دادند بدختری آنحضرت نظر فرمود در روی اصحاب دید ایشان کراهت
یافت فرمود که شما را چه شد این دختر ریحانه ایست که میبویند و روزی او بر خداست جل
و علا **امام** رضا علیه السلام فرمود که حق سبحانه و تعالی چون خواهد به بنده نیکی کند

ای جان عزیز ... چنان ... ذکر ... کنند ... **صفت** ... اگر ... قوه ... شهوت ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ... مسلمانان ... و وارد شد که ... یا جای دیگر ... چشم او ... خطاب ... پیغمبر ... **و صفت** ... اهتمام در قضاء حوائج مسلمین ...

عمر ابتدا در تابوت فرزندی کراست کند مروی است که بمیرد بی فرزند چنین گویا که
نبوده است در میان مردمان و هر که بمیرد و فرزندی از او بماند چنین گویا او نمرده امام
جعفر صادق علیه السلام میفرماید که حق تعالی رحم میکند بمردی که دنیا دوست میدارد
فرزندان خود را عمر بن یزید گوید که با آنحضرت گفتم که مرا دختری چند باشد فرمود که شاید که تو
مرگ ایشان را خواهی اگر تمنای تو ایشان بمیرند فردای قیامت مزد نیابی و با خدای
ملاقات شوی حمزة بن حمران روایت کند که مردی در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله نشسته
بود شخصی خبر داد او را بدختری که از او متولد شد رنگش متغیر شد آنحضرت فرمود که ترا چه شد گفت چون
خانه بیرون آمدم زنم را نزدیک زادن بود شنودم که دختر زاده است آنحضرت فرمود که زمین او را بر میدارد
و آسمان سایه بر او میاندازد و خدای تعالی او را روزی میدهد و ریحانه ایست که او را بو میکنند نگاه
روی باصحاب نمود و فرمود که هر که او را یک دختر باشد چنین مجروح است و اگر او را دو دختر است
پس بفریاد او برسید و اگر سه دختر است جهاد از او ساقط است و اگر چهار دختر است ای
بندگان خدا بفریاد او برسید و مدد او کنید ای بندگان خدا بر شما فرض است که مدد او کنید ای بندگان
خدا بوی رحم کنید و دیگر فرمود که هر که سه دختر یا عیال داشته باشد واجب گردد برای وی بهشت
پرسیدند یا رسول الله اگر دو دختر داشته باشد چون بود اگرچه دو داشته باشد باز پرسیدند
اگر یکی داشته باشد فرمود اگرچه یکی باشد که واجب گردد برای او بهشت و دیگر فرمود که دوست
دارید طفلان را و رحم نمائید برایشان و چون وعده کنید با ایشان بوفا رسانید
چه ایشان شما را میبینند که روزی دهنده ایشان شمائید و مروی است که در خدمت پیغمبر صلی الله
علیه و آله مردی که او را دو پسر بود یکی را بوسید و دیگری را نه آنحضرت فرمود که چرا در میان
ایشان تسویه رعایت نکردی رفاعه گوید که من پرسیدم از حضرت امام موسی علیه السلام از مردی که
او را چند پسر باشد که از یک مادر نباشند آیا جایز است که یکی را از آنها تفضیل نهد
بر دیگران فرمود بلی باکی نیست پدر بزرگوار من مرا تفضیل فرمود بر عبدالله مروی
است که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین را بوسید یکی که آنجا حاضر بود گفت
من ده پسر دارم هرگز هیچ کدام را نبوسیدم آنحضرت فرمود هر که رحم نکند بر او رحم نباشد و
دیگر فرمود که فرزندان را نام انبیا نهید و بهترین نامها عبدالله است و آنچه دلالت بر عبودیت
باشد و دیگر فرمود که حق فرزند بر پدر سه چیز است نام نیکو نهادن و خط و خواندن آموختن

در قضای حوایج مسلمین

و آن از صفات بهترین خداست
و نیکی نیست که افضل از حاجت
مؤمن برآوردن و قضاء حاجات
است و در حدیث است که هر که
یک حاجت برادر مؤمن را برآورد
چنانست که در همه عمر خود خدا را
خدمت کرده است شعر
طریقت بجز خدمت خلق نیست
بتسبیح و سجاده و دلق نیست
ره نیک مردان آزاده گیر
چو استاده دست افتاده گیر
که نیکی نبیند بهر دو سرای
که نیکی رساند بخلق خدای
خداوندان نیند بجا آرند شکر نعمت
که خلق از وجود ایشان در امان است
و هیچ نیکی نیست که برادر دینی
حاجات مؤمن جستن است و
ثواب حسن کردن برادر دینی
از خدا افزون است شاد کردن
دلی بهتر از آباد کردن کعبه است
دلهای شکسته خانه خاص
خداوند تعالی است پس رنجش
انسان و شادی مرحمت خاص خدا
است و حضرت صادق علیه السلام
سید حافظ بشنو خواجه و نیکی کن
که من این پند بیاد آموختم از حکیم
(بیت)
تو با خلق نیکی کن ای نیکبخت
که فردا نگیرد خدا بر تو سخت
یکی خار پای یتیمی بکند
بخواب اندرش دید صدر خجند
همی گفت در روضها میچمید
کز آن خار بر من چه گلها دمید

و چون بالغ شود زنی با نکاح وی در آورد و امام رضا علیه السلام فرمود که رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که با امت تو بگو که مشورت کنید چون میان ایشان احمد و محمد نام باشد
آن مشورت خیر و خوبی پیش آید و مروی است که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که فرزندی
که فاسق باشد پدر و مادر بوی بهشت بمشام او نرسد و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود
که بوسیدن فرزند رحمت است و بدنام شدن پدر و مادر عقوبت است برای پدر و فرزند
در امام عادل طاعت است و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که از نعمتهای الهی است که فرزند
به پدر و مادر مانند باشد و دیگر فرمود که چون حق تعالی خواست که کسی را بیافریند جمع میفرماید
هر صورتی که میان او و میان آدم بوده و میافریند او را بر صورت یکی از اینها پس نباید که نگوید
یکی از شما که فرزند بمن نمیماند از من نیست و مروی است پرسید از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که چیست ما را که چنانچه باولاد خود که از امتیاز میگیرند فرمود زیرا که ایشان از شما امید
ایمان نیست و از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چون بود که حق
تعالی پیغمبر خود را یتیم گردانید فرمود بجهت آنکه از مخلوق هیچ کس را بر او طاعتی نباشد
ابن عباس روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ببازار رود و تحفه بخرد
و برد از برای عیالان خود برد همچنان باشد که صدقه برداشته و بجهت محتاجان برد
و باید که اول بدختران بدهد بعد از آن بپسران چه هر که شاد کند دختر را چنان است که بنده آزاد
کرده و آزاد کرده باید یکی از فرزندان اسمعیل علیه السلام را و هر که روشن کند چشم پسری
را گویا گریسته از خشیت الهی و هر که از ترس خدای تعالی بگرید او را بهشت نعیم داخل کند عبد
الله بن فضاله گوید که از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام شنیدم که طفل
چون سه ساله شد امر کنید تا هفت نوبت بگوید لا اله الا الله و بگذارید تا هفت ماه و بیست
روز از سه سال بگذرد بفرمائید تا هفت نوبت بگوید محمد رسول الله و بگذارید تا چهار
سال تمام کند آنگاه امر کنید تا هفت بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و چون پنج سال
تمام کند بگوئید کدام است دست راست تو و کدام است چپ تو پس چون دانست روی او را بقبله
کنید تا سجده کند و چون شش ساله شد بگوئید تا نماز بگذارد و رکوع و سجود بیاموزید
و چون هفت ساله شد بگوئید که روی و دست بشوید و نماز بگذارد و چون نه ساله شد او را وضو
بیاموزید و بجهت آن بزنیدش و بنماز بزنیدش و چون وضو و نماز را دانست حق تعالی

در قضای حوایج مسلمین

فرموده که هر که سرور داخل
دل مؤمن کند حضرت رسول را
مسرور کرده است و هر که رسول
را مسرور کند خدا را مسرور کرده
است و هر که رسول را مسرور
کند خدا را مسرور کرده است
و همچنین است شاد ساختن
مؤمن و دور داشتن اندوه از او
از بهترین اعمال در نزد خداوند
متعال شاد کردن مؤمنان است
و در روایات بسیار معتبر وارد
شده که کسی که سرور بر دل اخوان
داخل نماید حق تعالی از آن سرور
خوشی متمثل میشود که در دنیا
بر غم اندوه او را بشارت
خواهد داد و انیس او خواهد
بود و رفیق او باشد که تا در
کار آخرت از ضیق قبر
نجات دهد جهان تنگ
و عذاب اینده گین ساختن
مؤمنان و اندوه و کینه
شاد میشود از عنایت ایزدی
خدا حیث النفس
لطیف است و بنای دل خیر
لطیفان باین صفت مبتلا هستند
و دلو پرآنند که اخبار موجب
ترحم زنان شد و چون خبری
شنید که موجب ناراحتی
است آرام نمیگیرد تا این خبر
باو برسانند نظم
سنگ بر آن آدمی بشکن
که دل مردمان بیازارد
صفت مسجد

وتعالی پدر و مادر او را بیامرزد ان شاء الله تعالی و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که بگذارید طفل را بازی کند تا هفت سال بعد از آن تادیب فرمایید او را تا در مکتبخانه
رود تا هفت سال دیگر و بعد از این نگذاریدش تا هفت سال دیگر تا ادب و اخلاق کسب کند اگر
نیکو شد فبها والا واگذارید که دیگر خیری در او نیست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که فرزند هفت سال آقا است و هفت سال بنده و هفت سال وزیر است پس اگر در این
بیست و یک سال راضی شدی از آداب و اخلاق او خوب والا پس بزن بر پهلویش که نزد خدا تو
عذر داری و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پسر چون بشش سال برسد خوابگاه او را جدا
کنید از خوابگاه زنان و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که طفل زیاد میشود در هر سالی
چهار انگشت از انگشتان خودش و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نگاه دارید
فرزندان را از شیر زن زناکار و دیوانه که شیر سرایت میکند و فرمود که دختر چون شش ساله
شود مرد او را نبوسد و پسر چون هفت ساله شود زن او را نبوسد و امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که مباشرت زن با پسر بعد از شش سالگی شعبه ایست از زنا احمد بن نعمان گوید که
پرسیدم که میان من و جویریه کردی خدمت قرابتی نیست و او بشش سالگی رسید فرمود که او را
بر کنار منشان و مبوس او را روایت است که امام زین العابدین علیه السلام فرمود
یکی از اصحاب خود را که چون خواهی که ترا فرزندی شود هفتاد نوبت این دعا را بخوان بدرستی
که هر که هر چه از حق سبحانه و تعالی از فرزند و از مال بخواهد دنیا و آخرت او را کرامت فرماید
و دعا این است و بسیار بخواند رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین واجعل لی من لدنک
ولیا یرثنی فی حیوتی و یستغفر لی بعد وفاتی واجعله خلقا سویا ولا تجعل للشیطان فیه
نصیبا اللهم انی استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور الرحیم و گویند کرت بهفتاد
نوبت حاصل میشود روایت است که شخصی را فرزند نمیشد حال خود را عرض کرد
خدمت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که در صبح و شام هر روز هفتاد نوبت سبحان الله بگو و ده
نوبت استغفر الله و نه نوبت سبحان الله کرد و دهم آن که نوبت استغفر الله باشد آن شخص چنین کرد
حق تعالی او را فرزند بسیار کرامت فرمود بقوله تعالی استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء
علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین سلیمان گوید که من خود هم را بر نمی داشتم و
مرا فرزند نمیشد این کلمات را برابر وجه گفتم و او را برابر یاد دادم مارا فرزند شد و زن میگفت

کوتاهی و مسامحه در امر
بمعروف و نهی از منکر است
و سستی یا ضعف نفس است
یا طمع مالی از ایشان جمله
و مضرات عام و تمام
است و در اخبار بسیار
بسیار برای این صفت ذکر شده
و از رسول خدا صلی الله علیه
و آله روایت که هیچ قومی نیست
که معصیت کنند و در میان
ایشان کسی باشد که قدرت
داشته باشد که ایشان را منع کند و نکند
مگر اینکه بیم است که خدای تعالی
فرو گیرد ایشان را به بلا یکجا
و عذاب نازل گرداند و از حضرت
باقر علیه السلام روایت که حق تعالی
وحی فرستاد بشعیب که من
صد هزار از قوم ترا عذاب خواهم
کرد چهل هزار از بدان و شصت
هزار از نیکان عرض کرد که
بدان گناهکارانند نیکان را چرا خطاب
رسید جهت آنکه مداهنت با
اهل معصیت کردند
و بغضب من غضبناک نگردیدند
و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که روزی خطاب
با اصحاب خود فرمودند که بر من
لازم است که بگناه فاسق شما را
بگناه کاران مواخذه نمایم و
چگونه لازم نباشد و حال اینکه
عمل قبیح از مردی از شما بشما
میرسد و انکار بر آن نمیکنید
و از او دوری نمینمائید و اذیت

که هرگاه که من بخواهم این شوم از آن دعا بگفتم این میشدم و دیگر عداوت ابرا ... و ما
فرزند بسیار شد ابوبکر بن حارث بصری گوید که گفتم بامام ابی عبدالله علیه السلام که مرا
فرزند نمیشود فرمود که چون در سجده باشی این دعا بخوان رب هب لی من لدنک ذریة طیبة
انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین گفت من این را گفتم مرا دو پسر
روزی شد علی و حسین و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت بجهت طلب فرزند چون
داعیه مباشرت میکنی سه نوبت بخوان و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه
فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و دیگر امام جعفر
صادق علیه السلام فرموده که چون یکی از شما زنش آبستن باشد باید که بجانب قبله هر دو و او را
و آیة الکرسی بخواند و بعد بر پهلوی او دست خود را و بگو بار خدایا این را محمد نام کردم حق
تعالی بعد از این خود او را پسر میگرداند پس اگر بعد از تولد او را بان نام کرد حق تعالی او را
مبارک میگرداند و اگر نام او دیگر گردید از نام اختیار دیگر حق تعالی است اگر خواهد
بسازد و اگر خواهد نگاه دارد روایت است که شخصی بخدمت امام جعفر
صادق علیه السلام گفت یا رسول الله من قرضه خود دارم و هیچ پسر ندارم دعا فرما که
حق سبحانه و تعالی مرا پسر کرامت فرماید فرمود که چون خواهی که مباشرت کنی پیش از آن
غسل کن و بعد دست را بر دان را است بگذار و هفت نوبت سوره انا انزلناه بخوان بعد از آن
مباشرت کن انشاءالله خواهی دید مقصود هر گاه حمل پیدا شد و بچه در شکم مادر جنبید
دست را بشکم بگذار و هفت نوبت انا انزلناه بخوان او گوید چنان کردم
خدای تعالی مرا هفت پسر بدید در روایت که معویه علیه اللعنة ایلچی بخدمت امام
حسن علیه السلام فرستاد و حضور راه داده بود و چون پیغام رسانید در وقت
یکی از ایشان گفت یابن رسول الله من مال بسیار دارم و هیچ فرزند ندارم مرا چیزی تعلیم کن
که شاید خدای تعالی مرا فرزندی کرامت کند فرمود که استغفار بسیار بکن و او مشغول شد
و روزی هفتصد نوبت استغفار کرد بعد حق تعالی او را ده پسر کرامت فرمود
بعد از این خبر بمعویه رسید گفت چرا نپرسیدی که از کجا ایلچی دیگر فرستاد
و از آن پرسید فرمود مگر نشنیده قول الهی را در قصه هود که و یزدکم قوة الی قوتکم
و در قصه نوح که و یمددکم باموال و بنین فصل هفتم در ذکر عقیقه کردن

نمیرسانید و او را از نزد خود
دور نمود که البته بار خواهم کرد
گناهان نادانان شما را بر علما
و دانایان شما چه خبر باز میدهد
شما را که چون از مردم بدی بشما
شما معصیتی و بدی بر ایشان
داد و را منع نکنید و نهی
نمیکنید عوض میکنید که چون
نمیکنند فرمود از آن در
کنید و از نشستن با ایشان اجتناب
نمائید و در اخبار بسیار در منع
از حضور در مجالس معصیت وارد
شده در حضور نکرنی از منکر
مقصود رفتن و چون حال است
که از هر معروف و نهی از منکر
این باشد خواهی دانست که هم
هم معصیت و نهی از طاعت
مقصود عقاب دارد و هر که
تامل کند در اخبار و آگاه شود
از تواریخ و حکایات پیشینیان
و بلاها و عقوبتها که بایشان
رسیده و ملاحظه عصر خود
کند که در این زمان حادث شود
بعد از شیوع معاصی از ابدال
مردمان بنیعم و آفات نازل
و از خیر و برکت ... کم شدن
عقوبت آسمانی باد و هوا
طاعون و وبا و قحط و غلا
و کم شدن آبها و نیامدن باران
و خشک شدن درختها و تسلط
ظالمان و اشرار و ظلم و غارت
و زلزله ها و امثال اینها سبب
کردن ... امر بمعروف و نهی از

و بجهت مولود طعام دادن عمر بن یزید گوید که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام که
میفرمود که هر مرد در قیامت مرهون است بعقیقه خود و عقیقه از قربانی واجب تر است و دیگر
فرمود که مراد بمرهون است بقطع دعا و مولود مرهون است بعقیقه و ابن یزید گوید که من
گفتم بحضرت که من نمیدانم که پدر من عقیقه کرده از من یا نه پس امر فرمود مرا که عقیقه کردم از خود
در حالتیکه پیر بودم و دیگر فرمود که عقیقه لازم است بر هر کس اگر غنی است بکند و اگر فقیر
است هر زمان وسعت بهم رسد بکند و اگر از آن عاجز شود لازم نیست و اگر عقیقه نکرده باشد و قربانی
کرده باشد او مجزیست از عقیقه و فرمود که در عقیقه یک گوسفند نر بکشد و اگر ماده بشود
مجزیست کشتن آنچه مجزیست در قربانی و از آن حضرت سؤال کردند از کیفیت عقیقه فرمود که
گوسفند یا گاو یا شتر بکشد و بعد از آن فرزند را نام بنهد و سر او را تراشد در روز هفتم
و بعدد از موی سر او طلا یا نقره تصدق کند و اگر فرزند پسر باشد آنچه کشند نر باشد و اگر دختر
باشد آنچه کشند ماده باشد و فرمود که آنچه کشند چهار یک را بقابله دهند و اگر قابله
نباشد بمادر فرزند بهر کس که خواهد دهند و باقی را طعام نمایند بده کس از مسلمانان یا بیشتر
ومنقول است که پدر و مادر او از عقیقه نخورند و چون خواهند که عقیقه بکشند بگویند
یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض
حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین
لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر
اللهم صل علی محمد وآل محمد تقبل من فلان بن فلان و نام مولود را ببرد و سر ببرد و بگوید که
ابوطالب عقیقه کرد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و خویشان را جمع کرد گفتند چه چیز است
فرمود که این عقیقه است از برای احمد گفتند که وجه تسمیه او باحمد
چیست گفت بجهت ستودن اهل آسمان و زمین او را و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که چون
فرزند بر ایشان متولد شود [illegible] کنند و در گوش راست او بانگ نماز گویند و در گوش چپ
[illegible] و در روز هفتم عقیقه کنند و نام نهند و سر او را تراشند و بوزن موی سر او نقره و
طلا تصدق کنند پس بدرستیکه [illegible] مقرر شد نام او را از آسمان پس چون ذبح کند بگوید
بسم الله وبالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله وشکرا لرزق
الله وعصمة بامره ومعرفة بفضله علینا اهل البیت و اگر مولود پسر باشد بگویند

منکرات و صنایع [illegible]
سعی و اجتهاد در امر بمعروف
و نهی از منکرات کردن اعظم
شعائر دین و مقصد کلی از بعثت
انبیا و اوصیا و اولیا دین است
و آیات و اخبار بسیار در مذمت
در عصیان وارد شده از
رسول خدا صلی الله علیه و آله
مرویست که جمیع اعمال حسنه و
جهاد در راه خدا نیست مگر مثل
امر بمعروف و نهی از منکر مگر
مثل قطره در پیش دریای عمیق
و بخر از آیات و اخبار مستفاد
میشود که امر بمعروف و نهی از منکر
بر هر مؤمن بر افراد مکلفین
واجب است و اقسام امر بمعروف
و نهی از منکر واجب نیست
بلکه سنت است و وجوب امر بمعروف
و نهی از حرام چهار شرط دارد
اول آنکه شخص امر و ناهی علم
داشته باشد باینکه آن فعل
واجب است یا حرام دوم آنکه
[illegible] باشد دوم آنکه احتمال
[illegible] سوم آنکه
[illegible]
[illegible]
[illegible]
آثار [illegible]
و از جمله امور [illegible]
لازم است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اللهم انت وهبت لنا ذکرا وانت اعلم بما وهبت ومنک ما اعطیت ولک ما
صنعنا فتقبله منا علی سنتک وسنة رسولک صلی الله علیه وآله واخسأ عنا
الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک والحمد لله رب العالمین و ابو عبد الله
علیه السلام روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله عقیقه فرمود از جهت امام حسن و امام
حسین علیهما السلام بگوسفندی در روز هفتم و اعضای آن را از یکدیگر جدا کرد و استخوان
از آن نشکست و فرمود که پخته کردند با آب و نمک و از آن خوردند و بهمسایگان نیز
خورانیدند و فرمود که هفت خصلت سنت است در مولود اول آنکه او را نام نهند دوم
آنکه سر او را بتراشند سوم آنکه تصدق کنند بوزن موی سر او طلا یا نقره اگر توانائی
داشته باشد چهارم آنکه عقیقه کند از جهت او پنجم سر او را بزعفران بمالند ششم
آنکه تطهیر کنند او را یعنی ختنه هفتم آنکه اطعام کنند همسایگان را بعقیقه و مرویست
که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که ای فاطمه سوراخ کن گوش امام حسن و امام حسین
علیهما السلام را جهت مخالفت یهود و در روایت دیگر آمده بجهت شعار دعوت سید
از امام جعفر صادق علیه السلام که سبب سر تراشیدن مولود چیست فرمود که تا پاک شود
از موی رحم و از امام موسی علیه السلام پرسیدند از مولودی که در روز هفتم سر تراشیده نشد
او را جواب فرمود که چون هفت روز گذشت سر تراشیدن سنت نیست و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که کام فرزندان را با آب فرات بگیرند و بخاک تربت امام حسین علیه السلام
پس اگر آن نباشد با آب باران و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که اول بخرما کام فرزند
بردارند که رسول صلی الله علیه وآله با امام حسن و امام حسین علیهما السلام چنین سلوک کرد
فصل هشتم در ختنه کردن فرزندان و آنچه متعلق است بآن و روایت است
که رسول صلی الله علیه وآله فرمود که ختنه کردن سنت است مر مردان را و بکوشیدن مر
زنان را و منقول است که ختنه فرزندان در روز هفتم بکنند تا پاک شوند بدرستیکه
زمین شکایت میکند بخدای عز وجل از بول کسی که ختنه نکرده باشد و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که هر گاه ختنه کنند مولود را بگویند که اللهم هذه سنتک
وسنة نبیک محمد صلی الله علیه وآله واتباع رسولک وکتابک بمشیتک وارادتک
قضاء لک لامر اردته وقضاء حتمته وامر انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه

باینکه مرتکب [illegible]
[illegible]
تصور [illegible]
[illegible]
و خیر خواه مردمان [illegible]
باشد و معروف [illegible]
اطلاق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
امر بمعروف و نهی از منکر چند
مرتبه است (۱) انکار قلبی
(۲) ارشاد و هدایت [illegible]
اظهار کراهت و تنفر از شخص
عاصی بکنایه چون [illegible]
(۳) بزبان منع کردن [illegible]
اگر مفید نشد [illegible]
بدرشتی سخنان اگر [illegible]
دادن لفظ [illegible]
[illegible] و امثال اینها (۵) [illegible]
داشتن او را از معصیت [illegible]
[illegible] شکستن آلات لهو
ریختن شراب [illegible] و نحو
اینها (۶) زدن [illegible]
بدن [illegible] بقتل و جراحت
منتهی شود (۷) بشمشیر
کشیدن و مجروح کردن و
کشتن و این مرتبه در زمان
خلفا موقوف است باذن
امام علیه السلام و تفصیل [illegible]

وادفع
بحاجته لا انت اعرف به منا اللهم طهره من الذنوب وزده في عمره وادفع
الآفات عنه في بدنه والاوجاع عن جسمه وزده من الغنى وادفع عنه الفقر فانك تعلم
ولا نعلم و فرمود که هر مردی که بخواند این دعا را بر ختنه فرزند خود پس باید که بگوید
این را پیش از احتلام او پس اگر خواند او را کفایت میکند گرمی آهن از قتل و غیر آن و مرویست
از پیغمبر که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم پس بدرستیکه آن پاکتر است و زودتر گوشت
بر ویشان نگوشت امام موسی علیه السلام فرمود که پسر من امام رضا متولد شد ختنه کرده
و پاک و پاکیزه و لیکن ما تیغ را بر او جاری میکنیم جهت اتباع سنت **فصل نهم** در احتیاج
مشغول است زنان و احتیاج ایشان **مرویست** که عادت رسول صلی الله علیه و آله
چنین بود که چون نظر انعقت زنان را میطلبید و با ایشان مشاورت مینمود لیکن خلاف
رأی ایشان عمل مینمود و میگفت که فرمانبرداری زنان موجب پشیمانی است و منع فرموده که
زنان بر زین سوار شوند و مرویست که مردی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت زنان
کرد نزد آنحضرت پس آنحضرت بمنبر فرمود و خطبه خواند گفت ای گروه مردمان فرمانبرداری
زنان مکنید در هیچ حال و ایمن مگردانید ایشان را بمال و مگذارید که ایشان تدبیر کنند در
امر بندگان که مردهای ایشان ثواب نیست شاید که هلاک کنند پس بدرستیکه ما یافتیم
ایشان را که در دعوی پا نمیبرند حاجت و صبر ایشان را نزد شهوت و رعنائی و خودآرائی
لازم ایشان است اگرچه پیر باشند و عجب و خودنمائی لازم ایشان است اگرچه مضطر و حاجتمند
و حق بسیار را شکر نمیگویند و باندک صبر نمیدارند و خیر را میگذارند و شر را نگاه میدارند
دعوا میکنند در بهتان و تمادی میباشند در طغیان و عمل میکنند از برای شیطان پس شتاب
نمائید در اصلاح حال ایشان بهر حال و نیکوئی نمائید با ایشان در اقوال شاید که ایشان
نیکو گردند در افعال و امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که نصیحت کنید و پند دهید زنان را بمعروف پیش از آنکه فرمایند شما را بمنکر و پناه
جوئید بخدا از بدان ایشان و برحذر باشید از نیکان ایشان و امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که مشورت مکنید با ایشان در پنهان و آشکار و اطاعت مکنید ایشان را در باب خویش
تا با بد نسبی کردن هر که بگذرد خیر را و میرود و شر پیدا میآید حال او زایل میگردد و
بر حسن او میافزاید و باطل میشود و زبان او دراز میگردد و ناسازگار میشود و مردی پیدا شد

در دوری از خشم

تمام از وظائف کتب ... است
و دعا بجا اشاره باشد ...
الها و **صفت ششم**
دوری که من از بلاد ذات مومنان
و خشم و قهر کردن است و این
نتیجه عداوت و کینه با اخلاق و
حسنات ما را ضایع میدارد
حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرموده که هر دو تن مسلمانی
که از یکدیگر قهر کنند و دو روز
هم جویند ... چنین ...
و با هم صلح نکنند از دایره اسلام
بیرون میروند و هر کدام که پیشتر
صلح و سخن گفتن کند روز
قیامت زودتر داخل بهشت
شد و حضرت باقر علیه السلام فرمود
که خدا رحمت کند کسی را که الفت
بیاندازد میان دو کس از دوستان
ما ای گروه مومنان سعی کنید
با یکدیگر مهربانی نمائید و صله
این صفت خیشاوندی بالفت
کار انصاف و خیلات دلهای
ایشان مرتب شد و احادیث بسیار
در فضیلت زیارت مومنین و
سلام کردن و مصافحه نمودن
وارد شده است و سر این آنکه
میان دفع ناخوشی عداوت حصول
الفت و محبت است که از اعظم
اصلاح امر دنیا و آخرت است
حکمت ملحوظ است تا کید
ضیافت و مهمانی بر نفس تشیع
جنازه و ترتیب اهل مصیبت
امثال آنها و کسی که ملاحظه کند

شرش کم میشود و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که هر زنی که مرد بر ترش زن باشد او
ملعون است و فرمود که برکت در خلاف ایشان است و مرویست از ابی عبدالله علیه السلام
که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که فرمانبرداری زن میکند او را بر رو در آتش کشند
گفتند یا رسول الله فرمانبرداری ایشان چه چیز است فرمود که طلب کند از مرد که
ایشان را بحمامات و عروسی فرستند و تماشای عیدها روند و در نوحه و عزا حاضر گردند
و جامههای تنک و نازک بپوشند و مرد او را رخصت بدهد و امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که باید زنان بیرون نروند مگر بجنازه و بار بوده نگردند و امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که زنان را منشانید در کوشکها
و ایشان را سوره نور بیاموزانید و دیگر آنحضرت فرمود که مصاحبت نکنند مردها
مگر در میان هر دو ایشان پوششی باشد و زن این چنین و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
لعنت کرده مخنثان را و فرمود که ایشان را از خانهها بیرون کنید و دیگر فرمود که مردان
در ذیل جامه با هم نخسبند مگر در حال اضطرار و دیگر فرمود که زنان در مصیبت نوحه
نکنند و روی نخراشند و با مردمان در محل خلوت ننشینند **فصل دهم** در نوادر
نکاح **از** حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که فرمود چون حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله از غزا باز میگشتند که در آن از مسلمانان کشته میبودند زنان پیش باستقبال
بیرون میآمدند و احوال کشتگان میپرسیدند روزی زنی نزدیک آنحضرت آمد و حال برادر
پرسید فرمود که حمد مر خدای را بعد بهم سان دیگو انا لله و انا الیه راجعون که او شهید شد
بعد از آن احوال شوهر پرسید فرمود که همان حمد و استرجاع را بجای آورد که او نیز شهید شد
آن زن فریاد بر داشت و گفت واویلاه آنحضرت گفت که من گمان نداشتم که زنان را با
شوهران در این مرتبه باشند تا این زن را دیدم و دیگر امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حق سبحانه و تعالی مخصوص گردانید رسول خود را بمکارم اخلاق و محاسن اشغال
پس بیازمائید نفسهای خود را اگر آن اخلاق در شما چیزی باشد شکر الهی بتقدیم
رسانید و رغبت نمائید بیشتر شدن در شما و آن اخلاق ده چیز است یقین و قناعت
و صبر و شکر و حلم و نیکوخلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت **منقول** است
که در حضور آنحضرت چیزهای شوم یاد میکردند فرمود که شوم سه چیز است زن و چهارپا

در آداب ...

اخبار ... که ... بسیار است
بیان ... که اهتمام حضرت باری
بالفت و دوستی میان بندگان
تا چه مقدار است از برای حفظ
این صفت چه سنتهای حسنه قرار
داده لکن افسوس و آه که دراین
اکثر این سنتها عمر را ... نظر
جاهلیت در میان مردم شیوع
یافته از آثار نبوت بجز نجس و
شریعت بجز اسمی نمانده شیطان
صفتان چنده بهم رسیده که مجلس
بیشرف غرضهای فاسده خود در
دنیای خود ... و جمعی ... عبا
بندگان ... میکند ... اکر
پروردگار ایشان بهم اهتمام
از دارد و دوست با ... بدین
همه یکدیگر ... از ... دنیا
اغراض فاسد دنیا ... با هم
سلام کردن را یکی از ... امامت
میشمارند ... مصافحه کردن ... رسم
جهل را دانند **شعر**
که مسلمانی از این است که حافظ دارد
اه اگر از پی امروز بود فردائی
فصل هفتم قطع رحم
و سبب آن با عداوت است با عداوت
حسد و باجماع علما از جمله محرمات
عظیمه و موجب عذاب آخرت و
بلاهای دنیائی و بیشتر است و از اخبار
و غیره مستفاد شده که این صفت
باعث ضرر و پریشانی و کوتاهی عمر
میشود و در مذمت آن بس که حق
تعالی در قرآن مجید قاطع رحم
لعن فرموده و در حدیث نبوی

وخانه اما شوهری نمی‌شد مهر بسیار است و نافرمانی شوهر اما شوهری جهاد با چون شوهر او است
دو شوار سواری و نا هموار اما شوهری خانه در تنگی فضا او است دیگر همسایگان بد
شر و دیگر فرمود که بعضی زنان هستند که چرا نمی‌خواهی گفت زن را بجهت چه بخواهم
گفتند برای فرزند فرمود نمی‌شود اگر فرزند نشد بیاید اگر بمیرد دیگران را
محزون میکند و در فیض نخست ماند و قلیل بن عقبه روایت میکند که نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرد
غزاد و ثواب آن میگذشت زنی گفت یا رسول الله زنان را از این ثواب هیچ نصیبی دارند فرمود بلی
از زمان آبستنی شدن تا زمان زائیدن و شیر دادن ثواب غازیان خواهند یافت و اگر در این زمان بمیرند
اجر و ثواب شهیدان یافتند و از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که عادت پدرم
آن بود که چون زنی در خانه آنحضرت میرفت می‌فرمود که زنان دیگر را از آنجا بیرون
روند تا بر عورت زنان نظر نکنند و امام زین العابدین علیه السلام فرمود که بشر اهل بهشت
زنان نیستند که حق سبحانه و تعالی بر ایشان رحم می‌فرماید محمد بن اسحق روایت کند که
از امام رضا علیه السلام پرسیدم که جایز است که خواجه سرا نزد زنان در آید و ایشان را
ایشان بر دوش و بر ایشان را ببیند فرمود که نه و اسحق بن عمار گوید که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که آیا جایز است که مملوک نظر بروی خانون خود کند فرمود که بلی **و روایت است**
که امیر المؤمنین علیه السلام سلام میکرد بر زنان و خوش نمیداشت که سلام بر زنان جوان
کند فرمود که اندیشه دارم که آواز او مرا خوش آید و گناه او بیشتر باشد از ثواب سلام **ابو**
بصیر گوید که پرسیدم نقل است که ما را طی سؤال کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
کرد زنان چون بر مردان در آیند چگونه سلام کنند فرمود که بگویند علیکم السلام و مردان در
جواب بگویند السلام علیکم **امام** محمد باقر علیه السلام فرمود که سبب آنکه مهر زنان چهار هزار
درهم شد آن بود که ام حبیبه دختر ابوسفیان بود و در حبشه بود پیغمبر او را خواستگاری
کرد و نجاشی که پادشاه حبشه بود چهار هزار درهم از نزد خود فرستاد پس این مقرر شد در دیار
دو از ده اوقیه و نیم بود و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که موی دماغ دارد
شهوتش بسیار است و منقولست که امیر المؤمنین علیه السلام بر راهی میرفت دید که چهار پایان
بر ماده جهانیدند اعراض فرمود و روی از آن گردانید و فرمود که از جهاندن پای سزاوار نیست
اینچنین کاری کند که مرد و زن نبینند و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بسیار کنید

کرد شخص توبه را قبل اعمال کوتاه نما
شرک است بعد از آن قطع رحم
و مروی است که در کتاب امیر المؤمنین
علیه السلام نوشته بود که سه خصلت
است که صاحب آنها نمیرد تا
وبال آنها را ببیند ترک کردن و قطع
رحم و قسم دروغ و ثواب هیچ
طاعتی زودتر از صلهٔ رحم حاصل
نمیشود **و صله** افضل
رحم است که باتفاق واجب است
و افضل طاعات و اعظم عبادات
است و ما کید است بسیار در باب
کردن آیات و اخبار شده است
روایت شده که هر که خواهد که
عمر او زیاد شود و روزی او زیاد
گرداند باید صلهٔ رحم بجا آورد
و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که صلهٔ رحم حساب
نیامت را آسان میکند و عمر را طول
میکند و از بلاها او را نجات
میدهد و اخبار باین مضمون
بسیار وارد شده است و بعضی
گفته‌اند که صلهٔ رحم ما
زیاد عمر و وسعت رزق
جهت سؤال میکرده و زیادی آنکه
مراد برحم هر خویش نسبی است که
خویشی معروف باشد اگرچه نسب
بسیار دور داشته باشد و قطع
رحمی که حرام است آن است که آزار
رساند با دیگران آزار کرده مثل
آنکه ناخوش بگوید که دل
شود باید رساند که با او یا
احتیاج قضا میشد بکار

مهر زنان را که موجب عداوت میشود و کسی گفت با امام جعفر صادق علیه السلام که من زن
میخواهم و پدر و مادرم میخواهند که من او را نخواهم و زنی دیگر بگیرد فرمود که زنی که
خود میخواهی بخواه و غیر آن را مخواه و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که هر زنیکه مهر خود را بشوهر بخشد پیش از آنکه شوهر با او نزدیکی کند حق سبحانه
و تعالی بهر دیناری ثواب آزاد کردن بنده در دیوان اعمال او بنویسد گفتند یا رسول الله
اگر بعد از دخول مهر را بخشد چگونه است فرمود که آن موجب مودت و الفت است **و ابو**
عبد الله فرمود که هر که بکنیزی که نزدیکی کرده باشد دخول باید وضو بسازد و نزدیکی کند و نقل فرمود
امام محمد باقر علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام که زن احمق را بشیر دادن طفل اختیار
مکنید که آن صفت بد بطفل سرایت میکند و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که حق
سبحانه و تعالی حرام کرده فرشهای زیبای دنیا بر بهشت را بر مردیکه بر دبیر لواطه کرده باشد
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که پسری را بوسه کند بقصد شهوت حق سبحانه
و تعالی لجامی از آتش بر دهان او کند در روز قیامت و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که
هر مردیکه رغبت خود را گذارد که مردم بوی بازی کند حق تعالی او را مبتلا گرداند بشهوت
زنان **و ابو عبد الله** علیه السلام فرمود که حق جل و علا گردانید شهوت مردم را ده جزو
و شهوت نه جزو را در زنان **و دیگر** فرمود که هر که دختر بسیار بخواهند صد چیز بی شکر
رحم خود را **و روایت** که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین نیکو شغلی است
مر زنان صالحه را **و دیگر** فرمود که ابراهیم که پیغمبر صالح من بود غیرت داشت و من زیاد غیرت
بیشتر دارم و هر مؤمنی که غیرت نداشته باشد حق سبحانه و تعالی دوری او را بر خاک مالد
منقول است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که غیرت زنان حسد است و اصل
کفر است و زنان چون غیرت میکنند بغضب میآیند و در غضب کافر میشوند مگر مسلمانی
زنان **و روایت** کند جابر از آنحضرت که پدر بزرگوار من فرمود که حق سبحانه و تعالی
نگردانید است غیرت را در شان زنان و آن را گردانیده است برای مردان زیرا که حلال فرموده
برای مردان چهار زن و از کنیزان آنچه خواهند و حلال نکرده از برای زنان مگر یک شوهر
و اگر آن زن با وجود شوهر بخود دیگر کند نزد حق تعالی زانیه است و آن از منکرات است اما
مؤمنات از این نیستند **باب ششم** در آداب سفر و آنچه متعلق است

یا مخوری که نا ایستادن با مخوری است
و تو بادت مشابه یک کوچکی
کو تاهی کنی در دفع ظلم ظالم
از او در او را حسد با کینه از او
کاشکی در وقت احتیاج او آن
سفر بی سبب و بد عیش است
از او اگر ناخوش باشد بشنو از او
از او اگر مصیبتی داشته باشد اعلام
نکنی تا شاد الیها صلهٔ رحم
ضد آنها است مثل آنکه خود را
از بعض پیرست کرد او را روزی
کشت باو نگاه دار که او را دعا
کردیست دربان اعانت کنی دیگر
آمد شکی او را احوال او پرسش
نمائی **صفت هشتم**
عقوق والدین است که عبارت
از خشم آوردن ایشان و زنجیر دل
شکستن خاطر ایشان یا مادر یا پدر
از انواع آزار آنها شد انواع قطع رحم
و از گناهان کبیره است بجا که
کافی بسند معتبر باشد که نزدیکی
دنیا جز عقوق بسیار است در آخرت
و بسیار عمر کم میشود و بسیار عزت
بلا و آیات و اخبار کثیره در مذمت
قطع رحم وارد شده بعضی از آن
برد لالت میکند و حق تعالی
فرموده که او نسبت بوالدین احسان کنید
و در احادیث چنانچه گذشته که
عاق والدین بوی بهشت نمی‌شنود
و در حدیث دیگر نقل شده
که حق تعالی فرموده قسم بعزت و
جلال خود که نیست عقوق خود کرده
عاق والدین را بهشت

در مشتمل بر هشت فصل **فصل اول** در فضیلت سفر و ذکر کدام وقت جهت سفر
خوب است و کدام بد **روایت** کند علی بن ابی مقدام که امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که در حکمت آل داود مذکور است که عاقل سفر نمیکند مگر از برای سه چیز یا در امر
آخرت و تهیه کردن معیشت و لذت یافتن از غیر حرام و آنچه باشد مرا از حلیت و رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که مسافرت کنید تا صحت و تندرستی یابید و غزا کنید تا غنیمت
بگیرید و حج کنید تا غنی شوید **و** همچنین از ابو عبدالله علیه السلام منقول است که هرکه خواهد
که سفر کند باید روز شنبه سفر اختیار کند که اگر سنگی از کوه بیفتد خدای تعالی باز او را
بمکان خود میرساند و هرکه را مشکلی شد باشد در حاجتهای او باید که روز سه شنبه سفر کند
که آن روزیست که خدای تعالی آهن را برای داود پیغمبر علیه السلام نرم گردانید **روایت**
کرده ابراهیم بن ابی یحیی مدنی که آنحضرت فرمود که در شب جمعه مسافرت کردن تا کی نیست
و روایتست از امام موسی علیه السلام که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمود در روز
پنجشنبه سفر میفرمود و روایتست که یکی از اصحاب گفت که دوست ترین روزها جهت سفر
پیش حضرت رسالت پناه روز جمعه بود و گاهی که بجانبی سفر میفرمود از مردم پنهان میداشت
و سفر میفرمود که روز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی فرشتگان را دوست میدارد و بعضی
مردم بغداد با امام رضا علیه السلام نوشتند که روز چهارشنبه آخر ماه سفر میتوان کرد فرمود
که هرکه بر خلاف مردمی که فالهای بد میزنند روز چهارشنبه آخر ماه سفر کند خدای تعالی
او را از هر آفتی نگاه دارد و جمیع حاجتهای او را روا گرداند و حاجات او برآورده شود و
رسول صلی الله علیه و آله فرموده که در شب سفر کنید که در شب راه پیش میرود و روایتست از
امام جعفر صادق علیه السلام که روز جمعه بیرون نرو مطلقا برای کاری و حاجتی و روز شنبه
چون آفتاب طلوع کند برو **سؤال** کرد ابو ایوب خزاز از امام جعفر صادق علیه السلام
از معنی این آیت فَاِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ که مراد
از این چیست فرمود که مراد آنست که روز جمعه نماز بگذارید و روز شنبه سفر کنید **و** دیگر
فرمود که روز دوشنبه سفر مکنید و در آن روز حاجت مخواهید **و** ابو ایوب گوید که بیرون
رفتیم با ابی عبدالله علیه السلام در وقتی که بسفری بیرون میرفتیم فرمود که گویا ارادهٔ سفر داری
در روز دوشنبه گفتم بلی فرمود که کدام روز بود که شوم تر باشد از روز دوشنبه زیرا که

بکند او را و قبول نمیکنم و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که پدرم دید که شخصی
پسرش با او راه میرفت و تکیه
بر دست پدر کرده است پدرم
دیگر با آن پسر سخن نگفت **و**
ملاحظه آیات و احادیث بسیار دیگر
در عقوق این جفت وارد شده
بتجربه رسیده است ثابت است که
هرکه با پدر و مادر بدی نماید
عمر او کوتاه میگردد و
زندگانی او تلخی میگذرد و
فرزندان او هجوم میآرد
و فکرات او برادر میگردد
و خانه کنند برادر شود میشود
پس شمایان ای عزیزان با هوش باشید
بر جان خود رحم کنید و از شیخ
عقوق والدین حذر نمایید
کن طول دادن ایشان را در
فعدش تو و دیگر بخواهید
ایشان را اهمیت بکنید خوب
کنند دیگر سنگهای ایشان
را سینه نمایند سالهای دراز
را در آغوش مهربانی کشیده
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
گر از عهد خدمت با دارید
که بجا آورده بودی که آغوش من
[illegible]
[illegible]

(وصل) [illegible]

در این روز حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت فرمود و وحی منقطع
شد پس سفر مروید در این روز و بعد از سه شنبه بیرون مروید و دیگر فرمود که احتراز کنید از
روز سیم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم ماه که آنها روز نحس است و امام رضا علیه السلام
که روز شنبه روز مکر و فریب است و روز یکشنبه روز غرس و بنا نهادن و روز دوشنبه
روز سفر است و طلب حاجات و روز سه شنبه روز جنگ است و خونریزی و روز چهارشنبه
روز شوم است که مردم در آن فال بد میگیرند و روز پنجشنبه روز دیدن امرا و ساختن کارهاست
و روز جمعه روز خطبه و نکاح است **روایت** است از امام جعفر صادق علیه السلام که هرکه
سفر کند و قمر در عقرب باشد نیکوئی نبیند و شخصی بآنحضرت گفت که من بلای علم نجوم
گرفتارم هرگاه کاری میخواهم بکنم در طالع نظر میکنم اگر آن کار خوب است میکنم اگر بد است
ترک میکنم فرمود آن کار بر میآید گفتم بلی فرمود که کتابهای خود را بسوزان **و** امیرالمؤمنین
علیه السلام سفر و نکاح کردن را مکروه میداشت در وقتیکه قمر در عقرب بود یعنی در روز بیست
و هشتم و بیست و نهم و سیام و امام موسی علیه السلام فرمود که هفت چیز در راه مسافر شوم است
کلاغی که از دست راست آواز کند و سگی که بر دم خود را بر دارد و گرگی که در برابر مرد
بدم نشسته آواز کند و سه نوبت بر خیزد و بنشیند و آهوئی که از دست راست بیاید و بجانب
چپ رود و جغدی که آواز کند و پیرزنی که روی خود را نمایان کند و ماده خرگوش بود
که ببیند و آنکس که در دل او چیزی از اینها پیدا شود این دعا بخواند اعتصمت بک یا رب
من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک از شر آن خلاص شود **حلبی** گوید که
شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که آیا سفر کردن مکروه است در یکی از روزهای
مکروه مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که پیش از سفر صدقه کن و آیة الکرسی بخوان هرگاه که
سفر پیش آید **دیگر** فرمود که امام زین العابدین علیه السلام فرمود که حج کنید و عمره
بگذارید تا بدن درست شود و روزی شما فراخ شود و معاش خود و عیال [illegible]
شوند و مردگان شما از عذاب الهی و دیگر فرمود که هرکس که پیاده حج کند و سوره انا انزلناه
بخواند [illegible] و دیگر فرمود در هنگامیکه سوار میشود انا انزلناه بخواند
خدای تعالی او را سالم دارد تا بمنزل رساند و شر چون هفتاد و پنج گام [illegible] میگردد و آن
جانوران بهشت و دیگر فرمود اگر چیزی بنظر بخدای تعالی معلوم میبود من میگفتم

وصل حقوق پدر و مادر
بوالدین است و از اشرف
سعادات و افضل قربات است
و در آیات و اخبار ترغیب بسیار
بآن شده است و در حدیث آمده
است که نیکوئی با پدر و مادر افضل
است از نماز و روزه و حج و عمره و
جهاد در راه خدا پس هر مؤمنی
سزد که نهایت اهتمام را بکار برد
در تعظیم والدین بجا آورد که تا
در تقصیر در خدمت ایشان ننماید
و اگر چیزی عرض داشته باشد
پیش از آنکه اظهار کند بایشان
بجهت دادن ایشان بگوید و
نزد ایشان خویش نکند و صدا
بالای ایشان بلند نکند و در پیش
بدانکه عقوق والدین اختصاص
بحالت زندگی پدر و مادر ندارد
بلکه نیکی کردن با ایشان بعد
اختصاص بزندگی ایشان ندارد
بلکه هست که کسی نیکوکار
با والدین خود در حال حیات
[illegible]
[illegible]
و استغفار برای ایشان میکند
پس عاق پدر و مادر میشود
و گاه است که کسی عاق
[illegible]
[illegible]
میکند و استغفار میکند
ایشان [illegible]
ایشان [illegible]
نیکوکار [illegible]

که خواننده انّا انزلناه است چون سفر کند یا از منزل خود بیرون رود بعد بمنزل خود بر گرداند ان شاء الله تعالی **فصل دوم** در ابتدا کردن سفر بتصدق دادن و خیر کردن و غیر آن **عبد الرحمن** حجاج گوید که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که تصدق کن و بیرون رو در هر روزی که میخواهی سفر کنی **ابو عمیر** گوید که من نظر میکردم در نجوم و ملاحظه ساعتها مینمودم و مرا از آن در خیر و شر بخاطر میافتاد شکایت کردم بخدمت امام موسی علیه السلام از این فرمود که هرگاه که در خاطر تو چیزی پیدا میشود تصدق کن بفقیر مسکینی که اول ببینی و بعد از آن خاطر جمع دار و بسفر بیرون رو که خدای تعالی آنرا از تو دفع میکند و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که هر که در صباح صدقه بدهد حق تعالی دفع کند از او بدیهای آن روز را و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم هرگاه روز چهارشنبه یا روزی دیگر از روزها سفر میکرد صدقه میداد و بعد از آن بیرون میفرمود **محمد بن مسلم** روایت کرده از حضرت که هرگاه که بجانب اموال خود بیرون میفرمود میخرید سلامتی را از حضرت عزت با آنچه میسر بود او را بتصدق میداد که برای مال در رکاب میمنت نصاب مینهاد و چون بسلامت مراجعت مینمود حمد و شکر الهی بتقدیم میرسانید و آنچه میسر بود صدقه میداد و حضرت میفرمود که چون خواهید که سفر کنید از پروردگار خود سلامتی خود را بخرید بهر قدر که نفس بآن خوش باشد و بگو بار خدایا میخواهم که فلان سفر کنم و از تو سلامتی میخرم در این سفر بآن مبلغ یعنی چیزی تصدق کن و در حال تصدق کردن این عبارت را بگوید و دیگر فرمود که هرگاه مراجعت کردی چیزی تصدق کن بشکرانه سلامتی خود سنت در برداشتن عصا در سفر **امیر المومنین** علیه السلام روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آیا عاجز است یکی از شما از آنکه عصائی بردارد که در پائین او سر نیزه باشد که بدیهای آن راه را از او دفع کند و جانوران موذی را بکشد و دیگر فرمود که در عصا چهار خصلت است سنت انبیاست و زینت صلحاست و قوت ضعفاست و دفع اعداست و دیگر فرمود که با عصا راه رفتن علامت مومن است و تواضع و فروتنی است و هر که با عصا راه رود در هر قدمی برای او هزار نیکوئی مینویسند و هزار درجه برای او بلند میگردانند و دیگر فرمود که هر که بسفر بیرون رود باید که با او باشد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیه را بخواند وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ

در حقوق برادران

روی ایشان نرود بلکه مهما امکن در نزد ایشان ننشیند و هرچند میتواند در دعا کار ایشان در خود در حق ایشان مبالغه کند و در وفات دنیا و آخرت ایشان سعی است و مخفی نماند که حق برادر بزرگ بر برادر کوچک بسیار عظیم در اهل ایمان نیز ملاحظه آن لازم است و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله است که حق برادر بزرگ بر برادر کوچک مثل حق پدر است بر فرزند و بدانکه همچنانکه از برای اخوان حقوق حق است از برای همسایگان نیز حقی ثابت است که از آن حقوق گویند و در بعضی روایات است که همسایه مثل نفس آدمی است که با او ضرر نرساند و حق همسایه بر همسایه مثل حرمت مادر است بر فرزند و حضرت صادق علیه السلام فرموده که نیکوئی با همسایگان باعث زیادتی عمر و آبادانی دیار میگردد و فرموده که از ما نیست کسی که نیکوئی با همسایگان نکند و چنان نباشد که حق همسایه ما را بشناسد و از این حقوقست از برای همسایه و مخصوص بهمسایه نباشد بلکه علاوه بر آن با او نیکوئی و احسان خود را از او دریغ نکنی و اگر بآن محتاج باشد و توانی از مال خود او را مضایقه نکنی مانند اسباب خانه و غیر چون

أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ حق سبحانه و تعالی او را ایمن گرداند از هر جانوری که آزار رساند و از هر دزد و ظالم و جانور زهردار مثل مار و نگاه دارد تا هنگامی که باهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت فرشته باشد که برای او طلب آمرزش کنند تا بازگردد و از امیر المومنین علیه السلام منقول است روایت کند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که عصا فقر را میبرد و شیطان را دور میکند و دیگر فرموده است که هر که خواهد که راه زود از پیش او برچیده شود عصای چوب بادام تلخ با خود نگاه دارد و دیگر فرمود که عصا با خود نگاه دارید که از سنن برادران من است یعنی پیغمبران و بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ بعصا راه میرفتند تا افتادگی در رفتن ایشان نشود و در ثواب الاعمال روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که هر که چون بیرون رود تحت الحنک بسته باشد ضامنم که بازسلامت بخانه بازآید و هم از آنحضرت روایت است که هر که از خانه بیرون رود برای سفر و تحت الحنک نبندد او را دردی برسد که دوا نداشته باشد ملامت نکند مگر خود را یعنی او را از خود بیند و در روایت دیگر وارد است که هر که تحت الحنک ببندد در سفر **امام موسی** علیه السلام فرمود که من ضامنم که نرسد باو آفتی از دزد و غرق شدن و سوختن **فصل سیم** در بیرون رفتن از خانه و عمل کردن بعضی چند که مستحب است روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که از خانه بیرون رود بسفر هیچ قائم مقامی در خانه بهتر از دو رکعت نماز نیست که در وقت بیرون رفتن بگذارد و در وقت وداع این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَجِيرَانِي وَأَهْلَ حُزَانَتِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي كَنَفِكَ وَمَنْعِكَ وَعِيَاذِكَ وَعِزِّكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ

در عیب جوئی

ظروف و تنبر و نمک و آتش و خمیره بلکه با بها و زمانه نیز در مال خود خیانت و ورثه و عزا با او همراهی کنی و عیب او را بپوشانی و عار او را نگوئی و اگر از خانه تو مضایقه نکنی و دود خاکروبه بخانه او بر در خانه تو منع ننمائی و چشم خود را از اهل و عیال او نگاه داری و با اولاد او مهربانی کنی و در صلاح دین و دنیای او باشی و او را ارشاد نمائی و اگر طعام لذیذی مهیا کرده باشی از آنها بفرستی و اگر نفرستی پنهان کنی که اطفال و مطلع نشوند تا مشتاق آنها گردیده و باید در شناختن همسایه رجوع بعرف شود و در بعضی اخبار چهل خانه از چهار طرف همسایه نامیده شده **فصل پنجم** در عیب جوئی و مردم کردن است بدانکه از علامات خباثت نفس و دنائت طبع و خباثت بودن آنست که عیب مردم را طالب اظهار عیوب مردم است که شعر

هر که بر خلق اند نظر بعیب کند

و در حدیث نبوی است که هر که کند عمل ناشایسته کسی را است که خود بجای او در هر که سرزنش کند مومنی را بعیبی نمیرد تا خود بآن مبتلا گردد و در حضرت باقر علیه السلام مروی است همین قدر که عیب دارد که از خود کور باشد بعیوب مردم بینا

اکبر الله اکبر بسم الله دخلت و بسم الله خرجت و علی الله توکلت و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر
اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و من شر غیری و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم انی
اسئلک خیر ما خرجت له و اعوذ بک من شر ما خرجت له اللهم اوسع علی من فضلک و
اتمم علی من نعمتک و اجعل رغبتی فیما عندک و توفنی فی سبیلک علی ملتک و ملة رسولک
و بعد از آن آیة الکرسی و معوذتین و اخلاص هر یک سه نوبت بخواند پیش خود و در راست سه
نوبت و در چپ سه نوبت میفرمود که هر که چنین کند در امان الهی باشد تا بمنزل خود بازگردد
و در وقت سواری **روایت** است از ابی عبدالله علیه السلام که چون آنحضرت پای مبارک در
رکاب میگذاشت میفرمود سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین بعد از آن هفت نوبت سبحان
الله میفرمود و هفت نوبت الحمد لله و هفت نوبت لا اله الا الله **اصبغ** بن نباته گوید که
من رکاب امیر المؤمنین علیه السلام را گرفته بودم وقتی که سوار میشد سر مبارک بجانب آسمان کرد
و تبسم فرمود گفتم یا امیر المؤمنین دیدم ترا که سر بسوی آسمان کردی و تبسم فرمودی فرمود که بلی یا اصبغ
همچنانکه تو رکاب مرا گرفته من رکاب حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را گرفته بودم آنحضرت
سر بسوی آسمان کرد و تبسم فرمود همچنانکه تو از من پرسیدی من از آنحضرت پرسیدم فرمود که ای علی
هر که سوار شود آنچه خدای تعالی باو انعام نموده که مرکب است یاد نماید و بعد از آن سه نوبت بخواند ان
ربکم الله الذی خلق السموات و الارض تا ان رحمة الله قریب من المحسنین بعد از آن بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت حق تعالی فرماید ای ملائکه من بنده من میداند که گناه او را بغیر از من کسی
نمیآمرزد گواه باشید که من آمرزیدم او را و امام رضا علیه السلام روایت کند که رسول صلی
الله علیه و آله فرمود که هر گاه که کسی سوار شود بنام خدا و نام حق تعالی را بگوید حق تعالی
فرشته را ردیف او کند و حفظ او کند تا فرود آید پس اگر سوار شود و نام خدا نبرد شیطان
ردیف او شود و گوید او را اگر نمیدانی که بخوانی پس آرزوها کن و او را در آرزوها اندازد تا فرود آید
و دیگر فرمود که چون کسی بر مرکبی سوار شود بگوید بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله الحمد
لله الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین خدای تعالی نگاه دارد او را و مرکب او را تا فرود

مغرور فرموده است که بسا کس
انسان نباید که نابت شود
کن چه شیدا شد تو چرا غم که
از هزاران جز و عیب ... بحل که
لیک پیدا ... تو دستار تو
جرمهای ... کردار تو
هر چه کردی خجلت ... گرد
طاعت ناکرده ... گرفت
برای جان زار درد اصلاح
حال خود باش و عیب تا نکر
کن که اگر کسی عیب از تو در پیش
مردم گوید حال تو چگونه خواهد
شد حال دیگران را هم ... خود
بیان کن ... خود رحم ...
اند ... گناهکار خود کن و چشم
و گوش و زبان خود را از عیوب مردم
کور و کر و لال ساز (شعر)
لیک ... بشنو ... بر
اندر ... ره ... جیب خود
صفت دهم ...
دانا علم است ... محبوب
در نزد عقل و شرع مذموم
... **و ضلال**
آنکه ... باشد ...
اعمال ... قوه ...
... بیان خود ...
فواید کثیره است که ...
نیست (شعر)
گر آرام خواهی ... دگل
مگو تا توانی بکس ...
چنین ... نهان خواهی ...
در میان ... اگرچه دوست مخلص
باشد که ... دشمن

شاءک و اسمع ما یمانک و لا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا و امام محمد باقر علیه السلام هر گاه میخواستند
که بسفر بروند عیال آنحضرت را در خانه جمع میفرمودند و همین دعا که مذکور شد میخواندند
صباح بن ... میگوید که شنیدم از امام موسی علیه السلام که میفرمود که چون کسی از شما خواهد که
بسفر رود بر در خانه بایستد و بسوی جانبی که متوجه است بکند و فاتحة الکتاب بخواند پیش رو
و جانب راست و جانب چپ و آیة الکرسی نیز بخواند بهمین طریق و این دعا را بخواند اللهم احفظنی
و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن حق سبحانه و تعالی
او را نگاه دارد و هر چه با او است او را با آنچه با او است بسلامت بمنزل خود رساند و امام جعفر
صادق علیه السلام هر گاه که بسفر بیرون میفرمود این دعا میخواند که اللهم خل سبیلنا و احسن تسییرنا
و اعظم عافیتنا و روایت است از حضرت امام رضا علیه السلام که هر که از منزل خود بیرون رود
خواه بسفر خواه برای مهمی در حضر این دعا را بخواند بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما
شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله شیطانها که پیش روی او آیند و شیطانان بروی ایشان
میزنند که را این شخص ... باید که او خدای تعالی را یاد کرده و ایمان آورده و توکل کرده
روایت است از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود که از خانه بیرون رود بگوید اعوذ بالله
بما عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم و من شر الشیاطین و من شر من نصب لاولیاء
الله و من شر الجن و الانس و من شر السباع و الهوام و من شر رکوب المحارم کلها اجیر
نفسی بالله من شر کل شیء که حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد و توبه او بازگرداند بر او و او را
کفایت کند و نگاه دارد او را از هر بدی و امام جعفر صادق علیه السلام هر گاه که اراده سفر
میفرمود برای سفر این دعا میخواند اللهم احفظنی و احفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک
الحسن بالله استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلی الله علیه و آله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة
و ذلل لی کل صعوبة و اعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو و اصرف عنی من الشر اکثر مما اخاف
فی عافیة یا ارحم الراحمین انا لله الذی بیده ما دق و جل و بیده اقوات الملائکة ...
تهب لی فی سفری امنا و ایمانا و سلامة و اسلاما و فقها و توفیقا و برکة و هدی و شکرا
و عافیة و مغفرة عزما لا یغادر ذنبا و چون از منزل بیرون رفت تا مدتی بگوید الله اکبر الله

یا مرد بس ... دیگری با چیزی
که آن چیز را خود ... مشغله
کند و ... دیگر ...
... خلاف ... عیب ...
که ... بود ... باشد
... شمای او را ...
... او را ...
... خود ...
... او دوست ...
... خود ...
... دیگران
... اگر ...
... عیب ...
... است ...
باطن خود ... عیب ...
اول باید عیب خود ... بعد
از خشم بد ... (نظم)
هر کسی گر عیب خود دیدی ز پیش
کی شدی فارغ ز اصلاح خویش
و ... است که هر که ...
عیب جوئی مردم ... ایشان را
... کرد و خود را ...
وصف ... حسن خلق ...
است که ثواب ...
... که ...
... بود ...
... کشد
... خود ...
... خوب ...
... صفات ...
... الهی ...
... بندگان ...
... نشد ...

ایمن در روایت دیگر وارد است که در وقت سوار شدن این دعا را بخوانند که الحمد لله الذی
هدانا للاسلام و علمنا القرآن و من علینا بمحمد صلی الله علیه و آله سبحان الذی سخر
لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین اللهم انت
الحامل علی الظهر و المستعان علی الامر و انت الصاحب فی السفر و الخلیفة فی الاهل و المال
و الولد اللهم انت عضدی و ناصری و هرگاه قافله برود و تو باز بمانی بگو در راه که حمد
ان اخرج بحول الله و قوته بغیر حول منی و لا قوة و لکن بحول الله و قوته برئت الیک
یا رب من الحول و القوة اللهم انی اسئلک برکة سفری هذا و برکة اهلی اللهم انی
اسئلک من فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی و انا خافض فی عافیتک بقوتک
و قدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی بغیرک و لا رجاء لسواک فارزقنی
فی ذلک شکرک و عافیتک و وفقنی لطاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا و روایت
است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که وقتی که جعفر طیار را بجانب حبشه میفرستاد
راه مشایعت کرد و همراه او رفت و این دعا را زاد راه او ساخت اللهم الطف بی فی تیسیر
کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر اسئلک الیسر و العافیة و المعافاة الدائمة فی
الدین و الدنیا و الآخرة و روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله مردی را وداع میکرد فرمود
زودک الله التقوی و غفر ذنبک و لقاک الخیر حیث کنت و امیر المؤمنین و امام حسن
و امام حسین علیهم السلام و عقیل و عبدالله بن جعفر طیار و عمار یاسر مشایعت ابوذر نمودند
و آنحضرت فرمود که وداع کنید برادر خود را که او را چاره است از رفتن و شما از برگشتن و هر کدام
از ایشان تکلم فرمودند بچیزی در باب تسلی او تا آنکه امام حسن علیه السلام فرمود که ای عمو این قوم
اخراج کردند ترا که تو منع میکردی ایشان را از دنیای ایشان و غضب نمودی بدین خود دنیای ایشان
قبول نمیکردند و منع میکردند ترا از دنیا پس چه محتاجند ایشان با آنچه تو منع میکردی ایشان
و چه بی نیازی تو از آنچه منع میکردند ایشان ترا ابوذر گفت خدا رحمت کند که بسخن فرزند
دنیا وابستگی نیست شما اهل بیت پیغمبر مرا هرگاه یاد میکنم آنحضرت را شما را بیاد می آورم
منیا هم و مرا از حق گفتن چاره نیست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه مؤمنی را وداع
میکرد این کلمات میگفت زودکم الله التقوی و وجهکم الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة
و سلم لکم دینکم و دنیاکم و ردکم الی سالمین و در حدیث دیگر وارد است از امام محمد باقر

بسیار شد و همچنین مثل آنها
گفته اند
کل سر جاوز الاثنین شاع
یعنی هر سری از میان دو لب خارج
شد شایع شد
[illegible]
صفت یازدهم نمامی است
سخن چینی یعنی گفتن سخن [illegible]
[illegible]
خبیث است بلکه از کلام الهی
معلوم میشود که سخن چینی اهل [illegible]
[illegible]
[illegible]
است [illegible]
[illegible]
مردمان و جنبش [illegible]
نامات کثیره این صفت در کتب
مبسوطه مذکور است و حکایت
فساد ظاهری [illegible]
و چه خوش گفته شعر
میان دو کس جنگ چون آتش است
سخن چین بدبخت هیزم کش است
کنند این و آن خوش دگرباره دل
وی اندر میان کوربخت و خجل
میان دو تن آتش افروختن
نه عقل است خود در میان سوختن
و بهر حال لازم است که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دشمن داشته باشد نقل است
از حکیمی که گفت برادرم [illegible]
[illegible]
(ذکر [illegible])

علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله چون وداع مسافری مینمود دستش را میگرفت و
میگفت احسن الله لک الصحابة و اکمل لک المعونة و سهل لک الحزونة و قرب لک البعید
و کفاک المهم و حفظ لک دینک و امانتک و خواتیم عملک و وجهک لکل خیر علیک
بتقوی الله استودع الله نفسک سر علی برکة الله عز و جل و روایت دیگر وارد است که هرگاه خواهد
کسی را وداع کند بگوید استودع الله دینک و امانتک و خواتیم عملک احسن الله لک الصحابة
و اعظم لک العافیة و قضی لک الحاجة و زودک التقوی و وجهک للخیر حیثما توجهت
و ردک الله سالما غانما

فصل چهارم در مکارم اخلاق در سفر ابو ربیع
شامی روایت کند که ما در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام بودیم و خانه آنحضرت پر بود
مردم فرمود که از ما نیست هر که مرافقت و مصاحبت نیکو نکند در سفر [illegible]
و موافقت و غیر آن و مخالفت نکند که مخالفت کند او را و دیگر فرمود که [illegible]
کرم کردن [illegible] سه خصلت [illegible] اول آنکه در سفر خلقی داشته باشد
که نیکوئی کند با مصاحبان خود و دیگر حلمی داشته باشد که بسبب آن مالک غضب خود تواند شد
سوم تقوی که مانع شود او را از حرام و دیگر فرمود که از مروت نیست که مرد حدیث کند
در سفر بچیزی که [illegible] عمار بن مروان گوید که آنحضرت وصیت فرمود مرا
بر ادای امانت و براستی گفتار و نیکوئی مصاحبت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که از کسی که
با او مصاحبت میکنی اگر توانائی داری که دست تو بالا باشد بر آن دست مکن و روایت
است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که اول رفیق و بعد از آن طریق و منقول است که حضرت
فرمود که دو کس که با هم مصاحبت میکنند بهتر ایشان نزد خدای تعالی و دوست تر ایشان
از روی اجر و ثواب آن کسی است که با مصاحب بهتر باشد و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که مصاحبت مکنید در سفر با کسی که از برای تو نداند [illegible] یعنی
مصاحبان باید که هر یک از ایشان دیگری را بهتر داند از خود و دیگر آنحضرت فرمود که سنت است
که چون بیرون روند نفقه خود را همراه ببرند که [illegible] و نیکوئی خلق است
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مصاحبت مکن کسی که زینت شوی باو و مصاحبت مکن
کسی که زینت شود بتو شهاب بن عبد ربه گوید که گفتم بحضرت ابی عبدالله علیه السلام که تو میدانی
حال مرا و جود و بخشش مرا [illegible] مصاحب شدم با جماعتی از ایشان زاد راه

[illegible]
فکر نماید و خود را [illegible]
امین بود و متهم کرد [illegible]
و بدترین انواع نمامی سعایت
یعنی سخن چینی در نزد کسی که از
او بیم ضرر و اذیت و کشتن باشد
مانند سلاطین و حکام و دوستان
صفت دوازدهم [illegible]
کلام آن نمامی است [illegible]
خبیث است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
است [illegible]
فساد است که مخالف با مطلوب
الهی است [illegible]
[illegible]
[illegible]
فصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صفت سیزدهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
(وغالب)

مکه و رعایت بجا آوردم ایشان را فرمود که این چنین مکن اصحاب چه اگر تو ایشان را رعایت
کردی و ایشان در مقابل آن توانائی نداشته باشند اندوه میابند پس نگاه دار خود را از رعایت
ایشان و حضرت صاحب کن در در رای امام محمد باقر علیه السلم فرمود که مصاحبت مکن با
کسی که رعایت حال تو کند و معیشت زاده بر تو که این نسبت خواری مؤمن است و حضرت رسول صلی
الله علیه و آله فرمود که بهترین مصاحبان نزد خدای تعالی چهار نفرند و زیاده که در گذشت
پریشانی است و امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که سزاوار است که تا سه روز جهت مصاحب
خود توقف کند و قتی که آن مصاحب بیمار باشد و دیگر فرمود که درست تر مردمان نزد خدا
کسی است که در میان رفیقان بوده باشد یعنی اسراف و فراخی نکند و خدا و رسول خواهد دشمن دارد
چون خرج سفر و دیگر فرمود که باید کسی خرج همراه ما نباشد که سبقت کند و دیگر فرمود که بهترین
بهترین مردم در سفر آنکس است که خدمت یاران کند و دیگر فرمود امام جعفر صادق علیه السلم که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در سفر گوسفندی را بکشید مردی گفت که من میکشم
این گوسفند را و دیگری گفت که من پوستش را میکنم و دیگری گفت که من پاره میکنم و دیگری گفت که
من میپزم آنحضرت فرمود که من هیمه جمع میکنم یاران گفتند یا رسول الله شما زحمت مکشید ما
همه فدای تو باد ما این خدمت میکنیم آنحضرت فرمود که من میدانم که شما این خدمت میکنید اما
خدای تعالی مکروه میدارد بنده را که در میان مصاحبان بیکار باشد و کار خود را دیگران وا
گذارند پس برخاست و هیمه را جمع کرد و آنحضرت هرگاه که بسفر میرفت شانه و سرمه دان
و مسواک همراه میبرد و امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که لقمان حکیم به پسر خود گفت
که هرگاه با جمعی بسفر روی باید که در کارهای خود با ایشان مشورت کنی و در روی ایشان بسیار
خندان باشی و توشه خود را با ایشان کرم کنی و با ایشان در نیکی بکنی و هرگاه که ترا خوانند
اجابت نمائی و اگر از تو یاری طلبند ایشان را یاری دهی و سلوک بیشه خود سازی و بغایت
کمال ترغیب نمائی از ایشان خود بخاری نماید که با همه خود آنچه را دانی از آلام و اب و توشه در هیچ یک
اینها با ایشان مضایقه نکنی و هرگاه که از تو گواهی طلبند گواهی بدهی و هرگاه پیاده روند
با ایشان پیاده بروی چون سوار شوند تو هم با ایشان سوار شوی و هرگاه صدقه کنند با ترجیح
دهند تو نیز با ایشان تفاوت کنی و نیکی کنی که بسیار از تو بزرگ تر باشد بشنوی و هرگاه که
ترا امر کنند بچیزی یا از تو چیزی خواهند قبول کنی و جواب نعم که جواب بد خلف است و هرگاه

و با آن شاید که سر و زیر نباشد دیگر نیز واضح و آن اخبار ثابت است که شما اند ربا بمیر ربود تا خوش نوا نان بسیار انگور در دیگری لو نا شان کند بعضی چرا ساده در مقام بلند بر افتاده گی خوش تعبید بیا ایستاده در آمد و تا پی که افتاده گاه نرگی تند خانه پس تا مل که از حال خود ایمن باشد در نیمات کسی که عنایه شیری لا تحا فوا از خدا نشنید معه پس چه خود را ایمن خوش بدهم تا از دیگر پیش نوا خوب سخن بر دو گرسنه ده رنج طعنه مرا علاوه بر این نکته مرا د است انک اعمال نیست بلکه باعث نفرت رنج درجه د کشانه کما قال ایا عنیتی حکمه هر که در این برزم مقرب تر است جام بلا بیشتر ش میدهند صف و حملکر بطهر راه جلال آل کما ایا ان است اعتراض مخفی صرفا اظهار نقص و خلل آن نقص است که بیان نخصی با طهارت زیرک خود بدین نامه اخروی لهانا از لطلال لان تعرض مرتبه خود در مقام علیه باشد اعراض اعتراض بمعنی اشتها بامل نکرد انکه مشغول بما ای دیگر شد و عرض نمائیند ای اقصی تا حق بوده باشد که مدار این صورت ضرور نداند دان را هم نگو

در راه متحیر شوند فرود آیند و مشورت کنید و هرگاه کسی را ببینید که تنها در راه است از او سؤال مکنید
چه شاید که جاسوس دزدان باشد یا شیطان که خواهد شما را حیران و سرگردان کند و از دو
کس که دیدید بپرهیزید مگر آنکه از احوال ایشان ندانید که دزد ایشان در غلو نیست و همچنین
لقمان حکیم گفت با پسر خود که ای پسر هرگاه که وقت نماز در آید فی الحال اداکن با خود
مگذار و بعد از آن اسر است کن از آن نیز اکه امری است بر تو و نماز بجماعت بگذار و که هرگز
ممکن باشد و تا بالا ای مرکب خواب مکن که بخرج میشاید و از آن نقل حکمایست مگر آنکه
محل باشد که ممکن باشد ز امنه و بجهت است خانه مفاصل و چون بمنزل نزدیک شدی از مرکب فرود
ای و اول علف بگذار و غم او بخور پیش از خود چاو را مبکشد و چون خواهی که فرود ای دو
رکعت نماز بگذار پیش از آنکه بنشینی و قرار گیری و هرگز وقت که بقضای حاجت خواهی از مردم دور شو
و چون کوچ کنی دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن زمین را وداع کن و بر اهل آن سلام کن چه بدرستی
هر منزل را هر زمینی جماعتی از فرشتگان موکلند و اگر توانی که طعام نخوری تا ابتدا بصدقه نمائی
چنان کن و بر تو باد به تلاوت کردن کتاب الهی مادام که سوار باشی و تسبیح گوی مادام که مشغول
باشی و دعا از دست مگذار و وقتی که تنها باشی و از اول شب ابتدا مکن و بر تو باد به بلند گو
روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود در بنده تا ده روز چون نفر سفر از شهر مرده
است که چون بیرون رود در سفر توشه نیکو بردارد و امام زین العابدین چون بسفر میرفت توشه
بر میداشت و با کرم ترین انبان بادام و شکر و سویق است و غیر آن نیز نیکوست **روایت**
است که ابو در غفاری علیه الرحمه در خانه کعبه بر پای خاست و گفت منم جندب بن
مرغ ما که باو ندا کردند که مردم ای مردمان هرگاه یکی از شما بخواهد بسفر رود البته از توشه ناچار
است که صلاح آن کار خود را او حال آنکه سفر قیامت دور تر است یا نوشه تدار شته اید که صلاح
حال شما باشد مردم جمع شدند گفت که شما را بان اما گفت روزه بگیرد در روزهای گرم برای
گرمی روز نشور و در حج رحمی بگذار بجهت عظمی و در بزرگواری و در رکعت نماز بگذار در سیاهی شب
برای وحشت قبور و در آن کلمه خیر است بگو و بنده را تا از کمی سخن بد تا بکن به این شاید که
نجات تو شود در روز عظیم و دیگر دنیا را دو درهم گردان درهمی را نفقه کن بر عیال که در
دنیا هیچ و دیگر را پیش بفرست برای آخرت بجهت رضای حق تعالی و درهم سوم اگر باشد آن
ضرر دارد و فایده ندارد باز گردان آنرا اگر دنیا را اکثر بر تو اگر آن دست نگذار باعث و دیگر فرمود که

بلکه ارشاد و تعلیم کرده است علامت آن است که رضا و خشنودی باشد که مطلب حق از غیر نرود شود بخلاف مرا که اگر حق از غیر ظاهر شود بمال الحمد و حیا را غیر او نیکو آن صحیح باشد آن صفت خبیثه باعث غضب و هیجان غضب است و نتیجه این نوع است که حقیقت ایمان بنده کامل نمیشود مگر وقتیکه مراء و جدال را ترک کند اگر چه حق با او باشد و شکی نیست که آن صفت مذموم است اگر کسی ترک کند کار بجائی میرسد که صاحب آن بمیل ملک دراز متصل دراز میشود که با هر کس و همه دائم در جدال است که مشغول است بخطا او حکیم ... نزد دانا و خراب کند نزد بال او ... دانا لذت ندارد بخصوص شاید بعض کسی شخصی از ضعفا العقول باشد که آن شخص زبان صفت خبیثه ستایش کند و گوید فلانی جدل یا جراب یا خطابی بلیغ است که او را ملزم نمی کرد از احمق نا پیشه شود که عاقل است را خبث با طبیعی آن مغلب تا مال است که طرف مناظره او نیا اهل عناد تا خالی عالم تا او غلبه نتوان نمود و جدال غمیلا کسی که هر کسی را دا ازان نزاع خود جدال کند ما نباشد که نادان است و خصوصی که

دنیا را دو کلمه گردان کلمهٔ صرف کن در طلب حلال و کلمهٔ دیگر برای آخرت عبادت و صحبت
ذوالجلال و کلمهٔ سوم اگر خواهی صرف دنیا بی بار گردان حاذا و دو بگردان **لقمان حکیم** گفت
مر پسر خود را که ای پسر من بدانکه دنیا دریای بی پایان است بسیاری خلق در او غرق گشته اند پس تو
دران بایمان بخدای تا کشتی خود گردان و بادبان او را توکل بر خدای تعالی بگردان تا
خود را دران تقوی اگر نجات یافتی پس از رحمت الهی است و اگر هلاک شدی پس از گناهان
تست و تا هم ای پسر من سفر کن بشمشیر و موزه و عمامه و خیمه و مشک آب و سوزن و ریسمان
و آنچه تو را لازم است فایده مند بجهت خود و رفقا و با رفقا موافقت کن مگر در معصیت
الهی **حضرت** امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مردمان گمان میکنند که توشه سفر
از توشه و بخور در حال آنکه اعظم نوعی از مروت طعام است که پیش محتاجان بیارند و آنچه
دست بهم باشد به بینوایان صرف میکنند و باز فرمود که مروت چهار چیز است مردم گفتند
نمیدانیم فرمود بخدا مروت آن نیست که خوان طعام بنهند و در خانه خود مروت داشته باشی
سفر و قد بگویم در حضر اما آنکه در حضر است تلاوت قرآنست و ملازمت مساجد و سعی در غلبه برادران
در حوایج و احسان کردن بخادم و ملازم و دوستان را شاد کردن و دشمنان را در هم
شکستن و اما آنچه در سفر است توشه پاک بسیار برداشتن و بر رفیقان صرف کردن و اسرار ایشان را
بقوم پوشانیدن بعد از مفارقت از ایشان و بسیار مزاح در غیر چیزی که خدا راضی نباشد
بعد از آن فرمود که بآن خدایی که جد بزرگوارم را بحق بخلق فرستاد که بنده تعالی بنده را
مروت و صحت و دنیا میبرد و موت میبندد که صبر را از عیش برید بدان **فصل**
پنجم در نگاه داشتن متاع و اموال و استخاره کردن و طلب حاجت از ذوالجلال نمودن
روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که هر که آیة الکرسی را بخواند هر شب در سفر
بلا باو نیاید و هر چه با او است سالم ماند و بگوید بعد از آیة الکرسی اللهم اجعل مسیری عبرا و
صمتی تفکرا و کلامی ذکرا **روایت** است از محمد بن عیسی که شخصی از برای امام رضا علیه السلام
چند بقچه رخت فرستاد و در میان آن قدری گل بود شخص گفت پرسیدم که این چه گل است فرمود
که این گل قبر مطهر امام حسین علیه السلام است و صاحب خیر هر چیز بر هر جا که میفرستند این
گل را در میان آن مینهند و میگویند که در امان حضرت است **روایت** است از امام
جعفر صادق علیه السلام که مردی در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت که

لجاج کردن و دو کلام است از
جهت استیفای مطلب و نفس
خود برتر فهمیدن است و از خصایل
بسیار بزرگ که آن طلب شود
و در روایت است که این مقام جلی
نبوی صلی الله علیه و آله فرمود
هر که خیر شد مجادله من با ماه دیگر
آنکه مطلع و غلبه کردن او زیرک
این بود که دنیا را خراب کن
از لجاج و تلف گردد بدترین
کار عبث بی ثمر ظاهر عزت
او را تمام میکند و بر خود و شمن
مرد مرد زند و حب الجوع است و تسکین
است و مخفی نماند که حصول نعمت
اثبات حق تعالی با حق با حق دیگر
کر تعالی حق آن بود باشد
مفهوم نیست ملکه ان خصوص حکم
مفهوم است خصوصیت دل طلب حق
با ملاحظه و بغیر حق است یا انکه
تحقق آن یا استحقاق آن نداشته
باشد **صفت پانزدهم**
مزاح و استهزا کردن است که
عبارت است از نقل کردن کردار
و گفتار و خلقت و اوصاف مردم
بقول یا فعل یا اشاره و کنایه بر
وجهی که سبب خنده دیگران گردد
و باعث آن یا غلظت است یا تکبر
یا حقیر نمودن شخصی که باو مزاح
میشود و یا باشد که باعث است
بحرص خنده من دنیا طالب الدین
بعض از اهل دنیا است بجهت طمع
در کالای دنیوی تا ایشان را بخنده
نیست که این عمل شیوه ارذال و

میخواهیم که بجانب شام برویم بتجارت ما را تعلیم فرما که در راه چه دعا بخوانیم آنحضرت فرمود
که هرگاه در منزل خواهید که بخواب کنید نماز خفتن کرده باشید در رختخواب بر پهلو بر جامه خواب
مینهید تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگوئید و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید که در امان حق
تعالی باشید پس ایشان بسفر رفتند اتفاقا جماعتی دزدان از عقب ایشان روانه شدند تا بتکیه
ایشان فرود آمدند ایشان شخصی را فرستادند که خبر گیرند که ایشان در خوابند یا بیدار آن شخص
آمد گفت دیدم که یکی از ایشان تسبیح فاطمه میگفت و دیگری آیة الکرسی میخواند جاسوس دزدان
حصاری دیدم بگرد ایشان هر چند که برگرد آن حصار گشتم راهی بدرون نتوانستم یافت پس
خود بازگشتم آن حکایت را باز گفت مصاحبان او دشنام دادند و گفتند دروغ میگوئی بلکه ترسیده
شده و نترسیده تمام برخاستند آمدند دیدند هیچ راه ندیدند بود چاره نتوانستند کرد برگشتند
پس چون صباح شد پیش آن دو جوان آمدند و گفتند که دوشینه کجا بودید گفتند اینجا بودیم
و جائی دیگر نرفتیم گفتند ما آمدیم و شما را ندیدیم چهار دیوار مضبوطی دیدیم در این چه سر بود
گفتند ما بخدمت حضرت رسالت پناه رفتیم ما را تعلیم فرمود به تسبیح فاطمه زهرا و آیة
الکرسی پس چنان کردیم دزدان گفتند برو بخدا که هیچ کاری بشما نداریم **در ذکر استخاره**
جهت تجارت عبدالرحمن سیابه گوید که بیرون رفتیم یک سالی بجانب مکه و پاره متاع برای خود
داشتیم و کوچ نمیکردیم بعضی همراهان گفتند که بمصر فرست یا بیمن دیگری گفت به کوفه فرست
القصه هر کس چیزی گفت آنگاه بخدمت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و این احوال را عرض کردم
فرمود قرعه بینداز میان مصر و یمن و توکل بخدای تعالی کن قرعه نام هر کدام از این دو شهر
که برآید بآنجا فرست گفتم فدای تو گردم چگونه قرعه زنم فرمود که بنویس در دو رقعه کاغذ که
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت العالم و
انا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیک فیه و اعمل به بعد از آن
نام مصر را بنویس و باز در رقعهٔ دیگر بنویس مثل رقعهٔ اولی بعد از آن نام یمن را در آن بنویس
بعد از آن در رقعهٔ دیگر بنویس مثل آنچه در آن دو رقعه نوشته بودی پس از آن نه مصر و
بنویس و نام شهری که نه مصر و نه یمن است بعد از آن رقعه ها را جمع کن و بجهت مطلب خود
که در زیر جایی پنهان کن بعد از آن برخاسته هر کاغذ که بیرون آید بآن عمل کن و توکل نما
بخدای تعالی و دیگر فرمود که هرگاه که خواهی که بیمی بر تو در کتاب ظاهر باشد

اوباش و پست نظران است
و صاحب این عمل با اندیشه
ایمان خبر و وفا را انسانیت از وی
نیست چه طبع پست او را
مینماید و از آن که بسبب وی دوست
های خود اعمال جید بجا او نکرد
بعض و نفرت و تمام آن سبب آن
بحث و نشاط در اینده عیوب
و نقص مسلمانان را تقلید میکنند
و افعال نیکان و اخیار را مسخره
استهزا و اشرار مینماید و چنین
شخصی البته بمراحل بسیار از مرتبه
انسانیت دور و تمام ادبیت او
مهجور و در نظر عقلا و دیدن
دانش بی وقع و بی اعتبار و در روز
عقبی بانواع عذاب گرفتار است
و همین قدر در مذمت آن بس است
که چنین صفت خبیثه او را سلب
تحصیل جوک دست مردم کرده
زاده گویا اعتقاد بآن نیاورد
که متکفل نمیکند که آن را بیند
ایشان است و کرده اند ذالک
صفت مزاح مبنای نیست
صفت شانزدهم
افراط در مزاح و شوخی است که
باعث سبکی و کوچکی و موجب
سقوط حصول مهابت خود
میگردد و دل را میمیراند و از
آخرت غفلت میاورد و دنیا
باشد که باعث عداوت و دشمنی
یا سبب رنجیدن و خجالت موجب
گردد و لهذا گفته شده که هر
چیزی را تخمی است و تخم عداوت

رفتن پس دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی الحمد و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخواند و چون سلام دهد بگو اللّهُمَّ اِنّی قَد غَدَوتُ اَلتَمِسُ مِن فَضلِکَ کَما اَمَرتَنی فَارزُقنی مِن فَضلِکَ رِزقاً حَلالاً طَیِّباً وَاعطِنی فیما رَزَقتَنی العافِیَةَ غَدَوتُ بِحَولِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوتُ بِغَیرِ حَولٍ مِنّی وَ لا قُوَّةٍ وَ لکِن بِحَولِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ اَبرَءُ اِلَیکَ مِنَ الحَولِ وَ القُوَّةِ اللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بَرَکَةَ هذَا الیَومِ وَ بارِک لی فی جَمیعِ اُموری یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ و چون بازار درآیی بگو اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ یُحیی وَ یُمیتُ وَ یُمیتُ وَ یُحیی وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ وَ اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ رَسُولُهُ اللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ مِن خَیرِها وَ خَیرِ اَهلِها وَ اَعُوذُ بِکَ مِن شَرِّها وَ شَرِّ اَهلِها اللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ اَن اَبغِیَ اَو یُبغی عَلَیَّ اَو اَن اَظلِمَ اَو اُظلَمَ اَو اَعتَدِیَ اَو یُعتَدی عَلَیَّ وَ اَعُوذُ بِکَ مِن اِبلیسَ وَ جُنُودِهِ وَ فَسَقَةِ العَرَبِ وَ العَجَمِ حَسبِیَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ وَ هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ و چون خواهی که چیزی بخری بگو یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا دائِمُ یا رَؤُفُ یا رَحیمُ اَسئَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَ قُدرَتِکَ وَ ما اَحاطَ بِهِ عِلمُکَ اَن تَقسِمَ لی مِنَ التِّجارَةِ الیَومَ اَعظَمَها رِزقاً وَ اَوسَعَها فَضلاً وَ خَیرَها عاقِبَةً فَاِنَّهُ لا خَیرَ فیما لا عاقِبَةَ لَهُ و چون چهارپایی خریدی بگو اللّهُمَّ ارزُقنی اَطوَلَها حَیوةً وَ اَکثَرَها مَنفَعَةً وَ خَیرَها عاقِبَةً

فصل ششم

در آداب پیاده رفتن و کراهیت تنها بودن در سفر و دعا خواندن برای دفع خطر روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که پیاده میروید قدم بکشید که از برای شما آسانتر است روایت است که جمعی پیاده میرفتند حضرت رسول صلی الله علیه و آله با ایشان رسید گفتند یا رسول الله از پیاده رفتن تعب کشیدیم فرمود که قدم بکشید که بر شما آسان میشود و دیگر فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر سواره سزاوارتر است به جاده از پیاده و پای برهنه سزاوارتر است از کفش پوشیده و دیگر فرموده که زنان را روا نیست در میان جاده راه رفتن بلکه در دو طرف راه باید رفت و دیگر فرمود که شما را خبر دهم به بدترین مردمان حاضران مجلس گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسی که تنها سفر کند و مانع عطای خود شود و غلام خود را بزند و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که رسول صلی الله علیه و آله لعنت کرد سه کس را که یکی آنکه در راه تنها رود و دیگری آنکه تنها خوابد

موجب است و از مفاسد ذات است که دهان را بدبو کند و میگیرد و دندان را بیازارد و ناپاک را برد و قادر را نمام کند و لکن بوشیده نماند که آنچه از مزاح شود و تولید مفاسد کند مذموم است بلکه ممدوح است و مکرر مزاح از حضرت رسول و امیرالمؤمنین علیهما السلام صادر شد و بعد یکی از منافقین مزاح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عیب کرده و نفی بزرگواری نیز مشهور است که با صدا باشد که نه کلام محمود و ذکر آن در اوصاف حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشهور است

صفت هفدهم

غیبت است که عبارت است از گفتن چیزی است در غیاب شخص معین که اگر بگوش او برسد او را ناخوش آید و بیان نقص باشد در شرع غیبت شخص معین که کرده باشد آنکه مبهم باشد یکی از اهل بلد یا یکی از علما از بزرگان بعد و گفتم که بیان او صاحب باشد ما بیان نقص نکند و گفتم بعضی نقصان تا مثل ذکر عیب طبیب مثلا یا ذکران در نزد سلطان که بجهت رفع ظلم او ذکر نمود از ترتیب غیبت در سند و نقص در بدن مثل کور و کر بیش از اینها بی بی مکر او ناخوش آید که حرام است و نقص در نسب

و کسی که در خانه تنها خواب کند و سواری که در بیابان تنها رود و اسمعیل بن جابر گوید که من در مکه بخدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم ناگاه مردی از اهل مدینه آمد امام علیه السلام فرمود مرا دیدی که مصاحب تو کی بود گفت تنها آمدم فرمود که اگر من با تو میبودم راه بتو نمی‌نمودم بعد از آن فرمود که یک کسی که تنها میرود شیطان است و دو کس دو شیطان و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقانند و امام موسی علیه السلام فرمود که کسی که تنها در سفر بیرون آید باید بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللّهُمَّ آنِس وَحشَتی وَ اَعِنّی عَلی وَحدَتی وَ اَدِّ غَیبَتی و امام صادق علیه السلام روایت است که هرگاه راه گم کنید بگوئید از طرف راست و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون یا صالِحُ یا اَبا صالِحٍ اَرشِدنا اِلَی الطَّریقِ یَرحَمُکُمُ اللهُ و دیگر فرمود که نگهبان صحرا صالح است و نگهبان دریا حمزه و هرگاه که در صحرا غول پیدا شود بلند نماز بگوئید تا از طرف شود و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون بمنزل فرود آئید این دعا بخوانید اللّهُمَّ اَنزِلنی مُنزَلاً مُبارَکاً وَ اَنتَ خَیرُ المُنزِلینَ و روایت دیگر وارد است که بعد از آن بگو وَ اَیِّدنی بِما اَیَّدتَ بِهِ الصّالِحینَ وَ هَب لِیَ السَّلامَةَ وَ العافِیَةَ فی کُلِّ وَقتٍ و حین اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ کُلِّها مِن شَرِّ ما خَلَقَ و ذَرَأَ و بَرَأَ و دو رکعت نماز بگذارد و بگوید اللّهُمَّ ارزُقنا خَیرَ هذِهِ البُقعَةِ وَ اَعِذنا مِن شَرِّها اللّهُمَّ اَطعِمنا مِن جَناها وَ اَعِذنا مِن وَبائِها وَ حَبِّبنا اِلی اَهلِها وَ حَبِّب صالِحی اَهلِها اِلَینا و چون خواهید که روان شوید دو رکعت نماز بگذارید و بگوئید اللّهُمَّ اِنّی اَستَودِعُکَ نَفسی فَاِنَّ الاَرضَ وَ الاِنسَ وَ الجِنَّ و وداع آن موضع کنید با اهل آن که در هر موضعی جماعتی از فرشتگان هستند و بگوئید السَّلامُ عَلی مَلائِکَةِ اللهِ الحافِظینَ الکِرامِ عَلَینا وَ عَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ و چون بجانب خانه باز گردید این دعا بخوانید آیِبُونَ تائِبُونَ اِن شاءَ اللهُ عابِدُونَ راکِعُونَ ساجِدُونَ لِرَبِّنا حامِدُونَ اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی حِفظِکَ اِیّایَ فی سَفَری وَ حَضَری اللّهُمَّ اجعَل اَوبَتی هذِهِ مُبارَکَةً مَیمُونَةً مَقرُونَةً بِتَوبَةٍ نَصُوحٍ تُوجِبُ لی بِهَا السَّعادَةَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ و روایت است که رسول صلی الله علیه و آله فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام را که ای علی چون خواهی بشهری یا قریه‌ای داخل شوی چون نظرت به آن بیفتد بگو اللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیرَها وَ اَعُوذُ بِکَ مِن شَرِّها اللّهُمَّ حَبِّبنا اِلی اَهلِها وَ حَبِّب صالِحی اَهلِها اِلَینا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که در هنگام دیدن شهری که قصد آن دارد که در آن رود هفت مرتبه تکبیر بگوید

بشرط آنکه مردمان چنین را نقصان شمرند و در او حاصل باشد در عقیده نقصان در ذکر کرده شود خواه آنچه گفته شود نقص در بدن باشد در نسب یا در صفات یا در افعال یا در اقوال او باشد یا در چیزها که تعلق به او داشته باشد چنانچه در حدیث نبوی است که فرمود تا میدانید که غیبت چیست عرض کردند خدا و رسول داناترند فرمود آنست که یاد کنی برادر خود را بچیزی که او را ناخوش آید شخصی عرض کرد که اگر آن صفت با او باشد فرمود که اگر با او باشد غیبت است و الا بهتان است و فرق میان غیبت و بهتان

کفتن آنکه او حال زاده یا پسر فلان فاسق یا تاجیک یا ترک است و در صفات و افعال و اقوال مثل آنکه گوئی بد خلق یا بخیل یا متکبر یا جبان یا دزد یا ظالم یا بزرگ یا منع یا پر خور یا پر خواب است و در چیزها که تعلق به او است مثل آنکه گوئی جامه او چرک است یا خانه او تنگ است یا کثیف است یا جامه او چرکین است یا خانه او مثل خانه یهودان است و امثال اینها

بلندی و پستی مگر که تهلیل گویند فرشتگان از عقب او و تکبیر گویند از پیش او تکبیر
و تهلیل او تا برسد بمحل قطع خاک و چون بکشتی نشیند بگوید بسم الله الرحمن الملک
وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون قدم بخشکی
برنهد بگوید بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم و در روایت معتبر است که امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که هرکه از مکه باید باو بگویند که تقبل الله منک و اخلف علیک نفقتک
و غفر ذنبک و امام علیه السلام فرمود که حاجی که از راه برسد و غسل کرد پس همچنانست که
حجر الاسود را زیارت کرده و چون از سفر بازگشت و بخانه در آمد سزاوار است که مستحب
شود تا غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن سجده شکر بجای آورد و در سجده شکر
صد بار بگوید شکرا لله **فصل هفتم** در محافظت نمودن چهارپایان
و حق آنها بر صاحبان ایشان **روایت** است از ابوذر رضوان الله علیه که گفت شنیدم
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که میفرمود که هر مرکب سواری هر روز دعا میکند که اللهم ارزقنی
ملیک صدق یشبعنی و یسقینی و لا یحملنی ما لا اطیق یعنی بار خدایا روزی کن مرا مالکی
که سیر و سیراب گرداند مرا و بر من بار ننهد که مرا طاقت برداشتن آن نباشد و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که الاغان بر ستاید که اهل زینت نه اند تا اینها بنهایت شکایت میشوند
در روز قیامت بخدای تعالی است **قرایت** کنند کسی که با شاخود کرد رسول صلی الله علیه وآله
فرمود که خدای تعالی لعنت میکند در یئه نرمی بیابان را که میفرماید و چون بر مرکب لاغر
سوار شوید زود بمنزل رسانید و اگر زمین بی علف است بعد از آن بگذرید و تعجیل نمائید
و اگر پر علف است فرود آئید **روایت** کنند از رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود که
الاغان را بر صاحب خود شش حقست اول آنکه علوفه بدهد او را هرجا که فرود آیند
پیش از خوردن خود و چون از آب بگذرند آب بدهند او را و بر روی او نزنند که تسبیح میکند
حق تعالی را و بر پشت ایشان نایستند مگر در غزوات و بار نکنند زیاده از قوت ایشان
و تکلیف مکنید ایشان را برفتن مگر بطاقت داشته باشند **شخصی** از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود که کی بزنم مرکب خود را اگر در رفتن باشد فرمود هرگاه که
نخورد و نگذرد بر تو میخواند که در جای خود ... بر آنحضرت فرمود که بزنید مرکب را در

یا تصریح مکند تنها باشد تکلیف
بفرد باشد و غیبت شوند
هم در حکم غیبت کنند است
و بدانکه غیبت اعظم معاصی است
و باجماع جمیع امت و تصریح
دست حرمتش از نام است
و از احادیث بسیار مستفاد شد
که غیبت بدتر است از زنا و محو
حسنات نماید چنانکه آتش هیزم را
و آنکه دروغ گفتن کند آتش هیزم
گمان کند حلال زاده است کما
آنکه گوشت مردم را بغیبت مخورد
و شیطان شریک است در نطفه
کسی که غیبت کند بدانکه عقد
باشد تا آنکه بعد بر آید تو مرتد خود
که غیبت او را بیابد و حق تعالی
سهل شمارند روز تا بعد و در غیبت
کند او را قول نیوفرماید و آنکه
غیبت کند اگر توبه کند آخر کسی
است که به بهشت رود و اگر نه
اول کسی است که بجهنم رود و در
احادیث نرمی آمده است که
کرامت خالق جلال است و عظمت
او عزت است و علاج این مرض
بانست و اجابت این کار در
شود و بعد از آن فکر در معاصی
ذنوب از آن نامل کرده
و دانسته اگر کسی غیبت او را بکند
که بگوید چگونه باشد و خشمناک
میشوی و مقتضای شرف نادانی
آنست که چنین است او را عیب
آخر را گرامی خود نمیپسندی
و بعد از آن ناخوشنا شدن

بپر درمیاید و مرتبه بعقب بکوید و منکند که چیزی میبینند که شما نمیبینید حضرت رسول
صلی الله علیه وآله فرموده که بر بالای مرکب تغ منشینید و بر اسب بجهت ملاتربید و مرکب
را از بجای سفر معکنداید **مروی** است که امام زین العابدین علیه السلام چهار مرتبه حج فرمود
بیک شتر که یک تازیانه بر او نزده **در احوال شتر** روایت است از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که فرمود که شترهای سرخ مو نگاه ندارید که کوتاه عمرند و فرمود که
شترهای سیاه بشکل بخرید که دراز عمرتر اند از باقی شتران و حضرت رسول صلی الله علیه
وآله فرمود از میان قطار شتر گشتن او جهسان پرسید فرمود که میان دو شتر شیطانی
است **در احوال اسب** حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که خیر از میان پیشانی
اسبان تا بانست تا روز قیامت و کسی که اسبان را در راه خدای تعالی رعایت کند حکم
آنکس دارد که هرگز صدقه از آن نکرده باشد و امام رضا علیه السلام فرمود که در بینی حمار
شیطانی بجا ده است هرگاه که خواهید او را لجام کنید پس باید که نام خدای تعالی را ببرید
و امام موسی علیه السلام فرموده که اگر مرکب سرکش باشد بر چشم او باید که در گوش او
بخوانید این آیه را افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا
وکرها والیه ترجعون **فصل هشتم** در نکته های زاد و ذکر دافع است در سفر
جابر بن عبدالله انصاری روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هرگاه
شب بخانه در آید پیش از آنکه اهل خانه را خبر کند **و دیگر** فرموده که سفر پاره ایست از عذاب
باید که هر کسی که در سفر مهم خود را تمام نماید زود بازگردد باهل خود و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که قطع منازل بوشر را آخر میکند و خوی ابنه میافتد و جامه را کهنه میکند و
حضرت رسول فرمود که چون راه گم کنید در سفر خواب کنید و نیز آنحضرت فرمود که هر کسی که
بایع صد کار نمی نماید مسافر مؤمن را حق تعالی از او هفتاد و سه غم و غصه برطرف میکند در دنیا
و در قیامت راحت میبخشد بهایت اعزاز در ترفع ... فرماید **یعقوب** بن سالم گوید که پرسیدم
از ابی عبدالله علیه السلام که با من در همی چند است که در زمان مسائل نفس کرده ام و میخواهم
احرام منزل و زاد در سالی کرده ام و بر میان خود بسته ام چگونه است فرمود که با کی نیست
آن نفقه تست و اطمینان تو بان است **روایت** است از امام موسی علیه
السلام که سفره که میکرد و حلقه ها تنگ باشد بیرون کنید حلقه امین بجای آن بیایید

و تامل در نقصان آنست حد آن
علاج شود یعنی قطع کردن علایق
و معنا غیبت است که عاقل پا
عقل شاید و حسد او کینه
یا حسد است یا تحقیر و مزاح و
مطایبه یا قصد سخریه و بیشتر
و یا بتعجب یا مباهات و امثال
اینها ترک جان خود را بلوی
عیب دیگران مگوی و از عیب
خود غافل مشو و چون خواهی
که عیب دیگران گویی اول عیب
خود را یاد کن و در صدد اصلاح
آن برا چه بسا قبیح است که آدمی
از عیوب خود غافل شده در
اظهار عیوب غیر تعجب آید
خار بحالا در چشم دیگران
کند و شاخ در چشم ندارد میبیند
خود بخود **نظم**
همه حمال عیب خویشتن اند
طعنه بر عیب دیگران چه زنند
و بدانکه از اعظم معاصی
آنست که باعث این میشود که آدمی
هر غیبت کند و در آن ناشد حکم
غیبت شد شنیده شود و گناه
بخواند عمل بی غل غیبت و
چنانچه کسی که مرد بواسطه این
در روز قیامت وزر و وبال
دیگری بعمل آنچه کرده و طاعت
خود را در کفه او اندازد و
دارای جهت است که بعضی اکابر
گفته اند **شعر**
نزد نامه مردم آن شخص
بگوییم هر غیبت مادر

کیمیا صفت نیکوست **باب دهم** در آداب دعا و آنچه بدان متعلق است مشتمل
بر پنج فصل **فصل اول** در فضیلت دعا و کیفیت آن حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرموده که هیچ چیز پیش خدا بهتر و گرامی تر از دعا نیست و دیگر فرمود که دعا سلاح
مؤمن است و ستون دین و نور آسمان و زمین و دیگر فرمود که شما را دلالت کنم بر سلاحی
که نجات دهد شما را و نگاه دارد از دشمنان و روزی شما را زیاده کند در آن حین جمعی
گفتند بلی یا رسول الله فرمود که شب و روز دعا کنید که دعا سلاح مؤمن است و دیگر
فرمود که عاجزترین مردم آنکس است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که
بسلام بخل نماید و فرمود که هیچ مسلمانی نباشد که دعا کند که بخواهد از آن دعا قطع رحم
نکند و طلب معصیتی در آن نباشد مگر آنکه خدای تعالی او را یکی از سه چیز کرامت کند
اول آنکه دعای او را قبول فرماید یا ذخیره او دارد یا عوض دهد یا بلائی از او دفع کند
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که دوست ترین عملها بسوی خدای تعالی دعا است و بهترین
عبادت عفاف است **نقل** است از عبدالله بن سنان که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که دعا دفع بلا میکند پس بکوشید در دعا که آن کلید همه رحمت است و برآورنده هر حاجت و هر
مطلوب مرغوب که از حق تعالی طمع دارند و حصول آن نمیشود مگر بدعا و هر دری که بسیار بکوبند
آن در برای صاحبش گشاید **ابو عبدالله** علیه السلام فرمود که دعا موجب حصول کامیابی است
همچنانکه ... و دیگر فرمود که هیچ بنده دست بر ندارد بدرگاه خدای تعالی
مگر که او شرم دارد که دست او را خالی باز گرداند از فضل و رحمت خود پس چون
یکی از شما دعا کند پس باید که باز نبرد دست خود را تا بر سر و روی خود بمالد **هشام بن**
سالم گوید که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که آیا شما هیچ میدانید که دراز
کردن ... فرمود که هرگاه ملهم شد یکی از شما بدعا نزد بلا پس بدانید که آن بلا
نزد خدا کوتاه است و دیگر فرمود که هر که بخواهد دعای او مستجاب شود در روز سختی
پس باید که بسیار دعا کند در روز آسانی و امام رضا علیه السلام فرمود که حق تعالی حاجات
شما را میداند لیکن دوست میدارد که حاجات را عرض نمائید و دعا کنید و دیگر فرمود
که حق تعالی مکروه میداند که حاجات را از خلق طلب کنند لیکن دوست میدارد که از او
طلب کنند و امام رضا علیه السلام فرمود بیکی از اصحاب خود که بر تست که سلاح

در غیبت مجوزه

که دانسته پروردگار خشنود
کرد خلعت همان به که مادر بود
و دیگر آنکه غیبت تجویز شده در
چند مقام در مقام استغاثه
و تظلم و در مقام امر بمعروف و
نهی از منکر و در مقام غیبت
کسی که با او مشورت کند در
خصوص معامله یا شرکت یا
مخالفت با کسی و در مقام رد شاهد
و نصیحت مؤمنی هرگاه با فاسقی
مصاحبت کند و در مقام اظهار
عیوب خفیه مریض نزد طبیب
و در مقام تجریح و تعدیل شاهد
و راوی و در مقام لقب گفتن
آنکه مشهور بآن لقب باشد که
دلالت بر عیب او کند لکن در
صورتیکه اکراه نداشته باشد
و ممکن نباشد شناسانیدن او
بعبارت دیگر و در مقام
جلباب حیا انداخته متجاهر بفسق
لکن در خصوص همان فسق
و در مقام اظهار عیب
حاکم شرع که ثابت شود
و حکم خلاف شرع باشد و قصدش
انتها باشد و از برای رد فتوی
و حکم او هرگاه خلاف حق
صادر شده باشد و در مقام
شهادت دادن و در مقام که

استثنا بشرط آنکه در شکایت
اکتفا نماید بخصوص همان ظلمی که
واقع شده زبان باظهار چیزی دیگر
از آن ظالم نگشاید منه

دعا مر بعض روایات که غیبت
او است مطلقا منه

پیغمبران گفت بسلاح پیغمبران که چه چیز است فرمود دعا **امام جعفر صادق** علیه
السلام فرمود که دعا را اثر و نفوذ زیاده است از نیزه تیز و دانا و فرمود که امید قبولی دعا
زید شحام روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود در چهار وقت دعا کنید
یکی وقت وزیدن بادها و دیگر در وقت زوال آفتاب و دیگر وقت فرود آمدن باران و دیگر در وقتی
که خون مؤمن را بزمین ریزند که درهای آسمان در این اوقات گشاده است **و دیگر** فرمود
که در هفت موضع دعا مستجاب است در نماز وتر و بعد از صبح و بعد از پیشین و بعد از شام
و در وقت بانگ رعد و وقت آمدن باران و وقتیکه در غزا صفها راست شود و دیگر فرمود که هرگاه
که یکی از شما را رقت دل حاصل شد پس باید که دعا کند زیرا که دل رقت پیدا نمیکند تا
خالص نشود و معویة بن عمار گوید که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که حاجتی دارد
باید که طلب کند آنرا نزد زوال شمس از درگاه ذو الجلال و پیش از آن چیزی تصدق
کند و چیزی از بوی خوش ببوید و بعد بمسجد رود دعا کند که حاجتش روا میگردد انشاء الله
تعالی و دیگر فرمود که هرگاه که پوست تو حرکت پیدا کرد و دیده تو گریان شد پس دریاب
دعا است ملازم آن باش که حاجت تو روا شود **ابو صباح** گوید که امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که بندگان مؤمن بدرگاه او دعا کنند پس دعا کنید
از سحر تا طلوع آفتاب که در آن وقت درهای آسمان گشاده است و روزیها در آن وقت قسمت میکنند
و حاجتهای بزرگ در آن وقت روا میشود عمر بن اذینه گوید که شنیدم از ابی عبدالله
علیه السلام که میفرمود که در شب ساعتی است که بنده مؤمن باید که ملازم آن ساعت باشد
که در آن نماز گذارد و دعا کند که نیست کسی که در آن ساعت دعا کند مگر آنکه حق بجا آورد
دعای او را گفتم اصلحک الله آن کدام ساعت است از هر شب فرمود
هرگاه که طلب نعمتی میکنید در دعا کفهای دست را بجانب آسمان بگردانید و در تضرع
پشت دستها را از هم بگشایید چون روی از دنیا گردانید بجانب خدای تعالی و انگشت
شهادت را حرکت دهید **ابن مغیره** گوید که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام
آنچه پیش از دعا باید کرد فرمود که پیش از دعا حمد و ثنای باری تعالی بجا
آورید و صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بفرستید بعد از آن حاجت خود
دعا کنید **محمد بن مسلم** روایت کرده از ابی عبدالله علیه السلام که در کتاب امیرالمؤمنین

غیبت در حکم زنا

غیبت غیر معتنی باشد که کسی
نقصد و نیز بیان که کفاره
غیبت اول توبه است و بعد
از آن استحلال از غیبت کرده
شده است اگر زنده و در دسترس
باشد و اگر مرده باشد غیبت
او را و همچنین اگر نشنیده یکی
دراظهار آن مظنه فساد عمده
باشد و اگر مظنه فساد باشد
باید که بر او ثنا باشد از برای
استغفار و طلب آمرزش و اعمال
صالحه کند تا عوض غیبت عوض
غیبت او شود و ضد غیبت مدح
و ثنای است و آن صفت
خوب مرغوب باعث حصول
محبت و دوستی دل و ادخال سرور
او است در دل مؤمن
و ثواب آن زیاد است
جمعی ستایش بعضی از مردم
کردند حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود بهشت از برای او
واجب شد و لکن بعضی علما گفته
مدح که متضمن دروغ باشد
مرغوب نیست بلکه آن خود
در صورتیکه غیر ممدوح میکند
واقع باشد از روی نفاق در
مدح ظلمه و فاسقین باشد و
موجب عجب و تکبر ممدوح شود
اگر شخصی که از ایشان تمجید
است واجب است که مدح
نماید ثنا است محمول
صفت هفتم
در مدح گفتن است و آن ابتدا

علیه السلام در دعا یافته که پیش از دعا بزرگی و عظمت باری تعالی را یاد کنید گفتم چگونه
یاد کنیم بندگان را فرمود که بگوئید یا من هو اقرب الیّ من حبل الورید یا من یحول بین
المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر عثمان بن
مغیره روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام که آنحضرت فرمود که هرگاه که خواهید که دعا
کنید حق سبحانه و تعالی را ببزرگی یاد کنید و تسبیح و تهلیل او را بتقدیم رسانید پس ثنا و
ثنای او بگوئید و صلوات بر پیغمبر و آل او فرستید و حاجت طلب کنید که روا میشود دست
بر این وجه نماید که یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل یا ارحم من استرحم یا واحد یا احد
یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا
یا من یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید انگاه بگوئید که اللهم اوسع علیّ من رزقک الحلال
ما اکف به وجهی و اؤدی به عنی امانتی و اصل به رحمی و یکون عونا لی علی الحج و العمرة و
دیگر فرمود که مردی بمسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله در آمد و دو رکعت نماز گذارد و آنگاه
طلب حاجت کرد آنحضرت فرمود که بنده تعجیل نمود بدرگاه الهی و بعد از آن مردی دیگر آمد
و دو رکعت نماز گذارد و ثنای الهی بتقدیم رسانید و صلوات بر پیغمبر و آل فرستاد آنحضرت
فرمود که حاجت طلب که روا است ابو خالد گوید که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
هرگاه چهل مرد جمع شوند و دعا کنند در امری از امور البته حق سبحانه و تعالی دعای ایشان را
مستجاب میگرداند پس اگر چهل کس نباشند پس چهار کس دعا کنند هر یک ده بار البته مستجاب شود
پس اگر چهار کس نباشد یکی دعا کند چهل بار قبول فرماید حق تعالی از او و دیگر فرمود که هرگاه
که پدر بزرگوارم را غمی پیش آمدی عورات و اطفال را جمع میکرد و دعا میکرد و ایشان
آمین میگفتند و دیگر فرمود که دعا کننده و آمین گوینده هر دو شریکند در اجر هشام
بن سالم گوید که آنحضرت فرمود که دعا محجوب است مادام که صلوات بر محمد و آل او نفرستند
دیگر فرمود که هر که دعا کند و صلوات نفرستد دعا بر سر او میباشد و هرگاه که صلوات فرستد
بالا میرود و دیگر فرمود که هرگاه که کسی را حاجتی باشد بدرگاه الهی باید که ابتدا بصلوات
کند بعد از آن حاجت بخواهد و ختم آن نیز بصلوات نماید زیرا که حق تعالی از آن کریمتر است که
طرفین دعا را قبول فرماید و وسط را رد نماید چه دعا بصلوات محجوب نیست و دیگر فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر مجلسی که جماعتی جمع شوند در ان بی علم

در دروغ و مذمت

گناهان کبیره بلکه قبیح ترین
گناهانست و صفتیست که
آدمی را خوار و بی اعتبار میکند
و سرمایه انفعال و خجالت و
سیاه روئی دنیا و آخرتست
و باید دانست که مذمت و
خباثت این صفت بسیار است و
در حدیث نبوی صلی الله علیه
و آله است که هرگاه مؤمنی بی
عذر شرعی دروغی بگوید هفتاد
هزار فرشته بر او لعنت میکنند
و از دل او گندی بلند میشود تا
بعرش میرسد و حق تعالی
آن دروغ گو را بسبب آن دروغ
[illegible]
است که [illegible] خود کرده باشد
و از اخبار دیگر مستفاد میشود
که مؤمن دروغ گو نمیباشد
و ایمان را [illegible] دروغ
ترک کند و دروغ بدترین
میکند و دروغ [illegible]
و حال آنکه کلید ظلمهای عالم
شراب است و آنحضرت عسکری
علیه السلام فرموده که جمیع
خبائث در خانه ایست و کلید آن
دروغ است و بدانکه بعضی
انواع دروغ بر ضاء
رسول صلی الله علیه و آله است
و گاه است که [illegible]
[illegible]
[illegible]
بدچند مقام تجویز شده در
دفع مفسده و مقام اصلاح

بذکر الهی و صلوات حضرت رسالت پناهی قیام ننمایند البته آن مجلس باعث
وبال گردد و حسرت و ندامت بیفزاید و دیگر فرمود که دعای چهار کس مستجاب است یکی که
براه حج رود و دیگری که بغزا توجه کند دیگر بیماری که بعیادت بیماری رود و دیگر مؤمن
که پدر بزرگوارم فرمود که پنج کس اند که دعای ایشان رد نمیشود یکی امام عادل و دیگر
مظلومی که حق تعالی میفرماید که داد ترا از ظالم میستانم اگرچه بعد از مدتی باشد
و دیگر فرزند صالح که بجهت پدر و مادر خود دعا کند و دیگر دعای پدر صالح برای فرزند
و دیگر دعای برادر مؤمن که غائبانه برای مؤمن دعا کند از اجابت سریع تر و اقرب است
عبد الله بن سنان از ابو عبد الله علیه السلام روایت کند که دعای برادر مؤمن غائبانه
در ردّ بلا و جلب فوائد و دفع مکروه مینماید و دیگر فرمود که بپرهیز از دعای مظلوم که آن
بعد بر آسمان میرود و دیگر فرمود که هر که چهل مؤمن را در دعا مقدم دارد از دعاش مستجاب
گردد روایت است که شخصی سؤال کرد از امام جعفر صادق علیه السلام که من دو آیه را
در کتاب الهی مییابم که هر چند آن مطلب مییابم آنحضرت فرمود که کدام است آن دو آیه گفت
ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید که مستجاب کنم و حال آنکه ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود
آنحضرت فرمود که گمان تو این است که حق تعالی خلاف وعده میکند گفت نه یا امام فرمود
که پس چه خیال تو چیست گفت یا امام من سر این را نمیدانم فرمود که من ترا آگاه گردانم این
این است که دعا را شرطهاست بچند شرط اول حمد و ثنای الهی بکنید و ذکر نعمتهای حق
کرده شکر آن بجای آورید پس صلوات فرستید بعد از آن یاد گناهان خود کرده بآن معترف
شوید و از آن استغفار کنید هر که چنین کند و بعد از آن بدعا مشغول شود دعا هر گاه که صلاح
باشد البته مستجاب شود بعد از آن آنحضرت فرمود که آیه دیگر کدام است گفت و ما انفقتم
من شیء فهو یخلفه یعنی آنچه شما صدقه میکنید خدای تعالی عوض آن میدهد و حال آنکه ما صدقه
میکنیم و عوض آن نمییابیم آنحضرت فرمود که گمان تو این است که خدای تعالی خلاف وعده کند
گفت نه فرمود که پس چه خیال کرده گفت سر این را نمیدانم فرمود که مال از وجه حلال بهم رسید
کسب و تصدق کند حق تعالی البته عوض میدهد سلمان فارسی رحمة الله علیه
روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی شرم میدارد از بنده که
دست خود را بدعا بردارد و از هر دو دست نا امید باز گرداند فصل دوم

در تعریف دروغ

خوار و حقیر و طعام حرام و در
مقابل کهنه از شوهر خود بخواهد
که شوهر را در آن [illegible] نباشد یا
باشد ولکن بر او واجب نباشد
دروغ و عقد بند که میگوید با
آنکه بعضی از نعمتهای خود
خود گوید که من ترا بیشتر دو نعمت
دادم و حال آنکه واقع چنین
نباشد و همچنین در ترغیب
تعلیم طفل بجهت مصالح
و لکن خوب است که در این مقام
توریه شود و معنی توریه آنکه

توریه یعنی گفتن سخنی که دو معنی
داشته باشد یک معنی آن
راست باشد که تو قصد آن کنی
و معنی دیگرش دروغ باشد که
شنونده از آن بفهمد آنکه هرگاه
[illegible] باشد که سر ظالمی
مکانی که از تو سؤال کند بگو
خدا بهتر میداند کجا است یا بگو
سراغ او را در مسجد کردم اگر دیده
کرده مسجد نیست یا آنکه
بیابند سراغ کسی را که در خانه
است و خواهی بگوئی نیست بگو
خود را در موضعی از زمین بگذار
یا بگو لیکن [illegible] بجانب
دیگر موضع انگشت نیست یا اگر از
کاری کرده از تو سؤال کند بگو
خدا خوب است بگو استغفر الله یا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در دعای متعلق بشب و روز است از ادعیه گرفته شده و روایت است از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که هر که ده بار بگوید پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر و
هو علی کل شیء قدیر کفاره گناهان او میشود در آن روز دیگر فرمود که هر که
در هر صبح و شام این دعا را بخواند که اللهم انی اسئلک ان تجعل ما اصبح وامسی بی من نعمة
وعافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک لک الحمد ولک الشکر بها علی حتی
ترضی و از این جهت خدای تعالی او را عبد شکور نام کرد مسمع بن عبد الملک
گوید با امام جعفر صادق علیه السلام چهل صباح نماز گذاردم چون از نماز صبح فارغ
میشد دست مبارک بجانب آسمان بلند ساخته میفرمود که اصبحنا واصبح الملک لله
انا عبیدک وابناء عبیدک اللهم احفظنا من حیث نحتفظ ومن حیث لا نحتفظ اللهم
احرسنا من حیث نحترس ومن حیث لا نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر ومن حیث
اللهم استرنا بالغنی والعافیة وارزقنا الشکر علی العافیة بسیاری از ثقات
روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که شیعه ما در پناه و سایه
کرم نگاه میدارند ایشان را و اگر چه بدی با ایشان باشد یاد دعاهای ما در میان شیعه
گرگان درنده و دشمنان جرئت در دین با یکدیگر دست اعتصام بعروة الوثقی ما در زنند
باخلاص و دوستی ما که مطلوب حاصل است در ادعیه مخصوص صبح و شام هر که خواهد
که در حصن امن و امان در آید و از مخدوره و مکروهی برهد دعای حرز را هر صبح و شام
سه بار بخواند دعا این است اگر در صباح باشد بگوید اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع
الذی لا یطاول ولا یحاول من شر کل غاشم وطارق من سائر من خلقت وما خلقت من
خلقک الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بیت نبیک
محمد علیه وعلیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی
الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم جمیعا موقنا ان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم
اوالی من والوا واجانب من جانبوا فصل اللهم علی محمد وآل محمد واعذنی اللهم
بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات والارض و
جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و اگر در

در آفات دروغ

در دروغهای بسیار عیب باشد
که غالب مردم بآن مبتلا میباشند
و آن را سهل میدانند و از شناعت
آن غفلت دارند که از جمله گناهان
است [illegible]
شرعی و عقلی [illegible]
[illegible]
در کمال [illegible]
گناه [illegible]
[illegible]
دروغ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خلق السموات والارض [illegible]
ایاک نعبد وایاک نستعین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
باشد
[illegible] معبود [illegible]
دون لا اله [illegible] التوحید
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
واکثر مردم بآن مبتلا میباشند
[illegible]
رمضان [illegible]
میخوانند [illegible]
[illegible]
[illegible]
دعای [illegible]

عشا خواندی بجای اصبحت امسیت بگو و دیگر فرموده که چون خواهی که تو حیر نمائی
در روزی که صدمه از آن روز باید کرد پیش از توجه فاتحه بخوانید و معوذتین واخلاص
وآیة الکرسی وسوره قدر و پنج آیه در آخر سوره آل عمران ان فی خلق السموات والارض
تا لا تخلف المیعاد بعد از آن این دعا بخوانید اللهم بک یصول الصائل وبقدرتک
یطول الطائل ولا حول لکل ذی حول الا بک ولا قوة یمتاز بها ذو قوة الا منک اسئلک
بصفوتک من خلقک وخیرتک من بریتک محمد نبیک وعترته وسلالته علیه وعلیهم
السلام صل علیه وعلیهم واکفنی شر هذا الیوم وضره وارزقنی خیره ویمنه واقض لی فی
متصرفاتی بحسن العافیة وبلوغ المحبة والظفر بالامنیة وکفایة الطاغیة الغویة
وکل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة وعصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی
من المخاوف فیه امنا ومن العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد ولا یحل
بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر والامور الیک تصیر یا من لیس
کمثله شیء وهو السمیع البصیر دعائیکه امام جعفر صادق صبح و شام میخوانده این است
بسم الله وبالله والی الله ومن الله وفی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی
الله علیه وآله اللهم الیک اسلمت نفسی والیک فوضت امری والیک وجهت وجهی
وعلیک توکلت یا رب العالمین اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی
وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی لا اله الا انت لا قوة الا بالله اسئل الله
العفو والعافیة من کل سوء فی الدنیا والآخرة اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر
ومن ضیق القبر ومن ضغطة القبر واعوذ بک من سطوات اللیل والنهار اللهم رب
الشهر الحرام ورب البیت الحرام ورب البلد الحرام ورب الحل والحرام ورب الرکن
والمقام بلغ محمدا وآله عنی السلام اللهم انی اعوذ بک بدرعک الحصینة واعوذ بجمعک
ان تمیتنی غرقا او حرقا او شرقا او قودا او صبرا او مسموما او تردیا فی بئر او اکل السبع
او موت الفجاة او بشیء من میتة السوء ولکن امتنی علی فراشی فی طاعتک وطاعة
رسولک صلواتک علیه وآله مصیبا للحق غیر مخطئ او فی الصف الذی نعتّ اهله
فی کتابک کانهم بنیان مرصوص مصیبا للحق غیر مخطئ واعیذ نفسی وولدی واهلی
ومالی وولدی [illegible] برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب

در آفات دروغ

ان نیکی باشد خواندن
[illegible]
[illegible]
بوجهی و بکمال سر عظیم پس
ای عزیز [illegible] از دروغ
گفتن و در وقت نماز و دعا
و مناجات با قاضی الحاجات
توجهی پیدا کن و ببین با کرم
میگوئی و از دل با که میگوئی
اگر با ایشان [illegible]
[illegible]
نعوذ بالله العیاذ بالله بغفلت
[illegible]
[illegible] سید اجل علی بن
طاوس رضی الله عنه در کتاب
اقبال در عمل ماه مبارک رمضان
فرموده که مبادا [illegible]
از دعای این ماه را که متضمن
[illegible]
[illegible]
این کلمات [illegible] دروغ
[illegible]
ایاک من تقول به تعبد
وانت عبد لهوا لا تعبد
[illegible] ایاک نستعین
وانت عن الله [illegible]
و مناسب فی المقام قول [illegible]
[illegible]
بل اعوذ اعوذ بالله [illegible]
[illegible]
[illegible] اعوذ بالله من الشیطان
[illegible] اعوذ دیگر لا حول
[illegible]

ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد
واعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی برب الناس ملک الناس
اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس
الحمد لله عدد ما خلق الله والحمد لله مثل ما خلق الله والحمد لله ملاء کلماته والحمد لله
زنة عرشه والحمد لله رضاء نفسه لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی
العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن
ورب العرش العظیم اللهم انی اعوذ بک من درک الشقاء واعوذ بک من شماتة
الاعداء واعوذ بک من الفقر والوقر واعوذ بک من سوء المنظر فی الاهل والمال و
الولد وصلوات بر محمد وآل محمد بفرستد ده مرتبه **اوراد اذکار** مرکز تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام را در عقب هر فریضه بگوید پیش از آنکه تغییر دهد جای نشستن خود را و ثواب آن بسیار است در حدیث
است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود مردی از بنی سعد گفت که آیا من حکایت نکنم
از خود و از فاطمه علیها السلام گفت بلی فرمود که فاطمه علیها السلام تمام کارهای خانه را
بدست مبارک خود میکرد تا آنکه مشک آب کشید و دستاس میکرد و خانه میروفت و طعام می پخت
و بدین سبب در بدن مبارکش اثرها ظاهر شد روزی آنحضرت فرمود که بروی گفتم این حال را با حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و آله عرض کن و بجهت خدمتکاری از آن حضرت طلب کن که کمک نماید در کار
آمد بخدمت پدر بزرگوار خود در خدمت آنحضرت جماعتی بودند بنا بر آنکه نزد آنحضرت معلوم شد
که برای حاجتی آمده بود و رفت دیگر فرستاد و بعد از طلب فرمود که حاجت امشب
و دیگر آنکه آنحضرت فرمود بخانه ما درین وقت آن حالی که رو داده شرم آمد که عرض کند امیر
المؤمنین عرض کرد که یا رسول الله او را شرم میآید من احوال او را عرض کنم و تفصیل آن
احوال را عرض فرمود آنحضرت فرمود که من شما را چیزی تعلیم کنم که بهتر از خدمتکار باشد
در هر صبح سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله
بگوید پس از آن حضرت فاطمه علیها السلام سر بسوی آسمان کرد و قبول فرمود که راضی شدم از
رسول خدا تا سه نوبت این را فرمود **و روایت** کرده شیخ ابو البرکات که پیغمبر
کرسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که میخواهد که بیرون رود از دنیا خالص و پاک گردد از
گناهان همچنان طلای خالص که در آن غش نمانده باشد و بر او مظلمه از کسی نبوده پس باید که

سوره جن خوانده و آیت ... اعوذ میخوانند
طرفه خالی کردند بیگانه
شده همراه صاحب خانه
میکند مهمانان و صهر
در بند کو بگو کرده دیگر
چون حرمت کند با ...
پس باید از آن اجتناب نمائی
خوشنود انگاه دارم گفت که
طریقه خلاصه از کتب است
پیوسته آیات و اخبار بکند
از آنست تأمل کنی و هم ...
در دروغ گفتن اعتقادات ...
و مایه سقوط عزت و ...
و خواری است و دیگر است
رسوائی در دروغگو ... [illegible]
نبیند که حق ... و فراموشی را
یادگار است و این ... [illegible]
است بجهت بکند ... [illegible]
مشهور است که دروغگو حافظه
ندارد و ... [illegible]
سلب اعتماد و موجب اعتقاد
چه دروغ گفتن حضرت ... [illegible]
اگر جاحد ملتزم شود ... [illegible]
مهمانان ... [illegible]
یوسف پیغمبر علیه السلام که ...
دروغ موصوم شدند ... [illegible]
گفتن ... [illegible] تعالی
الله تعالی ... [illegible]
آنرا صبر جمیل ... [illegible]
خود نائب در ... [illegible]
گو عطیه ... [illegible]
ناشد ... [illegible]

در عقب هر نماز از پنج نماز ده مرتبه قل هو الله احد بخواند بعد از آن دستها بردارد
و بگوید اللهم انی اسألک باسمک المکنون المخزون الطاهر الطهر المبارک واسألک باسمک
العظیم وسلطانک القدیم یا واهب العطایا ویا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار
اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعتق رقبتی من النار واسألک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تعتق رقبتی من النار وتخرجنی من الدنیا سالما وتدخلنی الجنة آمنا وان
تجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا انک انت علام الغیوب
و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که این دعا از پنهانیهای آنحضرت است که تعلیم فرموده
و امر کرده که تعلیم امام حسن و امام حسین علیهما السلام کنم **دعای دیگر** روایت است که پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود هر که در عقب هر نماز فریضه این دعا بخواند محفوظ ماند در
مال و دین و فرزندان و آنچه مهم گردد دعا این است اللهم اغفر لی ما قدمت وما اخرت وما
اعلنت وما اسررت واسرافی علی نفسی وما انت اعلم به منی اللهم انت المقدم وانت
المؤخر لا اله الا انت بعلمک الغیب وبقدرتک علی الخلق اجمعین اللهم ما علمت الحیوة
خیرا لی فاحینی وتوفنی اذا علمت الوفاة خیرا لی اللهم انی اسألک خشیتک فی السر و
العلانیة وکلمة الحق فی الغضب والرضا والقصد فی الفقر والغنی واسألک نعیما لا
ینفد وقرة عین لا تنقطع والرضا بالقضاء وبرد العیش بعد الموت ولذة النظر
الی وجهک وشوقا الی لقائک من غیر ضراء مضرة ولا فتنة مضلة اللهم زینا بزینة
الایمان واجعلنا هداة مهدیین اللهم اهدنا فیمن هدیت وعافنا فیمن عافیت
وتولنا فیمن تولیت وقنا شر ما قضیت انک تقضی ولا یقضی علیک اللهم انی اسألک
عزیمة الرشاد والثبات فی الامر والرشد واسألک شکر نعمتک وحسن عافیتک و
اداء حقک واسألک یا رب قلبا سلیما ولسانا صادقا واستغفرک لما تعلم واسألک
خیر ما تعلم واعوذ بک من شر ما تعلم فانک تعلم ولا نعلم وانت علام الغیوب حضرت
صادق علیه السلام فرمود که هر که بعد از نماز فریضه این کلمات بگوید از جمیع آفتها محفوظ
ماند و کلمات این است اجیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکلما هو منی بالله
الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد واجیر نفسی ومالی
وولدی وکلما هو منی برب الفلق من شر ما خلق تا آخر سوره وبرب الناس تا آخر سوره

نشان دهد دروغگویان ...
میکوشد تا است که گوئی ملک نگوید
و ضد دروغ صدق است که
اشرف صفات و دروغ ... خلاف
ملکیات است و حق تعالی فرموده
اتقوا الله وکونوا مع الصادقین
و در حدیث ... [illegible]
بمرتبه صدیق ... [illegible]
و اخبار ... [illegible]
است ... [illegible]
که صدیقان ... فائده
از بیانات سابقه گردید ذکر
شد از اوصاف و اخلاق است
ظاهر شد که بسیاری از آفات
از غیبت و بهتان و دروغ و
شماتت و سخریه و جدال و
مزاح و تکلم به فضول و خوض
غیرها از آفات زبان است
ضرر این عضو با انسان زیاده
از سایر اعضاست ... [illegible]
الات است از برای شیطان
بجهت گمراه نمودن بنی نوع
چه این عضو ... [illegible]
وسیع الجولان ... [illegible]
مطلق العنان ... [illegible]
او را ... [illegible]
و از این جهت است که ... [illegible]
رسول است که ... [illegible]
داخل جهنم میکند ... [illegible]
... [illegible]
که هر که عضو ... [illegible]
... [illegible]
محفوظ است ... [illegible]

وبالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر آیة الکرسی و دیگر سید ناصح الدین ابو البرکات
روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که ای علی بخوان در تعقیب هر نماز آیة الکرسی
که محافظت بر او نمیکند مگر نبی یا صدیق یا شهید و حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام فرمود که اول چیزی که در تعقیب هر نماز فریضه بخوانید این است که اللهم صل علی محمد و آل محمد
اللهم انا نسئلک من کل خیر احاط به علمک و نعوذ بک من کل شر احاط به علمک اللهم
انا نسئلک عافیتک فی امورنا کلها و نعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة و
آنحضرت فرمود که جبرئیل علیه السلام نازل شد بر یوسف پیغمبر علیه السلام در زندان و گفت
ای یوسف این دعا بخوان در تعقیب هر نماز فریضه که اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم اجعل
لی من امری فرجا و مخرجا وارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب امام محمد
باقر علیه السلام منقول است که در تعقیب نماز فریضه این دعا را اللهم اهدنی من عندک و افض
علی من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکاتک و روایت است که
هلقام بن ابی هلقام النماس که از امام موسی علیه السلام کرد او را دعای جامع مختصری تعلیم
فرمود بعد از صبح تا برآمدن آفتاب این کلمات را بگو که سبحان الله و بحمده استغفر الله
اسئله من فضله هلقام گوید که حال من پریشان بود چون مداومت کردم دیدید بمن
میراث بیشمار از جانب خویشی که گمان نداشتم که میان من و او خویشی باشد و امروز من از اغنیا
مردمم از اهل بیت خود و این بسبب تعلیم آنحضرت بود مرا بان دعا دعای دیگر برای گشایش
رزق مروی است از آنحضرت که بگوید اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد
وان تسئلک خیر ما ارجو و خیر ما لا ارجو واعوذ بک من شر ما احذر و من شر ما
لا احذر و الحمد لله بخواند و آیة الکرسی و شهد الله و آیه سخره یعنی ان ربکم الله
الذی تا سوره اعراف تا قریب من المحسنین و بعد از آن سه بار بگوید سبحان ربک
رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و بعد از آن سه
بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی فرجا و مخرجا وارزقنی من حیث احتسب
و من حیث لا احتسب منقول است از امام رضا علیه السلام که هر که در تعقیب نماز صبح
این دعا بخواند هیچ حاجتی نخواهد مگر آنکه روا شود و هر مهمی او را باشد کفایت کند و
این است بسم الله و صلی الله علی محمد و آله و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

علیه السلام که بهشت مشغول است
که هیچ روزی نیست مگر آنکه
هر عضوی از اعضا زبان را خطاب
میکند و میگویند ترا بخدا که
حق ما را از عذاب بترس که اگر تو
راست باشی ما همه راستیم و
اگر تو کج شوی ما همه کج شویم
لهذا اکثر معصیتهای خلق بزبان است و
مناسب نیست ثنا از زبان است
شعر
زبان بیجا سر بباد دهد
زبان را علم کن عاقل دانا
وصل همه آفات زبان
خاموشی است که سنا و حاجت
نظر همه کس بزبان است و محرم
و خاموشی زینت عالم و پرده
جاهل است شعر
چو در بسته باشد چه داند کسی
که جوهر فروش است یا پیله ور
و نیکو ... زبان را
حکمت و باعث جمعیت خاطر و
موجب تمام ... و صفای
فراغت از برای ذکر و سلامتی
دنیا و آخرت است و رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود
من صمت نجی هر که خاموش شد
نجات یافت و نیز فرمود هر که
ایمان بخدا و رسول دارد باید
هر سخنی که میگوید خیر باشد
یا خاموش گردد و از حضرت
عیسی علیه السلام مرویست که عبادت
ده جزو است نه جزو آن خاموشی
است و یکی دیگر فرار از مردم
و جناب لقمان پسر خود را

تو بقیه الله سیئات ما عملوا مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی
و نعم النصیر فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله کان و لا حول و
لا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله و ان کره الناس حسبی الرب من المربوبین
حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الله رب العالمین
حسبی من هو حسبی حسبی من لم یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم دعای دیگر مرویست که هر که این
دعا را بخواند در تعقیب هر نماز فریضه و مداومت نماید بر آن خداوند زینت کند که از
زنکه ملائکه گردد و دعا این است اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم ان عندک و بوعدک
الصادق المصدق صلوات الله علیه و آله قال ان الله قال ما ترددت فی شیء انا
فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت و اکره مسائته صل علی
محمد و آل محمد و عجل لاولیائک الفرج و النصر و العافیة و لا تسؤنی فی نفسی و لا فی احد
من احبتی برحمتک یا ارحم الراحمین دعای دیگر مرویست که سه بار بخواند و قبل که
بنشیند دست خود را بر محاسن خود نهد و گردن باشد و دست چپ را جانب آسمان بگرداند و بگوید
یا ذا الجلال و الاکرام صل علی محمد و آل محمد و اجرنی من النار بعد از آن برداشته
دست را بجانب آسمان سه بار بگوید یا عزیز یا کریم یا عفو یا رحیم و بگرداند
دست مرد و دست را باسمان سه بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجرنی من العذاب
الالیم صل علی محمد و آل محمد و فقهنی فی الدین و حببنی الی المسلمین و اجعل لی لسان
صدق فی الآخرین فاذقنی جنة المتقین یا الله یا الله یا الله انا نسئلک بحق من حقه
علیک عظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستعملنی بما عرفتنی من حقک و ان تبسط
علی من حلال رزقک دعای دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حسبی الله لدینی و حسبی
الله لدنیای و حسبی الله لآخرتی و حسبی الله لما اهمنی و حسبی الله لمن بغی علی و حسبی
الله عند الموت و حسبی الله عند المسألة فی القبر و حسبی الله عند المیزان و حسبی الله
عند الصراط و حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم دعای
دیگر و این دعا را دعای حزین گویند مرویست که حق سبحانه و تعالی فرموده که

فرمود ای فرزند اگر پنداری
که سخن از نقره است
بدانکه سکوت طلا است و حضرت
باقر العلوم علیه السلام فرمود
که این نیست شیعیان ما مگر
لال ما را با نمای ایشان لال است
و نقل شده که بعضی از صحابه
بودند که سنگ ریزه در دهان
خود مینهادند تا از سخن
نگویند پس از آنچه مذکور
شد معلوم شد که خاموشی
موجب سهولت و آسانی فتح
جمیع طاعات و عبادات است پس
خاموشی عادت کن و از خوابها
از غفلت ... شعر
صمت عادت کن که از لب گفتن
میشود نطق را ز بن جنت الحمد
و بعا تکبر ... ز لب از خاموشی
نیست تا گران مصلحت بد نیست
نادان بودی شعر
چون نماند ... کمال ... آن
که زبان ... فان ... نماند
ادبی را زبان ضعیف کرد
جوز ... را
صفت نوزدهم
در محبت جاه و شهرت است که
از محبت مال بیشتر است حقیقت
این صفت ... و ...
تا الت ... ولهای ایشان نشد

(نظامی)
لاف از سخن چو در توان زد
آن خشت بود که پر توان زد

هر که خواهد از امت تو که من نماز او را دو چندان بالا برم پس باید که در عقب نماز
که او را فرض کرده‌ام دو رکعت نماز بگذارد تا شکر باشد بگوید یا سیدی الابرار یا مبین
الکتاب یا شارع الاحکام و یا ذارئ الانعام و یا خالق الانام و یا فارض الطاعة و یا
ملهم الدین و یا موجب لعبد انا لک یعنی بزکیة کل صلوة زکیتها له و نحن من زکیتها
ان تجعل صلوتی هذه زاکیة متقبلة تقبلها و تصیر لدیک بها زاکیا و الهامک فی قلبی
حسن المحافظة علیها حتی تجعلنی من اهلها الذین ذکرتهم فیها الخشوع انت ولی
الحمد کله فلا اله الا انت فلک الحمد کله بکل حمد انت له ولی التوحید کله بکل وانت
ولی التوحید کله فلا اله الا انت فلک التوحید کله بکل توحید انت له ولی وانت
ولی التهلیل کله فلا اله الا انت فلک التهلیل کله بکل تهلیل انت له ولی وانت
ولی التکبیر کله فلا اله الا انت فلک التکبیر کله بکل تکبیر انت له ولی وانت ولی
التسبیح کله فلا اله الا انت فلک التسبیح کله بکل تسبیح انت له ولی رب صل علی صلوتی
و تقبلها زاکیة متقبلة انک انت السمیع العلیم حق سبحانه و تعالی فرمود که هر که این چنین
گوید بعد از هر نماز او را دو چندان در لوح محفوظ امام محمد باقر علیه السلم فرمود که
دعا بعد از نماز فریضه افضل است از بعد نماز نافله مثل فضل فریضه بر نافله امیر
المؤمنین علیه السلم فرمود که هر که نماز فریضه بموجب فرموده بجای آورد پس مر او را
دعوتی مستجاب بجهت او میشود **در سجدهٔ شکر** اسحق بن عمار گوید که امام جعفر صادق علیه
السلم فرمود که موسی علیه السلم هر گاه نماز گذاردی بیرون نرفتی از قبله تا طرف راست روی
خود را و طرف چپ آنرا بر خاک نهادی امام محمد باقر علیه السلم فرمود که خدای تعالی وحی
فرستاد بموسی پیغمبر علیه السلم که آیا میدانی که چرا ترا از میان خلق برگزیدم و با تو سخن گفتم
یا سبب عرض کرد نه حضرت حق تعالی فرمود که من نظر نمودم الی جمیع بندگان خود را دیدم
ایشان از روی عبادت خوارتر از تو و فروتن نیافتم چه تو هر بار که نماز میگذاری روی
خود را بر خاک مذلت مینهی امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که هر گاه بنده از روی نیاز
سجده کند و بگوید یا رب یا رب یا رب تا آنکه نفسش منقطع شود حضرت خداوند
فرماید لبیک ای بنده من حاجت تو چیست ابو عبد الله علیه السلم مروی است که هر
مسلمانی نباید بعد از نماز سجدهٔ شکر بجای آورد که موجب تمامی نماز و رضای خدا

در حکایت سیرت

وارد از مهالک عظیمه است
و آیات و اخبار در مذمت آن
بی شمار وارد شده است و در
خبر است که دو گرگ درنده که
در جایگاه گوسفندان باشند
این مقدار گوسفندان را
فاسد نمیکنند که دوستی مال
و جاه در دین مسلمان و نیز وارد
شده که خدا با ایمان شاکی
هستند که دوست طالب جاه و عقب
ایشان که راه روند و نیز
دیگر خبر است که بس است از بدی آنکه
انگشت نمای مردم باشد مگر
در این باب اخبار بسیار وارد شده
و سلامتی از اخبار هر که
الجمله از شیوه بی صفتی داشته باشد
ظاهر است که از بهاست صفت
بی تو غالب عظیمه منبع
ذنوب بی تاخیر است مر طالب
منصب جاه بجز ابتلای دنیا
و دین خود را طالب نیست
آدم تا ابد ام اکثر علماء و فضلا
با انبیا و اوصیا با شوخ چشم
نداشته شعر
ای که منصب بکند با جاه ملک
از ضعف که کند صد ابتلا
وز مفاسد این صفت جمله که
میکنی منت صاحبان ...
خانه خلق است ...
دنیا اعمال ... خود را در نظر
مردمان جلوه میدهند و
شب مثل خبر است که چرکا بکنی

و تعجب فرشتگان از او است و فرمود که بنده چون نماز گذارد و بعد از آن سجدهٔ شکر بجای آورد
حق تعالی میان او و فرشتگان پرده حجاب بر میدارد و با فرشتگان خطاب میفرماید که ملائکه ببینید
بنده من که فرض مرا ادا نمود و عهد مرا اتمام کرد بعد از آن سجدهٔ شکر مرا بجای آورد بر نعمتی
که بروی انعام کرده‌ام ای فرشتگان چه در عوض این مر او را چه رسد فرشتگان گویند که ای پروردگار
رحمت تو پس دیگر حق تعالی فرماید که دیگر چه باشد مر او را گویند بهشت تو دیگر
فرماید مر او را چه باشد گویند پروردگارا کفایت مهم او فرماید حق تعالی که مر او را دیگر
چه باشد گویند بارخدایا باقی نماند از خیر الا که گفتیم پروردگارا دیگر علم ما نیست
پس میفرماید حق تعالی که جزای شکر او را بدهم چنانکه او مرا شکر کرده و رو آورم بسوی او
بفضل و رحمت خود و او را در مقام قرب بنشانم امام زین العابدین علیه السلم در سجدهٔ
شکر این میفرمود که اللهم ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک
و هو الایمان بک منا منک علی لا منا منی علیک و ترکت معصیتک فی ابغض الاشیاء
الیک و هو ان ادعو لک ولدا و ادعو لک شریکا منا منک علی لا منا منی علیک و عصیتک
فی غیر اشیاء علی وجه مکابرة و لا معاندة و لا استکبار عن عبادتک و لا جحود لربوبیتک
و لکن اتبعت هوای و استزلنی الشیطان بعد الحجة و البرهان فان تعذبنی فبذنوبی
غیر ظالم و ان تعف عنی و ترحمنی فبجودک یا ارحم الراحمین **و مروی** است که از امام
بن عبد الحمید که حضرت صادق علیه السلم فرمود که هرگاه بتو غمی رسید دست
مسح کن دست خود را در موضع سجود پس بکش دست خود را بر روی خود در جانب چپ
خود تا طرف پیشانی راست سه بار بگو بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و
الشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الغم و الحزن **و مروی** است که هر که در سجده
یا رباه یا رباه چندان بگوید که نفسش منقطع شود جواب داده شود که حاجت خود را
بخواه که روا است و بعضی از ائمه علیهم السلم در سجده میفرمودند یا الله یا رباه یا رباه
تا منقطع شد نفس ایشان و بعد از آن دعا میفرمودند که سجدت لک یا رب طالبا من نوالک
سجدت لک یا رب فارا من عقابک سجدت لک یا رب خائفا من سخطک بعد از آن
میفرمودند یا الله یا رباه یا ربی تا منقطع شد نفس ایشان و بعد از آن دعا میفرمودند و مروی
است که امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که نگذشت کردی رسول صلی الله علیه و آله

در علاج حب ریاست

که مر او را درون دشوار است
افزاید و این بس است که
الکافر با غافل از جاه بر آید
گریزان بوده‌اند که چه بیدا
که جمیع انام ریاست غایب
شمار ... از آفت
آن محبوب است و تحصیل آن
غیر از عسرت است و علاج آن
بعد از تامل در آیات و اخبار
و کثرت آفات آن که
نهایت آن فناء جاه و ریاست
تا هنگام مرگ است چرا که آن
تا ابد ... خود ظاهر است
که ... فانیست
فنا بعد غافل از آن خود رسند
نمیگردد و تامل کند تا که
تو هم چون کلاغ خواهد بود
که جاه و مال اهل از آن بود
دارا و دو دنگان برده در دست
حلقهٔ اطاعت بند در رقاب و دین
دشمنان ... فرمان او
بنیاد بودند و حال اکثر آن
ایشان نشانی ... تو ببین
از آن ایشان ... پس چنانست
... که چاه و مال که ...
حال تو چون حال ایشان خواهد
بود ... حکایت خواهد
گذشت و شود تا چشم بهم زنی
این جاه و مال ... با تو
بر آید سعدی
در دنیا که بیست روزگار
... که ... تو ...
بی شرر ... دارند بهشت
باید که ... و حشت

بمرد و او در سجده بود و میگفت که یا رب ماذا علیک ان ترضی کل من کان له
عندی تبعة وان تغفر لی ذنوبی وان تدخلنی الجنة برحمتک فانما عفوک عن
الظالمین وانا من الظالمین فلتسعنی رحمتک یا ارحم الراحمین آنحضرت فرمود که سر
از سجده بردار که دعای تو مستجاب است چه تو دعا کردی بدعای پیغمبری که در عهد عاد بود

در دعای چند که متعلق است بحال خواب و بیداری آنچه متعلق است بخواب

مروی است از امام جعفر صادق علیه السلم که حق تعالی دشمن میدارد بندهٔ بسیار خواب و
فارغ را و نیز فرمود که خواب بنده دین و دنیا است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرموده که خواب در اول روز موجب محرومی از رحمت است و پیش از پیشین روز نعمت است و بعد
از عصر حماقت است و میان شام و خفتن مانع روزی است و دیگر حضرت صادق علیه السلم
فرموده که هر که با وضو باشد در جامهٔ خواب دراید جامهٔ خوابش حکم مسجد او دارد و
همچنین است هر گاه دراید و وضو ندارد چون با وضو باشد و بجامهٔ خواب دراید گویا همیشه در
نماز و در ذکر باری تعالی است و دیگر فرموده که هر گاه که چراغ روشن کنید این دعا بخوانید
اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس ولا تحرمنا نورک یوم نلقاک اللهم اجعل لنا
نورا الیک نور لا اله الا انت و هر گاه چراغ خاموش کنید بگوئید اللهم اخرجنا من
الظلمات الی النور محمد بن مسلم گوید که امام محمد باقر علیه السلم فرموده که هر گاه سر بر
بالین نهید بر دست خود بخسبید بگوئید اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی
الیک و فوضت امری الیک والجات ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک ورغبة
الیک لا ملجا ولا منجا منک الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی
ارسلت و بعد از ان تسبیح فاطمهٔ زهراء علیها السلم بگویند و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود که هر گاه ترا در خواب پریشانی روی نماید قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و آیة الکرسی بخواند و دیگر قل یا ایها الکافرون بخوان که سبب دوری از شرک است
و قل هو الله احد موجب قرب مقام حق تعالی است مروی است از امیر المومنین علیه
السلم که میفرمود که هر که آیة الکرسی بخواند در عقب هر نماز فریضه مانع نشود او را از دخول
بهشت مگر مرگ و مداومت بران ننماید مگر صدیق یا عابد و هر که بخواند در حال خواب
کردن ایمن گرداند حق تعالی او را و از اوقات و همچنین همسایهٔ او را و خانه‌های که در حوالی

در صفت [illegible]

کسانی که از ما نسبت میدزدند
یا سعد تو از خاک ما بگویند
پیر از ما نیستی گرد هند جستان
نشنیند با یکدیگر در نشست
پی از این تا مل لحن م مکنم
کی در گرفتاری غم و غصه
ار ایمانی با یاری خدا چه صفات
جاه دانم هدف تیر از راه رنج
دیو کشته از دلی دغل خود
هر اسانی است هر لحظه دامن
خاطرش در چنگ فکر باطل
گاهی در فکر مواجب و گاه
در زمانی در غم سود ها
روز گار دش متعلق کوی چنین
و پایان عمر می شد عرش
بغفات ابتدای با انجام میا
نه او را در شب خواب در نزد
روز از شرحی فارغ شرح
این مقام ما الا آن است که
درا بجا بحد بمن کجا
گنجم **وصل عشق** ما
عشق کتمان است که آن
شعبه‌ای است از علم راز صفات
حسن مقربین واعلام محل
بهشت است خدا دوست دار
شخص گناه ما بکند بعضی
روایات است که حق تعالی
مقام حسن بر بعضی از بندگان
خود میفرماید که آیا انعام
نکردم آیا از رحم بعشید
نداشتم آیا انعام را از نعمات
بدم که نکردم الحمد نعمت
بالا از آن بکر کی خدای

و دیگر آنحضرت فرمود که هر که قل هو الله احد بخواند در وقتی که بجامهٔ خواب میرود حق
هر گاه پنجاه سال گناه او را بیامرزد **محمد** بن مسلم روایت کرده است از امام محمد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السلم که این دعا را بخوانند در وقت خواب کردن اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی
و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة این دعا است که
جبرئیل علیه السلم تعویذ نمود بان امام حسن و امام حسین علیهما السلم را و امام جعفر صادق
علیه السلم فرموده که هر که این دعا را در وقت خواب سه نوبت بخواند بیرون میاید گناهان خود
همچو روزی که از مادر زائیده باشد و دعا این است الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی
بطن فخبر والحمد لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو
علی کل شیء قدیر **و روایت** است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که در وقت
خواب سورهٔ الهیکم التکاثر بخواند نگاه داشته شود از فتنهٔ قبر و فرمود که هر که ترسد از
شکنجه باید این کلمات بگوید اعوذ بکلمات الله من غضبه و من عقابه و من شر عباده و من
همزات الشیاطین **امیر المومنین** علیه السلم فرموده که هر گاه یکی از شما خواهد که بخوابد
باید که رو بجانب راست بخسبد و دست راست زیر سر بنهد و بگوید بسم الله وضعت
جنبی لله و علی ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایة من افترض الله طاعته
ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر هر که این کلمات
بگوید در وقت خواب نگاه داشته شود از دزد و فرو آمدن بنا و استغفار کنند بجهت او فرشتگان
و هر که در وقت خواب قل هو الله احد بخواند حضرت پنجاه فرشته موکل او گرداند تا او را
پاسبانی کنند در آن شب **در خوف از دزد** و مروی است که هر که شب از دزد ترسد
باید که در محل خواب این آیهٔ شریفه بخواند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله
الاسماء الحسنی تا آخر سورهٔ بنی اسرائیل **در احتلام** امام جعفر صادق علیه السلم
فرموده که اگر کسی را احتلام برسد بگوید در وقت خواب که اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام
و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة و المنام **در ترس از بیخوابی**
هر که از بیخوابی ترسد بگوید نزد خواب کردن سبحان الله ذی الشان دائم السلطان
عظیم البرهان کل یوم هو فی شان یا مشبع البطون الجائعة و یا کاسی الجسوم العاریة
یا مسکن العروق الضاربة یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة و ائذن

در حکایت [illegible]

خود را شناسد و بقلیل از دنیا
قناعت کند کسی را شناسند
چون شب داید بعد از عبادت
خود دامن را بسر کشد بخواب
دیگر چون روز شود بجا طرح جمع
خود میپردازد و با این حال بود
که کار بدین بلند صالحین
کنج تنهائی را گرفته دنیا
خود را خلیل دنیا مشغول
و می بود بسته باز زندگی
خود را او از شست و شو می بیند
صفت بلیسم
محبت شان دمی که را اهل
مذمت است زان ...
دانش ملکات است زیرا که چنین
کسی پیوسته طالب ضایع
است و گفتار و کردار خود را
بدو خوش خواهش و میل ایشان
میادو مدد به سبب مدح
از ذم و مطلقا ملاحظه رضا
خالق منظور او نیست پس
باشد که رضا خاطر او کند
محرمات را بعمل آورده و امر
بمعروف و نهی از منکر ترک
نماید و از حق و انصاف
کند و شبهه نیست که
باعث هلاکت است **و روایت**
شده که روز عیدی
در خدمت حضرت رسول صلی
الله علیه و آله آنحضرت فرمود
که اگر کسی لا کرده کنید
خاصر بود پنج خود امی بود
که این حالت بمیرد داخل آتش

یعنی نوما فاجلا و دیگر آیة الکرسی بخواند و اذ یغشیکم النعاس امنة الخ الآیه و دیگر
وجعلنا نومکم سباتا تا **در ترس از زلزله** هرگاه از زلزله و هدم ترسد در وقت خواب
این آیه بخواند که ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا **در ترس از عقرب و غیره** امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که هر که این کلمات بگوید من ضامنم او را که عقرب و هیچ گزنده نگزد او را تا
صبح شود اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و
من شر ما برأ و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم **امام رضا**
علیه السلام هرگاه نظر میفرمود بستاره خودی که او را سها میگویند و در میان ستارهای بنات
النعش است این دعا میخواندند اللهم رب هود بن اسمر اعذنی من شر کل عقرب و حیة
و میفرمود که هر که این دعا را سه نوبت در وقت نظر کردن سوی آن کوکب بخواند شب گزند او را
عقرب و مار و در روایت دیگر فرموده که اسحق بن عمار گفت مرا ابی عبدالله علیه السلام و اکرمی از
عقرب یعنی شر مار فرمود که تو نظر کن به بنات النعش که ستاره دنباله آن پهلوی ستاره میان آن
سه ستاره ستاره بغایت خورد است که عرب او را سها میگویند که مردمان نیز چشم ابدا از آن
و در حال نظر کردن سوی این ستاره سه نوبت بخوان اللهم رب اسلم صل علی محمد و آل محمد
و عجل فرجهم و سلمنا من شر کل ذی شر **اسحق** بن عمار گوید که من ترک نکردم او را در
عمر خود مگر یک بار پس مرا عقرب زد **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که هیچ کس نباشد
که آیه آخر سوره الکهف بخواند یعنی قل انما انا بشر مثلکم الخ در وقت خواب مگر وقتیکه
خواهد که بیدار شود در آن ساعت بیدار شود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که
خواهد که شب برخیزد چون بخوابگاه بیاید این دعا بخواند که اللهم لا تؤمنی مکرک و لا
تنسنی ذکرک و لا تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة کذا وکذا پس بدرستیکه حق سبحانه و تعالی
فرشتگان را موکل میگرداند بر او که در آن ساعت او را بیدار کنند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله هرگاه تکیه فرمودی بر پهلوی راست فرمودی دست راست را در زیر روی مبارک
آوردی از طرف راست و فرمودی که اللهم انی اسلمت نفسی فی منامی فاغفر لها و ان
ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادک الصالحین و امام جعفر صادق علیه السلام هرگاه
بخوابیدی در اول شب آواز خود را بلند گردانیدی تا اهل بیت او بشنوانیدی و فرمودی که

مثل دو دارو شد که خاک
بفشاند بصوت کسانیکه
کند مردم را در حضور
دارو و صاحب این صنعت
مرتبه است و گل اگر چنانکه
مفرح باشد که اسباب آن
از ارتکاب محرمات باشد بعلاوه
دیگر اگر طالب مفرح باشد
اما از اکل محرمات
بعلاوه بلکه بجهات
که حاصل شود اکتفا کند
اگر طالب مفرح باشد لکن
اگر کسی او را مفرح کرد نشاط
در او پیدا شود
لکن بعلاوه اگر
نشاط دیگر
باعث هلاک بلکه هلاک
است
نقصان
و علاج این مرض
آن است که ملاحظه کند نشاط
خود را از مفرح کردن
چیز است یا بکمال است
خود جلیسی یا حب جاه و شهوت
است یا امثال اینها
علاج کند
تامل کند
مفرح حضور
غرض بیشتر بلکه مفرح
است از برای
بعلاوه اگر
و کذب و نفاق است
است که مثل

اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی المضطجع وارزقنی خیر ما بعد الموت و مرویست
که رسول صلی الله علیه و آله هرگاه که از خواب بیدار شدی سجده کردی خدای را و چون بخواب
رفتی چشمش در خواب بودی و دلش بیدار و فرمودی که دل من انتظار وحی میداند و چون خواب
مخوف در خواب بینی فرمودی که هو الله لا شریک له و چون از خواب بیدار شدی فرمودی
که سبحانک الله الذی یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر و چون برخاستی از برای نماز فرمودی
که الحمد لله نور السموات والارض و الحمد لله قیوم السموات والارض و الحمد لله رب السموات
والارض و من فیهن انت الحق و قولک الحق و لقاؤک الحق و الجنة حق و النار حق و
الساعة حق اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و الیک انبت و بک
خاصمت و الیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت و ما اخرت و ما اسررت و ما اعلنت
انت الهی لا اله الا انت و پیش از وضو مسواک فرمودی **و روایت** کرده امیر المؤمنین
علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون از خواب بیدار شدی فرمودی که الحمد
لله الذی بعثنی من مرقدی هذا و لو شاء لجعله الی یوم القیمة الحمد لله الذی جعل اللیل
والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا
والنوم سباتا و جعل النهار نشورا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
الحمد لله الذی لا یجن منه الجود ولا یکن منه السور ولا یخفی علیه ما فی الصدور
ابو عبدالله روایت کرده از امیر المؤمنین علیه السلام که چون یکی از شما از خواب بیدار
شود بگوید که لا اله الا الله والحی القیوم و الله علی کل شیء قدیر سبحان رب النبیین
و اله المرسلین سبحان رب السموات السبع و ما فیهن و رب العرش العظیم و الحمد لله
رب العالمین پس چون بنشیند بعد از بیدار شدن بگوید پیش از آنکه برخیزد که حسبی الرب
من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ کنت حسبی الله و نعم الوکیل **دعای دیگر** الحمد لله الذی
احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده
هرگاه نظر کند بجانب آسمان این دعا بخواند یا نور النور یا مدبر الامور یا من یلی الذین
و یمضی العباد بالمضی مقادیر ربی هذا الی السلامة والعافیة و بعد از آن پنج
آیه از آخر سوره آل عمران بخواند که ان فی خلق السموات والارض تا لا تخلف
المیعاد مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه یا نبی

حضور او در دو غم چند برهم باشد
دارد الحق خوش آید و چه خوش است
در این مقام این بیت از سعدی که
فریب دشمن مخور و غرور مداح
مخر که این دکان نهاده و آن دهن
طمع گشاده شعر
الا تا نشنوی مدح سخنگوی
که اندک مایه نفعی از تو دارد
اگر روزی مرادش بر نیاید
دو صد چندان عیوبت بشمارد
و آن امری که از مذمت نیز
آن بنی بالمقابله معلوم شد و
علاج آن است که تامل کند اگر
آن شخص در آن مذمت راستگو
و غرضش نصیحت است پس چه جای
کراهت است بلکه سزاوار است که
شاد شود و او را دوست خود داند
و شکر کند
بر دو شکر
که گوید فلان چاه در راه است
چه خوش گفت آن مرد دارو فروش
شفا بایدت داروی تلخ نوش
و اگر غرض ایذای تست باز هم
باید شاد شود و شکر او را دارد
بگو غیر چه او آگاه کرد پس که
حاصل آن باشد از بودن
پسندیده از عیب جوی خود هم
که معلوم شود عیب خودم
و اگر در آن مذمت دروغگو بود
پس باید که فراموش کند کلام
است بعلاوه اینکه
و خدا از عیب خالی باشد
دیگران

خروس را بشنوید بگوئید سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبقت رحمتک غضبک
لا اله الا انت سبحانک وبحمدک عملت سوءً وظلمت نفسی فاغفر لی فانه لا یغفر
الذنوب الا انت و نیز فرموده که پنج خصلت است که از خروس بیاموزید محافظت اوقات
نماز و غیرت تمام که نمیگذارد که خروس دیگر با مرغان او نزدیکی کند و سخاوت که دانه را
بمرغان صرف میکند و جماع و شجاعت و کثرت مرتبه در دخول و دیگر فرموده از کلاغ
سه خصلت فرا گیرید پوشیده نزدیکی کردن و صباح زود بطلب روزی رفتن و حذر کردن
از امام زین العابدین علیه السلام منقولست در جوف شب این دعا خوانده که اذا هدأت العیون
الهی غارت نجوم سماواتک ونامت عیون انامک وهدأت اصوات عبادک وانعامک
وغلقت الملوک علیها ابوابها وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمن یسألهم حاجة
او ینتجع منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تأخذک سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء
عن شیء ابواب سماواتک لمن دعاک مفتحات وخزائنک غیر مغلقات وابواب رحمتک
غیر محجوبات وفوائدک لمن سألکها غیر محظورات بل هی مبذولات وانت الهی
الکریم الذی لا ترد سائلا من المؤمنین سألک ولا تحتجب عن احد منهم ارادک و
عزتک وجلالک لا تختزل حوائجهم دونک ولا یقضیها احد غیرک اللهم وقد
ترانی ووقوفی وذل مقامی بین یدیک وتعلم سریرتی وتطلع علی ما فی قلبی وما یصلح
به امر آخرتی ودنیای اللهم ان ذکرت الموت وهول المطلع والوقوف بین یدیک
نغصنی مطعمی ومشربی واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی و
کیف ینام الغافل وملک الموت لا ینام لا باللیل ولا بالنهار ویطلب قبض روحی
بالبیات او فی آناء الساعات و بعد از آن سجده میکرد و روی بر خاک مینهاد و میفرمود
اسألک الروح والراحة عند الموت والعفو عنی حین القاک حضرت رسول صلی
الله علیه وآله فرموده در وصیت بامیر المؤمنین علیه السلام که ای علی نماز بگذار در شب
اگر چه بقدر دوشیدن گوسفندی باشد و در سحر دعا کن و استغفار کن که دعای سحر رد کرده
نمیشود چنانچه حق تعالی میفرماید والمستغفرین بالاسحار مروی است که دعای وتر
از امام محمد باقر علیه السلام ویا از امام جعفر صادق علیه السلام که میفرمودند که لا اله الا
الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و

در مذمت ریاست

دنیا و زند و عقبی و عقوبت ملو
است اما اگر دنیا بجهت اکرام عز
شود و جهت تنعم و شهوت کسی
و گاه باشد که باعث عصیان و دوری
نمیشود و سبب عدالت که عینی
و در حق او باعث شرف و خوف او
و موجب ذلت و خواری عقوبت گردد
و نعمت مال الغار و لا رفیع
کی شود در دنیا بی نیک نفس
کی شود شود شیطان نفس
او بید ازل که حلول در ملا
کان کند نفس نماند ایمان
نفس بد جز باز گردد ولیکن
نفس شود کجا بماند ملکی
و علاج علی حسبه خوانی کس
چون کسی مدح او را گوید و دی
او گوید دانند بعض او را قطع کند
تا بجز مقصود از ... یاد دهد
تا بدید که این صفت نقص از او
زائل شود صفت عقیم
ریا است که عبارت است از طلب
کردن عبادت و مردم بوسیله
افعال پسندیده یا آثار دیگر دلالت
بر صفات نیک که دارد یا دید

مراد از ریا نه آن است که جمیع افعال
است که خود از نعل حسنه باشد
لکن از ان را بجهت خیر بر تواند بود
مثل اظهار ضعف بر خیال بجهت
نمایند که خود را کسی بداند و موکل
یا بسبب آنکه بجهت شناسایی اخبار
کسی تن بجهت اظهار آنکه بفکر
خدا یاد میکند و زخار اوقات است
و امثال اینها مسنح عفو عنه

رب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم اللهم انت الله
نور السموات والارض وانت الله زین السموات والارض وانت الله جمال السموات
والارض وانت الله عماد السموات والارض وانت الله صریخ المستصرخین وانت الله
غیاث المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت الله المروح عن المغمومین
وانت الله مجیب دعوة المضطرین وانت الله اله العالمین وانت الله الرحمن الرحیم
وانت الله کاشف السوء وانت الله الذی بک تنزل کل حاجة یا الله لیس یرد
غضبک الا حلمک ولا ینجی من عقابک الا رحمتک ولا ینجی منک الا التضرع الیک
فهب لی من لدنک رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی بها احییت
جمیع ما فی البلاد وبها تنشر میت العباد ولا تهلکنی غما حتی تغفر لی وترحمنی و
تعرفنی الاجابة فی دعائی واذقنی طعم العافیة الی منتهی اجلی ولا تشمت بی عدوی ولا تمکنه
فی عنقی ولا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی وان وضعتنی
فمن ذا الذی یرفعنی وان اهلکتنی فمن ذا الذی یحول بینک وبینی او یتعرض لک
فی شیء من امره وقد علمت انه لیس فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة انما یعجل من
یخاف الفوت وانما یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک یا الهی فلا
تجعلنی للبلاء غرضا ولا لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی واقلنی عثرتی ولا
تتبعنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی
واستجیر بک من النار فاجرنی واسألک الجنة فلا تحرمنی و بعد از آن دعا کنید
بانچه میخواهید و استغفار کنید هفتاد بار و بیا بگوئید در استغفار این دعا بخوانید
اللهم انی استغفرک واتوب الیک من مظالم کثیرة لعبادک عندی فایما عبد من
عبیدک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی بدنه او عرضه او ماله لا استطیع اداء
ذلک الیه ولا تحللها منه فارضه عنی بما شئت وکیف شئت وانی شئت وهبها لی
وما تصنع بعذابی یا رب وقد وسعت رحمتک کل شیء وما علیک یا رب ان تکرمنی
برحمتک ولا تهنی بعذابک وما ینقصک یا رب ان تفعل بی ما سألتک وانت واجد
لکل خیر اللهم ان استغفاری ایاک مع اصراری للؤم وان ترکی الاستغفار لک
مع سعة رحمتک کفر اللهم کم تتحبب الی وانت غنی عنی وکم اتبغض الیک و

در مذمت ریا و اظهار

اصل ایمان است چون اظهار
شهادتین و اظهار اعتقاد
ببعضی از ضروریات دین اسلام
و در دنیا بدین حال ما لا اشتغال
انهم یا در واجبات است مثل
اظهار نماز و روزه واجبی
و امثال آن در حضور مردم بعد
آنکه اگر در خلوت باشد ترک
آن میکند یا در مستحبات است
مثل نماز و تعقیبات نوافل شب
روزه تهجد و بلند گفتن تسبیح و تهلیل
و صلوات و دعوات در مجالس
و حال آنکه تارک آن است در خلوت
و نماز در صف جماعات است
مثل بجا آوردن رکوع و سجود
و سایر افعال نماز در حضور
مردم مثل خمیدن است یا آنکه زن
اسلام خشم خود حفظ اطهار بر
مردم اگر چه برگزیده باشد در
مجالس فخر و مذکر حدیث غرور
انها غیر از اخلاص است دیگر
در جهت اخلاص و ریا شرعا مذموم
بلکه از جمله گناهان عظیمه و گناهان
کبیرات و خارج از دین متدین
بسیار است و در حدیث نبوی
کرده که شرک اصغر است و در
قیامت به یکی از خدا به عبادات حسنوا
و بگو نیست که وا عمل غیر او است
عبادات عبادت بی عمل تو فاسد
اجر تو باطل شد و امر رسید
تا نصیبی نیست بجز تخم خود را
از آنکه عمل از ای ده مرکده
اثر نیز و ریا خرم و حت

وأنا إليك فقير فسبحان من إذا وعد وفى وإذا توعّد عفا و دیگر دعای حزین از
علی بن الحسین علیهما السلام بعد از نماز شب خواند که أناجيك يا موجوداً في كل مكان لعلك
تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقلّ حيائي مولاي يا مولاي أيّ الأهوال أتذكّر و
أيّها أنسى ولو لم يكن إلا الموت لكفى كيف وما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا
مولاي حتى متى وإلى متى أقول لك العتبى مرّة بعد أخرى ثم لا تجد عندي صدقاً ولا
وفاءً فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدوّ قد استكلب عليّ
ومن دنيا قد تزيّنت لي ومن نفس أمّارة بالسوء إلا ما رحم ربي مولاي يا مولاي إن
كنت رحمت مثلي فارحمني وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل التوبة اقبلني يا من لم
أزل أتعرّف منه الحسنى يا من يغذّيني بالنعم صباحاً ومساءً ارحمني يوم آتيك فرداً
شاخصاً إليك بصري مقلّداً عملي قد تبرّأ جميع الخلق منّي
نعم وأبي وأمّي ومن كان له كدّي وسعيي فإن لم ترحمني فمن يرحمني ومن يؤنس في
القبر وحشتي ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملي وسألتني عمّا أنت أعلم به منّي فإن
قلت نعم فأين المهرب من عدلك وإن قلت لم أفعل قلت ألم أكن الشاهد عليك
فعفوك عفوك يا مولاي قبل أن تلبس الأبدان سرابيل القطران عفوك عفوك يا
مولاي قبل أن تغلّ الأيدي إلى الأعناق يا أرحم الراحمين وخير الغافرين عفوك
عفوك يا مولاي قبل جهنم والنيران و حرز دو رکعت نماز گذارد بر پهلوی
بخوابد و گونه را بر دست راست خود نهد و بگوید استمسکت بعروة الوثقى التي
لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين وأعوذ بالله من شرّ فسقة العرب والعجم و
من شرّ فسقة الجن والإنس آمنت بالله ربي الله أسلمت بالله توكلت على الله
ألجأت ظهري إلى الله وفوّضت أمري إلى الله طلبت حاجتي من الله ولا حول ولا
قوة إلا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل
شيء قدراً حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من أصبح وله حاجة إلى مخلوق فإن حاجتي
ورغبتي إليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح الحمد لفالق الإصباح الحمد
لناشر الأرواح الحمد لقاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكناً والشمس والقمر
حسباناً ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل في قلبي

حافظ این حرف ز پشمینه ... / بدانکه عادت و سرشت آدمی طمع / مال و منافع مردمان است و محبت / مدح و ستایش ایشان است و / علاج آن قطع امل ... / ... / [illegible] / شعر / [illegible]
(تحصیل)

نوراً وفي بصري نوراً وعلى لساني نوراً ومن بين يديّ نوراً ومن خلفي نوراً وعن
يميني نوراً وعن شمالي نوراً ومن فوقي نوراً ومن تحتي نوراً وأعظم لي النور و
اجعل لي نوراً أمشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم ألقاك و آیة الکرسی بخوان
و حمد و قل أعوذ و پنج آیه از آخر آل عمران که إن في خلق السماوات والأرض تا إنك لا تخلف
الميعاد بعد از آن دست بشوید و تسبیح فاطمه زهراء علیها بگو و صد بار صلوات بر پیغمبر
و آل او بفرست چه روایت است که هر که صد بار صلوات بر پیغمبر بفرستد میان دو رکعت نماز
صبح و دو رکعت فریضه صبح نگاه دارد حق سبحانه وتعالی روی او را از گرمی آتش دوزخ
و هر که صد بار این تسبیح را بگوید سبحان ربي العظيم وبحمده أستغفر الله ربي وأتوب
إليه بنا کند حق تعالی برای او خانه در بهشت و هر که یک بار قل هو الله احد بخواند
همچنین در بهشت خانه برای او بنا نهد و هر که چهل بار بخواند حق سبحانه وتعالی او را
بیامرزد و بعد از آن بگوید اللهم افتح لي باب الأمر الذي فيه اليسر والعافية اللهم
هيّئ لي سبيله وبصّرني مخرجه اللهم إن قضيت لأحد من خلقك على مقدرة بالسوء
فخذه عنّي من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن تحت قدميه ومن
فوق رأسه واكفنيه بما شئت و هفت بار بگو که بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا
قوة إلا بالله العلي العظيم و بعد از آن سجده کن و بگو که يا أخير المسؤولين ويا أجود المعطين
صل على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني وارزقني وارزق عيالي من فضلك إنك ذو
فضل عظيم و سنت است که دعا کند برای جماعت مؤمنین در سجود خود و بگوید اللهم
رب الفجر والليالي العشر والشفع والوتر والليل إذا يسر ورب كل شيء وإله كل
شيء ومليك كل شيء وخالق كل شيء صل على محمد وآل محمد وافعل بي وبفلان بن
فلان ما أنت أهله ولا تفعل بنا ما نحن أهله فإنك أهل التقوى وأهل المغفرة
بعد از آن متوجه مسجد شود زیرا که فضیلت نماز نافله در خانه و نماز فریضه در مسجد فضل
است امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که هر که پیاده به مسجد رود و پای خود را بر هیچ
تر و خشکی نگذارد مگر که تسبیح گویند برای او تا طبقه زمین هفتم و در تورات مذکور است که
و عبادت بندگان مساجدند در آن برای یک شب نوری درخشان ... و رسول صلی
الله علیه وآله فرموده که حق تعالی فرموده که مرا در زمین خانه‌ها است که آن مساجد است

تفصیل این صفت را علاج / ... / ضد ریا اخلاص است / ... / اعظم ... تکلیف ... / ... / ... / [illegible] / شعر / [illegible]
(حیات)

کرد و بشنوند اهل آسمان بانگ چنانچه میشنوند اهل زمین ستاره‌گان است خوشا بحال آنکه
خانه او مسجد باشد و خوشا بحال کسی که در خانه خود وضو بسازد و بخانه من زیارت
بعمل آید که بر میزبان است که اکرام مهمان نماید پس چون بمسجد در آئی پای راست
پیش نه و بگو بسم الله و بالله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت علی
الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لی ابواب رحمتک
و توبتک و اغلق عنی ابواب معصیتک و اجعلنی من زوارک و عمار مساجدک
و ممن یناجیک باللیل و النهار و من الذین هم فی صلوتهم خاشعون و ادحر عنی
الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین بعد از آیة الکرسی و حمد و قل اعوذ و سبحان
الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر هر یک هفت نوبت بخواند بعد از آن بگو
اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی و لک الحمد علی ما فضلتنی و لک الحمد علی ما شرفتنی
و لک الحمد علی کل بلاء حسن ابتلیتنی اللهم تقبل صلوتی و دعائی و طهر قلبی و اشرح
صدری و تب علی انک انت التواب الرحیم چون بمسجد درآئی بنشین و دو رکعت نماز
تحیت مسجد بگذار و اگر دو رکعت سنت صبح بگذارد بعد از تحیت و چون رو بقبله
آری بگو اللهم الیک توجهت و رضاک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت و
علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح مسامع قلبی لذکرک و ثبتنی علی
دینک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
و چون موذن گفت الله اکبر مثل آنرا بگو و چون گفت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد
ان محمدا رسول الله بگو انا اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اکتفی بها
عن کل من ابی و جحد و اعین بها من اقر و شهد و در روایت دیگر وارد است که موذن
هرگاه گفت اشهد ان محمدا رسول الله بگو صلی الله علیه و آله الطیبین الطاهرین
اللهم اجعل علی برا موده آل محمد فی قلبی مستقرا دارا و علی لسانی دائما و هرگاه
گفت حی علی الصلوة حی علی الفلاح بگو لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و در روایت که هرکه بانگ را شنید پس بگوید بنحوی که موذن گفته در روزی او افزاید
چون صبح طالع شد و بانگ را دید سر بسوی آسمان کن و بگو اللهم انت ربنا و ولینا و
صاحبنا صل علی محمد و آل محمد و تفضل علینا بما انت اهله و انقذنا مما نحن اهله

عبادت باخلاص نیت نکوست
و گرنه چه آید ز بی مغز پوست
و چه مناسب نشانه بود دین
و در این مقام شعر
خلاف طریقت بود کاولیا
تمنا کنند از خدا جز خدا
گر از دوست چشمت بر احسان اوست
تو در بند خویشی نه در بند دوست
و در است که مدح این صفت
آنکه حق تعالی از زبان شیطان
پلید در قرآن مجید حکایت
فرموده که من لعین قسم برب
العالمین یاد کرده که جمیع
بندگان را گمراه کنم مگر اهل
اخلاص را صفت بیست و
دویم نفاق یعنی دو روئی
با مردم است که از مدح کردن
است کسی را در حضور و مذمت
کردن است در غیاب یا آنکه
میان دو دشمن آمد و شد کند
و با هر یک در دشمنی با آن دیگر
موافقت نمودن و دشمنی او را
نظرش جلوه دادن و این صفت
از مهلکات عظیمه است و باعث
آنکه صاحبش در قیامت
دو زبان از آتش باشد یکی از پیش
رو و دیگری از قفا که شعله
کشند و رخسار او را بسوزانند
و تحقیق نمانند که اگر شخصی در
میان دو دشمن آمد و شد کند
بجهت محکم نمودن دشمنی
ایشان یا بجهت اظهار دوستی
خود با هر یک این نفاق نیست

اللهم بنعمتک تتم الصالحات فصل علی محمد و آل محمد و اتممها علینا پس ده بار بگو
عائذا بالله من النار پس بگو یا فالق من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل علی
محمد و آل محمد و اجعل اول یومنا هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا پس بگو
الحمد لله فالق الاصباح سبحان الله رب المساء و الصباح اللهم صبح آل محمد ببرکة
و عافیة و سرور و قرة عین و مسنی و اسبغ اللهم صبحنی و اهلی ببرکة و عافیة و سرور و
قرة عین و رزق واسع اللهم انک تنزل فی اللیل و النهار ما تشاء فانزل علی
و علی اهل بیتی من برکة السموات و الارض رزقا واسعا تغنینی به عن جمیع خلقک
و چون خواهی بانگ بگوئی بگو اللهم انی اسئلک باقبال نهارک و ادبار لیلک و
حضور صلواتک و اصوات دعائک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تتوب علی انک
انت التواب الرحیم و چون از بانگ فارغ شدی سجده کن و بگو لا اله الا انت ربی سجدت
لک خاشعا خاضعا ذلیلا اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک
انت التواب الرحیم **دعای دیگر** اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا و رزقی دارا و اجعل
لی عند قبر رسولک صلی الله علیه و آله مستقرا و قرارا و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرموده که دو ساعت است که درهای آسمان در آن وقت گشاده است و کرم
کرد دعا در آن دو وقت مستجاب شود در وقت نماز و در صف قتال در راه خدا
و چون سر از سجده برداشتی پس بگو که سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا
ینسی ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی و لا بواب
یرشی و لا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء سبحان من فلق
البحر لموسی سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما و جودا سبحان من هو
هکذا و لا هکذا غیره **امام** جعفر صادق علیه السلم روایت کرده در فضیلت نماز
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هیچ نمازی نیست که حاضر شود وقت آن
مگر که ندا کند فرشته میان مردمان که ای مردمان برخیزید بسوی آتشها که افروختید
بر پشتهای خود فرو نشانید آنرا بنمازهای خود که ادا کنید ای بندگان خدای تعالی
مراجعت کنید بسوی گناهان خود و یاد آرید چیزی سوار گناهان خود که نماز دفع آن آ
میفرماید که حق تعالی فرموده که ان الحسنات یذهبن السیئات **ابو یعقوب** گوید

و همچنین اگر کسی از شر دیگری
بترسد و بجهت دفع شر او با او
اظهار دوستی کند و مدارا او
نماید مذموم نیست جایز است
و از بعضی صحابه نقل شده که ما
در رو کسان چند خنده میکردیم
که دلهای ما بر ایشان لعنت میکرد
پس معلوم شد که این نوع سلوک
بجهت ضرورت جایز است نه که
مانند اکثر اهل زمان که محض
دنیا است طمع و ضعف نفس و طمع
بعضی از فضول دنیا با توقعات
بیجا با همه نفاق را گذارده با
و ایشان را ابتغاء مدح میکنند
که اصلا دل ایشان از آن خبر
ندارد و این را مدارا و حسن سلوک
می نامند و غلط فهمیده اند
صفت بیست و سیم
غرور است که مثل اکثر اخلاق
شرور است مراد از غرور فریب خوردن
نفس و فریب شیطان است
و دل ایمن شدن از عذاب بخود
و مطمئن شدن بامری که موافق
هوی و ملائم طبع باشد چون
بیشتر مردم بخود گمان نیک
و اعمال و افعال خود را درست
پندارند و حال آنکه مردان کار
خطاها کرده اند چه ایشان بخود
مثل کسانیکه نماز مردم را
و مصرف خیرات و مبرات نیز
تا نماز را اهل نیک خود پندارند
ملعون منه الایتام من کد و جهها
لک الویل لا تزنی و لا تتصدقی

که ابو عبدالله علیه السلام فرموده مرا که چون نماز گذاری چنان بگذار که گویا نماز
کیوانست که وداع میکند او یعنی بتوجه تمام میگذارد و تو نیز چنان بگذار که دیگر
که دیگر نخواهی گذارد بعد از آن نگاهدار نظر خود را بموضع سجود خود چنانچه بدانی
که از راست و چپ تو کسیست چون چنان کنی نیکو باشد نماز تو و دفع بدیها کند و دیگر
بدانکه تو پیش کسی قائم شده که او ترا میبیند و تو او را نمیبینی و دیگر فرمود که نماز گذار را
سه خصلت باشد چون برخیزد برای نماز خود بریزد نیکوئی از آسمان تا فرق سر او و دیگر
او بر آیند فرشتگان از زیر قدم او تا بالا و آسمان و فرشته ندا کند که ای نماز گذار بنده
اگر بدانی که با کی راز میگوئی ملتفت بغیر نشوی و دیگر فرمود که هر که دو رکعت نماز بگذارد
و بداند که چه میگوید در آن دو رکعت بر گردد از آن نماز میان او و میان حق جل و علا
چیزی مگر آنکه گناهان او را بیامرزد **و روایت** است از امیر المؤمنین علیه السلام که در دو رکعت
نماز سبک بتفکر بهتر است از نماز تمام شب و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که هرگاه که بنده از بندگان شروع کرد در نماز حق تعالی اقبال کند بر او بوجه کریم خود
موکل گرداند بر او فرشته تا بردارد قرآن را از دهان او و بردارد تسبیح پس اگر اعراض کند بنده
از نماز خود اعراض کند حق تعالی از او و نظر لطف از او بردارد و آن بنده را بتفویض فرماید
بآن فرشته و چون نمیرود دیده بسوی نماز خود حق سبحانه و تعالی نیز نمیرود بدان کریم
کریم تا نماز او کامل و مرتفع شود پس اگر سهو کند در آن نماز یا مشغول شود بغیر نماز بر داشته
شود از او نماز یعنی از ثواب نماز نیست بمقداری که توجه بغیر نماز کرده از او برداشته میشود
و قبول نمیشود از دل غافل چیزی از خیر و دیگر آنحضرت فرمود که فضل اول وقت بر آخر
وقت بهتر است مؤمن را از مال و فرزندان **دیگر** فرمود که فضل اول وقت بر آخر
وقت مثل فضل آخرت است بر دنیا **امام** حسن بن علی علیهما السلام روایت کرده از
پدر بزرگوار خود که آنحضرت فرمود که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر مسلمان
که بنشیند در مصلی خود که در آن نماز صبح گذارد بذکر الهی تا آفتاب طالع باشد هر
او را اجر مثل آنکه حج کننده خانه خداست و خدای تعالی او را بیامرزد و اگر بنشیند
در مصلی تا ساعتی بگذرد که حلال باشد در آن ساعت نماز و دو رکعت نماز یا چهار
رکعت بگذارد امرزیده شود گناهان گذشته او و مر او را باشد اجر مثل آنکه حج کننده

غافل از آنکه این غرور و غفلت
است که منبع هر گونه آفت و شقاوت
است و زاهدان غرور که خود را نکو
بزرگان دانسته کرده این
و دیگر اهل غرور و غفلت
بسیاری از طوایف معرفت هستند
و جمعی از اهل علم و ارباب اجتهاد
و ارباب **اول** طایفه که
و صاحبان مذاهب فاسده که
مغرورند بشبهات واهیه
دویم طایفه غرور فتگان
بشهوات دنیوی اند اهل فسق
و معاصی مانند اینکه غرور
ایشان باینست که لذات دنیوی
یقینی و لذات اخروی احتمالی
دانند و با وجود یقین اولی را
احتمال مقدم دارند و حال آنکه
کار اینکه شیطان ایشان را عجب
مغرور کرده کردن را فی الجمله
بایشان روی آورد و بر نفس
خود ملاحظه نمایند فقرا
و مساکین مؤمنین را بنظر
او بدین خیال کنند که خدا را
با ایشان لطف مرحمتی است که با
فقرا نیست و آنچه بایشان
نیاز کنند پس با خود عجب
و غرور که باطل کنند
مشغول شوند بمال دنیا و
مفتون بجاه و ثروت بغیر گویند
الا بیقین و نظر کنند الا
بکرامت علما را بگدائی منسوب
کنند و فقرا را ابریق بر خاک
معیوب گردانند بعلت غالی

خانه خداست و خدای تعالی او را بیامرزد و اگر بنشیند در مصلی تا ساعتی بگذرد که
جابر گوید که امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که حق تعالی میفرماید که ای پسر آدم یاد کن مرا بعد از صبح ساعتی و بعد از عصر ساعتی
تا من مهم ترا کفایت کنم و حاجات ترا روا کنم پس چون سلام داد بعد از فریضه تسبیح اشارت الله
اکبر بگو و بعد از آن بگو لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا
نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون لا اله الا الله ربنا و رب
آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده
و غلب الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده
الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک
تهدی من تشاء الی صراط مستقیم پس سه بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه باز بگوید اللهم اهدنی من عندک
و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک سبحانک لا
اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب جمیعا الا انت و بعد
از آن تسبیح فاطمه زهرا بگوید و آن سی و چهار نوبت الله اکبر و سی و سه نوبت الحمد
لله و سی و سه نوبت سبحان الله بر این ترتیب **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود
که هر که تسبیح فاطمه زهرا را بگوید هر روز در عقب هر نماز از نزد من بهتر است
از هزار رکعت نماز در هر روز و دیگر فرمود که هر که تسبیح فاطمه زهرا را بگوید در
عقب هر فریضه و لا اله الا الله در پی آن در آورد البته گناهان او آمرزیده شود و سزاوار
است که تسبیح از خاک پاک امام حسین علیه السلام باشد و مرویست از ابو عبدالله
علیه السلام که هر که بگرداند تسبیح امام حسین را یکبار باستغفار چهار استغفار کرده
شود برای او از ثواب هفتاد بار و سجده بر این مهر دعا مستجاب نمان را **دعای دیگر**
ابن بابویه روایت کرده معویه بن عمار از ابی عبدالله علیه السلام که بسم الله الرحمن الرحیم
و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین الاخیار الانقیاء و الابرار الذین اذهب الله عنهم
الرجس و طهرهم تطهیرا و افوض امری الی الله و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت
و الیه انیب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل

کرده اند و بعضی جاهل گرید اند
بر آن ایشان کشیده و خود را سر
همه بینند بخیر از قول حکماء که
گفته اند هر که بطاعات دیگران
نگرانست و بعیب خود
توانگر است و بعضی دیگر
و چه خوش گفته اند این مقام
کلام شیخ سعدی توانگری
کلوخ بدانند دانست درویش
صالح شاهد خاک الوده این
دلق پوشیده سر قرقان ریش
بدو دانسته مرقع منعم
گو بعمر بمال کنند بخرد حکیم
کو بخرش تمام اگر گاه و عبرت
و مانند کار اینکه شیطان ایشان
فریب داده باینکه خدا ارحم الراحمین
است گناهان در جنب رحمت او
تدبیری ندارد و با این سبب مردم
در انواع معاصی را مرتکب شوند
و این را معنی رجا دانسته و
غافلند که معاصی کبیره خود
فراموش نموده و بیک طاعتی که
از ایشان عمل آمده چون حج یا زیارت
یا بنای مسجد و رباط و نحو اینها
از احتیاط نموده نظر دارند و
بواسطه آن عمل بر خدا منت گذارند
و خود را از رضا مطلق دانند
سیم مغرورین طایفه اهل
علمند که بسبب غرور ایشان بادانستن
علم صرف و نحو است یا منطق یا
معانی بیان یا اصول یا دانا بودن
قوه عبارت فهمی یا تکمیل نمودن
اداء عبارات و ایراد تشکیک کرده

شیء قدیر ما شاء الله کان حسبنا الله ونعم الوکیل واعوذ بالله السمیع العلیم واعوذ
بک رب ان یحضرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین حمداً
کثیراً کما هو اهله ومستحقه وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال
النهار الحمد لله الذی اذهب اللیل مظلماً بقدرته وجاء بالنهار مبصراً برحمته خلقاً
ونحن فی عافیة وسلامة وستر وکفایة وجل صنعه مرحباً بخلق الله الجدید وبکما
العتید والملکان الشهید مرحباً بکما من ملکین کریمین وحیاکما الله من کاتبین شاهدین
حافظین اشهدکما فاشهدا لی واکتبا شهادتی معکما حتی القی بها ربی انا اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین
الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون وان الدین کما شرع والاسلام کما وصف
والقول کما حدث وان الله هو الحق المبین ورسوله حق والقرآن حق والموت حق و
مسألة منکر ونکیر فی القبر حق والبعث حق والصراط حق والمیزان حق والجنة حق و
النار حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور فصل علی محمد
وآل محمد واکتب اللهم شهادتی عندک شهادة اولی العلم بک یا رب ومن ابی ان
یشهد لک بهذه الشهادة وزعم ان لک نداً وان لک ولداً او لک صاحبة او لک شریکاً
او معک خالقاً او رازقاً فانا بریء منهم لا اله الا انت تعالیت عما یقول الظالمون
علواً کبیراً فاکتب اللهم شهادتی مکان شهادتهم واحینی علی ذلک وامتنی علیه و
ابعثنی علیه وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین اللهم صل علی محمد وآله وصبحنی
منک صباحاً صالحاً مبارکاً میموناً لا خازیاً ولا فاضحاً اللهم صل علی محمد وآل محمد
واجعل اول یومی هذا صلاحاً واوسطه فلاحاً وآخره نجاحاً واعوذ بک من یوم اوله
فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم صل علی محمد وآل محمد واعطنی خیر یومی هذا
وخیر ما فیه وخیر ما قبله وخیر ما بعده واعوذ بک من شره وشر ما فیه وشر ما قبله و
شر ما بعده اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی باب کل خیر فتحته علی احد من اهل
الخیر ولا تغلقه عنی ابداً واغلق عنی باب کل شر فتحته علی احد من اهل الشر ولا
تفتحه علی ابداً اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعلنی مع محمد وآل محمد فی کل موطن
ومشهد ومقام ومحل وعز محل فی کل شدة ورخاء وفی کل عافیة وبلاء اللهم

در بیان اقسام غرور

شبهات یا کار کردن فی
عبادات ومعاملات با اهمال
اینها واز این طائفه جمعی هستند
که بفقها وایشان با اختلاف
تا بسیار اکثر ولکن غرور فی
غفلت ایشان تا بجائی رسیده
که گمان میکنند که شانا [illegible]
بالا [illegible] که صفت بدی
دلا انما باشد واخلاق ذمیمه
در عوام الناس منحصر میدانند
وتکبر با اظهار شرف علم وطعن
وغیبت اقران [illegible]
وبعض [illegible]
حلال [illegible]
نمایند وبالجمله اصناف غرور
ازین طائفه بسیارات
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
ای کرده بعلم [illegible]
[illegible]
سرگرم بحکمت یونانی
دل سرد ز حکمت ایمانی
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

صل علی محمد وآل محمد واغفر لی مغفرة عزماً جزماً ولا تغادر لی ذنباً ولا خطیئة و
لا اثماً اللهم انی استغفرک من کل ذنب تبت الیک منه ثم عدت فیه واستغفرک لما
اعطیتک من نفسی ولم اف لک به واستغفرک لما اردت به وجهک فخالطه ما لیس
لک فصل علی محمد وآله واغفر لی ولابوی ولوالدی وما ولدا وما ولدت وما ولد
من المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
ولا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم الحمد لله الذی قضی
عنی صلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً ولم یجعلنی من الغافلین پس بگو [illegible]
نوبتها چهار نوبت در عقب نماز صبح پیش از آنکه سخن کند الحمد لله ملأ المیزان ومنتهی
العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسبحان الله ملأ المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا
وزنة العرش والله اکبر ملأ المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش ولا
اله الا الله ملأ المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش پس بگو اللهم انی
مسألة العبد الذلیل ان تصلی علی محمد وآله وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضی لنا حوائجنا
فی الدنیا والآخرة فی یسر منک وعافیة وچون فارغ شدی از تعقیب صد بار قل هو
الله بخوان وصد بار بگو استغفر الله ربی واتوب الیه وصد بار بگو لا اله الا الله الملک
الحق المبین وصد بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وصد بار بگو
ما شاء الله کان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصد بار بگو بسم الله الرحمن
الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصد بار بگو استجیر بالله من النار وصد
بار بگو اسأل الله الجنة وصد بار بگو اسأل الله الحور العین اللهم [illegible]
وسلمت لا شریک لک اللهم اقض لی بالحسنی واکفنی ما اهمنی وصد بار بگو اللهم وسع علی
فی رزقی وامدد لی فی عمری واغفر لی ذنبی واجعلنی ممن تنتصر به لدینک اگر بتوانی
صد بار بگفتن [illegible] باید بگو وبعد از آن یازده بار بگو لا اله الا الله حقاً حقاً
لا اله الا الله ایماناً وتصدیقاً لا اله الا الله عبودیة ورقاً واگر ممکن نشد بگو
سبحان الله العظیم وبحمده واستغفر الله واسأله من فضله [illegible]
وحضرت رسول صلی الله علیه وآله گفت بر زنان مهاجرات [illegible] که الزام
نمائید بتسبیح وتهلیل وتقدیس وغافل مشوید تا آنکه رحمت فراموش نکند شما را

در غرور وعاظ

جمعی دیگر مغرورند و ایشان طائفه
واعظانند واهل غرور ایشان
بسیارند گروهی از احوال نفس
وصفات آن از خوف ورجاء و
توکل ورضا وغیرها سخن گویند
وچنان پندارند که بگفتن این
خود هم متصف [illegible]
این صفات [illegible]
[illegible] خود مشغول
قصه خوانی [illegible]
کلمات مسجع وقافیه بهم

[illegible]
دل شاد [illegible]
تا کی ز شفا شفا طلبی
از کاسه زهر دوا طلبی
اندر پی [illegible]
چشمی بکتاب خدا داده
تا چند ز [illegible]
تا کی لاف [illegible]
از علم رسوم چه [illegible]
[illegible]
علمی بطلب که [illegible]
ماند ز علائق جسمانی
علمی بطلب که نماید راه
از سر ازل کند آگاه
علمی که [illegible]
نورش ز چراغ [illegible]
علمی بطلب که [illegible]
[illegible]
از علم [illegible]
[illegible]
[illegible]
دل [illegible]

بانگشتان بشمارید تا انگشتان برای شما گواه باشند و گواهی دهند روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که چون نماز صبح بگذارد و درنگ کند تا آفتاب
برآید بهتر است از آنکه گردش کند در زمین در کار دنیا و چون خواهی که از مسجد
بیرون آئی پس بگو اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک وصلیت مکتوبتک وانتشرت فی
ارضک کما امرتنی فاسئلک من فضلک العمل بطاعتک واجتناب معصیتک والکفاف
من الرزق برحمتک و هرگاه که خواهی برخیزی از مصلای خود بگو سبحان ربک رب
العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین مرویست از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود که هر که خواهد چیزی را بپیماید در کیل تمام ترین پیمانه باید که
این آیه شریفه آخر قول او باشد پس بدرستیکه مزد او را از هر مجلسی نیکو ... چون
از مسجد بیرون آئی پیش از پای چپ را بیرون بگذار از مسجد و بگو اللهم صل علی
محمد وآل محمد وافتح لنا باب فضلک ورحمتک یا ارحم الراحمین و جهد کن که تا نخسبی
نکوئی پیش از برآمدن آفتاب مشغول بدعا باشی و تلاوت قران پس بدرستیکه مرویست از
حضرت رسول صلی الله علیه وآله که هر که بنشیند در مصلای خود بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب
حق تعالی بپوشاند گناهان او را و او را نگاه دارد از آتش دوزخ امیرالمؤمنین علیه السلام
فرموده که ذکر خدای تعالی بعد از صبح تا طلوع آفتاب شتابنده تر است در طلب روزی از سیر
کردن در زمین جابر روایت کرده از امام محمد باقر علیه السلام که ابلیس لشگر خود را پراکنده
میکند در شب از وقت فرو رفتن آفتاب تا وقت فرو شدن شفق و در روز لشگر خود را پراکنده
میکند از هنگام طلوع صبح تا برآمدن آفتاب و فرمود که رسول صلی الله علیه وآله فرمود
که بسیار بگوئید ذکر خدای تعالی را در این دو ساعت غفلت و امام جعفر صادق علیه
السلام که خواب صباح شوم است روزی را میبرد و رنگ را زرد و زشت و بد میکند و تغییر
خلق میدهد و از خوابهای شوم است بدرستیکه حق تعالی روزیها را قسمت میفرماید در
میان طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس بپرهیزید که بر شماست که از این خواب بپرهیزید و امام
رضا علیه السلام فرموده که قول الهی که فرموده فالمقسمات امرا ملائکه اند که قسمت میکنند
روزیهای بنی آدم در میان طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس هر که در این وقت خواب کند
از روزی خود خواب کرده باشد و معمر بن خلاد گوید که امام رضا علیه السلام در خراسان

هرگاه که نماز صبح ادا میفرمود می‌نشست در مصلای خود تا آفتاب بر می‌آمد پس بر
طلب میفرمود از ان سؤال بود پس بدان سؤال میفرمود یکی بعد از یکی بعد از آن طلب
میفرمود کنیزک را پس میخوابید بعد از آن میگذاشت به تلاوت قران مجید مشغول میشد

فصل سیم در ذکر و ورد بر پیغمبر صلی الله علیه وآله و استغفار و گریه و دعای
بدرگاه الهی **روایت** است از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که روزی رسول صلی الله
علیه وآله التفات نمود بسوی اصحاب و فرمود که آیا میخواهید که بآن ملتجی شوید گفتند یا
رسول الله این پناه آیا از دشمن است فرمود نه ولیکن این پناه باشد از آتش دوزخ و آن این است که
بگوئید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و دنیا بگوئید این تسبیح را که در
روز قیامت خواهند آمد از جلو شما و از پیش و پس شما و اینهایند که باقیات صالحات
روایت کرده ابو بصیر از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که روزی رسول صلی الله علیه
وآله باصحاب فرمود که هیچ میبینید که اگر جمع کنید آنچه نزد شماست از جامه‌ها و ظرفها
ازان بنهید بعضی را بر بالای بعضی دیگر هیچ تواند بود که شما بآسمان برسید گفتند نه یا رسول
الله آنحضرت فرمود که آیا دلالت کنم شما را بر چیزی که اصل آن در زمین است فرعش در
آسمان گفتند یا رسول الله بلی فرمود که هرگاه که یکی از شما چون از نماز فریضه فارغ شود
سی بار بگوید که سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بدرستیکه اصل اینها
در زمین است و فرعشان در آسمان و اینها دفع میکنند از افتادن خانه و سوختن و از غرق
شدن و در چاه افتادن و از خوردن جانوران درنده و از بد مردن و از بلاهائی که نازل
میشود از آسمان بر بنده در آن روز و اینهایند باقیات صالحات و دیگر فرمود که رسول صلی
الله علیه وآله فرمود که چهار چیز است که هرگاه در کسی باشد حق تعالی آنکس را از اهل بهشت
مینویسد یکی آنست که پناه داشته باشد او و شهادتش لا اله الا الله باشد و دیگر آنکه هرگاه
حضرت عزت نعمتی بوی کرامت فرماید در مقابل آن نعمت الحمد لله بگوید سوم آنکه
چون گناهی کند از او سر زند بلا فاصله استغفار کند چهارم آنکه چون بلا و مصیبتی به او رسد
بگوید انا لله وانا الیه راجعون و دیگر نقل فرموده از آبای بزرگوار خود که جماعتی از فقرا
بخدمت رسول صلی الله علیه وآله آمدند گفتند یا رسول الله اغنیا را بندگان میباشد
که آزاد میکنند و ما را نیست و ایشان را استطاعت هست که حج کنند و ما را نیست و ایشان

مال هست که بآن تصدق میکنند و ما را نیست و ایشان را هست که بآن بجهاد روند
و ما را نیست آنحضرت فرمود که هر که صد بار بگوید الله اکبر افضل است از آزاد کردن صد
بنده و هر که صد بار سبحان الله بگوید بهتر است از قربانی کردن صد شتر و هر که صد بار الحمد
لله بگوید از صد اسب با زین و لگام در راه خدای تعالی بهتر است که غازیان سوار شوند و غزا کنند
و هر که صد بار بگوید لا اله الا الله افضل خلایق است در روز عمل در آن روز مگر آنکه
کرده باشد که این عمل را پس رسید باغنیا و ایشان نیز این عمل را بجا آوردند پس بازگشتند فقرا
بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفتند یا رسول الله تحقیق رسید باغنیا
آنچه تو گفتی و ایشان عمل نمودند فرمود که این فضل خدای تعالی است میدهد بهر که میخواهد
و دیگر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا
الله و الله اکبر دوست ترین سخنها است از آن چیزها که آفتاب بر آن تابیده **در تحمید است**
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود رسول صلی الله علیه و آله حمد میکرد
خدای تعالی را در روزی سیصد و شصت بار بعدد رگهای جسد و میفرمود که الحمد لله کثیرا
علی کل حال **و** در حدیث دیگر آمده که چون شب میشد مثل این میگفت **و** دیگر آنحضرت فرمود
که اول کسی که خوانده میشود بسوی بهشت آنهایند که حمد خدای تعالی کنند در پنهان و آشکار
و سؤال کردند از روضهای بهشت که کجاست آنحضرت فرمود که ریاض بهشت مجالس ذکر است
پس صباح و رواح کنید در ذکر خدای تعالی عز و جل **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود
که شکر هر نعمتی اگرچه بزرگ باشد آنست که تو حمد کنی او را و دیگر فرموده که نداد حق تعالی
نعمت عظیم بر بنده مؤمن پس حمد کند آن بنده خدای تعالی را بر این نعمت الا آنکه حمد او افضل
و اعظم از آن نعمت **آورده اند** که استر امام محمد باقر بگریخت پیدا نمیشد
آنحضرت فرمود که اگر خدای تعالی استر مرا بمن باز گرداند او را شکری عظیم بگویم بعد از آن
که استر را گرفته آوردند گفت الحمد لله رب العالمین **روایت** است از ابی حمزه که
گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خبر دهم شما را بحمدی که کفایت کند شما را از جمیع حمدها
گفتیم بلی یا رسول الله فرمود که بگوئید اللهم لک الحمد بمحامدک کلها علی جمیع نعمک کلها
حتی ینتهی الحمد الی ما تحب و ترضی **روایت** است از ابی عبد الله علیه السلام
که هر که چهار بار بگوید وقت صبح که الحمد لله رب العالمین بتحقیق ادا کرده شکر

در شرع و ورع بحث

مقدمه برداشتند و اساس
دین و ملک را نابود انگاشتند
و احکام خدا را پشت پا زدند
و مباح و مکروه [illegible]
حلال میدانند و حرام [illegible]
مال احتساب نمیکنند گاهی میگویند
که خدا از عبادت ما غنی است ما را
چرا خود را بعبث رنجه داریم و [illegible]
گویند خاطر دلها باید [illegible]
که اعمال ظاهر احتیاج عبادت [illegible]
در انواع معاصی فرو روند
میگویند نفس ما بمرتبه رسید
است که [illegible] اعمال ما
از راه خدا باز نمیدارد و ضعفا
نفوس محتاج طاعت و عبادتند
تا بر کرامات برسند خود را از
پیغمبران و اوصیا بالاتر میدانند
[illegible]
[illegible]
خوش بود گر محک تجربه آید بمیان
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
و بعضی دیگر [illegible] دعای
معرفت [illegible]
جمال [illegible]
میکنند [illegible]
ساخته [illegible]
و ظاهر [illegible]
سید المرسلین [illegible]
نقل میکنند [illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان [illegible]
خارج است [illegible]

آن روز را و اگر کسی در اول شب الحمد لله بگوید بتحقیق ادا کرده شکر آن شب را **روایت**
است از زید شحام از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود که هر که بگوید الحمد لله کما هو اهله
مشغول میگرداند کاتبان آسمان را گفتم چون مشغول میشوند کاتبان آسمان فرمود که میگویند
اللهم انا لا نعلم الغیب یعنی بار خدایا ما غیب نمیدانیم پس حق تعالی فرماید که بنویسید
او را همچنانکه گفت بنده من و بر من است ثواب آن و دیگر روایت است از ابی عبد الله علیه
السلام که فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر گاه کسی بگوید این ذکر الحمد
لله بمحامده کلها ما علمنا منها و ما لم نعلم علی کل حال الحمد لله حمدا یوافی نعمه و یکافی
مزیده علی و علی جمیع خلقه حق تعالی فرماید که رسید بنده من برضای من پس من هم
میرسانم بنده خود را برضای خود به بهشت و در حدیث است که مردی آمد بخدمت ابی عبد الله
علیه السلام و گفت فدای تو گردم بدرستیکه من مردی پیرم تعلیم کن مرا دعائی که جامع باشد
آنحضرت فرمود که بگوی حمد خدای تعالی را بتحقیق که تو چون حمد خدای تعالی کنی باقی
نماند هیچ نمازگذاری که باقی بماند مگر آنکه دعا میکند برای تو یعنی گفتن ایشان سمع
الله لمن حمده حق تعالی بر قول میفرماید **روایت** است از امیر المؤمنین علیه السلام
که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که در فرزندان آدم سیصد و شصت رگ است
که متحرک است و صد و هشتاد ساکن پس اگر آنچه ساکن است متحرک گردد آدمی را نمی باند
و اگر متحرک ساکن شود آدمی بهلاکت انجامد و فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله هر روز چون بامداد میشد سیصد و شصت رگ را شکر میفرمود که الحمد لله رب
العالمین کثیرا طیبا علی کل حال **در تمجید است** زراره گوید که گفتم بامام محمد باقر
علیه السلام که کدام عمل از عملها دوست تر است بسوی حق تعالی فرمود که تحمید حق تعالی
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود بدرستیکه حق تعالی تمجید میفرماید نفس
خود را در هر شبانه روزی سه نوبت پس هر که تمجید کند خدای عز و جل را بآن تمجیدی که خود را
بآن تمجید نموده آنکس برگردد از شقاوت بسعادت **دیگر** حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده که هر که دعائی کند که پیش از آن تمجید نباشد آن ابتر است یعنی مقطوع است
پس بدرستیکه اول تمجید است بعد از آن دعا گفتم که اقل آنچه کافی است از تمجید کدام
است فرمود که بگو اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء و انت الآخر فلیس بعدک

در شرع و ورع بحث

بجز کلماتی و اصطلاحی چند
که آنها را دام خود قرار داده اند
و جمعی از اهل دنیا را بآن دام
کشیده اند تا اموال ایشان را بخورند
و دین ایشان را بباد دهند هیهات
[illegible] ظالم [illegible]
[illegible]
[illegible]
دور بزند شعر
[illegible]
[illegible]
و جماعتی دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
این موجب [illegible]
[illegible]
است و حال آنکه [illegible]
در شریعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
هفتم [illegible]
اغنیاء و مال را [illegible]
ایشان [illegible]
[illegible]
دنیا [illegible]
[illegible]
دهند [illegible] شعر
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت الباطن فلیس دونک شیء و انت العزیز الحکیم **در تسبیح** است یونس بن یعقوب گوید که گفتم مر ابی عبد الله علیه السلام را که هر که صد بار سبحان الله بگوید باشد از آنانکه خدا را بسیار یاد کرده باشد فرمود بلی روایت است از امام محمد باقر علیه السلام که هر که سبحان الله بگوید بی تعجب بیافریند حق تعالی از آن مرغی را که مر او را باشد زبان و دو بال که تسبیح بگوید خدای تعالی را در میان تسبیح گویندگان تا قیامت قائم شود و ثواب آن بجهت آن کس باشد همچنین است سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر **روایت** است از امیر المؤمنین علی علیه السلام که تسبیح نیمی میگرداند میزان را و الحمد لله پر میگرداند میزان را و الله اکبر پر میکند میان زمین و آسمان را و دیگر فرمود که هر که شبانگاه سه بار بگوید سبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون فوت نشود از او خیری که در آن شب بوده باشد و بگرداند از او جمیع شرهای آن شب و هر که مثل این بگوید در بامداد فوت نشود از او خیری که بوده باشد در آن روز و بگرداند از او جمیع شرهای آن روز **در تهلیلات** ابن عباس گوید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ کلمه دوستتر نیست نزد خدای عز و جل بسیار از گفتن لا اله الا الله و هیچ بنده نیست که بگوید لا اله الا الله و آواز خود را برکشد و فرع کند مگر آنکه فرو ریزد گناههای او در زیر قدمهای او همچنانکه فرو میریزد برگها از درختها سکونی روایت کرده از ابی عبد الله و او از پدران بزرگوار خود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین عبادت گفتن لا اله الا الله است در کتاب عیون الرضا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی را ستونی است از یاقوت سرخ که سر او در زیر عرش است و پایین او در پشت ماهی است که در زمین هفتم است پس چون گفت بنده لا اله الا الله عرش بلرزد و ستون متحرک گردد و ماهی بجنبش در آید حق تعالی فرماید که ساکن شو ای عرش من او گوید ای معبود من چگونه ساکن شوم و حال آنکه نیامرزیدی گوینده لا اله الا الله را حق سبحانه و تعالی گوید گواه باشید ای ساکنان آسمانهای اعلی که آمرزیدم گوینده لا اله الا الله را **جابر** از ابی عبد الله علیه السلام روایت کرده و او از امیر المؤمنین علیه السلام که هیچ بنده مسلمانی نباشد که بگوید لا اله الا الله مگر آنکه بالا رود و بدرد

در غرور

دعوی و رای جماعت در طاعت و دیم بترتیب رفتن و بر حق دیگر سعی و کوشش خلق مساجد و مدارس و رباط و امثال اینها نمایند لکن مضایقه نمایند از صرف مال حرام در آن بلکه تا باشد حین صیت و مدح یا الا بخاطر داوات آن در بسته و دیگری کند که خیر نباشد و شهرت یا حرص دیگر نمایند که مقصود رفت ببذل و عطا و صله تا گشاینده انا سعی میکند که خاطر ایشان شخص معروف باکسی زینت کرده که جامع زبان مدح و شکر ایشان گشاید و تفضیل گناه هیچ میدهد [illegible] آنکه سر خود را [illegible] خود [illegible] کند که [illegible] ایشان نگردد [illegible] حلال و حرام جمع [illegible] حافظ آن [illegible] اندازند [illegible] باشد که در خون واجب از [illegible] بیاید [illegible] نا بیاید [illegible] وجهه [illegible] صفت [illegible] آن طاعت و با [illegible] [illegible] نیز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سقف تا او نگذرد هیچ چیز از سیئات او مگر که محو کند آن را تا منتهی شود مثل آن از حسنات پس بایستد و دیگر فرمود که گفتن لا اله الا الله ثمن بهای بهشت است **روایت** است از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که تلقین کنید مردگان خود را بکلمه لا اله الا الله که آن فی الحال گناهان او را محو مینماید گفتند یا رسول الله کسی که در حالت صحت بگوید چگونه است فرمود که آن بیشتر و بیشتر محو مینماید و این کلمه ایمن میگرداند مؤمن را در حال حیوة و نزد ممات و هنگامی که از قبر بیرون آید **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که صد بار بگوید لا اله الا الله او بهترین مردمان است در آن روز از روی عمل مگر کسی که زیاده بر آن بگوید **غریب** بن ادهم روایت کند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که با خلاص کلمه لا اله الا الله بگوید البته ببهشت رود و اخلاص او بآن کلمه این است که گوینده آن خود را از حرام نگاه دارد **ابو سعید** خدری روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی نگفته پیش از من کلمه که افضل باشد از کلمه طیبه لا اله الا الله **ابو عمرو ابن** علی گوید که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نباشد هیچ مؤمنی که بگوید لا اله الا الله مگر آنکه محو کند سیئات را از نامه اعمال او و مثل آن حسنات را بجای آن بنویسد **در تکبیرات** ابو حمزه ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین علیه السلام که هر که در اول شب صد بار بگوید الله اکبر همچنان است که صد بنده آزاد کرده باشد **امام** رضا علیه السلام فرمود که پدر بزرگوارش فرمود که هر که بخواند لا حول و لا قوة الا بالله حق سبحانه و تعالی بگرداند از او نود و نه نوع از بلاهای دنیا که آسانتر از آن فقر باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که صباح از خانه بیرون آید و بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله در آن هنگام دو فرشته ملاقات کنند که ای بنده مهمات تو مجموع ساخته شده ایمن شدی و راه راست یافتی در این حالت شیطان گوید که من چه توانم کرد با این بنده که کفایت کرده شده مهمات او و از شر شیطان ایمن گشته و راه راست یافته **روایت** است از ابی عبد الله علیه السلام که هر که ده بار بگوید یا الله یا الله حق تعالی فرماید که لبیک لبیک مهم و حاجت تو چیست **و دیگر** فرمود که هر که بگوید ده بار که یا رب یا رب یا رب جواب دهد که حاجت تو چیست و هر که بگوید هفتاد مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله

در طول امل

وطالبین سعادت تا بدین دغا اخوان آن فانی باشند و مانند که این کلمات در عقب نوشته چه انکس بنده حکیم جانی مصوب است در عصر خبر فرخنده حیثی است که بعضی رضا شنید تا کر العباد بالله با عشر عشر [illegible] کلام را ختم کرده و بعد از خواهیم دگو بشنو

شعر

گر خاطر شریف بشغلی شد ای حافظ
باز آ که تو برگزیده از گفته در شعر

صفت ۲۴ طول امل

است که عبارت است از امید بسیار در دنیا و اندوختن بسیاری دل از در وقت زندگانی و کثرت بقای بدان و سبب این صفت دو چیز است یکی جهل دوم دفع جاهل اعتماد میکند بر جوانی با صحت مزاج خود و بعید میداند در وقت شباب رحلت صحت مزاج و غافل است از مرگ اطفال و جوانها و بسیار که در هر روز جنازه ایشان بیرون کنند و بعضی بیمار [illegible] بجاره [illegible] که اگر اهل [illegible] ان بیرون [illegible] [illegible] با که [illegible] بیاد باد که [illegible] نصیحت [illegible] کراین حدیث [illegible] بجو درستی [illegible] کراین [illegible] عروس [illegible]

حق تعالی بگرداند او را هفتاد نوع از انواع بلاها که آسان ترین آنها کشته شدن و مجنون باشد
و دیگر فرمود که هر که روزی صد بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین غنا یابد
روا دیده و فقر از او بگردد و در بهشت برای او گشاده گردد و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده که خانه که در آن ذکر خدای تعالی میکنند مثل شخصی است که زنده باشد و
خانه که در او ذکر نمیکنند مانند کسی است که مرده باشد و هم آنحضرت فرمود که هیچ
جماعت بذکر خدای تعالی مشغول نمیگردند مگر آنکه فرشتگان گرد ایشان فرو میگیرند و
خدای تعالی ایشان را پرده رحمت میپوشاند و سکون و آرام در میان ایشان فرو میفرستد
و در زمره ملائکه ایشان را یاد میکند **شخصی** از آنحضرت پرسید که از شبها
امر مشغول باشم فرمود که دائم بذکر خدا باشی **در صلوات بر پیغمبر و آل او**
ابی عبد الله علیه السلام فرمود که هر گاه نام حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
بشنوید بر او صلوات فرستید که هر که یکبار بر آنحضرت صلوات فرستد حق تعالی
از یکی رحمت کند و طلب آمرزش نماید از حضرت عزت و جمیع مخلوقات بر او صلوات
فرستند پس تقصیری کنند در صلوات بر آنحضرت و آل او مگر جاهل مغروری و حق تعالی و
رسول از او بیزار میشوند و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که من در روز
قیامت در پیش میزان خواهم بود هر که گناهان او بر نیکوهای او زیادتی کند صلوات
که بر من فرستاده باشد بالای نیکوهای او میگذارم تا آن گناهان که آن نیکوها بر آن
زیاد شود **حارث اعور** گوید که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هیچ دعایی
صلوات بر پیغمبر و آل او بآسمان نمیرسد و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که بر
حضرت رسول صلی الله علیه و آله صلوات فرستد حق تعالی صد حسنه در دیوان اعمال او
بنویسد و هر که بگوید صلی الله علی محمد و اهل بیته هزار حسنه جهت وی بنویسد و آنحضرت
فرموده که زینت بیشتر در روز قیامت بر من کسی است که بر من صلوات بیشتر
بفرستد و ده درجه او را بلند گرداند و ده حسنه در نامه اعمال او بنویسند و ده گناه
از او محو کنند و بخیل کسی است که نام من بشنود و صلوات بر من نفرستد و دیگر
فرمود هر که با خلاص از امت من صلوات بر من فرستد حق سبحانه و تعالی
بر او ده صلوات فرستد و ده درجه او را بلند گرداند و ده حسنه در نامه اعمال او بنویسد

زمان تیر عمر بحد مرد گرفتار
گشته اند تا یک نفس بیشتر نمیبود
مراد نفس جوان و طفل مرده
و نیز غافل است از مردن و بیخبر
معاجات و عروض مرضهای
ناگهانی که از برای تو است و حق
مخصوص است در عمر محبت دنیا
و نیز مانع لذات فانیه است
چه ایشان را دائم گرفتار
محبت آن باشد و مفارقت از
آنها بر او گران است لهذا دل
او نیز یاد مردن که عادت
لذات است بمیرد و اگر گاهی
در دل او خطور کند خود را بفکر
دیگر مشغول سازد تا آن ساعت
که فوت و کفن که آمدن را در دو
اگر احیانا یاد آخرت بیفتد
شیطان و نفس اماره او را بوعده
فریب دهند که هنوز تو در اول
عمری و حال چندین سال در پیش
جمع اسباب مشغول باش تا
بزرگ شوی در آن وقت توبه
کن و مهیای کار آخرت شو
چون بزرگ شود گوید حال جوانی
هنوز ناتمام است پیر شود چون
پیر شود گوید باش تا این مزرعه
آباد کنم یا این خانه را تمام کنم
تمام یا این خانه را تمام نمایم بعد
از آن دست از دنیا کشم و در گوشه
فراغت مشغول عبادت شوم
و هر شغلی که تمام شود شغلی
نو میفرماید هر روز امروز
و فردا میکند که:

و ده سیئه از او محو کند **امام** جعفر صادق علیه السلام فرموده که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر گاه صلوات فرستید بر من و آل من صلوات گویید که آن نفاق را
میبرد **و امام** جعفر صادق علیه السلام فرموده **در استغفار و گریه** حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام گفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که می دردی و بدی
است و دوای گناهان استغفار است **و امیر المؤمنین** علیه السلام فرموده که عجب است
از کسی که نا امید گردد با او نجات باشد گفتند آن کدام است فرمود که استغفار بعد از آن
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که حق تعالی دوست میدارد آواز
خروس در سحرگاه و آواز قرآن خوان و آواز استغفار کنندگان در سحرگاه **ابی عبد**
الله علیه السلام فرموده که هر که در وقت خواب صد بار بگوید استغفر الله گناهان او
میریزد چنانکه برگ از درخت میریزد و از گناه پاک شود و صبح از گناه پاک بر میخیزد
اسمعیل بن سهل گوید که نوشتم با امام محمد تقی علیه السلام که تعلیم کن مرا چیزی که
هر گاه که آن را بخوانم تمام در دنیا و آخرت با شما باشم آنحضرت بخط خود نوشت که اکثر
از تلاوت قرآن بخوان و استغفار بسیار بگو **و ابو عبد الله** علیه السلام فرموده که رسول صلی
الله علیه و آله فرموده که خوشا حال آن کسی که در روز قیامت در نامه اعمال خود در زیر
هر گناهی استغفار نوشته باشد **و دیگر** فرمود که هر که استغفار بسیار کند نامه اعمال
او در روز قیامت درخشان باشد **و حضرت** رسول صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی
بر نمیخاست تا بیست و پنج بار استغفار نمیفرمود و دیگر فرمود بنده مؤمن که مرتکب
گناه شود و اگر چه از آن گناه پرسند باشد از صباح تا شام اگر استغفار کند بر او آن را
نمینویسند **و دیگر** فرمود که بنده مؤمن هر گاه گناه را یاد کند بعد از چندین سال و
از آن استغفار نماید آمرزیده شود و دیگر فرموده که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
استغفار و کلمه طیبه لا اله الا الله بهترین عبادات است و حضرت حکیم در کلام الله
الکریم خود فرموده که فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک **امیر المؤمنین** علی
علیه السلام شنود در جواب شخصی که در حضور آنحضرت گفت استغفر الله که مادرت بر تو
بگرید هیچ میدانی که استغفار چه چیز است بدرستیکه استغفار درجه علیین است و آن
نامیست که واقع میشود بر شش معنی اول پشیمانی از گناهان گذشته دوم عزم

ناگهان ناگهی بانگ خواجه بر خیزد
و این حیات عاقل دانند که
او را دعوت فرصت فرداها
مرا باقی است تا اکنون عمر
شغل دنیا حاصل نشود و دنیای
کسی که بینایی نگردد او را دنیا
و طالع آن عمل اجرت بر حسرت
دنیا است که گذشته عمل اهل
احوال این غافل بسر دنیوی
چنانکه جهان ملک خاک بیشتر
ندنیا و فنا و اعمال تبیین نیست
با شماع کند مواعظ و نصایح
ارباب خود متنبه نشده و تأمل
کند که شاید عمر او بوقت
آخر رسیده دست عادات یا
کفن اوراند دست نساخ بر آمد
یا خشت لحد او از قالب بر
شده با شد چه بهانه در کار خود
کند و بگوید:

ما لک فی نجیر مستلقیا
لم تحصن القوم بتدارکی

نماز خوش بخواب نرم خفتیان بر
کرده دیگر برخیز که چون تابع
وصل انقضا امل است
که کرانه بر دنیا باشد از
اهل ایمان و بسر بروت
یکی از آن حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که
خوش مع کسی که نصیب را اکره
ذخیره بر دارد از دنیای خود برای
آخرت و از زندگانی برای مرگ
و از صحت تندرستی خود برای
بیماری چه مسلمانی که فردا را

جزم کردن که بآن گناهان باز نگردد سوم ادا کردن حقوق مردم تا پاک بجناب الهی
ملاقی شود و بر او وبالی نماند چهارم آنچه فوت کرده از عبادات تلافی آن بکند پنجم
آن گوشتی که بر بدن او روییده از حرام بگدازد بغم و اندوه تا چسبان گردد پوست با استخوان
و گوشت تازه از حلال بروید ششم بچشاند بجسم خود مشقت طاعت را چنانکه چشانیده
حلاوت معصیت پس بگوید بزبان حال استغفر الله **امام** جعفر صادق علیه السلام
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد بار استغفار میفرمود گفتند
بچه کیفیت بود گفت که هفتاد بار میفرمود که استغفر الله ربی و اتوب الیه و هم از آن
حضرت روایت است که هر که بعد از فرض پیش از آنکه دو زانو از قبله برگرداند سه نوبت
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه
حق تعالی گناهان او را بیامرزد و اگر چه برابر کف دریا باشد و در خبر دیگر وارد است که
هر که این کلمات را در هر روز بگوید خدای تعالی چهل کبیره او را بیامرزد **و گریستن**
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چشم اشکبار و دل ترسناک نشانه رحمت الهی است هر گاه
شما این دو صفت را در خود یابید دعا کنید و دیگر فرمود که اگر در میان جماعتی
یک شخص یا بنده گریان باشد خدای تعالی بجهت او بر همه رحم میفرماید و دیگر فرمود
که اگر شما را گریه نیاید خود را بصورت مردم گریان برآورید پس اگر بقدر سر مگسی اشک از
دیده ظاهر شود نیکوست **محمد** بن مسلم گوید که من شنیدم از امام محمد باقر علیه السلام
که میفرمود که هیچ چیز نیست که بوزن و کیل در نیاید مگر آب چشم که خدای تعالی چشم گریان را
از آتش دوزخ نگاه میدارد و چون آب از دیده بر روی فرو ریزد گرد فقر و خواری نبیند
هرگز در دنیا و در آخرت و قطره آب چشم دریاهای آتش را فرو مینشاند و اگر مردی گرید
در میان امتی همه مرحوم شوند **روایت** است که ابراهیم خلیل علیه السلام فرمود که بار خدایا
کیست که روی خود را باب چشم تر کند از ترس تو جزای او چه باشد فرمود که مغفرت و رضوان
من و امام محمد باقر علیه السلام فرموده که طلب کنید اجابت را در وقت حرکت آمدن بادها
و در وقت روان شدن آب چشم و نزد باریدن باران و هرگاه که آفتاب بسمت زوال
آسمان میل کند بجانب مغرب چه آن ساعتی است که درهای آسمان گشوده است و
امید اجابت بسیار است و قبول شدن دعا از جانب حضرت منان و دیگر فرموده که

تو چه خواهد گذشت و تمام
تو در میان چه ظاهر خواهد
بود **شعر**
تا کی دیگر ما چه میبینی از جهان
دیگر که تا که ما را بود با آن
و روزی بمرض مختصری
رسید که امامه کمپین عمر
بکاه خویشانت فرمود که آیا
اسامه زید را نا امیدیانست
که امید حیات بکاه خود دارد
و حقیقی نماند که مردمان در
طول و قصر امل مختلفند که
هرگز خیال اتمام میکنند و بعضی
دیگر که آمی خیال میکنند تا
امید زندگانی را تا سن طبیعی
دارند و در دیگر تا از مرگ را
تصور نمیکنند و تحصیل معیشت
سی سال میکنند و بیست سال
میپروارند و در خود دیگر زمانی
از عمر دیگر بسیار کمی از مردم
دارند توقع فنا دارند و بعضی
تا یکی مینشد که فکر زیاده
از یک سال را نمیکنند و بعضی
ایشان را بخود نمیدارند و آیات
خصص ما الیقین بر ایشان بغیر
تصیر الامل است و از این بهتر
کسی است که در فکر بیش از یک
شام روز نیست بالا از آن
این کسی است که همیشه مرگ را در
نظر او حاضر است و چنین کسی
هر نماز یکه میکند نماز وداع
کنندگان دنیا است و لیکن اکثر
مردمان خصوصی طول امل

تضرع و نیاز و دعا را نزد خدای تعالی منزلتی است تمام چه هر گاه بنده متوجه گردد بخدا
چرا اگر روان شد آب از چشمش فرو میابد بر او رحمت الهی پس غنیمت دانید آن ساعت را
که آن ساعت قبولیت است و طلب حاجت و بزرگ منمایید چیزی را که از خدای تعالی
طلب میکنید چه آنچه نزد خدای تعالی است بزرگتر است از آنچه شما میدانید و آن را ریزه
تحقیر نکنید کوچک از حاجتهای خود را چه دوست ترین مؤمنان بسوی خدای تعالی سؤال
کننده ترین ایشان است **روایت** است که امام محمد باقر علیه السلام پیش پدر بزرگوار خود
امام زین العابدین علیه السلام آمد آنحضرت را در عبادت بمرتبه یافت که هیچ کس بآن مرتبه
نرسیده چهره مبارکش زرد گشته از بیخوابی و دیدهای مبارکش از گریه سرخ و مجروح شده
و پیشانی مبارکش نورانیش پینه بسته و بینی مبارکش مجروح گشته و پاهایش از ایستادن در نماز
ورم نموده و ورم کرده **امام** محمد باقر علیه السلام میفرماید که چون پدر بزرگوار را بدین
حال دیدم خود را از گریه نتوانستم نگاه داشت رحم آمد مرا بر حال آنحضرت پس بسیار
گریستم و او در من نگاه میکرد و متفکر بود در حال من بعد از لحظه بمن ملتفت شد و
فرمود که ای فرزند بعضی از کتابها که احوال عبادات امیر المؤمنین علی علیه السلام در
آنجا است بجهت من بیاور من آن کتاب بجهت آنحضرت بردم در آنجا اندکی نگاه کرد و
دعائی خواند و بنهاد و بملال گفت فرمود که که میتواند مثل امیر المؤمنین علیه السلام
عبادت کند **امام** زین العابدین علیه السلام فرموده هر گاه آنحضرت وضو میساخت
رنگش متغیر میشد میپرسیدند که سبب تغیر تو چیست فرمود که هیچ میدانید که بجانب
که قیام خواهم نمود **روایت** است که امام موسی کاظم علیه السلام از برای خدای تعالی چندان
بگریست که محاسن مبارکش تر شد **فصل پنجم** در دعاها که بجهت حصول مهمات
گذارند **امام** جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون قصد کاری داشته باشید با هیچ
کس مشورت مکنید تا با خدای تعالی مشورت کنید شخصی گفت یا امام چگونه با حق تعالی مشورت
کنم فرمود صد بار بگوئید استخیر الله بعد از آن با مردمان مشورت کن که خدای تعالی خیر
تو را بر زبان یکی از دوستان جاری میکند **یحیی** بن عمران حلبی گوید که ابو عبد الله علیه
السلام فرمود که مشورت را حدی و حدود است پس کسیکه حدود آن را نداند ضرر آن بیشتر است
از نفعش **اول** آن است که مشورت با مردم عاقل کند دوم آنکه آن مرد آزاد و متدین

برای ایشان غالب است که آنچه
از یاد مرگ ببرد و دعا و توجه
سخن ایشان زیاد تر و دفع
آخرت از دیگر میشود و حرص
طول امل ایشان زیاد تر گردد
چنانکه در حدیث شریف وارد شده
با آن شد و دار آنکه بیش از عمر
خود تمنا میکنیم **شعر**
خار خار بوسه از دل افکنی دیگر
یک شبی بود این زمان غصه
پس کسی که عمر دو چهل سالگی
رسید دیگر فکر دنیا کردن او
از غفلت است و از شیطان
چرا ایام لذت کامرانی گذشت
و روزگار نشاط و شادمانی
بسر آمد و هر عضوی از اعضا
او کوچ میکند و بیچاره انسان
غافل و در فکر باطل است **شعر**
چو دوران عمر از چهل در گذشت
مزن دست و پا کآبت از سر گذشت
چو باد صبا بر گلستان وزد
چمیدن درخت جوان را سزد
نزیبد ترا با جوانان چمید
که بر عارضت صبح پیری دمید
دریغا که فصل جوانی گذشت
بلهو و لعب زندگانی گذشت
و بدانکه هر کس که زیادتی از
ضروری سال خود جمع میکند
طول امل دارد و حضرت امیر
امیر المؤمنین و امام زین العابدین
نسبت داده اند که نشانات
طول میکشد و با وجود این
مضطرب بیست بطول الامل

باشد سوره مزمل و سوره کهف بخواند بعد از آن سلوک نماید چهارم آنکه مطلع گردد او و راه برو
خود تا دانش آن باب تا شد و دانش تو باشد بعد از آن تفسیر خود این را پس گفت هر گاه مستخیر
غافل باشد از مشورت فایده دارد و هر گاه حرف دشمن باشد سعی خواهد نمود در تصحیح
تو تا کامل گردد مشورت و چون دوست برادر دانا باشد پنهان نمیدارد سر ترا هر گاه مطلع
شود از حال تو و مرا او علم و همان علم دوست **عثمان بن عیسی** گوید که از امام جعفر صادق علیه السلام
پرسیدند که دوست ترین خلق بسوی خدا کیست فرمود آنکه فرمان بردار تر باشد خدا را
گفتند دشمن ترین خلق بسوی خدا کیست فرمود آنکه خدا را متهم دارد پرسیدند
که کسی هست که چنین باشد فرمود بلی کسی که استخاره کند چون نتیجه بد آید بر او خشم کند
و خدا را او باشد خشم گیرد از آن و خدا را متهم دارد **حماد بن عثمان** روایت کرده است از
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که هر گاه قصد کاری کنید شش پاره کاغذ بردارید
و در هر پاره کاغذ بنویسید که بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم و نام خود
و نام پدر خود را در آن بنویسید و بعد از آن کلمه افعل بنویسید در سه پاره کاغذ و در سه
پاره دیگر بجای افعل لا تفعل بنویسید بعد از آن در زیر جانماز بنهید و دو رکعت نماز
بگذارید چون از نماز فارغ شوید سجده کنید و در آن سجده صد بار بگوئید استخیر الله
برحمته خیرة فی عافیة بعد از آن راست بنشینید و بگوئید اللهم خر لی فی جمیع اموری
فی یسر منک و عافیة بعد از آن دست بر آن کاغذها زنید و بهم بر زنید و یکی از آنها را بیرون
آورید بعد از آن یکی دیگر و همچنین تا سه کاغذ در دو هم افعل بر آید آن کار بکنید و
اگر سه لا تفعل باشد ترک کنید و اگر یکی افعل و یکی لا تفعل باشد پنج پاره بیرون آورید اگر سه
افعل باشد آن کار بکنید و اگر بیشتر لا تفعل باشد ترک کنید و ششم را احتیاج بیرون
آوردن نیست **امیر المؤمنین** علیه السلام دو رکعت نماز میگذارد و در عقب آن چند بار
میگفت استخیر الله بعد از آن میفرمود اللهم انی قد هممت بامر قد علمته فان کنت
تعلم انه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی
و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ذلک او احبت فانک تعلم و لا اعلم
و انت علام الغیوب بعد از آن از مقام برخاست برای حاجتی که میداشت **مروی است**
که مردی بخدمت ابی عبدالله علیه السلام رفت و گفت فدای تو گردم بسیار میشود که

در ضرر امل

و علامت ضرر امل آنست که
آدمی خود را جمع آوری نماید
مانند کسیکه اراده سفری
دارد و سعی از برای جمع قوت
زیاد تر از یکسال بلکه چهل
روز خود را نکند و سایر
اوقات خود را صرف طاعت
و عبادت نماید و علاج طول
امل یاد مرگ است چرا که
مرد تا دل از دنیا دیگر
دل را از دنیا بیرون نیاورد و
از این جهت حضرت رسول صلی
الله علیه و آله فرمود بسیار یاد
آورید شکننده لذتها را که
مرگ است که هیچ خانه ای نیست
مگر اینکه ملک الموت شبانه
روزی پنج مرتبه ایشان را
ملاحظه مینماید و عجب است از
آدمی زاد چه قدر یقین بمرگ
دارد و باز در قبر را دوری شمارد و از خواب
غفلت بیدار نمیشود و در فکر
کار آنجا نمیباشد (شعر)
خاک بر سرم که عمرم در فکر کار گوشه
غم گور نیست عمرم را صرف [illegible]
زد و دوران طلب یاد کن
دل از بند دنیا آزاد کن
کو آن [illegible] که [illegible]
که بر [illegible] بر [illegible]
پس کسیکه [illegible]
و [illegible] و کرد
[illegible] و [illegible]
زمین [illegible]
که [illegible]

مرتکب حاجتی میشوم در آن بسیار فکر میکنم فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفت چگونه استخاره
کنم فرمود که چون نماز صبح بگذاری صد مرتبه در حالتی که دستها برداشته باشی بگو اللهم
انک تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب فصل علی محمد و آل محمد و خر لی فی جمیع ما
عزمت به من اموری خیار برکة و عافیة بعد از آن سجده کن و در سجده صد بار بگو استخیر
الله برحمته استخیر الله فی عافیة بعد از آن حاجت خود را بخواه که آنچه خیر است از
برای تو بر هر حال پیش می آید و شیخ مفید روایت کرده که در خود دارد آنچه تصرف دارد که
حسن بن جهم سؤال کرد از امام موسی علیه السلام از برای ابن اسباط که چگونه در حج
استخاره کند فرمود باید نماز فریضه را بجا آورد دو رکعت نماز بگذارد و صد بار بگوید
استخیر الله بعد از آن نظر کند که چه چیز بدل او واقع میشود بآن عمل کند **حسن** گفت
که مراد بود که سفر دریا کند یا خشکی در آن خاطر افتاد که خشکی بهتر است پس گفت این
چنین بخاطر میرسد **روایت** کند مرازم که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که هر گاه یکی
از شما را حاجتی باشد چنین باید کرد دو رکعت نماز بگذارد و حمد و ثنای حق تعالی را
بجا آورد و بعد از آن صلوات بر محمد و آل او فرستد و بگوید اللهم ان کان هذا الامر
خیرا لی فی دینی و دنیای فیسره لی و قدره و ان کان هذا الامر شرا فاصرفه عنی پس
پرسید که در آن دو رکعت چه بخواند فرمود که هر چه خواهد و اگر قل هو الله احد و
قل یا ایها الکافرون بخواند شاید **اسحق بن عمار** روایت کند که گفتم بامام ابو عبدالله
علیه السلام که گاهی هست که میخواهم کاری پیش گیرم یکی میگوید که مکن و دیگری میگوید
که بکن آنحضرت فرمود که هر گاه خواهی کاری پیش گیری دو رکعت نماز بگذار بعد صد بار
بگو استخیر الله بعد از آن نظر کن که از این دو امر کدام استوار تر است آن را بکن که در او
خیر است ان شاء الله تعالی معلوم باید که استخاره تو در عافیت باشد چه گاه باشد که خیر
مرد در بریدن دست باشد یا در مرض و یا در تلف مال او باشد **محمد**
بن یعقوب میگوید که شخصی گفت به یکی از ائمه علیهم السلام که گاهی که کاری میخواهم با او مشورت
کنم نمیدانم در امری که مرا موافق باشد چه حکم فرمود که با خدای تعالی مشورت کن گفت
چگونه مشورت کنم فرمود که قصد کن آن حاجتی که داری بنویس در دو پاره کاغذ لا و در
پاره دیگر نعم و هر یکی را در گلوله گل بگذار و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و بعد

در طول امل

پیوسته خاک بر سر خاک باشد
و فکر و ذکرش منحصر به این عالم
باشد (شعر)
باغبانا ز خزان بی خبرت میبینم
آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد
رهزن دهر نخفته است مشو ایمن از او
اگر امروز نبرده است که فردا ببرد
پس بر هر طالب نجاتی لازم است
که هر روز و گاهی مرده را یاد
نماید و فنا و نیستی خود را
امثال و اقران و یاران و دوستان را
که از دنیا رحلت کرده اند یاد
کند که چگونه خاک شدند و بادا
صورت و هیئت و امثال ایشان
ایشان را در نظر آورد که حالت
چگونه خاک صورت ایشان
را کرم خورده و اجزای ایشان از هم
از هم پاشیده و خاک شده گرد
یتیمی بر چهره اطفال ایشان نشسته
و خانه ها از ایشان خالی مانده
و نام ایشان از صفحه روزگار
برطرف شده که گذشتگان را چه
گذرانید و ایام حیات ایشان
در خاطر ایشان یادآوری نماید
و امیدها و حرصها و سعی ایشان را
در جمع نمودن اسباب دنیا
تصور نماید پس یاد کند که
در قبر مفاصل ایشان از هم جدا شده
زبان گویای ایشان خورش مور
مار شده و گوشت بدن ایشان
پاره پاره گشته در لحد جای
تنهایی قبرستان رو در خاک
دوستان گذشته در لوح مزارشان

هر روز تا ده روز بر دامن خود بنگاه دار و بگو یا الله انی استشیرک فی امری هذا و انت خیر
مستشار و مشیر فاشر علیّ بما فیه خیرٌ و صلاحٌ و حسن عاقبة بعد از آن یکی از آن
هر دو را بیرون آر پس اگر در آن نعم باشد بکن و اگر لا باشد مکن مشورت با خدای تعالی
چنین باشد **جابر** بن عبدالله گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله تعلیم میفرمود
ما را استخاره چنانکه تعلیم میفرمود ما را سوره از سوره های قرآن و میفرمود که هرگاه
یکی از شما حاجتی داشته باشد باید که دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بگوید اللهم انی
استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا
اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر لفلان
خیر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاقدره لی و یسّره و بارک لی فیه و ان
کنت تعلم انه شرّ لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاصرفه عنّی و اصرفنی عنه
و اقدر لی الخیر حیث ما کان و رضّنی به **عمرو** بن حریث روایت کند که ابو عبد
الله علیه السلام فرمود مرا که دو رکعت نماز بگذار و استخاره کن بخدای تعالی که هیچ مسلمانی
نباشد که استخاره کند بخدای تعالی که البته خیر پیش او نیاید و چون خواهی که بکلام خدا
تفأل نمائی نماز امام جعفر صادق علیه السلام بگذار و چون فارغ شوی این دعا بخوان
اللهم ان کان فی قضائک و قدرک ان تفرج عن ولیک و حجتک فی خلقک فی عامنا
هذا و فی شهرنا هذا فاخرج لنا آیة من کتابک نستدل بها علی ذلک بعد از آن
هفت ورق بشمار و ده سطر از پشت ورق هفتم و نظر کند که چه خواهد و بعد از آن بکار
دیگر جهت قضای طلب خود بگشاید و بهمین طریق ورق و سطر بشمارد و حال خود
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر کس که از خانه بیرون آید بگرداند نگین انگشتری
از پشت دست بکف دست خود و سوره انا انزلناه بخواند و بعد از آن بگوید آمنت
بالله وحده لا شریک له آمنت بسرّ آل محمد و علانیتهم و لا یلیهم در آن روز مکروهی
بوی نرسد **سماعة** بن مهران گوید که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که چون یکی از
شما بیمار شد طبیب را بطلبید و چیزی بوی عطا بکنید و چون پادشاه شما را کاری
باشد دربان را رعایت کنید پس اگر کسی را بدرگاه الهی حاجتی باشد طهارت کند و
صدقه نماید در راه خدای تعالی اندک باشد یا بسیار و بعد از آن بمسجد رود دو رکعت نماز

در نصیحت و پند

بزرگان اعتباری بهاد تفکر کن
که در زیر لحد بفاصله دو
ذرع چه خیر و چه صحبت است
(سعدی)
آدم بتیشه بلند و زیر تل خاک
گوش مدام نالد و فند شاک
کز نغمه اگر بتا اسیر
که چشم و بنا گوش نمی ... ست
جهان تا بود و آدم بزاید جهان
شدستم نوا بجهان این زمان
پس چون نظر اعتبار نگری ...
حق که با خاک تیره یکسان گشته
دانشایان تا نگری که تا الحشر
از فلک گذشته زلف دو شخص
گفتار من در دو ... نفشاند
پیداشده ... تی بنهاد
نامور از ... کشید و نام
... دی را نوش کرد و
گردنکشان سر گریبان ...
کشید سلاطین و تاج ... اند
کز هم خشت ... نهاد
لشکر کشاند سعی که ... نماید
وصف ... که
سورتشان ... امادا
که بوس ... نشان
دیگر ... ستنکر
... آغوش ... گردد
... شود و ...
... و ... شعر
هر آن ذره که اندر ... باد
... بود با کیمیا ...
کجی گل ... بوی ...
... جنید ...
(من صد)

بگذارد و خدای را حمد و ثنا گوید و صلوات بفرستد بر محمد و اهل بیتش و بگوید
اللهم ان عافیتنی من مرضی او رددتنی من سفری او عافیتنی مما اخاف من کذا و
کذا ام اینه حضرت حق تعالی حاجت او روا کند **نماز دیگر** در شبی که همه شب را باید غسل
کند و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله احد تا پانصد بار و همچنین
و در رکعت دوم بهمین مثال و چون از قرائت رکعت دوم فارغ شوی آخر سوره حشر یعنی
هو الله الذی لا اله الا هو تا آخر سوره و شش آیه از اول سوره حدید بخوان و بعد
از آن بگو در حالتی که ایستاده باشی ایاک نعبد و ایاک نستعین هزار بار پس برکوع و سجود
رو و تشهد بخوان و ثنا و حمد الهی بگو پس اگر حاجت تو روا نشود پس در نوبت دوم روا
خواهد شد و الا در نوبت سوم **نماز دیگر** منقولست از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود
که چون ترا حاجتی مهمی باشد چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و در روز جمعه غسل
کن و جامه نو پاکیزه بپوش و بر جای بلندی بالا رو و دو رکعت نماز بگذار و دست خود را بسوی
آسمان بردار و بگو اللهم انی حللت بساحتک لمعرفتی بوحدانیتک و صمدانیتک و
انه لا قادر علی حاجتی غیرک فقد علمت یا رب انه کلما تظاهرت نعمتک علیّ اشتدّت
فاقتی الیک و قد طرقنی همّ کذا و کذا و انت بکشفه عالم غیر معلّم واسع غیر متکلّف
فاسئلک باسمک المکنون الذی وضعته علی الجبال فنسفت و علی السماء فانشقّت
و علی النجوم فانتثرت و علی الارض فسطحت و اسئلک بالحق الذی جعلته عند
محمد و عندهم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و ان تیسّر لی عسیرها و تکفینی
مهمّها فان فعلت فلک الحمد و ان لم تفعل فلک الحمد غیر جائر فی حکمک و لا متّهم فی
قضائک و لا حائف فی عدلک و روی خود بزمین بنه و بگو اللهم ان یونس بن متی عبدک
دعاک فی بطن الحوت فاستجبت له و انا عبدک ادعوک فاستجب لی ابو عبدالله علیه
السلام فرمود که هرگاه مرا حاجتی مهم بود این دعا میخواندم در رجوع میکردم حاجت روا میشد
نماز دیگر منقولست از امام موسی علیه السلام گفت وقتی که ترا امر عظیمی پیش آید پس شش
مسکین را صدقه بکن و هر مسکین نیم صاع بصاع پیغمبر صلی الله علیه و آله از خرما و گندم و چون
شب شد باید غسل کند در ثلث آخر شب و بپوشد ادنای جامه عیال خود را پس دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت یکبار الحمد و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخواند

در نصایح بزرگان

پس بعد از آن در رعایت کار
خود تأمل کن که تو نیز مثل
ایشان خواهی گشت و عزت
دنیا و علامت برای دو روز
ظاهر شود تا ... از صالحات
دست کشد اعضا ... تر که
باز ماند و عرق ... رخ
ظاهر گردد و ملک الموت ...
بر سر ... رحمت قبض روح
تو ... خواهی چنگال
... جسم ضعیف ... کند
و ... جسم ... امانت
دشمنان ... الرحمت
در ... کند و احبا
یاران ... کنند
پس ... تابوت ...
کرده ... گور ... برند و در
... تو را تنها گذارند
... چون ... با امثال
... ذکر ...
کم گردد و ...
میگر ... چند
روزی ایام ...
جولان ... خود را
شنیدم که ... بنه
... که
کز من ... داشتم
... کلاه ... داشتم
... و ...
... سعادت
... کرمان ... خود
... کرمان ...
... عقل از ... هوش
که از مردگان پند ... گوش
(صفت)

وچون تمام شود دو رکعت آخر تهلیل وتقدیس وتعظیم وتمجید خدای تعالی بجا آورد
وگناهان خود را یاد کند وبآن اعتراف نماید وسر بسجده نهد وچون بسجده دویم رود
استغفار کند از خدای تعالی وقصد نماید بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک پس بخواند خدای تعالی
بهر اسمی که میخواهد وبگوید یا کافیا قبل کل شیء ویا مکون کل شیء ویا کائنا بعد
کل شیء افعل بی کذا وکذا وهرگاه استخاره کنی بدان شو را نوعا بسوی عیون وبعد
از آن را تا انکه کشف شود از را نوعا وآنچه میان الیتین وباطن ساقین کراهی واشد
حاجت است نزد تو بنیاد کند صلوات بر تو عامل بنماید نماز دیگر منقول است از
امام رضا علیه السلام که فرمود که چون مهمی ترا پیش آید دو رکعت نماز بگذار ودر رکعت
اول فاتحه وآیة الکرسی بخوان ودر رکعت دویم فاتحه وانا انزلناه پس مصحف را
بر سر بگیر وبگو اللهم بحق من ارسلته الی خلقک وبحق کل آیة فیه وبحق کل من مدحته
فیه علیک وبحقک علیه ولا نعرف احدا اعرف بحقک منک یا سیدی یا الله ده
نوبت بگو بحق محمد ده نوبت بگو بحق علی ده نوبت بگو بحق فاطمه پس هر امامی را ده
نوبت بگو تا برسی بصاحب الزمان که امام زمان تست هنوز از جای برنخاسته باشی که
حاجت تو روا شود نماز دیگر مقاتل بن مقاتل گوید که گفتم حضرت امام رضا علیه
السلام را جان من فدای تو باد تعلیم کن مرا دعائی عجیب گذاردن حاجتها فرمود که هرگاه
ترا حاجتی باشد بدرگاه حق تعالی غسل کن وجامه پاک بپوش وچیزی خوش بوی بخود
بزن وبر آسمان رو یعنی جائیکه آسمان ظاهر شود ودو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه
یکبار وقل هو الله احد پانزده بار پس رکوع کن وپانزده نوبت بر مثال نماز تسبیح کن
لیکن بدل این نماز قرائت پانزده نوبت است قل هو الله احد بخوان ودر هر یک بعد
کن ودر سجده بگو اللهم ان کل معبود من لدن عرشک الی قرار ارضک فهو باطل سوی
فانک انت الله الحق المبین اقض لی حاجتی کذا وکذا الساعة الساعة ودر رکعت دوم
بر همچنین والحاح کردن در مراد خود وچون حاجت تو گذارده شود نماز شکر بگذار
هارون بن خارجه روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود نماز شکر بجای آر
هرگاه خدای تعالی بتو نعمتی کرامت فرماید دو رکعت نماز بگذارد ودر رکعت اول فاتحه
وقل هو الله احد ودر رکعت دویم حمد وقل یا ایها الکافرون ودر رکوع وسجود در

صفتش بلیت وبیحیز
که ما حکار روی واصرار بر معاصیم
حضرت باری وعمل پشیمانی از
گناهان است هرگز در
که حضرت پیغمبر وشمن علیه
فرمودند که تدارک از خود را
بحد ظاهر ساز وثانیا انکه
اعمال انجام تو ساز در شده
وشانه یمین حجاب حال انکه
گناه از تو سر زده باشد در
حضرت صادق علیه السلام مروی
که فرمود کسی که قصد گناهی
نماید وبا اکبر اعضای بنده
چه رسیدن باشد که از بنده گناه
سر زند چه بنده گناه ادا کند
پس بتوبه نماید قسم بعزت وجلال
خودم که بیامرزم او را به بیان
ونیز روایت شده که عمل بنده
در صحایف خود اثبت میکند که
در گوشت واخبار بعیان بعضی
بسیار هستند پس از نمازگذاری کسی
که ممکن باشد که بیمار گناه خود
گذار دشوی بین حق تعالی
چگونه از نزد او لایق این عمل
نگرفت دانا شانرا خرد
فرمود یا بگوشت بنیاد کرد
حضرت آدم صفی که صلی
شما که بود نسبت بآن بزرگوار
اولا از بهشت بیرون کرد دعوی
خلل حضور نمود بسوی اولاد وکی
پس آدم بعد از آن ترک اولی
مدت سیصد سال گریه نمود
خدا توبه او را قبول کرد پس

رکعت اول بگو الحمد لله شکرا شکرا وحمدا حمدا ودر رکوع وسجود رکعت دویم بگو
الحمد لله الذی استجاب دعائی واعطانی مسئلتی دیگر نماز عفو است هرگاه
که در نفس خود احساس کنی فتنه ای پس دو رکعت نماز عفو را ترک مکن در هر دو رکعت
در هر رکعتی الحمد وانا انزلناه یکبار وبعد از قرائت پانزده بار بگو رب عفوک عفوک
پس رکوع کن وده بار این را بگو وتمام کن مثل نماز جعفر دیگر نماز وحشت
نفس است منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که هیچ مومنی نباشد که بر او چهل
صباح بگذرد الا انکه با نفس خود سخن گوید پس باید که دو رکعت نماز بگذارد وبخدای
تعالی پناه آورد وبیرون از او دانست که آدم علیه السلام شکایت کرد بخدای تعالی از حدیث نفس
پس جبرئیل نازل شد گفت بگو لاحول ولا قوة الا بالله منقول است از امام محمد
علیه السلام که فرمود مردی از منافقین پیغمبر صلی الله علیه وآله شکایت از وسوسه حدیث
نفس نمود پس آنحضرت فرمود که بگو توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله
الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا پس آن مرد چند بار تکرار کرد آن را ودرنگ نکرد که باز آمد بخدمت آنحضرت
گفت یا رسول الله حق تعالی وسوسه را از من برد ودفع نمود از من شیطان را دیگر
نماز استغفار در طلب روزی منقول است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
وآله که فرمود که هر که تنگی یابد روزی بکند نماز استغفار را وآن نماز دو رکعت است
در هر رکعت الحمد یکبار وانا انزلناه یکبار پس از قرائت پانزده بار بگوید استغفر
الله پس رکوع کند وبگوید ده بار استغفر الله برهیئت نماز جعفر که کارش باصلاح
بیاید انشاء الله نماز دیگر جهت توانگری منقول است از امام جعفر صادق علیه
السلام که فرمود که دو رکعت نماز بگذارد پس از سلام سر بسجده کن وحمد وثنای حق تعالی بگو
وصلوات بر محمد وآل محمد فرست وصد بار بگو یا محمد یا جبرئیل ویا جبرئیل یا محمد
اکفیانی مما انا فیه فانکما کافیان واحفظانی باذن الله تعالی فانکما حافظان دیگر روایت
است که هر که بر قدح آبی پنج نوبت سوره انا انزلناه بخواند ودر خانه خود آن آب را
همیشه نگاه داشته باشد تا آنکه آن خانه کهنه شود نماز دیگر جهت وسعت رزق
برای قضای حاجات منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که دو رکعت

هرگاه مواخذه شوند یکی از
مقربان درگاه الهی بسبب
ترک اولی پس چگونه خواهد
شد حال دیگران که هر روز
گناهان را از ایشان سر بزند
آنرا سهل شمارند شعر
جائیکه بر قضیه آدم صفی دم
ما را چگونه زیبد دعوی بیگناهی
وبعلاوه این معاصی کبیره بسیار
بی طاعت تا تمام طمع عفو
ودخول بهشت دارند
وچه خوش فرمود شیخ الرئیس
در این مقام
جد تو آدم بهشتش جای بود
قدسیان گردن بفرمانش بود
یک گنه ناکرده گفتندش تمام
مذنبی ملعون برو بیرون خرام
تو طمع داری که با چندین گناه
داخل جنت شوی ای روسیاه
وصلی اصرار بر گناه نمو
است دانستن آنکه از گناه
اما انجمه که سعی بنماید
بر حق تعالی را وحقیقت
حق محقق نگردد اول گوید
ایمان درد انسان هر گناهان
را انکار نماید بنیاد
خوب بدرد وپشیمانی دو ما
از کرده خود باین معنی کرد
او عزم نمود نسبت بآینده
آنکه لازم دوری کند کسانی که
عمل را در سر زده بود ستیم
لازم اجر ترک است از معصیت
در حال الدهر بر ترک آن در

نماز بگذارد و در هر رکعتی الحمد یکبار و انا انزلناه سیزده بار بخواند و چون فارغ
شود سجده کند و بگو اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و مجیب دعوة المضطرین
و یا رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صل علی محمد و آل محمد وارحمنی رحمة تطفی بها عنی
غضبک و سخطک و تغنینی بها عمن سواک پس گونه راست بر زمین نهد و
بگوید یا مذل کل جبار و یا معز کل ذلیل و حقک قد بلغ المجهود فی امر کذا ففرج عنی
پس عود کند بسجود و گونه چپ بر زمین بگذارد و مثل این بگوید که حق تعالی غم و اندوه او را
ببرد و حاجت او را روا میکند **نماز دیگر** جهت حاجت بطلب **منقول** است از امیر
المؤمنین علیه السلام که دو رکعت نماز بگذارند و در رکعت اول الحمد یکبار و قل هو الله احد
هزار بار و در رکعت دوم الحمد یکبار و قل هو الله احد یکبار پس تشهد بخواند و سلام بدهد
و دعای فرج بخواند و بگو اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون یا من لا یصفه
الواصفون یا من لا یغیره الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت یا
من لا یخشی الفوت یا من لا تضره الذنوب و لا تنقصه المغفرة یا من یعلم مثاقیل
الجبال و کیل البحور و عدد الامطار و ورق الاشجار و دبیب الذر و لا یواری منه
سماء سماء و لا ارض ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا جبل ما فی وعره تعلم خائنة
الاعین و ما تخفی الصدور و ما اظلم علیه اللیل و اشرق علیه النهار یا سلیک المخزون
المکنون الذی فی علم الغیب عندک استخصصت به لنفسک و تشققت منه اسمک یا
انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت
به اعطیت و اسئلک بحق انبیائک المرسلین و بحق حملة عرشک و بحق ملائکتک المقربین
و بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد و آل محمد و ان تصل حمر عزتی اخری
و خیر اعمالی خواتیمها و اسئلک مغفرتک و رضوانک یا ارحم الراحمین **نماز دیگر**
جهت دفع اندوه و غم دو رکعت نماز بگذارد و مصحف را بر بالای سر بدارد و بگو اللهم انی
اتوجه بما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و تقضی حاجتی و نام آن حاجت ببرد **نماز دیگر** نماز
فرموده به رسول عذراء م دو رکعت نماز بگذارد پس سجده کن و صد بار بگو یا فاطمه
گونه راست بر زمین نه و مثل این بگو و صد بار دیگر گونه چپ بر زمین نه پس سجده کن و بگو یا فا

عمر و قصد تلافی نمودن آن
اگر قابل تلافی است بکند و اگر نیست
و عزم بر ترک آن در قبول توبه
کافی نیست بلکه باید که تدارک
آن بر نحوی شود که اگر کار ممکن
است بسر برده یا عوض حق الله
است و غیر خدا را دارای حق
یا حق الناس بر نماز و هست و
صورت قابل بر دو قسم است یا
چیزیست که قضا و تلافی ندارد
چون سر بسجود زدن است و هم
ابنها پس توبه آن همان پشیمانی
و عزم بر ترک است و یا چیزیست
که قضا دارد چون نماز و روزه
و زکوة و خمس و حج و کفارات
ابنها و ادا نمودن بلا فاصله
و عزم و ترک قضای نمازها نقد
امکان آنست و تیم که حق
الناس است دیگر آن حق یا حق
مالی است یا بدنی است یا عرضی
پس اگر مالی است بعینه باید رد
آن بصاحبش داشته باشد و
نماید و اگر تلف شده است
استحلال جوید و اگر قدرت
تصاحبش معلوم نیست بفقرا
و صدقه دهد اگر حق بدنی است نگذشته
صاحبش حل نمود و باید دیگر رضا
صاحبش نیابد بطلب او رضای
کن و اما الحق که از ای حق
و نظر نیم و زیادتی مدنکاه خون
تعالی نماید که صاحبش باید و
از تو راضی نماید و اگر حق ...
باشد تمکین کن صاحبش را تا

صد مرتبه بعد از آن بگو یا آمنا من کل شیء و کل شیء منک خائف اسئلک بامنک
من کل شیء و خوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی امانا
لنفسی و اهلی و مالی و ولدی حتی لا اخاف احدا و لا احذر من شیء ابدا انک علی
کل شیء قدیر **نماز دیگر نماز استغاثه است** در شبی که قصد خواب
کنی بستر بالین خود ظرف پاک که پر از آب پاک بود و سر آن را بخرقه پاک بپوش و چون
بیدار شوی بجهت نماز آخر شب از آن سه جرعه بنوش و چون بیدار شوی بباقی آن وضو
ساز و توجه بجانب قبله کن و اذان و اقامت بگو و دو رکعت نماز بگذار و بخوان آنچه
میسر شود ترا از قرآن و چون فارغ شوی از قرائت بگوی در رکوع بیست و پنج نوبت
کریا غیاث المستغیثین و سر بردار از رکوع و مثل این بگو و در سجده همین و در خلوتش همان
هر دو سجده دوم و در نشستن بعد از سجده دوم و در نشستن بعد از سجده دوم همین
و نوبتها که صد نوبت شود و سلام بده و سر باسمان بردار و بس نوبت بگو من العبد
الذلیل الی المولی الجلیل و حاجت خود را بخواه که بسرعت باجابت مقرون گردد انشاء الله تعالی
نماز دیگر جهت رفع ضرر فقر دو رکعت نماز بگو بگذار و بعد از نماز سجده
کن و بگو یا ماجد یا واحد یا احد یا کریم اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة یا رسول الله انی
اتوجه بک الی الله ربک و ربی و رب کل شیء اسئلک یا الله ان تصلی علی محمد و آل
محمد اسئلک ان تعطینی نفحة من نفحاتک فتحا یسیرا و رزقا واسعا الم به شعثی و اقضی
به دینی و استعین به علی عیالی **نماز جهت دفع غم** منقول است از ابی عبدالله علیه
السلام که هر کرا امری پیش آید باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود را
تمام کند و تکیه کند چنانکه گونه راست را بر زمین نهد و بگوید که یا معز کل
ذلیل و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و کذا و مقصود خود را نام ببرد
نماز جهت دفع ظلم ظالم منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که مظلوم نماز هر که
خواهد پس دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود را تمام کند و چون فارغ شود هر دو
گونه خود را بر زمین نهد و چندان بگوید یا رباه یا رباه که نفسش منقطع شود و بعد
از آن بگوید یا من اهلک عادا الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا
هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ان کان فلان بن فلان ظالما

تو قصاص کند یا احسان نماید
او را از خود راضی سازد اگر
صاحبش دست رسی ندارد و الا
باز عمل تضرع بدرگاه خدا و
استغفار و عبادات است از جهت
صاحبش و اگر حق عرضی باشد
مثل آنکه غیبت کرده یا بهتان
بکسی زده یا فحش داده باشد یا
دل شکسته پس باید که اگر مظنه
غیظ صاحب حق نباشد از او
استحلال کنی و اگر نه بجهت استغفار
نمائی و در دنیا و در عقبی احسان
برای او کوشی که عوض حق او
شود و باید در پشیمانی بر کرده
بر دان کسی که بر خدا و بنمائی نگفته
بوجه دا قرار بکنی بخود نمائی
در جمیع جنسها که حق الناس است
حق الله هم هست بنا بر تلافی حق
الله نیز بر پشیمانی و عزم بر ترک
شود و بدانکه توبه از معاصی
ستر عالم بر شنا الکبیر و موجب
رب العالمین است و حضرت
باقر علیه السلام منقول است که خدای
تعالی خوشحالتر میشود بتوبه
بنده خود از مردیکه در شب تاریک
در بیابان بی سر آب و توشه خود را
گم کرده باشد ناگاه آنها را بیابد
و حضرت صادق علیه السلام
فرموده که خدای تعالی دوست
میدارد از بندگان خود دوستیکه
بر توبه از گناه و سستی نماید که علما
گفته اند توبه واجب فوری است
و عزم بر توبه باقی است از رای حق

دنیا از کفیتی بر فاجعل علیه منک رصدا و لا تجعل له فی خلقک نصیبا یا اقرب الاقربین
نماز جهت دفع ظلم باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و سر خود را برهنه
بزانو در دستها را بگیرد و بگوید اللهم رب محمد و آل محمد و اهلک عدوهم اللهم ان
فلان بن فلان قد ظلمنی و لا احد من اصول به غیرک فاستوف لی منه ظلامتی الساعة
الساعة بحق من جعلت له علیک حقا و جعلت علیهم الا فعلت ذلک یا مخوف الا
والاخذ یا سریع البطش یا مالک الفضل نماز جهت انتقام از ظالم منقول است
از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که هر گاه از کسی تو ظلمی رسد او را دعای بد مکن زیرا که
مرد مظلوم همیشه چون دعای بد کند ظالم میگردد و لیکن چون مظلوم گشتی غسل کن و دو
رکعت نماز در موضعی که آسمان را ببینی بگذار و بعد از آن بگو اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی
ولیس لی احد اصول به غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة الساعة بالاسم الذی سألک
به المضطر فکشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض الساعة الساعة فاسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستوفی لی ظلامتی الساعة الساعة پس چندان دو رکعت بکنی
تا مقصود حاصل شود **نماز دیگر** منقول است از یونس بن عمار که گفت شکایت کردم بسوی
ابی عبدالله علیه السلام که مردی اذیت میکند مرا فرمود که دعای بد بکن او را گفتم بلی فرمود که
چنین نیست که تو میکنی و لیکن گناهان را از خود دور کن و روزه بگیر و صدقه بده پس چون
شب شود وضوی تمام بساز و دو رکعت نماز بگذار و در حال سجده بگو اللهم اسئلک بحق
اگر ... عرض علیه و عجل له ذلک فی عامه هذا گفت چنین کردم هلاک شد **نماز
جهت سنگینی معاش** منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که چون دشوار شود بر تو کار دنیا
دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن بخوان در رکعت اول فاتحه و قل هو الله احد و انا فتحنا لک
فتحا مبینا الی و ینصرک الله نصرا عزیزا و در رکعت دوم فاتحه و قل هو الله احد و الم نشرح که از
مجربات است **نماز جهت حصول مهمات** از حسین بن علی علیهما السلام مرویست که چهار
رکعت نماز بگذارد و بهر جهت که خوبست ارکان آن را نیکو بجا آورد و در رکعت اول الحمد بجا آرد و
حسبنا الله و نعم الوکیل هفت بار و در رکعت دوم الحمد بجا آرد و ما شاء الله لا قوة الا بالله ان
ترن انا اقل منک مالا و ولدا هفت بار و در رکعت سوم الحمد بجا آرد و لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین هفت بار و در رکعت چهارم الحمد بجا آرد و افوض امری الی الله ان الله

بصیر بالعباد هفت بار پس حاجت خود را بخواهد که روا شود **نماز جهت دفع مصیبت**
چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله احد هفت بار و آیة الکرسی
یکبار و چون سلام دهد بگوید صلی الله علی محمد النبی الامی و آله علیه و علیهم السلام بعد
از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر حق تعالی بجای آورد پس حق تعالی آنچه وعده فرموده را
عطا فرماید **نماز جهت فراخی روزی** نقل فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله از جبرئیل که
دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه یکبار و انا اعطیناک و قل هو الله احد هر یک سه بار
و در رکعت دوم فاتحه یکبار و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک سه بار
نماز جهت دفع فقر منقول است از مفضل بن عبدالرحمن که گفت رفتم بخدمت ابی عبدالله علیه السلام
و گفتم که یکی از اصحاب درد را مینالد گفت فدای تو گردم من فقیرم آنحضرت فرمود که روز چهار
شنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و چون چاشت جمعه شود پس زیارت کن رسول صلی الله علیه و آله
در جای بلندی یا در صحرائی که هیچ کس ترا نبیند پس در آنجا نماز بگذار پس بزانو در آی و زانو بر
زمین بگذار در حالتی که روی تو بقبله باشد و دستها راست کن تا بالا پس بگو اللهم
انت انت انقطع الرجاء و خابت الآمال الا منک یا ثقة من لا ثقة له غیرک اجعل لی
فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب پس بسجده کن رو بزمین و بگو یا
مغیث اجعل لی رزقا من فضلک پس هرگز روز شنبه ترا طلوع نکند مگر بروزی جدید
پیغمبر صلی الله علیه و آله چون تنگی بیش آمدی با اهل خود ندا کردی که یا اهل الله صلوا
صلوا **نماز بجهت فرزند** چهار رکعت است رکعت اول یکبار الحمد و ده بار ربنا واجعلنا
مسلمین لک و من ذریتنا امة مسلمة لک و ارنا مناسکنا و تب علینا انک انت التواب
الرحیم و در رکعت دوم الحمد یکبار و ده بار رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل
دعاء ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت سوم الحمد یکبار و
ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما و در
رکعت چهارم الحمد یکبار و ده بار رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی
والدی و ان اعمل صالحا ترضیه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین
و چون سلام دهد ده بار بگوید ربنا هب لنا تا آخر آیه تمام **نماز دیگر برای پیدا [illegible]**
دو رکعت است در رکعت اول فاتحه یکبار و ده بار رب اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین

دو یقوم الحساب و در رکعت دوم فاتحه یکبار و ده بار ربنا اغفر لی و لوالدی و لمن دخل
مؤمنا و للمؤمنین و المؤمنات و بعد از آن سلام دهد و بگوید ده مرتبه رب ارحمهما کما
ربیانی صغیرا صلوة دیگر دو رکعت است در هر رکعتی یکبار فاتحه و بیست و پنج بار رب ارحمهما کما
ربیانی صغیرا و چون فارغ شود سجده کند و همین را ده بار دیگر بگوید **نماز دیگر**
دو رکعت است و در هر رکعتی بگوید یکبار الحمد و ده نوبت قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک
من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک
الخیر انک علی کل شیء قدیر و چون سلام دهد بگوید رب اغفر و ارحم و انت خیر
الراحمین و ده بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سجده کند و بگوید رب اغفر لی
و هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب **نماز دیگر** دو رکعت است
در هر رکعتی فاتحه یکبار و سوره قریش پانزده بار و بعد از آن سلام دهد و ده بار صلوات
بفرستد بر او و آل او پس سجده کند و ده بار بگوید اللهم اغننی بفضلک عن خلقک
نماز جهت ادای قرض چهار رکعت است در رکعت اول فاتحه یکبار و معوذتین
ده بار و قل هو الله احد ده بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و آیة الکرسی ده بار و قل
یا ایها الکافرون ده بار و آمن الرسول تا آخر ده بار و چون سلام دهد و در رکعت اول
ده بار بگوید سبحان الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد
سبحان الله الذی رفع السموات بغیر عمد المتفرد بلا صاحبة و لا ولد و در رکعت سوم
فاتحه یکبار و الهیکم التکاثر ده بار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار و انا انزلناه و لیلة
ذلک هر یک ده بار و چون فارغ شود سجده کند و هفت بار در سجده بگوید اللهم انی
الیسر فی کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر و بعد از آن سر بالا کند و ده بار بگوید
لله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات و الارض
و هو العزیز الحکیم **نماز جهت دفع گرسنگی** منقول است از ابی عبد الله علیه السلام
که دو رکعت نماز بگذارد و بگوید رب اطعمنی فانی جایع حق تعالی او را در ساعت طعام
دهد **دیگر** فرمود مردی که دعا کند برای برادر دینی خود غایبانه میگشاید حق تعالی
از او دفع میکند بلای او را و دیگر فرمود که فاطمه زهرا علیها السلام بحضرت پیغمبر
آمد و از گرسنگی شکایت کرد فرمود او را که بگو یا مشبع الجوع و یا رافع الوضع لا

اصحاب ما رضوان الله علیهم
چیزیکه آنها گفته اند که گناهان
تمام کبیره است لکن بعضی از آنها
بزرگتر از بعضی دیگر است و صغیره
در میان گناهان نیست بلکه
صغیره بودن امر نسبی است که
بالنسبه بگناه بزرگتر صغیره گفته
میشود انتهی و قومی دیگر گفته اند
که کبیره هفت است شرک بخدا و قتل
نفس محترمه و رمی زنهای عفیفه
و خوردن مال یتیم و زنا و فرار
کردن از جهاد و عقوق مادر
و پدر و در این باب حدیثی از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده اند و بعضی بر این
عدد سیزده گناه دیگر افزوده اند
که آن لواط است و سحر و ربا و
غیبت و قسم دروغ و شهادت
زور و شرب خمر و ترک احترام
کعبه معظمه و دزدی و شکستن
بیعت امام و اعرابی شدن بعد از
هجرت و ناامید شدن از رحمت خدا
و ایمن شدن از عذاب الهی و بعضی
چهارده گناه دیگر اضافه کرده اند
خوردن میته و خون و گوشت
خوک و گوشت حیوانیکه بغیر نام
خدا ذبح شده باشد در غیر ضرورت
و رشوه گرفتن و قمار بازی کردن
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

تجمع فاطمة بنت محمد فرمود او را که دعا کن باین دعا **نماز حاجت** منقول است از ابی عبد
الله علیه السلام که چون ثلثی از شب بگذرد برخیزد دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول فاتحه یکبار و سوره الملک بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره الرحمن و بعد
دعا بخواند یا رب قد نامت العیون و غارت النجوم و انت الحی القیوم لا تاخذک سنة
و لا نوم لن یواری عنک لیل داج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا
بحر لجی و لا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار و غیاث المستغیثین برحمتک
استغیث صل علی محمد و آل محمد و اقض لی حاجتی کذا و کذا و لا ترد دعائی و لا تخرج
یا ارحم الراحمین پس بدرستیکه این نماز در برآمدن حاجات [illegible] است **نماز**
جهت دفع تشنگی امام موسی علیه السلام فرموده که دو رکعت نماز بگذارد بهر سوره که خواهد
و چون فارغ شود روی خود را بر زمین نهد و سه بار بگوید یا قوی کل ضعیف یا مذل کل
جبار قد وحقک [illegible] ففرج عنی پس گونه راست بر زمین نهد و سه بار بگوید یا مذل
کل جبار و یا معز کل ذلیل قد وحقک اعیی صبری ففرج عنی پس
گونه چپ بر زمین نهد و سه بار مثل این بگوید بعد از آن پیشانی بجای آن نهد و سه بار مثل این بگو
اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک باطل الا وجهک تعلم کربی ف
ففرج عنی بعد از آن بنشین در حالتیکه متوسل باشی و بگو اللهم انت الحی القیوم العلی
العظیم الخالق البارئ المحیی الممیت البدیء البدیع لک الکرم و لک الحمد و لک المن و
لک الجود وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد پس سه بار بگوید کذلک الله ربی صل علی محمد و آل محمد الصادقین و افعل
کذا و کذا **نماز مظلوم** دو رکعت میگذارد بعد بخواند آنچه را میسر شود و صلوات بر محمد
و آل او میفرستد بعد از آن [illegible] بگوید اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم
من الظالم لکن هلعی و جزعی لا یبلغان الصبر علی اناتک و حلمک و قد علمت ان فلانا
ظلمنی فاعتدی علی بقوته علی ضعفی فانا لک یا رب العزة [illegible] قاصم الجبابرة و ناصر
المظلومین ان تریه قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة الساعة الساعة **نماز [illegible]**
محمد بن حسن صفار گوید که گفتم امام جعفر صادق علیه السلام را که فلان ظالم مرا [illegible]
حکم فرمود که در ضمن [illegible] تمام شب [illegible] دو رکعت نماز بگذار و حق تعالی را بسیار یاد کن و صلوات

و کمک نمودن ظالم کردن و یاری
ظلمه کردن و حبس حقوق مردم
بدون عسر و تنگی و اسراف و تبذیر
و مال خود صرف کردن در حرام و
خیانت در مال مردم و اشتغال
بملاهی مانند دف و طنبور
و اصرار بر صغایر و امثال اینها داخل در گناهان
و این چهارده گناه در کتاب عیون
اخبار الرضا از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول شده [illegible]
است در باب [illegible] که کبیره چیست
از روایات صحیح کتاب کافی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بیان شده نماز چنانچه مخفی نشد
است و در نماز وسطی و غیر اینها
و اصحاب حدیث نقل کرده اند که
از ابن عباس پرسیدند که گناهان
کبیره کدام است گفت
آنها به هفتصد نزدیکتر است تا هفت
انتهی و علامه مجلسی در حق
الیقین کلام را ذکر این مقام فی
الجمله بسط داده و فرموده که
[illegible] در بعضی از تصانیف خود
آنها را جمع کرده است پس هر که
طالب تفصیل است رجوع بکتاب
[illegible] کند صفحه [illegible]
ششم [illegible] از اعمال [illegible]
[illegible]
[illegible]
چنانچه [illegible] هر چند [illegible]
[illegible]
زبان در دخل و خرج [illegible]

بر محمد و آل او بعوثت و بگو اللهم ان فلانا ظلمنی و بغی علیّ فابله بفقر لا تجبره و
بسوء لا تستره گفت چنین کردم او مبتلا به خوره شد و در خبر دیگر آمده است که هیچ مؤمن
نیست که مظلوم شده باشد پس وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللهم
انی مظلوم فانتصر مگر آنکه خدای تعالی او را نصرت دهد معجلا **نماز برای مهمات** روایت
کرده امام زین العابدین علیه السلام که چون امری پیش آمدی یا کربی جامه پوشیدی و اسباغ وضو
کردی و بر بلندترین بامی رفتی و چهار رکعت نماز بگذاردی در رکعت اول الحمد یکبار و اذا
زلزلت خواندی و در رکعت دوم الحمد و اذا جاء نصر الله و در رکعت سوم الحمد و قل یا ایها
الکافرون و در رکعت چهارم الحمد و قل هو الله احد بعد از آن دستها را بسوی آسمان بلند
کردی و گفتی اللهم انی اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی مغالق ابواب السماء للفتح انفتحت
و اذا دعیت بها علی مضائق ابواب الارضین للفرج انفرجت و اذا دعیت بها علی ابواب العسر
للیسر تیسرت و اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی ابواب العسر للیسر تیسرت و اسئلک
باسمائک التی اذا دعیت بها علی القبور للنشور انتشرت صل علی محمد و آل محمد و اقلبنی
بقضاء حاجتی آن حضرت فرمود که هر مؤمنی که این نماز بکند باشد که حاجت او روا شود انشاء الله
نماز دیگر روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود دو رکعت نماز میگذاری بهر کیفیت
که خواهی پس میگوئی اللهم اثبت رجائک فی قلبی واقطع رجائی عمن سواک حتی لا ارجو
الا ایاک و لا اثق الا بک **نماز طلب فرزند** منقولست از امیر المؤمنین علیه السلام که هرگاه
که فرزند خواهی وضوی تمام بساز و دو رکعت نماز بوجه احسن بگذار و بعد از نماز سجده کن و صد
بار بگو استغفر الله بعد از آن ... بگو اللهم ان رزقتنی ولدا لاسمینه باسم نبیک
محمد صلی الله علیه و آله بحق که حق تعالی ترا فرزند میدهد چنانکه فرمود که امر کردم بطهارت
نیرا که حق تعالی فرموده است و یحب المتطهرین یعنی خدای تعالی دوست میدارد طهارت
کنندگان را و امر کردم بنماز زیرا که شنیدم از رسول صلی الله علیه و آله که فرمود که اقرب
ما یکون العبد من ربه اذا کان ساجدا یعنی نزدیکتر بودن بنده بخدا وقتی است که او را
ساجد و راکع بیند و امر کردم ترا باستغفار زیرا که حق تعالی فرموده که استغفروا ربکم انه کان
غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین یعنی آمرزش خواهید از حق
تعالی که او بغایت آمرزنده است میفرستد بر شما ابر بسیار باران و مدد میکند شما را بمال و فرزندان

عقلت نماید اینها ... و توجه
بسر مایه او بر باد رود و دور
شود **و صفت** بی عقلت
محاسبه اینها است و مراقبه
نفس است یعنی انسان در همه
شبانه روز در همه وقت ساعتی
نماید که در آن وقت بحساب
نفس خود برسد و طاعات و
معاصی خود را موازنه کند پس
اگر نفس خویش را مقصر یابد
با او عتاب و خطاب کند و تدارک
آن نماید و الا شکر پروردگار
خود کند و مراقبت آنست که همیشه
متوجه ظاهر و باطن خود باشد
که معصیتی از او سر نزند و ... با
ترک ننماید و با جماع امت ... در
کتاب و سنت ثابت کرده ... حضرت
مسوفان عرصه قیامت ...
و از برای هول ... محاسبه
خواهند کرد ... بعدد
اعمال جلیل و کثیر و نقیر و قطمیر
و از خطرات محاسبه ... کنند
مگر کسی که در دنیا حساب نفس خود
نماید و اعمال و افعال و حرکات و
سکنات خود را بمیزان شرع بسنجد
تا در روز حساب محاسبه او آسان
گردد و از این ... محاسبه
و لتنظر نفس ما قدمت لغد
و حضرت ... فرموده که حساب
نفس خود را بکنید پیش از آنکه او
شما را حساب کنند ...
... پنجاه موقف
است که در هر موقفی هزار سال

و دعای دیگر فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله که ان تستغفر الله سبعین مرة قل بعین
الله لکم پس امر کردم ترا آنکه زیاده کنی بعد از صد بار **نماز ترس از ظالم** منقولست
از امام موسی علیه السلام که فرمود که غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و کشف زانوی خود کن
و صد بار بگو یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت برحمتک استغیث صل علی محمد و آل محمد و
اغثنی الساعة الساعة و چون فارغ شوی از این بگو اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تلطف بی و ان تغلب لی و ان تمکر لی و ان تخدع لی و ان تکید لی و ان تکفینی مؤنة
فلان بن فلان پس بعد از این دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود که میخواندند روز
احد **نماز حاجت از امهات مهمات** منقولست از ابی عبدالله الحسین بن عبدالله البرد ... که هرکه را
حاجتی باشد بخدای عز و جل شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و دو رکعت نماز در مصلای
خود بگذارد در هر رکعت الحمد بخواند و چون برسد به ایاک نعبد و ایاک نستعین بسه صد بار
تکرار کند و در نوبت صدم فاتحه را تمام کند و قل هو الله احد یکبار بخواند پس رکوع کند
و ... ده ... تسبیح کند و در رکعت دوم نیز همین طریق دعا کند
دعا کالستر حاجتش روا شود هر چه باشد مگر آنکه قطع رحم دعا کند و دعا این است اللهم
ان اطعتک فالمحمدة لک و ان عصیتک فالحجة لک منک الروح و منک الفرج سبحان من
انعم و شکر سبحان من قدر و غفر اللهم ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب
الاشیاء الیک و هو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا و لم ادع لک شریکا منا منک به
علیّ لا منا به علیک و قد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة و لا الخروج عن عبودیتک
و لا الجحود لربوبیتک و لکن اطعت هوای و ازلنی الشیطان فلک الحجة علیّ و البیان
فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان تغفر لی و ترحمنی فانک جواد کریم یا کریم یا کریم
تا نفس منقطع شود پس بگو یا آمنا من کل شیء و کل شیء منک خائف حذر اسئلک
بامنک من کل شیء و خوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی امانا
لنفسی و اهلی و ولدی و سائر ما انعمت به علیّ حتی لا اخاف احدا و لا احذر من شیء
ابدا انک علی کل شیء قدیر و حسبنا الله و نعم الوکیل یا کافی ابراهیم نمرود و یا کافی
موسی فرعون اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکفینی شر فلان بن فلان و
طلب کفایت شر کسی کند که از او ترسد نماید که کفایت شود باذن الله تعالی پس سجده کند

ادبود آنگاه میفرمایند که حساب
از او بجوئید و حضرت امام
موسی فرمودند که از ما نیست کسی که
هر روز محاسبه خود نکند پس
اگر عمل نیک کرده است از خدا
طلب زیادتی کند و اگر عمل بدی
صادر شده باشد توبه و استغفار
نماید و کیفیت محاسبه و مراقبه
مبسوط است و این مقام گنجایش
ذکر آن نیست و در کتاب عین الحیات
مفصلا آنرا ذکر کرده ام **صفت**
بیست و نهم کراهت که عبارتست
از ناخوش داشتن از چیزی که
در باطن از نسبت لوم ...
و چون کراهت قوت گیرد شدت
گویند و کراهت یا از چیزیست که
جبلی و بحسب شرع ... و عقل
ممدوح است یا از چیزیست که
چنین نیست و ابخره اخلاف
رذیلة است از ... و الفت
صفت کراهت بحث است که
عبارت است از میل و رغبت
که در طبایع از ... نسبت
باشد و کراهت و ... ادبار
در ... و طبایع ... اشتغال
تعلق بمحبوبات ... ماشید
بحواس ... شود و یا
بغیر محسوسات ... بمحبت
باطن است چون ... جمال
در ... قوة ... بکر
باین قوه تعقل میشود مثل ادراک
معانی کلیه و ...
... و شکی نیست که لذات خیالی

و حاجت خود را بخواهد و تضرع و زاری بدرگاه حق تعالی نماید مروی است که هیچ
مؤمن و مؤمنه نیست که این نماز بگذارد و این دعا کند با خلوص نیت مگر آنکه درهای
آسمان برای اجابت او گشاده شود و در همان وقت یا در شب او مستجاب شود هر چه باشد
و ذلک من فضل الله علینا و علی الناس **نماز جهت تیزی ذهن و قوت حفظ**
سید بن طاوس روایت کرده که کتابت نماید بزعفران الحمد و آیة الکرسی و انا انزلناه و یس و والشمس
و سبح اسم و حشر و تبارک و قل هو الله احد و بشوید در ظرف پاک بعد از آن بشوید
در آب باران یا آب پاک بعد از آن بیندازد در آن ده مثقال کندر و ده مثقال شکر و ده
مثقال عسل و شب بگذارد در زیر آسمان و دهن ظرف را بپوشاند و بنهد پس در آخر شب دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله احد پنجاه بار و چون فارغ شود از نماز
آن آب موصوف را بخورد مجرب است از برای حفظ **نماز جهت آسانی حفظ قرآن**
شب جمعه یا روز جمعه چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه و یس بخواند و در رکعت
دوم فاتحه و حم دخان و در رکعت سوم فاتحه و حم سجده و در رکعت چهارم فاتحه و تبارک
الذی بیده الملک و بعد از سلام و حمد و ثنای الهی بتعظیم رساند و صلوات بر
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستد و صد بار برای مؤمنان استغفار کند و این دعا بخواند
اللهم ارحمنی بترک معاصیک ابدا ما ابقیتنی و ارحمنی من ان اتکلف طلب ما لا یعنینی
و ارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم بدیع السموات و الارض ذا الجلال و
العزة التی لا ترام یا الله یا رحمن اسالک بجلالک و بنور وجهک ان تلزم قلبی حفظ
کتابک القرآن المنزل علی رسولک و ترزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک عنی
اللهم بدیع السموات و الارض ذو الجلال و الاکرام و العزة التی لا ترام یا الله یا رحمن
اسالک بجلالک و بنور وجهک ان تنور بکتابک بصری و تطلق به لسانی و تفرج به
قلبی و تشرح به صدری و تستعمل به بدنی و تقوینی علی ذلک و تعیننی علیه فانه لا
یعین علی الخیر غیرک و لا یوفق له الا انت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
نماز جهت باز یافتن گم شده روایت کرده جابر انصاری که پیغمبر صلی الله علیه و آله
تعلیم فرمود علی علیه السلام را و فاطمه علیها السلام را این دعا فرمود که اگر بشما مصیبتی رسد یا
پادشاهی جور نماید یا از شما چیزی گم شود پس وضوی نیکو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد

در اقسام محبت

و در حقیقه باشد و اعلی از لذت
حسیه است و بابی مناسب است که
لذتها در صورت مجمله کرده
خواهد بود و قوی است از لذت
همان صورت در [illegible]
عقلیه مراتب اشیاء از لذت حسیه
و خیالیه و عقلیه اقوی است و
نظر باینکه هر چه لذت و راحت
در آن بیشتر است چیز محبوب تر است
لهذا محبت عقلیه مراتب بسیار
از سایر انواع محبت شدید تر است
و بالاتر بشود و همچنین است
[illegible] که محبت ممکن نشود
مگر بسبب از اسباب و نظر باینکه
[illegible] از اسباب بسیار و علتهای
مختلفه است پس این جهت
بر اقسام بسیار منقسم میشود
اول محبت انسان است بسوی ذات
خود زیرا که اشد اقسام محبت است
چه محبت فرع ملایمت و معرفت
و اتحاد بین محب و محبوب است
و در میان انسان و خود [illegible]
[illegible]
و از این جهت است که عاقل از
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و دستها را بآسمان بردارد و این دعا بخواند یا عالم الغیب و السرائر یا مطاع یا علیم یا
الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی
الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبده یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا
منجی ذی النون من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا آمرا بکل خیر و خالق
الخیر و یا اهل الخیر انت الله رغبت الیک فیما قد علمت و انت علام الغیوب اسالک ان
تصلی علی محمد و آل محمد پس بخواهد حاجات خود را که اجابت مقرون گردد **نماز**
وسعت رزق بنویسد بر دست چپ خود با انگشت سبابهٔ دست راست محمد و علی و حسن
و حسین و علی زین العابدین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی الکاظم و علی بن موسی
الرضا و محمد التقی و الحسن العسکری و الحجة القائم المنتظر صاحب الزمان صلوات الله
علیهم اجمعین و بعد قل هو الله احد تا آخر و بعد از آن بگوید اللهم ان الناس اذا نظروا الی
الهلال نظر بعضهم الی وجوه بعض و تبرک بعضهم ببعض و انی نظرت الی اسمائک و
اسم نبیک و ولیک و اولیائک علیهم السلام و الی کمالک فاعطنی کل الذی احب ان
تعطینیه من الخیر و اصرف عنی کل الذی احب ان تصرفه عنی من الشر و زدنی من فضلک
ما انت اهله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **نسخه رقعه** بنویس بقلم که هیچ
تراوش نشده باشد در میان سطور کتاب یا رقعه که مشتمل باشد بر حاجت چنانکه خالی نماند
سطرهای آن سطور از حروف محمد و علی و المعصوم ابو تراب بسم الله الرحمن الرحیم
الملک الحق المبین ان الله وعد الصابرین مخرجا مما یکرهون و رزقا من حیث لا یحتسبون
ان الله هو السمیع العلیم جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
اللهم انی اسالک بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی زین العابدین و محمد
الباقر و جعفر الصادق و موسی الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمد التقی و علی النقی
و الحسن العسکری و الحجة القائم المنتظر صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیهم
و سلم تسلیما ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تیسر امری و تسهل لی و تقلب لی و
تزودنی خیره و تصرف عنی شره برحمتک یا ارحم الراحمین **دعاء در ختم قرآن**
منقولست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت امر کرد مرا حبیبم یعنی رسول خدا صلی الله
علیه و آله که بخوانم نزد ختم قرآن این دعا را اللهم انی اسالک اخبات المخبتین و اخلاص الموقنین

در اقسام محبت

میرسد و متعدد می نمایند
سیم محبت بهر آنست که محبت
او چیزها [illegible] ذات است
طبع هر کس را این محبوب است
چهارم محبت چیزی است که بسبب
ذات او بدون اینکه سوای ذات
او منظوری داشته باشد مثل
محبت جمال [illegible]
پنجم محبت [illegible]
معنویه پنهانی با یکدیگر داشته
باشند و مثل محبت [illegible]
[illegible] ششم محبت کسی با
دیگری که میان ایشان [illegible]
مواضع اجتماع [illegible]
[illegible]
[illegible] هفتم
محبت [illegible]
ظاهر [illegible] محبت طفل با طفل
و پیر با پیر و امثال اینها هشتم
محبت علت [illegible]
معلول و مصنوع و محبت معلول
و مصنوع نسبت بعلت و صانع
خود و این [illegible] سبب
محبت [illegible]
[illegible]
است که [illegible]
خود [illegible]
اهل معرفت [illegible]
نهم محبت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اگر [illegible]

ومرافقة الأبرار واستحقاق حقائق الإيمان والغنيمة من كل بر والسلامة من كل إثم ووجوب رحمتك وعزائم مغفرتك والفوز بالجنة والنجاة من النار

فصل پنجم

در دعاهائیکه برای برآمدن حاجات بجای آرند

دعا نزد برگرفتن مصحف روایتست که چون ابی عبدالله علیه السلام قصد خواندن قرآن کردی پیش از آنکه مصحف بردارد این دعا میخواند اللهم إني أشهد أن هذا كتابك المنزل من عندك على رسولك محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله وكلامك الناطق على لسان نبيك جعلته هادياً منك إلى خلقك وحبلاً متصلاً فيما بينك وبين عبادك اللهم إني نشرت عهدك وكتابك اللهم اجعل نظري فيه عبادة وقرائتي فيه فكراً وفكري فيه اعتباراً واجعلني ممن اتعظ ببيان مواعظك فيه واجتنب معاصيك ولا تطبع عند قرائتي على قلبي ولا على سمعي ولا تجعل على بصري غشاوة ولا تجعل قرائتي قراءة لا تدبر فيها بل اجعلني أتدبر آياته وأحكامه آخذاً بشرائع دينك ولا تجعل نظري فيه غفلة ولا قرائتي هذراً إنك أنت الرؤوف الرحيم

دعاء بعد از تلاوت قرآن اللهم إني قد قرأت ما قضيت من كتابك الذي أنزلته على نبيك الصادق صلى الله عليه وآله فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله لي أنساً في قبري وأنساً في حشري واجعلني ممن ترقيه بكل آية قرأها درجة في أعلى عليين آمين رب العالمين

سجدهٔ تلاوت قرآن هر وقت شنید چیزی از عزائم قرآن یعنی آیات سجده را واجبست بر تو سجده در چهار سوره و سنتست در غیر چهار سوره پس نیت میکنی و سجده میکنی بدون تکبیر و میگوئی در حال سجده لا إله إلا الله حقاً حقاً لا إله إلا الله إيماناً وتصديقاً لا إله إلا الله تعبداً ورقاً سجدت لك يا رب تعبداً ورقاً لا مستنكفاً ولا مستكبراً بل أنا عبد ذليل ضعيف خائف مستجير بعد سر بردار و تکبیر بگو و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که صد آیه از قرآن از هر جا که خواهد بخواند بعد از آن هفت بار بگوید یا الله اگر بر سنگها بخواند هر آینه از زمین کنده شود

دعاء مشتمل بر اسم اعظم منقولست از معاذ بن جبل که گفت در حضرت رسول صلی الله علیه وآله [illegible] عبدالله بن سلام فرستاد پس حاضر شد نزد آنحضرت جمعی از صحابه او بودند فرمود یا عبدالله خبر ده مرا از ده کلمه که حق تعالی تعلیم کرد بابراهیم [illegible]

در ادای حق شناس [illegible]

فطرت و طبیعت [illegible] عجبا [illegible] [illegible] محبت [illegible] [illegible] حقیقت [illegible] این مقام [illegible]
مرویست که حضرت شعیب آنقدر از دوستی خدا گریست که چشم او نابینا شد حق تعالی چشم او را باز عطا فرمود باز گریست تا چشم او نابینا شد خدا چشم او را بینا کرد و همچنین تا سه مرتبه در مرتبه چهارم وحی باو رسید که ای شعیب تا کی میگریی اگر گریه تو از خوف جهنم است ترا از آن ایمن گردانیدم و اگر از بهشت است ترا بهشت عطا نمودم عرض کرد الهی و سیدی تو آگاهی که گریه من نه از ترس جهنم است نه از شوق بهشت و لکن دل من بمحبت تو بسته شده است و بی لقای تو صبر نمیتوانم کرد دیگر بار وحی رسید [illegible] که چشم ترا بینا کرد [illegible] [illegible] گریه تو [illegible] کلیم خود موسی بن عمران [illegible] [illegible] [illegible] سید الشهدا [illegible] [illegible] [illegible]

میان ما خشنود باد و تو نیز آن کلمات را یاد ده عبد الله گفت پدرم مرا یاد داده [illegible] آیا بر تو در باب آن کلمات چیزی نازل شده که من نیز ثواب آن کلمات را یاد گیرم [illegible] کرد از اسم اعظم است بعد از آن آنحضرت فرمود که آیا آن کلمات را خدای تعالی بموسی کلیم هم تعلیم کرده است عبدالله گفت که بغیر از ابراهیم خلیل به دیگری تعلیم نکرده بعد از آن آنحضرت فرمود که چه میدانی ثواب آن کلمات را در تورات عبدالله گفت یا رسول الله کرا توانائی آن باشد که ثوابهای این کلمات بشمرد لیکن در تورات نوشته که هر بنده که حق تعالی بر او منت گذارده باشد و این کلمات را روزی او داده باشد در دل او حکمت [illegible] قرار داده نور را در دیده او و بصیرت را در نور دیدهای دل او جا کرده و سینه او را بنور ایمان گشاده و از برای او نور از فرش تا عرش بیان گرداند و مباهات کند با فرشتگان در هر روزی دو بار و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و حفظ کلام را روزی او سازد [illegible] بران حریص نباشد و او را بعلم دین عالم گرداند و محبت او را در دل بندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از عذاب قبر و فتنه دجال و از ترس بزرگ روز قیامت و او را در زمره شهدا حشر کند و اکرام فرماید حق تعالی او را و عطا نماید او را اجر [illegible] زمره انبیاء [illegible] [illegible] که مردم ترسند و محزون نشود که او را از صدیقان نویسند و چون دعا کند دل او مطمئن شده باشد و از جمله کسانی باشد که ابراهیم خلیل حله پوشیده باشد و هر چیز بابنده عوض از خدای تعالی خواهد او را عطا نماید و هر [illegible] که بخدای خود [illegible] و رضا بر حق تعالی باشد در خانه جلال او و او را اجر هر شهیدی بدهند که او را از زمین دنیا شهید شده باشد آنحضرت فرمود که ای ابن سلام خانه جلال کدام است گفت جنات عدن که موضع عرش حق است بعد از آن گفت یا رسول الله ما را تعلیم کن و بر ما منت بنه چنانچه خدای تعالی بر تو منت نهاده پس آنحضرت فرمود که خدای را بخوانید پس همه سجده کردند و چون سر از سجده برداشتند فرمود که بگوئید يا الله يا الله يا الله أنت المحجوب عن جميع خلقك يا نور النور أنت الذي احتجبت دون خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله يا الله يا الله أنت الرفيع الذي ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك أحد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك أهل سماواتك واستضاء بضوئك أهل أرضك يا الله يا الله يا الله أنت الله الذي لا إله غيرك تعاليت عن أن يكون

[illegible]

ترا شناخت و در [illegible] [illegible] است که ای خدای من کسی که [illegible] پس [illegible] دوست گرفت [illegible] که [illegible] بدیگران [illegible] شعر
هر کو که ترا شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

و از حضرت صادق [illegible] منقولست که دوست خدا چون [illegible] [illegible] ذکر [illegible] [illegible] یاد خدا [illegible] مشغول میگردد [illegible] یاد خدا [illegible] شعر
[illegible] یاد خدا فقط
[illegible]

و فرمود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در عجایب خلوات

تحصیل محبت خدا بدو چیز است اول دوام ذکر و ذکر دعا ... صبح و غرایب خلق او و لذت ... مهیا کرده است از نعمتهای ... مشاهده در دنیا و آخرت ... با او و در خلوات و مواظبت نمودن بعبادات بشرطیکه ... از ذکر کردن خلایق دور و ... سازد خانه دل را از اشغال بوده باشد چه دل حکم ظرفی دارد و دو چیز را در یک جا نمی گنجد و ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه قل الله ثم ذرهم بگو خدا و هر که را غیر او است ... دوم تحصیل معرفت خدا است از وسایط شناختن معرفت دادن رحمان دل و تحصیل معرفت بمواظبت بطاعات و عبادات و تضرع و ابتهال بدرگاه قادر متعال بیشتر می‌شود هرکس چنان پندارد که خدا را دوست ندارد بلکه گاه است که گمان میکند که او را از همه چیز دوست تر دارد و این غرور محض است ... سزاوار نام محبت نیست و محبت شد از برای خدا ... اول آنکه مطالب لقا بوده باشد و چون وصول آن بعد مردن ... موقوف است از این جهت مشتاق مرگ باشد ... چنانچه خدا فرموده ... فتمنوا الموت ان کنتم

(صادقین)

لک شریک وتعظمت عن ان یکون لک ولد وتکرمت عن ان یکون لک شبیه و
تجبرت عن ان یکون لک ضد فانت الله المحمود بکل لسان وانت المعبود فی کل مکان
وانت المذکور فی کل اوان وزمان یا نور النور کل نور خامد لنورک یا ملیک کل ملیک
یفنی غیرک یا دائم کل حی یموت غیرک یا الله یا الله الرحمن الرحیم ارحمنی رحمة
تطفی بها غضبک وتکف بها عذابک وترزقنی بها سعادة من عندک وتحلنی بها دار
الذی تسکنها خیرتک من خلقک یا ارحم الراحمین وروایت کرده عمرو بن شعیب از پدر خود
وا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که جبرئیل نازل شد بر او با بیرون غاده حالتی که صاحب
ده ... شادان بود گفت السلام علیک یا محمد فرمود علیک السلام یا جبرئیل جبرئیل
فرمود که حق تعالی فرستاده مرا بسوی تو با هدیه فرمود که این هدیه کدام است گفت کلمه چند
از گنجهای عرش گرامی فرماید حق تعالی بان فرمود که آن کلمات کدام است ای جبرئیل گفت بگو
یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا
حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی ویا منتهی کل
شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا ویا سیدنا ویا مولانا
ویا غایة رغبتنا اسئلک یا الله یا الله یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار وان تغفر لی وترزقنی
برحمتک یا ارحم الراحمین وان تعطینی خیر الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر وصلی
الله علی محمد وآله اجمعین آنحضرت فرمود مر جبرئیل را که ثواب این کلمات چیست گفت
هیهات هیهات منقطع شد عمل اگر اجتماع نمایند فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین بر
آنکه وصف کنند ثواب این کلمات را تا روز قیامت وصف نتوانند نمود از هزار جزو یک
جزو را هرگاه که بنده گفت یا من اظهر الجمیل وستر القبیح بپوشاند حق تعالی گناهان
وقبایح او را و رحمت کند بر او در دنیا و آخرت و هرگاه گفت یا من لم یؤاخذ بالجریرة
ولم یهتک الستر حق تعالی حساب او را نکند در روز قیامت و پرده او را ندرد در روزی که
پرده ها دریده شود و هرگاه گفت یا عظیم العفو بیامرزد حق تعالی جمیع گناهان او را
و اگرچه بمثل کف دریا باشد و هرگاه گفت یا حسن التجاوز حق تعالی تجاوز میکند از
زشتیهای او را از دزدی و خوردن خمر و اما در اهل دنیا و غیر آن از کبایر و هرگاه که گفت
یا واسع المغفرة حق تعالی بروی او بگشاید هفتاد در از رحمت چنانکه او غرق گردد در رحمت

الهی تا از دنیا بیرون رود و هرگاه گفت یا باسط الیدین بالرحمة بگشاید حق تعالی
ید قدرت خود را بر او برحمت و هرگاه گفت یا صاحب کل نجوی ویا منتهی کل شکوی عطا
میفرماید حق تعالی او را اجر ثواب هر مصیبت زده و هر بیمار و هر مریض تا اینکه هر مسکین و
هر فقیر و هر صاحب مصیبت تا روز قیامت و هرگاه گفت یا کریم الصفح یا عظیم المن
حق تعالی او را بکرامت خود مخصوص گرداند چنانکه انبیاء کرام را مخصوص گردانید و هرگاه
گفت یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها عطا میفرماید حضرت عزت او را اجر بعدد
شکر نعمتهای ... و هرگاه گفت یا ربنا ویا سیدنا حق تعالی میفرماید که ای
فرشتگان من گواه باشید که من او را آمرزیدم و دادم او را از اجر بعدد آنچه آفریده ام او را
از اجر بعدد آنچه آفریده ام از بهشت و دوزخ و هفت آسمان و هفت زمین و آفتاب و
ماه و ستارگان و قطره های باران و انواع خلق و کوهها و سنگ ریزها و خاک و عرش
و کرسی و افلاک و غیر آن و هرگاه گفت یا مولانا حق تعالی پر کند دل او را از ایمان و هرگاه
گفت یا غایة رغبتنا بدهد خدای تعالی رغبت او را مثل رغبت همه خلایق و هرگاه گفت
اسئلک یا الله یا الله یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار حضرت عزت فرماید که بنده من
طلب خلاص خود را از آتش نماید از دوزخ گواه باشید ای فرشتگان من که او را آزاد ساختم
از آتش دوزخ و آزاد کردم پدر و مادر و برادر و همسایگان او را و پذیرفتم شفاعت او
در هزار کس از آنانی که واجب گشته بود ایشان را دوزخ و امان دادم او را از آتش پس
تعلیم فرما ای محمد این دعا را متقیان امت خود را و بیاموزان تا قرآن تا که این دعا عروه
مستجاب است مر دعا کنندگان را [illegible] و این دعای اهل بیت است که خوانند تا نکره برگیر
ایشان نگردند **دعای طلب حاجات** هرکه خواهد از خانه بیرون رود باید که بگوید در بیرون
آمدن بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله و سوره الحمد و معوذتین
و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند از پیش و پس و چپ و راست و بالا و زیر خود بعد
و چون باز آید بخانه بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله پس سلام کند بر اهل خانه اگر کسی باشد و اگر در خانه
کسی نباشد پس بعد از شهادتین بگوید السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام
علی الائمة الهادین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین و هرگاه در آید بیا ز ابعا

در ملاقات عجایب خلوات

صادقین و علامت دیگر آنکه باشد که مقتضی آن دوستان خدا مرده را کاره و حیات را ... این کراهت بجهت زیاد کردن استعداد ملاقات و تهیه اسباب لقا است و دیگر آن ملاحظه ساعتی نمی خواهد هر که دنیا را بگذارد و هر بلا و هر مصیبتی که باعث قرب بحق باشد محبوب خود بداند ... متنبه باین مطالب است شعر ... اگر ... دوم آنکه طالب رضای خدا باشد و خواهش او را بر خواهش خود اختیار کند چه دوست صادق هوای خود را فدای هوای معشوق میگرداند سیم آنکه پیوسته بیاد خدا باشد چهارم آنکه همیشه زبانش بذکر خدا مشغول باشد و بغیر محبوب و چیزی نگوید و نشنود و گوید شعر ... الاحدیث ... پنجم آنکه شوق بخلوت داشته باشد که مناجات با محبوب خود نماید و او را ذکر کند و خدمتی خود بجا آورد ... حق تعالی فرموده ... هر که دعوی محبت مرا کند و چون ... طالب شب ... دیگر ...

فاذا راد

حاجتی پس باید که بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله **دعای دیگر در طلب حاجت** از امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بگوید لا اله
الا الله وحده لا شریک له الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته
تتم الصالحات یا هو یا من هو یا من لیس هو الا هو یا هو یا من لا هو الا هو و نیز
دعای در طلب حاجت مرویست از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که جد بزرگوارش فرمود
که هرگاه کسی را حاجتی باشد سجده کند و فرق را بر زمین گذارد بعد صد بار بگوید که
یا ارحم الراحمین نگوید بنده این را مگر که حق تعالی فرماید که لبیک یا ارحم الراحمین بم
طلب کن حاجت خود را و روایت است از ابی عبدالله علیه السلام که هرگاه کسی را مهمی
یا المی یا دردی رسد باید که زانوهای خود را و دستهای خود را برهنه کند و عبا
بر زمین و سینه خود را بر زمین نهد و بعد از آن دعا کند که مستجاب است و امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده مر پسر خود را که هرگاه که دردی یابی تو امر بزرگی و دردی یا دنیا پیش آید
دستهای خود را بردار بدرگاه کردگار و هفت بار بگو یا الله که دعای تو مستجاب باشد
و دیگر فرموده که چون کسی را حاجتی باشد صباح روز پنجشنبه در طلب آن باشد و چون از
خانه بیرون آید آخر سوره آل عمران و آیة الکرسی و انا انزلناه و فاتحة الکتاب بخواند که هیچ
شک نیست که حوائج دنیا و آخرت او روا شود و منقولست از ابو الحسن اول که فرمود که
هیچ کس نیست که او را حاجتی باشد پس بر خود را با تمام برساند و ده بار بگوید که
بسم الله الرحمن الرحیم مگر آنکه غم و کرب او زایل گردد انشاء الله تعالی **دعای جهت ادای قرض**
منقولست از حسین بن خالد که گفت مرا در بغداد سیصد هزار درهم دین بود و چهار صد
هزار درهم از مال خود داشتم و مردمان در قرض خواهان مجال نمیدادند که آنها را
بستانم و دین دیگران خود ادا کنم دعا در نمودم که نزد ابو الحسن علیه السلام بنویسم
و احوال خود را عرض نمایم پس کتابتی نوشتم و در آن وصف حال خود کردم که مرا قرض
خداست و عیال چند پس جواب نوشت که در پیش عمل باین دعا بخوان اللهم انی اسئلک
یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم
انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تقضی عنی بلا اله الا انت اللهم
انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله الا انت و بعد

و آن باید که غافل شود و لاهم
در شوق لقای محبوب خود را
دوست نمیدارد و منزل
حاضرم از برای هر که طالب
باشد سخن
عجبا للمحب کیف ینام
کل نوم علی الحبیب حرام
خواب بر عاشقان حرام بود
خواب آنکس کند که خام بود
پس باید دوست خدا مشغول
باشد و در لذتهای شب مشغول
بنماز و دعا و مناجات باشد و
چنان باشد که حافظ گفته
شعر
مرد بخواب ... خیال تو همه شب
بر صبوحی دل ... نوحه شام
شبهم و صبح خبر از ...
که اندست و بر ...
خورد و عمر ... نگرد ... هشتم
آنکه همه بندگان خدا ...
باشد ... محبت خدا در دل
و منسوبان محبوب خود را شهود
است که مجنون سگی را دید ...
... میکرد ...
عشق ... هشتم آنکه
محبت و عظمت او ...
نهم آنکه محبت خود را پوشیده
دارد و اظهار نکند ...
بدعوی ... تنعیم ...
ذات که کجو که مقام ...
ظاهر ... و عزلت میکرد ...
...
...
و گاه باشد که بعضی از علما

اعاده کن بعد از آن هر فریضه که حاجت تو روا شود ان شاء الله تعالی راوی گوید که بعد
مداومت کردم بعد از چهار ماه نگذشت که تمام دین من ادا شد و صد هزار درهم دیگر
فاضل آمد **دعای دیگر در دفع ظالم** منقولست از رسول صلی الله علیه و آله که چون از کسی ترسی و
خواهی که دفع شر او کنی طلب کن هلال را و چون ببینی پس راست بایست بر قدمهای خود
و بروی خطاب بهلال بگو ایود احدکم ان تکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من
تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات و اصابه الکبر و له ذریة ضعفاء فاصابها
اعصار فیه نار فاحترقت در اینجا و اشارت کن باین کلمات بجانب خانه آن کس که از
او میترسی و سه بار بگو فاحترقت فاحترقت اللهم طمه بالبلاء طما و عمه بالبلاء عما
و ارمه بحجارة من سجیل و اطرقه طیرا ابابیل یا علی یا عظیم پس در شب دویم و سوم ماه مثل
این بگوی و چون یک ماه اول مراد حاصل نشود در ماه دویم و سوم مثل این عمل کن البته
در ماه چهارم احتیاج باین عمل نخواهد شد باذن الله تعالی **مرویست** که مردی
نزد امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از ظالمی که بر او ظلم کرده بود فرمود او را
که بگو یا ناصر المظلوم المبغی علیه ان فلان بن فلان ظلمنی و بغی علی فانتقم منه
لا تجبره و بلاء لا تسره و هر کس که سه نوبت بر ظالم خود این دعا کند در پیشانی
او علامت بلا ظاهر شود و بعد از آن بفرمان الهی گردد و دیگر فرموده هرگاه نزد پادشاهی
روی بگوی خیرک بین عینیک و شرک تحت قدمیک و انا استعین بالله علیک و
دیگر مرویست از امام رضا علیه السلام که هرگاه کسی بر دشمن خود دعا کند بگوید اللهم
اطرقه ببلیة لا اخت لها و ابح حریمه یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء
صل علی محمد و آله و اکفنی مؤنته بلا مؤنة **دیگر** چون از کسی بترسی بگو حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم امتنع بحول الله و قوته من حولهم
و قوتهم و امتنع برب الفلق من شر ما خلق ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
دعای طلب روزی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کسی شکایت کرد
نزد آنحضرت از فقر فرمود که این را بگو اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله و ان کان
فی الارض فاظهره و ان کان بعیدا فقربه و ان کان قریبا فیسره و ان کان قد
اعطیته فبارک لی فیه و جنبنی فیه المعاصی و الردی **منقول** است از امام رضا

تا مردم را بر خلوت و گوشه گیری
ترجیح دهند بسبب اخبار که
در مدح عزلت مردمان فریفته
شده لهذا بیان این مقام را بیان
نمائیم و گوئیم تفصیل این مقام آن
است که ظاهر کلمات جمعی
چنانست که عزلت و گوشه گیری
افضل از الفت با مردم است و جمعی
اخبار که در مدح عزلت وارد شده
و نیز اخبار بسیار بر آن ظاهر میگردد
اما اخبار پس بسیار است و جمعی
از آنها را شیخ جلیل بزرگوار احمد
بن فهد حلی در کتاب تحصین العارفین
ذکر فرموده طالبین رجوع بآنجا
کنند و گفته اند که هیچ پیغمبری
و هیچ وصی پیغمبری نیست مگر آنکه در
زمانی گوشه نشینی و عزلت اختیار
کرده یا در ابتدای زمان خود و یا در
آخر آن و اما فواید عزلت پس
بسیار است چون فراغت از برای
عبادت و ذکر خدا و یاد او و انس
بمناجات با قاضی الحاجات و سیر در
ملکوت آسمان و زمین و خلاصی
از ارتکاب معاصی مثل غیبت و ریا و
دروغ و غیبت و بهتان و سایر
آفات زبان و گوش و چشم و
خلاصی از سوء اخلاق بد
مردم و شرور ایشان
نجات از مکر و استهزاء و ضرر
فساد مردم و از عداوت و شرور
ایشان و قطع طمع از مردم و قطع
طمع مردم از او و خلاصی از مجالسه
و دیدن اهل ظلم و دنیا و جهال

علیه السلام که کسی نزد ابو عبدالله علیه السلام شکایت کرد از تفرقه فرمود که بانگ نماز بگو
چنانچه مؤذن گوید و صدای خود را ببانگ نماز بلند کن. در خوف منقولست از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که فرمود که چون در سفر و صحرا باشی و از چیزی ترسی دست
بر سر بنه و باواز بلند بخوان که أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ منقولست که چون تنها باشی در حمام یا شب باشد
ادعوا اللهم ... بحق محمد و آل محمد و بعد از آن سورهٔ انا انزلنا
بخوانند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که هر که تنها در خانه بخوابد
پرسیدند که سبب چیست فرمود که زیرا که او دائم هرگاه ... در دفع
ترس از شیر منقولست از ابو عبدالله علیه السلام که چون از شیر بترسند
که حضرت ... از ایشان ... زیارت ... کنند و این دعا بخوانند
اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِيَالَ وَالْجُبِّ وَرَبَّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ عَلَيَّ غَنَمِي هرگاه
ترسد از سگان و دزدان باید که بگوید که قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که ای علی هرگاه شیری را ببینی و کار بر تو سخت گردد سه بار تکبیر بگو
و دیگر بگو اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَأَعَزُّ وَأَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ مِنْ خَلْقِهِ
وَأَقْدَرُ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ شر شیر از تو کفایت شود منقولست
که رسول صلی الله علیه و آله فال خوب را دوست داشتی و فال شوم را مکروه داشتی
و امر فرموده که چون کسی چیزی ببیند و شوم دارد بگوید که اللَّهُمَّ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا أَنْتَ وَ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ منقولست که امام جعفر صادق علیه السلام در وقتی پیش منصور
دوانیقی رفت و او را غضبناک دید پس این دعا خواند غضب او نشسته شد یا عدتی عند شدتی
یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام واکفنی برکنک الذی لا یرام جهت
ترس از دزد بخوانند که قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا

در ذکر فضیلت عزلت

واحمقان و جز اینها از فواید
دیگر که عبادت و ظاهر ...
دیگر آنست که مخالطه با مردم
از عزلت افضل است از ...
اخبار بسیار که دلالت ... میکند
و سبب فواید بسیار ...
میگردد و اما اخبار در فضل ...
پیغمبر روایت شده که مؤمن
با مردم الفت میگیرد و مردم با او
الفت میگیرند و خیر نیست در
کسی که الفت با کسی نمیگیرد و نیز
فرموده ...
لطیفه ...
...
که کسی ...
گفت ...
دید ...
و محبوب خلق
بعضی از مردم ...
ولکن ...
اگر خویشتن را ملامت کنی
ملامت نباید شنید ...
...
حاضر شوید ...
واقف شد ...
و دعوی ...
یا الطریق چون تعلیم و تعلم و کسب
مسائل و تحصیل اخلاق حسنه از
متصفین بآنها و استماع مواعظ
و نصایح و ادراک ثواب جمعه و جماعت
و عیادت مریض و تشییع جنازه
و زیارت برادران و قضاء حوائج
محتاجان و دفع ظلم از مظلومین

فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ
الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا در دفع غضب منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمود که چون کسی را غضب پیدا شود اگر ایستاده باشد بنشیند غضب او زایل شود و اگر
کسی را غضب مستولی شود بر ذی رحم از او ... بدرستی که ... ساکن میشود
از آنحضرت منقولست که در دفع غضب این دعا بخواند اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي
وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَجِرْنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ
أَسْأَلُكَ جَنَّتَكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَأَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الْهُدَىٰ وَالصَّوَابِ وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلٍّ
در حدیث قدسی وارد است که یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرک حین
اغضب فلا امحقک فیمن امحق ای فرزند آدم یاد کن مرا در حال غضب
که ترا یاد کنم چون مرا غضب پدید آید که ترا در میان کسانی که ایشان را از غضب
محو میکنم و از ابی عبدالله علیه السلام فرموده هر که را غضب پدید آید غضب خود را
فرو خورد بازدارد حق تعالی غضب خود را ازو در روز قیامت و در رفع غضب بعد از صلوات
بر پیغمبر و آل او منقولست که بگوید و یذهب غیظ قلوبهم اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذَنْبِي وَأَذْهِبْ
غَيْظَ قَلْبِي وَأَجِرْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
جهت دفع وحشت روایت کرده اند که مردی از وحشت نزد حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله شکایت کرد فرمود که این دعا را بگو سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
خَالِقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ چون این دعا را بگوید خدای تعالی
وحشت او را زایل گرداند جهت دفع غم و اندوه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرموده که هر که این دعا بخواند از غم و اندوه ایمن گردد اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
وَابْنُ أَمَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ
هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ
بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ بَصَرِي وَشِفَاءَ صَدْرِي
وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي ... خدا ... غم را ازو زایل کند ...

در فواید عزلت و مخالطه

و شاد کردن دل مؤمنان و
تحصیل محبت ...
از نظر داشتن ...
و رسیدن بثواب تواضع ...
و امثال اینها و بعضی گفته اند که
حکم مطلق بترجیح یکی از این دو
بر دیگری ... صواب است ...
آنکه معلوم است که شخص
جاهل که هیچ از اصول و فروع
خود یاد نگرفته ...
...
مخالطه با علما و نیکان ...
با اینحال عزلت کردن ...
چنانچه شیخ بهائی فرموده
عزلت بدون علم ...
...
و اما برای کسی که تکمیل خود
نموده ... ابتهاج و لذت
طاعت و مناجات ...
رسیده باشد ...
مرتبت ...
... عزلت ...
...
بودن ...
نسبت باشخاص و احوال ...
و مکان تفاوت میکند ...
شخص ...
عزلت و مخالطه را نسبت بخود
ملاحظه نماید ...
هر کدام ...
اختیار نماید والانسان علی نفسه
بصیرة صفت پنجم و ششم
حفظ و انکار ...

ادرا بجو شیحالی و چون ببینند اهل بلا را باید در خفیه بگوید الحمد لله الذی عافانی مما
ابتلاک به و لو شاء فعل فرمود که هر که این دعا بخواند هرگز این بلا بوی نرسد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرموده که چون اهل بلا را ببیند حمد و ثنای الهی بگوید و ایشان را
نشنواند که غمگین گردند **دفع جادو** امام زین العابدین علیه السلام چون جادو دیدی
گفتی الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد الاعظم و نیز فرمودی که الحمد لله الذی قهر
بالقدرة و قهر عباده بالموت **جهت تدبیر کار و مشکل** روایت کرده که هرگاه مهمی پیش آید
و خواهد بداند که چاره در او چیست وقتی که بخوابگاه رود سوره و اللیل و الشمس هر یک
هفت نوبت بخواند در خواب شخصی را ببیند که تعلیم کند چاره مشکل او را و نجات او از آن
دعای عافیت دعائی که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده برای عافیت بخوانید اللهم انی اسئلک
العافیة و شکر العافیة و تمام العافیة فی الدنیا و الآخرة **ورد** در وصف اولیاء وارد شده
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جهودی یا ترسائی یا گبری را ببیند پس
بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی
اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة و چون این دعا بخواند حق تعالی میان او و در آتش
با هم جمع نکند **عزیمت جد در سؤال** مستحب است جد نمودن در سؤال از آنکه پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که باید که هیچ یک از شما در دعا نگوید که بار خدایا بیامرز مرا اگر
خواهی بلکه باید که در دعا جد بکند زیرا که هیچ مکروهی نیست بر خدای تعالی در استجابت دعا
وقتی که دعا مستجاب شود باید که بگوید الحمد لله بعزته تتم الصالحات و چون در اجابت دعا
تعجیل کند و باید که بر دعا مواظبت نماید و پشیمان نشود که دعا کردم و مستجاب نشد زیرا که
حضرت فرموده که دعای بنده مستجاب میشود مادام که تعجیل نکند و نگوید که دعا کردم
و مستجاب نشد و هرگاه قصد حاجتی کنی این دعا بگو که اللهم انی اسئلک باسمک الاعلی
الاکبر الاعز الاجل الاعظم الاکرم ان تفعل بی کذا و کذا که آن برآورده میشود **دعای
بیم بلا** روایت کرده رسول صلی الله علیه و آله فرمود مر امیر المؤمنین علیه السلام را که هرگاه که در
ورطه بلا افتی این دعا بگو که بلا دفع میشود بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین **در اسم اعظم** روایت کرده از امام زین
العابدین علیه السلام که فرمود که من در عقب هر نماز دعا میکردم که خدای تعالی مرا اسم اعظم

در سجده شکر

وارد شده الحمد و تقلید ادب
و شکر نیست کرامن صفت
مقتضای توحید و ایمان و
موجب حظ پروردگار منان
است و بنده عاجز ذلیل را که
باسرار قضا و قدر جاهل و از
موارد حکمتها و مصالح غافل
است چکار باعتراض بر افعال
خداوند حکیم خبیر از کمال جهل
نقل شده که
از ... که گفت
چه ... و ... شد
و در خبر ... دیگر دیده
که هر ... که بجز من
نیست پس هر که صبر نکند بر بلای
من و راضی نشود بقضای من
و شکر نکند از برای نعمای من
پس خدائی بجوید سوای من
روایت شده که حضرت موسی
عرض کرد که پروردگارا
کرم ... محبوب ... است
کسی که هرگاه من ... او را
او بگیرد بر تسلیم ... پس عرض
کرد که ... کدام کس است
فرمود کسی که طلب ... کند
... و چون حکم کنم
او بحکم من راضی باشد
... خوشنود
... خدا ...
وصل ... رضا است
... اعتراض ...
است ... و ظاهر ...
... ذکر

تعلیم کند و دعا نمیکنی از صبح گاه تا دم و خفتم خواب بر چشم من غالب شد مردی پیش چشم
خود ایستاده دیدم بمن گفت که خدای تعالی اسم اعظم بخواهی گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسئلک
باسمک الله الله الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم فرمود که بعد از آن دعا
نکردم باین دعا از برای هیچ چیز مگر که مستجاب شد **دعای وقت رعد** چون وارد شد صدای رعد و
صاعقه بشنوی بگو که اللهم لا تقتلنا بغضبک و لا تهلکنا بعذابک و عافنا قبل ذلک **دعای
باران** ابر بگوید صیبا هنیئا **دعای جهت باد** منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام
که چون باد بسیار بود تکبیر بسیار بگو و بعد از آن بگو اللهم انی اسئلک خیر ما جاءت به الریاح
و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة و علی الکافرین
عذابا و صلی الله علی محمد و آل محمد **دعای جهت زراعت** منقول است از امام محمد باقر علیه السلام
که چون خواهی که زراعت کنی مشت تخم بر دار بدست خود و رو بقبله کن و سه بار بگو که
افرأیتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون و بعد از آن بگوی بل الله الزارع لا انا و تمام مشت
زراعت بریز و بگوی اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعله حبا مبارکا و ارزقنا فیه السلامة
و العافیة و السرور و العظمة و التمام و اجعله حبا متراکما و لا تحرمنی خیر ما ابتغی لاجل
بما تشتهی بحق محمد و آله الطیبین الطاهرین چون قبضه کرد دست خود بریزد بیفشاند
دعای تنهائی در بیابان یا ارض ربی و ربک الله اعوذ بالله من شرک و شر ما فیک و شر
ما خلق فیک و من شر ما یدب علیک اعوذ بالله من شر کل اسد و اسود و حیة و عقرب
و من ساکن البلد و من شر والد و ما ولد افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و
الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون الحمد لله بنعمته و حسن بلائه علینا اللهم صاحبنا
فی السفر و افضل علینا فانه لا حول و لا قوة الا بالله بعد از آن سوره الم تنزیل را تا آخر بخواند
دزد و درنده و حشرات و غیر آن بوی گزند نرساند اگرچه تا اول ماه تنها باشد
دعای عطسه منقول است از ... که هر کس عطسه بشود حمد و ثنای خدای تعالی بجا
آرد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد هرگز درد چشم و دندان نکشد و بعد از آن فرمود که اگر
بشنود و میان او و عطسه کننده دریائی فاصله باشد باید که ترک نکند **منقول است از**
امیر المؤمنین علیه السلام که هر که عطسه ابدا الحمد لله رب العالمین علی کل حال بگوید هرگز
درد گوش و درد دندان نکشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که چون کسی عطسه زند

در بیان رضا

بیعت و طاعت و مرتبه بعد از محبت
است چه رضا و محبت شده او
میان خود و رضا و محبت و عاو
عنایت و لطف دو مرتبه بعد از آن
و حیات و مرضی بنا از آنها در نظر
او بر دیگری ترجیح ندارد زیرا که
همه را از خدا و نعمت الهی نظر
عنایت حق که بر دل او در نظر کرده
و همه افعال او محبوب است
از او هر چه میرسد بطبع او موافق
عاشقم بر لطف و بر قهرش بجد
بو العجب من عاشق این هر دو ضد
ناخوش او خوش بود بر جان من
جان فدای یار دل رنجان من
نقل شده که شخصی از ارباب حقا
سؤال نمود که ... دم
... که کار ... چیست
... شعر
... بگویم ...
... جان ...
وصبره در رضا ...
او ... حضرت ... علیه السلام منقول
است که فرمود شگفت دارم از کار
مرد مسلم که خدا هیچ امری از برای او
مقدر نمیکند مگر آنکه خیر او است
اگر ملک مشرق و مغرب باو عطا
فرماید الا خیر او است و اگر
... خیر او است ...
... گردن
...
...
آنکه خیر او در آنها است و اگر ...

عطسه آید بگویید یرحمک الله و بعد از آن ترک کنید و امیرالمؤمنین فرمود که حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرمود که چون برادر شما را عطسه آید و شما او را تسمیت نکنید روز قیامت
بر شما دعوی خواهد کرد و برای او حکم خواهد شد و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون کسی
عطسه کند و او را علتی باشد که نتواند الحمد لله رب العالمین بگوید و سکوت کند فرشتگان
از جانب او الحمد لله رب العالمین بگویند و اگر او این حمد گوید فرشتگان گویند یغفر الله لک
یعنی خدای تعالی ترا بیامرزد **منقول** است از نسیم خادم امام حسن عسکری علیه السلام که
گفت بعد از ولادت صاحب الزمان علیه السلام شبی پیش او رفتم مرا عطسه آمد فرمود یرحمک
الله تسبیح گوید که من شاد شدم باین گفتن بعد از آن فرمود که میخواهی بشارتی بتو دهم گفتم
بلی فرمود که عطسه امان است از مرگ تا سه روز **منقول** است از ابن مریم که شخصی نزد
امام محمد باقر علیه السلام عطسه کرد آنحضرت فرمود خوب چیزیست عطسه در او راحت بدن است
باید که در آن وقت خدا را یاد کند و صلوات بر محمد و آل او فرستد گفتم که همسایگان ما عراقی
میکنند که در سه موضع صلوات نمی باید فرستاد در وقت عطسه و در وقت ذبح و در وقت
جماع پس آنحضرت فرمود بار خدایا اگر اینجماعت دروغ گفته باشند شفاعت محمد بدیشان
مگردان **منقول** است از ابی عبدالله علیه السلام که هر که عطسه کند و بشنود بگوید الحمد لله
علی کل حال ما کان من امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله درد دندان نبیند
و نیز منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که چون کسی عطسه کند هر که پیش از
او کلمه الحمد لله بگوید درد دندان و درد شکم نکشد **منقول** است از امام جعفر صادق
علیه السلام که چون آدمی عطسه کند و الحمد لله بگوید آن دو فرشته که بر او موکلند گویند رب
العالمین کثیرا لا شریک له پس چون آدمی آن را گوید آن دو فرشته گویند و صلی الله علی محمد
و چون آدمی او را گفت گویند و آل محمد و چون آن را نیز گفت گویند یرحمک الله **مرویست**
از امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث طولی که چون یکی از شما عطسه کند بگویید یرحمک الله
اگر گفت یرحمکم الله پس بگویید یغفر الله لکم و یرحمکم زیرا که خدای تعالی در کلام مجید فرموده
که و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها یعنی وقتیکه شما را تحیت فرستند بهتر
از آن بفرستید یا مثل آن را باز فرستید **عبدالله** بن ابی یعفور گوید که حاضر شدم در مجلس
ابی عبدالله علیه السلام که شخصی عطسه کرد آنحضرت فرمود یرحمک الله اهل مجلس گفتند

دنیا را از او نیاد کرم جز او
دران بینیم و عمل را بجز صلاح
اوات را نا هستم باید او
من صبر کند بقضای من و شکر
نماید بقضای من راضی شود
نامش را در زمره خود از زمره
صدیقین بنویسم **بدانکه**
رضا بقضا یکی از مقامات عالیه
عارفان است و معنی آن آنست
بقضای حق تعالی آن را از خواست
و اراده اکثیر سعادات حاصل
ساخته و گفته اند که دعا منافی
با رضا است از جهت آنکه اگر
خود از عطا بخشند که بنگی
و از ثابت است ابراء نعم تسلیم
و مراجعه بطبیب ولازم است
دعا با جهت دفع امراض با
مرض رضا مخالف داشته شد
دعا هم مخالف خواهد بود
و همچنین امر بمعروف و نهی از
منکر اعتقاد بمعاصی و بغض اهل
معصیت با مقام رضا مخالف
نیست خدا بجز در فضیلت دعا
شرف او وارد شده و نهی از
بتکلیفیه ما وارد نیست که رضا دعا
است که زاید بر اراده الهی نباشد
حق تعالی بندگان نازل میگرداند
و بدانکه ثمره رضا از ثمرات
عنایات قطعیه تحصیل آن
در تحصیل محبت الهی است و
بعد از ذکر و شناختن ثمرات که در
مقام تحصیل محبت گذشت
علاوه الحکمه نیز نماید که از

آمین بعد از آن ابی عبدالله علیه السلام عطسه کرد آنحضرت فرمود یرحمک الله اهل
مجلس گفتند آمین بعد از آن ابی عبدالله پس اهل مجلس خجل شدند که چیزی رد نکردند
پس آنحضرت فرمود که بگویید اعلی الله ذکرک یرحمک الله و در روایت دیگر منقول است از
ائمه اثنا عشر علیهم السلام که چون کسی را عطسه آمد باید که انگشت سبابه را بر سر بینی نهد و
بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین رغم انفی لله رغما
داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر و چون دیگری عطسه کند بگوید یرحمک الله
یکبار یا دو بار یا سه بار و اگر زیاده شود گوید شفاک الله و چون خواهد دعای عا
مؤمنی را بگوید یرحمک الله بگوید و انت عافاک الله و اذکر ذکرک الله و آن
مریض شفاک الله و اند می عمل الله و از نبی و امام صلی الله علیک و چون کسی
گفت خاطر را پریشان سازد ترک کند برادر و بگوید یغفر الله لنا و لکم **و روایت کند**
ابو بصیر از ابی عبدالله علیه السلام فرمود که بنیاد عطسه حافظ صاحب عطسه است از
پنج چیز اول جذام دوم از باد بلبله سوم نزول آب در چشم چهارم ایمنی
از سده خیشوم پنجم ایمن از برآمدن موی در چشم **دیگر** فرمود که چون عطسه زیاد
شود و خواهی که کم شود انگشت از روغن بر زنجوش در دماغ کن **راوی** گوید که پنج
روز چنین کردم عطسه ترک کرد **و هم** از آنحضرت منقولست که عطسه در مرض علامت
است از برای دفع آن مرض و دیگر فرمود که خمیازه از شیطان است و عطسه از رحمن
و هم از آنحضرت منقولست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود بدترین بدمستی که
عطسه مریض نیست غائبا است بنا بر احادیث **ذکر رفع وسواس** شیطان روایت کرده زراره
داود از ابی عبدالله علیه السلام که هر گاه شیطان ترا چیزی در خاطر گذارد دست خود را
بر پیشانی خود بنه و بگوی اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ان تصلی
علی محمد و آل محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان **باب یازدهم** در ادب بیمار
و علاج کردن ایشان و آنچه متعلق است بآن مشتمل بر پنج فصل **فصل اول** در آداب
بیمار پرسش کردن او و علاجش مرویست از ابی عبدالله علیه السلام که رسول صلی
الله علیه و آله فرمود که حمی خبر دهنده مرگ است و زندان خدا است در زمین و
گرمی او از جهنم است و او حظ هر مومن است از آتش **امام** زین العابدین علیه السلام

نارضائی او چه میاید کراهت
و سخط او چه فایده میبخشد مگر
از برای خاطر او تغییر قضا خواهد
داده میشود و در نهضت قسمت
او تغییر ضایع کارخانه مصلحت
میشود و بغیر تشویش باطن و
تدبیر کار بغیر تضییع روزگار
بودن برکات وقت فایده نمی
بخشد و باید طالب رضا
برایات ثابت که در رضا
اهل الارض کند خطا یعنی
اعادیث که در اجر ثواب مصیبت
وارد شده مطالعه و استماع نماید
و بداند که هر رنجی و المی
و هر غمی را ناخوشی نیست
دلالت برشادی که صبح بهار
کرخش نوش هم با شبی
پس امید شوا بمای پیوند کار
مردانه در دنیا بان برا الغدم
بیماری نادره و ما عاینه
واقفان عاید چون نیم چه
مجمل بجاست و صفد و خونند
دوا را بجا گردد **شعر**
بر آستانه تسلیم سر بنه حافظ
که گر ستیزه کنی روزگار بستیزی
صفت بیست و نهم
خوف است که عبارت از تألم
بسبب انتظار امر مکروه
قلب از محبوب مکروه
و محبوب یا زمینه اخروی باشد
امید وزان از صفات حسنه
و آنچه مذموم است همین
خوف مطالع بشری است غالبا

فرموده که نیکو و بجا است حمی میدهد هر عضوی را نصیبی اعضا از بلا و حمی و تب
را انکه مبتلا شده باشد محمد بن احمد روایت کرده از یوسف بن اسمعیل با اسناد خود که او
گفت که بنده مؤمن چون یک شب تب کند گناهان او میریزد چون برگ از درخت و چون
بر فراش خود خسبد پس ناله او تسبیح است و فریاد او تهلیل و گردیدن او در فراش همچو
کسی است که شمشیر زده در راه خدای تعالی و در این حال خدا را عبادت کرده در میان اصحاب
خود و اگر بمیرد شهید شود پس خوشا حال او اگر با این حالت بمیرد و وای اگر باز گردد و عافیت
دوست تر داشته باشد مرویست از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که تب یکشبه
کفاره گناه یکساله است زیرا که الم آن در جسد یکسال باقی است منقول است از ابی
عبد الله علیه السلام که هیچ مرضی و صداعی و عرقی نیست مگر بسبب گناه چنانچه در کلام
کریم وارد شده وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر یعنی هر مصیبتی
که بشما رسیده بسبب کسب دست شما است و از بسیاری عفو میکند خدا بیشتر از آن است
که بان مواخذه نماید منقول است از ابی عبد الله علیه السلام که تب یکشبه کفاره پیش
و پس از آن است و دیگر فرموده که هر که شب خسته شود و بقبول آن تلقی کند و شکر آن
ادا نماید کفاره گناهان شصت ساله او گردد راوی گوید که پرسیدم که قبول او چیست
گفت صبر کردن بر دردی که در آن خستگی است مرویست از امام محمد باقر علیه
السلام که فرمود که بیداری یکشبه که از مرض افضل است از عبادت یکساله از زراره نقل میکند
از یکی از ایشان که بیداری یک شب از مرض یا درد جمع فاضلتر و بزرگتر است پیش خدای تعالی
از بدنی اجر از عبادت یکساله و تب دو شبه برابری میکند با عبادت دو ساله و تب سه شبه
برابری است با عبادت هفتاد ساله گفت پرسیدم که اگر بهفتاد سال نرسد گفت پس مادر
او را باشد گفتم اگر پدر و مادر او بهفتاد سالگی نرسند فرمود که برای خویشان او باشد
گفتم اگر خویشان او بهفتاد سال نرسند گفت همسایه او را باشد و منقول است از
امام رضا علیه السلام که فرمود که مرض مؤمن پاک شدن است و رحمت و مرض کافر عذاب
و لعنت است و مرض با مؤمن همیشه میباشد تا بر او گناهی نماند و دیگر فرمود که درد سر یکشب
محو میکند همه گناهان را مگر کبیره ابو ابراهیم روایت کرده که رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که مریض را چهار خصلت است اول رفع قلم از وی دوم امر کردن حق تعالی

نیز چون صفت اعراض
موجب بزرگ اعضا از صفت
البته است و مستلزم صفت
شدت و عیش مهیا ساختن و جمع
و عوام هیهات بعضی است و دنیا
بقای دنیا و غافلان از عالم فنا است
و این صفت بلا مجبر او ای
از طاعت و عبادت باز میدارد
و علاج آن آنست که متذکر شود
هر چه در عالم کون و فساد است
همه در معرض فنا و زوال است
و چیزی در این سرا چون با حباب نیست
که قابل دوام باشد چون از این
مرحله را بپیماید بحسرت آنکه
دلبستگی او باسباب فانی بیشتر کم
میشود و حسرت او بر گذشته
زائل گردد حضرت سید الانبیا
علیه صلوات الله میفرماید که
حق را با زینت دنیا چکار و
چگونه شاد میشوم بلذتی که تمام
میشود و نعمتی که باقی نماند
نه لایق بود حیف باد لذتی
که متنبه باشد و بعد شود
پس سزاوار عاقل آنست که
هست خود را از صرف کند و غم
گذشته را نخورد و نا گذشته را
خوش نهد زیرا که ازین غصه و رنج
و محنت و بلا خوش شود تا شده
دل با این عارت سرا نبندد
چنانچه از سقراط حکیم نقل کنند
که گفته من هرگز غم نخورده
زیرا که دل بهیچ چیز نبستم که
اندوه آن بمن رسد شوم و غم

فرشته ها که بنویسند که هر فضیلتی را که کرده است در صحت بیرون او عدد مرض گناهان
او را از هر عضوی یکی از جسد او است چهار مرتبه انکه اگر بمیرد آمرزیده بمیرد و اگر نمیرد
آمرزیده بمیرد روایت است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون مرد مسلمان مریض
گردد خدای تعالی در دیوان عمل او بنویسد بهتر از آن عملی که در حال صحت میکرد و بریزد
گناهان او چنانچه برگ از درخت میریزد منقول است از ابی عبد الله که فرمود که چون
خدای تعالی به بنده اراده تحفه کند نظر میکند بسوی او و چون نظر کند بسوی او یک تحفه
از سه تحفه بجهت وی میفرستد یا تب یا درد چشم یا درد سر منقول است از امام موسی
کاظم علیه السلام که فرمود که چون بنده مؤمن مریض شود خدای تعالی باصحاب شمال وحی
کند که منویسید گناهان بنده مرا مادام که در بند من و زندان من است و باصحاب یمین وحی
کند که بنویسید برای بنده من آنچه را که در صحت مینوشتید در صبر علت روایت
کرده امام محمد باقر علیه السلام از رسول صلی الله علیه و آله که حق سبحانه و تعالی فرمود که چون بنده
خود را مبتلا گردانم و او صبر کند تا سه روز و بجمعی که بعیادت او آیند شکایت نکند از بلای
عوض دهم گوشتی بهتر از گوشت او و پوستی بهتر از پوست او و خونی بهتر از خون او و اگر عمر
او را برحمت خود بی تن برسانم و اگر نمانم او را از گناهش پاک سازم منقول است از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که بنده را که مصیبتها میرسد تا مادامیکه بر زمین حرکت کند
و گناهی هیچ گاه نمانده باشد ابو عبد الله علیه السلام فرمود که عیادت کنید خستگان
را و از ایشان دعا طلب نمایید که دعای ایشان برابر دعای فرشتگان است و هر که یک شب
بیمار شود و آن بیماری را قبول کند حق تعالی او را عبادت شصت ساله بنویسد -
پرسیدند که قبول او چیست فرمود که اگر درد خود بهیچ کس شکایت نکند ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که شکایت آن است که مریض گوید که مبتلا شدم ببلائی که هیچ کس مبتلا نشده و مصیبتی
دیدم که هیچ کس ندیده و نه اینست که از شکایت نیست که گوید دوشینه بیماری کشیدم
و امروز تب دارم امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در مرض هیچ اجری نیست ولیکن
هیچ گاهی نیست که مریض آنرا محو کند و بینا اجر مگر بقول زبان و عمل بدن و پا
و خدای تعالی بسبب صدق نیت و خلوص طویت بسیاری از بندگان را بهشت میبرد در
پرسش بیماران پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حق مسلمانان بر مسلمانان است که هرگاه

چنان دانست که جمیع اسباب
دنیوی امانت چند روزه است
در نزد بندگان که با لاخره
نوبت ازان منقطع گردد و غم
عظیم است که غم خوردن بر آن
که هر لحظه رکنی را از اهل عالم
تمتع باید و شکی نیست که بعض
امانت را تدارک باید و تأمل
چگونه سبب آنها اشتغال بود
بگردد صفت سیم امر
بلا و اضطراب از امور خود
و اطمینان و خاطر جمع است
و دوستان است و این صفت
خبیث از جمله مهلکات عظیمه
و منافی ایمان است که حضرت
اینست زیرا که حضرت رسول
فرمود هر که طلب عزت کند
بواسطه بندگان خدا او را ذلیل
میسازد و مسئولیت که در تورات
نوشته است ملعون است کسی
که اعتماد بر انسان مثل خود
پس ما را عوض از سنت کرده است
سختیها یافته ضد صفت خود
ازین صفت خبیثه حاصل میشود
و تحصیل ضد آن بیدار شود
ضد آن توکل است که تهیه
کردن بنده در جمیع امور خود
بخدا و حواله کردن همه کارها
خود را به پروردگار و تسلیم شدن
از هر حول و قوه بحول و قوه
الهی و حصول این صفت شریفه
موقوف است بر اعتقاد جازم
بانکه هر کاری که بتو میرسد

برسد سلام کند و چون خسته شود بپرسش رود و چون بمیرد مشایعت جنازه اش
نماید و فرمود من ... خود را پرسش مینمایم و دیگر فرمود که تمام عیادت مریض آنست
که دست خود را بر مریض بنهد و گویند که چون بوده صباح چون شد و شب چون گذشت و تمام
تحیت شما مصافحه است **منقول** است از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که مریض یاران
خود را از مرض خود خبردار کند که عیادت او کنند تا او و یاران او همه اجر برند پرسیدند که
اجر یاران بسبب پرسش بیمار است اجر بیمار بچه سبب باشد فرمود بسبب آنکه مریض از برای
یاران حسنات کسب میکند اجر میبرد پس بجهت این برای بیمار حسنه می نویسند و ده درجه بلند
میشود و ده گناه محو میگردد و باید که اولیای بیمار مانع نشوند و اعلام نمایند که بعیادت وی
حاضر شوند و برای میت دعا و استغفار نمایند برای ایشان که اجر و برای میت کسب شفاعت
شود **ابوالحسن** علیه السلام روایت میکند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام عیادت فرمود صعصعة
بن صوحان را و گفت یا صعصعه مفاخرت مکن بر یاران خود با آنکه من ترا عیادت کردم و نظر
بخود کن که کار تو نیست و باید که ترا امل از راه نبرد **منقول** است از امام جعفر
صادق علیه السلام که فرمود که درد چشم را پرسش نیست پرسش مریض کمتر از سه روز نیست
و بعد از آن روزی پرسش کند و یک دو روز پرسش نکند و چون مرض دراز شود مریض را
با عیال او بگذارند **امیرالمؤمنین علی** علیه السلام فرمود که هر که پرسش بیمار کند و در نشستن
تخفیف نماید او را نزد خدای تعالی اجر عظیم است مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و نیز فرمود
که تمامی عیادت مریض آنست که یکدست خود را بر دست مریض نهند یا بر پیشانی وی نهند
منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که چون روز قیامت شود حق تعالی خطاب
فرماید بنده را از بندگان و گوید که یا مؤمن چه مانع شد ترا که عیادت من نکردی در وقتی
که من مریض شدم آن بنده گوید که بار خدایا تو خدای منی و من بنده توام تو حی قیومی که
ترا درد و الم در نمی یابد و ترا از مرض چیزی نمیرسد حق تعالی فرماید که هر که مؤمنی را برای رضای
من عیادت کند چنان است که مرا عیادت کرده پس گوید یا فلان بن فلان را میشناسی بنده گوید بلی
یا رب فرماید که چه مانع شد ترا از عیادت کردن او اگر او را عیادت میکردی عیادت من
کرده بودی و مرا نزد او می یافتی و اگر سؤال میکردی حاجت ترا روا میکردم و رد نمینمودم
ابوالحسن علیه السلام فرموده که چون یکی از شما بیمار شود باید که اجازت دهد که مردم

از جناب پروردگار است
و هیچ کس را اختیاری نیست
هیچ امری نیست مگر بواسطه
او و تمام علم و قدرت و کمال
او و بندگان از برای او و
عنایت و رحمت و عطوفت
بهمه بیش از پدر و مادر بندگان
خود دارد پس کسی که این معانی
را دانسته باشد البته دل او
اعتماد بخدا دارد و بس بلکه
او خود نیز ملتفت بغیر نباشد
و توکل تمام نمیشود مگر بقوت
یقین و قوت نفس و ضعف
بدانکه توکل یکی از منازل دین
است و افضل درجات است
بلکه مقتضای ایمان است
جمله و اجتناب از جزع لازم است
حضرت رسول صلی الله علیه و
آله فرموده که هر که بخدا منقطع
شود و امر خود را باو گذارد
خدا او را از هر چه کفایت
میکند و روزی او را از جائی برساند
که بگمان او نرسد و هر که بدنیا
منقطع شود خدا او را بدنیا وا
میگذارد و مروی است که خدا وحی
فرستاد که هیچ بنده از بندگان من
بغیر من پناه نبرد ...
که آسمانها و زمین بر او تنگ
شود مگر آنکه ...
میسر ...
و نیز ...
با ...
مرکب ...

نزد او در آیند که هیچ کس نیست الا آنکه او را دعا مستجاب است روایت کنند که رسول صلی
الله علیه و آله که وقتی عیادت سلمان کرد و فرمود که ای سلمان در علت تو سه خصلت است
اول آنکه تو بیاد خدای تعالی مشغولی دوم دعای تو مستجاب است سوم این مرض
بر تو گناهی نمیگذارد الا آنکه محو میکند و چون خواست که برخیزد فرمود که یا سلمان
کشف الله ضرک و غفر ذنوبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک
منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که هر مؤمنی که عیادت برادر مؤمن خود
کند اگر صباح بود هفتاد هزار ملک تا بعشا او کنند و چون بنشیند پیش بیمار مشمول
رحمت الهی شود تا شبانگاه فرشتگان از برای او استغفار کنند اگر شبانگاه بود هم چنین
این تا صباح **منقول** است از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود که موسی علیه السلام با حق
مناجات کرد و گفت یا رب اجر عیادت مریض تا چه حد است حق تعالی فرمود که هر که
عیادت مریض کند ملکی بر وی موکل گردانم که در قبر تا روز قیامت عیادت او کند
منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که
عیادت مریض کند منادی از آسمان ندا کند که ای فلان خوش باش خوش باش
و نیز فرمود که اجر بزرگ کسی راست که در عیادت مریض در نشستن تخفیف کند و دیگر فرمود
که چون بعیادت مریض روید دعا کنید که از دعای فرشتگان است **دیگر** فرموده که هر
که برای رضای خدا مریضی را عیادت کند هر دعائی که مریض کند در باره او البته مستجاب
شود **امیرالمؤمنین** علیه السلام فرمود که آنچه در بیماری بکودک برسد کفاره گناه پدر و مادر
او است **روایت** میکند غلامی از غلامان امام جعفر صادق علیه السلام که غلامی خشم
شده بود از غلامان آنحضرت و ما جمعی از غلامان بعیادت او میرفتیم آنحضرت در راه بما
رسید فرمود اتفاق کرده اید بکجا میروید گفتیم بپرسش فلان فرمود که آیا با شما عنبی
سیبی یا بهی یا ترنجی یا قدری از بوی خوش یا پاره از عود گفتیم نه ما را با اینها هیچ نیست فرمود
آیا نمیدانید که بیمار راحت مییابد هر گاه برای او چیزی برند که نفع یابد بیمار حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دوا کنید بیماران را که حق تعالی هیچ دردی نفرستاده که با
او دوائی نفرستاده باشد و دیگر فرمود که مردن مردم بگناه بیشتر است از مردن باجل و
حیات مردم بنیکوئی بیشتر است از حیات ایشان بعمر هم منقولست که هیچ علتی نیست

و کسی که بخدا اعتماد کند و
او را نگاه دارد تا کار از برای
نیست اگر آسمان و زمین بر
او بلا فرو ریزند خدا او را
نجات دهد و دیگر آیات و
احادیث در این باب بسیار است
و باید دانست که کار عمده
در توکل برای انسان میگردد
و تقسیم است بکار آنکه
مقتضای ایمان است و
دیگری مرتبه از مقامات
مرتبه ای است ...
است مقتضای توکل ...
که آن را حواله بخدا نماید
و سعی بجا در خصوص آنکه
اگر از جانب دیگر باشد
در خصوص آن با توکل منافات
ندارد ...
خود و اسباب ...
بلکه ... او ...
هر که چنانکه ...
را ترک عمل ...
در امور خود است ...
و خود را ...
بسیار خطا کرده ...
عمل در شریعت ...
و شارع امر فرموده ...
کرده ...
خود را از ...
محافظت نمایند و ...
کار ...
با توکل ...
که وصول مطلوب ...

مگر از گناه و عفو خدا از گناه بیشتر است و هم مرویست که در کسی معلول شد و مبتلی
که بخطا خو کرده باشد و خسته که درد را خلط کرده و دیگر نبود که او دوا پرهیز کن
آن قدر که بدن تو تحمل کند درد را پس چون تحمل نتواند بکن دوا کن **منقول** است از ابو
عبد الله علیه السلم که پیغمبری از پیغمبران را مرضی عارض شد گفت دوا نمیکنم تا آنکه
کسی که مرا مریض کرده باشد شفا کرامت کند پس حق تعالی بوی وحی فرستاد که شفا از من است
لیکن تا دوا نکنی شفا نمیدهم **منقول** است از امام رضا علیه السلم که اگر مردم طعام
اندک خورند بدن ایشان صحیح باشد **منقول** است از ابی عبد الله علیه السلم که پرهیز کردن
از چیزی ترک آن نیست بلکه پرهیز کردن کم کردن است از آن **منقول** است از امام محمد
باقر علیه السلم که پرهیز کردن سر همه دواها است و معده خانه درد است و بدن را آنچه
معتاد میگردانی معتاد میشود و هم منقول است از رسول صلی الله علیه و آله که هر مومن که
بمیرد و وصیت نکند ابخان است که کافر مرده باشد و هم منقول است از رسول صلی الله علیه
و آله که نباید کسی شب خواب کند الا آنکه وصیت نامه در زیر سر او باشد و نیز منقول است از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که نیکو وصیت نکند در عقل و مروتش نقصانی است
امیر المومنین علیه السلم فرمود که هر کس وصیت کند وارثان بترسند و ضرر بکسی نرساند
ابخان است که بان وصیت تصدق کرده باشد **منقول** است از حضرت امام محمد باقر
امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود که وصیت مسلمانی وصیت کردن حق است و هم فرمود
که هر کس که نزد مردن برای خویشان که میراث نمیبرند وصیت نکند عملش بخاتمه ختم عمل او
بمعصیت کرده **فصل دویم** در باب شفا طلب کردن از قران مجید در جمیع امراض
رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس بسبب قران شفا نطلبد خدای تعالی او را شفا
ندهد **منقول** است از امام جعفر صادق علیه السلم که هر که صد آیه قران بخواند از هر
آیات که خواهد پس هفت بار بگوید یا الله اگر بر سنگ خارا دعا کند کنده شود **منقول**
است از امام ابو الحسن علیه السلم که هر گاه ترا بسوی خدا حاجتی باشد قران بخوان از هر جا که
خواهی پس سه نوبت بگوی اللهم اکشف عنی البلاء **منقول** است از امام موسی کاظم
علیه السلم که در قران شفا از هر دردی هست **در فضیلت** سورهای قران **خواص**
سوره فاتحة الکتاب **منقول** است از امام محمد باقر علیه السلم که هر که را علتی عارض

بواسطه آنها مطلوب حاصل شود
باشد و اگر اسباب تحصیل
فراهم نشود حاصل شدن [illegible]
کردن بطعام از برای [illegible]
دهان و نوشیدن آب [illegible]
سفر و سوار شدن [illegible] جهت
تجارت و ذخیره کردن برای
حال اضطرار و مدارا نمودن
جهت دفع مرض و امثال اینها
و از اسبابی که بحسب توهم و
احتمال هستند مثل بعضی [illegible]
و احتراز [illegible]
دفعه کردن و مکرها [illegible]
و امثال اینها [illegible] توکل
است [illegible] امثال اینها [illegible]
اسباب [illegible] که حق تعالی
تحصیل آنها کرده باشد [illegible]
در طلب [illegible]
[illegible]
بالا [illegible]
طلب حریص باشد چنانچه
در روایت صادق مرویست
حضرت رسول صلی الله علیه
فرمود که روح الامین در دل
که هیچ نفسی نمیرد تا روزی
خود را تمام [illegible]
طلب روزی [illegible]
الجمله سعی کنید [illegible]
توکل [illegible]
است **اول** آنکه حال او در
[illegible]
که وکیل [illegible]
درجات توکل است دویم

شود هفت نوبت سوره ام الکتاب بخواند و اگر ساکن نشود هفتاد بار بخواند ساکن
گردد **منقول** است از رسول صلی الله علیه و آله که خواندن فاتحة الکتاب شفای جمیع
دردها است پس اگر کسی صد نوبت بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد حق تعالی روح را
باز دهد **منقول** است از ابو عبد الله علیه السلم که گفت اگر هفتاد نوبت الحمد را بخوانی
بر مرده و روح در بدن او باز آید عجب نباشد **منقول** است از امام محمد باقر علیه السلم که
هر گاه نفس بر اعلی باشد و آنرا از ترس سوره انعام بخوانی که بر او از آن علت مکروهی نرسد
سوره نحل منقول است از امام محمد باقر علیه السلم که هر که سوره نحل را هر ماه بخواند
هفتاد نوع از انواع بلا که آسان تران جذام و برص و جنون است از او برگردد در روایت
دیگر است که از برای احتراز از ابلیس و لشکر او بهتر است و بخواند **سوره یس** منقول است
که هر که در شب بخواند حق تعالی ملائکه را از برای او موکل گرداند که او را محافظت نمایند از
ابلیس و لشکر او تا شب دیگر و صحیح مرویست از ابی عبد الله علیه السلم که بدرستیکه هر
چیزی را دلی است و دل قران یس است پس هر که سوره یس بخواند پیش از آنکه خواب کند یا
در روز بخواند پیش از آنکه شب شود تا شب از جمله محفوظان و مرزوقان بود و هر که در شب
بخواند پیش از آنکه خواب کند حق تعالی هزار فرشته را برای او موکل گرداند که او را نگاه دارند
از شیطان رانده شده درگاه و از هر آفتی و اگر بمیرد در آن خواب حق تعالی او را ببهشت عنبر سرشت
برد و بعد از بود دیگر فایده است که اگر بخواند برای دنیا و اخرت و بجهت نگاه داشتن
آفت و بلیات در نفس و اهل و عیال و برای هر حاجت که باشد روا گردد و هم مرویست از
موسی علیه السلم که هر کس که مغلوب بغفلت شده باشد سوره یس بخواند با شیند و بخورد
بر طرف شود و اگر با آب زعفران بنویسد در ظرف و از شیشه و بخورد بهتر بود **سوره والصافات**
منقول است از ابی عبد الله علیه السلم که هر که در روز جمعه سوره والصافات بخواند
همیشه از جمیع بلیات محفوظ باشد و همه آفات و بلیات دنیا از او دفع شود و در روزی
وی گشاده شود و از شیطان رانده و از هر جبار متکبر و از بدی مال و اولاد و بدنش دفع شود
و در فواید دیگر است که از برای عزت و شرف و جاه دنیا و اخرت بخواند و هم از آنحضرت
مرویست که هر که سوره ص در شب جمعه بخواند در روز قیامت او را شرف دنیا و اخرت
عطا فرماید و هر [illegible] **سوره طور** هر که سوره طور بخواند

آنکه حال او با خدا مثل حال
طفل باشد نسبت بمادر خود
چنانچه طفل جز مادر نمیشناسد
در هر امری رو بمادر دارد و از
چیزی که بترسد بمادر پناه میبرد
است سیم آنکه حال او نسبت بخدا
خدا مانند میت [illegible]
یعنی خود را [illegible]
مثل میت [illegible]
و این قسم است توکل حضرت خلیل
در هنگامی که او را در منجنیق نهادند
که بآتش افکنند حضرت جبرئیل
باو گفت ای خلیل آیا حاجتی داری گفت
با تو حاجتی ندارم گفت پس حاجت
را [illegible] نجات خود
از او طلب کن گفت [illegible]
[illegible] خدا عالم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و این مرتبه از توکل [illegible]
[illegible]
توکل آنست که [illegible]
اعتقاد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جمع فرماید حق تعالی برای او خیر دنیا و آخرت را سورهٔ واقعه هر که در شب جمعه سورهٔ
واقعه بخواند حق تعالی او را دوست دارد و همه خلایق را دوست او گرداند و در دنیا
نبیند و فقر و فاقه نکشد سورهٔ حدید و مجادله هر که در نماز فریضه سورهٔ حدید و مجادله
بخواند در اهل و عیال و بدن او تنگی و بدی واقع نشود سورهٔ ممتحنه حضرت امام زین العابدین
علیه السلام فرمود که هر که در فرایض و نوافل نماز خود سورهٔ الممتحنه بخواند حق تعالی دل او را
با ایمان مزین گرداند و چشم او را روشن سازد و بدی و بلا و فقر و جنون نرسد
در دنیا مرد و زنان محمود و فرزند باشد سورهٔ قل اوحی ابو عبدالله علیه السلام فرمود
که هر که سورهٔ قل اوحی بسیار بخواند از جن و انس و سحره محفوظ باشد و از کید و سحر ایشان
در امان بود سورهٔ مزمل هر که سورهٔ مزمل در نماز خفتن یا در آخر شب بخواند شب و
روز گواه حال او باشد با سوره و رفیقه او را زندگی و مردگی خوب و خوش بعد از او
گرداند سورهٔ نازعات هر که سورهٔ والنازعات بخواند در بهشت نرود مگر سیراب و
دنیا بدارد او در دنیا و آخرت بیحرج و عذاب سورهٔ بروج هر که سورهٔ والسماء ذات البروج
را بخواند و بخود ببندد کژدم و حشرات کم گزند باشد هیچ عقرب نیاید بدان از شر
سورهٔ قدر هر که سورهٔ انا انزلناه بخواند در هر فریضه از فرایض منادی ندا کند
که ای بندهٔ خدا حق تعالی گناه گذشته ترا آمرزید پس عمل از سر گیر سورهٔ اذا زلزلت
هر که سورهٔ اذا زلزلت را در نماز نافله بخواند بزلزله و صاعقه و آفات دنیا گرفتار
سورهٔ همزه هر که سورهٔ ویل لکل در فرایض بخواند فقر و فاقه از او دور گرداند و در روزی
بروی گشاده شود و مرده بنا زاو دفع گردد سورهٔ کافرون هر که سورهٔ قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد بخواند در فریضهٔ از فرایض حق تعالی بیامرزد او را و مادر و پدر و فرزند او را
و اگر شقی باشد نام او را از دیوان اشقیا محو کند و در دیوان سعدا ثبت سازد و در
زندگی سعید باشد و شهید میرد و در قیامت شهید برانگیخته شود منقول است از
امام رضا علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که چون شما را در دستی
با غیران دشمنان بگشاید و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین بخوانید و دستها را
بروی خود بمالید هر مرضی که باشد برطرف شود مروی است از ابی عبدالله علیه السلام
که خدای تعالی در عوض فدک شب را بتطمیع فاطمه علیها السلام گردانید پس هر که فاطمه فرزند

در توکل است

و در کتاب کریم خود است
خبر داده و محال است که انا عند
ظن عبدی ... خلف کند و بنده
بخود خالی کند ... کار خود را
بخدا واگذار نمود و بجز او امر
بانجام رسید و شد که منتهی
گردد که شخص محتاج صبح و شب
است در روزی دادن جمیع
از مخلوقات خود را از جانب
که اصلا گمان نمیبرد و بچیز
دفع بلاها و آفات از جمیع کند
که مضطر مبتلا به آن بوده
رحم و حفظ کند پس بایستی او را یاد کرد
مشکل است بر بیان هلاک
اموال اغنیا و ذلیل شدن اهل
جن تا تل کند ... یاد کند
اخبار و تجربه شاهد ... بنکم
هر که توکل بخدا کرد البته خدا
کفایت او را میکند و چگونه میشود
باشد حال نکرد خود را بجهت
که اگر کسی او را وکیل خود در امری
کند و ... تو ... خصوصیت
و انجام امر او کوتاهی ... باشد
خدا یا العیاذ بالله از ... حاجت
و غافل ... بنا ... و
بندگان که ... ثبت
بموکل ... تعالی الله عن ذلک
علوا کبیرا صفت سیم
کفران نعمت است که عبارت
از نشناختن نعمت منعم و نشناختن
بان و صرف نکردن آن نعمت در
مصرفی که منعم بان راضی باشد
و کفران نعمت البته باعث نقصان و

او را دوست دارد و هر مرض و تب او را عارض شود هزار بار قل هو الله احد بخواند حق
فاطمه علیها السلام دعا کند مرض تب او زائل شود سورهٔ نصر هر که سورهٔ اذا جاء را در
نماز فریضه و نافله بخواند خدای تعالی او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد منقول است
از ابی عبدالله علیه السلام که هر که را مرضی و رنجی رسد و در آن مرض و شدت قل هو الله
احد نخواند باشد و در آن مرض بمیرد پس او از اهل دوزخ است و دیگر فرمود که هر که بر
فراش خود بامداد قل هو الله احد بخواند خانهٔ خود و خانه‌هائیکه در گرد او است محفوظ
باشد طلب شفا با آیات قرآنی این آیات شفا می‌بخشد جمیع امراض بسم الله الرحمن
الرحیم و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا
تأخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا
باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه
السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم بسم الله الرحمن الرحیم الله
لا اله الا هو الحی القیوم هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو
العزیز الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله
الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب
الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب
فاذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا الله لا اله
الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا ذلکم الله
ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل اتبع ما اوحی
الیک من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین قل یا ایها الناس انی رسول
الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات و الارض لا اله الا هو یحیی و یمیت فآمنوا بالله
و رسوله النبی الامی الذی یؤمن بالله و کلماته و اتبعوه لعلکم تهتدون و ما امروا
الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون فان تولوا فقل حسبی
الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم حتی اذا ادرکه الغرق قال
آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین فالم یستجیبوا
لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله و ان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربی

در کفران نعمت

ادعوات در عقبی موجب
حرمان و سلب نعمت در دنیا
شد که گفته که اهل کاشان
نوع ظاهر ادعوات و اذل
موجودات شدند و باتفاق
خردمندان شکر حق شناس
بر آدمی سپاس شمر
نگی را النعمه هرگز فراموش
نگردد دیگری ز فصل نوبش سئلت
دگر عمر بی تو از نعمت قدر
بکمتر حیز ابدا بود و جدک
وصف کفران شکر است
از برای شکر منعم حقیقی حضرت
پروردگار است که کیست بیکی
انکه جمیع نعمتها از او است
اگر کسی دیگر با تو نیکی کند چنین
دانی که حق تعالی دل او را مسخر
کرده که با تو نیکی اقدام نموده
و این شکر واجب است و تنبیه
التی شاد در هم شوی ... اندام
لذت دکار ... بلکه آنان را که
بواسطه ایشان نعمت بتو رسید
منعم بنود سیم آنستکه مقصود
و زبان حمد الهی را بجا آورد و
در دل خیر خواهی مخلوقات
چهارم آنستکه نعمتهای الهیه
صرف رضا و مقصود او نماید
اینجا هرکه کوشش آنستکه شکر
حقیقت شکر ... تمام است
لکن ... باشد که هر که
شکر گویند و شکر افضل ...
اهل سعادت است ...
بلا و باعث ... نعمت است و

لا اله الا هو علیه توکلت والیه متاب ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء
من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه یعلم السر و
اخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی انک بالواد المقدس طوی وانا اخترتک
فاستمع لما یوحی اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة لذکری ان الساعة
آتیة اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی انما الهکم الله الذی لا اله الا هو وسع
کل شیء علما وما ارسلنا من قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش
الکریم ویعلم ما تخفون وما تعلنون الله لا اله الا هو رب العرش العظیم وهو الله
لا اله الا هو له الحمد فی الاولی والآخرة وله الحکم والیه ترجعون یا ایها الناس
اذکروا نعمة الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض لا اله الا
هو فانی تؤفکون انا کذلک نفعل بالمجرمین انهم کانوا اذا قیل لهم لا اله الا
الله یستکبرون ویقولون ائنا لتارکوا آلهتنا لشاعر مجنون بل جاء بالحق وصدق
المرسلین غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه
المصیر ذلکم الله ربکم خالق کل شیء لا اله الا هو فانی تؤفکون هو الحی لا اله
الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین رب السموات والارض وما
بینهما ان کنتم موقنین لا اله الا هو یحیی ویمیت ربکم ورب آبائکم الاولین فانی
لهم اذا جاءتهم ذکریهم فاعلم انه لا اله الا هو واستغفر لذنبک وللمؤمنین و
المؤمنات والله یعلم متقلبکم ومثویکم لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا
متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباریء المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم انما علی رسولنا البلاغ المبین الله لا اله الا هو وعلی الله فلیتوکل
المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وکیلا جهت دفع تب و درد سر

در شکر نعمت

بار رحمتهای مرد و در غیب نمان
شود حق تعالی فرموده اگر شکر
کنید البته نعمت شما را زیاد میکنیم
و وارد شده که کسی که چیزی خورد
و شکر گذارد اجر او مثل اجر
روزه دار است و کسیکه بیمار
صحیح باشد و شکر کند اجر او
مثل اجر بیمار صابر است و کسیکه
که غنی باشد و شکر کند اجر او
اجر فقیر قانع است و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که
شکر آنست که وجود انعام
منعم را بداند و دعا و تعقیب
الحمد لله و بلا و استغفار در روز
گاه و شکر در هنگام نعمت و
طریقه تحصیل شکر گذاری بجنید
امر است اول معرفت و تفکر در
صنایع الهیه است و انواع نعمتهای
ظاهریه و باطنیه دوم نظر کردن
بر پست تر از خود در امور متعلقه
بدنیا و بالاتر از خود در امور دین
سیم نظر در احوال مردگان و فکر
در اینکه نهایت مطلوب ایشان
آنست که ایشان را بدنیا برگردانند
تا در اینجا عمل خیر کنند پس خود را
از ایشان فرض کند و چنان تصور
نماید که مطلب در امده و بدنیا
برگشته است چهارم انکه یاد کند نعمتها
که بر او بوده و از مصائب
و مرضهای مهلکه که امید نجات
از آن نداشته و پس خلاصی از آن
غنیمت شمرد پنجم انکه مصیبت
و بلائی که با وی وارد شود شکر
کند که مصیبتی بالاتر از آن نباید

منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که این را بنویسند در تب نوبه است و ببندند که
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر و معوذتین و قل هو الله احد و بسم
الله الرحمن الرحیم رب الناس اذهب الباس واشفه یا شافی فانه لا شفاء الا شفائک
لا یغادر سقما بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم کن
صاحب کتابی هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل
والنهار وهو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع والاوجاع والریح باذن الله اسکن بقدرة
الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن
نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما جهت
دفع تب و غیر آن نقل است که یکی از اصحاب ابی عبدالله علیه السلام از تبی ظاهری شد
آنحضرت فرمود که بگشا گریبان جامه ات را و سر خود را بگریبان فرو بر و بانگ نماز و اقامه
بگو و هفت نوبت الحمد بخوان گفت چنین کردم از آن مرض خلاص شدم نیز جهت دفع
تب و غیر آن روایت است از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود شخصی اگر فرو برد سر خود را
در جیب خود و بانگ نماز و اقامت بگوید و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس هر یک سه مرتبه بخواند و بگوید اعیذ نفسی بعزة الله و قدرة الله
و عظمة الله و سلطان الله و جمال الله و بجمیع الله و برسول الله صلی الله علیه
و آله و بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک و
داوینی بدوائک و عافنی بعافیتک فی دنیاک و آخرتک من بلائک و در روایتی دیگر آنست
که فرمود که داخل کن سر خود را در جیب خود و بانگ نماز و اقامت بگوی و فاتحة الکتاب
و معوذتین بخوان و قل هو الله احد و آخر سوره حشر را سه نوبت بخوان و قل هو الله احد
آنگاه بگوی اعیذ نفسی چنانکه مذکور شد منقول است از حماد بن عثمان که گفت

در شکر نعمت

رسید و در اینکه بلائی بزرگتر
او وارد نشده حافظ
نعوذ بالله اگر غم و ستم کند بس ما
تو شکر کن مبادا که از بد بتر شود
و بالجمله چون دانستی که یکی از
ارکان شکر صرف نعم است در
مصرف که رضای منعم در آنست
پس بنابراین شاکر را لازم است
شناختن چیزها یکه رضای الهی
در آنست و دانستن امور یکه
مکروه و خلاف رضای او میباشد
تا متمکن از ادای شکر در آن
گردیده باشد و لامحاله
توان جمیع محبوبات و مکروهات
الهی را یافت طریقه شرع مقدس
است که جمیع آنچه رضای الهی در
آن یا خلاف رضای او است بیان
کرده و از اول واجبات و مستحبات
و از دویم محرمات و مکروهات
تعبیر کرده پس هر که را اطلاع از
جمیع احکام شریعت در همه امور
خود نباشد متمکن از ادای حق
شکر گذاری الهی نیست و بدینجهت
سبب تقصیر اکثر مردم در شکر
گذاری حضرت باری تعالی معرفت
ایشان است بانکه همه نعمتها از
حق تعالی است یا کمی معرفت
بانتمام نعمتها است یا انجهت
ایشان است بحقیقت شکر و
کما قال بانکه حقیقت شکر گفتن
الحمد لله یا شکر الله است یا از
غفلت و یا نقصان است که بعضی
از اقسام شکر منعم خود نمیدانند تا

عبدالله علیه السلام فرمود هر که بردی که او را گفت شب نزد او کشید که بنویسید این را لکن بی در
طرف و بجز عذاب بنوعی وجود و مثل آن منقول است که شخصی از امام حسین علیه
السلام بارجل کرد درد چشم ابکینه فعلم امیر بنویس و بکیسه کرد او را الحی حادث شد باشد در
بجوید سلامٌ قولاً من ربٍّ رحیم حسبی الله و نعم الوکیل طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی
ان الله یمسک السموات والارض تا آخر یرید الله ان یخفف عنکم الآن خفف
الله عنکم قلنا یا نار کونی بردًا و سلامًا علی ابراهیم اردد عن فلان بن فلان الحر
والبرد والبلغم وجمیع الآلام والاسقام والاعراض والامراض والاوجاع و
الصداع طسم طس باسماء الله حمعسق کذلک یوحی الیک والی الذین من قبلک
الله العزیز الحکیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین
والصلوة علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین یا من تزول الجبال ولا یزول صل
علی محمد وآل محمد وازل کلما بفلان بن فلان من مرض و سقم وانک علی کل
شیء قدیر حسبنا الله وحده وصلواته علی سیدنا محمد وآله اجمعین مثل آن بنویس
و کاغذ و بیاویزد بر مریض وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا
ونذیرا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وما محمد الا رسول قد
خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه
وآمنوا بما نزل علی محمد وهو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم واصلح بالهم ما
کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل
شیء علیما محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم
رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک
مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل ومبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما
جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به
الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا الملک لله الواحد القهار پس بگوید بسم
الله المکتوب علی ساق العرش جهت تب بلغم بنویسد و بیاویزد بر بازوی
راست بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی وبالحق انزلناه وبالحق

بعضی از خبرها وارد است عموم
آن از برای همه کس [illegible]
بیان آن را نعمت بخشیده چنانکه
بشنیدیم که اکثر از شکر نعمت غفو
کرده است نعمت نعمتی دیگر
علی و آن است حافظ و مخبر
صحت چشم و گوش و سایر اعضا
خود را نعمت بخشیده که [illegible]
تا نشان قطع شود بسبب
اند یا چشم ایشان کور شود بسبب
مبتلا گردد یا باشد که در بعضی
شکر آنها بر آیند و آنها از غایت
نادانی است چه شکر چنین کسی
موقوف است [illegible]
وسیله آن تا [illegible] و حال آنکه نعمت
دائمی دیگر کردن سزاوار است
کسی که تأمل کند [illegible]
[illegible]
است از [illegible]
نعمة الله لا تحصوها صفت
صبر
و در جزع و بیتابی است که
عبارت است [illegible]
خود در مصیبت و بلا [illegible]
آه و واویلا [illegible]
[illegible]
جزع است [illegible]
کردن [illegible]
است و این صفت از [illegible]
است چرا [illegible]
قضای خدا و انکار [illegible]
فعل و حکم او است و از
رسول خدا صلی الله علیه وآله
مرویست که فرمود [illegible]

نزد باسم فلان بن فلان بسم الله الرحمن الرحیم وبالله ومن الله والی الله و
لا غالب الا الله ایضا بنویسد [illegible] او که بسم الله الرحمن الرحیم الم نشرح
لک صدرک تا آخر لا باس لا باس رب الناس اذهب الباس اشف انت الشافی لا
شفاء الا شفاؤک [illegible] رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن
بدعائک رب شقیا باسم فلان بن فلان جهت تب نافض بسم الله الرحمن الرحیم
مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان وجعل بینهما حجرا محجورا یا نار کونی بردا وسلاما
علی ابراهیم الا ان حزب الله هم الغالبون نوعی دیگر ولقد سبقت کلمتنا
لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون جهت
دفع تب ربع مرویست از امام حسن عسکری علیه السلام که فرمود بنویس بر کاغذ
یا انه کریا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم و بیاویزد بر کسی که تب ربع دارد هرگاه
[illegible] بنویس [illegible] قل الله اذن لکم ام علی الله تفترون و این را
[illegible] بنویس بطلط بطلطلط و بگوید بنام خدای [illegible] فلان [illegible]
او بیند مثل آن است الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا
الشمس علیه دلیلا از برای درد سر شقیقه منقول است از ابی عبدالله علیه
السلام که این آیات را بخوانند ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه وتنشق الارض
وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر
واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین مثل آن است فمن کان منکم
مریضا او به اذی من رأسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک یدالله فوق
ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه
اجرا عظیما اسکن سکنتک یا ریح [illegible] بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار
مرویست که مردی شکایت کرد نزد امام جعفر صادق علیه السلام از درد سر فرمود
که دست خود را بر موضع درد بگذارد [illegible] آیة الکرسی وفاتحة الکتاب بخواند و بگوید
الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اجل واکبر مما اخاف واحذر واعوذ بالله

جزع کردن است و در موقع
عظیم تا بلای عظیم است چون
خدا [illegible]
مبتلا [illegible]
رضای خدا [illegible]
غضب [illegible]
او است و ضد جزع صبر است که
مضطرب نگشتن در بلاها و
مصائب است و این صبر [illegible]
و از برای صبر اقسام دیگر هست
مثل صبر در معارک و جنگها که
از افراد شجاعت است و صبر در
حال غضب که حلم است و صبر در
مشقت طاعات و صبر از معصیت
شهوات و صبر بر زهد [illegible]
فی الحقیقه اکثر اخلاق داخل در
صبر است و مرتبه صبر از مراتب
[illegible]
نسبت به صبر داده [illegible]
درجات بهشت [illegible]
[illegible]
موضع کتاب خود ذکر [illegible]
[illegible]
[illegible]
صلوات و رحمت [illegible]
داده و مرثیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
وشناختن [illegible]
خود را شکایت [illegible]
خود را ذکر [illegible]
کرنست صبر [illegible]
سر است [illegible]

من عرق تعار و اعوذ بالله من حر النار در جهت دفع درد سر روایت کرده عمر
بن حنظله که شکایت کردم پیش امام محمد باقر علیه السلام از درد سری که مرا میشد
فرمود که در آن حالت بنه دست خود را بر میان سر خود و بگو که لو کان معه الهة
کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و ننزل لهم تعالوا الی ما انزل الله
والی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا جهت دفع درد شقیقه
منقول است از امام رضا علیه السلام که بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس
لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد در سویید که اللهم انک انت بالله
انشاء الله تا آخر خاکر زود باشد که این دعا در فصل چهارم بعد از این مذکور شود
انشاء الله تعالی جهت دفع درد سر و غیر آن منقول است از امام جعفر صادق علیه
السلام که هر که را درد سر و غیر آن باشد پس دست خود را بر آن موضع نهد و بگوید اسکن
سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم منقول است از امام
جعفر صادق علیه السلام که وقتی که در کسی کاهلی شده باشد یا درد سر یا چشم نحو بید
باشد شمار انگشتان دست بگشاید و سوره فاتحة الکتاب و معوذتین بخواند پس دست خود را
بر روی خود بکشد که هر دردی که داشته باشد زائل شود عمرو بن ابراهیم گفت که شکایت
کردم پیش امام رضا علیه السلام از درد سر بسیار و از ریحی که عارض میشد مرا شبها بحون
فرمود که این سبزی که برک او بیمیا است و آن را البلابه میگویند بر سر خود بنه
که بر سر کودکان نیز مینهند که نافع است باذن الله راوی گوید که چنان کردم و رفع
آن شد جمیع ابا بحضرت منقول است که بجهت رفع صداع سر را عصابه ببندند که
افسون بجهت درد شقیقه ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
لدنک رحمة انک انت الوهاب اگر خوب شد فبها والا بگیرد نخود سفید و دو نیم کند
و بگوید چنانکه ... دو نخود بخواند بر او هفت نوبت قل هو الله احد و بر مریض دهد تا
بخورد که درمان شفا است سؤال کرد مردی از اهل مرو از ابی عبد الله علیه السلام
از درد سر فرمود که بر دست شو بر موضع درد دست مبارک را و بسم الله مما الید که لم فوایه تا
خواند ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد

در ترجیح صبر بر بلاها

باشد بدانست نمیباشد همچنین که
که صبر باشد ایمان نیست و ظریق
تحصیل مرتبه صبر از لذات چند
چیز است اول آنکه ملاحظه نمود
اخبار و احادیثی را که در فضیلت
ابتلاء وارد شده باشد و آنکه با ما
هر مصیبتی که دفع درجات مومن
است و یقین داند که خیر نیست
در کسی که بلائی گرفتار نشود
و بداند که انچه بواسطه صبر او
میرسد بسیار بهتر است از آنچه
که بسبب بلا از او فوت شده
دوم آنکه منتظر آن شود که
زمان مصیبت انقضا دو فاقان
کوتاه است و عنقریب زائل
مستخلص شده بجا و راحت
استراحت میرسد بعضی ظفر
بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر
باید بگردد روزگار چون شکر آید
صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند
بر اثر صبر نوبت ظفر آید
سیم آنکه تامل نماید که هر چیز
و جمیع چیز فانی است و در ...
مقدرات شغل شدید نباید بود
نماند مصراع
قلم تقدیر بود آنچه تعیین کرده اند
چهارم آنکه ملاحظه کند احوال
کسانی که بلاهای عظیم رسیده
بلاها و مبتلا و گرفتار شده
پنجم آنکه بلا و مصیبت
دلیل فضل و شفقت الهی است چه
هر که در این عالم مقرب تر است
خاص بلا بیشتر به سبب آن میشد

من بعده انه کان حلیما غفورا معویه بن عمار گفت شکایت کردم بحضرت ابی عبد
الله علیه السلام از درد شقیقه فرمود که چون از فریضه فارغ شوی انگشت سبابه
دست راست را میان دو چشم خود بنه و هفت نوبت بگو یا حنان اشفنی چون
انگشت برابر ابروی راست بمال بعد از آن بگو یا منان اشفنی و انگشت را برابر ابروی
چپ بمال بعد از آن دست راست را بر میان سر خود بنه و بگو یا من له ما سکن فی اللیل
والنهار و ما فی السموات والارض صل علی محمد و آل محمد و اشفنی جهت درد
چشم منقول است از امیر المؤمنین علیه السلام که هر که را درد چشم باشد باید که آیة
الکرسی را بر چشم خواند و در دل خود بگذراند که بدرستی که برکت این آیه مبارکه
تعالی و منقول است که هر که هر روز این آیه بخواند که فجعلناه سمیعا بصیرا چشم
او را آفت نمیرسد و همچنین اگر سه نوبت بخواند بر آب این آیه فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی
یبصرون و با آن آب روی خود را بشوید چشم او را آفت نرسد منقول است که
حضرت مصطفی صلعم نظر بسلمان کرد و سلمان را درد چشم بود فرمود که خرما مخور و
بجانب چپ خواب مکن و همچنین هر کس که آیه الله نور السموات والارض تا آخر آیه را
و ان یکاد الذین کفروا تا آخر سوره بر حضرت امام حسین ع رسید ... چشم ... مرهم
مانند ... باید و در شیشه کند و بمیل در چشم کشد شفا یابد از برای شب کوری
مرد بیت ابو یوسف معصب که گفته که بحضرت مرتضی علی علیه السلام از زحمت شبکوری
شکایت کردم و التماس کردم که بمن چیزی تعلیم کند که دفع شبکوری کند فرمود که آیه
الله نور السموات والارض تا آخر بر جامی بنویس و بشوی و در شیشه کن و در چشم
بکش چنانکه کردم کمتر از نصف میل کشیده بودم که چشم من بهتر از آن شد که اول بود هم
دفع درد گوش منقول است که آیه ... کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان
السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا را هفت نوبت بر روغن بادام
بخواند و در گوش چکاند درد گوش را نافع باشد از برای دفع درد
دندان سه نوبت فاتحة الکتاب و سه نوبت قل هو الله احد بخواند و بگوید یا ضرس
بالنجار اسکنی ام بالنار اسکنی ام باسم الله اسکن اسکن اسکنتک بالذی

در تحصیل مرتبه صبر

ششم آنکه ادعیه ای که بواسطه
رفع مصیبات تحصیل حاصل
میشود هفتم منقولات که
کرده که بر صبر و اختیار میشود
که بعد از غم صبح شادی و رحمت
است حافظ
ای دل صبور باش و مخور غم که عاقبت
این شام صبح گردد و این شب سحر شود
هشتم آنکه بیاد آورد که این
مصیبتها از جانب حق تعالی است
که بکند چیزی برو هر چیزی
نسبت با وی بهتر خیر و صلاح او را
نمیخواهد (شعر)
هر چه او کند برای ما نیکوست
چون نه دنگری صلاح کار است
نهم آنکه تتبع کند در احوال
معصومان و نیکان الهی و ابتلاء و
ایشان را ملاحظه نماید تا انکه
مضمون استعداد نفس از برای او
حاصل شود و بداند که مراد ما
همانست که در ابتلا در گذشت
اما سوختن دل و جاری شدن
اشک که از مقتضای بشریت
است بد نیست و انحضرت صلی الله علیه
نیز چنانچه منقول است چون
حضرت ابراهیم فرزند حضرت
رسول صلعم وفات یافت اشک از
چشم حضرت رسول جاری شد
شخصی عرض کرد با وجود اینکه منع
میفرمودید ما را از ... آن
حضرت فرمود این ... نیست
است و رحمت است ... منع ...
ننگه دار ... چشم ...

سکن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم قال من یحیی
العظام و هی رمیم الی قوله بکل خلق علیم اخرج منها فانک رجیم و لنخرجنهم
منها تا اخری تخرج منها خائفا یترقب تا الی آخر و همچنین بنویسد بر نان تنک
و دندانی که درد میکند بر آن بنهد بسم الله لکل نبأ مستقر و سوف تعلمون اتی
امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرکون فقلنا اضربوه ببعضها
کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون قال من یحیی العظام
و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم و بستن درد
دندان سه نوبت فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و هیچ
آهن بخواند بعد از آن این قال من یحیی العظام و هی رمیم تا علیم بخواند بعد از آن
بگوید که یا ضرس بن فلان بن فلان کلما تحاد و اکلتا بدا ابدا لحجار تسکنین ام بالنار
تسکنین بعد از آن بخواند و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم شدد
ذلک هذا الضرس بن فلان بن فلان باسم الله العظیم بعد از آن بر دیوار بزند
بگوید یا الله یا الله یا الله و همچنین یک برگ سبزی بر دندان بر آن بنویسد که الذی
جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون و بعد از آن بر دندانی نهد که
درد میکند و چند دمی بر دندان برگ سبزی را بر پشت سر خود اندازد و باز دیگر نگاه
نکند درد دندان ساکن گردد ان شاء الله تعالی **از برای دفع خون بینی** منها خلقناکم
تا اخری یومئذ یتبعون الداعی تا همسا قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض
تا آخر و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه تا آخر و جعلنا من بین ایدیهم تا
آخر بر پیشانی آنکس که خون از بینی او آید بنویسد به همان خون یا زعفران ساکن گردد
ان شاء الله **از برای زکام** مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که اخضر مرومج
کرد زکام لشکریست از لشکرهای خدای تعالی آن را بر سر دردها مبعوث شده و زکام رحمتها
فرو نشاند **منقول** است از ابی عبدالله علیه السلام که روغن بنفشه را در بینی بدارد
و در وقت خواب در مقعد بنهد از برای دفع زکام نافع است **جهت وسوسه دل**
آیه فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله بخواند با معوذتین نافع است **منقول** است
از امیر المومنین علیه السلام که هر که شیطان او را وسوسه دهد بگوید اعوذ بالله من

در تتمه صفت سی و سیم

و دل میشود و بخشی سر میزند
که حضرا بعضی او در پی نظر
مطالب حسنات است که بر بعضی
و رجحان اصلی و خوش شود
ذکر آن میکند و العمل ... آید
صفت سی و سیم
فوات و انعامات
اثر میکند نظر از طاعت و بندگی
و عبادت کردن او را وصل
آن طاعت کردن و بجا آوردن
عبادات است که در شریعت
مقرر شده است هر عبادت
شرعیه چند چیز است طهارت
و نماز و ذکر و دعا و تلاوت قرآن
مجید و روزه و حج و زیارت
ائمه اطهار علیهم السلام و جهاد
و ادای حق مردم که شامل
زکوة و خمس و صدقات مستحبه
و غیر اینها بوده باشد امر بمعروف
و نهی از منکر و تفصیل این مطالب
در کتب فقهیه و آداب و اسرار آن
در کتب مبسوطه اخلاق است
و این مختصر را گنجایش ذکر آنها
نیست رجوع بکتب دیگر شود
خاتمه بدانکه لازم است بر
طالب پاکی نفس از اوصاف رذیله
و آرایش آن بصفات جمیله چند چیز
اول آنکه اجتناب از مصاحبت
بدان و اشرار لازم داند و دوری
از صحبت صاحبان اخلاق بد
را واجب شمرد زیرا که صحبت را اثر
کلی است طبیعت ظلم را دزد چه
آنکه طبع انسان بزدی ... و

الشیطان الرجیم در زبان و در دل بگوید امنت بالله و رسوله مخلصا له الدین
افسون درد دل بخواند بر آب این آیات را که لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین
سیهزم الجمع و یولون الدبر بل الساعة موعدهم و الساعة ادهی و امر ان الله یمسک
السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا و از آب آیات آشامد و دیگر این دعا را بنویسد و در گردن بیاویزد که
بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا تا لا تخلف المیعاد الذین آمنوا و تطمئن
قلوبهم بذکر الله تا حسن مآب لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین **برای دفع
دلتنگی** هفت روز صباح یک نوبت و شب یک نوبت سوره الم نشرح بخواند
منقول است که شخصی از درد دل نزد ابی عبدالله علیه السلام شکایت کرد آن
حضرت فرمود که قرآن بخوان و شفا طلب کن از آن حضرت فرموده که فیه شفاء
لما فی الصدور و همچنین آیه و اذا قتلتم نفسا تا لعلکم تعقلون نافع است **جهت
درد شکم** سوره قل هو الله احد و بسم الله الرحمن الرحیم و آیه قل یحییها الذی
تا بکل خلق علیم و آیه و لو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم
به الموتی بل لله الامر جمیعا بنویسد و بر دیوار بیاویزد و آیات بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل
ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا فی ربهم فالذین
کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق رؤسهم الحمیم یصهر به ما فی
بطونهم و الجلود فتعالی الله الملک الحق تا آخر لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل
شیء قدیر و همچنین بسم الله الرحمن الرحیم و ذا النون اذ ذهب مغاضبا تا آخر
آیه و فاتحة الکتاب هفت نوبت خواندن نافع است و همچنین لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین ان الله بالناس لرءوف رحیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء
و رحمة للمومنین برای درد پشت شهد الله انه تا سریع الحساب بخواند جهت
اجتناب از بول پای خود را بشوید و بر ساق پای چپ خود بنویسد که ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه

در صفت فسوق و اطاعت

اینجا را که ممکن است از دیگری نیز
اخذ میکنند حافظ
سخن بی غرض از بنده مخلص بشنو
ای که منظور بزرگان حقیقت بینی
نازنینی چو تو پاکیزه رخ پاکیزه نهاد
بهتر آنست که با مردم بد ننشینی
و همچنین احتراز کند از شنیدن
قصه‌ها و حکایات بدان و اشرار
اخبار ایشان بر زبده از حکایات
پیشینیان و گذشتگان از نیکان
دین و سلف مطلع شود در نیکو
استماع کیفیت احوال و افعال
و اطوار ایشان را نماید دویم
آنکه همیشه مواظب اعمال خود
کار از آثار صفات حسنه است
خواهی نخواهی نفس را با خلق
بدارد که مقتضای صفتی است
که طالب تحصیل آن و مراد کسب
آنست یا در صدد بقای آن
آنست سیم آنکه پیوسته مراقب
اعمال که موجب احوال و افعال
خود باشد و در هر عملی که میخواهد
بکند ابتدا بدان تامل کند و
فکر نماید تا خلاف مقتضای خلق
حسن را و مرتکب نشود
و هرگز بخود را آنکس که در همه صفت
بخت بنگرد آنکه طریق آن نیکو
و اگر احیانا از او امری بظهور رسد
که موافق صفت حسنه نباشد
نفس خود را تادیب کند و در
مقام تنبیه و مواخذه آن برآید
با بطریقی که اول خود را ملامت
و سرزنش کند و بعد از آن فعل

علی ذات الواح و دسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر نافع است نقل
است از حمران که نوشتم بامام علی نقی علیه السلم که جان من فدای تو باد فرزند ما شخصی
هست از دوستان شما که نام او یونس خادم است و حبس بول دارد و التماس دعا
میکند از شما که برکت آن شفا یابد حضرت دعا فرمود که خدای تعالی دفع مضرت او
بکند و از نوع مکروهات دنیا او را بدارد و ما الغیب بیا فرمود بان کس که این آیت قرآن
بسیار خواند که برکت آن شفا یابد **افسون در بچه دادن** بسم الله و بالله الذی
باذنه قامت السموات و الارض فان مریم بنت عمران لم یضرها وجع الارحام
کذلک یبقی الله فلانة بنت فلانة من وجع الارحام و من وجع عرق الارحام
السلم السلم بسم الله الحی القیوم بسم الله المستغاث بالله علی ما هو کائن و علی ما
قد کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما
که مه که ااااه مه مه مه مه
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا الا خبروه اجیبوا داعی الله عزمت علی سامعه
الکلام الا اجابت هذا الخاتم بسم الله الغالب الذی زهق الارواح و لا
و لا یبقی روح و لا اولاد اخرج باسم الله الذی قال للسموات و الارض ائتیا طوعا
او کرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد و آله الطاهرین بخواند این بخیه چنانچه میان
تو و میانه نفس تو باشد که کسی نشنود هفتاد و هفت مرتبه **جهت علت تپش اندر خواب**
روایت است از ائمه انام علیهم السلم که بنویسند دو نوبت از سعد و یک نوبت از زعفران
و یک را خلاب کو بسعد ابروی حب بد بخته بنهند و بهم بیامیزند و بعسل صاف خمیر کنند
گلوله ها از آن بسازند و بر جام اهبنی بزعفران بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم ان
الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا تمامی جام را از آن آیه بنویسد دو سه نوبت و باب سرد بشوید
و بنوشد در شیشه پاک و ورق آهو بگیرد و بنویسد بمداد بر آن این آیه و فاتحة الکتاب
و قل هو الله احد سه بار و معوذتین و آیة الکرسی و آخر سوره حشر و آخر یس را نیز
و دیگر بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات تا آخر و بنویسد که

امور دنیوی شود که او را ناگوار است
و در هیچ حال از خود غافل
نشود و از جهت دفع مرکب
صفات نیک با حفظ انها باز
نامنجها دهما که احتراز کند از
انچه باعث تحریک قوه شهوت
یا غضبیه میشود مثلا چشم و
گوش و دل را باز دارد از دیدن
و شنیدن و تصور کردن چیزی
که غضب یا شهوت را بهیجان
میاورد و بیشتر سعی او در حفظ
دل باشد از خیال زیرا که در تصور
خیال آتش شهوت و غضب تیز
میگردد پس هرانسان اعضا را
نگاه دارد و دیده و شنیدنی
انکه دل را مشغول نکند چند
تاثیری نکند و کسی که این دو قوه
از هیجان نگاه نداشت مانند کسی
که شیر بدی یا سگ دیوانه را
رها کند و بعد از ان خواهد
خود را از شر آن خلاص کند
پس هر انکه نفس خود را نخواهد
دارد و اعمال خود را حمل بر صحت نکند
و در طلب عیوب خود استقصا
سعی بلیغ نماید و منظور او در
تجسس خطاهای معایب خود باشد
و چون بحقیقت از آنها بر خورد
دار از آن کوشش کند و هم
که هر نفسی خاشی صفات و افعال
خود است و این جهت را خالق
افعال شد و منظورش جلوه دادن
بد و عمل و مبارک بینی حسن
خود بر عیوب خود بیند و بانها اصلا

یا من هو هکذا لا هکذا غیره امسک عن فلان بن فلان ما یجده من علته البول کل
و این بنویسد برای نوعی او بندند اگر زن باشد و اگر مرد باشد بر بغل او بندند و نوری
سر ذکر او و در وقت خواب آن زن گلوله ها از سعد و زعفران و عسل کلوله یا مثل ای را از آن
کرده تها از آن شده که تنها شامد بگویید تقرب المخاض فاذا صب ما علیهن علیه
الجلال فتبارک الله ثم و تعوید ها از خود بگشایند تا بول بر شود **جهت خلاصی**
دشوار زائیدن بنویسد و بر ران چپ زن حامله بندند که بسم الله الرحمن الرحیم
و بالله محمد رسول الله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذا السماء
انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت و اذنت
لربها و حقت و اذا جاء نصر الله تا آخر و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن
حملهن اخرج باذن الله و کلمته من البطن الضیقة الی الارض الطیبة منها خلقناکم
و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری و همچنین بنویسد بعد از آن او و بر ران
زن حامله بندند که تعجیل نوبت این ان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا و یک نوبت
یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل
مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و همچنین بنویسد بر کاغذی او
او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون
و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرونها لم
یلبثوا الا ساعة من نهار و بعد در میان زن حامله و چون وضع حمل شود بگشا
منقول است که ایه آن کناه بنویسند و بشویند و آن آب را بخورد در بنوع نیز از آن
با ... نافع است و نیز نقل است که زن در وقت زائیدن ... ایا ...
بخوانند زود وضع حمل شود **دفع سپرز** بخوانند بر کفهای دست صاحب سپرز
سوره اذا جاء نصر الله و الفتح و ... نوبت و ایه ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا
تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون
هر نوبت بعد از آن بر دست بر سپرز مالد نافع است و همچنین بنویسد اثر
الله یمسک السموات و الارض تا آخر ایه اثر من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم

و دوستان خود تفحص معایب
خود را نماید و بر ایشان است
که او را مطلع سازند و بهتر
آنکه یکی از دوستان مهربان
از میان ایشان اختیار کند که او
گوید که مراقب احوال من باش
و در کار نفس من تامل فرمای که هرچه
را از اخلاق من نا پسند بینی که را
پسندید است بر ان مطلع گرد
تا تبدیل آن سعی نمایم که هرگاه
او را بر عیبی آگاه کند خوشحال
شود و از او منت پذیرد و در
صدد دفع آن برآید تا آن صدیق
اعتماد بهم رسد و لکن این نحو
دوست عزیز الوجود است و ترک
اغلب دوستان از خوشامد و تملق
و اغراض فاسده خالی نیستند
بنا باشد که نفع دشمنان در این
خصوص بیشتر باشد زیرا که
دوستان در مقام تجسس از عیوب
کم بر میاید بلکه چون نظر او
نظر بدبینی است شاید عیوب
بر نخورد چنانچه داعی گفته
و عین الرضا عن کل عیب کلیلة
و لکن عین السخط تبدی المساویا
بعضی چشم دوستی و رضا منکر
از دیدن عیب کند و کم دیدن
و لکن دیده دشمن ظاهر میکند
عیوب ... تا کسی که چون دشمن
او عیبی را او اظهار کند دو ما
شکر گذاری ایشان بر این ...
چیزها که در این مقام نافع است
آن است که ساکن دین طریف

و برنج تیره زبهند نافع است جهت دفع قولنج روایت کند ابراهیم بن یحیی
از ائمه انام که بنویسند که اعوذ بوجه الله الکریم و بعزة الله التی لا ترام و
بقدرة الله التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر
ما اجد منها و اینها را بر لوحی یا بر شانه گوسفند بنویسند و بآب باران بشویند و
آنکس بیاشامد در وقت خواب بیاشامد نافع است جهت دفع قبض شکم
این آیات را بخوانند بر روغن و بر شکم خود بمالد نافع است ان شاء الله تعالی و آیات این است
بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا
فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و دسر ففتحنا علیهم
ابواب کل شیء و با اسم فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا تا آخر آیه و بسند صحیح
مرویست از ابی عبد الله علیه السلام که بنویسند جهت دفع پیچ شکم بسم الله المتکلمون
الذین لا یتکلمون و الذین یعلمون ... فوق ... یا کلون ...
صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی فلان بن فلان و هفت نوبت فسون
کند بعد از آن روغن بران دمند و چون وقت نجده بمالد و بخورد صاحب آن
زحمت را نافع باشد ان شاء الله و بسند صحیح مرویست از ابی عبد الله علیه السلام بخواند
اذا السماء انشقت ... و تخلت یکون و اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت
لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم و ننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین که نافع است و بسند صحیح مرویست از ائمه انام علیهم السلام که
افسون مذکور را بخوانند بر روغن و بخورد صاحب زحمت و بعد از آن دست بر
شکم او بمالد سه نوبت و بگوید یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر ...
... ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة
و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج ایها ... باذن
الله عز و جل جهت دفع بواسیر مرویست از امام رضا علیه السلام که شخصی
بآن حضرت از بواسیر شکایت کرد فرمود که سوره یس را بعسل بنویس و بشوی و بخورد
جهت دفع فالج و غیر آن منقولست که شخصی نزد امام محمد باقر علیه السلام آمده
گفت ... نگاه ... بستی میشود ... که ...

دیگران را آئینه عیوب خود
کند یا آنچه از ایشان شنود
تامل کند در حسن و قبح آن
بقبح هر چه بر خورد بداند که
چون آن عمل از خود او شود
نیز قبیح است و بحسن هر چه
بر خورد بداند که این عمل نیز
از او حسن است پس کدام آن
تابع خود بکوشد در تحصیل
اخلاق حسنه سعی بلیغ کند
باید طالب و صاف جمیله در
هر روز و شب فراغ حال خود
کوده ... باشد
و نقص کند از آنچه از او صادر
شد پس اگر بدی از او بوجود
نیامده تقصیل تحصیل ...
نزده حمد خدای ... اوید
و شکر توفیق او را بکند و اگر
مرتکب قبیحی شده باشد نفس
خود عتاب کند و خود را ملامت
کند و توبه ها نماید و
بلا نکه ... بکمال مطلب
تمام رساند در این مقام بکه
در هر مقصدی مقامی کثرت
مشغلت و تضرع و زاری و
ابتهال است بدرگاه حضرت
ذو الجلال ...
...
...
...
...
...
...
(المصنف)
...

فرمود در وقتیکه حایض نباشد شبت چند و عسل سه روز بخورد نافع است و
آنحضرت فرمود که بر فالج و قولنج و بادها از هر رنجی فاتحة الکتاب قل هو الله
احد و معوذتین بخوانند و بعد از آن بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام
و قدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر ما اجد
منه بر شانه یا لوحی بنویسند و بآب بشویند و بیاشامد در وقت خواب نافع است
از جهت دفع جرب و قوباء و دمل بخوانند و بنویسند و با خود نگاه دارد که
بسم الله الرحمن الرحیم و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار
منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری و الله اکبر و انت لا تکبر
و الله یبقی و انت لا تبقی و الله علی کل شیء قدیر جهت علت شاق اگر کسی را
علت شاق ... یا زخمی در ساق ... بنویسند بر آن و لقد خلقنا السموات
و الارض و ما بینهما فی ستة ایام و ما مسنا من لغوب جهت دفع بهق بنویسد
بر محل بهق و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم هل
یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون و منقولست از امام رضا علیه السلام
که خوردن ... فالج میآورد جهت دفع برص و خوره بخوانند بر آب و بنوشند
و بر او بپاشند بسم الله الرحمن الرحیم یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب
الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث
و رباع با اسم فلان بن فلان مرویست که شخصی نزد ابی عبد الله علیه السلام از
برص شکایت کرد فرمود که از گل قبر امام حسین علیه السلام با آب باران بخور آنکس
کرد نافع شد مرویست که بعضی از اصحاب گفت که ... برص پیدا
شده بود ابو عبد الله علیه السلام فرمود که سوره یس را بعسل ... بشوی
چنین کردم اثر آن تمام برطرف شد مرویست که امام موسی کاظم علیه السلام فرمود
که شوربای گوشت گاو با چغندر دفع برص میکند یونس بن عمار گوید
کردم نزد آنحضرت شکایت کردم که برص پیدا شده بود فرمود که ...
... گفتم چنین کردم نافع بود جهت دفع زانو ها ...
بگیرد پاره ... و بمالد بران ... نوبت بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر

رساله چهل حدیث

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

چهل حدیث

حدیث اول

سوره و در تنوری اندازد و علی الفور باز گردد و دفع آن زحمت بشود انشاء الله تعالی
و همچنین مرویست منقول است که بر شتر جو بخواند و مثل کلمة خبیثة
کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار قال بر شتر جو دا بار دانه ها
بکر داند بعد از آن بدو علی دفن کند در آخر ماه هر گاه که آن جوها گندیده شود از جسد
بر طرف شود انشاء الله تعالی و همچنین مرویست که شخصی از امام رضا علیه السلم التماس کرد که
چیزی بدو تعلیم کند که دفع دانهای اعضا کند فرمود که از برای هر یک از آن جو بردار
و بخوان بر هر جو یک از آن هفت نوبت اذا وقعت الواقعة تا فکانت هباء منبثا
و بعد از آن بخوان و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا امتا بعد از آن یک یک از آن جوها را بر آن دانهای
اعضا بمال و در پارچه کرباس نو ببند و سنگی بر آن ببند و در چاه انداز و گفت
چنان کردم در روز هفتم یا هشتم تمام خوب شد و هیچ کف دست پاک شد و نظر او آن نشد
که این عمل در آخر ماه بکند جهت عرق بدن نفع بنویسد بر آن در وقت خارش آن
قبل انا نکبیرهن الیك و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا امتا و صبر بر آن ظلا کند و از اسیر را بر بندد و
کالنبی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها
فاماته الله مائة عام جهت دفع صرع و ما لنا ان لا نتوکل علی الله وقد هدانا
سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا و علی الله فلیتوکل المؤمنون جهت دفع چشم زخم
سوره اذا زلزلت الارض زلزالها تا آخر فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا
ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اینها شهد الله و ینکر ادعوا
الله تا آخر سوره لقد جاءکم تا آخر سوره و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره تا آخر آیه نافع باشد و همچنین روایت کرده معمر بن خلاد گفت که من با
حضرت امام رضا علیه السلم بودم در خراسان پس امر کرد که غالیه بجهت او بسازم
چون غالیه ساختم نظر کرد در آن و تعجب فرمود و گفت یا معمر چشم زخم بنویس در
رقعه الحمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة
الکرسی و در شیشه بگذار و همچنین مرویست از امام ابی عبد الله علیه السلم که فرمود

که چنین خواسته است و اینمن نیستی از چشم زخم تو بر خود و نه از چشم زخم تو بر غیر
خود و هر گاه که بترسی از چیزی سه بار بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی
العظیم و دیگر فرمود که هر گاه یکی از شما را مهماتی مرتب و مهیا شود بنوعی که از آن
تعجب کنند باید که وقتی که از خانه بیرون رود معوذتین را بخواند که هیچ مضرتی بدو
نرسد باذن الله تعالی و همچنین فرمود که هر گاه که از برای برادر مؤمن چیزی ببیند که او را
بتعجب اندازد باید که بارک الله بگوید که چنین خواسته است و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرموده که چشم زخم مرد را بقبر میفرستد و شتر را در دیگ و همچنین فرمود که
افسون نیست مگر در سه چیز در چشم زخم جهت دفع خواب این آیه را بخواند و لما
جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تراني ولكن
انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا و
خر موسى صعقا فلما افاق قال سبحانك تبت اليك و انا اول المؤمنين بخواند
برابر بر روی سرد سیما بما الد جهت گریخته و گمشده مرویست از امام رضا علیه
السلم که فرمود که هر گاه از تو چیزی گم شود بگو و عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو و
يعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا
رطب ولا يابس الا في كتاب مبين بعد از آن بگوید اللهم انك تهدي من الضلالة و تنجي من العمى
و ترد الضالة صل على محمد و آل محمد و اغفر لي و رد ضالتي و صل على محمد و آله
و سلم جهت شفای مرضها مرویست از رسول صلی الله علیه و آله که جبرئیل بمن دعائی
تعلیم کرده که با آن بدوائی دیگر محتاج نیستم پس گفتند یا رسول الله آن دوا کدام است
فرمود که آب باران را پیش از آنکه بر زمین برسد بگیرند و در ظرفی پاک کنند و سوره الحمد
هفتاد نوبت بر آن بخوانند و قل هو الله احد و معوذتین هر یک هفتاد بار بعد از آن
قدحی از آن صباح و قدحی از آن در وقت شب بیاشامد بحق آنکه مرا بحق خلق
فرستاد که حق تعالی آن زحمت را از بدن و استخوان و رگهای او برطرف کند و همچنین
بگیرد قدری از تربت امام حسین علیه السلم و هفت قطره
عسل و آب باران در روغن کند و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی
و اول سوره حدید تا و الی الله ترجع الامور و آخر سوره حشر بر آن بخواند تا مرض

کتاب الاربعین للاحقر العاصی عباس القمی عفی عنه

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین و
الصلوة علی محمد و آله الطاهرین
و بعد چنین گوید این
فقیر خاطی عباس بن محمد
رضا القمی که چون روایات مستفیضه
وارد شده در مدح حفظ
چهل حدیث از جمله آنکه
هر که حفظ کند از شیعیان
چهل حدیث مبعوث فرماید
حق تعالی او را روز قیامت
عالم فقیه و عذاب نکند و لهذا
احقر چهل حدیث در این
رساله ذکر کردم و چون
نظر من بانتفاع بردن عوام
بود لذا اکتفا کردم بمتن
و ترجمه و اگر کسی خواسته باشد
اصل آنها را ممکن است که در
حاشیه نگاشته شود و در
غالب احادیث ذیل هر حدیثی
بمناسبت آن چند روایتی یا مطلب
با فائده یا چند شعر حکمت آمیز
بمناسبت نگاشتم و اکثر آنها را
نقل کردم از مجلد دویم منتخب
الانوار خود که فعلا مشغول
بطبع آن میباشد و ثواب
آن را هدیه کردم بروح الفقیه

مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که آیه «و ننزل من القرآن ما هو شفاء و
رحمة للمؤمنین» «یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس» همه
درد ها را شفا است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که سیاه تخمه هر
زخمی را شفا است مگر سام را و خدا میگویم که بظهر کوفه قریه هست که هیچ صاحب
زخمی نباشد که پناه بدان برد مگر که خدای تعالی ببرکت آن او را شفا دهد که
آن قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است **فصل سیم در**
طلب کردن شفای بیماران و صدقه کردن و دعا کردن و نماز گذاردن
برای جمیع امراض **مرویست** از امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت از
پدران بزرگوار خود روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که صدقه
و صله رحم آبادان میکند دیار را و زیاد میکند اعمار را و دیگر فرمود که هر که در
روز زیاد در شب صدقه بدهد ببرکت آن صدقه نماند در زیر دیوار خانه که خوابیده
دارد بدنها ایمن گردد و عمرش بلند میگردد و همچنین ببرکت آنکه صدقه داده شب از آن
بلاها ایمن باشد **منقول** است از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود که نیکوئی و
صدقه کردن دادن درویشی را میبرد و عمرها را زیاد میسازد و قضا را دعا دفع
میکند **مروی** است از معاذ بن مسلم که من نزد حضرت ابو عبد الله علیه السلام بودم
که جمعی را آنحضرت گفتند که مردم ما را درد ها پیدا میشود آنحضرت فرمود که
بیماران خود را علاج کنید بصدقه دادن و بدانید برشما که جمیع قوت روز خود را
که ما الله فمان را باشید بصدقه دهید بدرستیکه بر این قبض روح شخصی که بملک الموت
داده میشود چون آن شخص صدقه دهد آن برات باز میگردد و اموال خود را نگاه دارید
بزکوة دادن که هر که زکوة مال خود داده اگر بقعر زمین خشک یا بقعر دریا رود من
ضامن میشوم از مال او از تلف **مرویست** از امام موسی کاظم علیه السلام که بصدقه
بلای مبرم که از آسمان متوجه باشد دفع میکند **مروی** است از داود بن زربی
گفت که مرا در مدینه تب شدیدی پیدا شد خبر بامام جعفر صادق علیه السلام رسید مکتوبی
نوشت بمن باین مضمون که بمن رسید که ترا تب شدیدی پیدا شده یک صاع گندم بخر
بعد از آن بر پشت بخسب و آن گندم را بر سینه خود بریزان بهر کیفیت که باشد

خود امید که حق تعالی رحمت
واسعه خود را شامل احقر
و ایشان بفرماید و من الله
بو الدین محسوب فرموده و
عذاب نفرماید و ما توفیقی
الا بالله علیه توکلت و الیه
انیب **حدیث اول** شیخ
اجل رئیس المحدثین محمد بن علی
بن بابویه قمی عطر الله مرقده
روایت کرده از ابن مسعود که گفت
سؤال کردم از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله که کدام عمل محبوب‌تر
است بسوی خداوند عز و جل
فرمود بجا آوردن نماز در وقت
خود یعنی نماز را در اول وقت
در وقت فضیلتش بجا آوردن گفتم
پس از آن چه عملی است فرمود نیکی
بپدر و مادر گفتم پس از آن چه
عملی است فرمود جهاد در راه
خدا **فقیر گوید** که قریب
مضمون را شیخ کلینی از منصور
بن حازم از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده و در روایات در فضیلت
بجا آوردن نماز ها در اول
وقت و مذمت تأخیر آنها بسیار
وارد شده **و کافی** است در این باب
از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله که در مشرق و مغرب عالم
اهل بیتی نیست مگر آنکه ملک
الموت در هر شبانه روز در
اوقات نماز پنج مرتبه بایشان
نظر میکند پس هرگاه کسی را
که میخواهد قبض روح کند

بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر
و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تعافینی من علتی بعد از آن بنشین و گندم را از اطراف خود گرد کن و همین
دعا بخوان و آن گندم را بچهار مسکین یک مد یک مد صدقه کن راوی گفت چنین کردم گویا از بند
خلاص شدم و جماعتی از مردم بدین دستور عمل کردند نافع بود **حضرت** رسول صلی
الله علیه و آله فرمود که هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که دعا بلا را رد میکند اگرچه بلای مبرم باشد **منقول** است از امام
ابو الحسن موسی علیه السلام که فرمود بر شما باد که دعا کنید بدرستیکه دعا و طلب از
حضرت حق تعالی رد بلا میکند بر شخصیکه مقدر گشته و باقی نمانده الا اجرا شدن آن
هرگاه که آن شخص دعا کرد رد آن بلا از او میشود **منقول** است از سلمان فارسی
که نقل کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود که هیچ چیز عمر را زیاد
نمیکند مگر نیکوئی و هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و حضرت امام محمد باقر علیه
السلام فرمود بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کس که بپوشاند از خلق بلائی
که باو رسیده باشد و بحق جل و علا شکایت کند از آن بر حضرت حق سبحانه و
تعالی لازم است که او را از آن بلا خلاص کند و منقول است از ابی عبد الله علیه السلام
که هر کس که پیش از نزول بلا دعا کند چون بلا نازل شود دعای او مستجاب گردد
و ملائکه گویند که این آواز را میشناسیم و دعای او از آسمان محجوب نگردد و هر
کس که قبل از نزول بلا دعا نکرده باشد در وقت نزول بلا دعای او مستجاب نگردد و ملائکه
گویند که ما این آواز را نمیشناسیم **و مرویست** از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
که فرموده هر دردی را دوائی است و هر زخمی را دعائی است و فرمود که فاضلترین
دعا ها صلوات است بر حضرت مصطفی و آل او و بعد از آن دعا از برای برادران
مؤمن خود کند بعد از آن دعا برای خود در انجمن دوستان و نزدیک‌ترین وقتی
که بنده مؤمن بخدا نزدیک باشد وقتی است که در سجده باشد و فرمود که دعا
فاضلتر است از خواندن قرآن بجهت آنکه حضرت حق تعالی در قرآن مجید میفرماید
که قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم و فرمود که حق تعالی دعای مؤمن را دیر

مستجاب میکند بجهت شوقی که بدعای مؤمن دارد و میفرماید که آواز بنده
که دعا میکند دوست دارم شنیدن آن را و دعای منافق را رد نموده مستجاب میکند و میگوید
که آواز بنده که بد میآید مرا شنیدن آن منقول است از ابی عبدالله علیه السلام
که فرمود کسی که از بلائی بترسد و پیش از آمدن آن بلا دعا کند حضرت حق جل
و علا آن بلا را با او ننماید **دعای بیماران** از برای خود مستحب است که بیمار
دستها بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و
یمیت و هو حی لا یموت سبحان الله رب العباد و البلاد و الحمد لله حمدا
کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال و الله اکبر کبیرا کبریاء ربنا و جلاله
و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت امرضتنی لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل
روحی فی ارواح من سبقت لهم منک الحسنی و باعدنی من النار کما باعدت
اولیائک الذین سبقت لهم منک الحسنی **دعای دیگر** منقول است از ابی عبد
الله علیه السلام که فرمود که هرگاه موضعی از تو درد کند دست خود را بر موضع
که درد میکند بگذار و سه بار بگو اللهم ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم ا
نت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی و دیگر فرمود که دست بر عضوی که درد میکند بنه
و میگوئی اللهم انی اسئلک بحق القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین و هو
عندک فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافینی
من بلائک و سه مرتبه بگو صل علی محمد و آل بیته و دیگر منقول است از آنحضرت
که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله کم من نعمة لله عز و جل فی عرق ساکن
و غیر ساکن علی عبد شاکر و غیر شاکر و بعد از نماز فریضه بدست راست محاسن
خود را بگیرد و بگوید سه نوبت اللهم فرج کربی و عجل عافیتی و اکشف ضری
و سعی کند که این دعا را با گریه بخواند منقول است که شخصی شکایت کرد بحضرت
ابی عبدالله علیه السلام از دردی که داشت آنحضرت فرمود که هفت نوبت بگو بسم الله اعوذ
بعزة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله
و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی و دست بر آن مالد
ناقل گوید چنین کردم خدای تعالی مرا از آن درد خلاصی داد و دیگر از آنحضرت منقول است

[illegible]

کسانی باشد که مواظبت بر
نماز و نماز ها را در اوقات
خود بجا آورده ملک الموت
تلقین کند او را شهادتین و
دور کند او را از ابلیس ملعون
و نیز بدانکه احادیث در فضل
احسان و نیکی بوالدین زیاده
از آنست که ذکر شود و در
روایتی است از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله که فرمود با
شخصی که راغب بجهاد بود که
با مادر خود باش که [illegible]
[illegible]
[illegible] قسم بآن خدائیکه جان من
بدست او است که انس ایشان
یک شب با تو بهتر است از جهاد
یک سال و از ابراهیم بن شعیب
روایتی است که گفت گفتم بحضرت
صادق علیه السلام که پدرم پیر
شده و ضعیف پیدا کرده و ما
او را بر میداریم هرگاه اراده حاجت
کند فرمود اگر بتوانی این کار را
تو بکن بنفس خود و لقمه بر گیر و
بدهان او ده در وقتیکه حاجت دارد
و بدست خود لقمه بگیر برای او
زیرا که آن سپر تست از برای تو
در فردا یعنی از آتش جهنم

حدیث دویم

شیخ الاسلام شیخ محمد بن یعقوب
کلینی قدس سره بسند خود روایت
کرده از زکریا بن ابراهیم که گفت
من نصرانی بودم و اسلام آوردم
و به حج رفتم و بخدمت حضرت صادق

که فرمود که دست بنهد بر جائی که درد میکند و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول
الله و لا حول و لا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد و سه بار دست بر آن مالد
و نیز منقول است از آنحضرت که فرمود دست بر سر بیمار بنهید و بعد از آن بگوئید بسم
الله و بالله و من الله و الی الله و ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله ابرهیم خلیل
الله موسی کلیم الله نوح نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله و اعوذ بالله من
الریاح و الارواح و الاوجاع بسم الله و بالله و عزائم من الله لفلان بن فلان لا
یقربه الا کل مسلم و اعیذه بکلمات الله التامات کلمة التی سأل بها آدم فتاب
علیه انه هو التواب الرحیم الا انزجرت منها الارواح و الاوجاع باذن الله عز و
جل لا اله الا الله الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین و بعد از آن آیة
الکرسی و فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
و ده آیه از اول یس بخواند و بعد از آن بگوید اللهم اشفه بشفائک و داوه بدوائک
و عافه من بلائک و ناله بحق محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین **جهت
دفع تب** منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله
تب کرد جبرئیل بعیادت آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیک و بسم الله اشفیک
من کل داء یعییک بسم الله و الله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرئن باذن الله تعالی **نقل کرده** سید
ناصح الدین ابی البرکات مشهدی رحمة الله علیه که از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
شنیدم که فرمود که گل قبر امام حسین علیه السلام شفا است از هر دردی هرگاه کسی
خورد بگوید بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل
داء انک علی کل شیء قدیر و نیز آنحضرت فرموده که هر که را علتی پیدا شود و
ابتدا علاج او بگل قبر امام حسین ع نماید حق تعالی او را شفا کرامت فرماید از آن
علت مگر آنکه علت مرگ باشد **منقول است** از امام محمد باقر علیه السلام که از اهل
بیمار کسی که مشفق او باشد برای او کف دست بر سر خود بنهد و بگوید بسم الله سه بار
و بجلال الله سه بار و بکلمات الله التامات سه بار و بعد از آن دست [illegible]
خود را بر [illegible] نهد و بعد از آن بگوید یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان یا قریب

[illegible]

علیه السلام رسیدم عرض
کردم که من نصرانی بودم و
مسلمان شدم فرمود که در
اسلام چه چیز دیدی گفتم
قول خدای تعالی ما کنت تدری
ما الکتاب و لا الایمان و
لکن جعلناه نورا نهدی به
من نشاء [illegible]
[illegible] بوده که
عرض کنند که سبب اسلام من
چیزی نبوده جز آنکه حق تعالی
خواسته هدایت مرا حضرت [illegible]
[illegible]
دعا کرد [illegible]
گفت اللهم اهده پس فرمود که
ای پسرک من هر چه خواهی سؤال
کن عرض کردم که پدر و مادر و
اهل بیتم همگی نصرانی اند
و مادرم نابینا است و من با
ایشان میباشم و در ظرف ایشان
چیز میخورم حضرت فرمود که
گوشت خوک میخورند عرض
کردم که نه بلکه دست بآن
نمیگذارند فرمود که باکی نیست
و فرمود مادر خود را رعایت
کن و در حق او نیکوئی بجا
آور و هرگاه بمیرد خود متوجه
او شو و بدیگری وا مگذار و
بکسی خبر مده که نزد من آمدی
الی انشاء الله پس بکوفه آمدم
آنحضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]

بیمار با الدیرکه از شفا یابد زراره گوید که امام محمد باقر (ع) فرموده که هر گاه یکی از شما برشی
بیمار گردد هفت نوبت بگوید اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من کل عرق نعار و من شر
حر النار و نقل میکند حسین بن ابی نعیم از ابی عبدالله که بعضی از اولاد آنحضرت بیمار شد پس
فرمود که بگو ای پسر من اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک و انی
عبدک و ابن عبدک و مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله یکی از اصحاب خود را تعلیم
کرد دست خود را بر جائی که درد میکند بنه و بگو بسم الله اعوذ بعزة الله و قدرته من شر ما اجد
و همچنین فرموده که بیمار را عیادت کند باید که بگوید اللهم اشف عبدک ینکأ لک عدواً
و یمشی لک الی الصلوة و همچنین منقولست که هر گاه آنحضرت بر بیماری عیادت مینمود میگفت اذهب
البأس رب الناس بیدک الشفاء لا کاشف للبلاء الا انت و همچنین اذهب البأس رب الناس
و اشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقماً اللهم اصلح القلب و الجسم
اکشف الغم و اجب الدعوة و همچنین فرموده که کسی نزد بیمار رود و بگوید اسأل الله العظیم
رب العرش العظیم ان یشفیک اگر اجلش نرسیده باشد شفا یابد و همچنین فرموده که بعضی
اصحاب پیغمبر (ص) بیمار شده بود نزد آنحضرت آمد فرمود که جبرئیل (ع) آنحضرت را تعلیم فرموده
بود به تعلیم فرموده افسون این است بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک من کل داء
یؤذیک و من شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد و همچنین فرموده که درد
خود را بدست بمال و سه بار بگو بسم الله بجلال الله و بعظمة الله و بکلمات الله التامات و باسماء
الحسنی بعد از آن دست بر جائی که درد میکند بگذار و بگو بسم الله بسم الله بسم الله و بعد از آن
هفت نوبت بگوید اللهم امسح ما بی شفا یابد و چون شفا یابد بگوید که الحمد لله الذی خلقنی
فهدانی و اطعمنی و سقانی و صحح جسمی و شفانی له الحمد و له الشکر **دفع ابله که در**
چشم باشد بردارد طاسی پر آب کند هفت دانه گندم بر دارد و بر هر یکی این دعا بخواند
و در طاس اندازد فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم حدید **دفع درد چشم** روایت
کند محمد بن جعفر از پدرش که گفت که مرا درد چشم بسیار پیدا میشد شکایت کردم بحضرت ابی عبدالله
فرمود که آیا سوغاتی تعلیم کنم که در دنیا و آخرت ترا نافع باشد و دفع درد چشم تو باشد گفتم بلی فرمود
که در عقب نماز صبح و شام بگو که اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة

فرو گیرد و یکیک از آنحضرت
چیزی میپرسید تا پس چون یک روز
آمدم ملاطفت تمام با من میکرد
بمادرم و او را طعام میخورانید
و شپش جامه سرش را میجست
و خدمت میکردم او را پس مادرم
بمن فرمود که ای پسر جان من
پیش از این که در دین من بودی چنین
خدمت بمن نمیکردی چه شده
الحال که بدین اسلام داخل شده
این قدر رعایت من مینمائی گفتم
ای مادر یکی از فرزندان پیغمبر
مرا چنین امر فرموده است مادرم
گفت او پیغمبر است گفتم نه بلکه
فرزند پیغمبر است مادرم گفت
میباید پیغمبر باشد زیرا که
اینجور اخلاق بان تعلیم داده
وصیت پیغمبران است گفتم
ای مادر بعد از پیغمبر ما دیگر
پیغمبر دیگر نمیباشد مادرم گفت
که ای فرزند دین تو بهترین دینها
است عرضه کن او بر من پس
من عرضه کردم دین اسلام را
بر او پس داخل در اسلام شد
آموختم او را آداب دین پس نماز
ظهر و عصر و مغرب و عشا را
بجا آورد پس در همان شب
موت او را عارض شد فرمود
ای پسر جان من اعاده کن بر من
آنچه را که بمن آموختی پس من
اعاده کردم و او اقرار کرد بآنها
وفات یافت چون صبح شد مسلمانان
او را غسل دادند و من او را نماز

فی رزقی و الشکر لک ابداً ما ابقیتنی و در روایت دیگر هفت بار این دعا بخواند بعد از
نماز صبح قبل از آنکه برخیزد از مقام خود **دعای دفع خناق** منقولست که امام رضا
(ع) فرمود که کنیزکی داشتم خناق او را گرفت ناگاه دیدم شخصی نزد من آمد گفت یا علی بگو
کنیزک بگو یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی پس کنیزک گفت خدای تعالی ببرکت آن او را شفا
داد **دفع دشواری زائیدن** این دعا بر کوزه پر آب سه بار بخواند و آن زن از آن آب بخورد و
بعضی از آن آب بر میان شانه او و بعضی بر روی پستانهای او افشانند و اینست آن دعا بسم
الله و دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله لا اله الا هو الحلیم الکریم
سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا
الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار و صلی
الله علی محمد و آله اجمعین دعای دیگر خمس سوره رشد ربنا الله الذی فی السماء تقدس اسمک
امرک فی السماء و الارض اللهم کما جعلت رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض
اغفر لنا حوبنا و خطایانا انت رب العالمین انزل رحمة من رحمتک و شفاء من شفائک
علی هذا الوجع فلیبرء **دفع درد زانو** ابو حمزه ثمالی روایت کند که مرا درد زانو پیدا شد
شکایت بردم بامام محمد باقر (ع) فرمود که چون نماز بگذاری بگو یا اجود من اعطی یا خیر من سئل
و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و اعفنی من وجعی گفت چنین کردم صحت یافتم
دفع تب منقولست از امام جعفر صادق که فرمود هر گاه یکی از شما تب کند بگوید
اللهم انه عبدک دعا البلد السقیم الحقیر العلیل اذ حولته من شکوت ما انت و لکن حملته و ضعف
عبد وقع علیه البلاء و دعاء مکروباً ان لم تدرکه هلک و ان لم تستنقذه [illegible]
[illegible]
و طول الصبر علی البلاء اللهم انه لا طاقة لی ببلائک و لا صبر عن دعائک [illegible]
الوجع الیک فانک جعلته [illegible] و استرد عنه علم ما سبق ما هو کائن فاکشف
[illegible]
هو هو یا من لا اله الا هو انقطع الرجاء الا منک **نماز برای شفا علتها** سه روز
روزه دارد و در روز سوم غسل کند و در روز چهارم جامه پاک با خود در آید
چهار رکعت نماز بگذارد و [illegible] چون از نماز فارغ شود [illegible]
روی خود را بر زمین نهد و بعد از آن بگوید یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان یا قریب

کردم و در قبرش گذاشتم
حدیث سیم
شیخ کلینی از حضرت صادق (ع)
روایت کرده که فرمود هر که صبح
کند و نزد او یک قیراط از کوه
چربی از مردمان مجوس بمیرد
بهم موی و یا مجمع صادق
فقیر گوید قیراط نیست
دینار است و قریب بچهار عشیر مثقال
دارد شود و در حق کسیکه مستطیع
باشد و حج نرود تا وفات کند
حدیث چهارم
شیخ کلینی روایت کرده از حضرت
صادق علیه السلام که فرمود اسلام
بنا شده بر پنج چیز بر نماز و زکوة
و روزه و حج و ولایت فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله که روزه
سپر آتش است
حدیث پنجم
شیخ کلینی روایت کرده از حضرت
صادق علیه السلام از پدران
بزرگوار خود علیهم السلام که
حضرت رسول صلی الله علیه و
آله فرمود باصحاب خود آیا خبر
دهم شما را بچیزی که اگر بجا آورید
دور شود شیطان از شما چنانچه
دور شده مشرق از مغرب گفتند
بلی فرمود روزه سیاه میکند
صورت او را و صدقه میشکند
کمر او را و دوستی بخصوص خدا
هم پشتی بر عمل صالح ریشه او را
میکند و استغفار دل او را
قطع میکند و از برای هر چیزی

یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد وآل محمد واکشف ما بی من ضر ومعرة
والبسنی العافیة فی الدنیا والآخرة وامنن علی بتمام النعمة واذهب ما بی فانه قد
آذانی وغمنی امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که نافع نیست مگر از برای کسی که
یقین کند که نفع میدهد برکت آن از زحمت خلاص شود **نماز جهت دفع بیماریها**
روایت کرده ابو امامه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که فرموده که بنویسند این آیات را
چند بار که بعد از این نوشته میشود بزعفران در ظرف پاک و بعد از آن بشویند به آب
وضو و شاید همچو وضوئی که برای نماز میگیرند و شربت از آن آب برداشته بدید
بر روی و سینه خود بمالید بعد از آن دو رکعت نماز بگذارید و طلب شفا از خدا کنید
و شروع بدین طریق عمل کنید شفا یابید حسن بن علی گفته تجربه کردیم نافع بود دعا
و آیات این است اعوذ بکلمات الله التامة واسمائه الحسنی کلها عامة من شر السام
والهامة والعین اللامة ومن شر حاسد اذا حسد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
رب العالمین تا آخر سوره و قل هو الله احد و معوذتین و سه آیه از سوره البقره از
والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ان فی خلق السموات والارض واختلاف
اللیل والنهار والفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس وما انزل الله من السماء
من ماء فاحیا به الارض بعد موتها وبث فیها من کل دابة وتصریف الریاح والسحاب
المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم یعقلون و آیة الکرسی و آمن الرسول تا آخر
سوره و ده آیه از اول آل عمران و ده آیه از آخر ان فی خلق السموات والارض و از اول آیه
از سوره نساء و اول آیه سوره مائده و اول آیه از انعام و اول آیه از اعراف ان ربکم الله
الذی تا رب العالمین قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله تا آخر و الق ما
فی یمینک تلقف ما صنعوا تا آخر آیه و ده آیه از اول والصافات **نماز جهت
دفع بیماری** نقل میکند اسمعیل بن محمد بن عبد الله بن علی بن حسین علیهما السلام که گفت
بیمار شدم من یک سال که از من نومید شدند حضرت ابی عبد الله علیه السلام آمد جزع و
فزع مادر مرا دید فرمود مادر مرا که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در سجده بگو
اللهم انت وهبته لی ولم یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة مادرم چنین کرد چون صبح
شد در من بیماری نمانده بود یک سال که مریض بودند من را بردم هریسه خوردم

ذکر ما است زکوة بدنها
روزه است حدیث ششم
شیخ صدوق از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده که فرمود
هر که خواهد که حق تعالی مرگ او را
آسان کند سکرات مرگ را بر وی
باید که صله ارحام خویشان
خود کند و نیکی بمادر خود
نیکی و احسان نماید پس هرگاه
چنین کند خداوند تعالی بر
او آسان کند دشواریهای
مرگ را پس باید که صله ارحام
و خویشان خود کند و نیکی به
مادر خود نیکی و احسان نماید
پس هرگاه چنین کند خداوند
تعالی بر او آسان کند دشواریهای
مرگ را و در حیوة خود فقیر
نشود هرگز فقیر گوید که
در حدیث قبل و در دیگر
فضل احسان بپدر و مادر
بیاید در حدیث هفتم و نهم
و هفدهم و بیستم انشاء الله
بصله رحم است حدیث
هفتم شیخ کلینی از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده که فرمود بدرستیکه حق
تعالی خلق فرموده خروسی سفید
که گردن او در زیر عرش است
و پاهای او در زیر زمین هفتم
بال او در مشرق است و بال
او دیگر در مغرب و صدا کند
تا او صدا کند پس هرگاه صدا
کند بانگ میزنند آن خروسها که

جهت دفع تب محمد بن حسن صفار گوید نزد ابی عبد الله علیه السلام رفتم و مرا تب گرفته بود
از من پرسید چیست ترا که ملول میبینم گفتم جانم فدای تو باد تب دارم فرمود که
هر که از شما تب دارد شود تنها بخانه رود و دو رکعت نماز بگذارد و طرف راست روی خود
بر زمین نهد و بگوید یا فاطمة بنت محمد ده بار استشفع بک الی الله فیما نزل بی
بدرستی که شفا میابد انشاء الله تب و همچنین دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه و
آیه الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
استشفع بنبیک محمد صلی الله علیه وآله یا محمد استشفع بک علی ربی فی قضاء حاجتی
و هو شفاء هذا المرض یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال
والاکرام برحمتک نستغیث الان خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف عنکم ذلک
تخفیف من ربکم ورحمة بنویسند و بشویند و بر تب دارد دهند بخورد نافع باشد
نماز برای دفع درد سر دو رکعت است که در هر رکعتی یکبار فاتحة الکتاب و سه بار
قل هو الله احد و آیه رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن بدعائک
رب شقیا **نماز برای درد چشم** دو رکعت است در هر رکعتی یکبار فاتحه و سه بار
الکافرون و آیه وعنده مفاتح الغیب تا آخر **نماز جهت درد چشم** ابو حمزه نقل
کرده از حضرت ابی جعفر علیه السلام که گفته کوری میگفت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که میخواهی که خدای تعالی چشم ترا باز دهد کور گفت بلی آنحضرت فرمود وضو
تمام بگیر و دو رکعت نماز بگذار و بگو اللهم انی اسألک وارغب الیک واتوجه الیک
بنبیک نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی الله ربی وربک ان یرد علی بصری میگوید
هنوز حضرت رسول صلی الله علیه وآله نشسته بود که آن کور عود کرد و حضرت چشمهایش
بینا بود او را باز داده حضرت رسول صلی الله علیه وآله به سلمان فرمود یا سلمان شکمت
درد دارد برخیز و نماز بگذار که در نماز شفا است **نماز برای دفع درد گرده** دو رکعت
در هر رکعتی یکبار الحمد و ده بار انا انزلناه **نماز برای درد سینه** چهار رکعت است در
هر رکعتی الحمد یکبار و بعد از الحمد در دو رکعت اول الم نشرح یکبار بخواند و در دو رکعت دیگر
قل هو الله احد سه بار و در رکعت سوم فاتحه و والضحی یکبار و در رکعت چهارم فاتحه و
آیه ویعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور **نماز برای دفع قولنج**

سبحان الله العظیم سبحان
الله العظیم الذی لیس کمثله
شیء پس جواب میدهد
حق تعالی که بعزتم که قسم دروغ
بخورد بمن کسی که بشناسد
که تو میگوئی یعنی کسی که عظمت
و بزرگواری مرا دانسته قسم
دروغ بمن بخورد فقیر
گوید که بعضی آیات در مذمت
قسم دروغ بیان است و در جمله
از اخبار است که قسم دروغ
و قطع رحم خانه ها را از اهلش
خالی میکند و نسل را قطع مینماید
و قسم دروغ سبب فقر و اعقاب
و اولاد و باعث غضب خدا
گردد و در بعضی آیات در ذکر
این خروس عرش باختلاف وارد
شده از جمله از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت شده
که فرمود از برای حق تعالی خروسی
است که خلقت خروس که پیچیده های
او در قعر زمین است و بالهای او
در هواست و گردن او در زیر عرش
است در زیر عرش پس هرگاه
بگذرد از شب نصف آن میگوید
سبوح قدوس رب الملائکة
والروح ربنا الرحمن لا اله غیره
و خروسان ذکر شریف او را گفت
پس بگوید لیقم المتهجدون پس
برخیزند از خواب نماز شب
گزارندگان پس هرگاه وقت
خود شد صداها بلند کنند پس
آن ملک بصوت خروس که خروس

دو رکعت است در هر رکعت الحمد یکبار و آیهٔ ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر نماز
برای باز آمدن گریخته دو رکعت است در هر رکعت بعد از الحمد اذا ولی یعنی جعل
جهانا بر و آخر سورهٔ حشر لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بخواند و بگوید تا من نحو
هکذا و لا هکذا غیره اجعل الدنیا علی فلان اضیق من مسک جمل حتی تردّه علیّ
نماز حصبت درید یا دو رکعت است در هر رکعت الحمد یکبار و آمن الرسول تا آخر سوره
بعزم بخواند نماز حصبت و دروج دو رکعت نماز بگذارد و دست خود بر روی خود نهد
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را وسیله شفاعت سازد بعضی چنین تعویذ نموده تا بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله اخرج علیک یا وجع من عین انس و من عین جن اخرج
یا وجع بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و خلق عیسی من روح القدس
لما هدأت الآلام وطفئت کما طفئت نار ابراهیم باذن الله ثم نماز برای
پیدا شدن گم شده منقول است از امیر المؤمنین علیه السلم که دو رکعت نماز بگذارد در هر
رکعت بعد از حمد سورهٔ یس بخواند و چون فارغ شد دستها را بردارد بجانب آسمان و بگوید
اللهم راد الضالة و الهادی من الضلالة صل علی محمد و آل محمد و احفظ علی ضالتی
و ارددها الیّ سالمة یا ارحم الراحمین فانها من فضلک و عطائک یا عباد الله فی
الارض یا سیارة الله فی الارض ردوا علی ضالتی فانها من فضل الله و عطائه و
همچنین منقول است از امام جعفر صادق علیه السلم آن حضرت که میخواند اللهم یا لا اله
انت لک السموات و الارض و ما بینهما فاجعل الارض علی کذا اضیق من جلد
جمل حتی تکفنیه انک علی کل شیء قدیر و منقول است در روایتی از امام جعفر صادق
علیه السلم که فرمود که هرگاه بنده بگریزد آیة الکرسی را بر کاغذی بنویسد و در
میان آن این دعا را بنویسد اللهم ان السماء لک و الارض لک و ما بینهما لک فاجعل
ما بینهما اضیق علی فلان من جلد جمل حتی ترده علیّ و تظفرنی به فان کاغذ را در
کران بنده گریخته در خوابگاه او دفن کند و سنگی بر آن گذارد و این دعا بخواند
اللهم انت جار فی السماء و جبار فی الارض و ملک فی السماء و ملک فی الارض
الرب فی السماء و الرب فی الارض رد الضالة و تهدی من الضلالة رد علی فلان
ضالته و احفظه کر دفع تب بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ذی العز و الکبریاء

یاد از آن که خدا خواستن بس
از آن بگوید سبوح قدوس
ربنا الرحمن لا اله غیره لیقم
الذاکرون یعنی برخیزند
ذکر کنندگان و چون صبح
طلوع کند بگوید ربنا الرحمن
لا اله غیره لیقم الغافلون
یعنی برخیزید از خواب غافلان
فقیر گوید که شایسته دیدم که
در ذیل این خبر این چند شعر
ایراد نمایم.
دلا تا کی درین دیر مجازی
کنی مانند طفلان خاک بازی
تویی آن دست پرور مرغ گستاخ
که بودت آشیان بیرون ازین کاخ
چرا زان آشیان بیگانه گشتی
چو دونان مرغ این ویرانه گشتی
بیفشان بال و پر زامیزش خاک
بپر تا کنگر ایوان افلاک
ببین در دم که طاوسان قدسی
ندای نور بر فال رشادت
همه دوره ... روزی گرفته
بمقصد راه فیروزی گرفته
خلیل آسا در ملک یقین زن
نوای لا احب الآفلین زن

حدیث ششم

شیخ صدوق قدس سره روایت
کرده که روزی حضرت صادق
علیه السلم پرسید از حال یکی
از اهل مجلس که کجا است گفتند
علیل است پس حضرت بعیادت
او تشریف برد و نشست نزدیک
او و دید که او در غم بسیار است

والنور بر سه پاره کاغذ بنویسد بقلم آباریک چنانکه بتوان خواند و آن کاغذها را بپیچد
... و صاحب تب هر روز یکی از آن بخورد تا نافع باشد و این مجرب است و همچنین
بنویسد بر سه حب قند عقدت باذن الله و بر یکی دیگر بگسست باذن الله و بر یکی دیگر
شددت باذن الله و صاحب تب هر روز یکی را بخورد و همچنین بنویسد بر پای
ران صاحب تب بسم الله یا حمی انا صبر المتعصبة بالنبی فی السماء عرشه و
بالذی کلم موسی تکلیما و اتخذ الله ابرهیم خلیلا و بعث محمدا بالحق نبیا کما خرجت من
العظم الی اللحم و من اللحم الی الجلد و من الجلد الی الارض فتسکنی فیها و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما و همچنین بنویسد بر عدد
انار پاره و بریسمانی ببندد و بعضی گفته که بر ران بریسمان ببندد بسم الله الرحمن الرحیم و بالحق
انزلناه و بالحق نزل و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یا نار کونی بردا
و سلاما علی ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحمن یا رحمن اسکنی بقدرة الجبار العظیم و بقدرة الستار الکریم و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس نیز بنویسد و همچنین روایت است از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم که رسول صلی الله علیه و آله را تب شد جبرئیل نزد آنحضرت آمد و گفت
بسم الله ارقیک یا محمد بن عبد الله بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعییک
بسم الله و الله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم
بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و این دعا را بگردن تب دار ببندند و منقول است
از امام رضا علیه السلم که کنیزکی که نزد من بود و من او را دوست داشتم شکوه کرد بمن از تب
در خواب دیدم شخصی را که آمد و گفت بگو با آن کنیزک که بگوید یا رباه یا سیداه صل
علی محمد و اهل بیته و اکشف عنی ما اجد چون چنین کرد خلاص شد و همچنین مرویست
از آنحضرت که سه روز در روز اول بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی
و در روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من القوم الظالمین و در روز سوم
بسم الله الرحمن الرحیم الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین هر روز یکی از
آنها را بخورد شفا یابد منقول است از حضرت امام رضا علیه السلم بنویسد که
پیش از این نوشته شد دفع تب فصل چهارم در افسون کردن بد خوابیدن ...

بمرد بار است فرمود بار و حسن
ظنک بالله نیکو کن گمان خود را
بخدای تعالی آن مرد گفت گمانم
بخدا نیک است و لیکن غم من
برای دختران است و ناخوش
نکرده مرا مگر غصه ایشان حضرت
فرمود الذی ترجوه لتضعیف
حسناتک و محو سیآتک فارجه
لاصلاح حال بناتک یعنی
خدایی که امید داری او را برای
مضاعف کردن حسنات و
نابود کردن گناهانت پس
امید داشته باش او را برای اصلاح
حال دختران آیا ندانستی که
رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که در لیلة المعراج زمانی
که گذشتم از سدرة المنتهی
بشاخهای آن دیدم بعضی میوه ها
آن شاخها را که پستانها مانند پستانها
او در آن است بیرون می آید
از آنها شیر و از بعضی عسل
و از بعضی روغن و از بعضی دیگر
مانند آنکه در خوب ...
جامه و از بعضی چیزی مانند ...
و آنها پایین می ریختند گفتم
... کجا فرود می آید
تا من جبرئیل گفت ...
... کرده بودم ...
بود از طعام ...
...
...
از آن مکان که با الارض ...

الله تم و غیر آن بخواندن و دمیدن و نوشتن و نگاه داشتن آن برای بیمار بیماری
بیاران هم منقول است از ائمه علیهم السلم که بنویسند بر دعا مو و بر صاحب تب بندند
اللهم انی اسألک بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما احاط به علمک ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان لا تسلط علی فلان بن فلانه شیئا مما خلقت بقوة و انحم جلده
الرقیق و عظمه الدقیق من فورة الحریق اخرجی یا ام ملدم یا اکلة اللحم و شاربة
الدم حرها و بردها من جهنم ان کنت آمنت بالله الاعظم ان لا تاکلی لفلان
بن فلانه لحما و لا تمصی له دما و لا تنهکی له عظما و لا تثوری علیه و لا تهیجی علیه
صداعا و انتقلی عن شعره و بشره و لحمه و دمه الی من زعم ان مع الله الها آخر لا اله
الا هو سبحانه و تعالی عما یشرکون و بنویسد اسم او یا دشمن خدا را و نیز برای دفع
تب این تعویذ را بنویسد با خود دارد

افسون تب یومی

بنویسد این دعا را بر کاغذی و بر بیماری
بندد از جانب راست ریسمان چهار گره
کند و از جانب چپ سه گره و برگردن صاحب
تب بندند و دعا این است اعیذ نعما

بسم
بذکر الرحمن یا نار کونی بردا
و سلاما علی ابرهیم و آل
ابرهیم صل علی محمد و
آل محمد و عن فلان بن
فلانه تب را بحق ابرهیم

استعاذ بیر موسی و عیسی و ابرهیم و محمد صلعم من الحمی و النافض و الغب و الیبوسة
و الربع و الصداع اللهم کما کنت للنبی ابرهیم ان ضیر علیه فلا تبدد علی
الانسان من هذه الادنام و الاوجاع شیئا الا نزعته عنه فلا اقسم بما تبصرون
و ما لا تبصرون انه لقول رسول کریم اقسمت علیک الا انتزکیه و لا تاخذینه
و قل هو الله و معوذتین بخواند و بعضی گفتهاند بگوید اللهم اشف فلان بن فلانه من حمی
یوم و یومین و ثلثة ایام و حمی الربع فانک تفعل ما ترید و تحکم ما تشاء و انک
کنت علی کل شیء قدیر کنت و بسم الله ختمت و علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در ریسمانی از پنبه هفت تار ببافد
و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین بخوانند و هفت گره بر آن زنند و برگردن صاحب
تب بندند و بعضی گفتهاند بر هر گرهی این سوره ها بخوانند و همچنین حضرت مصطفی
فرموده که هر که را تب آمده باشد شب روز غسل کند و در وقت هر غسل بگوید اللهم

بجهت خدای عز و جل ثواب
مؤمنین از امت تو و پدران ایشان
بر بگو بپیدران دختران اگر
سینه شان تنگی کند بر خیر بنی
ایشان بر هیچ آنکه من از ربط
ایشان را بعنی غیبت هیچ ایشان
ققیر گوید مناسب بیم در
ذیل این حدیث این چند شعر را
از شیخ سعدی نقل نمایم فرموده
یکی طفل و ندار دزدا و ده بود
پدر سر بعکرت فرو برده بود
که من ناندر بر آن از کجا آرمش
مروت نباشد که بگذارمش
چو چاره گفتا این بخن بر شنید
نگر تا زن او را چو مردانه گفت
مخور و هول ابلیس تا جان دهد
که هر کس که دندان دهد نان دهد
نگارنده کودک اندر شکم
نویسنده عمر و روزی است هم
خداوند کاری که بنده خرید
بدارد فکیف انکه بنده آفرید
تو ایشان اعتکه بر کردگار
که مملوک را بر خداوند گار

حدیث نهم

شیخ علی بن عیسی اربلی در کشف
الغمه روایت کرده از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم که فرمود
وصیت کرد مرا پدرم باین کلمات
فرمود ای پسر جان من با پنج طبقه
از مردم مصاحبت مکن و سخن
با ایشان مگو و رفاقت مکن
با ایشان در راه عرض کردم
فدا شوم این جماعت کیانند

اللهم انی اعتقلت لالتماس شفائک و تصدیق نبیک الا کشف عنه البته شفائک
و همچنین نقل کرده ابن عباس از حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله که گفت حضرت نبی
هر گاه بجهت تب و درد ها و تب و درد سر اهلم میداد بسم الله الکبیر اعوذ بالله العظیم
من شر کل عرق نعار و من شر حر النار و هر گاه دست بر دارد بگوید بسم الله و بالله
محمد رسول الله اعوذ بالله و قدرته علی ما یشاء من شر ما اجد حضرت مصطفی صلی
الله علیه و آله بجهت فاطمه علیها السلم خاصه از برای اعدا از برای هر مؤمنی که آزار تب
داشته باشد و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم یا ام ملدم ان کنت
آمنت بالله العظیم و رسوله الکریم فلا تهشمی العظم و لا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم
اخرجی من حامل کتابی هذا الی من لا یؤمن بالله العظیم و رسوله الکریم و آله محمد و
علی و فاطمة و الحسن و الحسین **دفع تب** بردارد کسی پارچه چوب سفید این شکل را
بر آنجا بنویسد و هر روزی یکی بود که میخ بر او فرو زند و در شکم و پشت صاحب تب
زده گردد که تب زائل گردد و شکل این است مهـ مهـ مهـ مهـ مهـ مهـ

دفع تب ربع و نقل میکنند که بعضی نزد حضرت امام رضا علیه السلم آمد حضرت
امام بو گفت که چیست مرا که رنگ تو زرد است گفت تب ربع مرا شوریده نموده پس
آنحضرت دوات و قلم طلب فرمود و نوشت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله
ابجد هوز حطی عن فلان بن فلانه باذن الله تعالی و بعد از آن دزا خران کاغذ نقش
نوبت خاتم سلیمان پیغمبر را نقش کرد بعد از آن بپیچید و ریسمانی طلب فرمود که ابریشم
آب ندیده باشد ریسمان او زرد و گرهی بر آن زند و نزدیک دهن خود آورده
و چهار گره از یک جانب بر آن زند و بر هر گرهی فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی خواند و بر جانب دیگر سه گره زده و بر
دست و بر آن گره ها خواند بر آن شخص داد و فرمود که بر بازوی راست خود بندد تب باز
جاع مکن **دفع** بعضی روایات است که کاغذ را بپیچد و ریسمان طلب کرده ریسمان بند
او را تند فرمود که ریسمان خشک نباید و بند گرهی بر میان آن ریسمان زده و بر جانب راست
آن چهار گره زده و بر جانب چپ سه گره زده و بر گرهی فاتحة الکتاب و معوذتین و قل هو
الله احد و آیة الکرسی خواند بعد از آن بآن شخص داده و فرمود که بر بازوی راست بندد

فرمود لا تحصین ما یشاء
فی ستر بیعک یا کلیه فداء
یعنی ما یابی البته یاد خوشوی
که او را بلیغ خوراک یابیک
لهم بلکه بکمر از آن میفرهند
عرض کردم ای پدر دکلان
چیست فرمود بطمع لعمه شد
منقرض شد لکن بآن میرسند
گفتم ای پدر دوم کیست
فرمود با بخیل مصاحبت مکن
زیرا که تو را محروم میسازد از مال
در وقتیکه بنهایت احتیاج باو
داری عرض کردم سیم کیست
فرمود با کذاب مصاحبت مکن
زیرا که او بمنزله سراب است در
میکند از تو نزدیک را دور را نزدیک
میکند خود دور را انزا بآنست
که شعاع آفتاب بر سیر زمین
مستوی میکند لغات آن درخشد
در نظر آید چون آب بحسب دیده
پس گمان برده شود که آن آب است
بر روی زمین جاری میشود و آن صورت
است و حقیقت ندارد) گفتم
ای پدر چهارم کیست فرمود
احمق است زیرا که او میخواهد
ترا نفع رساند و از حمق نادانی
خود ترا ضرر میرساند عرض
کردم ای پدر پنجم کیست فرمود
مصاحبت مکن با قاطع رحم
که من یافتم او را ملعون در سه
موضع از کتاب خدای تعالی

حدیث دهم

صاحب تحفة العقول از حضرت

و با آن جماع نکند و همچنین نقل کرده ابو زکریا حضرمی که حضرت ابوالحسن علیه السلام
فرموده که بجهت دفع تب ربع بر دست راست بنویسید بسم الله جبرئیل و بر دست چپ
بنویسید بسم الله میکائیل و بر پای راست بنویسید بسم الله اسرافیل و بر پای چپ بنویسد
بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا و در میان هر دو شانه بنویسد بسم الله العزیز
الجبار و همچنین بر شانه راست بنویسد بسم الله جبرئیل بر شانه چپ بنویسد بسم الله
میکائیل بر شانه راست بنویسد اسرافیل بر شانه چپ بنویسد بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا
زمهریرا **دفع تب غب** بر برگ توت بنویسد و با اسم صاحب تب بر یک
طیوما و بر برگ دیگر هوما و بر برگ دیگر ابرا سوما و هر نوبت در آب اندازد و قرار داد
دیگر بر سه برگ درخت توت بنویسد و در آب اندازد حوما ادحوما ابرحوما و در روایت دیگر
حوما طیوما ابرسوما **افسون برای دفع تب** بنویسد و بر بازوی راست بندد بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات
کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرا و برا و من شر السامة
الهامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم
و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر
و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک
توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا
به کیدا فجعلناهم الاخسرین کونی بردا و سلاما علی فلان بن فلانه ربنا لا تؤاخذنا
ان نسینا او اخطأنا تا آخر سوره حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا و توکل علی
الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله
وحده لا شریک له صدق وعده و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب
وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی
عزیز اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم الغالبون و من یعتصم بالله فقد هدی
الی صراط مستقیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین **افسون برای جمیع
دردها و برای درد دندان** بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله الطیبین
صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما یفعلون اسکن ایها الوجع سکنتک

امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده که فرمود عالمی که بعلم او
مردم منتفع شوند افضلست
از هفتاد هزار عابد و فقیر
گوید که روایات در فضیلت
علم و علما زیاد از آنست که
احصا شود در جمله از اخبار
است که یک عالم افضلست
از هزار عابد و هزار زاهد
فضل عالم بر عابد مثل فضل
آفتابست بر ستارها و یک
رکعت نماز که فقیه میکند بهتر
است از هفتاد هزار رکعتی که
عابد میکند و خواب عالم بهتر است
از نماز با جهل و چون مؤمن
بمیرد و بگذارد یک ورق که
در آن علمی باشد میگرداند آن ورق
در روز قیامت پرده میان او
و آتش و عطا فرماید او را بهر حرفی
بهر حرفی که نوشته شده در آن
شهری که وسیعتر باشد از دنیا
هفت مرتبه و چون فقیه
بمیرد گریه میکنند برا و ملائکه و
بقعهای زمین که عبادت
میکرده در آنها خدا را و درهای
آسمان که از آنها اعمال او را
بالا میبرند و در اسلام رخنه
پیدا شود که بسته نگردد بچیزی
زیرا که مؤمنین فقها قلعهای
اسلامند مانند قلعه سر کوهها که
دور شهر میباشند و از جمله
وجود علما آنکه ثواب نماز
با ایشان مضاعف میشود مانند

بالذی سکن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو العلی العظیم عزمت علیک
ایها الوجع بالله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و خلق
عیسی من روح القدس و بعث محمدا بالحق نبیا الا ما ذهبت عن فلان بن فلانه الی
مدة حیوته و لا تعود الیه **حرز طایفه که جهت صداع مفید است**
ملک نجاشی را درد سر بود بحضرت رسول صلی الله علیه و آله نوشت طلب دعا کرد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله این حرز را فرستاد و بر کلاه خود دوخت درد او ساکن شد و حرز اینست بسم الله
الرحمن الرحیم لا اله الا الله الملک الحق المبین شهد الله انه لا اله الا هو یا الله
الله نور و حکمة و عز و قوة و برهان و قدرة و سلطان یا من لا ینام لا اله الا
الله ابراهیم خلیل الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله
و کلمته لا اله الا الله محمد رسول الله و صفیه و صفوته صلی الله علیه و آله و سلم
اسکن سکنتک بمن یسکن له ما فی السموات و الارض و بمن سکن له ما فی اللیل و
النهار و هو السمیع العلیم فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب و الشیاطین
کل بناء و غواص الا الی الله تصیر الامور **افسون درد سر** بر ورق آهو بنویسد
و بر پیشانی بر سر بندد بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم
او لو الالباب اخرج منها مذؤما مدحورا و همچنین منقولست از امام جعفر
صادق علیه السلام که فرمود که بنویسد بر کاغذی و بر صاحب صداع بندد از آنحضرت
که درد میکند اللهم انک لست باله استحدثناه و لا برب یبید ذکره و لا معک
شرکاء یقضون معک و لو کان قبلک اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع الیه و ندعوک
و لا اعانک علی خلقنا من احد فنشک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک ذهب
عاف فلان بن فلانه و صلی الله علی محمد و اهل بیته و در روایت دیگر آنکه بنویسد
باسمک الذی قام به عرشک علی الماء ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکشف عن فلان
من الصداع و الشقیقة فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا و انا الذی
النبی به خلقت آدم و اتممت خلقه علیه السلام ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تشفی فلان بن فلانه **برای درد شقیقه** بنویسد بر ورق آهو یا کاغذ
اگر مرد باشد بر سر بندد و اگر زن باشد در میان موی پیش سر بندد بسم الله الرحمن

صدقات برای ایشان چنانکه
شیخ شهید روایت کرده که نماز
با عالم در غیر مسجد جامع مقابل
هزار رکعتست و در مسجد
جامع مقابل صد هزار رکعت
و در خبر نبویست که صدق
بر علما بازاء یکی هفتاد است
و آنکه نشستن نزد ایشان عبادت
است و در خبر علویست که
نشستن یک ساعت نزد علما
محبوبتر است نزد خدا و نزد
عبادت هزار سال و آنکه نظر
کردن بصورت ایشان بلکه نظر
کردن بدر خانه عالم عبادت
است و در خبر علویست که
نظر بسوی عالم محبوبتر است
نزد خدا و بهتر از اعتکاف در بیت
الله الحرام فقیر گوید که مخفی
نماند که فضیلت برای علم و تقوی
است که با عمل منضم باشد و
گرنه مایه تباهی و توام گردند بشقاوت
علم که توشه نزد باشد
جهل از آن علم به بود صد بار
غوز باشد نزد عالم آنکه از او
بستری گفت و نشوی گفتار ربک
قال عیسی بن مریم اشقی الناس
من هو معروف عند الناس بعلمه
مجهول بعمله فرمود حضرت عیسی
علیه السلام که شقی ترین مردم کسی
است که معروف باشد نزد مردم
بعلم و مجهول باشد بعمل
حدیث ابا ذر رحمه الله
در تحف العقول از حضرت

الرحیم بسم الله من الارض الی السماء و در این حال جبرئیل فرود آید و استقبال کند
آن مرض او را جبرئیل گوید که کرا میخواهی بیچاره گوید آمدم جواد می که بخورم بینم
چشمهای او را و از خون او بیاشامم پس گوید جبرئیل که بخدای که جز او خدائی نیست تو نمیتوانی
بنوی آدم و نمیتوانی بینی چشمهای او را و از خون او بیاشامی بجهت آنکه من افسون کنم
و خدای تعالی شفا دهد و صلی الله علی محمد و آله وسلم برای درد چشم بر دارد
پنبه و تر کند و بر چشم نهد و بگوید حبسنا الشمس فی لجة البحر یا نار کونی بردا و سلاما علی
ابراهیم سلیمان غیشی روایت کند که رفتم بخدمت ابی عبدالله علیه السلام دیدم که بدرد چشم
عظیم دارد غمناک شدم و بیرون آمدم روز دیگر نزد آنحضرت رفتم اثری از درد چشم
آنحضرت نیافتم گفتم فدای تو گردم دیروز درد چشم شما را دیدم غمگین شدم و امروز
اثری از آن نیست چه علاج فرمودی فرمود تعویذ کردم بتعویذی که دارم گفتم بمن بگو
پس نوشت اعوذ بعزة الله اعوذ بقوة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله
اعوذ بجلال الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بجمع الله اعوذ بجمیع الله اعوذ برسول الله
صلی الله علیه و آله علی ما احذر و اخاف علی عینی و اجده من وجع عینی اللهم رب
الطیبین اذهب ذلک عنی بحولک و قوتک فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم
حدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم و صورکم فاحسن صورکم و رزقکم
من الطیبات فتبارک الله رب العالمین یا علی یا عظیم یا کبیر یا جلیل یا منیع یا
فرد یا وتر یا رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین بسم الله الرحمن الرحیم یا
یا حلیم یا علی یا عظیم یا جلیل یا جمیل یا فرد یا وتر اسألک ان لا تدعنی فی قبری
فردا و انت خیر الوارثین و ان کنت الا واحدا الصلوة فی قبره بما در حق بی
حاجت آمین رب العالمین برای خون آمدن از بینی بخوانند و بنویسند و بپیشانی
کسی که خون از بینی او آید یا من امسک الفیل من بیت الله الحرام امسک دم
فلان بن فلان آب یخ بر سر و پیشانی او بریزد ساکن گردد باذن الله تعالی از برای دفع
درد دندان منقولست از سکونی که او نقل کرده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که
گفت که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده که هر کس که از درد دندان بدرد آمده باشد
از موضع سجود خاک بر دارد و بمالد بر آن موضع که درد میکند و بگوید بسم الله و الکافی

الله و لا حول و لا قوة الا بالله و همچنین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده در افسون دندان کارد یا برگ خرما بردارد و بمالد بر محلی که درد میکند
هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله ابراهیم خلیل
الله اسکن بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو علی کل شیء قدیر و همچنین
منقولست از ابن عباس که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس
دندان او درد کند انگشت خود را بر آن نهد و این آیه را هفت بار بخواند هو الذی
انشأکم و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة قلیلا ما تشکرون از برای
درد دندان این افسون که جبرئیل به حضرت امام حسین علیه السلام آورد چوبی
بر دندان نهد هفت نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم العجب کل العجب و دوده
تکون فی الفم تأکل العظم و تنزل الدم انا الراقی و الله الشافی و الکافی لا اله
الا الله و الحمد لله رب العالمین و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها و الله مخرج ما
کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم
تعقلون همچنین نقل میکند از مفضل بن عمر که گفت رفتم نزد حضرت ابی عبدالله علیه
السلام درد دندان داشتم و شکایت کردم با نحضرت فرمود نزدیک شو بمن نزدیک
شدم بآنحضرت سر انگشت سبابه خود را نهاد بر دندانی که درد میکرد و
خواند علی العور ساکن شد پس بمن گفت درد ساکن شد یا مفضل گفتم بلی پس فرمود
من گفتم دوست میدارم که این افسون را بمن بیاموزی فرمود بلی حضرت فاطمه علیها السلام
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفت و از درد دندان شکایت کرد آنحضرت انگشت
مبارک خود را بر دندان او نهاد و گفت بسم الله و بالله اسألک بعزتک و جلالک
و قدرتک علی کل شیء فان مریم لم تلد غیر عیسی روحک و کلمتک ان تکشف ما
تلقی فاطمة بنت خدیجة من الضر کله فسکن ما بها کما سکن ما بک و ما بدت تعالیه
شیئا بعد من هذا و همچنین مروی است از عطا که نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام که گفت با نحضرت شکایت کردم از درد دندان فرمود که هفت نوبت بخوان بر آن
بسم الله و بالله اسکن بقدرة الله الذی خلقک فانزل ... و علی الحی
ابتدیها و اثبتک ... بامر ... و صلی الله علی محمد و آله اجمعین دفع درد

شکم روایت است که شخصی نزد حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام آمد و گفت درد شکم
دارم گفت زن داری گفت بلی دارم فرمود که از او چیزی طلب کن که دوست دارد از آن داده باشد
عسل بخر و آب باران بریز در آن و بیاشام بجهت آنکه حق تعالی در کلام الله الکریم خود
فرموده وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا یعنی ما فرستادیم از آسمان آب با برکت را و هم
فرموده یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ یعنی بیرون می آید از
شکم زنبور شربتی که مختلف است رنگهای او در آن است شفای مردمان و نیز فرموده
فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا یعنی اگر دوست دارند زنان مر شما
از خود چیزی پس بخورید آن را که سازگار و گوارنده است پس هرگاه جمع شوند برکت و شفا
و گوارندگی شفا می یابد انشاء الله تعالی پس آن شخص چنان کرد پس شفا یافت برای درد
تهیگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که از شما را درد تهیگاه باشد سزاوار
آن است که دست خود را بر محلی که درد است سه نوبت بر آن بمالد و هر نوبت بگوید اعوذ بعزة الله
و قدرته علی ما یشاء من شر ما اجد و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که دست خود را
بر محلی که درد میکند بنهد و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی خاصرتی بعد از آن سه بار بر محل درد دست
بمالد برای درد شکم یونس بن یعقوب گوید که گفتم بحضرت ابی عبد الله علیه السلام که
جانم فدای تو باد مرا درد شکم پیدا شده چاره کن فرمود که توحید حضرت عزت
بگو گفتم چون بگویم فرمود که بگو یا الله یا رب یا رحمن یا رب الارباب یا سید السادات
اشفنی و عافنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و بعد
بگوید بسم الله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و بعث بالحق محمدا صلی
الله علیه و آله نبیا بعد از آن سه نوبت بگوید یا ریح اخرج باذن الله تعالی منقول
است از امام موسی علیه السلام اول بخواند فاتحة الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد و بعد
از آن بخواند اعوذ بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء
من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر ما احذر منه برای درد شکم و غیره
دست خود بر محل درد بنهد و هفت بار بگوید اعوذ بعزة الله و جلاله من شر ما اجد
و دیگر دست خود را بر آن محل بنهد و بگوید بسم الله سه مرتبه برای درد و جمیع

در نگاه کردن بزن نامحرم

کابین را کس همیشه با کلفت
وین دو را همیشه محرومیت
احمار کرده پس توشه خویش
زادی میرسان از خود بیش
حدیث سیزدهم
شیخ صدوق از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روایت کرده
که هر که پر کند چشم خود را از
نگاه کردن بزن نامحرم خدا
محشور فرماید او را روز قیامت
در حالی که میخ دوز کرده باشند
او را بمیخهای آتش تا آنکه
حکم فرماید خدا بین مردم پس امر
شود که ببرند او را بآتش
(ع) و لقد احسن من قال
نگه بر زنان کار خوکان
نگرستن نگر به زن ارذبان
شاهدان زمانه خود دیدند
دیده نابوسفند دل را گرگ
جمع مقبول دل اگر باشد
زاهد هر جول جول باشد
شیخ صدوق از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روایت کرده
در حدیثی طولانی که هر که مصافحه
کند با زن نامحرم بیاید روز قیامت
در حالتی که او را در غل و بند
کرده باشند پس امر شود که
او را داخل آتش کنند و هر که
خوش طبعی و شوخی کند با زنی
که مالک او نیست حبس شود
بهر کلمه که تکلم کرده با او در
دنیا هزار سال و فرمود که هر که
قدرت داشت که با زن ناجایز

عثمان بن عیسی گوید که شخصی بحضرت ابو الحسن علیه السلام رفت و شکایت کرد از رنج
آنحضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی بگو اللهم ما کان من خیر فمنک
لا حمد لی فیه و ما عملت من سوء فقد حذرتنیه و لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ
بک ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه او آمن بما لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک
برای دفع درد چشم بسم الله و بالله بسط النبی باذنه فامنت السموات و الارض
فانه مریم بنت عمران لم تبض ما وجع الارحام کذلک ینفی الله فلان بن فلانه
من وجع الارحام اسکن اسکن بالله بسم الله الحی القیوم بسم الله المستعان بسم
الله علی ما هو کائن و علی ما قد کان و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان
الله قد احاط بکل شیء علما [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله و الذین معه
اشداء علی الکفار رحماء بینهم ترینهم ناخرا به اجیبوا داعی الله عزمت علی
سامعة الکلام الا ما اجابته هذا الخاتم بعزائم الله الشداد التی ترهق الارواح
و الاجساد و لا یبقی روح و لا فؤاد احجب بسم الله ثم قال للسموات و الارض
ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
این دعا را بخوانند و با خود دارد برای دفع خناق بخوانند برای مرض سه روز
بسم الله و بالله و ما شاء الله الله اکبر الله اکبر و هو بامره ان لا ینکسر در روایت دیگر
بگوید یا روف یا رحیم یا رب یا سیدی دفع نزول الحموا آنو بیدی و بعد هو و بر
انکس و یزد هف هف هد هد هف هف هات هات اماله کف کف
هف هفف هفف هفف مهم [illegible] قل هو الله احد الغالب من حیث [illegible]
الصمد الملتزم [illegible] آدم کما الذی سجد لادم الملائکة باذن الله الکریمة
بنت کریمه و ولد فلان بن فلانه ه ه ه لا لا لا شدد ت شددت [illegible]
صف صفه ختمت بخاتم سلیمان بن داود و الحمد لله رب العالمین برای حفظ از خوف
بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله النبی الامی العربی الهاشمی المدنی
الابطحی التهامی صلی الله علیه و آله الی من حضر الدار من العمار و الزوار اما بعد فان
لنا و لکم فی الحق سعة فان یکن عاشقا مولعا او داعیا حقا مبطلا او من یؤذی

در کتمان چهار چیز

فعل حرام بجا آورد و آن کار
حرام را ترک کند از ترس حق تعالی
خداوند عز و جل حرام فرماید
بر او آتش جهنم را و ایمن فرماید
او را در بهشت
حدیث چهاردهم
صاحب تحف العقول از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام نقل
کرده که فرمود چهار چیز است
که از گنجهای نیکوئی است
کتمان حاجت و کتمان صدقه و
کتمان درد و کتمان مصیبت
فقیر گوید که در مجموعه
خبری از احنف نقل شده که
ذکرش در اینجا مناسب است
چنان است که احنف گفت شکایت
کردم بسوی عموی خود صعصعه
درد دندی که در دلم داشتم او مرا
سرزنش کرد و فرمود ای برادر
زاده هرگاه مصیبتی بتو وارد
شود شکایت مکن آن را با احدی
مانند خودت زیرا که آنکه
که بآن شکایت میکنی یا دوست
است پس بد حال میشود و یا
دشمن است پس مسرور میشود
و مصیبت آن دردی که در تست
شکایت مکن آن را بمخلوقی که
مثل تست و قدرت ندارد که
مثل آن را از خود دفع کند
الا صبر کند بدیگری ولکن عرض
کن آن را بآنکه ترا بآن مبتلا
کرده که او قدرت دارد که آن
از تو برطرف کند و فرجی با تو

الوالدان ویفزع الصبیان ویسکنهم ویسوقهم علی الفراش فلیمضوا الی اصحاب
الاصنام والی عبدة الاوثان ولیخلوا عن اصحاب القرآن فی جوار الرحمن ومجاری
الشیطان وعن ایمانهم القرآن وصلی الله علی محمد وآله علیهم السلام و همچنین
شهد الله تا آخر آیه وآیة الکرسی وقل هو الله احد تا آخر سوره ان ربکم الله تا آخر
لقد جاءکم رسول تا آخر سوره قل من یکلؤکم باللیل والنهار ومن السباع والجن
والکهرة قل هو الله احد هو الواحد القهار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم
الیوم ان الله سریع الحساب لمن الملک الیوم لله الواحد القهار **برای دشوار**
زائیدن زنان مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده بنویسند
از برای زن گاهی که زائیدن بر او دشوار باشد بر ورق آهو یا بر کاغذ اللهم یا فارج الهم
وکاشف الغم ورحمن الدنیا ورحیمها ارحم فلانة بنت فلانة رحمة تغنیها بها عن
رحمة جمیع خلقک تفرج بها کربتها وتکشف بها غمها وتیسر ولادتها وتقضی بینهم
بالحق وهم لا یظلمون وقیل الحمد لله رب العالمین و همچنین هر که زائیدن بر او دشوار
باشد آب آدم یا حیوان بخوانند بر او که یا خالق النفس من النفس ویا مخلص النفس من النفس
خلصها بحولک وقوتک و همچنین بنویسد بر دو رصله سفالی که آب ندیده باشد و
زیر پاهای آن زنیکه زائیدن بر او دشوار باشد بنهند و فوراً بچه بگیرد بنویسد این شکل
و بر ران راست زن ببندد و بنویسد بر کاغذ
و بر ران چپ ببندد منها خلقناکم وفیها
نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یا خالق
النفس من النفس ویا مخلص النفس من النفس

اخرج نفسی من عند المجلس

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

فرج عنها فانها لتلبثن سوءا باذن الله عز وجل و همچنین بنویسد این صورت را
بر پشت قطیفه زنی که دیر زاید یا بالای آن نشیند
بزودی بزاید و در نوشتن ابتداء با اثنین کند از سطر

اربعة	ثلثة	اثنین
ثلثة	اثنین	اربعة

بالا بعد از آن ثلثة بعد از آن باربعة بعد از آن ثلثة از سطر زیر بعد از آن باثنین
بعد از آن باربعة تا خاصیت آن تمام شود **برای کسیکه درد پا باشد** بنا بدینسان
از پشم شتر که بکند بی آنکه بکار دیا مقراض جدا کند و هفت گره بران زند و بر هر گره

حدیث پانزدهم (حاشیه)

کرامت فرماید بمادی فرزندی
را دو بچل انار بخورد شش
چهل تا انار است که بنا فی
دیگر و تفیتم با نیچه نه بیاید
و نیکوهی و قد بان علت مدیث
مطلع نکرده ام تا به در خود
و نا احدی از اهل بیت خود را
حدیث پانزدهم
شیخ اجل ابن فهد از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده
که هر مؤمنی که برادر مؤمن او
از او حاجتی بخواهد با دو توانائی
داشته باشد که آن حاجت را
بر آورد و بر نیاورد حق تعالی
مسلط فرماید بر او در قبر او
مار عظیمی که او را شجاع گویند
که همیشه بگزد انگشتان او و در
روایت دیگر است که بگزد
انگشت او را تا روز قیامت
خواه آمرزیده باشد یا معذب
باشد قصه و گویم که چون خصوص
قضاء حوائج برادران مؤمن
روایات بسیار نقل شده از
جمله از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که کسیکه
برود پی حاجت برادر مسلمان
خود حق تعالی او را در سایه
هفتاد و پنجهزار فرشته داراد و
بر ندارد قدمی مگر آنکه بنویسد
برای او حسنه و محو فرماید
از او سیئه و بلند کند برای او درجه
و چون فارغ شود از حاجت
بنویسد برای او اجر کسیکه حج و عمره

سه بار فاتحة الکتاب بخواند بعد از آن سه بار بر آن بخواند که بسم الله الابد الابد الحفیظ
العتید القریب لیس بعید الظاهر عن الولد العالی عن ان یولد المجیب بما وعد البریء
بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا
عالم السر والخفیة یا من السموات بقدرته مرفوعة یا من الارض بعزته مدحوة
یا من الجبال بارادته مرساة یا من نجا بصاحب الغرق من کل بلیة صل علی
محمد خیر خلقک واشف اللهم فلان بن فلانة بشفائک وداوه بدوائک وعافه
من بلائک انک قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله
الطیبین **افسون جراحت** منقولست که گفته اند که آنچه بخواند و بر محلی که
بند میکند از جراحت وغیر آن بما الدم بگوید بسم الله اعیذک من الحد الحدید ومن
اثر العود ومن الحجر الملبود ومن العرق الفاتر ومن الورم الآخر ومن الطعام وحره
ومن الشراب وبرده بسم الله فتحت وبسم الله ختمت بعد از آن کارد را بر زمین
زند **برای دفع اژدها** منقولست از امام رضا که فرموده که نظر کند مار و گشاده
که شب بیرون آید و قبضه خاک بر دارد و بر آن دمید بما الدو بگوید بسم الله وبالله ربنا
ولم ادرک سوءة عود نصر الله یحمی آثارکم ارفع یا ابلیس معک **برای دفع ابله که**
بن بیند سوزن طلی بیند و بر آن کشد و بعد از آن تکمیل آن بنویسد بوتا و تا بر تا تا
ادعوا اصوات وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما
تفعلون و همچنین صباح بناشتا بنویسد هر یعنی سر بقرشی عجب الطریقه و همچنین
صباح بنویسد چهار بند چهار اند که من کوه من نسا الا رختک باد حق الملک القدوس
دعا برای ابله بنویسد این شکل را و بیاویزد برون نیاید و اگر بیرون آمده
باشد بشیر از ان بیرون نیاید و شکل این است ---
و همچنین بنویسد شکل چهار در چهار را از برای
ابله و بنا دعا نکرده بندد وشکل این است
برای دفع مار و عقرب امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که بخواند در شبانگاه دعا را بسم
الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله الاخیار العفار

سی سی وبالفرعة
السرا السرنادس
اودوس اس

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

(حاشیه)

و عمره بجا آورده باشد از
حضرت صادق علیه السلام منقول
است قضا حاجت مرد مؤمن
افضل است از حج و حج و حج تا
تا ده حج و روایت شده که
در بنی اسرائیل عابدی بود که
بنهایت عبادت میکرد و بسیار
میکرد از همه عبادت کوشش
و سعی کردن در قضا حاجت
مردم را و جناب ثاراه بن
جبرئیل روایت کرده از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله که در
شب معراج این کلمات را دیدم که
بر در بهشت نوشته شده
لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله از برای هر چیزی
حیله است و حیله سرور در
آخرت چهار خصلت است
[illegible]
[illegible]
حاجت مؤمنان [illegible]
[illegible]
[illegible]
اهتمام داشته در قضاء حوائج
مؤمنین [illegible]
این مقام نقل شد [illegible]
حدیث شانزدهم
شیخ کلینی [illegible] از حضرت صادق
روایت کرده اند [illegible]
که گفت فرمود حضرت صادق علیه
السلام که چون حق تعالی مؤمن را
از قبرش بیرون آورد بیرون آید
با او مثالی یعنی شبیه که [illegible]

والحیات کلها باذن الله تبارک وتعالی بافواهها واذنابها واسماعها وابصارها
ودوابها عنی وعمن احببت الی صخرة الّهها باذنا ما الله تعالی مؤمنین فرموده
که بخواند بسم الله وبالله توکلت علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره اللهم اجعلنی فی کنفک وفی جوارک واجعلنی فی حفظک واجعلنی فی
امنک و همچنین از حضرت منقول است که فرموده که جماعتی نزد حضرت رسول صلی
الله علیه وآله آمدند و از عقربها شکایت کردند آنحضرت فرمود که در صباح و شب
هفت نوبت بخوانید اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر
الذی لا یتجر جارده من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر الشیطان وشرکه ومن شر کل
دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
هر که در شب این دعا را بخواند من ضامنم او را تا صبح از شر عقرب و گزنده افسون مار
بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمن بن داود اخ اخ و ناسکه ملیکه هو اسوه مار
را ما ما داود نوح مریم هند نابنیم الله الخاتم وبالله الخاتم چون مار را ببیند سه بار بخواند
مار بایستد و زبان را بیرون کند مار را بگیرد و اگر خواهد که مار در خانه نیاید بنویسد
بر چهار قطعه و در چهار طرف خانه دفن کند بسم الله الرحمن الرحیم هجه وهجیه وهبوب
و عیبا والطرد افسون عقرب اسحق بن عمار گوید که گفتم با ابی عبدالله علیه السلام که من
از عقرب میترسم فرمود آنحضرت که نظر کن بکواکب بنات النعش بستاره کوچکی که در میان
ستاره از آن در پهلوی آن ستاره کوچکی است که عربان را سها گویند هر شب بان
نظر کن و سه بار بگو اللهم رب اسلم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم وسلّمنا اسحق
گوید که من هرگز ترک نکردم در مدت عمر خود مگر یک شب و در آن شب مرا عقرب گزید
افسون کیک این دعا را بخوانید الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا ولا بابا
عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی ولا اصحابی الی ان یقضی اللیل ویجی الصبح
بما جئت به رکا الذی بمر فالی ان یؤب الصبح بما آبت حمه بعد گوید امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که بنویسد برای گزیده زورق یا برکاغذ علی بند بسم الله الرحمن الرحیم
یا فلان بن فلان مغلولا الی عنقه اذا اخرجها لم یکد یراها ومن لم یجعل الله له نورا
فما له من نور بعد از آن بپیچد در میان دو چوب و در زیر چه خانه تاریکی اندازد دعا

ترک صله رحم و آفات

حتی دوری او باشد پس هر چه
بخواهد [illegible] نعوذ بالله
روز قیامت از مثال او گوید
الله هنالک شود مرتبه ترک
پدر را بی مرد و کرامت دخول
بهشت او را بشارت هر دو
مقام حساب پس حق تعالی حساب
کند او را حساب آسان و داخل
فرماید او را به بهشت این مثال
در حلوا باشد پس هر که گوید
یاد خدا رحمت کند او را خوب رفیق
بودی برای من [illegible]
[illegible]
[illegible] کرامت [illegible]
تعالی نادیدم [illegible]
[illegible]
[illegible]
دگر دنیا حق تعالی [illegible] فرموده
[illegible]
حدیث هفدهم
علامه مجلسی از [illegible]
[illegible] از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده که مردی آمد نزد جناب
ابوذر رضی الله عنه بشارت
داد او را بولادت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کند [illegible]
[illegible] مشغول کند

گزان گزیده خواب میکرد تعویذ قشعریره از اعضا قطعه از پشم گوسفند زرد
باشد بر دارد و بتابد و هفت گره بر آن زند و بگوید در هر گره خرج عیسی بن مریم علی
حمار اقمر لو یتحرک ولم یرهما انا ارقیک والله عز وجل یشفیک و ببندد بر محل مصیبت
دفع سحر محمد بن عیسی گفته که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم از سحر گفت خواب
سحر باذن خدای تعالی ضرر نمیرساند پس هرگاه بجرعی تو رسد دست خود را بردار برابر
روی خود و بخوان بنام و بسم الله العظیم بسم الله العظیم رب العرش العظیم الا
ذهبت وانقرضت دفع چشم زخم از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از
چشم زخم فرمود که چشم زخم حق است پس هرگاه چشم زخمی بتو رسد هر دو دست خود را
مقابل روی خود بردار و فاتحه و قل هو الله احد و معوذتین بخوان و دستهای خود را
بروی خود و پیشانی بمال که نافع است باذن الله تعالی و منقول است از حضرت ابی عبدالله
علیه السلام که آنحضرت پرسیدند از معوذتین فرمود که لبید بن اعصم یهودی بر رسول خدا صلی
الله علیه وآله سحر کرده بود حضرت جبرئیل علیه السلام معوذتین را آورد و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را طلب کرد و دو بیانی کردند که بر آن زده بودند بند دادند
گفت برو بچاه ذروان و با نفس خود بچاه برو و هر آیه از آن بخوان و گره از آن را
بگشای پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چون از چاه بیرون آمد حضرت مصطفی صلی
الله علیه وآله شفا یافت و همچنین بجهة آنحضرت سحر کردند و بچاه [illegible]
پس بیمار شد آنحضرت و در خواب بود که دو فرشته آمدند یکی پیش سر آنحضرت نشست
و یکی دیگر در نزد پای آنحضرت و خبر دادند که ترا سحر کرده اند و در چاه [illegible] ذروان
زیر سنگی نهاده اند در پوست شکوفه آنحضرت از خواب بیدار شد و امیر المؤمنین علیه السلام
و زبیر و عمار را فرستاد و ایشان آب از چاه را کشیدند و سنگ را کندند تا بیرون آوردند
و پوست شکوفه را بیرون آوردند موی سر آنحضرت [illegible] و شانه کردند [illegible] که
گره بر آن زده بودند و سوزن نهاده و آن را در پرده با چند [illegible] زدند و آن حال آیات معوذتین
نازل شد و هر یک آیه را که آن حضرت میخواند یک گره از آن گشوده میشد و خفت در آنحضرت پیدا
میشد تا آنکه سوره ها تمام شد آنحضرت برخاست چنانچه گویا از بند خلاص شده جبرئیل
هم میگفت بسم الله ارقیک من کل شیء یؤذیک من حاسد و عین والله یشفیک —

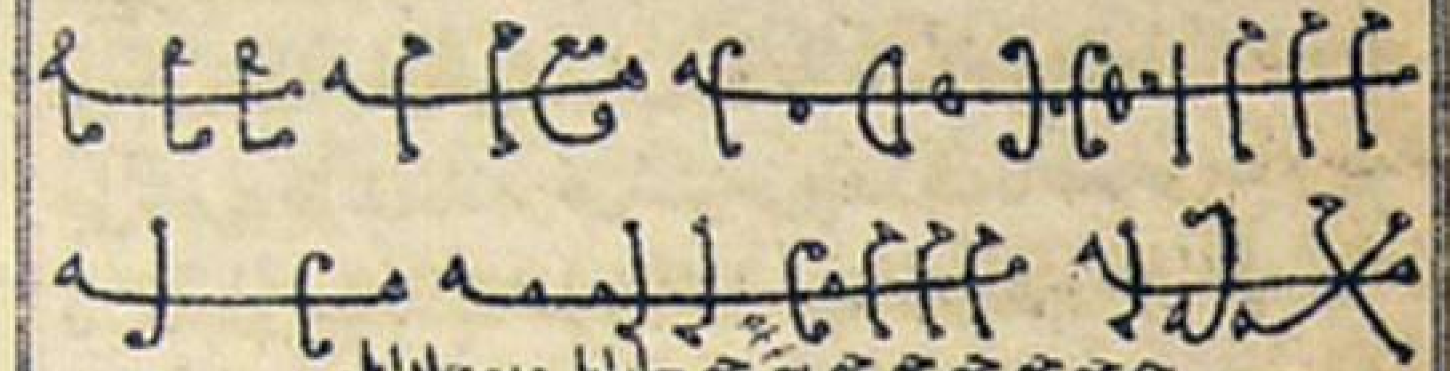
در نفقه [illegible]

همانا من شنیدم که پیغمبر خدا
صلی الله علیه وآله فرمود در
دو طرف صراط روز قیامت
رحم و امانت است پس چون بگذرد
بگذرد بر آن کسی که صله کننده
رحم و ادا کننده امانت است
در طرف صراط [illegible]
در آتش و در روایت دیگر است
و اگر بگذرد خیانت کننده در
امانت و قطع کننده رحم
دو خصلت نفع نمیدهد با ایشان عملی
دیگر و صراط او را بیفکند در آتش
حدیث هجدهم
صاحب تحف العقول از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده که [illegible] کمال در تمام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
میشود [illegible]
خرج کند پس هرگاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
زیاد [illegible]
روزند بگذارد تا آنکه [illegible]
سؤال [illegible]
شیخ فاضل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

افسون سحر بنویسد بر دو ورق بنادر و بر آنکس که بر او سحر کرده اند که رد شود قال موسی ما
جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین و یحق الله الحق بکلماته ولو کره
المجرمون و اوحینا الی موسی ان الق عصاک فاذا هی تلقف ما یأفکون فوقع الحق
و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک و انقلبوا صاغرین و هفت بار بگوید سنشد عضدک
باخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما و من اتبعکما الغالبون و از ابی عبد
الله علیه السلام فرموده که عورتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید که من شوهری
دارم که غلظتی نسبت بمن دارد و من عملی کرده ام که بمن مهربان شود فرمود که بالجمله
بد کرده و ملائکه زمین و آسمان بر تو لعنت میکنند چرا دین خود را فاسد کردی و تسبیب
میبود و عبادت میکرد و سر خود را نتراشید این خبر بحضرت رسول صلی الله علیه و آله
آنحضرت فرمود این عملها او را قبول نیست چه خدا را شریک داشتن از کافری بدتر است
و سحر و شریک شدن هستند و بهم نزدیکند افسون چشم زخم منقولست از زراره که
گفته که بعضند در سوراخ راست بینی چهار بار و در سوراخ چپ سه بار بدمد آن بگوید
که بسم الله لا باس اذهب الباس رب الناس و اشف انت الشافی لا یکشف الباس الا
انت **فصل ششم** در حرزها و دعاها از مهابیل بن ابی کتاب **حرز اول**
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود از برای کسی که بر او سحر کرده باشند یا صرع داشته باشد
یا خوف از پادشاهان یا شیطان یا جمیع آنچه مردم از آن ترسند یا او خون باین خون براد
بند دایم باشد از دزد و درنده و عقرب و مار و هر چیزی که مضرت بدو رساند در
ذات این است بسم الله الرحمن الرحیم ای کوش ای کوش ارشش عطنیطیح یا میططرون
فریالسون ما و ما سا ما طا سوما یا طیطشا لوش خیطوش مشفقیش مشا صعوش
اوطیعنوش لطیفشکش هذا هذا و ما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی موسی الامر
و ما کنت من الشاهدین اخرج بقدرة الله منها ایها اللعین بعزة رب العالمین اخرج
منها و الا کنت من المغرقین اخرج منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک
من الصاغرین اخرج منها مذموما مدحورا ملعونا کما لعنا اصحاب السبت و کان
امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المحرمین اخرج یا سورا سوا بالاسم المخزون یا مسطظرون
طرا عونا طرا عون تبارک الله احسن الخالقین یا اهیا شراهیا حیا جوما بالاسم

از سوی بن صلاح او نقل شده که
در توی شوهر سید لا محمود علی
خادم سمر چه کرده بندی از عجوز
ملا محمد تقی و ملا محمد صادق
آورد که شیخ ملا امید مفید بن ورع
ملا عبد الله شوشتری رحمت عصر
علوم شرعیه را استفاکرده از
درگاه که مواظبت فرما محمد تقی
پس از آن مسافرت کرد چون صحابه
شد و دارا با مر عبد که جناب ملا عبد
الله شوشتری نوحان ملا محمد تقی را
فرمود این را صرف نماید که حضرت
نماز خود نا نعرض کرده که نه که
اطلاع وا ماند ز آلت نستوانم
صرف نماییم خون خدمت اله
خود نسبت تفکت بعرض
رسانید فرمود که بیدر شما
دکا فی بدار د که غله ان نهاده
بیکرانت و از شما بی مخارج
شما است بخورید پس قسیم
آن کرده ام و با بخانه شده
نای شما شان سخت پیر مرکا
این مبلغ را بگیرید خال شما دو
درآمدی نشت مبشود و این مبلغ
تمام میگردد و شما دایر دل
خود را از تشویش بشدان و قرض
مخارج که خود صرف نماید
پس لاعن مرحوم کرامت بکم
از تنگی حال شما در غایت
احتیاط بجناب ملا عبد الله
خبر او را این شایسته نما نبت
جون خدمت ملا ما از مطلب
حرفی شان زده گواه دعا کرده

المکنون علی جبهة ابن اسرافیل الطاهر عن صاحب هذا الکتاب کل جن و جنیة و شیطان
و شیطانة و تابع و تابعة و ساحر و ساحرة و غول و غولة و کل متعبث و عابث یعبث
بابن آدم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین
و عترته الطاهرین



حرحر حرحر حر حر حر سر حر علا اهل و سر علا اهل

حرز امام زین العابدین بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله سددت افواه الجن
و الانس و الشیاطین و السحرة و الابالسة من الجن و الانس و الشیاطین و السلاطین و من
یلوذ بهم بالله العزیز الاعز و بالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون
الذی قام السموات و الارض ثم استوی علی العرش بسم الله الرحمن الرحیم و وقع
القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون ما لکم لا تناصرون قال اخسؤا فیها و لا تکلمون
و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما و خشعت الاصوات للرحمن فلا
تسمع الا همسا و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و اذا ذکرت
ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین
الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و
تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم
و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم حرز امام صالح علیه السلام و این را دفعه الحبشی گوید
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا اخسؤا فیها و لا تکلمون اخذت
سمعک و بصرک بسمع الله و بصره و اخذت قوتک و سلطانک بقوة الله و سلطان
الحاجز بینی و بینک بما حجز به انبیاءه و رسله و سترهم من الفراعنة و سطواتهم
جبرئیل عن یمینی و میکائیل عن یساری و محمد امامی و الله مطلع علی یمنعک و یحول
بینک و بینی بحوله و قوته حسبی الله و نعم الوکیل ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن

نوا خشان حق ... در دعای انجام
متجاب نمود و این سلسله
جلیله را از خاصیان ... بن
مروجین شریعت حضرت سید
المرسلین صلوات الله علیهم
قرار داد و بیرون را در ارایه
علامه مجلسی را فاش کند
بلا نکر دار این حدیث رحیب شد
بصیر در شفا ... و ثواب و
روایات و حکایات و مدح و
فوائد صبر بشمار است و حق
در اینجا اکتفا میکنم از آنها
بیک روایت و یک حکایت
اما روایت پس از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون
مؤمن را داخل قبر کنند نماز
در طرف راست او واقع شود
و زکوة در طرف چپ و بر
بصیر نیکو بر او احسان او مشرف
او شود و صبر او در ناحیه قرار
گیرد پس چون دو ملک سؤال
بیایند صبر گوید بنماز و زکوة
در بیرد ریابید شما صاحب خود
یعنی میت را نگاه دارید که
من هم نگاه حاضر شدید من هم
نزد آن **و اما** حکایت پس از
بعض تواریخ منقولست که یکی
از عبید جهان حکم عصبت کرد و که
کرد او را در جای تاریکی حبس
کنند و بند چند را اهل او اند
نماید پس چند روز برحال
او بگذشت روزی کسی که
فرستاد که او را خبر گیرد که در حال

فی آیة الکرسی تا تمام ثم قرأ بها خالد بن سوید و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
حرز امیر المؤمنین علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله رب اعوذ
بک وتوکلت علیک وفوضت امری الیک رب الحاجات ضعف تکلنی الی نفسی و تکلنی
مستجیرا بک مستنصرا لک مستغیثا بک علی ذوی التعزز علی والقهر لی والقوة
علی ضیمی والاقدام علی ظلمی یا رب انی فی جوارک فانه لا ضیم علی جارک رب فاقهر
عنی قاهری بقوتک واذهب عنی مستوهنی بقدرتک واقصم عنی ضائمی بسطوتک
رب واعذنی بعیاذک بک امتنع عائذک رب وادخل علی فی ذلک کله بسترک و
من یستتر بک فهو الامن المحفوظ لا حول ولا قوة الا بالله الذی لم یتخذ ولدا ولم
یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا من یک ذا حیلة فی
هذه او حول فی تقلبه او قوة فی امره فی شیء سوی الله عز وجل فان حولی و قوتی
کل حیلتی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
کل ذی ملک فمملوک لله وکل مقتدر دونه یفعل به الله وکل ظالم فلا یجیص له من
عدل الله وکل متسلط فمقهور لسطوة الله وکل شیء فی قبضة الله صغر کل
جبار فی عظمة الله ذل کل عنید لبطش الله استظهرت علی کل عدو و دوات بی
نحر کل عات ضربت باذن الله بینی وبین کل مترف ذی سطوة وجبار ذی نخوة و
متکبر ذی قدرة وعات ذی هلکة و والی ذی امرة وحاسد ذی ضغینة وماکر
ذی مکیدة وکل معان او معین علی بغائله منغر بها او حیلة او تنایر متلبسة او غیلة
مردیة وکل طاغ ذی کبریاء او معجب ذی خیلاء وعلی کل نفس فی کل مذهب واعددت
لتقوة ذریتی منهم حجابا بما انزلت من کتابک واحکمت من وحیک الذی لا یؤتی بنوره
من مثله وهو الکتاب المعتمد العزیز الجلیل الذی لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا
من خلفه تنزیل من حکیم حمید ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما کثیرا حرز دیگر برای تب
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو
مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور
فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و

او میرسید چون آن رسول آمد
او را با سینه گشاده دید بغش
ارسید دید گفت تو را بی تیغ
و بغض بینانت دل که چنانچه
که تو را سینه فراخی تنگ
نیکو گفتم معجونی نوشیده
کرده ام از شش چیز دانستم اما آن استعمال
کرده ام لاجرم از آن ایمان خالص
گذاشته است گفت کدام معجون
تعلیم ما نیز فرما که در ادویه
استعمال کنیم شاید تمام آن
استفاع ببریم فرمود آن شش چیز
یکی اعتماد بخداوند عز وجل آنکه
دانستم آنکه هرچه مقدر شده
خواهد شد سیم آنکه صبر یعنی
چیزهاست که آدم محتاج استعمال
آن بکند چهارم آنکه اگر صبر نکنم
چه بکنم پنجم آنکه شاید مصیبت
زائد شود که آنانی مصیبت بزرگ
باشد ششم آنکه از ساعتی تا
ساعتی فرج است چون [illegible]
[illegible] که
او را از زندان [illegible] کردند
او را احترام نمودند

حدیث نوزدهم

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که فرمود
خداوند عز وجل قرار داد از برای
شر و بدی قفلها و کلید
آن قفلها را شراب و بدتر
از شراب است فقیر گوید
روایات در مذمت شراب بسیار
است و بد است و مذمت و

بالفخر مشهور و علی السراء والضراء مشکور وصلی الله علی محمد وآله الطیبین
و این حرزیست که حضرت فاطمه علیها السلام بسلمان تعلیم فرموده بود و سلمان گفت
گفت که بیشتر از هزار کس از مردم مکه و مدینه که ایشان را تب میبود برکت این حرز شفا
یافتند باذن الله تعالی **باب دوازدهم** در نکتهای نوادر این کتاب که تمام است
هر بابی مشتمل بر یک فصل **فصل اول** در ذکر حقوق که بر آدمی لازم است از کلام امام
زین العابدین علیه السلام **اسمعیل بن فضل** روایت کرده از ثابت بن دینار الثمالی و او از امام
زین العابدین علیه السلام که آنحضرت فرمود که حق خدای تعالی بر تو آنست که او را پرستی و
هیچ کس را با او در عبادت شریک نگردانی هرگاه که چنین کردی باخلاص حق تعالی امر دنیا و
آخرت ترا بر عهده خود میگردد از غضوب تو خلاص و حق نفس بر تو آنست که او را در طاعت
خدای تعالی کار فرمائی و حق زبان آنست که او را عادت بخیر گفتن دهی از زیادتیها که
فائده در آن نباشد و با مردم نیکوئی کردن و سخن خوب گفتن و حق گوش آنست که
او را از شنیدن غیبت باز داری و از آنچه شنیدن آن حلال نیست نگاه داری و حق چشم
آنست که او را از آنچه دیدن او بر تو حلال نیست بپوشانی و بآن نظر نکنی در موضع [illegible]
و از چیزها عبرت بگیری و حق دست آنست که او را بچیزی که بر تو حلال نیست دراز نکنی
و حق پای آنست که بروی جائی که بر تو حلال نباشد که بآن پا بر صراط خواهی ایستاد نظر
کن که نلغزد تا در آتش بیفتی و حق شکم آنست که ظرف حرام نگردانی و زیاده بر سیری نخوری
و حق فرج آنست که او را از زنا نگاه داری و حفظ آن چنان بکنی که دیگری بآن نظر نکند
و حق نماز آنست که بدانی که برای جانب حق تعالی میکشد و در وقت نماز در نزد حق تعالی
ایستاده هرگاه که دانستی این را میبایستی در مقام ذلت و خواری و در مقام حقارت
و التماس و راغب و ترسنده و امیدوار و متضرع کنی بدرگاه کردگار و تعظیم کنی که بجا آوری
از او ایستاده بسکون و وقار و روی دل بیاوری بجانب نماز بجهت دو حقوق که نسبت بجای
فرموده حضرت کردگار و حق حج آنست که بدانی که آن وسیله ایست که میکشد ترا بجانب پروردگار
و گریختن است بسوی او از گناهان و در او است قبول توبه و ادای فرضی که بر تو واجب گردانیده
حضرت حق تعالی و حق روزه آنست که بدانی که آن حجابی است که حق تعالی بر زبان و گوش و چشم
و شکم و فرج تو نهاده تا بپوشاند ترا از آتش دوزخ اگر روزه نگیری [illegible]

فرمایش حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام که فرمود نمیابید
طعم ایمان را تا آنکه ترک کند
دروغ را خواه از روی شوخی باشد یا
از روی جد

حدیث بیستم

شیخ صدوق از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله روایت کرده
که فرمود شارب الخمر محشور
میشود روز قیامت در حالیکه
روی او سیاه و چشمانش کبود
باشد و دهانش کج شده باشد
کج دهانش و خارج باشد آب
دهانش بیرون کرده باشد
زبانش را از قفایش فقیر
گوید که در روایات مذمت شارب
الخمر بسیار است و روایت شده
که آن ام الخبائث و سر هر شری
و بگذر که برای شارب خمر ساعتی
که عقلش بوده شود [illegible]
بعد دیگر خود را و نگاه دارد [illegible]
مگر آنکه مرتکب آن شود [illegible]
مگر آنکه قتل آن کند [illegible]
مگر آنکه قطع آن کند [illegible]
مگر آنکه [illegible]
مست [illegible]
اگر [illegible]
نان [illegible]
باشد [illegible]
[illegible]
شارب خمر [illegible] هر گاه زنا
دهد [illegible]
بر زنا داده و تصدیق [illegible]

بابی و خود را از نوا بینی و حق صدقه آنست که بدانی که ذخیره آخرت تست نزد حضرت باری تعالی و امانتی است که بگواه حاجت ندارد و تو آنچه پنهان دهی اعتماد بیشتر کن بظاهر دهی و بدانی که دفع بلایا میکند از تو در دنیا و دفع آتش میکند از تو در آخرت و حق قربانی آنست که بجهت رضای خدای تعالی کنی نه بجهت خلق و نخواهی از آن الا رسیدن برحمت حضرت عزت و نجات و خلاص از آتش دوزخ در روزی که نباشد ترا هیچ مفر و حق سلطان آنست که بدانی که ترا فتنه او گردانیده اند و آنکه او مبتلاست بسلطانی بر شما و باید که سعی او تعرض نکنی که بسبب خود خود را بتهلکه انداخته باشی و در ظلم شریک او باشی و آنچه بتو از جانب او رسد بکشی و حق معلم آنست که تعظیم مجلس او بکنی و گوش او نیکو بداری و متوجه او باشی و آواز را بلند نکنی و نومید نگردانی که جواب او کرا او سؤال کند از چیزی الا آنکه خود جواب دهد و در مجلس او با دیگری سخن نگوئی و نزد او غیبت هیچ کس نکنی و هر کس که بد او گوید تو دفع آن از او کنی و اگر عیبی داشته باشد بپوشانی و اظهار نیکوئیهای او نمائی و با دشمنان او نگوئی و ننشینی و با دوستان او دشمنی نکنی هرگاه چنین کردی فرشتگان گواهی دهند که تو علم بجهت خدا آموختی برای مردم و الا حسرت خواهی خورد از جهان و حق پادشاه بر تو آنست که مطیع او باشی و از فرمان او در نگذری الا در چیزی که رضای حق در آن نباشد که اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست و حق سلطان بر رعیت آنست که بدانند که ایشان بجهت ضعف خود و قوت تو رعیت شده اند پس واجب باشد بر تو که میان ایشان عدالت کنی و کرم و رعیت را مطلوب است و همچون پدر مشفق باشی و تقصیر ایشان را ببخشی و تعجیل در عقوبت ایشان نکنی و بدانی که خدای تعالی بتو احسان کرده و غلبه بر ایشان را بجهت خود داده و لا حول و لا قوة الا بالله و حق مادر بر تو آنست که بدانی که او ترا برداشته در جائی که هیچ کس برنداشته و از میوه دل خود بتو داده آنچه دیگری را نداده و بتمامی دست و پای و چشم و زبان خود ترا حفظ نموده و در روز آفتاب ترا بسایه برده و بجوابی کشید برای تو و ترا از گرما و سرما نگاه داشته و مهر ترا در دل گماشته که از برای او باشی نمیتوانی که از عهده شکر او بر آئی مگر بیاری و توفیق الهی و حق پدر بر تو آنست که بدانی که او اصل تست و اگر او نمیبود تو نمیبودی پس هر گاه که در نفس خود چیزی ببینی که سبب عجب

در ذم شراب و [illegible]

و ایمن نشان او را در مال خود و بیمی خالی را اید است و مطلع باو اورده امانت وزد و بیع مکن و دکو صورتش مخند و مصافحه و معانقه با او مکن و اگر مریض شود او را عیادت منما و اگر بمیرد تشییع جنازه او منما و بنماز بر او حاضر مکن و مطلع شو بدانکه اگر لعنت نازل شود فرو گیرد هر که را اکه در مجلس است و نیز بشفیعه کرد آن شراب بخورد شود و بدانکه شارب خمر مثل بت پرست است و هر که شارب خمر تا چهل روز نمازش قبول نشود و شارب الخمر محشور شود در قیامت در حالیکه روی او سیاه گردیده و زبان در دهنش نمی آید و دیگر آنکه عمر را بگریه وحمی آید است لعنت میکند او را هر که بگیرند سر او از خلافت

حدیث بیست و یکم

شیخ جلیل علی بن ابراهیم قمی از پدرش از ابن ابی عمیر از جمیل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود بلی دو دنیا مصیبتی بدتر است از چند از فساد زنا بر نفاع خانه خدا بیت الله الحرام فقیر گوید که آیات و اخبار در مذمت زنا و مخالفت که دان بسیاراست و ترتیب مضمون چند روایت در مذمت و شیخ صدوق بعنایت کرده که در حلم و صیتهای حضرت رسول

و تکبر تو شود بدانکه پدر تو اصل نعمت تو بوده است پس شکر و ثنای حضرت عزت بجای آوری بقدر قدم از روی ادب برهمان و حق فرزند بر تو آنست که بدانی که او از تست و بتو منسوبست در دنیا و آخرت بخیر و شر و آنکه از تو پرسش خواهد شد از حسن ادب او و راه نمائی بطریق حق چه اگر چنین کردی یاری و مدد کار یکدیگر کرده باشی بطاعت حضرت عزت پس عمل کن در امر او مثل عمل آنکس که بداند که ثواب بیاید بر نیکوئی او و عقاب بیاید بر بدی او و حق برادر بر تو آنست که بدانی که او دست تست و بسبب عزت و قوت تست پس او را سلاح گاه خود مساز و به ظلم بر بندگان خدای تعالی مگردان و ترک مکن یاری کردن او را بر دشمنان او و نصیحت کن او را اگر اطاعت و فرمان برداری حق نمود فبها و الا خدای تعالی بر تو گرامی تر است از او و هیچ توفیق نیست مگر بتوفیق حق تعالی و حق مولای منعم تو بر تو آنست که ترا آزاد کرده و بدانی که او مال خود را در راه تو صرف کرده و ترا خریده از ذلت بندگی و وحشت آن بیرون آورده و بعزت آزادی نفس ترا اطلاق العنان ساخته و دست بندگی ترا گشوده و ترا از قید آن بیرون آورده و نفس ترا مالک تو کرده و ترا از برای عبادت پروردگار فارغ گردانیده و بدانی که نزدیکترین مردم بتو در حال الحیات و بعد از ممات او است و آنکه یاری دادن او بر تو واجب است و هیچ توفیق نیست الا بجانب خدای تعالی و حق غلام که آزاد کرده بر تو آنست که خدای تعالی آزاد کردن تو او را سبب نزدیکی بخود گردانیده و او را حجاب تو ساخته از آتش دوزخ و در این دنیا میراث را عوض آزادی او مال کرده بهای او را داده بود داده اگر او را میراث خواره دیگر نباشد و در آخرت بهشت بتو ارزانی فرموده و حق آنکه بر تو نیکوئی کرده آنست که شکر او بگوئی و احسانی که با تو کرده فراموش نکنی و میانه خود و خدا با اخلاص دعای او بجای آری هرگاه که چنین کردی هم سرًّا و علانیه شکر او کرده و اگر روزی قادر شوی که عوض نیکوئی او کنی باید که عوض آن نیکوئی او بجای آری و حق مؤذن آنست که بدانی که او خدا را بیاد تو میدهد و ترا بهره خود فائده تو یاری میکند بر ادای آنچه حق تعالی بر تو فرض گردانیده پس شکر او بقدیم رسان مثل شکر کسی که با تو احسان و نیکوئی کرده باشد و حق پیشنماز در نماز آنست که بدانی که او میانجی و پیغام رسان است میان تو و خدای تعالی و از تو بخدای تعالی سخن میگوید و تو از جانب او سخن نمیگوئی و او از برای تو دعا میکند و تو از برای او دعا نمیکنی و کفایت کرده

در فضیلت ورع و [illegible]

صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام آنست که یا علی از ربا هفتاد جزو است آسانتر آن مثل آنست که شخصی نکاح کند با مادر خود در بیت الله الحرام و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود هر که ربا بخورد حق تعالی شکم او از آتش جهنم پر کند بقدر آنکه ربا خورده پس اگر کسب کرده از آن مالی نه قبول میفرماید حق تعالی چیزی از عمل او را و همیشه در لعنت خدا و ملائکه او باشد تا وقتی که با او باشد یک قیراط و نیز فرمود بدترین کسبها کسب ربا است روایت شده از حضرت که فرمود هر که کسب کند مالی را از غیر حلال آن مال توشه او است بسوی آتش جهنم

حدیث بیست و دوم

شیخ صدوق از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت گفتم بحضرت صادق علیه السلام که چیست آن چیزی که ثابت دارد و محکم گرداند ایمان را در او و چیست آن چیزی که بیرون میکند ایمان را از بنده فرمود طمع است فقیر گوید که روایات در مذمت بسیار است و در مدح ورع و اجتناب ورع و پرهیز کردن از حرمات حرام و شبهات است از جمله حدیث بسیار است که حضرت صادق علیه السلام

زا هول ایستادن نزد حق تعالی پس اگر نقصانی باشد از او باشد نه از تو و اگر تمام باشد
تو با او شریک باشی و نباشد او را بر تو زیادتی پس نگاه داشته باشد او بنفس خود
و نماز ترا بنماز خود پس شکر او را بدین وجه باید کرد و حق همنشین آنست که نرمی
کنی بجانب او و در جواب تفضل و انصاف دهی او را و از مجلس بی اذن او بر نخیزی و اگر او
نزد تو نشسته باشد او را جایز باشد که بی اذن تو برخیزد و باید که لغزشهای او را فراموش
کنی و نیکوییهای او را یاد کنی و از او بغیر خیر چیزی نشنوانی و حق همسایه بر تو
آنست که اگر غایب باشد جانب او نگاه داری و اگر حاضر باشد او را گرامی داری
و اگر مظلوم باشد او را یاری دهی و اگر بدی از او ببینی او را بپوشانی و اگر بدانی که
نصیحت تو قبول میکند او را نصیحت کنی در آنچه میان تو و اوست و او را در سختی تنها نگذاری
و اگر لغزشی از او واقع شود بپوشانی و نگاه او را بپوشانی و با او صحبت خوب کنی
و هیچ کس را توانائی نیست الا بتوفیق حق تعالی و حق مصاحب آنست که با او صحبت داری
با انصاف و نیکوئی نمائی او را و گرامی داری همچنانکه او ترا گرامی داشته باشد و نگذاری که
او بر تو در نیکوئی سابق شود و اگر نیکوئی او بر تو سابق شود باید که عوض آن نیکوئی کنی
همچنانکه او کرده و اگر معصیتی از او ظاهر شود او را از آن منع کنی و باو رحمت باشی و
عذاب نباشی و هیچ کس را توفیق نیست الا بتوفیق خدای عز و جل و حق شریک بر تو آنست
که اگر غایب شود کفایت مهمات او را بر آوری و اگر حاضر باشد رعایت او کنی و بی حکم
او حکم نکنی و بی مشورت او برای خود عمل نکنی و مال او را نگاه داری و خیانت در
آن نکنی و بدانی که دست خدای عز و جل با شریکانست مادام که خیانت نکنند و
هیچ توفیق نیست الا بتوفیق خدای تعالی و حق مال تو بر تو آنست که بستانی آنرا از وجه
حلال و صرف نکنی او را الا در محل حلال و عمل کنی در آن بطاعت الهی و در آن بخیلی
نکنی که موجب حسرت و پشیمانی شود و هیچ توفیق نیست الا بتوفیق خدای تعالی و حق خود
آنست که اگر مال داری بقرض خواه ادا کنی و اگر نداری بسخن خوش او را خشنود سازی
و بلطف و ملایمت او را از خود دور کنی و اگر بدانی که تا قدرت بر آن پیدا کنی و حق کسی که
مال او با مال تو آمیخته است آنست که او را بر زیان نیندازی و هیچ چیز را بعد بپوشانی و او
فریب ندهی و ... از او و خدای تعالی بترسی و حق خصم تو که بر تو دعوی دارد آنست که اگر

در مدح ورع و ذم ...

عرض کرد که من همیشه شما را
ملاقات نمیکنم پس چیزی بمن
بفرما که بآن رفتار نمایم حضرت
فرمود ترا وصیت میکنم بتقوی
الله و ورع و اجتهاد و بدانکه
نفع نمیکند اجتهادی که ورع در آن
نباشد و فرمود آنحضرت نگاه مکن
بخواهی که در گوش شود چشمت
در بسی بسوی دنیا و آخرت پس
قطع کن طمع خود را از آنچه که
در دست مردم است و بنما خود را
در مردگان و مپندار نفس خود
را که از ایشان زیادتی داری و مر
ببیانش و حفظ کن زبان خود را
همچنانکه حفظ میکنی مال خود را
و از حضرت امام زین العابدین علیه
السلام روایت کرده که بود بدیکچیز
خیر و خوبی را که جمع شده بود
قطع طمع از مردم

حدیث بیست و سیم

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده که فرمود ان
با مرد نباشد سه خصلت
خواهد بود سه خصلت در دنیا
و سه خصلت در آخرت اما
سه خصلت در دنیا پس صبر
بود صورت را در دنیا و در ...
و بدی چیزی را و بخل میکند
فا و ... یعنی ... او را کرم میکند
و اما آن سه خصلت که در آخرت
برای او خواهد بود خشم ...
و بحساب ... دارد
فقیر گوید که بدا ...

آنچه بر تو دعوی میکند باطل باشد برفق و مدارا با او سخن بگوئی و غضب نیاوری و حق تعالی
در امر او و هیچ توفیق نیست الا بحق تعالی و حق خصمی که بر او دعوی داری آنست که اگر بود در حق
خود حق بجانب است میگوئی با او بنیکوئی جمل کنی و حقی که بر تو دارد انکار نکنی و اگر دعوی
تو باطل باشد از خدای تعالی بترسی و توبه کنی و تلافی آن بکنی و ترک آن دعوی کنی و حق کسی
که با تو مشورت کند آنست که اگر رای صواب داشته باشی او را ببیان آن دلالت کنی و خبر
دهی و اگر ندانی بکسی که داند راه نمائی و حق کسی که تو با او مشورت میکنی آنست که اگر رای
او با رای تو موافق نباشد او را متهم نگردانی و بعرض حمل کنی و اگر رای او موافق رای تو
باشد شکر ایزدی بجای آری و حق آن کسی که از تو نصیحت طلبد آنست که نصیحت کنی او را
لیکن بطریق رفق و رحمت ... او شفقت و حق نصیحت کننده بر تو آنست که مطیع و شنوی
و گوش بسخن او کنی اگر نصیحت بر وجه خوبی کند شکر الهی بتقدیم رسانی و اگر موافق
نگوید در آن متهم نباشد و دانی که خطا کرده او را بدان مواخذه ننمائی مگر آنکه متهم باشد
و محل اعتماد نباشد که تلقی مکن و اعتماد بر آن ننمائی و هیچ توفیق نیست مگر بجانب حق تعالی
و حق مرد پیر آنست که او را بجهت بزرگسال تعظیم کنی و او را بزرگ داری بجهت آنکه
پیش از تو باسلام در آمده و با او مقابله و مخاصمه نکنی و در راه بر او تقدم نکنی و در پیش او
نروی و او را نادان نشمری و اگر نادانی کند با تو تحمل کنی و او را گرامی داری بجهت حق
اسلام و حرمت آن و حق کوچک بر تو آنست که رحم کنی در تعلیم او و اگر گناهی از او صادر
شود عفو کنی و پرده عفو بر او بپوشانی و با او بنرمی سلوک کنی و یاری کنی او را و حق سائل
آنست که بقدر حاجت او با او چیزی دهی و حق مسئول آنکه چون چیزی به تو دهد
سپاس خدای تعالی بجای آری و سائل از او قبول کند از احسان او و شکر آن بگوئی
و اگر منع کند سائل را عذر او بپذیرد و حق آنکه ترا خوشحال میگرداند آنست که شکر
الهی بجای آری و بعد از آن شکر او را بگوئی و حق آنکه با تو بدی کرده آنست که عفو کنی
از او و اگر دانی که عفو مضرت دارد او را انتقام بکشی از او همچنانکه حق تعالی فرموده
وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ و حق اهل ملت تو آنست که سلامتی
و رحمت خواهی از حضرت عزت برای ایشان و مکافات بدی ایشان بجای آری و با ایشان
الفت ورزی و باصلاح حال ایشان نمائی و شکر نیکان ایشان را بتقدیم رسانی و منع

در عقوبت زنا و لواط

این مضمون بسیار است و اگر
نطفه خود را در رحم زن نامحرم
میریزد همان زنا است
شیخ صدوق ره روایت کرده
از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله که بر آدم علیه السلام گریه
تو خدا از کسی که بکشد پیغمبر
یا امام را یا خراب کند کعبه را
که خدا قبله بندگان
خود قرار داده یا داخل کند آب
خود را در زنی که حرام است
و روایت شده که از برای زنا شش
تناه علامت است که ...
بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله
اجمعین دوم آنکه حبس کرد
زناکند بان حرامی را از او خلق شد
که زنا باشد سیم اشخاص را
بعد از جهاد زن بمحضر باشد
برای مردم و کسی که زنا باشد
بحضرتش با اولاد ... یا اولاد
زنا است با ... و ...
معصیت لواط از زنا بیشتر است
و حق ... فرمود
بجهت ارتکاب ایشان لواط را
و روایت شده که لواط ...
دوات و داخل کردن ...
کفر بخدای عظیم است
هر که جمع شود با پسری
...
ادرا ... خشم خدا و لعن
حق شد برای ... و مهیا کند
برای او جهنم را و ... جای

آزار و ایذاء از ایشان نمائی و آنچه از برای خود میخواهی و میپسندی برای ایشان بخواه و بپسند و آنچه از برای خود نمیپسندی برای ایشان مپسند و با بزرگتر از ایشان را بمنزلهٔ پدر خود دانی و جوانان ایشان را بمنزلهٔ برادران و زنان ایشان را بجای مادر و کوچکان ایشان را بمنزلهٔ فرزندان و حق اهل ذمه بر تو آنست که قبول کنی از ایشان آنچه خدا از ایشان قبول میفرماید و ستم نکنی بر ایشان مادامی که ایشان بعهد الهی وفا نمایند و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **فصل دوم** در ذکر بعضی از کلمات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله در باره از مناهی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده از طعام خوردن با جنابت که موجب درویشی است و از ناخن بدندان چیدن و مسواک در حمام کردن و در مسجد آب دهان انداختن و خوردن طعامی که از موش باقی مانده باشد و از گذشتن مسجد الا آنکه دو رکعت نماز بگذارد و نهی فرموده از بول کردن در زیر درخت میوه دار و در میان کوچه و از خوردن طعام بدست چپ و تکیه کردن و از سجده کردن بر گچ و نماز گذاردن در گورستان و بول کردن در آب ایستاده که سبب بی عقلی است و از نرد کردن و بیلک کفش و از نوحه گری کردن در مصیبت و گوش پاره کردن و از دنبال زنان بجنازه رفتن و از سیاه کردن نام بابی من در مصحف نوشتن با آب و از خواب دروغ تعبیر گفتن که بجزای آن در قیامت عذابش کنند که بر دانه جو گره بزند و نهی فرموده از صورت ساختن که در قیامت عذاب کنند که روح در آن بدمد و نتواند و از آنکه جانوران را با آتش بسوزانند و از سخن بسیار گفتن در وقت جماع و از سخن گفتن زن با غیر محرم بیشتر از پنج سخن که ضرورت باشد و از حکایت نمودن زن بدیگری آنچه میان او و شوهرش گذشته در خلوت و نهی فرموده از بازی کردن نرد و شطرنج و تمام آلات مناهی و زدن چنگ و نواختن عود و طنبور و از غیبت کردن و شنیدن و دعوت فاسقان قبول کردن و طعام خوردن و از سوگند بدروغ یاد کردن که موجب خرابی مملکت است و از حاضر شدن بر خوان شراب بر خوان طعامی که در آن شراب باشد و از درون حمام با ازار خود درآمدن و در حمام بی فوطه و از گفتن سخنی که در آن یاد خدا نباشد و نهی فرموده از خوردن میوه پیش از آنکه پخته و رنگین شود و فرموده که لعنت خدا بر شراب خوار است و آنکس که درخت انگور بقصد شراب نشاند و فشارنده شراب و فروشنده

جهنم ثقة الاسلام کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که سخن چینی بر عیبی از روی شهوت و دشمنی آنرا بکسی بگوید در روز قیامت

حدیث بیست و چهارم
شیخ کلینی روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود غیبت زودتر دین را ضایع میکند از آدم از خوره که در اندرون باشد فقیر گوید که روایات در غیبت بسیار است و در بعضی روایات است که غیبت کنندگان در غیبت خورش سگهای جهنم است و غیبت کننده در جهنم پیوسته گوشت بدن خود را میخورد و از ... و از ایشان بگوید ... از جهانی که است که اهل جهنم آنرا بازی کردند از عذاب ایشان در آزار باشند

حدیث بیست و پنجم
شیخ صدوق روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی که هر که سخن چینی کند میان دو کس مسلط کند خدا بر او در قبرش آتشی که بسوزاند او را تا روز قیامت پس چون از قبر خود بیرون آید مسلط فرماید خدا بر او ماری سیاه بزرگی که گوشت او را بدندان بکند تا داخل جهنم

آن و خورنده آن و فروشنده آن و خریدنده آن و قیمت آنرا یاد کردن و از بهای آن خوردن و فرموده که هر کس که شراب بخورد نماز او قبول نیست تا چهل روز و اگر بمیرد و در شکم او باشد عذاب کند با شامیدن چرکها که از مردم دوزخ جدا شده باشد از فرج زناکاران و نهی فرموده از شعر گفتن در مسجد و شمشیر کشیدن برکسی در مسجد و از زدن بر روی چهارپایان و از نگریستن بر عورت مردم و از نگریستن زن در عورت زن و نهی فرموده از نماز گذاردن در دور خانه هائیکه اکثر مینشینند بر نام کعبه و از داغ کردن روی چهارپایان و از سوگند یاد کردن بغیر خدا و فرموده که هر که سوگند یاد کند بغیر خدا او را از خدا نصیبی نیست و از سوگند یاد کردن بسلب سوره قرآن و اگر چنین کند بهر سلبی بر کفاره لازم است و نهی فرموده از نشستن در مسجد با جنابت و بی غسل بودن در وضو و شب و از حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه و از سخن گفتن در وقتیکه خطبه خوانند در روز جمعه و اگر سخنی گوید چنانست که نماز جمعه نگذارده باشد و نهی فرموده از نقش کردن جانوران در نگین و از خوردن آب چون چهارپایان با نکه دهن در آب کند بلکه بدست بیاشامد و از آب فضله در چاه انداختن و از آنکه کسی زاد و کار در راه ... و مردان کار زنان را بکنند و از دوری از دوستان مگر که ضرورتی باشد تا شرور دور نتوان کرد و از فروختن طلا بطلا که بیش باشد و فرموده که کسی که سلطان را بر جور یاری کند با ظالمان بدوزخ رود و فرموده که کسی خانه بسازد زیاده از حاجت بر او روز قیامت بگردن او کنند با هفت طبقه زمین و فرموده که کسی که ظلم کند در مزدی که بجهت او کار کرده باشد بوی بهشت نشنود با آنکه بوی آن از پانصد ساله راه میرسد و هر کس که قرآن تعلیم کند و بعد از آن فراموش کند بهم آید و بگردن او کنند در دوزخ مگر حق تعالی او را بیامرزد و هر کس که قرآن خوانده باشد و حرام بخورد و میل بدنیا کند بعذاب خدا مبتلا شود مگر که توبه کند و هر کس که زنا کند و بی توبه بمیرد حق تعالی سیصد شعله از آتش در قبر او پیدا کند که مار و عقرب در آن باشند و او را گزند تا روز قیامت و چون از گور برخیزد مردم از بوی بد او در عذاب باشند و فرموده رسول صلی الله علیه و آله که کسی که راضی نباشد بر زنی که خدا با او داده و شکوه کند عمل حسنه او قبول نشود و خدای عز و جل از او بخشم شود مگر که توبه کند و فرموده که کسی که ظلم کند در مهر زن خود چنانست که زنا کرده و در روز قیامت از ثواب عملهای آن کس

جهنم شود فقیر گوید که روایات در مذمت نمام بسیار است و روایت شده که حرام شده بهشت بر نمام و در بعضی خبر مذکور است و در روایتی گفته ... بدترین آنها نمام است و بدترین اقسام نمامی سعایت است و در روایتی است که ... که سعایت کند نزد سلطان برای مردم روز قیامت ... شده باشد الی غیر ذلک

حدیث بیست و ششم
قطب راوندی روایت کرده از هشام بن الحکم روایت کرده که مردی از ملوک جبل از دوستان حضرت صادق علیه السلام بود هر سال بجهت ملاقات آنحضرت بحج میرفت و چون بمدینه میآمد حضرت او را منزل میداد و از کثرت محبت و ارادتی که باصحاب داشت طول میداد مکث خود را در خانه آنحضرت تا آنکه نوبتی مکثی امتداد یافت از آنکه از خدمت آنحضرت مرخص شد بعزم حج خواست حرکت کند ده هزار درهم بآن حضرت داد تا برای او خانه بخرد که هر گاه بمدینه بیاید منزل اصحاب شود آن مبلغ را تسلیم آنحضرت نمود و بجانب حج رفت چون از حج مراجعت کرد و بخدمت اصحاب شرفیاب شد عرض کرد که ...

دهند بمقدار مهر واگر ثواب نداشته باشد بدوزخ رود و نیز فرمود از پنهان داشتن گواهی که نزد او باشد در روز قیامت عذاب دهند که گوشت بدن خود را بخورد و فرمود که هر کس که بهمسایه آزار رساند بوی بهشت نشنود و بدوزخ رود و فرمود اگر چه همسایه بجا آورد دعا نیست و رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دایم جبرئیل وصیت من میکرد برعایت همسایه بر وجهی که گمان کردم میراث میبرد و همچنین وصیت میکرد در حق غلام و کنیز بنوعی که گمان من شد که تعیین وقتی میکند که چون بایشان برسد آزاد شوند آزاد میشوند و همچنین وصیت نمود بر بیداری شب که گمان من شد که امتان من شب خواب نخواهند کرد و همچنین وصیت میفرمود بمسواک کردن بنوعی که گمان کردم که فرض خواهد شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس که بفقیر مسلمان خواری کند همچنانست که بحق تعالی خواری کرده و در روز قیامت حق تعالی او را خوار میفرماید و دیگر فرمود که چون کسی را بشهوت بخوانند و او اجتناب کند از برای حق تعالی حرام گرداند حق تعالی بر او آتش دوزخ را و ایمن بود از فزع قیامت و داخل بهشت کند که بوعده حق فرموده و بعد از آن فرمود رساند و هر کس که چیزی بر او عرض کنند از امور دنیا و آخرت و او دنیا را اختیار کند او را نیکی نباشد در قیامت که بسبب آن از آتش دوزخ رستگار گردد و اگر آخرت را اختیار کند و دنیا را بگذارد حضرت حق تعالی از او راضی شود و گناهان او را بیامرزد و هر که چشمهای او از حرام پر باشد در روز قیامت پر شود از آتش دوزخ مگر که توبه کند و دیگر فرموده که هر که دست بدعوی نفی نهد که برادر مؤمن نباشد مستحق عذاب رب الارباب گردد و کسی که دست بر گردن زن نامحرم اندازد او را با شیطان بیک زنجیر در دوزخ اندازند و کسی که در حق برادر خود با مسلمانان غش و ناراستی کند از ما نیست و در روز قیامت با یهود انس حشر کند و دیگر نهی فرموده در آنکه یکی از همسایگان بازدارد از همسایه چیزی چند که در عادت است که همسایگان بیکدیگر دهند مانند نمک و آتش و هر که باز گیرد این را حق تعالی رحمت را از او باز گیرد و حاجت بحث نشود و هر که طپانچه بر روی مسلمانی زند در قیامت استخوانهای اعضای او خرد گردد و غل در گردن بدوزخ رود مگر توبه کند و هر زنی که شوهر خود را آزار رساند بزبان حق تعالی فرض و سنت او را قبول نکند اگرچه روز بروزه باشد و شب بنماز و همچنین مرد بنده آزاد کرده باشد و او را دل کسی نباشد که بدوزخ برد و تمام این چنین است حال مرد دیگر

دکان عطاری با دم رحمت فرمود و گفت این عالم این خانه است که آنرا چون آن عالم را خواندید که نوشته است بسم الله الرحمن الرحیم این قباله خانه ایست که جعفر بن محمد خرید از برای فلان بن فلان که حد اول آن خانه روا مع آب در فردوس برین و حد دوم ادعیه حد اول خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله حد دوم امیر المؤمنین علیه السلام حد سیم حسن بن علی علیه السلام حد چهارم حسین بن علی علیه السلام چون آن مرد آن نوشته را خواند عرض کرد فدایت شوم راضی هستم باین خانه فرمود که من پول خانه را بحق کردم به فرزندان حسن و حسین علیهما السلام قاصد و آدم که حق تعالی از تو قبول فرموده باشد و عوض تو در بهشت عطا فرماید پس آن مرد آن قباله را بگرفت و با خود داشت تا آنکه که ایام عمرش منقضی شد هنگام موت او را در یافت پس جمع اهل و عیال خود را در وقت وفات جمع کرده و ایشان را قسم داده وصیت کرد که چون من بمیرم این نوشته را در کفن من گذارید ایشان نیز چنین کردند و روز دیگر که بر سر قبرش رفتند همان نوشته را یافتند که در روی قبر است و در آن نوشته شده است که بخدا سوگند جعفر بن محمد علیه السلام وفا کرد بآنچه برای من

(گفت)

بر زن ستم کند و دیگر نهی فرموده از غیبت که هر که غیبت کند مرد مسلمانی را روزهٔ او باطل شود و وضوی او بشکند و در روز قیامت که بعرصهگاه در آید بوی دهان او از بوی مردار بدتر باشد چنانکه اهل عرصات از آن آزار یابند پس اگر پیش از توبه بمیرد مرده باشد که حق تعالی حرام خدا را حلال دانسته باشد و هر که چشم از نگاه شخصی فرو برد یا آنکه تواند که حق جزای او را بدهد حضرت عزت ثواب شهدا را بوی کرامت فرماید و دیگر آنحضرت فرموده که کسی که در مجلس غیبت برادری بشنود و او را از آن باز دارد حق تعالی باز میدارد از او هزار باب از شر دنیا و آخرت پس اگر باز ندارد او را و حال آنکه قادر بر آن بوده باشد گناه او مثل کسی است که هفتاد بار کسی را غیبت کرده باشد و دیگر نهی فرمود کسی را که خیانت کند در امانت و بصاحبش نرساند و بمیرد مرده باشد بغیر ملت من و حق تعالی از او بخشم بود و هر که گواهی دروغ بدهد بر بالای زبان او بزنند با منافقان در درک اسفل دوزخ و کسی که بخرد آنچه خیانت کرده اند و داند که خیانت است گناه آن خیانت کننده را دارد و هر که باز نگیرد از برادر مسلمانی حق او را حق تعالی برکت رزق بر او حرام نماید مگر که باز گشت کند و کسی که بشنود سخن فحش را و شهرت دهد گناه او بعد گناه آن کسی باشد که آن فحش گفته و دیگر فرموده که کسی که محتاج شود باو مسلمانی در قرض و آن قرض را بتواند داد و ندهد بوی بهشت نشنود و بر او حرام گردد و هر کس بد خلقی زن صبر کند بجهت ثواب الهی حق تعالی او را ثواب شاکران کرامت فرماید و هر کسی که گرامی دارد برادر مسلمانی را حق تعالی گرامی دارد او را و دیگر فرموده که هر که حاجتی از حاجتهای دنیوی برادر را سعی کند در آن حق تعالی هفتاد حاجت اخروی او را بر آورد و تا در آن سعی نماید پیوسته رحمت حق بر او رسد و از نفاق و آتش دوزخ برهد و کسی که بیمار شود یک شبانه روز و شکوه نکند در روز قیامت با ابراهیم خلیل الله باشد تا از صراط چون برق بگذرد و کسی که سعی کند در حاجت خشم از تمام گناهان بیرون آید اگر چه از خشنه از مردم خود شده باشد و دیگر فرموده که کسی که برادر زند بندهٔ مؤمن رحمت از رحمتهای الهی بسوی او گناهان پاک شود چنانچه از مادر متولد شده باشد و کسی که باطل کند حق مؤمن صاحب حقی را با آنکه ادا تواند کرد او را در هر روزی مقدار گناه عشار باشد و دیگر فرموده که حق تعالی میفرماید که من حرام کرده ام بهشت را بر بخیل و سخن چین و مست و کسی که صدقه دهد بمقدار کوه احد از نعمت بهشت

گفته و نوشته بود

حدیث بیست و هفتم

ابن شهرآشوب تا ابو بصیر روایت کرده که گفت من همسایه داشتم که از اعوان سلطان جور بود و مالی بدست آورده بود و کنیزان مغنیه گرفته بود و پیوسته جمعی از جماعت اهل لهو و طرب را بود و شراب میخورد و مغنیه برای او میخواندند و بجمع داشت با او پیوسته من از او اذیت میکشیدم بودم از شنیدن این منکرات لاجرم چند دفعه بوی او شکایت کردم او ترک نکرد لاجرم در این باب اصرار و مبالغه بسیار کردم جواب گفت مرا که ای مرد من مردی هستم مبتلا و اسیر شیطان و هوا و تو مردی هستی معافی پس اگر حال مرا عرض کنی بر صاحب یعنی حضرت صادق علیه السلام امید هست که خدا مرا از این نفس و هوی نجات دهد ابو بصیر گفت کلام او در من اثر کرد پس صبر کردم تا آنکه از کوفه بمدینه رفتم چون بشرفیابی خدمت امام علیه السلام رسیدم حال او را بآنجناب نقل کردم فرمود که … چون برگشتی بکوفه تو … بیاید پس بگو باو که جعفر بن محمد میگوید ترک کن آنچه را که بجا میآوری از منکرات الهی تا من ضامن شوم از برای تو در نزد خدا بهشت را پس چون بکوفه برگشتم

(بودم)

دیگر کسی که سعی کند در رسیدن صد فرد بحاجتی ثواب او بعدد ثواب صاحب صدقه باشد
دیگر کسی که نماز گذارد بر میتی براو نماز گذارند هفتاد ملک و از گناهان کرده آمرزیده
شود و اگر بایستد تا او را دفن کنند بهر یک گام قیراطی ثواب بوی داده شود و قیراط مقدار
کوه احد است و کسی که اشک بریزد چندانکه از ترس خدای تعالی او را باشد بهر یک قطره یک قصر
در بهشت باشد که هیچ چشمی او را ندیده باشد و فرموده که کسی که بمسجد رود بطلب جماعت ثواب
او را بهر گامی هفتاد هزار حسنه دهند و هفتاد هزار سیئه محو میکنند و هفتاد هزار درجه
بلند میکنند و اگر در آن بمیرد حق تعالی هفتاد هزار ملک را تعیین فرماید که پرسش او کنند و
کسی که بانگ نماز گوید بجهت خدای تعالی او را ثواب چهل هزار شهید و صدیق باشد و در
شفاعت داخل باشد و مؤذن چون بگوید اشهد ان لا اله الا الله هفتاد هزار ملک
طلب آمرزش برای او کنند و در روز قیامت در سایه عرش باشد تا حق تعالی از حساب خلایق
فارغ شود و چون میگوید اشهد ان محمدا رسول الله چهل هزار ملک طلب استغفار میکنند
برای او و کسی که حاضر شود در صف اول و در یابد تکبیر اول از نماز جماعت رعایت کند و
ثواب مؤذن باشد در دنیا و آخرت و کسی که پیشوای جماعتی کند در تعلیم احکام جماعت
تعیین احوالات ایشان در تعلیمات دستهای او بغل پیوسته باشد برگردن او اگر
راستی و نوبت میان ایشان نیکو بوده باشد حق تعالی او را خلاص کند و اگر در آن ظلم نموده
باشد با تش دوزخ در رود و آنحضرت فرموده که گناه را حقیر ندانید اگر چه اندک باشد
در نظر شما پس بدرستی که گناه اگر بر آن مصر میشوند کوچک نیست اگر از آن توبه میکنند
بزرگ نیست و منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که این حدیث منقولست از خط حضرت
امیر المؤمنین و امام المتقین علی المرتضی علیه التحیة و الثناء باملاء رسول الله صلی الله علیه
و آله **فصل سوم** در وصیت کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله مرا گفت که یا علی ترا وصیتی چند میکنم ترا یاد گیر و فراموش مکن یا علی آنکس که فرو برد
خشم خود را و وفا دار باشد بر آنکس که خشم کند بر او و نکند حق تعالی او را در روز قیامت
با ایمان و کرامت فرماید که دلتنگ تنها او را زهره لذتها نیکو باشد یا علی آنکس که وصیت نکند
در وقت مردن ناقص باشد در مروت و محروم باشد از شفاعت من یا علی افضل ا

کردم مردمان بجنین مرا ابن
امردم بحدیث مرا که چون
خواست بروم مرا او را بحکاه
داشتم تا آنکه منزل او را ندیدن
خالی شد پس گفتم او را امروز
هفتا من حال را بجناب صادق
علیه السلام عرض کردم فرمود که
او را اسلام برسان و بگو ترک کند
این حال خود را و من ضامن میشوم
برای او بهشت را امروز رفتم
این کلمات گفتم بگفت ترا
بخدا سوگند که جعفر بن محمد علیه
السلام چنین گفت همین ترا گفت
مرا این بگفت سوگند پس چند روزی
که گذشت بنزد من فرستاد و مرا
بنزد خود طلبید چون در خانه او
رفتم دیدم که برهنه در پشت در
است و میگوید ای ابو بصیر هیچ در منزل
خود از اموال ندارم هم بر من کرده
و الان برهنه و عریانم چنانکه
مشاهده میکنی چون حال او را دیدم
نزد برادران شیعه خود رفتم
و از برای او لباس جمع کردم و
او را بآن پوشانیدم چند روزی
نگذشت که باز بسوی من فرستاد
که من علیل شده ام بنزد من بیا
پس من پیوسته نزد او میرفتم و
معالجه میکردم او را تا آنکه
که مرگ او در رسید من نزد بالین
او نشسته بودم و او مشغول جان
کندن بود که ناگاه غشی بر او طاری
شد چون بهوش آمد گفت ای
ابو بصیر صاحب تو حضرت جعفر

که کسی صباح در آید و قصد نکرده باشد ظلم در حق هیچکس یا علی هر آنکه
هر آنکسی که مردم از زبان و دست او بترسند از اهل آتش است یا علی بدترین مردمان
آنکسی است که بفروشد آخرت خود را برای دنیای دیگران یا علی آنکسی که قبول نکند عذر
آنکس را که عذر گوید و اظهار عجز کند خواه راست باشد و در عذر گفتن خواه کاذب
محروم ماند از شفاعت من یا علی بدرستیکه حق تعالی دوست دارد دروغ که جهت صلاح
مؤمنان گفته شود و دشمن دارد راستی که جهت فساد حال مؤمنان کند یا علی آنکس که ترک کند
خمر خوردن را از جهت غیر خدای تعالی آب دهد او را خدای تعالی از شراب خالص آنکه نهی کرده
حضرت ما هر فرموده با وجود آنکه برای غیر خدای ترک کرده باشد پیغمبر فرمود بلی اگر چه از
جهت آن ترک کرده باشد که نفس او را مضرت برسد خدای تعالی او را اینجا میبخشد
یا علی شارب خمر همچو بت پرست است یا علی قبول نمیکند خدای تعالی نماز شارب الخمر را
تا چهل روز اگر در آن چهل روز بمیرد کافر مرده باشد یا علی هر مست کننده خواه بسیار
خواه کم حرام است اگر چه یک مثقال باشد یا علی همه گناهان در خانه است و کلید آن
در خوردن شراب است یا علی میآید بر شارب خمر که عقلش برود در آن ساعت خدای
خود را یا علی بدرستی که خراب کردن کوههای بلند آسانتر است از خراب کردن پادشاه
سلطنت کسی که سلطنت او منقضی نشده باشد یا علی هر کس که نفع نگیرد به دین خود دنیا
خود پس هیچ خیری نیست برای تو در نشستن با او و آنچه که برای خود نیکو نمیخواهی برای
دوست مدار تو او را مرحبا نگو و دوست مدار یا علی
کرده مردم مؤمن هشت خصلت باشد اول وقار در تمکین نزد اضطرابات دوم صبر نزد
عذاب سوم شکر نزد آسانی و نعمت چهارم قانع شدن بانچه روزی داده او را حضرت عزت
پنجم ظلم نکند بر دشمنان ششم شفقت خود را بار نکند بر دوستان هفتم بدن ایشان در
تعب بوده باشد و هشتم مردم از او در آسایش باشند و راحت یا علی چهار طایفه اند
که دعای ایشان رد نمیشود اول امام عادل دوم پدر که برای فرزند دعا کند سوم
مؤمن که دعا کند از برای برادر مؤمن خود غائبانه چهارم مظلوم که بعزتم و جلالم
یا علی هشت کس اند که اگر اهانت کنند ایشان را ملامت نکنند ایشان مگر نفس خود را
اول کسی که ناخوانده بطعام کسی رود دوم کسی که صاحب خانه کسی کند ...

بن محمد علیه السلام وفا کرد و فا
من با آنچه فرموده بود پس چون
فوت شد او را وداع نمودم بعد از آن
او چون بسفر حج رفتم و پس مدینه
مقدسه رسیدم خواستم خدمت
امام خود برسم در بخانه اذن
خواستم مرا داخل شدم چون داخل
خانه شدم یکپایم در دالان بود
و یک پایم در صحن خانه که حضرت
صادق علیه السلام از داخل خانه
مرا صدا کرد ای ابو بصیر ما وفا
کردیم برای رفیق تو آنچه را که
ضامن شده بودیم

حدیث بیست و هشتم

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که فرمود
بود امیر المؤمنین علیه السلام در
کوفه [illegible]

کسی که از دشمنان چیز طلبد چهارم کسی که عطیه خواهد از لئیمان پنجم کسی که داخل
شود میان دو کس در سری که او را داخل نکرده‌اند در آن ششم کسی که
سبکی کند با پادشاه و سخنان بی‌محل گوید هفتم کسی که بنشیند در جائی که لایق او
نباشد هشتم کسی که سخن گوید با کسی که گوش نکند بسخن او یا علی حرام شده است بهشت
بر هر بدکاری که شعار خود ساخته باشد فواحش را و باک نداشته باشد از آنچه میگوید
و آنچه از برای او میگویند یا علی خوشا کسی که دراز باشد عمر او و نیکو باشد عمل او
یا علی مزاح مکن که مزاح میبرد حشمت ترا و دروغ مگو که دروغ میبرد نور روی ترا
و بر تو باد که احتراز کنی از دو خصلت از تعجیل و اضطراب و کاهلی بدرستیکه اگر
تعجیل کنی صبر نمیکنی بر ادای حق کسی و اگر کاهلی کنی ادا نمیکنی حق کسان را یا علی جمله
گناهان را توبه است مگر بدخلقی را بدرستیکه هر کس بدخلقی کند هر چند بیرون میرود
از گناهی داخل میشود در گناه دیگر یا علی چهار چیز است که عقوبت زود میاید یکی
کسی که با وی نیکوئی کرده باشی و بجای نیکی بدی کند دویم کسی که با او جور و ستم نکرده
باشی و با تو جور و ستم کند سوم کسی که با او عهد کرده باشی و وفا کرده باشی بعهد
و او غدر کند با تو چهارم کسی که قطع صله رحم کند یا علی آنکس که اضطراب بر او
مستولی شد میرود از او راحت یا علی دوازده خصلت است در طعام خوردن که سزاوار
است مرد مسلمان را دانستن آن چهار فرض است و چهار ادب و چهار سنت اما
فرض بدانکه آنچه را میخورد حلال است یا حرام و بسم الله گفتن و شکر کردن و راضی
بودن بآن طعام اما سنت نشستن بر پای چپ و خوردن بسه انگشت و از پیش خود خوردن
و پاک کردن انگشتان بزبان اما ادب است که لقمه را کوچک بردارد و خوب بجاود و
کم نگاه کند بروی مردمان و بشوید دستهای خود را پیش از طعام و بعد از طعام
یا علی خلق کرده است خدای تعالی بهشت را از دو خشت خشتی از طلا و خشتی از نقره
و ساخته است دیوارهای آنرا از یاقوت و سقفهای آنرا از زبرجد و سنگ ریزه آنرا
از لؤلؤ و خاک آنرا از زعفران و مشک اذفر پس فرمود الله تعالی جنت را که سخن گو جنت
گفت لا اله الا الله الحی القیوم بدرستیکه سعادت یافت کسی که داخل شد در من پس
حق تعالی فرمود که بعزت و جلال من که داخل نمیشود در جنت شرابخوار و سخن‌چین و دیوث

[illegible]

حسن را شیعیان گران بکوشید که
دور باشد از معصیت که شیعیان
میگویند و زینت کنید خود را
بزرگواری و نگاه دارید خود را
از دشنام بعضی هر چند که خواهید
و اجتناب کنید از دروغ و دروغ
کنید از دشنام و انصاف دهید
مظلومان را با بعضی که عبادت
کنید از هر چیز که احتمال ریا دارد
آن عبث و تمام دهید
[illegible]
مردمان را و فساد نکنید در
زمین پس میگردید رحمت او را
که بعد از آن بهیچ وجه
برای دوری مردمان
حدیث بیست و نهم
شیخ کلینی ره روایت کرده که
مردی از اهل کوفه بحضرت صادق
علیه السلام عرض کرد یا ابن رسول
الله دیدم در خواب که گویا بیرون
شدم از شهر کوفه در موضع
که میشناسم ناگاه دیدم شبحی
از خشب یا مردی را تراشیده از
چوب را که بر اسب چوبی سوار
چوب میزد و من نگاه میکردم
[illegible]
کرد [illegible] حضرت فرمود
تو مردی هستی که اراده کرده
[illegible]
بجواهر آن چیز که اسباب زندگی
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و شرطی یعنی کاتبان دار القضا که بناحق چیزها نویسند و مخنث و گورکن و کسی
و کسی که قطع صله رحم کند و قومی که میگویند جمیع افعال از بندگان نیست همه فعل خداست
و بنده را در آن دخلی نیست یا علی سوگند بخدا که کافر شده‌اند از امت من ده کس کشنده
مسلمان بغیر حق و ساحر و دیوث و جماع کننده زنی که جماعش حرام است و جماع کننده
بهیمه و آنکس که نکاح کند محرم خود را و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که بفروشد اسلحه
حرب را مثل تیر و شمشیر و نیزه و غیره بدشمنان و کافران حربی و کسی که مانع زکوة باشد و کسی که
حج بر او واجب شده باشد و تقصیر کند و بمیرد و حج نکرده باشد یا علی ولیمه نیست
مگر در پنج چیز اول در نکاح دویم در تولد پسر سیم در ختنه چهارم در خانه خریدن پنجم
کسی که از مکه آمده باشد یا علی سه چیز است که از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت
اول عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کرده باشد دویم صله رحم بجا آوردن و پیوستن بکسی
که از تو بریده باشد از خویشان و دوستان سوم حلم کردن با کسی که با تو جهل ورزد
یا علی غنیمت دان چهار چیز را پیش از چهار چیز جوانی پیش از پیری و تندرستی پیش از
بیماری و توانگری پیش از درویشی و زندگی پیش از موت یا علی مکروه میدارد الله تعالی
از امت من بازی کردن در نماز و منت نهادن در صدقه و جنب رفتن در مسجدها و خنده
کردن میان گورستان و مطلع شدن در خانه‌ها بر عورات مردمان و نظر کردن بفرج
زنان زیرا که موجب کوری است و مکروه است خواب میان شام و خفتن زیرا که
آن روزی را کم میکند و مکروه است غسل کردن در جائی که حجابی نباشد و مکروه است در
آب جویها بی فوطه زیرا که آنجا ملکها اند و مکروه است داخل شدن در حمام بی فوطه
و مکروه است سخن گفتن میان بانگ نماز و اقامه در نماز صبح و مکروه است خواب کردن
بامی که آنسان مفروش نباشد و مکروه است در کشتی نشستن در وقت اضطراب دریا و مکروه
است خواب کردن در خانه تنها و حرام است جماع کردن با زن خود در حال حیض زیرا که فرزندی
که حاصل میشود جذام داشته باشد یا برص پس ملامت نکند مگر نفس خود را زیرا که
و مکروه است سخن گفتن با کسی که جذام داشته باشد مگر آنکه میان ایشان قدر یک ذراع فاصله
باشد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی بگریز از کسی که جذام دارد چنانکه میگریزی
از شیر و مکروه است جماع کردن با زن خود در حالیکه محتلم باشد و غسل نکرده زیرا که

[illegible]

گفت شهادت میدهم که علم تو
عطا شده و بر همه
از معدن خیر و علم تو یا ابن
رسول الله از آنچه که بر تو
بیان کرده
[illegible]
[illegible]
قصد کردم که آنرا
بقیمت بیشتر
[illegible]
[illegible]
[illegible]
عرض کرد یا ابن رسول الله
[illegible]
است و من
[illegible]
کرده بودم و نیت نموده بودم
آنگاه گفت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
امانت را بکسی که
[illegible]
سید الشهدا علیه السلام
حدیث سی ام
روایت کرده شیخ طوسی ره از
حضرت صادق علیه السلام که
گفت بودم نزد حضرت صادق علیه
السلام در وقت احتضار
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فرزندی که خاص او میشود دیوانه باشد و ملامت نکند مگر نفس خود را زیرا که این کار را
خود کرده است و مکروه است بول کردن در کنار آب روان و مکروه است حدث کردن در
زیر درخت میوه دار و مکروه است در رفتن در خانه تاریک بی چراغ یا علی ده خصلت
وسعت افزای روزی است کرم چنین یا علی آنکه بترسد از خدای تعالی بترسند از او همه چیز و آنکه
نترسد از خدای تعالی بترساند خدای تعالی او را از همه چیز یا علی هشت کس اند که نماز ایشان
قبول نیست اول غلامی که از خواجه بگریزد تا باز گردد بسوی خواجه خود دویم زنی که با شوهر خود
ناسازگاری کند و شوهر از فعل او در غضب باشد سوم کسی که زکوة ندهد چهارم کسی که ترک
کند وضو پنجم کنیزکی که بی سرپوش نماز گذارد ششم امام قومی که ایشان
او را مکروه دانند هفتم کسی که مست باشد هشتم کسی که بول و غایط بر او غلبه کرده باشد
یا علی چهار کس اند که بنا کرده است خدای تعالی برای ایشان خانه در بهشت اول آنکسی
که جا دهد یتیمی را دویم آنکه رحم کند ضعیفی را سوم آنکسی که شفقت کند بر مادر و
پدر چهارم آنکسی که مدارا کند با غلامان خود یا علی سه چیز است هر کس که آنرا بجای
آرد او افضل مردمان است اول آنکسی که بجای آورد فرضهای خدای تعالی را پس او عابدترین
مردمان است دویم آنکسی که پرهیز کند از حرامها او پرهیزکارترین مردمان است سیوم آنکسی
که قانع شود با آنچه خدای تعالی باو داده است پس غنی ترین مردمان باشد یا علی سه چیز است که
طاقت ندارد این امت یکی مدارا و مواسات یاری کردن با برادران مؤمن در مال دویم
انصاف دادن مردمان از نفس خود سوم ذکر خدای تعالی در همه حال و ذکر خدای تعالی آن نیست که
گوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بگوید ذکر خدای تعالی آنست که چون وارد
شود بحرامی از خدا بترسد و ترک کند یا علی سه کس اند که اگر انصاف نکنی با ایشان ظلم کنند بر تو
اول مردمان پست را از ذل دویم اهل تو سوم خادم تو یا علی انصاف نمیگیرند سه کس از
سه کس آزاد از بنده عالم از جاهل قوی از ضعیف یا علی هفت چیز است که هر کس که این هفت
چیز داشته باشد بتحقیق که تمام کرده است حقیقت ایمان را و درهای جنت گشاده است
برای او اول تمام ساختن وضو دویم نیکو کردن نماز سوم دادن زکوة مال خود چهارم
منع کردن غضب خود از مردمان پنجم زبان خود را از بد گفتن باز داشتن ششم استغفار
از برای گناه خود کردن هفتم نصیحت کردن اهل بیت خود را یا علی چو بخانه روی

در فضیلت صلهٔ رحم

و ستوده ایشانرا اعظم
بمدح که خدا فرود بر تو پاکی را
میخواست ... فرو میخوانم
مرا فان کسانی باشم که خدا تعالی
کرده ایشان را بصله کردن رحم
و در وصف ایشان فرموده ق
الذین یصلون ما امر الله به
ان یوصل و یخشون ربهم و
یخافون سوء الحساب یعنی
پس و بوی بهشت
که حق تعالی خلق کرده بهشت را و
خوشبو گردانیده آنرا و بوی آن
تا دو هزار سال راه شنیده میشود
بوی آنرا عاق والدین و قطع
کننده رحم

حدیث سی و یکم

روایت کرده است شیخ صدوق
از ابو بصیر گفت مشرف شدم
بخدمت ام حمیده تا تعزیت گویم
حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام پس گریست حضرت حمیده
پس گریه کرد و گریستم و من
پس گفت ای ابو محمد اگر میدیدی
حضرت صادق علیه السلام را در
وقت موت هر آینه عجب میکردی
بکشاد چشمهای خود را و گفت
جمع کنید بنزد من هر کسی
که میان من و او قرابت و خویشی است
پس نماند کسی مگر آنکه جمع شدند
او را نگاه کرد بسوی ایشان
پس آنحضرت نظر کرد بسوی
ایشان و فرمود که شفاعت ما

کرده سه کس را اول کسی که توشه خود را تنها خورد دویم کسی که در بیابان تنها رود
و او را رفیق نباشد سوم کسی که در خانه تنها خواب کند یا علی سه کس را آنکه جنون بهم میرسد
ایشان اول کسی که تغوط کند در میان گورستان دویم کسی که در راه رود و در یک پای
کفش دارد و در دیگری ندارد سوم کسی که خواب کند در خانه تنها و کسی پیش او نباشد
یا علی سه چیز است که نیکوست در وقت گفتن دروغ اول کید کردن در حرب با دشمن دویم
وعده دادن با زنان از جهت صلاح ایشان سوم از جهت اصلاح میان دو کس که در میان
ایشان عداوت باشد یا علی سه کس اند که مصاحبت ایشان دل را سیاه و تباه میکند اول
نشستن با مردم اراذل دویم نشستن با مردم توانگر سوم سخن بسیار گفتن با زنان یا علی
سه چیز است که از حقایق ایمان است اول انعام کردن بدرویشان دویم انصاف دادن مردم
از نفس خود سوم علم بمردم تعلیم کردن یا علی سه چیز است که در هر کس که نباشد تمام نیست
عمل او اول پرهیزکاری که منع کند آنکس را از معصیت دویم خلق نیکو که مدارا کند بسبب آن
با مردمان سوم حلم که اجتناب نماید بآن از جاهلان یا علی سه چیز است که سبب فرح
مؤمن است در دنیا اول ملاقات کردن با برادران مؤمن دویم روزه گشودن با روزه دارها
سوم نماز تهجد گذاردن در آخر شب یا علی نهی میکنم ترا از سه خصلت حسد و حرص و کبر
یا علی سه چیز است که سبب علو درجات است و سه چیز است که سبب کفارات گناهان است اما
آن سه چیز که سبب درجات است اول تمام کردن وضوست دویم انتظار صلوة است سوم
رفتن بشب و روز بجماعات اما آن سه چیز که کفارات گناهان است یکی افشای سلام است بر
خاص و عام دویم اطعام طعام سوم نماز تهجد گذاردن در وقتی که مردمان در خواب
باشند تمام اما آن سه چیز که در هلاکت است یکی بخل است دویم هوای نفس سوم عجب اما آن
سه چیز که سبب نجات است اول ترسیدن از خدا در پنهان و آشکار دویم میانه بودن
در توانگری و درویشی در جمیع امور سوم حق گفتن در حال رضا و غضب یا علی یتیمی بعد از بلوغ
نیست بعد از شیر باز کردن و یتیم نیست کسی که بالغ شد و بعد از اسلام یا علی برو دو
سال راه جهت نیکوئی کردن با مادر و پدر یا علی برو یکسال راه دیگر جهت پیوستن
خویشان بکمیل راه جهت پرسش بیماران برو دو میل راه جهت مشایعت جنازه
برو سه میل جهت اجابت کسی که ترا طلبد برو چهار میل جهت زیارت برادر مؤمن خود

در استخفاف بصلوة

ینال شفاعتنا من استخف بالصلوة یعنی
شفاعت ما اهل بیت بکسی نمیرسد
که استخفاف کند بنماز یعنی بنا
خواندن و سبک شمرد و اعتنا و
اهتمام بآن نداشته باشد

حدیث سی و دویم

شیخ کلینی از ابو حمزه ثمالی روایت
کرده که گفت گفتم بحضرت امام
محمد باقر علیه السلام فدایت شوم
چه میفرمائی در حق مسلمانی که
برود بسوی مسلمانی بجهت ملاقات
او اذن طلبد و او در منزل باشد
و اذن ندهد او را و بیرون نیاید
که او را ملاقات نماید حضرت
فرمود ای ابو حمزه هر مسلمانی که
برود بسوی مسلمانی بجهت زیارت
او یا طلب حاجتی از او و او در منزل
باشد و اذن ندهد او را که داخل
منزل شود و بیرون نیاید بسوی
او پیوسته در لعنت خدا باشد
تا یکدیگر را ملاقات کنند ابو حمزه
گوید تعجب کردم گفتم هر دو
در لعنت خدا باشند تا هر دو
ملاقات کنند فرمود بلی

حدیث سی و سیم

سید رضی رضوان الله علیه
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که کلام در بند
تو است مادامیکه تکلم بآن نکرده
پس هرگاه تکلم کردی بآن میگردی
تو در بند آن پس حفظ کن زبان خود
را چنانکه حفظ میکنی طلا و نقره
خود را پس بسا یک کلمه که ربوده

بر دروغ میل برای کارسازی محبوب و ذوق عاشقانه و به دوستی میل جهت یاری کردن مظلومی و بر
باد امروز خواستن از حضرت آمرزگار یا علی مؤمن را سه علامت است اول نماز گزاردن
دویم زکوة دادن سوم روزه داشتن و متکلف را سه علامت است دوی که حاضر است تملق میکند
و دوی که غائب است غیبت مینماید دوی که مصیبت میبیند بوی شاد میشود و ظالم را سه علامت است
اول آنکه قهر میکند بر زیر دستان دویم آنکه گناه میکند با بزرگان سوم آنکه ظاهر میکند رعایت
ستمکاران ظلم و عداوت و اهل ریا را سه علامت است اول آنکه نشاط میکند در طاعت در برابر مردمان
دویم کاهلی میکند در طاعت وقتیکه تنها باشد سوم دوست میدارد که او را مدح کنند در جمیع
امور یا علی منافق را سه خصلت است یکی آنکه هر گاه که سخن گوید بدروغ گوید دویم آنکه وعده
دهد خلاف کند سوم آنکه امانت بدو سپارند خیانت کند یا علی نه چیز است که فراموشی میآورد
یکی خوردن سیب ترش دویم خوردن گشنیز سوم خوردن پنیر چهارم نیم خورده موش خوردن
پنجم خواندن کتابهای که بر سنگ قبور نوشته باشد ششم از میان دو زن گذشتن هفتم شپش
زنده انداختن هشتم حجامت کردن بر قفای سر نهم بول کردن در آب ایستاده یا علی عیش
مردمان در سه چیز است اول خانه فراخ دویم کنیزک خوش شکل سوم اسب خوش رفتار یا علی
خدا سوگند کرده که اگر مردمان ترک مواضع زیر چاهی باشند هر آینه خدا بر آنکه گریه بادی کرد ایشان را
از آن در چاه بیرون آورده و مسلط گرداند بر مردمان بندگان خدا را مرتبه و رفعتی که دولت و سلطنت
بر مردمان شریر اند یا علی آنکه که نسبت دهد خود را بغیر مولای خود پس او را لعنت خدا و
آنکه منع کند مزد مزدور را پس او را لعنت خدا و آنکه مسلمانی را بکشد بنا حق یا اجابت کند
کشنده مؤمنی را پس او را لعنت خدا یا علی مؤمن کسی است که مسلمانان از او ایمن باشند بر
مال و خون خود و مسلمان آن کس است که بی آفت باشند مسلمانان از دست و زبان او و مهاجر
آن کس است که دوری کند از گناهان خود یا علی محکم ترین ایمان کسی است که دوست دارد هر
دوستی را از برای خدا و دشمن دارد هر چه دشمن داشتنی است از برای خدا یا علی
هر که مطیع زن باشد خدای تعالی او را بر روی در دوزخ اندازد امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که پرسیدیم چه چیز است یا رسول الله اطاعت زن فرمود که اجازت دادن ایشان را بحمامها
و عروسیها و نوحهها و پوشیدن جامههای تنک نازک بحیثیتی که اندامشان تمام نماید یا علی
بد بختیکه حق تعالی برده است به سبب اسلام تکبری که در میان مردمان بود در زمان جاهلیت

در مدح سکوت

دنیوی را فقیر گویند
کر نفایات در مدح سکوت
بسیار است و مقام گنجایش
نقل نیست و من در اینجا اکتفا
میکنم باین چند شعر که از اهل
خبر و نقل شد
چو نیکو خوبی ز نادان بهتر است
در فتنه بستن دهان بهتر است
که گوید که بر لب بسته بهتر است
پشیمان نگشتم ز ناگفتن بسی
پشیمان گشتم ز گفتن بسی
شنیدن ز گفتن بود اندکی
کزین پر شود مرد از آن تهی
صدف زان بسی گوهر پر شود
کز آن پای تا سر همه گشت گوش
همه تن زبان گشت شمشیر تیز
خون ریزد زبان کند رنجش
حدیث شش و چهارم
شیخ صدوق روایت کرده که
حضرت صادق علیه السلام عرض
کردند که این خلقی که میبینید
تمام اینها از ناس و مردم محسوب
میشوند مگر بود بسیار از مردم
بودن آن کسی که ذکر کرده
منوال اینها و آنکسی که جهانرا
میبینند در حالی نیک و کسی
داخل میشود در چیزی که مهم او
نیست و کسی که مرا و جدال کند
در چیزی که علم بآن ندارد و
کسی که بنا دیدن خود بیند بیند
حالی و کسی که مرضی خود را
گذارد بدین نصیحت و کسی که

و تفاخر ایشان به پدران خود بنمایان وا آگاه باش که مردمان از نسل آدم اند و آدم از خاک است
و گرامی ترین ایشان نزد حق تعالی متقیان اند یا علی حرام است بهای چیزی سه و سگ و
شراب و مهر زن زانیه و رشوه گرفتن در حکم و اجرت کاهن یا علی هر که اموزد علم را که تفاخر
کند بر سفیهان یا جدل کند بر عالمان یا دعوت کند خلق را بسوی خود تا معتقد او شوند
و او را تعظیم کنند پس او از اهل دوزخ است یا علی هر گاه بنده وفات کند مردمان گویند
که چه چیز گذاشته است و فرشتگان گویند که چه پیش فرستاده است از عمل صالح یا علی دنیا زندان
مؤمنان است و جنت کافران یا علی مردن ناگاه راحت است از برای مؤمن و حسرت است
از برای کافر یا علی وحی فرموده حق تعالی بسوی دنیا که ای دنیا خدمت کن آن کسی را که خدمت من
کند و تعب ده آن کسی را که خدمت تو کند یا علی اگر چنانچه دنیا را نزد حق تعالی قدری بودی
پیش حق تعالی بمقدار پر مگسی نمیخورانید دنیا کافر را زیرا که عذاب یا علی هیچکس نیست از اولین
و آخرین الا آنکه تمنا کند در روز قیامت که ای کاش بغیر از قوت نبود او را هیچ زیادتی از قوت
مر یا علی بدترین مردمان آنکس است که راضی نباشد بقضای الهی یا علی نالۀ مؤمن
تسبیح است و صیحه او تهلیل است و خواب او بر بستر عبادت است و گردیدن او از پهلو به پهلوی
دیگر جهاد است در راه رب العباد یا علی اگر هدیه بیارند پیش من پای گوسفندی را هر آینه
قبول کنم و اگر طلب کنند مرا برای پاچه اجابت کنم یا علی بر زنان نماز جمعه نیست و
جماعت نیست و اذان و اقامت نیست و پرسش مریض نیست و تشییع جنازه نیست و دویدن
میان صفا و مروه نیست و بوسیدن حجر الاسود و تراشیدن سر نیست و متولیه قضاء
و مشورت کردن با آنها و ذبح کردن مگر در ضرورت و بلند گفتن لبیک در حج و
اقامت کردن نزد قبور و شنیدن خطبه و وکیل شدن از برای نکاح و بیرون رفتن از
خانه مگر برخصت شوهر پس اگر بیرون رود بی رخصت او لعنت میکند او را خدای تعالی و
جبرئیل و میکائیل و نباید که بدهد از خانه شوهر چیزی بکسی مگر برخصت شوهر و نباید که
بکند زن در حالیکه شوهرش از وی بغضب باشد اگر چه شوهر بر او ظلم کرده باشد یا علی
اسلام برهنه است و لباس او حیا است و زینت او وفا است و مروت او عمل صالح است و ستون
او ورع است و هر چیزی را اساسی است و بنیاد اسلام دوستی اهل بیت مصطفی
است یا علی بدخلقی شوم است و اطاعت زنان کردن پشیمانی و ندامت است یا علی اگر

در مذمت افتخار به پدران

مخالفت کند با یاران خود در حق
در حالیکه اینها متفق شده باشند
بر آن و کسی که افتخار کند به پدران
خود در حالیکه خوش خلق نیست
از کارهای خوب ایشان چنین
بمنزله خنک است یعنی چوب
خنک دان چوب در خرابی است
حکم برای بر خرابیست و شمعی
از آن را میکند و دوری از آنکه
با آن مجادله میکند بلکه
اصل خود همچنین کسی که خالی
از فضائل و کمالات پدران خود
او را دور میکند و لعنت بآن
میکند و الله احسن من قال
القائل بفخر بالعظم البالیه
لا بارک الله بکن ابن من شئت
واکتسب ادبا یغنیک محموده
عن النسب ان الفتی من یقول
ها انا ذا لیس الفتی من یقول
کان ابی حاصل آن است که
جاهلی که بزرگ نابینا بود
فرزندی کن بندار دست بود
چون شیر بخود سپه شکن باش
فرزند خصال خویشتن باش
حدیث شش و پنجم
شیخ صدوق روایت کرده از
جناب عبد العظیم ابن عبد الله
که گفت گفتم بحضرت امام محمد تقی
علیه السلام ای پسر رسول خدا
کن برای حدیثی که از پدران بتو رسیده
نقل شده باشد فرمود حدثنی ابی
عن جدی عن آبائه علیهم السلام
قال قال امیر المؤمنین علیه السلام

روی بهشت بر چیز بر پیران دو زبان بد نان است یا علی نجات یافتند از سگساران از
خدا و هلاک شدند بادکشان گاه از بیابانکی یا علی هر که دروغ بر من بندد پس مهیا سازد
جای خود را در دوزخ یا علی سه چیز است که زیاد میکند حفظ را و میبرد بلغم را خائیدن
کندر و مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت است و دهان را پاک کند و دیده را
روشن سازد و خدا را خوشنود کند و دندان را سفید میکند و حفر را میبرد و ذهن را تیز
و محکم میسازد بیخ دندان را و اشتها میاورد برای طعام خوردن و میبرد بلغم را و در حفظ زیاد
و حسنات زیاد و چندان میشود و فرشتگان را شاد میگرداند یا علی خواب بر چهار نوع است
اول خواب پیغمبران که ایشان بر قفا خواب کنند دویم خواب مؤمنان است که ایشان بر پهلوی
راست خواب کنند سوم خواب کافران و منافقان که ایشان بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم
خواب شیاطین که بر روی خود افتاده خواب کنند یا علی نفرستاد خدای تعالی هیچ پیغمبری را مگر
آنکه گردانید فرزندان و ذریه او را از پشت ایشان و گردانید فرزندان مرا از پشت تو
اگر تو نبودی مرا هیچ فرزندی نبودی یا علی چهار چیز است که میشکند پشت انسان را اول پیشوائی
که عاصی شده باشد خدا را و مردم مطیع او باشند دویم زنیکه شوهر او را حافظ کند
او با شوهر خود خیانت کند سوم درد بی درمان که مداوا نکنند چهارم همسایه بد یا
علی بدرستیکه عبد المطلب در حالت جاهلیت پنج چیز سنت و طریق خود ساخته بود که
خداوند عالم آیت قرآن فرستاد بر طبق آن و ثابت ساخت اول آنکه حرام نمود زن
پدر را بر پسر که زن پدر را به نکاح در آورد و آیه بر طبق آن آمد و لا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء
دویم آنکه گنجی یافت و بیرون کرد از آن خمس او بمستحقان رسانید و بر طبق آن این آیه آمد که
واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه تا آخر آیه سوم چون چاه زمزم را کند نام آن را نهاد
سقایة الحاج بر طبق آن این آیه آمد که اجعلتم سقایة الحاج چهارم دیه انسان که بناحق کشند
صد شتر قرار کرده بود حق تعالی آن را جاری داشت و تغییر نکرد در اسلام پنجم از برای طواف
عددی مقرر نبود نزد قریش پس او مقرر نمود که هفت بار طواف نمایند خدای تعالی جاری داشت
در اسلام و تغییر نکرد یا علی بدرستیکه عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و گوشتی
نخورد که نام بتان بر آن کشته باشند و میگفت که من بر دین جدم ابراهیم هستم یا علی عجب تر
مردمان از روی ایمان و عظیم تر ایشان از روی یقین قومی اند که میایند در آخر الزمان

لا یزال الناس بخیر ما تفاوتوا
فاذا استووا هلکوا یعنی حق
کرده مرا بعدم انجام از نیکی
علیهم السلام که امیر المؤمنین علیه
السلام فرموده همیشه مردم بخیر
و خوبی هستند مادامی که
تفاوت داشته باشند پس هرگاه
مساوی شدند هلاک شوند
گفتم زیاده بگو یا ابن رسول الله
باز حضرت از پدران خود امیر
المؤمنین علیه السلام نقل کرد که
فرموده که نگفتم شما اتفاقم
اگر آشکار شود عیب هر یک از
شما هر آینه دیگری دفن نکند
خواهد کرد گفتم زیاده بگو
یا ابن رسول الله باز نقل کرد
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که فرموده انکم لن تسعوا الناس
باموالکم فسعوهم بطلاقة الوجه
وحسن اللقاء یعنی که اموال
شما گنجایش مردم را ندارد پس گشاده
دهید ایشان را بگشاده رویی
و خوش برخوردی یعنی شما را
شنیدم از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که فرموده انکم لن تسعوا
الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم
جناب عبد العظیم گفت گفتم
بحضرت جواد علیه السلام که زیاده
بگو یا ابن رسول الله فرمود امیر
المؤمنین علیه السلام فرموده من
عتب علی الزمان طالت معتبته
هر که خشم گیرد بر زمان طول
خواهد کشید خشم او بعضی بلا

و پیغمبر نباشند و حجتها از ایشان پوشیده پس ایمان آورده اند بانچه پیغمبر آمده است
یا علی سه چیز است که صحت میکند دل را یکی کلام فی خانه شنیدن دویم طلب
صید کردن سیم بدر خانه سلطان رفتن یا علی نماز مگذار در پوست چیزی که گوشت
او را نمیخورند و مخور گوشت آن چیز را و نماز مگذار در زمینی که در آنجا دو لشکر جنگ
کرده باشند و در زمینیکه قوم ثمود و قوم عاد هلاک شدند یا علی بخور تخم مرغ
که دو طرفش مختلف باشد و بخور از ماهی که او را پوستی باشد که پولک داشته باشد
و بخور از مرغ که در پریدن بال خود بسیار جنباند و مخور از مرغ که در پریدن بال
خود را کم جنباند و بخور از مرغ آبی آنچه باشد او را سنگدان و حلقوم یا علی
هر چه صاحب نیش باشد از درندها و صاحب چنگ باشد از مرغها پس حرام است کلام
یا علی مکشد پدری را که پسر خود را کشته باشد یا علی قبول نمیکند خدای تعالی دعای
که فراموش کار است یا علی خواب عالم فاضل تر است از عبادت عابد بیخبر عالم
یا علی درست نیست روزه مستحب زن مگر باذن شوهر خود و درست نیست روزه
غلام و کنیزی که مال ایشان روزه نیست مگر باذن مالک ایشان و درست نیست روزه
مهمان که بر او واجب نباشد و جنس روزه نماید مگر باذن آنکه مهمان او است یا علی
روزه عید رمضان و عید قربان حرام است و در روز و لیک شب روزه داشتن و وصال
نکردن حرام است و روزه داشتن از برای آنکه با کسی سخن نگوید حرام است و روزه داشتن
از برای وقوع معصیت و کاری که در او گناه باشد حرام است و تمامی روزهای سال
روزه داشتن حرام است یا علی در زنا کردن شش خصلت است سه از آن در دنیا
میشود و سه در آخرت پس آن سه خصلت که در دنیا واقع میشود یکی آنست که حسن و رونق
زنا کننده را میبرد دویم فقر را زود میاورد سیم قطع روزی او میشود فاما سه
چیز که در آخرت واقع میشود آنست که حسنات او را میبرد دویم آنکه مغضوب خدای تعالی
میگردد سیم دائما در دوزخ باشد یا علی سود ناشروع هفتاد جزو دارد که زنا
کوچکترین آنان است که شخصی با مادر خود در کعبه زنا کند یا علی یک درهم سود
گناه آن عظیم تر است نزد حق تعالی از هفتاد بار زنا که با مادر خود در کعبه زنا کند
و خواهر خود کرده باشد در مکه یا علی هر که زکوة مال خود بمستحق ندهد و یا

زنان یکی دو تا نیست که خشم
آدمی بر طرف شود بلکه آن
بسیار و مکرر و از حد شمار
است لاجرم خشم ایشان طولانی
خواهد شد فقیر گوید
که بهمین مضامین اشعار از
حضرت در نهج البلاغة
اغضض علی القذی والالم ترض
ابدا یعنی خشم بپوش بر خار
که بر آن که از مکاره و رنج و
بلای دنیا و ناملایمات دوری
و رضا چشم بپوش و تحمل نکنی
و اگر خشنود نشوی هرگز
همیشه بحالت خشم و تلخی باشی که
کوه چه آنکه طبیعت بیا شود
بمکاره روایت شد که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام
فرمود به فرزند خود که اگر شما
را دو امر پیش از طرف راست
گردید بطرف چپ رود عذر خواهی
کرد دیگری قبول کن عذر او را
قال الرضا ع
کن فی الانام بلا عین ولا اذن
او لا مثل ابنا الایام مضطغن
قال الناس سد بحاجة غیرهما
اما عترت وانا کنه خورا
جناب عبد العظیم گفت گفتم
بگو فرمود که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده مجالسة الاشرار
تورث سوء الظن بالاخیار
مجالست و همنشینی با اشرار مردم
بد سبب بدگمانی شود با خیار
و مردمان خوب گفتم زیاده

وسلمان نیست و او معترف به محرم نباشد نبود خالق و خلایق یا علی کسی که زکوة
مال نداده باشد در آخرت طلب کند که برگردد به دنیا تا بدهد و اداء آن کند و بدین
معنی ناطق است قول الهی حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل
صالحاً یا علی ترک کند حج که استطاعت داشته باشد کافر است همچنانکه حق تعالی
فرموده و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن
العالمین یا علی کسی که استطاعت حج نداشته باشد که حج نماید خدای تعالی
او را برانگیزاند در قبر یهودی یا نصرانی یا علی صدقه دادن رد میکند قضا را اگرچه
آن قضا محکم باشد یا علی بخشش کردن بخویشان خود و خاطر جوئی ایشان سبب زیادتی
و زیادتی عمر است یا علی کسی که ابتدا نماید بخوردن نمک و ختم کند بخوردن نمک از هفتاد
و دو بلا شفا یابد یا علی اگر مرد در جنت بمقام اعلی برسد البته شفاعت کند پدر و مادر
و عم و برادران و خویشان خود را که با من بوده‌اند پیش از زمان نبوت یا علی عقل چیزی
است که بسبب آن حاصل میشود جنت و طلب رضای حق تعالی یا علی بتحقیق اول چیزی
که خدای تعالی آفرید عقل بود و فرمود آن را که بیا آمد فرمود که برگرد برگشت بعد از آن
حضرت حق تعالی فرمود بعزت و جلال من که نیافریدم چیزی را که عزیزتر باشد در پیش
من از تو و من بسبب تو میگیرم و بسبب تو میبخشم و بسبب تو میآمرزم و بسبب تو عقوبت
میکنم یا علی صدقه دادن بغیر خویشان درست نیست هرگاه که محتاج باشند یا علی
یک درهم صرف کردن در خضاب فاضلتر است از هزار دینار بذل صدقه کردن در راه
حق تعالی و در خضاب کردن چهارده خصلت است یکی آنکه باد را از گوشها میبرد دوم تیرگی
چشم را میافزاید سوم دماغ را نرم میکند چهارم بوی دهان را خوش میکند پنجم
بیخ دندان را محکم میسازد ششم بوی بغل را میبرد و زایل میگرداند هفتم وسوسه
شیطان را کم میشود هشتم فرشتگان از او خشنود و خوشحال میگردند نهم مؤمنان
بسبب آن عمل طلب بشارت میکنند دهم کافران از او ترسناک میشوند یازدهم آنکه
آن زینت مرد است دوازدهم پاکست سیزدهم منکر و نکیر از او حیا میکنند چهاردهم
او در قبر بسلامت و ایمن میباشد یا علی خیری نیست در گفتن مگر آنکه از او بفعل در دنیا
و خیری نیست در مجرد دیدن چیزی مگر از احوال صاحب آن واقف باشد و خیری نیست در بیعانی

هر ما فرمود که امیرالمؤمنین
علیه السلام فرموده بئس الزاد
الی المعاد العدوان علی العباد
بد توشه ایست برای سفر
مرای ستم کردن بندگان
خدای فقیر گوید که این
از کلمات حضرت امیر علیه السلام
است الکبر احد مصاید الملوک
و شاید است که مرا این چند
شعر را در ذیل این کلمه شریفه از
حکیم فردوسی نقل نمایم
برستم چنین گفت دستان که کم
که ای پور بد بد دستان ستم
اگرچه ترا بد دستان بی ...
فلک را دگر بد دستان ...
مکن تا توانی دل خلق ریش
دگر میکنی میکنی بیخ خویش
مکن تا توانی ستم بر کسی
ستمگر بگیتی نماند بسی
گفت گفتم زیاد کن یا بن
رسول الله فرمود که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرموده
قیمة کل امرء ما یحسنه قیمت هر
مردی به عدد آنست هر شخصی همان
چیزیست که نیکو میداند را
از هنر و علم و عرفان غرض
تحریص ... تحصیل ... کسب
کمالات ... و صناعات
خواندن خلیل بن احمد
گفته که بهترین کلمه ...
... طلب علم ...
قول امیرالمؤمنین علیه السلام
که فرموده قیمة ...

مگر آنکه عطیه از او بخشش نماید و خیری نیست در دوستی مگر آنکه او وفادار باشد
و خیری نیست در صدقه مگر بنیت کند و خیری نیست در وطن مگر آنکه در او راحت و خوش دلی
باشد و خیری نیست در عفت مگر آنکه پرهیزکار باشد یا علی در گوسفند هفت چیز
است که حرام است اول خون دوم محل ذکرش سوم انثیین چهارم مهره که در میان
پشت اوست پنجم غدد که در گوشت او میباشد ششم سپرز هفتم زهره یا علی
در خریدن چهار چیز براح و جا ... یکی در خریدن حیوان از جهت قربانی دوم
در خریدن کفن سوم در خریدن غلام و کنیز چهارم در کرایه راه مکه یا علی آیا ترا
خبر نکرده‌ام که از کیست که مشابه تر است بمن از مردم گفتم بلی یا رسول الله بعد از آن فرمود
آن کسی که خلق او بهتر باشد از خلق مردم و حلم او بیشتر باشد از حلم مردم و احسان
کرم او بخویشان خود بیشتر باشد از مردم و انصاف او بیشتر باشد از مردم یا علی هرگاه
که امت من در کشتی نشینند و خواهند که غرق نشوند این دعا بخوانند بسم الله الرحمن
الرحیم و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی
لغفور رحیم یا علی هرگاه که امت من خواهند که از درندگان بسلامت باشند این را بخوانند
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی تا آخر سوره یا علی
هرگاه که امت من خواهند که بسلامت باشند از دزدان در خانه و در اموال ایشان این آیه
بخوانند ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا یا علی هرگاه که امت من خواهند که از غم خلاص شوند
این کلمات را بخوانند لا حول و لا قوة الا بالله لا ملجأ و لا منجی من الله الا الیه
یا علی هرگاه که امت من خواهند که بسلامت باشند از سوختن این را بخوانند
ان ولیی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین و ما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما
یشرکون یا علی هر که از امت که ترس داشته باشد از سباع این را بخواند لقد
جاءکم رسول من انفسکم تا آخر سوره از آن بر طرف شود یا علی کسی که چهارپائی
رام او نشود این آیه کلام الله در گوش راستش بخواند رام شود و له اسلم من فی السموات

چیزیست که نیکو میداند گفت
گفتم زیاد کن یا بن رسول الله
فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام
فرموده المرء مخبوء تحت لسانه
یعنی مرد پنهانست در زیر
زبان خویشتن قیمت و قدر
مرد نمایان شود در سخن
و از اینجاست که فرموده
تکلموا تعرفوا تکلم کنید تا
شناخته شوید
چه قدر شیرین است آنکه
که گوهر فروش است ...
گفت گفتم زیاد کن یا بن
رسول الله فرمود حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرموده ما
هلک امرء عرف قدره هلاک
نگشت مردی که شناخت قدر
خود را گفتم زیاد کن یا بن
رسول الله فرمود که امیرالمؤمنین
علیه السلام فرموده التدبیر
قبل العمل یؤمنک من الندم
یعنی تدبیر پیش از عمل ایمن
دارد ترا از ... خواهی ساخت
ترا از پشیمانی فقیر
گوید که حضرت صادق علیه
السلام ... در وصیت
خود بعبدالله بن جندب فرموده
در آنجا که میفرماید یا ابن جندب
هر کار ... راه ...
شد در آن راه خارج ...
... نکرد ...
کار شوی و پشیمان شوی و
شیخ نظامی این را بنظم در آورده

وَالْاَرْضَ طَوْعاً وَكَرْهاً وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ یا علی کسی که در شکم آب زرد داشته باشد بنویسد بر شکم او این آیه را لکن بعد از آن بشوید و بخورد او و بعد از آن خلاص گردد باذن الله تعالی یا علی کسی که از ساحر و شیطان ترسد این آیه بخواند اِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ تا آخر و ترس او برطرف شود یا علی حق پدر بر پسر آنست که او را نام نیک نهد و ادب کند او را و در موضع خوب نشاند و حق پسر بر پدر آنست که باسم او نام نبرد و در راه پیش روی او نرود و پیش او ننشیند و با او در حمام نرود یا علی سه چیز است که موجب فنا میشود اول خوردن گل و خاک دویم پاره کردن ناخنها بدندان سوم جویدن ریش یا علی لعنت خدای بر پدر و مادری که اهمال و مسامحه کرده باشند اگر او را ایشان عاق و نافرمان بردار باشد یا علی آن چیزی که از عقوبت دنیا لازم فرزند میشود بسبب عاق شدن بر پدر و مادر همان لازم پدر و مادر است جهت عدم تعلیم ادب ایشان یا علی رحمت خدای بر پدر و مادری که فرزند ایشان با ایشان با ادب و نیکوئی باشد اگرچه ایشان مساهله نموده باشند در تعلیم ادب او یا علی کسی که ملول گرداند پدر و مادر خود را بتحقیق عاق شده است یا علی کسی که غیبت کند مسلمانی را پیش مسلمانی و او استطاعت منع کردن داشته باشد منع نکند او نزد خدای تعالی [illegible] دنیا و آخرت یا علی کسی که کفالت کند نفقه یتیمی را بمال او تا آنکه او غنی شود او از اهل بهشت است البته یا علی کسی که دست بر سر یتیمی مالد از روی ترحم الله تعالی او را عطا میکند بعدد هر موی یتیم نوری در روز قیامت یا علی هیچ فقری سخت‌تر از جهل نیست و مالی بهتر از عقل نیست و هیچ بدتر از عجب و تکبر نیست و عبادتی نیست مثل منع کردن نفس خود از چیزهای بد و حسبی مثل حسن خلق نیست و عبادتی مثل تفکر نیست یا علی آفت سخن گفتن دروغ است و آفت علم نسیان است و آفت عبادت فترت و آفت جمال عجب و تکبر است و آفت علم حسد یا علی چهار چیز [illegible] یکی طعام خوردن با کاهو که سبز باشد و [illegible] کردن در مهتاب سوم زراعت کردن در زمین شوره چهارم نکاح کردن پیش کسی که از اهل آن کار نباشد یا علی کسی که فراموش کند صلوات را بمن بتحقیق گم کند راه بهشت را یا علی دست را تا آرنج در دهان اژدها کردن خوشتر است از آنکه

فرموده
در سه کاری که [illegible]
بتحقیق میرسد شدت کن در
آنکه جای قدم استوار
نمائی منبر در طلب هیچ کار
گفتم که زیاد بن جعفر یابن
رسول الله فرمود حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرموده
دق بالزمان صرع هر که
اعتماد کند بزمان بر زمین
افکنده خواهد شد گفتم زیاد
بن جعفر یابن رسول الله فرمود حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
خاطر بنفسه من استغنی برأیه
در خطر افکنده خود را کسیکه
بی نیاز شد برأی خود یعنی
در مهمات تکیه برأی خود
نموده و مشورت نکرده
کردن با دانایان را عرض کنم
کرد زیاد بن جعفر یابن رسول الله
فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده قلة العیال احد الیسارین
کمی اهل و عیال یکی از دو
توانگریهاست در حالیکه اگر
هر که را اندک باشد عیال
[illegible]
اوسع [illegible]
حال بر ابن سؤال است گفتم
زیاد بن جعفر یابن رسول الله
فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده من دخله العجب هلک
هر که داخل شد بر او عجب در
خود پسندی هلاک شد گفتم

طلب تمام از لئیمی که منعم شده باشد یا علی انگشتر در دست راست کردن که فضیلت است نزد الله تعالی و مقربان را چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سؤال نمود که انگشتری در دست کنم حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که عقیق سرخ بدست کن که عقیق از کوهی است که اول اقرار کرده بوحدانیت خدای تعالی و بنبوت من و امامت تو و فرزندان تو و بر بهشت رفتن شیعیان تو و بدوزخ رفتن اعدای تو یا علی حق تعالی مشرف شد بدنیا چون او را از برگزیده از خلق عالم در روی زمین دیگر مطلع شد و برگزید بعد از من ترا از بر زنان عالم یا علی من نام ترا نزدیک نام خود در چهار محل [illegible] نظر کردم در آن شبی که مرا باسمان میبردند چون بمسجد بیت المقدس رسیدم دیدم که بر صخره نوشته که لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره پس از جبرئیل پرسیدم که وزیر من کیست گفت علی بن ابی طالب چون بسدرة المنتهی رسیدم دیدم که نوشته اند اننی انا الله لا اله الا انا وحدی محمد رسول الله صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره پس از جبرئیل پرسیدم که وزیر من کیست گفت علی بن ابی طالب علیه السلام و چون بعرش رسیدم دیدم که نوشته اند بر ستونهای او انا الله لا اله الا انا وحدی محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره یا علی بدرستیکه حق تعالی تفضل و رحمت کرده مرا بهفت خصلت که ترا است بدرستیکه تو اول کسی هستی که با من از قبر بیرون آئی و تو با من در صراط و اول کسی هستی که با من میباشی در منزلهای بلند بهشت و تو اول کسی که آشامی با من شراب طهور بهشت در ظرفهای سربمهر از عنبر و مشک بعد از آن پیغمبر صلی الله علیه و آله سلمان را نزد خود طلبید گفت چون مریض شوی سه چیز است اول آنکه خدا یاد تو میکند دویم دعای تو قبول میفرماید سوم مرض گناه ترا میبرد و خدای تعالی عافیت بتو کرامت نماید تا وقت اجل بعد از آن فرمودند بابی ذر رضی الله عنه که اجتناب کن از خواستن چیزی از مردمان که در دنیا سبب خواری است و در قیامت موجب حساب بی شمار ای اباذر خواهی زیستن تنها و خواهی مردن تنها و ببهشت خواهی رفتن تنها و قومی از عراق بسبب تو سعادت خواهند یافت که ترا غسل کنند و کفن و دفن نمایند یا اباذر از کسی چیزی مخواه و اگر چیزی بتو دهند قبول کن بعد از آن پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خبر دهم که بدترین مردمان در میان شما کیانند حاضران گفتند بلی فرمود که

زیاد بن جعفر یابن رسول الله
فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود هر آینه [illegible]
بالعطیه کسی که یقین کند بعوض
آنچه میدهد خدا میدهد
جوانمردی خواهد کرد در عطا
کردن زیرا که میداند که بدل آن
عطا باو میرسد فقیر
گوید که مضمون مطلب اشاره کرده
بعضی شعرا در مدح حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام که گفته
جاد بالقرص و الطوی ملأ جنبیه
و عاف الطعام و هو سغوب
فأعاد القرص المنیر علیه
القرص و المقرض الکرام کسوب
نقل است که جناب امیر المؤمنین
علیه السلام سقایت نخل فرمود
در عوض یک مشت از جو گرفت آنرا
با چرخ دستاس کرده نان پخت
چون خواست که افطار فرماید
سائلی بر در خانه اش آمد بحضرت
نان را با وی داد و شب گرسنه خواب
شاعر گفته که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بخشش کرد قرص نان
خود را در حالیکه از گرسنگی پهلو
[illegible]
خوردن طعام [illegible]
گرسنه بود چون قرص نان را بسائل
داد در عوض قرص خورشید
[illegible]
[illegible]
جناب عبد العظیم گفت گفتم
[illegible] یابن رسول الله فرمود امیر

بدترین شما آن کسانند که سخن چینی کنند و میان دوستان جدائی افکنند و عیب کنند
کسانی را که عیب نداشته باشند **فصل چهارم** در موعظه حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مر ابن مسعود را مرویست که عبد الله بن مسعود گفت من با پنج کس بخدمت رسول
صلی الله علیه و آله رفتیم و بغایت گرسنگی بر ما غلبه کرده بود چنانکه چهار ماه بغیر از
آب شیر و برگ درخت چیز دیگر نخورده بودیم گفتیم یا رسول الله تا کی این گرسنگی
خواهد بود آنحضرت فرمود که دائم در این گرسنگی خواهید بود پس بشکر الهی مشغول شوید
پس بدرستیکه کتاب الهی که نازل گشته بر من و بر انبیای پیشین تمام خواندم از تمام
آنکه کسی به بهشت رود مگر صابران که اجر ایشان بی حساب است پس سؤال کردیم که یا رسول
صابران کیانند فرمود که آنکه صبر کند بطاعات الهی و اجتناب نماید از معصیت ها
و کسب کاری پاکیزه کند و در معاش میانه حال باشد و صدقه کند اجر ایشان را دریابد
باشد پس ایشان رستگارانند ای پسر مسعود علامت صابران آنست که خشوع دارند
و وقار و آرام دل و قرار و تفکر نمایند در امور و بر نیمه پرهیزکاری کنند و نیکو فرمایند
مردان نمایند و در دوستی و خشم ایشان برای خدای تعالی باشد و ادای امانت شعار
ایشان بود و مسامحات اهل حق در شمار ایشان و عفو کنند از کسی که با ایشان ستم کرده
باشد ای پسر مسعود صابران چون مبتلا شوند صبر میکنند و چون نعمتی بیابند شکر
بجای آورند و حکم میکنند براستی و درستی میگویند براستی و وفا بعهد مینمایند
بدی توبه میکنند و غیبت نیکوئی شادان نباشند و چون جاهلان با ایشان تعرض نمایند
میکنند روان میگذرانند و اعراض مینمایند و شب متعبد خدا و در نماز مشغول لعبی
ضجعه میکنند و سخن نیک میگویند و بعضا اگر مرا حق بخلق فرستاده که این جماعت
صابرانند ای پسر مسعود حضرت معبود فرموده که افمن شرح الله صدره للاسلام
فهو علی نور من ربه یعنی بدرستیکه نور چون در دل افتد منشرح و گشاده میگردد و
پرسیدند که آیا نور در دل نشانه دارد فرمود بلی گذشتن از دنیا است و بناز گشتن با خرت
و مهیا شدن جهت مرگ پیش از آنکه فوت شود فرصت هر کس ترک دنیا کرد کوتاه
میشود امید او و هر که دنیا را با اهل دنیا میگذارد ای پسر مسعود معنی این آیه که
لیبلوکم ایکم احسن عملا آنست که شما را آزمایش میکنم که کدام ترک دنیا بیشتر میکنید

المومنین علیه السلام فرمود من
رضی بالعافیة ممن دونه رزق
السلامة ممن فوقه یعنی کسیکه راضی
میشود بعافیت از کسیکه پایین تر از او است روزی
او خواهد شد سلامتی از کسیکه
بالاتر از او است این حدیث را
عبد العظیم گفت که حضرت
جواد علیه السلام بمن انشاء
فرمود فی سنه
حدیث سی و ششم
شیخ صدوق رحمه الله روایت کرده
از جناب عبد العظیم که گفت
وارد شدم بر آقای خود حضرت
امام علی نقی علیه السلام چون
آنحضرت مرا دید فرمود مرحبا
بتو یا ابا القاسم تو دوست مائی
حقا پس عرض کردم
خدمت آنجناب که میخواهم
عرض کنم بر تو دین خود را
اگر پسندیده است بر آن ثابت باشم
تا خداوند عز و جل را ملاقات کنم
فرمود بیاور ای ابو القاسم
عرض کردم دین خود را گفتم من
میگویم که خداوند تبارک و تعالی
واحد است و شبیهی برای او نیست
خارج از حد ابطال و حد تشبیه است
و جسم و صورت و عرض و جوهر
نیست بلکه جسم‌ساز اجسام و
مصور صورتها و خالق اعراض و جواهر
و جوهرهاست و پروردگار و مالک
هر چیز است و خود صاحب اجلال

که خانه معمور داشت و خانه کسی است که خانه ندارد و کسی که عقل ندارد جمع میکند
و احمق مردمان آن کس است که طلب دنیا میکند و حق تعالی فرموده در شان یحیی که
و آتیناه الحکم صبیا یعنی ما در کودکی دادیم باو زهد و ترک دنیا و فرموده مر موسی را
که بهترین زینتها در نظر من زهد است چون فقر روی بتو کند مرحبا گو و اگر توانگری
روی بتو کند بگو گناهی بر ای پسر مسعود هر که مشتاق است بر بهشت باید که شتابد بخیرات
و هر که ترسد از آتش باید که اجتناب کند از شهوات و هر که مرگ را انتظار دارد باید
که بگذرد از لذات و هر که در دنیا زاهد باشد بلاها آسان گشت مصیبتها ای پسر مسعود
حق تعالی برگزید موسی را بکلام خود در مناجات کرد با او و وقتیکه رنگ سبزی از شکم او
میمود از لاغری ای پسر مسعود اگر خواهی بیان کنم جهت تو حال نوح نبی را که هزار و
پنجاه ماه کرد در دنیا زیست چون صباح میکرد بر آن بود که شب خواهد بود و چون شب
میکرد بر آن بود که صباح خواهد بود و طعام او از جو بود و لباس او از موی و حال
داود نبی که خلیفه زمین بود و لباس او از موی بود و طعام او از جو و سلیمان با آنکه
ملک عالم را داشت از جو میخورد و طعامهای خوب بمردم میداد و لباس از موی میپوشید
و چون شب میشد تا صباح نماز میکرد و ابراهیم خلیل لباس او از پشم بود و طعام
او از جو و اگر خواهی بیان کنم حال یحیی را لباس او از لیف خرما بود و طعام او از برگ
درخت و اگر خواهی بیان کنم حال عیسی را که از عجب حالی است میفرمود نانخورش
من گرسنگی است و شعار من ترس است و لباس من پشم است و مرکب من پای من است
و چراغ من در شبها ماه است و آتش من در زمستان آفتاب است و میوه و ریحان من سبزه
زمین است که حیوانات میخورند شب میکنم و هیچ ندارم و صبح میکنم و چیزی ندارم و
در روی زمین کسی از من غنی تر نیست ای پسر مسعود تمام این پیغمبران بخشم اندازد
خدای تعالی از آن بخشم است و کوچک میدانستند آنچه نزد خدای تعالی کوچک است و حق تعالی
در کتاب خود مدح ایشان کرده و از عذاب ترسانید و آیات قرآنی ناطق است
ای پسر مسعود آتش برای کسی است که حرام خورد و بهشت جهت آن
کسی است که از حلال نیز بگذرد ای پسر مسعود خواهند آمد بعد از من جماعتی که طعام
خوب خورند و بر چهارپای خوب سوار شوند و بزینتهای زنان خود را آرایند چون زنان

واحد است کرده و میگویم من که
محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول
او و خاتم پیغمبران است و بعد از وی
پیغمبری نخواهد بود تا روز قیامت
و شریعت آنحضرت آخر همه شرایع است
و شریعتی نیست بعد از آن تا روز
قیامت و میگویم که بعد از پیغمبر
خلیفه و ولی امر بعد از پیغمبر
صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام است
و بعد از آن حضرت حسن و بعد او
حسین و بعد علی بن حسین و بعد
محمد بن علی و بعد جعفر بن محمد و بعد
موسی بن جعفر و بعد علی بن موسی
و بعد محمد بن علی و بعد از او تو که
مولای منی پس امام علی
نقی علیه السلام بجناب عبد العظیم
فرمود بعد از من حسن پسر من است
پس چگونه باشند مردم در زمان
خلف بعد از او گفتم و چگونه است
این ای مولای من فرمود برای آنکه
دیده نمیشود شخص او و حلال
نباشد بردن نام او تا
آنکه خروج کند و پر کند زمین را
از عدل و داد چنانکه پر شده
باشد از جور و ظلم گفتم اقرار
کردم و میگویم که دوست ایشان
دوست خدا و دشمن ایشان دشمن خدا است
این بزرگواران دوست خدا است
و دشمن ایشان دشمن خدا است
و اطاعت ایشان اطاعت خدا است
و معصیت ایشان معصیت خدا است

و بیرون آیند بطور ملکان و جباران این جماعت منافقان این امت اند در آخر
الزمان شراب خورند و قمار بازند و به شهوت مشغول باشند و از نماز جماعت کنند
و عداوت و بغیا ورزند مثل ایشان مثل دفلی است که گل آن نیکو است که شکوفه آن نیکو
و طعمش تلخ و عملهای ایشان درد دهان است که دوا ندارد ای پسر مسعود سخن ایشان
زبان ایشان است و شرف ایشان درم و دینار است و همتهای ایشان شکم ایشان است
این جماعت بدترین مردمانند که فتنه از ایشان برخیزد و با ایشان باز گردد ای پسر
مسعود اسلام چون پیدا شد غریب بود و زود باشد که بگردد غریب و مرحبا مر غریبان را
که غریب اند چه از فرزندان شما کسی که بیاید آن زمان را سلام نکند بر ایشان و عیادت
نکند بجنازه ایشان و پرسش نکند خستگان ایشان را زیرا که سنت ایشان را ظاهرا
طریقه شما میکنند و افعال ایشان بخلاف شما است و میمیرند بر غیر ملت شما ایشان نیستند
از من و من نیستم از ایشان لعنت من و تمام پیغمبران و ملائکه مقرب بر ایشان باد باید
که بترسد کسی که از غیر خدای میترسد ای پسر مسعود بر ایشان باد لعنت من و تمام
رسولان و ملائکه مقرب و بر ایشان باد غضب خدا و سختی حساب در دنیا و آخرت
ای پسر مسعود خواهد آمد بر مردم زمانی که صبر کردن بر دین همچو برداشتن آتش است
بکف دست ای پسر مسعود علما و فقها ایشان خائن اند و فاجر اند و بدترین خلق
خدا دیگر و ایشان و کسانی که ایشان را دوست دارند و با ایشان همنشین باشند
و با ایشان مشورت کنند بدترین خلق خدا اند میگویند که ما پیرویم و بر سنت و
طریقت و شریعت ام لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند سوگند بخدای
که مرا بحق فرستاده بخلق که خدای ایشان را میمون و خوک گرداند و در زمین فرو
برد ای پسر مسعود کسی که علم بیاموزد جهت دنیا و غالب شود بر او دوستی دنیا و زینت
آن مستحق شدت عقاب خدا شود و در درک اسفل با یهودیان و نصرانیان در جهنم
ای پسر مسعود هر کس که قرآن جهت دنیا بخواند بهشت بر او حرام شود ای پسر مسعود
کسی که بیاموزد علمی و بدان عمل نکند در قیامت کور باشد و کسی که علم بیاموزد برای
جهت دنیا الله تعالی برکت از او بردارد و معاش بر او تنگ شود و خدای تعالی او را
بخود واگذارد پس هلاک شود ای پسر مسعود این جماعت منکر را نیکو میدانند و

و سیم گویم که معراج حق است و
سؤال قبر حق است و بهشت
حق است و دوزخ حق است و
میزان حق است و آنکه قیامت
آمدنی است شکی در آن نیست
و خدا مبعوث میکند آنچه
میتها که در قبرها
جا دارند و میگویم که بعد از
واجبات بعد از ولایت یعنی دوستی
خدا و رسول و ائمه علیهم السلام
نماز است و زکوة و روزه و حج
جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر
پس امام علی نقی علیه السلام فرمود
ای ابو القاسم این است بخدا سوگند
دین خدا که پسندیده است از برای
برای بندگان خود ثابت باش بر
همین اعتقاد خدا ثابت بدارد
ترا بقول ثابت در دنیا و آخرت

حدیث بیست و هفتم

شیخ صدوق از ابو هاشم جعفری
روایت کرده که گفت تنگی عارض شد
و فقر بمن شد پس رفتم که نزد
امام علی نقی علیه السلام عرض
کنم چون در حضرت او رسیدم
نشستم فرمود ای ابو هاشم کدام
یک از نعمتهای خدا را که بر تو عطا
کرده شکر او ادا میتوانی کرد
ابو هاشم گفت ماندم چه جواب
گویم پس خود حضرت ابتدا
کرده فرمود ایمان را روزی تو
کرده بدن ترا حرام کرده بسبب آن بر
آتش و روزی کرد ترا عافیت
دین خدا که یاری کرد ترا بر بندگی او

نیکو را منکر دین حق را عیب نمیدانند ای پسر مسعود باید که همنشینان و برادران تو
متقیان و زاهدان باشند ای پسر مسعود بر تو باد که از خدا بترسی و واجبات بجا
آوری ای پسر مسعود ترک کن آنچه ترا بکار نمیاید و قصد کن آنچه ترا بکار میاید ای پسر
مسعود بپرهیز از آنکه ترک طاعت کنی و قصد معصیت ای پسر مسعود پرهیزکاری
کن از دنیا و لذتهای دنیا و شهوتهای آن و خوردن حرام و مرکبها و زنان و فرزندان و
طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر و زراعت بدرستیکه اینها متاع دنیاست و آنچه
نزد حق تعالی است از ثواب و بازگشت نیکو را این است ای پسر مسعود چون قرآن
خوانند با هیبت و بیم کرد آن امر و نهی است فکر و عوان و ملاحظه معنی آن بکن
و از آن پند و اعتبار بگیر و غافل مشو از آن ای پسر مسعود سوگند بخدا که مرا بحق
بخلق فرستاده که زمانی در آید بر مردمان که شراب را حلال دانند و نام او را نبیذ نهند
لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلایق بر ایشان باد و ایشان از من دور و من از ایشان
بری و بیزارم ای پسر مسعود زنا بمادر سهلتر است نزد حق تعالی از خوردن ربا اگر چه
بمقدار دانه خردل باشد و خوردن مست کننده خواه اندک و خواه بسیار آسان تر است
نزد خدای تعالی از خوردن ربا زیرا که کلید همه شرهاست ای پسر مسعود از جماعت
غیبت کنند کسی را که پیروی سنت من کند و فریب خورد تو را بجا اند ای پسر مسعود بپرهیز
از مستی گناه چه گناه را مستی هست مثل مستی شراب بلکه بیشتر از آن ای پسر مسعود دنیا
ملعونست و ملعونست آنچه در دنیاست و هر که او را میخواهد دوست میدارد ای پسر
مسعود چون کاری کنی از برای خدای تعالی کن نه جهت غرضی زیرا که حق تعالی قبول نمیکند از
بندگان مگر آنکه خالصا لوجه الله تعالی باشد ای پسر مسعود مگذار نعمت دنیا را و شیرینی
آن و گرم و سرد و نرم و خوب آن را و لازم ساز بر نفس خود صبر از آن را زیرا که حضرت
عزت در آخرت از اینها همه سؤال خواهد نمود ای پسر مسعود چون کاری نیکو کنی و
قصد تو از آن چیزی باشد غیر خدای تعالی امید مدار ثواب آخرت را در آن کار ای پسر
مسعود چون زمانی که مردم مدح تو کنند و گویند تو روز روزه داری و شب
و نماز میگذاری و تو چنان نباشی پس خرم مشو ای پسر مسعود کار نیکو بسیار کن
بدرستی که روز قیامت نیکوکار و بدکار هر دو پشیمانی کشند نیکوکار که نیکی

ای ابو هاشم مرا ابتدا کردم
باین کلمات بجهت آنکه گمان
کردم که تو اراده کرده که شکوه
کنی نزد من از آنکه با تو این
انعام کرده را ترک کردم که صدق
در شرح شود هفتم بگیر آنرا
فقیر گوید که از این حدیث
شریف استفاده میشود که ایمان
اعظم نعمتهای الهی است و
چیزی است نیز که اول شرط
تمام اعمال و طاعات است و
بعد از آن نعمت عافیت است و
در خبر است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله عرض شد که
اگر من درک کردم شب قدر
از خدا چه چیز بخواهم فرمود
عافیت را و بعد از عافیت
قناعت است روایت شده
ذیل آیه شریفه من عمل صالحا
من ذکر او انثی و هو مؤمن
فلنحیینه حیوة طیبة که ظاهر
معنی آن این است که هر که بکند
عمل صالح یعنی کردار شایسته
از مرد یا زن و او مؤمن باشد
چه عمل بد را نیا سخنا او را
زنده داریم در دنیا و زندگانی
دهیم در دنیا زندگانی خوش
سؤال شد از معصوم که این حیوة
طیبه که زندگانی خوش باشد
چیست فرمود قناعت است و
از حضرت صادق علیه السلام
است که فرمود هیچ مالی نفع
از قناعت بخشیدن کسی نقل شد که

کاشکی بهتر از این عمل صالح میکردم و بدی را میگو بیای کاشکی غمیکردم آن بدی را
ای پسر مسعود یاد کن قرنهای پیشین را و ملوک و حکام و جباران که پیش بوده اند و
رفته اند از این دنیای غدار چون عاد و ثمود و فرعون و نمرود را زحال ایشان عبرت
بگیر ای پسر مسعود الزام تقوی حق کن در ظاهر و پنهان و در حضر و سفر و در شب و روز زیرا
که حق با شماست هر کجا هستید ای پسر مسعود خیانت مکن با هیچ کس و امانت که نزد تو گذارند
با امانت کار او را امین دار که حق تعالی میفرماید که ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی
اهلها یعنی خدای تعالی امر میکند شما را که برسانید امانت را به صاحبان آن ای پسر مسعود
سوگند با نکه مرا بحق بخلق فرستاد که هر که از دنیا مگیرند و در وی تجارت آخرت او در حق
خیر بسیار بود و هر دو نفع بی شمار که امر کند پس پسر مسعود گفت مادر و پدرم فدای
تو باد یا رسول الله چون است که مر این تجارت آخرت آنحضرت فرمود که زبان تو بسود ریح
میکند از ذکر خدای تعالی که بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس
بدانی که این تجارت سود کند و استای پسر مسعود هر چیزی که چشمان تو بر بیند و دل تو
آن را پسند کند آن را از برای خدای تعالی صرف کن که تجارت آخرت است که حق تعالی میفرماید
کما عندکم ینفد وما عند الله باق یعنی آنچه نزد شماست فانی و نیست میشود و آنچه نزد
حق تعالی است باقی است ای پسر مسعود چون بگوئی لا اله الا الله و بدانی حقیقت آن را با
گردانیدن را بسوی تو ای پسر مسعود دوست دار صالحان را پس هر دو که هر کس با
دوست دارد محشور شود پس اگر تو نتوانی که ما نند ایشان باشی با عمال نیکو دوست دار علما را
ای پسر مسعود بپرهیز کاری کن از ترس خدا اگر اعضای ترا با مقراض جدا کنند یا بر اطلق
اویزند یا با آتش بسوزند ای پسر مسعود صبر کن در صحبت کسانی که ذکر خدا و تسبیح و
تهلیل و تحمید میکنند و عمل میکنند بطاعت او در صبح و شام و خدای را میخوانند ای
پسر مسعود هیچ چیز را اختیار مکن بر ذکر خدا چه حق تعالی میفرماید که و لذکر الله اکبر
یعنی ذکر خدای تعالی بزرگتر است از همه اشیا ای پسر مسعود بر شما باد که الزام کنید بر
دارام و وقار و بردبار باش تو سهل و نرم سخن و پرهیزکار و مسلمان و متقی و پاک و نیکوکار
و طاهر و پاکیزه و پاکیزه کننده و صادق و خالص و سلیم و صحیح و عاقل و صالح و صابر
و شاکر و مؤمن و خاشع و زاهد و رحیم و دانا و زیرک زیرا که هر که بدین صفات موصوف

ببکیمی کند کرده که تو خود را
که او طالب مرد باشد گفته بلی
قناعت و همین ملاحظه است
کلام بعض حکما که گفته
استغنا و کم عمل است که جز
از شما یک هر گوینده که دیو
کلو که یکی از اساطین حکما
یونان بود مرد و منقش و
زاهد بوده و جز به الله چشم
نکرده بود و ما او دنیای خود
درست نموده بود وقتی
اسکندر او را بمجلس خود دعوت
کرد آن حکیم با رسول اسکندر
فرمود که بگو با اسکندر آنچه
کرا منع کرده از آمدن بنزد من
همان چیز مرا باز داشته از آمدن
بنزد تو آنچه ترا باز داشته سلطنت
تست و آنچه مرا منع کرده قناعت
مرا است و لقد اجاد من قال
وجدنا القناعة اصل الغنی
فصرت باذیالها ممتسک
فلا ذا یرانی علی بابه
ولا ذا یرانی به منهمک
وعشت غنیا بلا درهم
امر علی الناس شبه الملک
ولمولانا علی بن موسی
الرضا علیه السلام
لبست بالعفة ثوب الغنی
وصرت امشی شامخ الراس
لست الی النسناس مستأنسا
لکننی آنس بالناس
اذا رأیت التیه من ذی الغنی
تهت علی التائه بالیأس

است حق بهشت است و بهشت میراث ایشان است چنانچه حق تعالی میفرماید والذین هم
علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون
ای پسر مسعود شفقت مکن بر اهل و فرزندان خود به پیشی که داخل شوی بسبب ایشان در معصیت
و حرام و در قیامت شرمنده باشی و باید که با دخول کنی و بعمل صالح مشغول باشی که عمل
نیکو پسندیده خداست ای پسر مسعود مباش از قبیل آن کسانی که راه نمایند مردمان را
بکارهای نیک و امر کنند ایشان را بر نیکی و حال آنکه خود غافل باشند از نیکی کردن ای پسر
مسعود نگاه دار زبان را از بد گفتن تا در آخرت شرمنده نشوی ای پسر مسعود افشای
سر مکن که افشای آن را فائده نمیدهد در آخرت ای پسر مسعود بترس از روزی که پرده کشیده
شود در آن روز نامها و ظاهر شود بدیها ای پسر مسعود بترس از خدا در حال غیبت و
نادیدن او و چنان بترس که گویا تو او را میبینی پس به درستیکه او ترا میبیند ای پسر
مسعود انصاف بده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن ایشان را و رحم کن بر ایشان
پس اگر تو چنان باشی و خدای تعالی غضب کرده باشد باهل شهری که تو در آن شهر باشی
و خواهد که بر ایشان عذاب فرستد نظر کند بسوی تو و بسبب تو رحمت کند بر ایشان و عذاب
نفرستد ای پسر مسعود بپرهیز کن از آنکه تو خود را ظاهر گردانی در میان مردمان بتواضع
و فروتنی و حال آنکه در مخلوقی که تو باشی و خدای تو اصرار و نما العنه نمائی در معصیتها
دیگر و خدای تعالی عالم است بانها و مخفی است از ایشان ای پسر مسعود اگر عمل و کاری
کنی آن را از روی علم و عقل کن ای پسر مسعود حذر کن از کار بی اندیشه و دانش ای
پسر مسعود راست گوی باش و بیرون میاور از دهان خود مطلقا بدروغ زبان را
و انصاف ده مردمان را از نفس خود و نیکوئی کن با ایشان و دعوت کن مردم را بر نیکی
کردن و نیکی کن با خویشان و مکر و حیله مکن با مردم و وفا بعهد و پیمان که کرده باشی
با ایشان **فصل پنجم** در وصیت رسول صلی الله علیه و آله ابی ذر غفاری
رحمة الله علیه را **مرویست** که ابی ذر گفت که در اول روز در شم بخدمت حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله و آنحضرت در مسجد بود با حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
و کسی دیگر نبود بغیر از ایشان پس غنیمت دانستم خلوت مسجد را گفتم یا رسول الله پدر
و مادرم فدای تو باد وصیت کن مرا وصیتی که مرا فائده دهد خدای تعالی مرا پس

ما ان تفاخرت علی معدم
ولا تضعضعت لا فلاس
حدیث سوم و هشتم
شیخ کلینی از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده که فرمود از
علامات شرک شیطان که شکی
نیست در آن آنست که شخص فحاش
باشد باک نداشته باشد از آنچه
خواهد بگوید و آنچه باو گفته شود
فقیر گوید که در بعضی روایات در
مذمت فحاش بسیار است که در
در بعضی روایات که خدا بهشت را حرام
فرموده بهشت را بر هر فحاش
بی شرم که حیا کرباک نداشته
باشد از هر چه خواهد بگوید
و هر چه باو بگویند پس اگر
تفتیش او کنی نخواهی یافت او را
مگر آنکه فرزند زنا یا شرک شیطان
و در حدیث است که خدا دشمن
دشمن دارد شخص فحش گوی را
دانکه شخص هرگاه مثل تو مثال
خواهد داشت و نخس برای
مسلمان سبب شود که حق تعالی
از او بیرون برد برکت روزی را
و او را گذارد او را بخود مشغول
کند و او معیشت او را و روایت
شده که از برای حضرت صادق علیه
السلام دوستی بود که از آنحضرت
مفارقت نمیکرد و جدا نمیگشت
تا آنکه روزی غلام خود را گفت
گفت یا بن الفاعله کجا بودی حضرت
چون این کلام را شنید بلند کرد
دست خود را و بر جبین خود زد

آنحضرت قبول کرد و فرمود که ای اباذر بتحقیق که تو از ما اهل بیت مائی و وصیت
میکنم ترا بوصیت چند نگاه دار که نفع دهد ترا در دنیا و آخرت ای اباذر عبادت کن
بندگی کن مر خدای تعالی را چنانکه گویا تو او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی بتحقیق او ترا می‌بیند و
بدان ای اباذر که اول بندگی کردن خدای تعالی شناختن اوست و شناختن او آنست که خدای تعالی
اول هر چیز است و پیش از او هیچ چیز نبوده و او بوده حق جل و علا حی است که او را دویم نیست
و باقی است که او را آخر و نهایت نیست آفریننده زمین و آسمانست و آنچه در آنهاست و عدل
ایشان است و لطف کننده است بر خلقان و آگاه است بر جمیع چیزها و قدرت دارد بر هر چیزی
که ممکن است بعد از آن ایمان آوردن بمن یعنی اعتقاد کردن بجمیع آنچه من بدان اعلام داده‌ام
کردن با آنکه حق تعالی مرا فرستاده بر جمیع مردمان از جهت بشارت رسانیدن بایشان و ترسانیدن
دادن ایشان را بعذاب و عقاب و دعوت کردن ایشان را بسوی خدای تعالی باذن او و منم چراغ
نور دهنده بعد از آن دوستی اهل بیت من آنانکه خدای تعالی دور کرده از ایشان چرک گناه را
و پاک کرده از ایشان رجس و پلیدی را و بدان ای اباذر که حق تعالی اهل بیت مرا در میان امت
من مثل کشتی نوح گردانیده هر که سوار شد بر آن از طوفان نجات یافت و هر که تخلف کرد
و نشست بر آن غرق شد و هلاک شد و بتحقیق اهل بیت من مثل باب حطه است که در بنی اسرائیل
بود که هر که داخل شد بر آن ایمنی یافت از بلاها و عذابها ای اباذر نگاه دار آنچه وصیت
میکنم بتو تا سعید باشی در دنیا و آخرت ای اباذر دو نعمت اند که مغبونند اکثر مردم
از آن یکی امنیت و یکی صحت ای اباذر دو نعمت را مکن در شکر آنها یکی امنیت و دیگر تندرستی
ای اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری
و توانگری را پیش از درویشی و زندگی را پیش از مردن و فراغت را پیش از شغل ای اباذر
حذر کن از تقصیر در کارها و کار امروز را بفردا مینداز و طاعت و احسان که امروز میتوانی
کردن بکن و موقوف بفردا مساز زیرا که اگر فردا باشی طاعت و عبادت و احسان که باید کرد
مثل امروز گذشته ای اباذر بسیار کسانند که روز را حاضر و غنیمت نمیدانند و استقبال
نمیکنند و انتظار فردا میکشند و بفردا نمیرسند اگر تو نظر کنی بمعنا اجل و مسافت
مرا بسیار کنی امید خود را ای اباذر در دنیا باش مثل غریب و رهگذری و بشمار
خود را از اهل گورستان ای اباذر اگر در صباح باشی بگو با خود که در شب

فرمود سبحان الله ... که
مادر او در امن ... میدید
که صاحب ... مبالغه الحال
و ... کرد دوزخ ... عرض
کرد عذاب شوم مادر ...
... فرمود اما
... که ... حق ...
دور شو ... گویند که
دیگر ... او را که آن حضرت
باشد تا آنکه ... بنیانی
جلا نکند

حدیث سی و نهم

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده که در هر که
ذکر پیغمبر صلی الله علیه و آله شود
و بیاد نیاورد صلوات بر آنحضرت
بدرستیکه هرگاه صلوات بر حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله بکرد
صلوات بفرستد حق تعالی بر او
هزار صلوات در هزار صف
از ملائکه و باقی نماند از مخلوقات
الهی چیزی مگر آنکه صلوات فرستد
بر آن بنده بجهت صلوات خدا
و صلوات ملائکه اش پس کسی که
رغبت نکند در این پس او جاهل
است و مغرور که بیزار است از او
خدا و رسول و اهل بیتش فقیر
گوید که شیخ صدوق در معانی
الاخبار روایت کرده از حضرت
صادق علیه السلام در معنای ان
الله و ملائکته یصلون علی النبی
الآیه که صلوات از خدا رحمت و صلوات
از ملائکه ...

این کار را نکنم و اگر در شب باشی بگو که در صباح چنان کنم و قرار بگیر در طاعت
صحت آنچه مقتضای صحت است از اعمال حسنه پیش از آنکه بیمار شوی و اخذ کن در زمان
حیات از اعمال حسنه پیش از آنکه بمیری زیرا که معلوم نیست که فردا حال تو چیست و
بچه نام میخوانند ترا سعید باشی ای اباذر تو در دنیا نیستی که مراجعت کنی بدنیا بعد
از مردن باید که اعمال نیک قبل از مردن بجا آوری و فایده نمیدهد ترا کسی که اموال
و اسباب خود را جهت وی گذاشته و عقد تو نمیخواهد کسی که جمع کرده بهر آن چیزی که
بدان مشغول گشته وسیله نجات خود پنداشته ای اباذر باید که بر عمل خود حریص تر
باشی از طلا و نقره خود بدرستیکه بدترین مردمان بحسب بیت و منزلت نزد حضرت
عزت عالم در روز قیامت عالمی است که منتفع نشود بعلم خود و هر کس که از برای طلب علم
کند بواسطه آنکه مردم بسوی او میل کنند و او را بزرگ خود دانند و سرمایه بهشت
اندوخته نداده و نخواهد یافت او بوی بهشت را ای اباذر مطلع میشوند قومی از اهل
بهشت بر احوال قومی از اهل دوزخ پس گویند چه چیز داخل گردانید شما را در دوزخ
و حال آنکه ما بفضل و علم شما به بهشت داخل شدیم گویند ایشان ما داخل شدیم در دوزخ بسبب آنکه
امر میکردیم مردم را بچیزهای نیک و حال آنکه بدان عمل نمیکردیم ای اباذر کسی که طلب
علم کند که مردمان را بفریبد بسبب آن علم بوی بهشت بمشام وی نرسد ای اباذر
اگر کسی از تو سؤال کند چیزی را که ندانی بگو که نمیدانم تا نجات یابی از عذاب آن
در روز قیامت ای اباذر حقوق الهی بزرگتر است از آنکه بندگان بجا آرند قیام نمایند
و نعمتهای نامتناهی الهی بیشتر است از آنکه بندگان در شمار توانند آورد و لیکن میباید که
در صباح و مسا توبه کنند از گناهان ای اباذر بتحقیق که در گذشتن شب و روز عمر
کم میشود و عملها را حفظ میکنند و مرگ ناگاه میاید و هر که زراعت نیک میکند ثمره
آن را راحت و فراغت و هر که زراعت بد بکند میدرود حاصل پشیمانی و ندامت
چرا که برای هر زراعت کننده حاصل است مثل آن چیزی که زراعت کرده از نیک و بد و
هر که بغیر خیری رساند حق تعالی نیز بدو خیر رساند و هر کس که نگاه دارد بنده خدای را
از بدی حق تعالی نگاه دارد او را از هر بدی ای اباذر پرهیزکاران قومی اند بزرگ و فقها
راه نمایند مردمان را بجهت نشستن با ایشان موجب زیادتی در حسنات دنیا و آخرت است

در ثواب ... کردن ...

از ملائکه ترکیه است و از مؤمن
دعا است ... دوفان روایت است
که راوی گفت ... صلوات
بفرستیم بر محمد و آل محمد علیهم
فرمود میگوئید صلوات الله و
صلوات ملائکته و انبیائه و
رسله و جمیع خلقه علی محمد و
آل محمد و السلام علیه و علیهم
و رحمة الله و برکاته راوی
گفت گفتم چه ثواب است برای
کسیکه این صلوات را بر پیغمبر
بفرستد فرمود ثوابش بیرون
آمدن از گناهان است مثل
روزی که از مادر متولد شده

حدیث چهلم

روایت میکنم از شیخ جلیل نخبه
ثقة الاسلام حاج میرزا حسین
نوری نور الله مرقده از شیخ
اجل علامه حاج شیخ مرتضی
انصاری قدس الله روحه از شیخ
جلیل حاج ملا احمد نراقی از
از علامه طباطبائی بحر العلوم
از استاد اکبر محقق بهبهانی از
از والد ماجدش مولانا محمد
اکمل از میرزا محمد جلال
علیه الله مرقده در بحار
از مسند احمد ... مفتی که
گفت حدیث کرد مرا شیخ علامه
قطب المحققین شیخ بهاء الملة
و الدین در شب جمعه هفتم جمادی
الآخره سنه هزار و سه در
غربی بغداد در مقابل روضه
مقدس امامین معصومین ...

گناه خود را مثل سنگی که گویا در زیر آن سنگ است و میترسد که آن سنگ بر او واقع
شود و کافر میبیند گناه خود را مثل مگسی که بر بینی او میگذرد ای ابا ذر بدرستیکه حق
تعالی هرگاه که با بنده نیکی است و نیکی او را میخواهد میگرداند گناه او را نزد دو چشم او
مجسم و بار او گران و سخت میسازد تا دیگر آن گناه نکند و هرگاه که با بنده بدی است و بدی او
میخواهد گناه او را فراموش میگرداند و نظر مکن بخوردی گناه خود لیکن نظر کن که با عصیان
میکنی ای ابا ذر بدرستیکه نفس مومن مضطرب تر است از برای خدای تعالی بسبب گناه
کردن از گنجشکی که انداخته شود در دام ای ابا ذر کسیکه موافق باشد قول او با فعل
پس آنکس فردای قیامت میرسد بنصیب سعی خود و کسیکه مخالف باشد قول او با فعل
او پس بدبختی را اساسی که نفس کرده میشود فردای قیامت و در دنیا میان مردم منکوب است
ای ابا ذر بدرستیکه مردم محروم میگردند از رزق خود بسبب گناهی که میکنند ای ابا ذر
منع کن نفس خود را از چیزی که در آن چیز فایده نباشد و سخن مگو در چیزی که بی معنی
است نگاه دار زبان خود را از بدی همچنانکه نگاه میداری نقد و جنس خود را از تلف ای
ابا ذر بدرستیکه خدای تعالی داخل میگرداند قومی را در جنت و عطا میکند بایشان نعمتهای
گوناگون تا آنکه ایشان سیر میشوند و بالای ایشان قومی باشند در درجه عالی پس هرگاه
که نظر کنند بدیشان بشناسند ایشان را و گویند پروردگارا اینها برادران ما بودند
و با هم بودیم در دنیا پس بچه تفضیل کرده ایشان را بر ما پس جواب داده شود هیهات هیهات
بدرستیکه ایشان گرسنه میبودند در زمانیکه شما سیر میبودید و تشنه میبودند در وقتی
که شما سیراب میبودید و برپای ایستاده بودند در حینیکه شما خفته بودید و در تعب و
مشقت بودند در وقتیکه شما در راحت بودید ای ابا ذر گردانیده است الله تعالی روشنی
چشم مرا در نماز گذاردن و محبت نماز در دل من نهاده همچو محبت گرسنه بطعام و تشنه
باب لیکن گرسنه سیر میشود هرگاه که طعام میخورد و تشنه سیراب میشود هرگاه که آب
میاشامد و حال آنکه من سیر نمیشوم از نماز گذاردن ای ابا ذر هر کسی که دوازده رکعت
نماز سنت در شبانه روزی بگذارد سوای آنچه بر او فرض است هرآینه باشد او را حقی
واجب که خانه باشد در بهشت ای ابا ذر تا مادام که در نماز گذاردنی بدرستیکه میکوبی
در ملک جبار را و هرکس که بسیار کوبد هرآینه گشاده شود از برای او

موسی بن جعفر و ابو جعفر
جواد علیهما السلم گفت حدیث
کرد مرا والدم و استادم
شیخ حسین بن عبد الصمد
حارثی قدس سره در روز دو
ماه رجب سال نهصد و
هفتاد و یک در خانه خود
در مشهد مقدس رضوی
علی مشرفها الصلوة گفت
حدیث کرد مرا شیخان امامان
سید حسن بن جعفر و شیخ زین
الدین از افضل فضلاء عصر
خود شیخ علی بن عبد العالی
میسی از شیخ امام محقق تقی
شمس الملة محمد بن محمد بن
مؤذن جزینی و شیخ شهید
از عالی الخلیل ضیاء الملة
الحق والدین شیخ علی بن هلال
شمس الدین خاتم المجتهدین
شیخ محمد بن مکی شهید از
والد ماجد خود از جماعتی
از اکابر علماء مانند فخر
المحققین و سید عمید الدین
و ابن معیه و سید احمد بن
زهره و سید مهنا مدنی
و قطب الدین رازی و غیر
ایشان رضوان الله علیهم
اجمعین از آیة الله فی العالمین
جمال الملة والحق والدین
علامه حلی از سلطان المحققین

در سلسله این حدیث طرق بسیار
نقل کرده و ما بهمین طریق
اکتفا کردیم بجهت اختصار

ای ابا ذر هیچ مؤمنی نیست که نماز گذارد مگر آنکه نثار کنند بر او نیکی را از
میان او و عرش است و موکل کرده شده بر او ملکی که ندا میکند و میگوید ای پسر آدم
اگر تو میدانستی که چه فایده های دنیوی و اخروی از برای تو هست در نماز گذاردن و
با که مناجات میکنی التفات نمیکردی بهیچ چیز غیر از نماز ای ابا ذر نیکی باد مر اصحاب علمها را
که ایشان برداشتند آن علمها را در روز قیامت و در پیش مردم میروند بجنت گفت
سؤال نمودم که ایشان چه کسانند جواب داد که ایشان کسانند که در سحرها و غیر آن
پیش از مردم بمساجد میروند و بطاعت مشغول میگردند ای ابا ذر نماز ستون دین است
و زبان بزرگتر از آنست و صدقه محو میکند گناه را و زبان بزرگتر است از آن و روزه
داشتن سپر است از آتش و زبان بزرگتر است از آن یعنی هرکه زبان خود را بذکر خدای تعالی
گویا گرداند و از بد گفتن باز دارد و جایی بماند که نیکی گفتن ثواب آن بزرگتر است و
زیاده از ثواب اینها است ای ابا ذر مرتبه درجه در بهشت بالای مرتبه و درجه میباشد
همچنانکه در میان آسمان و زمین درجه بالای درجه هست و بدرستیکه بنده از بندگان
هرآینه چشم خود را بگشاید در آخرت ظاهر و درخشان گردد از برای او نوری که نزدیک
باشد که ببرد نور چشم او را و آن بنده مشغول شود بالکلیه بآن نور و خود را از دیگری
باز دارد و بعد از آن گوید که این چه نور است جواب داده شود او را که این نور برادر تست
او گوید که برادر من فلان است و ما در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم چون است که تفضیل کرده
شد او بر من پس گویند او را که برادر تو افزونی داشت بر تو در عمل بعد از آن خدای تعالی بیفکند
در دل او رضا را تا راضی شود ای ابا ذر دنیا زندان مؤمن است و جنت کافر و صباح
نمیکند مؤمن در دنیا مگر آنکه حزین و غمگین میباشد و چگونه حزین و غمگین نباشد و حال
آنکه خدای تعالی وعده داده او را بداخل شدن در جهنم و وعده نداده او را بخارج شدن از جهنم
پس همیشه مومن در دنیا ملول است تا آنکه مفارقت کند از دنیا و چون مفارقت کرد از
دنیا میرسد براحت و کرامت ای ابا ذر نیست نزد خدای تعالی چیزی بهتر از درازی حزن
و الله عملی ای ابا ذر کسی را که حاصل شده باشد علمی که او را گریان نسازد هرآینه سزاوار
است که باشد از قبیل کسی که علمی حاصل نموده باشد و انتفاع نگیرد بدان بدرستیکه خدای
تعالی وصف کرده علما را باین نوع که ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون

المحققین خواجه نصیر الدین
محمد بن محمد بن حسن الطوسی
از والد ماجد خود از سید
فضل الله راوندی از سید
مجتبی بن الداعی از شیخ الطائفه
امامیه ابو جعفر طوسی از
شیخ شیعه و مقتدای ایشان ابو
عبد الله مفید از رئیس
المحدثین شیخ محمد بن بابویه
قمی از شیخ خود محمد بن الحسن
الولید از محمد بن الحسن الصفار
و سعد بن عبد الله اشعری
از احمد بن محمد بن عیسی از
حسن بن علی بن یقطین از
برادرش حسین از پدرش علی
بن یقطین که گفت دو تن مرد
دشتبه طلب کرد مرد غذا که
با ملک کند بسبب آنکه امر ابو الحسن
موسی بن جعفر علیه السلم را
و جلالت و عظمت آنحضرت را
مجلس پس اجابت کرد او را و جمعی
این کار را مرد غنی نمود پس
چون خوان طعام حاضر شد
آن مرد خجلت کرد در نان پس
چنان شد که هرچه قصد کرد
آنحضرت که نان برداشت
از نزد آنحضرت پرید هرچند
این کار چندان تکرار شد که خجالت
شد که خود داری نتوانست کرد
و حرکت دامد پس حضرت
مکثی نکرد که سر بلند کرد

رجال این حدیث تمامی ثقات
و شیوخ طائفه اند رضی الله عنهم

للاذقان سجدا و یقولون سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا و یخرون
للاذقان یبکون و یزیدهم خشوعا ای اباذر کسی که توانائی دارد که گریه کند
باید که بگرید و کسی که توانائی ندارد باید که دل خود را بکارها اندوهگین گرداند
خبر دهم ترا که هر دلی که زنگ غفلت دارد دور است از رحمت خدای تعالی و لیکن ایشان
در غفلتند ای اباذر خدای تعالی میفرماید که جمع نمیکنم بر بنده دو ترس یعنی ترس دنیا
و آخرت و جمع نمیکنم برای او دو امن یعنی امن دنیا و آخرت پس اگر ایمن باشد از من در
دنیا میترسانم او را در آخرت و هر گاه کسی ترسان باشد از من در دنیا ایمن میگردانم او
را در آخرت و هر گاه کسی ای اباذر اگر کسی را عملی باشد مثل عمل هفتاد پیغمبر باید که آن عمل
حقیر داند و بترسد که مبادا که نجات نیابد از عذاب روز قیامت ای اباذر بحقیقت عرض
میکنند بر بنده گناهان او را و روز قیامت میگوید گناه چند کرده باشد پس او میگوید من
در دنیا ترسان بودم و پروردگار خدا مشفق حق تعالی او را بیامرزد و عفو کند ای اباذر
بتحقیق که کسی که عمل نیک کند و تکیه و اعتماد بر آن نماید و مرتکب گناهان صغیره شود چون در
حق جل جلاله حاضر شود حق تعالی بر او خشمگین و غضبناک باشد ای اباذر بنده باشد در
بندگان خدا که گناه کند و بسبب آن گناه بهشت رود پس گفتم یا رسول الله پدر و مادرم
فدای تو باد چگونه باشد فرمود که چون بنده گناه بکند آن گناه همیشه در برابر چشم او
باشد و فراموش نکند و از آن باز گشت نماید و بجانب حق بگریزد تا بهشت رود ای اباذر
زیرک آن کسی است که نفس خود را بر نیکی دارد و کاری کند که نتیجه آن بعد از مردن بکار آید
گردد و عاجز کسی است که نفس او تابع لذات و شهوات دنیا باشد و طلب کند از حق تعالی
که او را بمقاصد و لذات آخرت برساند ای اباذر اول چیزی که برداشته میشود از این امت
امانت است و فروتنی تا بمرتبه رسد که یافت نشود مرد متواضع خاشع ای اباذر بحق
آنکه نفس محمد بید قدرت اوست که اگر دنیا نزد حق تعالی اعتبار میداشت برابر پشه
یا پر مگسی هرگز آن قدر شربت آب از آن بهیچ کافر نمیداد ای اباذر دنیا ملعون است
و کسی که در طلب دنیاست ملعون است مگر کسی که طلب کند در دنیا خدای را و توجه او
بخدا باشد و هیچ چیزی نزد خدای تعالی دشمن تر و بدتر نیست از دنیا چرا که از بد دنیا را
آفرید و نظر نکرد و نخواهد کرد تا روز قیامت و هیچ چیز نیست دوست تر نزد خدای تعالی

بوی صورت شیر کرد در
بعضی از صحنهای منزل بود
و فرمود ای شیر بگیر دشمن
خدا را پس برجست از صورت
مثل بزرگترین شیران و
پاره کرد او را و مردم گردا
مرده و دنیا افتاده بودند
این امر عظیم غش کرده
و بر رو درافتادند و
عقلهایشان پریشان شد از هول
آنچه مشاهده کردند و
چون بهوش آمدند بعد
از زمانی هارون بحضرت
امام موسی علیه السلام عرض
کرد که درخواست میکنم
از تو بحق من بر تو که خواهش
از صورت که برگرداند این
مرد را فرمود اگر عصای
حضرت موسی علیه السلام بر
گرداند آنچه را که بلعیده
ریسمانها و عصاهای ساحران
این صورت نیز برمیگرداند
این مرد را که بلعیده ——
الحکایه امام سید حسین گفته
که شیخ بهائی اعلی الله مقامه
ابیات را انشاد کرد برای
سنه بقعه که در مدح حضرت
امام موسی و امام محمد
جواد علیهما السلام گفته بود
فان شئت ان [illegible] که
[illegible]
فانها احسن ما قیل فی
مدحهما
(الایات)

ایمان او در دنیا ترک کرده چیزی را که امر فرموده است بترک آن ای اباذر بدرستیکه
خدای تعالی وحی فرموده ببرادرم عیسی ع و فرمود که ای عیسی دوست مدار دنیا را بجهت
آنکه دوست نمیدارم او را و دوست دار آخرت را زیرا که آن خانه ایست که بازگشت همه
بدانسوست ای اباذر جبرئیل آمد بسوی من با خزاین دنیا بر استر سفیدی سوار پس گفت مرا
که یا محمد اینها خزاین دنیاست و نقصان نمیرسد بتو در مرتبه و درجه که داری نزد
حق تعالی بجهت فایده که تو از این خزاین بگیری گفتم که ای جبرئیل مرا احتیاج باینها نیست
هرگاه که سیر میشوم شکر منعم میگویم و هرگاه گرسنه میشوم از خدای تعالی طلب مینمایم
قدر ضرور و بعد از آن ای اباذر اگر خدای تعالی خیر بنده خواسته او را فقیه میگرداند در دین و
زاهد میگرداند در دنیا و بینا میسازد او را به عیبهای خود در دنیا و دردهای او و دواهای او
او را از اینجا بسلامت بیرون میبرد بدار السلام بهشت ای اباذر زاهد نمیشود بنده در دنیا مگر که
ثابت گرداند خدای تعالی حکمت را در دل او و گویا گرداند بآن حکمت زبان او را و بینا گرداند
او را بعیبهای دنیا و دردها و دواهای او و بیرون برد او را از اینجا بدار السلام بهشت
ای اباذر اگر بینی برادر خود را که او زاهد است در دنیا پس متوجه او شو و سخن
او را گوش کن زیرا که بتحقیق او القای حکمت میکند و فایده حکمت میرساند پس گفتم یا رسول الله
کیست زاهدترین مردمان فرمود کسی که فراموش نکند قبر را و پوسیدگی اعضا را
و ترک کرده باشد زیادتی زینت دنیا را و اختیار کرده باشد چیزی را که آن باقی است
بر چیزی که آن فانی است و خود را در سلک مردگان شمارد ای اباذر وحی نکرده خدای
تعالی بمن که جمع کنم مال را ولیکن وحی فرموده بمن که تسبیح کنم بر ثنای ذو الجلال و الاکرام و باشم
از سجده کنندگان و بندگی کنم خدای را تا آنکه ترا یقین حاصل شود یعنی تا روز مرگ ای
اباذر من میپوشم جامهای درشت و بر زمین مینشینم و انگشتان
خود را میلیسم و بر حمار بی زین سوار میشوم و کسی را از عقب خود سوار میکنم و اینها سنت من است
و هر که اعراض کند از سنت من از من نیست ای اباذر دوست داشتن مال و شرف بیشتر
دین مرد را ضایع میکند از دو گرگی که شب بیایند در گله گوسفند و کشتن کنند تا و گرگ در گله
تا صباح پس میگذارند از آن گوسفندان طلف چیزی پس حب مال و شرف با دین مرد
چنان میکند که گرگان در گله گوسفند ای اباذر گفتم یا رسول الله که آن کسی که خو

الا یا قاصد الزوراء عرج
علی الغربی من تلک المغانی
و نعلیک اخلعن و اسجد خضوعا
اذا لاحت لدیک القبتان
فتحتهما لعمرک نار موسی
و نور محمد متقاربان
صلوات الله علیهما و سلامه
تمام شد جمیع چهل حدیث
در دار الایمان قم در
حرم مطهر حضرت فاطمه
بنت موسی بن جعفر علیهم
السلام مقابل ضریح مقدس
از جهت دنیا و آخرت
[illegible]
و لادت حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در
سنه ۱۳۵۱ یکهزار و
و ختامه ذلک بحمد الله
[illegible] و صلی
الله علی محمد
و آله الطاهرین
هر
[illegible]

تقریع خائنین و [illegible] کردن
و توقف نمودن

معنی یعنی جای و منزل
و مغانی جمع آن است

دارند و فروتنی میکنند و متواضعند و ذکر الهی بسیار بر زبان رانند یا ایشان بنوا
در جنّت حضرت فرمود که نه بلکه سابق در جنّت فقرای مسلمانانند بحقیقی که ایشان پا
پای برگردن همه میبایستند و بهشت بر و خنده ای ابا ذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است دلهای
و بدنها را بچیزها تا نکه موجب لذّات دنیویست و بحرّمات همیباید که هر مسلمان خود را نگاه
دارد از چیزهای حرام تا فردای قیامت از عهدهٔ جواب تواند بیرون آید ای ابا ذر حق
تعالی سؤال خواهد کرد از نعمتهای حلال چه جای آنکه بپرسد از نعمتهای حرام ای ابا ذر بتحقیق
که من طلب کرده ام از حضرت رب العزّه که بدهد روزی کسی را که او دوست دارد مرا بقدر
کفایت یعنی آن مقدار که او را بس باشد و زیاده بر آن نباشد و طلب کرده ام از حق
تعالی که بدهد بکسی که او دشمن دارد مرا مال بسیار و فرزندان بسیار ای ابا ذر خوشا
مرکسانی را که دوری گزیده اند از دنیا و رغبت نمایند در عقبی و رغبت با خوف دارند یعنی
از لذّات دنیوی و شهوات آن متنفّرند و راغب اند باسباب اخروی و ایشان آن کسانند که
زمین را فرش خود ساخته اند و خاک را بستر خود و آب را پاک و حلال دانسته و کلام حق را
شعار خود ساخته اند و بدان عمل میکنند و دعای او را دثار خود ساخته اند و بجای گردانیده یعنی
همیشه طالب حق اند و منقطع اند از دنیای دنی و انقطاع تمام ای ابا ذر زرع آخرت عمل
نیکوست و زراعت دنیا مال و پسرانند ای ابا ذر بتحقیق که پروردگار من خبر داده
مرا و فرموده که بحق عزّت و بندگی من که نرسیده اند عابدان بعد جهد که گریه کنان باز دارد
رسیده اند و بتحقیق که من از برای ایشان بنا کرده ام جهت گریه کنان در بهشت درجهٔ علیا و
قصری که در آن شریک نشود هیچ کس با ایشان بعد از آن گفت ابا ذر که گفتم یا رسول الله کدام
مؤمن دانا و زیرک تر است فرمود آنکه ذکر مرگ بسیار کند و بهترین مهیّای مرگ را اند
نگاه دارد ای ابا ذر وقتی که داخل شود نوری در دل مؤمن گشاده میشود دل او تا علوم
و حکم الهی در او ظاهر شود صدر او پس چیزها گفتم بعد از آن گفتم یا رسول الله نشانه آن
چیست که پیدا شود در دل فرمود بازگشتن است بدار ابدی و دوری گزیدن است از
دنیای دنی و خود را مستعدّ مرگ ساختن است پیش از آمدن آن ای ابا ذر بترس از خدا
و خود را بمردم که تو بنمائی از خدا تا گواهی دهند مردم ترا و حال آنکه دل تو بد باشد
و فاجر ای ابا ذر البته میباید که باشد از برای تو در هر چیزی نیّتی حتی در خواب و خوردن

نیکوئی حتی که در طعام خوردن و خواب کردن ای ابا ذر البته باید که بزرگ داری عظمت
الهی را پس بزبان میاور چیزها که جهّال و کفّار بر زبان میاورند نزد سگ بلند بمگو
اللّهم اخزه و نزد خوک بمگو اللّهم اخزه ای ابا ذر بتحقیق که خدای تعالی را فرشتگان
هستند که ایشان ایستاده اند در عبادت همیشه از ترس الهی و میلرزند و برنمیدارند سرهای
خود را بالا نمیکنند تا آن زمان که صور دمیده شود بیدن دیگر بعد از آن فرشتگان گویند
سبحانک و بحمدک ما عبدناک کما ینبغی لک ان تعبد اگر مردی را مثل عمل هفتاد پیغمبر
باشد هر اینه آن عمل را اندک شمارد از سختی چیزی که میبیند در روز قیامت و بتحقیق
که اگر دلوی را از چرک و ریم دوزخیان در موضع طلوع آفتاب هر اینه بجوش میآید
از حرارت و شدّت گرمی آن جمجمه ها و ظرفهائی که در موضع غروب آفتاب است و اگر
دوزخ یکبار از آتش بدمد نماند ملک مقرّب و نبی مرسل مگر بیفتند و نشینند بر دو
زانوی خود باختیار و گویند هر یک از ایشان که رب نفسی نفسی یعنی ای پروردگار من رحم
کن بر نفس من و غفران نمای و بیامرز من و بغیر از نفس خود بهیچ چیز نپرداز تا آنکه
ابراهیم خلیل فراموش کند فرزند خود اسحق را و بگوید ای پروردگار من خلیل تو ام
فراموش مکن مرا ای ابا ذر بدرستی که اگر یک زن از زنان اهل بهشت ظاهر شود از آسمان
دنیا در شبی که در تاریکی باشد هر اینه روشن شود از نور آن تمام روی زمین و اگر
از بوی خوشی که حاصل شود بعطر در شب تار و میابند بوی خوش آن را جمیع اهل زمین
و بتحقیق که اگر یک جامه از جامه های اهل بهشت را آویزند در دنیا هر اینه بیهوش شود
هر آنکه نظر بدو اندازد و نتوانند نگریستن او را ای ابا ذر بلند مکن آواز خود را در جنازه
و در جنگ و نزد قرآن خواندن ای ابا ذر وقتی که تو حاضر شوی بجنازه عقل خود را
متوجّه او گردان و تفکّر بحال خود کن و بر حال خود گریه کن و بدان بتحقیق که تو لاحق
خواهی شد بدو ای ابا ذر بدانکه هر چیزی که آن فاسد شود نمک آن را باصلاح
میاورند و دوای آن نمک است و هرگاه که نمک فاسد شود حال چه باشد یعنی علما و بزرگان
بمنزلهٔ نمکند در میان مردمان که هرگاه مردمان چون خوض نمایند در شبهات و فساد علما
و بزرگان بر محو ایشان اصلاح حال ایشان کنند و ایشان را براه راست آورند و هرگاه علما
و بزرگان از اهل صلاح نباشند ایشان را که اصلاح کند و این موجب فساد اهل عالم

هذه المجموعة مسماة بالتحفة الطوسية

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد
چنین گوید این بندهٔ شرمنده عباس بن محمد رضا القمی عفی الله عنهما که روزی در
محفلی بودم که یکی از دوستان اظهار داشت که شخصی از اهل
خیر در این ایام اراده کرده چند صفحه که مشتمل باشد بر چند
زیارت حضرت امام رضا علیه السلام طبع کند و هدیه آن روضهٔ منوّره نماید منظور شما
چه زیارتی خوب است اختیار کند من گفتم اگر زیارت معروف
آنحضرت منقول از محمد بن الحسن بن الولید و صلوات مختصره
وارده بر آنحضرت و زیارت جامعه امین الله خوب است
و زیارت جواد [illegible] اهل نقاد مرحوم میرداماد
کتاب در این ایام نقل کرده چه
خوب است اگر طبع شود
بسیار خوب است فرمودند شما زحمت
اندازید برای ما مجموعه که قابل
ان الجمع کنیم حفظ بمطالعهٔ
مهمه ای اخوان نیز [illegible]

شود برای ان تمام کردم و بجا هم
وصیّه کردم بنا بر مناسبت که
مختصری از مجلد دوم مطلع الشمس
که در شرح بنا حرم مطهّر و بعضی
اماکن که متعلق بآن است
مفقود است نیز با آن منضم کنم
تا زائران را بصیرتی افزوده و
از بعضی استفادات بی بهره
نمانند و بملاحظه آنکه اگر طول
میکشد طبع ان خاطر خود
خیلی باختصار کوشیدم امید
که زائران آن روضهٔ مطهّره
از محرم دوستان را در حال حیات
و ممات از دعا و زیارات فراموش
نفرمایند والله المستعان

فصل بدانکه سناباد محلّه
کوچکی بوده است از طوس و حمید
بن قحطبه که حاکم ان ولایت بود
از جانب هرون رشید در سناباد
عمارت عالی داشته چون هرون
در طوس بدرگذشت و در خانه حمید
مدفون گشت عبدالله مأمون
قبّه بر قبر او بنا ساخت آن
قبه بقبه هرونیه مشهور شد و
چون حضرت امام رضا علیه السلام
شهید شد آنحضرت را در قبر
هرونیه دفن کردند و اینکه در
افواه شهرت دارد که قبه را
اسکندر ذو القرنین ساخته یا
پیغمبری [illegible] ساخته
مستند صحیحی ندیده ام
بلی از بعض معمّرین استفاده
شود که سناباد را ذو القرنین

شود و بدانکه در شما دو خصلت بد است یکی خنده بی تعجب و دیگری کاهلی در طاعت
بی سهو ای اباذر سخن حق گرانست و تلخست بر مردمان و سخن باطل سبک و با مزه است
و چه بسیار شهوت یک ساعت که موجب حزن طولانی است ای اباذر کسی که دو رکعت
نماز معتدل بگذارد و دل او متوجه باشد بهتر است از قیام داشتن در تمام شب که دل او
غافل باشد ای اباذر دانا نمیشود مرد بجمیع دانائی تا آنکه ببیند مردمان را بامثال
شترها در عظم و علم بعد از آن رجوع کند بنفس خود و خود را کمتر از ایشان ببیند نه
بحسب علم ای اباذر بمرتبه حقیقت ایمان نمیرسی تا آنکه بدانی که مردمان همه احمقند در کار دین
و عاقلند در کار دنیا یعنی مردمان در دنیا آنچه مقتضای دین است بجا نمیاورند
و آنچه مقتضای دنیاست بجا میاورند ای اباذر محاسبه نفس خود کن پیش از آنکه حساب
کنند در روز حساب که حساب نفس تو امروز آسانتر است از حساب کردن تو در فردای قیامت
و عقد کن نفس خود را قبل از آنکه وزن کنند نفس ترا یعنی اعمال حسنه کن و از سیئات مجتنب
باش تا فردای قیامت میزان تو ثقیل باشد و مهیا گردان خود را از برای عرض اکبر که در روز
قیامت شده اند روزیست که مخفی نیست بر خدای تعالی هیچ چیز ای اباذر حیا کن از خدای
تعالی بدرستیکه بحق آنکه نفس من در ید قدرت او است در روز تمام که بقضای حاجت میروم
میپیچم خود را بجامه خود و حیا میکنم از دو ملک که با منند ای اباذر دوست میداری
که در جنت داخل شوی گفتم بلی یا رسول الله بفدای تو باد مادر و پدر من گفت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقطع شو و کوتاه کن امید خود را و مرگ را همیشه برابر چشم خود
دار و حیا کن از خدای تعالی آنچه حق حیا است گفت اباذر که گفتم یا رسول الله ما همه از خدا
بحیائیم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمود که حیا این چنین نیست بلکه حیا
از خدای تعالی آنست که فراموش نکنی قبرها را و پوسیدن بدن را در قبر و دیگر فراموش مکن شکم
خود را و آنچه در او است و دیگر فراموش مکن سر خود را و چیزها که در او است و کسی که خواهد
کرامت آخرت را باید که ترک کند زینت دنیا را و اگر تو چنین باشی میرسی بولایت خدای تعالی
ای اباذر کفایت میکند دعا که مقارن باشد با نیکی از دعا مقداری که کافیست طعام را نمک
ای اباذر مثل کسی که طلب کند چیزی را بی عمل مثل کسی است که بی زه خواهد تیر اندازد کمان
بی زه ای اباذر بحقیقتی که الله تعالی بصلاح مرد صالح صلاح میکند پسر او را و پسر پسر

آباد کرد و چنانچه مذکور شد و قبر
است نزدیک بمشهد مقدس سناباد
العبد الصالح الا انکه دردا
القرنین ... بارض طوس
یقال لها سناباد ...
و آخر از تبع کسی دیگر ...
بنا نهاده است که قبر مبارک
امام ثامن علیه السلام چهار بار
بدست چهار بانی عمارت شد
تفصیل شده در ذیل

اول قبه هرون الرشید

که قبل از انتقال آن حضرت
مامون ساخته شده است و
در روایت است ثم دخل علیه
السلام دار حمید بن قحطبة الطائی
و دخل القبة التی فیها قبر
هرون الرشید گویند این بنا را
مامون با بعضی از بنا های
از بنیان مرتب نمود و این بود
تا آنکه امیر سبکتکین آنرا خراب
نمود ... از تعصب ...
پس چند سال ... گو
خراب ماند از خوف مخالفین
کسی باطاعت عمارت نمیکرد
تا آنکه یمین الدوله سلطان
محمود پسر ناصر الدین سبکتکین
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
در خواب دید که فرمود که ...
چنین خواهد ماند محمود ...
که مشغول امر مشهد حضرت امام
رضا علیه السلام است ...
شد و مشغول گردید عمارت نمود
بنا شروع کرد ...

او را و نگاه میدارد دار او را و دارهای اطراف او را و او در حفظ الهی است مادام که او در
آنجا باشد ای اباذر بحقیقتی که پروردگار تو مباهات میکند با ملائکه سه نفر
اول مردی که در محل تنها واقع شود و هیچکس آنجا نباشد اذان بگوید و اقامت کند و نماز
گذارد و میگوید پروردگار تو از برای تو بملائکه که نظر کنید ای ملائکه بر بنده من که نماز
میگذارد و نمی بیند هیچکس او را بغیر از من بعد از آن نازل میشوند از آسمان هفتاد هزار
ملائکه و در پس او نماز میکنند و طلب آمرزش میکنند از برای او از خدای تعالی تا امروز تا
فردا و دوم مردی که در شب بنماز شب کردن قائم شود تنها و سجده کند و در سجده او را
خواب ببرد او را بعد از آن میفرماید الله تعالی ملائکه خود را که نظر کنید بر بنده من که روح
او در نزد من است و بدن او در سجده است و سیوم مردی که او در غزا باشد و فرار نمایند
مصاحبان او و او پا ببندد و جنگ کند تا آنکه کشته شود ای اباذر نیست از مردی که
بر زمین پیشانی خود را در بقعه از بقعهای زمین مگر آنکه شهادت کند آن بقعه از برای او در
قیامت باینکه او سجده کرده و نماز گذارده و نیست از منزلی که نازل شوند و فرود آیند در آن
منزل قومی مگر آنکه آن منزل دعا میکند از برای آن قوم یا لعنت میکند آن قوم را ای اباذر
نیست هیچ صباحی و شامی که بقعه از بقعه های زمین ندا میکند بعضی بر بعضی را که ای
همسایه من آیا گذر کرده است بر تو کسی که ذکر الله تعالی کند یا بنده که نهاده باشد پیشانی
خود را بر تو از برای سجده الله تعالی پس بعضی از آن بقعه ها گویند نه و بعضی گویند بلی
آنکه گوید بلی شادان شود و خوشحالی در وی پیدا شود و منشرح گردد و گمان کند که آن
برای او است زیادتی بر همسایه اش ای اباذر بحقیقتی که الله تعالی چونکه آفرید زمین را و
آفرید چیزی که در آن زمین است از درخت و نیست در زمین درختی که بنی آدم آید بنزد
آن درخت مگر که نفع میرسید ایشان را از آن درخت منفعتی و همیشه زمین و درخت همچنین میباشند
تا آنکه فجره بنی آدم بیان در رخت گشتند و بآن کلمه تکلم کنند که اتخذ الله ولدا یعنی
الله تعالی را پسر هست چون فجره بنی آدم باین کلمه تکلم نمایند لرزه بر زمین پیدا شود و بلرزد
و بعد منفعت از درختان ای اباذر بحقیقتی که زمین گریه میکند بر مردی مؤمن که بمیرد
چهل صباح ای اباذر اگر بنده در جائی تنها باشد و هیچکس نزد او نباشد وضو سازد
یا تیمم کند بعد از آن اقامت کند و نماز گذارد امر کند الله تعالی ملائکه خود را تا صف

بیلد ... و قبه ...
بنا فاخت قال ابن الاثیر
فی الکامل و جدد سلطان
محمود عمارة المشهد بطوس
الذی فیه قبر علی بن موسی
الرضا علیه السلام والرشید
واحسن عمارته وکان ابوه
سبکتکین اخربه وکان اهل
طوس یؤذون من یزوره
فمنعهم من ذلک وکان سبب
ذلک انه رای امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام
فی المنام وهو یقول له الی
متی هذا فعلم انه یرید امر
المشهد فامر بعمارته ها نا
این بناء ثانی است که نظر
غازی غزنوی ساخته و ثانی ...
اعتقاد ... در عهد سلطان
سنجر سلجوق شرف الدین ابو
طاهر قمی عامل مرو ...
از عمال خود ... با نسب
سلطان سنجر عمارت نمود و
این بنا را در فتنه چنگیزی
پسرش تولی خان ویران نمود
ظاهر گردید چه تولی خان
پسر چنگیز بعد از قتل اهل
نیشابور و طوس ...
مقدسه حضرت رضا علیه
السلم را بالمال تا ...
منهدم ساخت چنانچه
ابن ابی الحدید در شرح نهج
البلاغه ذکر ...
گوید ... الی طوس

بندند در پی سر او صفی که نتوان دید دو طرف آن را و آن ملائکه در رکوع برکوع او
میکنند و بسجود سجده میکنند بسجود او و آمین بگویند بدعائی که او میکند ای اباذر کسی که او
اقامت میکند و بانک نماز نمیگوید نماز نمیگذارند با او مگر دو ملک که با او میباشند ای
اباذر نیست آنکسی که جوان و جوان باشد و ترک کرده باشد جوانی خود را در طاعت خدای
الله تع مگر که بدهد باو ثواب هفتاد و دو صدیق دوستان را ای اباذر کسی که ذکر
الله تع کند در میان غافلان مثل کسی است که او مقاتله کند در میان گریختگان ای اباذر
همنشین صالح بهتر است از تنهائی و تنهائی بهتر است از همنشین بد و گفتن سخن خیر و نیک
بهتر است از سکوت کردن و سکوت کردن بهتر است از بد گفتن ای اباذر مصاحبت مکن مگر
با مؤمن و مده طعام خود را مگر بکسی که او متقی باشد و مخور طعام فاسقان را ای اباذر
طعام بده تو بکسی که تو او را دوست داری خاص از برای خدای تع و بخور ای اباذر بتحقیق که خدای
طعام کسی که او ترا دوست دارد خاص از برای خدای تع ای اباذر بتحقیق که خدای تع
حاضر است نزد زبان هر گوینده پس باید که بترسد از خدای تع و حذر کند از هر گفتن و داند
که چه میباید گفتن و بگوید و باید نگوید زیرا که میداند حضرت عزت چیزی را که میگوید
ای اباذر ترک کن زیادتی کلام را و سخن زیاد گفتن را بس است ترا از گفتن بمقداری که حاجت
تو بآن حاصل شود ای اباذر کافی است مرد را در دروغ گفتن هر چیزی که شنوده باشد ای
اباذر نیست هیچ چیز لایق تر بآنکه دیر بماند در زندان تا باشد از زبان ای اباذر بتحقیق که بعضی
از تعظیم خدا بزرگ داشتن و گرامی داشتن پیران مسلمانان و حمله قرآن که بدان عمل
کنند و پادشاه عادل است ای اباذر نیست عملی نیک را که فایده دهد کسی را مگر نگاه
دارد زبان خود را از بد گفتن ای اباذر مباش تو عیب کننده مردم و مباش مدح کننده
مردم و طعن کننده مردم ... بد خوئی ای اباذر همیشه زنده باشد زیاده میشود دوری از الله
تعالی و دوری از ... مردم در پیش او دروغ نماید و خواهد که مردم در دین او دروغ ... ای
اباذر دلیل کلمه خود ... است و هر قدم جهت شهادت و حضور نماز صدقه است ای
اباذر کسی که قبول کند اذان را یعنی چونکه آواز بانگ نماز بشنود بنماز برود و نیکو سازد عمارت
مساجد الله تع را میباشد ثواب و از الله تع جنت گفتم من که مادر و پدرم فدای تو باد
یا رسول الله چگونه عمارت کنند مساجد خدای را فرمود که آواز خود را در مساجد بلند

قد صنعوها و قتلوا اهلها و
خربوا المشهد الذی بنیه علی
موسی الرضا و الرشید حتی
جعلوا الجمیع خرابا ثم ساروا
الی هراة پس ... تعمیر آن
بنابر آنچه از تواریخ استنباط
میشود بعد ... ... کلش
سلطان محمود ... اولین
شیعه شیعه معمول شده است
چنانکه در ... المفصل است
و چنانکه قاضی شمس الدین
بن بطوطه طنجی از حجاز بطوس
آمده حرم مطهر تعمیر شده بود
چنانچه خود او تصریح کرده
فی قوله و المشهد الکریم علیه
قبة عظیمة فی داخل زاویة
و تجاورها مدرسة و مسجد و
جمیعها ملیح البناء مصنوع
الحیطان بالقاشانی و علی
القبر دکانة خشب ملبسة
بصفائح الفضة و علیه قنادیل
فضة معلقة و عتبة باب القبة
فضة و علی بابها ستر حریر
مذهب و هو مبسوطة بانواع
البسط و ازاء هذا القبر قبر
هرون الرشید الخ و دیگر
از تاریخ ۹۳۲ ... بعد دیدن
و ... که ... خواهد
... باشد دیگر
در عهد صفویه ... ازبکان
خراب کرد چنانچه ... شاه
خواهد شد و در ۹۹۵ ...
... شاه عباس اول

(وارد)

مکن و خوض مکن در مساجد بچیزهای باطل و خرید و فروخت در مساجد مکن و ترک کن
سخن بی معنی و بیفایده دنیوی را در مساجد مادام که در آنجا باشی پس اگر چنین نکنی
ملامت نمیکنی تو در روز قیامت مگر خود را ای اباذر بتحقیق مادام که تو در مجلس نشسته
بهر نفسی که میزنی در مجلس خدای تعالی درجه در بهشت عطا میفرماید و دعا و استغفار
میکنند ملائکه برای تو و نوشته میشود از برای تو ده حسنه ای اباذر آیا میدانی تو که در حق کی
این آیه نازل شده است که اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون گفتم
فدای تو باد مادر و پدر من گفت در حق آن کسی است که انتظار نماز کشد در پی نماز
دیگر ای اباذر تمام وضو در مکروهات و در علتهای عضوی از کفارات است و بسیار
در مساجد مختلف رفتن بجهت طاعت و عبادت از رابطه است یعنی حفظ میکند دل را
از ترک طاعات ای اباذر میگوید حضرت عزت بتحقیق که دوست ترین مردمان بمن
آنکسانند که با یکدیگر محبت و مودت دارند خاص از برای عظمت و جلال من و دیگر آنکه
متعلق باشد دلهای ایشان بمساجد و استغفار کنند در وقت سحرها اینها آنچنانند
کسانند که هرگاه خواهم عقوبت و عذاب بفرستم باهل زمین یاد کنم ایشان را و بگردانم
عقوبت و عذاب را از اهل زمین بواسطه ایشان ای اباذر نشستن در مسجد لغو
بی فایده است مگر بجهت سه چیز اول قرآن خواندن و نماز گذاردن دوم ذکر کردن
از برای خدای تع سوم سؤال کردن از علم ای اباذر باش تو در عمل کردن متقی
بتقوی بیشتر از آنکه قبول کرده از آنکه سخن ... اهتمام از اهتمام تو در عمل زیرا که کم
عمل بتقوی چگونه کم باشد عملی ... بتقوی با آنکه قبول کرده اند بقول الله تعالی
انما یتقبل الله من المتقین ای اباذر متقی نمیباشد مرد ... نفس خود حساب کشد
سخت تر از محاسبه شریک شریک خود را بداند که از کجاست طعام او و از کجاست آب
او و از کجاست پوشش او که از حلال است یا از حرام ای اباذر کسی که باک ندارد که از
چه ممر کسب میکند مال را باک ندارد الله تع او را که از چه محل داخل کند در آتش دوزخ
ای اباذر کسی که شاد شود بآنکه نزد الله تع گرامی ترین مردم باشد باید که متقی باشد
ای اباذر بتحقیق که محبوب ترین شما نزد الله تع آن است که بسیار تر باشد ذکر او مر
خدای تع را و گرامی ترین شما نزد الله تع متقی ترین شما است از برای خدا و بسیار نگاه

وارد مشهد مقدس گردید
دید حرم مطهر را که عبد
المؤمن خان ازبکی غارت
کرده و سوای تختی طلائی
دیگر چیزی در آنجا نگذاشته
و دکر ... چیز از مشهد
بهرات نقل ... ...
کرده بعد از نظم آنجا رجعت
بمشهد نمود یکماه در آنجا توقف
نمود و حرم مقدس را زینت
کرده و خدام بقعه مبارکه را
احسان و صدقات فرموده
معاودت بعراق فرمود و در
اواخر سنه ۱۰۰۸ مجددا شاه عباس
بمشهد مقدس رفته تعمیرات
در آنجا گذارد و خود بنفس نفیس
خادم باشی گردید ...
خود ... مشغول بود چنانچه
شبی با مقراض سر شمعها را
میگرفت شیخ بهائی علیه الرحمه
بالبداهه این رباعی را انشا
کرد:

پیوسته بود ملائک علیین
پروانه شمع روضه خلد برین
مقراض باحتیاط زن ای خادم
ترسم ببری شهپر جبریل امین

پیاده مشرف شدن
شاه عباس بمشهد
در سنه ... نذری که
شاه عباس کرده بود که پیاده
بمشهد رود پیاده مشرف
بمشهد گشت صاحب تاریخ
عالم آرا این اشعار در آن باب گفته:

بگماشتند

یابند تو شما از عذاب الهی است که خوف و ترس خدای تعالی در دل او پیدا باشد ای
اباذر بتحقیق که متقیان کسانی اند که پرهیز میکنند از چیزی که پرهیز از آن نباشد از جهت
ترس از داخل شدن در شبهه ای اباذر کسی که اطاعت کند خدای تعالی را پس بتحقیق که ذکر
خدای تعالی کرده اگرچه کم باشد نماز او و روزه او و خواندن قرآن او ای اباذر اصل دین
ورع است و تقوی و سر اطاعت الله است ای اباذر تو بهتر کار و عابد ترین مردم
و بهترین چیز در دین شما تقوی است ای اباذر بسی زیادتی علم بهتر است از بسیاری زیادتی
عبادت و بدان تو بتحقیق که اگر نماز کنید شما تا آن مقدار که شوید مانند زه کمان و روزه
دارید که شوید مانند تارها نفع نمیبخشد شما را این نوع نماز و روزه مگر که مقارن
باشد با ورع و تقوی ای اباذر بدان بتحقیق که اهل تقوی و زهد در دنیا اولیا خدا
حقا ای اباذر بدان بتحقیق که اهل تقوی زهد در دنیا کسی که نیاید در روز قیامت
خیر او زیان کار است گفتم من که از بهتر چیست فدای تو باد پدر و مادر من گفت تقوی
که منع کند او را از چیزی که حرام کرده است الله تعالی او را و حکم کرده کرد شود
برادر جاهل بفتنه و عادت نیکو بسبب آن عادت رفق کند با مردم ای اباذر اگر خواهی شاد
گرداند ترا اگر گرامی ترین مردمان بوده باشی توکل کن بر خدا و وقتی که شاد گرداند ترا اگر
گرامی ترین مردم باشی پس پرهیز از خدا و وقتی که خواهی که غنی ترین مردم باشی پس
معتمد باش بچیزی که در دست قدرت الله تعالی است از چیزی که در دست تست ای اباذر
که اگر تمام مردم بگیرند و عمل کنند باین آیه هر آینه کافی است ایشان را این آیه این است و من
یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ای اباذر میگوید الله تعالی که بعزت
و عظمت من که اختیار نکند بنده اراده خود را بر اراده من مگر که گردانیده شود همه چشم
خودش را بخودش یعنی بغیر خودش گردانیده شود و مقصودهای او روا شود در آخرت
ضامن کرد دنیا و ضامن میشود آسمان و زمین روزی او را و منع کرده نیکی را از او و هستم من از
برای او از وراء تجارت هر تاجری ای اباذر بتحقیق که اگر فرزند آدم بگریزد از روزی خود هر اینه
میگریزد از مرگ هر اینه میرسد باو روزی او چنانکه میگریزد از مرگ هر اینه میرسد بمرگ
مرا ای اباذر آیا میخواهی تعلیم کنم ترا کلمه چند که نفع دهد الله تعالی ترا بان کلمه ها گفتم بلی

بکاشته
غلام شاه مردان شاه عباس
که والا گهر خاقان اعظم
بطوف مرقد شاه خراسان
پیاده رفت با اخلاص هر حال
و چون مشهد مقدس رسید
صحن مبارک را وسعت داد
و ایوان علی شیر کرد که تا حوض
مشترک که آنجا بوده و در بلک
گوشه صحن عتیق را قرار داده بود
و بنا نموده که در وسط قرار داد
و ایوانی مقابل آن در طرف دیگر
بساخت و خیابانی در دروازه
عراق شهر تا شرف طرح کرد
که از طرف صحن رسید از
میان خیابانها گذشته و چشمه ها
و قنوات احداث کرد و شهر از
و نهر علیا در میان خیابان نقب
مدت در وسط صحن احداث نمود
که آب از حوض گذشته بجایی
شرقی جاری شود و در زمان
مذکور کتیبه های عظیم از مخطا
رضای صدر الکتاب علی رضا
عباسی و محمد رضای امامی
رقم شد و هم شاه عباس قبه
مطهر را بطلا مذهب کرد
چنانچه در کتیبه قبه مطهر
نازل شده و صورت آن
کتیبه چنین است
بسم الله الرحمن الرحیم
من عظائم توفیق الله سبحانه
ان وفق السلطان الاعظم
مولی ملوک العرب و العجم صاحب

یا رسول الله فرمود حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که نگاه دار جانب خدا را
که نگاه میدارد ترا و چون نگاه داری جانب خدا را مییابی او را در پیش خود و بشناس
خدا را در آسانی تا بشناسد خدای تعالی ترا در سختی و وقتی که چیزی طلب کنی از خدا طلب
اعانت و یاری کن از خدا پس بتحقیق که جاری شد قلم در لوح محفوظ بهر چیزی که هست
تا روز قیامت و اگر جمیع خلایق جهد نمایند و جهد کنند که نفع کنند از تو چیزی را که نوشته
و مقدر شده از برای تو قدرت ندارند بر آن چیز و اگر جهد کنند جمیع خلایق که ضرر رسانند
ترا بچیزی که مقدر نکرده است خدا آن را بر تو قادر نمیشوند بر آن و قدرت ندارند بر آن پس
اگر توانائی و استطاعت داری که عمل کنی از برای خدای تعالی برضا در یقین بکن و
اگر استطاعت نداری تصبر کن از برای آنکه صبر بر چیزی که مکروه داری خیر بسیار است
بتحقیق که نصرت با صبر است و فرج و شادی با غم است و با هر دشواری آسانی است ای
اباذر غنی شو بغناء الله تعالی که غنی میگرداند ترا الله تعالی پس گفتم غناء الله تعالی چیست یا رسول
الله گفت قناعت بخوردن صباح و شب پس هر کس که قناعت کند بچیزی که روزی داده الله تعالی
باو بخیر باده بر او غنی ترین مردم است ای اباذر الله تعالی میفرماید که بتحقیق من کلام حکیم را
قبول کنم لیکن قبول میکنم قصد و نیت او را و اراده و هوای او را پس اگر قصد و اراده و هوای او
چیزی باشد که دوست میدارم و راضی باشم میگردانم سکوت او را از برای خود و وقار
و ذکر اگرچه تکلم نکند ای اباذر بتحقیق که الله تعالی نظر نمیکند بصورتهای شما و باموال شما
لیکن نظر میکند بدلهای شما و عملهای شما و گفت حضرت رسول الله صلعم که تقوی در اینجا
است و اشاره کرد بسینه مبارک خود ای اباذر چهار چیز است که نمیرسد بآن چهار چیز مگر
مومن یکی سخن کم گفتن و آن اول عبادت است و تواضع و فروتنی کردن از برای خدا و یاد
کردن در همه حال و کم چیز بودن یعنی کم مال بودن ای اباذر بترس و تصدق کن بکار نیک
اگرچه عمل نیک تو بیار از برای آنکه مکتوب نشوی ای اباذر نگو که مالک شوی و نگاه دار
انچه در میان دو ران است یعنی فرج و انچه در میان دو لحیه است یعنی زبان داخل میشوی
در جنت ای اباذر بتحقیق که مرد یک سخن گوید در مجلس از برای آنکه بخنده اورد ایشان را
بیفتد بسبب آن در جهنم در میان آسمان و زمین ای اباذر وای بر کسی است
که سخن دروغ گوید از برای آنکه مردم بآن سخن خنده کنند بعد از آن حضرت سه نوبت

النسب الطاهر النبوی الحسب
الناصر العلوی تراب اقدام
خدام هذه الروضة المنورة
الملکوتیة مروج آثار اجداده
المعصومین السلطان بن السلطان
ابو المظفر شاه عباس
الحسینی الموسوی الصفوی
بهادر خان فاستسعد بالمجیء
ماشیا علی قدمیه من دار السلطنة
اصفهان الی زیارة هذا الحرم
الاشرف و قد تشرف بزینة
هذه القبة من خلص ماله
سنة الف و عشرة ثم فی سنة
الف و ستة عشر و در سنه
۱۰۸۴ زلزله عظیمی در مشهد
واقع شد که بسبب آن زلزله
بسیار خراب شد و جای عمی
هلاک شدند و بنای حرم
تغییر دادند و در آن زلزله قبه
مبارکه با منارهای مسجد جامع
خراب گردید و در سنه ۱۰۸۶
شاه سلیمان صفوی آن قبه
مبارکه را تجدید کرد و اشعار
باین شده در کتیبه و امثال
چهار ترتیب کرد در اطراف قبه
منوره است و صورت آن کتیبه
املاه محمد رضا ابن
این است من میامن من الله
سبحانه الذی زین السماء
بزینة الکواکب و قد شع منه
الشهاب لعلی بعد ما الکواکب
الکواکب باستسعاد السلطان
الاعدل الاعظم و الخاقان

فرمود ویل له ویل له ای اباذر کسی که سخن نگوید نجات می‌یابد از بدیها و تشویشها
پس لازم کن بر خود راست گفتن را زیرا که هرگز بیرون نمیرود البته کسی از گناهی که از دروغ گفتن
حاصل شده همیشه خادم که توبه نکند گفتم من که یا رسول الله پس توبه مردی که دروغ
گوید عمدا چیست فرمود که استغفار و نماز پنج وقت که آن را پاک میسازد ای اباذر حذر
کن از غیبت کردن مسلمانان زیرا که غیبت سخت تر و بدتر است از زنا پس من گفتم یا رسول الله
چرا غیبت بدتر است از زنا و چه معنا دارد فرمود از برای آنکه مرد زنا
میکند بعد از آن توبه میکند خدای تعالی توبه او را قبول میکند و گناه او را عفو میکند و
غیبت آمرزیده نمیشود تا آنکه ببخشد آن غیبت کرده شده او را ای اباذر دشنام دادن
مسلم فسوق است و مقاتله و جنگ کردن با مسلمانان کفر است و خوردن گوشت بدن
معصیت خداست یعنی غیبت مسلمانان و حرمت خوردن مال مسلم مثل حرمت خون مسلم است
گفتم یا رسول الله چیست غیبت فرمود ذکر کردن است برادر خود را یعنی برادر مسلم را بچیزی
که چون بشنود بدش بیاید او را گفتم یا رسول الله اگر باشد در او آن چیزی که ذکر کرده شد از
او فرمود بدان هرگاه ذکر کنی از او چیزی که در او هست پس بتحقیق که تو غیبت کرده او را و اگر
ذکر کنی او را بچیزی که در او نیست پس بتحقیق که تو تهمت کرده او را ای اباذر کسی که منع کند و دفع نماید از برادر
مسلم غیبت را واجب میشود بر خدای تعالی که او را آزاد کند از آتش دوزخ ای اباذر کسی که
غیبت کرده شود نزد او از کسی برادر مسلم او و او قادر باشد بآنکه نصرت دهد او را از غیبت کرده
شدن و نصرت دهد او را نصرت دهد او را الله تعالی در دنیا و آخرت و اگر قادر باشد
بر نصرت او و او را اعانت نکند و نصرت ندهد او را پس الله تعالی نصرت ندهد او را در دنیا
و آخرت ای اباذر داخل نمیشود در جنت قتات گفتم یا رسول الله قتات چیست گفت
نمام یعنی سخن چین و غماز است و در آخرت از عذاب خدای تعالی ای اباذر کسی که در
دنیا دو روی و دو زبان باشد یعنی نزدیک هر کس نوعی سخن گوید که خاطرخواه او
باشد پس او دو زبان میباشد در آتش دوزخ یعنی عذاب و سخت تر میباشد ای اباذر
میباید که در مجلسها با امانت باشید پس اگر خبر در مجلس فاش شود از امانت فاش و اظهار
نکنید زیرا اظهار سر برادر مسلمان خیانت است پس اجتناب کن از مجلسی که در آن بود

الاعظم الاکرم شرف ملوک
الارض حسبا و نسبا و اکرمهم
خلقا و ادبا مروج مذهب
اجداده الائمة المعصومین
و محیی مراسم آبائه الطاهرین
الطیبین السلطان بن السلطان
بن السلطان شاه سلیمان
الموسوی الصفوی بهادرخان
شد هذه القبة العرشیة
الملکوتیة و زین سطحها و شرف
تجدیدها و حسنها و زاد
الی الاسلام و نقد کتیبتها
الذهبیة التی کانت کشمس
کالشمس فی رابعة النهار بعد
حدوث الزلزلة العظیمة فی
هذه البلدة الطیبة الکریمة
فی سنة اربع و ثمانین و الف
و کان هذا التجدید الحمید
سنة ست و ثمانین و الف
کتبه محمد رضا الامامی

ذکر روضه مقدسه و صورت ابنیه متعلقه

حرم مطهر بنوعی که درینجا
واضح است بنا بدست مبتنی
ابنیه چند را بخاطر نموده
در شرح دخول و خروج حرم
منوره این قرار است چون
از در طلای پیش روی که در
سمت جنوب واقع شده بیرون
آیند داخل دارالحفاظ میشوند
از دارالحفاظ بطرف راست
که سمت مغرب باشد بیرون
کردند داخل دارالسیاده میشوند

لعب لذات دنیوی باشد ای اباذر عرض کرده میشود عملهای اهل دنیا بر الله تعالی
از جمعه تا جمعه در روز دوشنبه و پنجشنبه بعد از آن میامرزد هر بنده مومن را مگر
بنده که باشد میانه او و میانه برادر مسلم او عداوت پس گفته میشود که بگذارید
عمل این دو بنده را تا آن زمان که بیکدیگر صلح کنند ای اباذر حذر کن از دوری کردن و
بخشم از برادر مسلم خود زیرا که عمل نیک را قبول نمیکند خدای تعالی با دوری از برادر مسلم
و عدم موافقت ای اباذر نهی کردم من ترا از هجران و اگر لازم شود بر تو دوری کردن
از برادر پس دوری مکن زیاده از سه روز کامل پس هر کسی که بمیرد و در این سه روز مواصلت
نکرده باشد با برادر خود میباشد در آتش دوزخ بهتر و لا یغفر ای اباذر هر کس دوست
دارد که مردم نزد او بپای ایستند پس مهیا سازد نشستنگاه و مقعد او را از آتش دوزخ ای
اباذر کسی که بمیرد و در دل او یک مثقال ذره از نخوت و تکبر باشد نمی‌یابد او بوی بهشت را
مگر آنکه توبه کند پیش از مرگ پس مردی گفت که یا رسول الله بتحقیق که مرا عجب و تکبر
می‌آید و زینت دنیا خوش می‌آید که دوست میدارم که بند تازیانه من زیبا باشد و چوبی که
نعلین من باشد که پای بپوشند بگیم نیکو بود آیا این موجب ترس است یعنی از تکبر بود
که چگونه میابی دل خود را گفت که می‌یابم دل خود را شناسای حق و شاکر و راضی بحق پس
فرمود که این کبر نیست و لیکن کبر آنست که ترک کند کسی حق را و بغیر حق مجادله کند و
نظر کند بمردم و نبیند هیچ کس را که عرض او مثل عرض او است و خون او مثل خون او ای
اباذر بیشتر کسانیکه داخل میشوند در آتش دوزخ متکبرانند پس مردی گفت یا رسول الله کسی
نمی‌یابد از کبر آنحضرت فرمود بلی کسی که بپوشد جامه خود را بتحقیق که بری میشود از کبر هر که
پشم بپوشد و شیر بدوشد و بر حمار سوار شود و با مسکینان بنشیند ای اباذر کسی که بر گردد
... خود را بتحقیق که بری میشود از کبر یعنی کسی که چیزی بردارد از بازار و بخانه خود بیاورد
کشد ای اباذر کسی که جامه خود را بر زمین میکشد از جهت تکبر نظر نکند خدای تعالی بسوی او در روز
قیامت ای اباذر جامه مرد میباید که تا نصف ساق او باشد یعنی تا ساق رسیده
باشد و کعب نیست باکی اگر باشد جامه میان ساق و کعب ای اباذر کسیکه بالا
گرداند دامن خود را و بدوزد کفش و نعلین خود را و خاک آلوده گرداند روی خود را
کار او بری است از کبر ای اباذر اگر کسی را دو پیراهن باشد یکی را خود بپوشد و یکی را

و در اینجا دو در خروج است
یکی بسمت جنوب که مسجد گوهر
شاد ضرور و دیگر بسمت شمال
از راه صحن کهنه و نقارخانه از ایوان
طلای صحن عتیق منتهی میشود
راه دیگر خروج از حرم از پشت
سر مبارک بتوحیدخانه داخل
شده با ایوان طلا رفته وارد صحن
کهنه میشوند از راه سمت
اندرون پائین پا وارد گنبد حاتم
خان شده از آنجا بمسجد بالاسر
دارالسیاده رفته از آنجا
با ایوان طلای صحن جدید میرسند
و از طرف صحن ایوان بیرون میروند

صورت بعضی کتیبه‌های حرم مطهر

در دو دری دیواره در پیش روی
مبارک این عبارات به نقش کاشی
چنین نوشته‌اند بسیار ممتاز بخط
ثلث برجسته کتیبه شده است
بسم الله الرحمن الرحیم
هذه الروضة المقدسة
العظمى المکرمة المطهرة
لمولانا الامام المعصوم الشهید
المظلوم الرضا علی بن
موسی بن الصادق جعفر بن
الباقر محمد بن زین العابدین
علی بن الشهید بکربلا الحسین
اخ الحسن بن علی بن ابیطالب
امیرالمومنین و امام المتقین
و وصی رسول رب العالمین
محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب
صلوات الله علیه و علی آله

برادر برهنه خود پوشانیدن بغایت خوب است ای اباذر دو چیز موجود شود از
امت من کرامت شده باشند در نعیم بهشت غذا کنند نعمتهای خوب و قصد ایشان باشد
نعمتهای گوناگون و لباسهای گوناگون و ممدوح شوند بگفتن مردم این جماعت از بدان
امت منند ای اباذر کسی که او ترک کند پوشش دنیا را و او قادر باشد بدان از جهت
انقیاد و تذلل خود از برای خدا و عز و جل در غیر محل نقص و ذلیل گرداند نفس خود را
در غیر مسکنت یعنی قادر باشد که مسکین نباشد و نفقه کند مالی که جمع کرده در غیر معصیت
و رحم کند با اهل ذلت و مسکنت و مخالطه کند با اهل فقه و حکمت این جماعت نیکو حالند
منند خوش حال آن کسی که صلاح یافت نفسهای او و نیکو است شکارهای او و دور کند
از مردم بدیهای خود را خوش حال آن کسی که عمل نیک کند و نفقه کند زیادتی مال خود را و باز
و نگاه دارد زبان را از زیادتی گفتن ای اباذر بپوش لباس درشت و جامه سخت را تا
آنکه راه نیابد در تو فخر و تکبر ای اباذر میباشد در آخر الزمان جمعی که میپوشند پشم
در تابستان و زمستان و مینمایند آن قوم خود را بر مردم بجهت آن برای ایشان زیادتی بر
پوشیدن پشم بر غیر ایشان آن قوم را لعنت میکنند ملائکه آسمان و زمین ای اباذر خبر دهم ترا
با اهل جنت گفتم بلی یا رسول الله فرمود که هر ژولیده موی گردآلوده روی که کهنه پوشد
هیچ باک نداشته باشد از اینها و مکروه طبع ایشان نباشد قسم بخدا که اگر از خدا چیزی
خواهد مرادی که داشته باشد طلب نماید هر آینه الله تعالی آنرا قبول نماید گفت ابوذر
رحمه الله که روزی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیدم حضرت در مسجد نشسته بودند تنها
و کسی نزد او نبود غنیمت دانستم خلوت را پس حضرت فرمود که ای اباذر بجهتی که از برای
مسجد تحیتی هست گفتم تحیت چیست فرمود دو رکعت نماز بگذار بعد از آن گفتم یا رسول الله
امر کردی تو مرا بنماز چند است نماز فرمود که نماز بهترین چیزیست که وضع کرده شده هر
مرکس خواهد بسیار نماز کند پس گفتم یا رسول الله کدام عمل است که دوست میدارد آنرا
الله تعالی گفت که ایمان آوردن بخدا و بعد از آن غزا کردن در راه خدا گفتم کدام مومن اکمل است
نزد خدای فرمود آنکه نیکوتر باشد خلق و عادت او گفتم کدام مومن فاضلتر است از روی
ثواب فرمود که کسی که سلامت باشند مسلمانان از دست و زبان او گفتم کدام درجه فاضل
است فرمود کسی که دور شود از بدی که کردن گفتم کدام شب فاضلتر است فرمود میان شب تاریک

الطیبین الطاهرین با نضباط
المنتجبین و رحمة الله و برکاته
من علی العبد المذنب الجانی
در بر مولی الامام علیه الصلوة
و السلم علی بن محمد الرضا عفر
الله ذنوبه و در ذیل آن رقم
شد (اضعف عباد الله محمد
بن ابی طاهر ابی الحسن...
عدد ما علمه و صنعه فی تاریخ
غرة جمادی الاولی سنة
اثنی عشر بعد ستماة غفر الله
و لوالدیه و لجمیع المؤمنین و
المؤمنات بمحمد و عترته الطاهرین
و در بیان تعیین معنی
شعر ابو نواس در مدح حضرت
رضا علیه السلام است
مطهرون نقیات جیوبهم
تجری الصلوة علیهم اینما ذکروا
من لم یکن علویا حین تنسبه
فما له من قدیم الدهر مفتخر
الله لما برا خلقا فاتقنه
صفاکم و اصطفاکم ایها البشر
فانتم الملاء الاعلی و عندکم
علم الکتاب و ما جاءت به السور
نعوذ بهذه العبادة العبد
الضعیف الذلیل المحتاج الی
رحمة الله تعالی مولانا محمد
عبد العزیز بن آدم بن ابی حفص
الغنی حرسه الله معه و مع
و نیز دو در دیوار کاشی معرق
نوشته فان رسول الله صلی
الله صلی الله علیه و آله یا علی
انا مدینة العلم و انت بابها

گفتم کدام نماز فاضلتر است فرمود نمازی که در او دراز کنند قنوت را گفتم کدام
صدقه فاضلتر است فرمود که صدقه فقیری که بقدر طاقت خود چیزی بفقیر بخشد در خفیه
گفتم چیست روزه فرمود روزه فرضیست که جزاء و ثواب آن بسیار است و نزد الله تعالی ثواب آن
اضعافست گفتم که کدام زکوة افضل است فرمود آنکه بهای آن گرانتر باشد و نفیس باشد
نزد اهل زکوة گفتم کدام غزا با کفار فاضلتر است فرمود غزای کسی که پی کرده باشد اسب او
و در یخته شده باشد خون او گفتم کدام آیه بزرگتر است از آیتها که خدا فرستاده است
فرمود آیة الکرسی گفت اباذر گفتم یا رسول الله چه بود است صحف ابراهیم فرمود صحف ابراهیم
امثال بود همه آنها و امثال این است که ای ملک مسلط آزموده شده بتحقیق که من ترا نفرستاده
و بعث نکرده ام تا که جمع کنی دنیا را بعضی بر بعضی لکن من ترا بعث کرده ام تا رد کنی تو
دعوت مظلوم را یعنی نگذاری که بر کسی ظلمی که واقع شود که او موجب نفرین شود و دعا کند
پس بدرستیکه من رد نمیکنم دعای مظلوم را اگرچه او کافر باشد تا ارتکاب کاری که او بدی
نفس خود کرده باشد و بود در این صحف امثال چند و لازم است بر عاقل مادام که عقل
مغلوب نباشد که از برای او ساعاتی هست که مناجات کند در آن ساعات با پروردگار
خود و ساعتی هست که در آن ساعت حساب نفس خود کند از نیکی و بدی که از او صادر شود و ساعتی
هست که مشغول شود در آن ساعت بحاجت خود از طعام حلال و آب حلال لازم است بر
عاقل که طعن نکند بر مردم مگر در سه چیز یکی در توشه آخرت و یکی در ساختن معاش و یکی
لذت نگرفتن در غیر محرم و لازم است بر عاقل که بینا باشد بر زمان خود یعنی نهان خود را
ضایع نکند در چیزها که از الله تعالی موجب باشد بحال خود و نگاه دارد زبان را و حاصل که حساب
کند کلام خود را از عمل خود کم میباشد سخن او مگر در چیزی که غرض آخرت باشد گفتم من
که یا رسول الله چیست صحف موسی فرمود که آن همه عبرت است صحف موسی این است که
عجب است مر کسی را که یقین داشته باشد با آتش دوزخ بعد از آن خنده کند و عجب است مر
کسی را که یقین دارد مرگ را چگونه شاد باشد و عجب است مر کسی را که ببیند دنیا را و گردش
اهل او را از حالی بعد از حالی چگونه اطمینان و سکون داشته باشد او به دنیا و عجب است مر
کسی را که یقین و اعتقاد داشته باشد بحساب روز قیامت چگونه عمل نیک نکند گفتم یا رسول
الله آیا هست در دنیا چیزی که آن چیز بوده باشد در صحف ابراهیم و موسی که الله تعالی

الخ و بخط کوفی در کتیبه دو
در نوشته ان فی ذلک لآیات
للمتوسمین سبحان الذی اسری
اللیل الخ و در حجره مطهره
بالای ازاره در دو طرف بر روی
کاشی چینیهای بسیار ممتاز کتیبه
است بجهت ازسوره ایتا
فتحنا مفصل و در ازهر الی
منقدایی بتاریخ اثنی من
جمادی الاخری سنه ستین
و سبعماة هجریه و در حجرهای
کاشیهای ازاره دو دو
منقش کرا غلب شکل مدور
است بعضی از احادیث نبویه
کلمات قصار حکمیه نبوی در
علویه بخط نسخ عرب رسم
شده است که اگر کسی تمام او
را جمع کند رساله تمام
میشود و غالب آنها تاریخ
دارند بعضی پانصد چیزی و
بعضی هشتصد و دانه
و بعضی هفتصد و شصت و یا
تاریخ معلوم شود بتحقیق
کرد که کدام از ماه سال شمسیه
سال هجری نامه داخل است
مطهره از بنا شده و در
کتیبه محراب پیش رو عباره
نوشته (ان الحسنات
یذهبن السیئات) و از
تعلیق جلیک فی السماء
و بخط کوفی بسم الله الرحمن
الرحیم امن الرسول الایة

اَن را فرستاده باشد تو فرمود که بخوان و قرائت کن قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه
فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا و الآخرة خیر و ابقی ان هذا لفی الصحف الاولی
صحف ابرهیم و موسی یعنی ذکر این چهار آیه در صحف ابراهیم و موسی هست گفتم یا رسول الله
وصیتی کن مرا فرمود که وصیت میکنم ترا بتقوای خدای تعالی از برای آنکه تقوی سر همه کارها
است پس گفتم یا رسول الله زیاده کن از برای من وصیت را فرمود که لازم کن بر خود تلاوت
قرآن را و یاد کن خدا را زیرا که این تلاوت و ذکر مذکور میشود برای تو در آسمان و نور میشود
برای تو در زمین گفتم یا رسول الله زیاده کن از برای من فرمود که لازم کن بر خود سخن نا گفتن
مگر بخیر و نیکی زیرا که گفتن سخن نیک دور میکند شیطان را از تو و معین تست در امرهای
دین تو گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که حذر کن از بسیار خنده کردن زیرا که خنده
بسیار میمیراند دل را و میبرد نور روی را گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که نظر کن بکسی که
کمتر از تست و نظر مکن بکسی که زیاده تر از تست زیرا که این اقرب است بحال تو و باید که حقیر
نکنی نعمت را که الله تعالی بتو داده است و بهر نعمت قلیل یا کثیر شکر باید کردن گفتم یا رسول الله
زیاده کن فرمود که صله رحم زیاده کن یعنی با خویشان خود نیکی کن اگرچه ایشان از تو منقطع
شوند و دوست دار مسکینان را و بسیار با ایشان مجالست و همنشینی کن گفتم یا رسول الله زیاده
کن فرمود که بگو حق اگرچه تلخ است گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود مترس در دین خدا از
ملامت کردن ملامت کننده از اعمالی که تو از برای خدا میکنی گفت ابا ذر گوید بعد از آن بر
سینه من زد و گفت یا اباذر نیست عقلی مثل تدبیر و نیست ورعی مثل منع کردن خود را
از چیزهای حرام و نیست حسبی مثل خلق نیکو **فصل ششم** در اختیارات ایام هفته که روایت کرده
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روز اول ماه مبارک است صلاحیت دارد از برای
ملاقات کردن امرا و طلب حاجتهای خود و خرید و فروخت کردن و زراعت و سفر کردن
روز دویم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب کردن حاجتها روز سیم بد است و صلاحیت
ندارد از برای هیچ چیز بد است و نحس است روز چهارم مبارک است صلاحیت دارد از برای
زن خواستن و مکروه است سفر کردن روز پنجم بد است و نحس است روز ششم
مبارک است و صلاحیت دارد از برای نکاح و طلب حاجتها روز هفتم مبارک است و
مختار است صلاحیت دارد از برای هر چیز که خواهند و سعی کنند در آن روز هشتم صلاح

و بعض احادیث در فضیلت زیارت و صلوات ... آیه (ان الله و ملائکته) و آیه (شهد الله) ... کتیبه این محراب ... آیه (انما ولیکم الله و رسوله) و آیه یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم و آیه اقم الصلوة لدلوک الشمس و آیه شهد الله ... و آیه قد افلح المؤمنون و آیه آمن الرسول ... سوره ... مبارک

دارد از برای هر حاجتی بغیر از سفر بدرستی که سفر در آن مکروه است روز نهم مبارک
و صلاحیت دارد برای هر چیزی که خواهد آدمی و هر که سفر کند در این روز روزی شود او را
مال بسیار و ببیند در آن سفر خیر بسیار روز دهم صلاحیت دارد از برای هر حاجتی بغیر از
سفر و ملاقات با سلطان و هر که در این روز بگریزد از سلطان بگیرندش و کسی که در این روز
چیزی گم کند بیابد و این روز نیک است از برای خرید و فروخت و کسی که در این روز بیمار شود
صحت یابد روز یازدهم نیک است از برای خرید و فروخت و جمیع حاجتها و از برای سفر بغیر
از ملاقات با سلطان و اگر در این روز از خانه بیرون نیاید بهتر است روز دوازدهم مبارک است
پس طلب کنید در این روز حاجتهای خود را و سعی نمائید در حوائج بدرستی که از بخصوص میرسد
روز سیزدهم روز نحس است حذر کن در این روز از جمیع عملها روز چهاردهم خوب است از
برای هر حاجتی که خواهد پس طلب کنید در این روز حاجتهای خود را که حاصل میشود
روز پانزدهم روز معلوم است از برای هر چیز روز شانزدهم طلب کنید در این روز هر چیز که
خواهید از نکاح و خرید و فروخت و زراعت و بنای عمارت و ملاقات با سلطان و غیر آن
چه هر حاجتی که طلب کنید بیابید روز هفدهم صلاحیت دارد از برای سفر کردن و طلب
حاجتها و هر کس که مخاصمت کند در این روز دشمن را البته غالب شود بر ایشان بقدرت
الهی روز هیجدهم صلاحیت دارد از برای هر عملی و هر فرزندی که در این روز متولد شود
مبارک باشد روز نوزدهم بد است حاجت خواستن و سفر کردن و بنا نهادن و
درخت نشاندن و غیره بجا آوردن و ملاقات با سلطان کردن چه این روز نامبارک است
روز بیستم این روز نحس است روز بیست و یکم نیک است از برای خرید و فروخت و ملاقات
با سلطان و سفر کردن و صدقه دادن روز بیست و سیم نیکو است خاصه از برای نکاح و تجارت
و ملاقات با سلطان بیست و چهارم روز نحس است بیست و پنجم روز نحس
حذر باید کرد از این روز در هر چیز بیست و ششم صلاحیت دارد از برای هر حاجتی غیر
نکاح و سفر و بنا لازم است صدقه دادن در این روز تا آنکه منفع میشود بسبب
صدقه دادن بیست و هفتم نیکو است و مختار است از برای همه حاجتها و از برای هر چیز که
خواهند و ملاقات با سلطان بیست و هشتم مبارک است بیست و نهم نیکو و مختار است
از برای هر حاجتی غیر از کتابت که مکروه است و عقیده اینکه سعی کند در هر حاجتی مگر کاغذ دادن

مبارک ... الرحمن ... تخلیم جناب السلطان ... نوشته ... الاعوام ... السلطان و الخاقان ... ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه ... کتیبه ... حسین ... کتیبه طلای ایوان مطهر ... انا مدینة العلم ... چهار ... (از استاد)

شود بران و هرکه بیمار شود در این روز خوش گردد و صحت یابد و کسی که سفر کند در
این روز بسیار مال دنیا بدست کند در این روز بگریزد بازگردد بصاحب خود و نسبی است امر
مختار است و نیکو است برای هر حاجت از خرید و فروخت و زراعت و نکاح و هرکه در این روز
بیمار شود صحت یابد و فرزندی که در این روز متولد شود حلیم و بردبار بود و مبارک و
رفیع القدر باشد و در اول است گویا وفا باشد لیکن آنچه گفته شد وقتی که آدمی مضطر گردد
در توجه کردن بچیزی از این روزها که ممنوع است باید کرد و آن روز در عقب هر فریضه
این دعا بخواند و این دعای فرج است لا حول ولا قوة الا بالله أفرج بها کل کرب لا
حول ولا قوة الا بالله احل بها کل عقدة لا حول ولا قوة الا بالله اخلو بها کل ظلمة
لا حول ولا قوة الا بالله استعین بها علی کل شدة ومصیبة لا حول ولا قوة الا
بالله استعین بها علی کل امر نزل بی لا حول ولا قوة الا بالله اعتصم بها من کل
حذر وبا حاذره لا حول ولا قوة الا بالله استوجب بها العفو والعافیة والرضا
من الله لا حول ولا قوة الا بالله تفرق اعداء الله وغلبت حجة الله وبعی حجة الله
لا حول ولا قوة الا بالله اللهم رب الارواح الفانیة ورب الاجساد البالیة
ورب الشعور المتمعطة ورب الجلود المتمزقة ورب العظام النخرة ورب الساعة
القائمة اسئلک یا رب ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین وافعل بی کذا بحق
لطفک یا ذا الجلال والاکرام آمین آمین آمین یا رب العالمین **فصل هفتم**
ختم این کتاب کردم بخطبه امیر المؤمنین علیه السلام که فرموده در این باب بهمام بدانکه
ابتداء وافتتاح این کتاب کردم بخطبه امیر المؤمنین علیه السلام بجهت تیمن وتبرک وچون
این خطبه احاطه کرده است جمیع آداب اخلاق را خواستم که ختم کنم بخطبه آنحضرت که در خود
موسوم است بصفات المؤمنین ومرسوم است بصفات المتقین زیرا که آنحضرت بهترین
امامان است برای مؤمنین واین خطبه بلیغ ترین مواعظ است زیرا که نیکی قبول مستعد
بود ختم کردم با این خطبه کتاب خود را پس گردید مختوم ختامه مسک مروی است که از
حضرت روایتی بود که او را همام بن شریح میگفتند واو مردی بود عابد گفت بآن
حضرت که ای امیر مؤمنان وصف کن برای من متقیان را تا غایتی که گویا من نظر میکنم
بایشان پس آنحضرت خود را گران ساخت از جواب او پس فرمود که ای همام از خدای تعالی

از اشعار خواجه نصیر طوسی
لو ان عبدا اتی بالصالحات غدا
وود کل نبی مرسل وولی
وصام ما صام صوام بلا ملل
وقام ما قام قوام بلا کسل
وعاش فی الدهر الافا مؤلفة
عاریا من الذنب معصوما من الزلل
فلیس فی الحشر یوم البعث ینفعه
الا بحب امیر المؤمنین علی
و در بالای چهار چوبسته
قال الله تعالی جنات عدن
یدخلونها ویحلون فیها
من اساور من ذهب ولؤلؤا
ولباسهم فیها حریر [illegible]
[illegible]
مطوق شده
صل یا رب علی شمس الضحی
احمد المختار نور الثقلین
وعلی غیث العلی بدر الدجی
من علیه الشمس ردت مرتین
وبسبطیه [illegible]
وکذا [illegible]
وعلی الزهراء مشکوة [illegible]
کوکب العصمة ام الحسنین
وشهیدین سعیدین هما
للرسول المجتبی قرة عین
وعلی الباقر مقباس الهدی
وعلی الصادق [illegible]
وعلی الکاظم موسی والرضا
شمس طوس [illegible]
وابی جعفر الثانی التقی
مطلع الجود سراج الحرمین
وعلی الهادی علی والزکی

پرهیز و نیکوئی کن زیرا که خدای تعالی با پرهیزکاران است و با نیکوکاران پس قناعت نکرد
همام بآن گفتار تا سوگند داد بر آنحضرت و اصرار کرد پس حمد وثنا فرمود خدا را وثنا گفت و
صلوات بر پیغمبر وآل او فرستاد پس زبان مبارک بجواب او گشاد **اما بعد**
انستایش الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی بعد بدرستیکه حق تعالی آفرید خلق را
و در هنگامی آفرید ایشان را که بی نیاز بود از طاعت ایشان و ایمن بود از معصیت ایشان
زیرا که ضرر نمیرساند او را معصیت کسیکه راه عصیان او سپرد و سود نمیدهد او را
از طاعت کسی که او را فرمان برد بلکه ضرر معصیت عاید است بنفس عاصیان و منفعت
طاعت عاید است بنفس مطیعان پس قسمت فرمود در میان خلایق معیشتهای ایشان را
در همه دنیا و نهاد ایشان را از دنیا بمواضعی که بود با ایشان سزاوار پس متقیان در دنیا
ایشانند اهل فضایل کامله در علم و عمل بری از رذایل چه ایشان را جمع جمیع فضائل
نفسانیه اند که معلوم است بآن فوت الاعمال که علم است یا عمل گفتار ایشان صواب است
بلا قصور و پوشش ایشان میانه روی است و راه رفتن ایشان فروتنی است برای حضرت
خدای تعالی فرو خوابانند چشمهای خود را از آنچه حرام کرده خدای عز وجل بر ایشان با حکام
شریعت غرا و بازداشتند گوشهای خود را بر علم فائده مند برای ایشان فرود آمد
نفسهای ایشان در گرفتاری و بلا همچو فرود آمدن نفسهای ایشان در فراخی و خوشی زیرا
که ایشان نگشته اند سوی شهوت بهیمیه [illegible] در هر حال و بعد از آن اشباح وارواح
خود را در مقام رضای الهی استیصال و حبس کرده اند نفسهای سرکش را در راه او و
طمعی نیست برای ایشان بآنچه در دست نصیب نفسهای ایشان غیر قرب بارگاه او و اوقات
خجسته غایات را صرف نمینمایند بتحصیل چیزی که مخلوق شده اند برای آن و بکل وجود در
آمده اند بفرمان حضرت یزدان و التفات ایشان با بدان نمیباشد بر طریق طبع بلا اخلال مثل
التفات سالک بادیه از براوج حقیقی بجز اینکه اجل و یقین دانسته اند که آنچه با ایشان
هر بند از شفقت و محبت هرچند عظیم است چیزی نیست نسبت بجنب قرب محبوب بل مطلوب
پس [illegible] ایشان مثل نعم است وایشان را از بلاء دنیا چه غم اگر نبود بجهت اجلی که نوشته
خدای تعالی برای ایشان قرار نمیگرفت روحهای ایشان در بدنها بقدر یک نگرنستن بنه
لحظه نمیبودند در بدنها بجهت شوق ثواب الهی و ترس از عقاب بزرگ است خالق

وعلی المهدی ختم المنتظر
نور حق یقتبس منه [illegible]
عجل الله طلوع النیرین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
لا [illegible]
نظم العقد [illegible]
صلوات [illegible]
[illegible] الله بآل المصطفی
والمحبین لهم والابوین
[illegible] الاوهام فی [illegible]
غایة الایجاد سر العالمین
در [illegible]
کرد در [illegible] توحید خدا [illegible]
است [illegible]
از نصیحت و عمل و خطبه [illegible]
در ذکر اسامی معصومین علیهم
السلام اول آن بعد از تکمله
الحمد لله النبی [illegible]
النبوة العذراء المصطفی
[illegible] الکواکب الزهر [illegible]
الی (دار الحفظ)
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خدای

خدا بزرگ است در جانهای ایشان پس کوچک است غیر او در دیدههای ایشان پس نسبت ایشان
با بهشت همچو نسبت کسی است که دیده باشد آن را بعین الیقین با آنچه وعده کرده اند از تنعمات آن
یا از دین حق ایشان را علوم یقینیه حاصل شده که جاری مجرای حضور و دیدن است کما قال علیه السلام
لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا پس گویا ایشان در بهشتند مشغول به نعیم جاودانی
و نسبت ایشان بنار همچو نسبت کسی است که دیده باشد آن را بعینه پس ایشان در عذاب
پس گویا ایشان در نار معذبند و گرفتار و این یقین بوعد و وعید کردگار موجب
غلبه خوف و رجا برابر است دلهای ایشان محزون است و شرهای ایشان مأمون و
جسدهای ایشان بکثرت مشاغل بعبادت لاغر است و ضعیف و حاجات ایشان نسبت ب
دنیا خفیف که از دنیا نخواستند مگر آن مقدار که ستر عورت کند ایشان را از غلیظ و
لطیف و نفسهای ایشان پاکیزه است و عفیف صبر کردند چند روزی کوتاه که از دنبال
ایشان را آسایش دراز در جوار الهی تجارت سودمندی که آسان گردانید برای ایشان پروردگار
ایشان خداوند رحمتگاه خواست ایشان را دنیا و نخواستند ایشان آن را که مغرور شوند
و اسیر کرد ایشان را دنیا بخواهش پس فدیه دادند نفسهای خود را از آن گرفتاری
اما شب پس صف زده اند قدمهای ایشان که نماز در حالتی که خوانند اجزای قرآن را
از روی تأنی میخوانند قرآن را بترتیل و تأنی بتفکر معانی بلفظهای تمام چنانچه وعده است که
پرسیدند از امیر المؤمنین علی علیه السلم که ترتیل چیست فرمود که حفظ وقوف است و ادای حروف
این شامل است بر جمیع آنچه اختیار کرده اند قراء در تلاوت زیرا که حفظ وقوف رعایت
جانب معنی است و ادای حروف نگه داشت طرف لفظ اند که محزون میسازند بقرآن نفسهای
خود را با اندیشه کردن فراوان و بیرون میآورند با آن دوای دردهای خود را پس هرگاه
بآیه که در آن تشویق و ترغیب باشد بجانب میل کنند بسوی آن بجهت طمع کردن
در آن و دیده ایشان و چشم دارند نفسهای ایشان بسوی آن بشوق آن که وعده فرموده
حق تعالی در این آیات از ثواب و نعیم و جنات و گمان برند که آنها پیش چشمهای ایشان
برپاست و گوش نمایند بر وجهی که خدای تعالی خواسته و چون بگذرند بآیه که در او تخویف
باشد از آنچه حق تعالی بیان وعید فرموده از عذاب و عقاب فرو دارند بسوی آن گوشهای
دلهای خود را با اضطراب و گمان برند که آواز منکر جهنم که زفیر و شهیق عبارت از آن

(الابیات) اخر قصیده
بیز عقلم گفت فانی تاریخ
مصرع گویم که هم بنایش را
گفتمش ای لب العقوع دلکش گفت
گر همی خواهی که گردد نیز ظاهر

دار السیاده

بنائیست طولانی انبر
گوهرشاد است در ان صحن
مقابل شبکه نقره که در طرف
بالا سر است و چون از صحن
گوهرشاد وارد دار السیاده
میشوند در صفه دست
قبر مرحوم ثقة الاسلام
شیخ محمد تقی بجنوردی است
و در صفه دست چپ قبر مرحوم
شیخ المحدثین و الفقهاء الربانیین
آقای حاجی شیخ عبد الرحیم
بجنوردی صاحب حدیقة الرضویه
و شرح قواعد و غیره مولی
مولی بانی قم مرحوم آقا سید
محمد رضا رضوان الله علیهم
است در بالا رفع که از دار
السیاده بدار الحفاظ میروند
بخط نستعلیق نوشته شده که
این چند شعر از آن است
سلیمان دهر نجم چرخ بوده
شاهان دکمر ... کرده
او فغفور خاقانش
بنا ما کرد قصر دلکش از
صنع یزدان بنای ظلم
دعی تعیین بجا تعمیر شد
بلال چون باین خانی بنا
انا ماز الدنش بهر شو

هست در بیخهای گوشهای ایشان پس ایشان پشت خم دهنده اند و میل کننده بجهت
خضوع بر میانهای خود در رکوع و بر زمین نهنده اند پیشانیها و کفها و زانوها و طرفهای
و قدمها در سجود بکمال خشوع طلب میکنند از حق تعالی در خلاص کردن و آزاد نمودن
گردنهای خود را از نار اما نهار پس بردبارانند دانایان و نیکوکاران پرهیزکاران
بتحقیق تراشیده ایشان را خوف بخطر همچو تراشیدن تیری پس که اشاره است با استقامت احوال
آخرت ایشان مینگرد بسوی ایشان ناظر پس میپندارد ایشان را بیمار بحسب ظاهر و نیست با ایشان
بیماری بلکه زرد و ضعیف مینمایند بواسطه کثرت ریاضت و بیداری و میگوید ناظر که بتحقیق
شوریده گردیده شده اند در گفتار و مراتبه امخه با ایشان امر عظیمی که اتصال ایشان است
بملأ اعلی و اشتغال سر ایشان بانوار حق جل و علا پس بدنیا تکلم میکنند بچیزی که بود
از مقادیر عقلا از آن است که گاهی نسبت میدهند ایشان را بجنون با وجود آنکه
دو فنون خشنود نمیشوند از اعمال خود بعمل قلیل و بسیار نمیشمارند عمل را اگر کثیر است پس ایشان
مر نفسهای خود را تهمت کننده اند و از کردههای خود ترسناکند مبادا که قبول نیفتد پس
بگردد هرگاه روایت است که امام زین العابدین علیه السلم در موسم حج بود و اراده تلبیه میفرمود
ناگاه بیهوش افتاد بحسب ظاهر چون بهوش آمد فرمود از آن حال پرسیدند فرمود
که خدای تعالی در جواب ندا فرماید لا لبیک و لا سعدیک دوستان و برگزیدگان
ترسانند وای بر دیگران چون ستایش کند ایشان را ترسند از آنچه گویند مرا و را مرد
پس گوید من داناترم بنفس خود از غیر من و پروردگار من داناتر است بنفس من از من در
ستر و علن بار خدایا مگیر مرا بآنچه میگویند و بگردان مرا فاضلتر از آنچه گمان میبرند
بیامرز برای من آنچه نمیدانند و بحسن ظن مرا به نیکوئی نام میبرند پس از نشانهای یکی از
است که میبینی او را قوی و محکم در دین با احتیاط در نرمی و ملایمت و در یقین و حرص
در علم و دانش و در حلم و علم با روبی در توانگری فروتنی در عبادت و تحمل در فقر و فاقه
و شکیبائی در شدت و طلب در روزی حلال و نشاط در راه راست و ورع و باز ایستادن
از طمع میکند کارهای شایسته در حال آنکه پر ترسان است از آنکه مبادا باشد پذیرفته
شبانگاه میکند و قصدش آن شکر نعمات است و بامداد میکند و قصد او ذکر خدا است
شب میگذارد ترسان که ناگاه بر نخیزد و عمل از او فوت شود و بامداد میکند فرحان

چون چاک در دلها نمایان
تحذیب بنا شد وا در زمان شاه
دین پرور کمتر گنجور هستان
پیش پیشم نو دامشان شد
خرد گفت از روزبان نفس سیاه
تاریخ تعمیرش ... منظان
و ادراک آن در عهد سلیمان
از این اشعار معلوم شود
که در عهد شاه سلیمان صفوی
زلزله بدار السیاده خرابی
دار پادشاه مرمت فرموده
و در سنه ۱۳۰۰ رکن الدوله
میرزا حاکم خراسان و
سیستان بحکم ناصر الدین شاه
دار السیاده را که را انهدام
کاشی نمود و صبوری ملک
الشعراء آستانه معهد سرخ تحصیلی
نظر کرده و در این مقام کریم
رقم شد
در کعبه کاشی آراسته آمده
که بابت قدسیان
بود در ایوب شد تجلی
(الی ان قال) العرض این
چون این کرد فلک این کاخ
نقش از نقش صبوری هی
از طبع خواست زیر خرم
سرور عیش نیز گوش گفت
دیده حق بین کجا ابصر نما
خفناست (۱۳۰۰)

قابین دار السیاده

دا ایوان طلای صحن کهنه
بنا شده سر تیغ نموده
کلید شد طلا مرد ... ای
دسقا عامر

کرطاعتان ووزراغیبت میدانند نوشتان است برای آنچه رسانید شد از غفلت و دشادانست بآنچه باو رسید از فضل ورحمت قل بفضل الله وبرحمته فبذلک فلیفرحوا اگر سرکشی کند نفس از آن دادوست دارد در روشنی چشم او در آن چیزی است که زوال نپاید و نپذیرد زینت او در چیزی است که فنا ندیده و نپاید از امور دنیای این مرد حلم را بعلم دگفتار را بکردار میبینی او را که نزدیک است املی او اندک است لغزش قلیل او و خاشع است دل او و قانع است نفس کامل او اندک است خورش او سهل است ضرر و ربت آسان است کار او و دیرکا او اند شوارها دنیا در او است ایمن است از و همچو محفوظ است دین او و مرده است شهوت او فرو خورده است خشم او و دیلمی خیر او و شر او مأمون است دنیا دورکار اگر باشد در میان غافلان در نظر مردمان نوشته شد است نزد خدا از ذاکران چه دل او است بذکر از رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله و اگر باشد در میان ذاکران نوشته شود از قبیل غافلان چه با غافلان بود بیاد مولی با ذاکران بود بطریق اولی و خالی بودن از دنیا عفو کند در گذرد از کسی که او را ستم کند و بدهد بکسی که او را محروم گرداند و پیوند کند باکسی که از او برید دور است فحش و زشتی گفتن چیزی که نیست سزاوار نرم است گفتار او با مردمان غایب است کار ناشایسته او حاضر است کار پسندیده او رو نهاده است خیر او پشت داده است شر او در فتنها کار در بزرگ و با وقار است در سختیها صابر است و در فراخیها نعمت شاکر است و ستم نمیکند بر آنکه دشمن میدارد و گناه نمیکند در باره کسی که او را دوست میدارد چه دور است از پیروی نفس و هوا از خشوع طاعت اعتراف میکند بحق پیش از آنکه گواهی داده شود بر وی ضایع نمیاند چیزی را که طلب نگهداشت کرده اند در وی فراموش نمیکند چیزی را که بیاد او داده اند و نمیخواند مردم را بلقبهای بد بنا بر کلام آسمانی که فرستاده اند ولا تنابزوا بالالقاب ضرر نمیرساند همسایه را بهیچ باب و شادی نمیکند بمصیبتهای دیگران و داخل نمیشود در باطل نا حق گویان و بیرون نمیاید از حق بموجب عادت ایمان کنندگان اگر خاموشی کند غمگین نمیسازد او را آن خاموشی زیرا که از حکمت است و از جمله دیه و شود و اگر بخندد بر نمیدارد آواز بلند خنده زیرا که قهقهه با وقار منافی است و اگر ستم کنند بر او صبر نماید تا باشد خدای که بر او انتقام در آید و نفس او از او در رنج کشیدن

دار السیاده فراز بلند

و سقاخانه در دار السقاخانه ایست از طلا پارچه سنگ یک حوض کوچکی و دار بحش بیوده است چه در کتیبه شبابیک آن اسم السلطان الاعظم شاهنشاه الاعظم الخاقان محمد بن محمود خان اعز الله انصاره بیمن العبد المذنب الراجی الی رحمة الله مجیب .... و در دیوار کتیبه سطری بنگارش الصاحب الاجل الاکبر الحاج بتاریخ اوایل شعبان سنه سبع و سبعین و الف خانه دار الارام سرچشمه دار نقشهاد کرد این مکان است مجوهر از افراد اهل دار السیاده شوند نوشته لازم یحتسبا الناس من خالص مال العبد المذنب الراجی ناصر الدوله والدین نصر الله بن شمس الدین العثمانی نفع الله سنه فی تاریخ سنه خمس و ثلثین و سبعماه بعمل استاد علی نجار النیشابوری

توحید خانه مبارکه همان عمارت است که از عهد تیموری در پشت سر و دری دارد با پوشش طلای صحن کهنه و بیک راه پاریکی دارد بگنبد اللهوردی خان و اصل آن از بناهای مرحوم محدث کاشانی جناب آخوند ملا محسن فیض میباشد مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار اعظم مرمت کرد نموده

باشد و مردم از او در آسایش میباشند نفس خود را برای کار عقبی و آسایش دهد مردم را از نفس خود برای رضای خدا دوری او از کسی که دور شد از او و زهد است و پاکی و نزدیکی او بکسی که نزدیک باشد باو نرمی است و رحمت نیست دوری او بسبب کبر و نخوت و بزرگواری نیست نزدیک شدن او بواسطه مکر کردن و فریفتن و طرازی است راوی گوید که بیهوش شد همام بیهوش شدنی از این کلام معجز نظام که بود جان او در آن بیهوشی از بدن روان از کمال حقایق و مهابت این سخنان بعنوان زشوق جان داد در روی جنت نهاد پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که بخدا میترسیدم از این حالت بر همام پس فرمود همچنین میکند موعظهای بلیغ به اهلان پس گفت مرا حضرت را گوینده که چه در یا امیر المؤمنین کعمل نکرد در تو آنچه عمل کرد در وی چون آنحضرت فرمود وای بر تو بدرستیکه هر اجلی را وقتی است که در نمیگذرد و آن اجل را سببی است که از آن تجاوز نمیکند باز گو خیز حل پس مستباش و فیما نمکرد بمانند این نوع کلمات که دمید شیطان بر زبان تو این سخنان چه حوصله ایشان است از آن (والسلام خیر ختام) او سع است که بگنجد در بیان

تمام شد ترجمه کتاب مکارم الاخلاق بعون خالق انفس و آفاق و این ترجمه موسوم است بمکارم الکرام امید که خوانندگان این نسخه را که بیاد آن ساده مترجم او از جمیع خیر ده

و متوقع از آن کسانی که بنظر انصاف کار فرمایند و بمضمون آن عمل کنند آنکه مؤلف را بدعای خیر یاد کنند اللهم وفقهم لما تحب و ترضی والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و سلم تسلیما کثیرا کثیرا

کتبه محمد رضا ... فی سنه ۱۳۱۹

حکم گنبد گنبد

و گنبد اللهوردی خان در مشرق توحید خانه و شمال شرقی حرم مطهر واقع است با کمال زینت و استحکام که یکی از علو مقام باقی از آثار دولت صفویه علیهم الرضوان میباشد و در کتیبه آن لا اله الا الله و دعوات ائمه علیهم السلام را نوشته اند بخط جعفر نام و قبر موسی بن جعفر علیهما السلام که مساجد شده و ذکر آن در احادیث هم نیز مضبوط است این مکان شریف نقل است در فضیلت حضرت رضا علیه السلام و در حدیث کساء از گنبد اللهوردی خان نام بهاء الدین است نگید خاتم خان

و گنبد حاتم خان

بنا است در پایین پای حرم مطهر که کسی که از پایین پا بیرون بیاید داخل میشود خط مستقیم میرود تا دار السعاده

میرسد

دار السعاده

اصل عمارت از بناهای اللهیار خان آصف الدوله است و در سنه ۱۳ ... کتیبه الدین شاه تمام مشهور شده محمد ابراهیم خان امین السلطان وزیر دربار کرد در خدمت اعلیحضرت در حضور دستور داد و فایده خوب خانه او را تمام شد و رو به دری در ضلع جنوب دار السعاده جاکرد بیرون در مقابل اصف خان بسرش بهمت ترویج دوج

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین
بدانکه این رساله ایست مختصر که بوزرجمهر حکیم تصنیف کرده است از برای
پادشاهان و بزرگان در باب جستن رگها و اندامها چون خواهند که بیان
هر یک بدانند از این رساله بازجویند و فراغت دل خود حاصل نمایند و نامش
اختلاج است تا دلیل خیر و شر از هر یک بازجویند و شکر آن بگذارند و صدقه
بدهند که الصدقة ترد البلاء - اگر کسی راسر بجهد بزرگ نام شود و پادشاهی
یا مال یابد اگر گرد بگرد سر بجهد عزت و تندرستی یابد و دوستی پیدا کند اگر ابرو
راست یا چشم راست بجهد بمراد رسد با شادی اگر ابروی چپ یا چشم چپ بجهد
از چیزی غمناک شود اگر اندرون چشم راست بجهد از خوی نیک بخوی بد رود
اگر اندرون چشم چپ بجهد بمراد خویش رسد اگر از دنبال چشم چپ بجهد مالی
یابد و شادی بیند اگر مژه زیرین چشم راست بجهد بادشمن خصومت افتد و ظفر
او را باشد و اگر مژه چشم چپ بجهد در حال شاد شود اگر دیده راست بجهد
تندرستی یابد اگر دیده چپ بجهد سری ایدش اگر گوشه چشم راست بجهد
غمناک شود اگر گوشه چشم چپ بجهد یک چندی در زبان مردم افتد اگر
رخساره از سوی راست بجهد کاری کند که از آن کار پشیمان خورد اگر بینی بجهد
عزت یابد اگر استخوان بینی بجهد نامش ببزرگی و مهتری برآید اگر بینی از سوی
راست بجهد از چیزی اندوه بیند و زود شاد شود اگر سر بینی بجهد غمگین
شود بمرگ کسی اگر سوراخ بینی از سوی راست بجهد شاد شود اگر از سوی
چپ بجهد نالان شود و اگر گوشه دهن از سوی راست بجهد شادی بیند
اگر از سوی چپ بجهد بزرگی و مال یابد اگر لب زیرین بجهد دشمنان دفع
کند و ایشان را بشکند اگر لب بالا بجهد خایه ایدش یا چیزی و شادی یابد
اگر هر دو لب بجهد دوستی با کسی بنیاد کند رومیان گویند بوسه بکسی دهد
هندیان گویند طعامی لذیذ بخورد اگر میانه دو لب بجهد بوسه دهد بکسی

والدین با آینه تزیین کرده
دار السعاده را شرح آن را
صنیع الملک الشعراء در ضمن
منظومه ذیل درج نموده و در
تاریخش سروده:
زد رقم کلک صنیع ... تاریخ
انک آینه این صفه ... نو
و بالا نکه در سمت مشرق
گنبد اللهوردیخان بنا شده
مشتمل بر دو شاه نشین از
دار الضیافه گویند و مدخل
آن از صحن جدید است با طاق
مانندی و از آنجا بدار الضیافه
آقا ابوالقاسم ... صحن جدید
چراغ ... بناهای قبل ...
است و میرزا محمد حسین عضد
الملک بامر ناصر الدین شاه
تذهیب و مرمت کرده.
و همانین دار الحفاظ
و گنبد خاتم خان که کشیکخانه
است و بالای آن نقار خانه
مبارکه است و نزدیک در
توحید خانه در ایوان طلا
صحن عتیق هم دری است که
بکشیکخانه و دیگری بانقش
دران قرآنهای مجید است
و دیگر حرم مطهر در سمت
بالاسر صفه ایست و بعد از
آن مسجد جنت و از آن مسجد
بطرف شمال گرمخانه ... شده
بصفه که تربت مرحوم خلد مقام
ثقة الاسلام ... حاج شیخ
حسنعلی در آن واقع است
از آن داخل میشود مسجد بالا
سر و آن صفه ایست طولانی که

اگر زبان بجهد درستی و نیکی او را یاد کند اگر گلو بجهد طعام خوش طعم بخورد -
رومیان گویند از بهر طعام غمگین شود اگر گردن از سوی راست بجهد مالی یابد از رنج خود
اگر گردن از سوی چپ بجهد مالی یابد بی رنج و بلا اگر همه گردن بجهد از خدای عز و جل
عافیت یابد تا صحت یابد اگر دوش راست بجهد بزرگ نام شود و نیک بخت اگر
دوش چپ بجهد کار وی نیک شود و بکام رسد اگر بازوی راست بجهد اندوهگین شود
و باز شاد شود - و چیز گم کرده باز یابد هندیان گویند پسر ایدش اگر بازوی چپ بجهد
اندک مایه غمناک شود اگر ارش از سوی راست بجهد جنگ کند با دشمن اگر سوی چپ بجهد
چیره گردد بر عدو اگر استخوان دست راست بجهد شاد شود از قبل مال اگر از سوی چپ بجهد
توانگری یابد اگر کف دست راست بجهد از علتها و بیماریها خلاص شود اگر دست چپ
بجهد ناگاه مال فراوان یابد اگر انگشت مهین دست راست بجهد مراد حاجتی که خواهد
بیابد اگر انگشت دوم بجهد دشنام دهندش اگر انگشت میانین بجهد از کاری که کند شاد
بیند اگر انگشت چهارم بجهد چیزی بیند که از آن خرم شود اگر کهین بجهد مهمانی از راه
دور بیند اگر انگشت مهین دست چپ بجهد جنگ افتد و ظفر او را باشد اگر دوم بجهد
با کسی گفتگو کند اگر میانین بجهد اندوهی پیش آید و بخیر بگذرد اگر چهارم بجهد از
از دوست دیرینه خبر یابد اگر انگشت دست چپ بجهد از مالی که جمع داشته باشد شاد شود
اگر بغل راست بجهد اندک مایه غمناک شود و دیگر فرج یابد اگر بغل چپ بجهد از دوستی
شاد شود اگر شانه چپ بجهد خشم ناکی کند اگر میان پشت بجهد رنجه شود در طلب روزی
اما در آخر برخوردار شود اگر میان پشت بجهد از سوی چپ خویشی ایدش زمینه اگر
میان پشت بجهد رنجی بیند از مهتری اگر پهلوی راست بجهد زیان افتدش و ناچیز
روزی نالان شود اگر پهلوی چپ بجهد از بلا ایمن شود و اگر بنیادی باشد رست
تندرست شود اگر سینه از سوی راست بجهد از چیزی غمناک شود اگر از سوی چپ بجهد
کاری کند که از آن کار غمناک شود اگر پستان راست بجهد همه سینه بجهد از طرف
بازی کردن و افسوس داشتن غمناک شود اگر پستان راست بجهد تنها بیافتند
در خانه با ندوه اگر پستان چپ بجهد علامت دولت و نیکبختی بود اگر شکم بجهد بیمار
شود و زود درست گردد اگر ناف بجهد شادی بیابد بیند اگر زهار بجهد دشنامی

با طرفین میرود و بهشت بسته
مبارک معروف است نشانیهای
و یک طرف دیگرش میرود بیرون
از حرم و داخل توحید خانه
ضریح مطهر
تمام مرقد منور را ضریحی است
و در ضریح از سمت جنوب دو قاب
که بالای قفل و در است خطی
نوشته است و در سمت پیش
الجنه لکن در طرف پائین بعض
نمایش مانند و در بست ... سمت
که بامر مرحوم فضلعلی شاه درست
کرده اند و در چهار چوب نقره
که روی آن نصب است سمت کنکره
نوشته است
سفیا الطوس و من اصبح باو طنها
من خیرة المصطفی ابن المصطفی
اعنی ابا الحسن المسمی به
حقا علی کل من اصبح بها
و این دو شعر از اشعار خودش
مامون در مرثیه حضرت امام
رضا علیه السلام گفته بود بطرف
دیگرش نوشته شده است
من سره ان یری قبرا ...
بفرج الله عمن زاره کربه
فلیات ذا القبر ان الله اسکنه
سلالة من نبی الله منتخبه
و این دو شعر هم از اشعار که تخمیس
در حرم مطهر در تمام ضریح ملکی
با جام ... از آسمان نازل شد
و این دو بیت را مرشاد در آن
ضریح مطهر نوشت
ابن فهم عطش قصه گوید

چشم زیادت شود و شادی بیند اگر از طرف چپ بجهد خوبی بسیار از کوی برسد
وارد شدن بر خوشاوندی بیند اگر انگشتگاه از طرف راست بجهد از اندوه فرح بیند
حسد کند اگر از طرف چپ بجهد شادمان شود و مال یابد اگر میان انگشتگاه بجهد
مراد یابد از رنج خود اگر زانو راست بجهد از اندوه فرج یابد اگر چپ بجهد به مراد برسد
اگر زانوی راست بجهد دشمنی با وی خصومت کند اگر چپ بجهد دروغ با وی گویند اگر زیر
زانوی راست بجهد کارها بر مراد گردد اگر زیر زانوی چپ بجهد بدوی دروغ
گویند اگر ساق راست بجهد نالان شود و بعد از آن درست شود اگر ساق چپ بجهد
چشم روشن شود و بخت نکو اگر نرم ساق چپ بجهد سبزه کار و نیازمند گردد
اگر کعب راست بجهد مال بسیار منفعت کند اگر اندرون کعب راست بجهد ملکی
و یرا و بجهد و از آن ملک بسیار نیکی بیند اگر اندرون کعب چپ بجهد ناگاه از همه چیز
شاد شود اگر پاشنه راست بجهد خصومت افتد و بدنامت یا آنا بد اگر پشت پای
راست بجهد از خویشی بسیار نیکوئی بیند یا سفری کند یا منفعت و شادی بوی رسد
اگر پشت پای چپ بجهد خصومتی افتد یا مهربی با سلطانی یا امیر بکند اگر کف
پای راست بجهد بجیزی بود که در آن سفر نیکوئی بسیار بیند اگر انگشت مهین پای
راست بجهد از راه باز ماند اگر دوم بجهد نالان شود اگر میانین بجهد خجل و خصومت
افتد با کسی و ظفر او را باشد اگر چهارم بجهد علامت آن بود که جنگی
بکند اگر کهین بجهد چیزی جوید اگر انگشت مهین پای چپ
بجهد هر حاجت که خواهد روا گردد اگر دوم بجهد
کار کند و نیکی بسیار بیند اگر میانین
بجهد در چند نالان شود و
زود فرح یابد اگر
چهارم بجهد
خجل

مخصوص اند به سود و زیان با خویشان
اگر کهین بجهد حسن و حسد پیدا کند و مردم از او حذر کنند اما از اندوه و بیماری برهد یا از یار یا دیار
والله اعلم بالصواب

کرسان الهی بود و تمول قائم شود
بیشتر کار در بیت در حرم
مطهر شیخ بکشت با جند سال
قبل کرده بنیاد آنستان ملاذ
پاسبان معروض شد بجهات
امام علیه الاسلام در آستانه
سقف ایشان شکافها و کثیف
عرضه داشتم تا اگر با مر
آنجا چوب غوره با آنها
نصب شد و این یادگار از
ایشان باقی ماند

صحن عتیق

نصف آن که در سمت گنبد
طلائی نادر ساخته از بناهای
امیر علی شیر و در زمان سلطان
حسین با یقرا بنا شده نصف
دیگر از بناهای شاه عباس
ایوان طلائی نادر شاه
عباسی بنا شده و کتیبه
این ایوان و ایوانهای دیگر
و درهای صحن مطهر آیات و
احادیث مسطور بنا شد بخط
محمد رضای امامی و بعضی بخط
میرزا عبدالله ریحان
و در گلدسته ایوان عباسی
بخط ثلث صلوة بر حضرت
رسول و ائمه اطهار صلوات
الله علیهم اجمعین نوشته در
اخر آن فی ذیقعده الحرام
۱۱۳۵ و در کتیبه گلدسته
روی ایوان طلا الاصل ائمه
حسن بن رسول الله علیهم
السلام است و در آخرش نوشته
کتبها بهاء الدین محمد الخادم
حرر در وصف ... شده

این شریفه ان الله یملک السموات والارض الایة صحن جدید که از بناهای مرحوم
فتحعلی شاه است و زینت یافته در زمان محمد شاه قاجار چنانچه در بالای ایوان نوشته شده
مسجد گوهرشاد از ابنیه گوهرشاد آغا دختر شاهرخ بن امیر تیمور است و از
صحن جنوبی حرم مطهر محسوب میشود اما کتیبه های آن بعد دور گنبد ایوان مقصوره
نوشته است تا کان العرجون القدیم بخط میرزا محمد رضای امامی بتاریخ سنه دو هزار
کتیبه سمت دیگر بخط قدیم است الامرة بعمارة هذا المسجد صاحب الرشد والرشاد
المعظمة گوهرشاد در بیرون دهنه ایوان کتیبه ایست بخط بایسنغر بسم الله الرحمن
الرحیم قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله الایة وقال النبی علیه السلام من بنی لله
مسجداً لیذکر الله فیه بنی الله له بیتاً فی الجنة و بعد علی مضمون تا اینجا خط با
است و از اینجا بعد تعمیر شده و گویا خط محمد رضای امامی است و در آخر کتیبه هم
مقدار بخط بایسنغر است و رقم کرده راجیا الی الله بایسنغر بن شاه رخ بن تیمور گورکان
فی ۸۲۱ و در سر کتیبه بایسنغر دو سطر است بخط خفی برکاشی معرق با این عبارت تعلیق
تحریرها فی دار السلطنة هرات ... المبارک رجب المرجب سنة احدی وعشرین و ثمانمائه و در
کتیبه های این مسجد مبارک آیات و احادیث و اسماء الله و سبحله و حمدله و امثال
این کلمات شریفه بخطهای بسیار خوب نوشته و این حدیث نیز مرقوم است قال علی
علیه السلام العالم یعرف الجاهل لانه کان جاهلاً قبل و الجاهل لا یعرف العالم لانه
لم یکن عالماً قبل و هم این حدیث قال النبی ان الارض الذی یتخذ مسجداً تبشر
قبل ذلک بسبعین سنة و هی تدعو لمن عمرها و تجعل دعائها لمؤذنها و امامها
و نیز این حدیث قدسی قال الله تعالی یا بنی آدم اطیعونی بقدر حوائجکم واعصونی
بقدر صبرکم علی النار و تزودوا للدنیا بقدر سکونکم فیها و تزودوا للاخرة
بقدر مکثکم و در مسجد مقصوره مقابل این مسجد که حفاظ می‌نشینند و قرآن
میخوانند سنگ چهار پایه است بخط ثلث خفی منقور است العبد شمس الدین جعفر
الموسوی سنه اثنی ستین و ثمانمائه

فصل
در بیان کیفیت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

ذکر آداب دخولی که در همه حرمهای شریفه خوانده میشود اللهم انی وقفت علی باب

زیارت حضرت رضا

من بیوت نبیک صلی الله
علیه و آله و قد منعت الناس
ان یدخلوا الا باذنه فقلت
یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا
بیوت النبی الا ان یؤذن
لکم اللهم انی اعتقد
حرمة صاحب هذا المشهد
الشریف فی غیبته کما اعتقد
فی حضرته واعلم ان رسولک
و خلفائک احیاء عندک
یرزقون یرون مقامی و
یسمعون کلامی و یردون
سلامی و انک حجبت عن سمعی
کلامهم و فتحت باب فهمی
بلذیذ مناجاتهم و انی
استاذنک یا رب اولا و
استاذن رسولک صلواتک
علیه و آله ثانیا و استاذن
خلیفتک الامام المفروض علی
طاعته مولای علی بن موسی
الرضا علیهما السلام و در حرم
مبارک از ائمه بجای ابن اسم
مبارک آن امام را بیاد باید
ذکر نمود اگر در حرم رسول
خدا باشد ذکر اسم لازم نیست
و الملائکة الموکلین بهذه
البقعة المبارکة ثالثا ادخل
یا رسول الله ادخل یا حجة
الله ادخل یا ملائکة الله المقربین
المقیمین فی هذا المشهد فاذن
لی یا مولای فی الدخول افضل
ما اذنت لاحد من اولیائک
فان لم اکن اهلا لذلک فانت
اهل لذلک ثم ببوس عتبه مبارکه را

ببوس و داخل شو و بگو بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی
الله علیه و آله اللهم اغفر لی وارحمنی وتب علیّ انک انت التواب الرحیم

و اما کیفیت زیارت حضرت امام رضا ع

پس بدانکه از برای آنجناب زیارات چندی نقل شده ما در اینجا ذکر میکنیم چهار
زیارت را اوّل زیارتی است که شیخ جلیل محمد بن الحسن بن الولید منسوب گردانیده
و گفته اند که از مزار ابن قولویه معلوم میشود که مروی از ائمه علیهم السلم باشد و آن
برای مقدمات آن است از غسل و دعای وقت غسل و دعای بیرون آمدن از خانه و
غسل زیارت و دعائی اند فرموده اند برای مشرف شدن بحرم مطهر که بپوشی
پاکیزه ترین جامه های خود را و برو با پای برهنه با آرامی و وقار و دلت باید خاضع
باشد و بگو الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله و الحمد لله و گامهای خود را
کوتاه بردار و چون داخل بروضه مقدسه شوی بگو بسم الله و بالله و علی ملة
رسول الله صلی الله علیه و آله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و
اشهد ان محمدا عبده و رسوله و اشهد ان علیا ولی الله پس برو نزد ضریح
و قبله را در پشت خود بگیر و رو بروی آنحضرت بایست و بگو اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و انه سید الانبیاء
و المرسلین اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و سید خلقک
اجمعین صلوة لا یقوی علی احصائها غیرک اللهم صل علی امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب عبدک و اخی رسولک الذی انتجبته بعلمک و جعلته هادیا
لمن شئت من خلقک و الدلیل علی من بعثته برسالاتک و دیان الدین بعدلک
و فصل قضائک بین خلقک و المهیمن علی ذلک کله و السلام علیه و رحمة الله
و برکاته اللهم صل علی فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیک و ام السبطین الحسن
و الحسین سیدی شباب اهل الجنة الطهرة الطاهرة المطهرة التقیة
النقیة الرضیة الزکیة سیدة نساء العالمین و اهل الجنة اجمعین صلوة لا
یقوی علی احصائها غیرک اللهم صل علی الحسن و الحسین سبطی نبیک و

سیدی شباب اهل الجنة
القائمین فی خلقک و
الدلیلین علی من بعثته
برسالاتک و دیانی الدین
بعدلک و فصل قضائک
بین خلقک اللهم صل علی
علی بن الحسین عبدک القائم
فی خلقک و الدلیل علی من
بعثته برسالاتک و دیان
الدین بعدلک و فصل
قضائک بین خلقک
سید العابدین اللهم صل
علی محمد بن علی عبدک و
خلیفتک فی ارضک باقر
علم النبیین اللهم صل
علی جعفر بن محمد الصادق
الصادق عبدک و ولی دینک
و حجتک علی خلقک اجمعین
الصادق البار اللهم صل
علی موسی بن جعفر عبدک
الصالح و لسانک فی خلقک
الناطق بحکمک و الحجة علی
بریتک اللهم صل علی علی
بن موسی الرضا المرتضی
عبدک و ولی دینک القائم
بعدلک و الداعی الی دینک
و دین آبائه الصادقین
صلوة لا یقوی علی احصائها
غیرک اللهم صل علی محمد بن
علی عبدک و ولیک القائم
بامرک و الداعی الی سبیلک
اللهم صل علی علی
بن محمد عبدک و ولی
دینک اللهم صل علی الحسن

بن علی العامل بامرک القائم فی خلقک و حجتک المؤدی عن نبیک و شاهدک
علی خلقک المخصوص بکرامتک الداعی الی طاعتک و طاعة رسولک صلواتک
علیهم اجمعین اللهم صل علی حجتک و ولیک القائم فی خلقک صلوة تامة
نامیة باقیة تعجل بها فرجه و تنصره بها و تجعلنا معه فی الدنیا و الاخرة
اللهم انی اتقرب الیک بحبهم و اوالی ولیهم و اعادی عدوهم فارزقنی
بهم خیر الدنیا و الاخرة و اصرف عنی بهم شر الدنیا و الاخرة و اهوال یوم
القیمة پس بنشین نزد سر آنحضرت و بگو السلام علیک یا ولی الله السلام
علیک یا حجة الله السلام علیک یا عمود الدین السلام نور الله فی ظلمات الارض
السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا وارث آدم صفی الله السلام
علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام
علیک یا وارث اسمعیل ذبیح الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله
السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد بن عبد الله
خاتم النبیین و حبیب رب العالمین رسول الله السلام علیک یا وارث علی
بن ابی طالب امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا وارث فاطمة سیدة
نساء العالمین السلام علیک یا وارث ابی محمد الحسن السلام علیک یا وارث ابی
عبد الله الحسین السلام علیک یا وارث علی بن الحسین سید العابدین السلام
علیک یا وارث محمد بن علی باقر علم الاولین و الاخرین السلام علیک یا وارث
جعفر بن محمد الصادق البار الامین السلام علیک یا وارث ابی الحسن موسی
بن جعفر الکاظم الحلیم السلام علیک ایها الشهید السعید المظلوم المقتول
السلام علیک ایها الصدیق الوصی البار التقی اشهد انک قد اقمت الصلوة
و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و عبدت الله مخلصا
حتی اتیک الیقین السلام علیک یا ابا الحسن و رحمة الله و برکاته انه
حمید مجید لعن الله امة قتلتک و لعن الله امة ظلمتک و لعن الله
امة اسست اساس الظلم و الجور و البدعة علیکم اهل البیت پس
خود را بضریح بچسبان و بگو اللهم الیک صمدت من ارضی و قطعت

البلاد رجاء رحمتک فلا
تخیبنی و لا تردنی بغیر
قضاء حوائجی و ارحم تقلبی
علی قبر ابن اخی نبیک
صلواتک علیه و آله بابی
انت و امی اتیتک زائرا
وافدا عائذا مما جنیت علی
نفسی و احتطبت علی ظهری
فکن لی شافعا الی الله تعالی
یوم حاجتی و فقری و فاقتی
فلک عند الله مقاما
محمودا و انت عند الله وجیه
پس دست راست را بلند کنی
و دست چپ را بر قبر بگذاری
و بگوئی اللهم انی اتقرب
الیک بحبهم و بولایتهم اتولی
آخرهم بما تولیت به اولهم
و ابرء من کل ولیجة دونهم
اللهم العن الذین بدلوا
نعمتک و اتهموا نبیک و جحدوا
بآیاتک و سخروا بامامک و
حملوا الناس علی اکتاف آل
محمد اللهم انی اتقرب الیک
باللعنة علیهم و البرائة منهم
فی الدنیا و الاخرة پس برگرد
نزد پاهای آنحضرت و میروی
و بگوئی صلی الله علیک یا
ابا الحسن صلی الله علی روحک
و بدنک صبرت و انت الصادق
المصدق قتل الله من قتلک
بالایدی و الالسن پس حضرت
و مبالغه کن در لعن کردن
بر کشندگان امیر المؤمنین و
قاتلان حسن و حسین علیهم السلام

وقاتلا ان جمیع اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بهر قسم که میخواهی و اگر
این عبادت را کار از بعضی از ادعیه اختصار شود بخواند تا بدانی باشد اللهم العن
قتلة امیر المؤمنین و قتلة الحسن و الحسین و قتلة اهل بیت نبیک اللهم العن
اعداء آل محمد و قتلتهم و زدهم عذابا فوق العذاب و هوانا فوق الهوان و
ذلا فوق ذل و خزیا فوق خزی اللهم دعهم الی النار دعا و ارکسهم فی الیم عذابک
رکسا و احشرهم و اتباعهم الی جهنم زمرا پس از پشت قبر برو و نزد سر آنحضرت
دو رکعت نماز بکن در رکعت اول سوره یس و در رکعت دوم سوره الرحمن بخوان و
جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع
برادران مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آنحضرت بمان و باید که نمازهای خود را
نزد قبر بکنی **مؤلف** گوید که این زیارت بهترین زیارات آنحضرت است و شیخ
محمد بن المشهدی در مزار کبیر این زیارت را نقل فرموده **زیارت دوم**
از شیخ محمد بن المشهدی منقولست که غسل میکنی و میایستی نزد قبر آنحضرت و
میگوئی السلام علیک یا ولی الله و ابن ولیه السلام علیک یا حجة الله و ابن
حجته و ابا حججه السلام علیک یا امام الهدی و العروة الوثقی و رحمة الله و
برکاته اشهد انک مضیت علی ما مضی علیه آباؤک الطاهرون علیهم السلام لم
تؤثر عمی علی هدی و لم تمل من حق الی باطل و انک قد نصحت لله و لرسوله
و ادیت الامانة فجزاک الله عن الاسلام و اهله خیر الجزاء اتیتک بابی و امی
زائرا عارفا بحقک موالیا لاولیائک معادیا لاعدائک فاشفع لی عند ربک
جل و عز **زیارت سوم** زیارتیست که شیخ جلیل ابن قولویه قمی رحمه الله
در کامل الزیارة از بعض ائمه علیهم السلام روایت کرده که فرمودند چون نزد قبر
امام رضا علیه السلام رفتی بگو اللهم صل علی علی بن موسی الرضا المرتضی الامام
التقی النقی و حجتک علی من فوق الارض و من تحت الثری الصدیق الشهید
صلوة کثیرة تامة زاکیة متواصلة مترادفة کافضل ما صلیت علی احد
من اولیائک **زیارت چهارم** زیارتیست که سید اجل مرحوم

میرداماد رضوان الله علیه
در کتاب اربعة ایام در روز
دحو الارض نقل کرده و فرموده
این زیارت از مولای ما امام
کل عاکف و باد ابی جعفر ثانی
محمد بن علی الجواد علیه الصلوة
و التسلیم مرویست و آن زیارت
چنین است بسم الله الرحمن
الرحیم السلام علیک یا ولی
الله و ابن اولیائه السلام
علیک یا سفیر الله و ابن
سفرائه السلام علیک یا
حجة الله و ابن حججه السلام
علیک یا نور الله فی ظلمات
الارض و ابن انواره السلام
علیک یا عمود الدین السلام
علیک یا وارث الانبیاء
المرسلین السلام علیک یا
وارث آدم صفوة الله السلام
علیک یا وارث نوح نبی الله
السلام علیک یا وارث ابراهیم
خلیل الله السلام علیک یا
وارث اسمعیل ذبیح الله السلام
علیک یا وارث موسی کلیم
الله السلام علیک یا وارث
عیسی روح الله السلام علیک
یا وارث محمد حبیب الله و
رسوله السلام علیک یا وارث
امیر المؤمنین علی بن ابی
طالب علیه السلام ولی الله
و وصی رسول الله السلام
علیک یا وارث فاطمة
الزهراء سیدة نساء
العالمین بنت رسول الله
السلام علیک یا وارث

الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة فی الجنة سبطی رسول الله السلام علیک یا وارث
علی بن الحسین سید الساجدین و زین العابدین السلام علیک یا وارث محمد بن علی
باقر علم الاولین و الآخرین السلام علیک یا وارث جعفر بن محمد الصادق البار التقی
الامین السلام علیک یا وارث موسی بن جعفر العالم الکاظم الحفی الحلیم السلام
علیک ایها الصدیق الشهید السلام علیک ایها الوصی المرتضی البر التقی
الوفی اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت
عن المنکر و عبدت الله مخلصا حتی اتیک الیقین السلام علیک یا امام قضیب
و امام نجیب و امام بعید و امام قریب و امام مسموم غریب السلام علیک ایها
العالم النبیه و القدر الوجیه و النازح عن تربة جده و ابیه السلام علی من
امر اولاده و عیاله بالنیاحة علیه قبل وصول القتل الیه السلام علی دیارکم
الموحشات کما استوحشت منکم منی و عرفات السلام علی سادات العبید و
عدة العدة الوعد و البئر المعطلة و القصر المشید السلام علی غوث اللهفان
و من صارت به ارض خراسان السلام علی قلیل الزائرین و قرة عین فاطمة
سیدة نساء العالمین السلام علی الشجرة الصنوبریة و الغصون المتفرعة من
الشجرة الاحمدیة السلام علی من انتهی الیه ریاسة الملک الاعظم و علم کل
شیء لتمام الامر المحکم السلام علی من تمام ادم و سلالة السائلین و معالم
امانات المخلوقین و حججهم ابطال الشبه الملحدین السلام علی من کثرت له
و سادة والده امیر المؤمنین حتی خصم اهل الکتب و ثبت قواعد الدین
السلام علی علم الاعلام و من کثرت قلوب شیعته بغربته الی یوم القیمة السلام
علی السراج الوهاج و البحر العجاج الذی صارت تربته مهبط الاملاک و
المعراج السلام علی مرآة الاسلام و ملوک الایمان السلام علی نامی النور
و طاهر الولادة و من اطلعه الله بفضله علی علم الغیب و الشهادة و جعلهم
بافضاله منبع الهدی و معدن السعادة السلام علی من انتجب به معالم الطوس
حیث حل بربعها شعر یا ارض طوس سقاک الله رحمته ماذا ضمنت من الخیر یا طوس
طابت بقاعک فی الدنیا و طاب بها شخص ثوی بسناباد مرموس

شخص عزیز علی الاسلام مفقود
فی نحره الله معمود و مغموس
یا قبره انت قبر قد تضمنه
حلم و علم و تطهیر و تقدیس
فانخر فانک مغبوط بجثته
و بالملائکة الاطهار محروس
السلام علی مفخر الابرار و
ثانی المراد و شرط دخول
الجنة و النار السلام علی من
بقطع الله صلوته فانه
ان غاب و جاء تسکن الثوی
و تحرک النغم کون السلام
علی من جعل الله ائمة منهم
ممتحنة بین الناس بقین کما
نعیمک بولایتهم اهل الجنة
السلام علی من اجتبی الله بهم
دارس حکم النبیین و اشبعهم
بولایتهم لتمام کلمة الله رب
العالمین السلام علی شمس الکون
و الساعات و عقدة الآل الا
الله فی ذلوم المطرات
السلام علی ابطال الدنیا و
سعو بغها و من سئلوا عن
کلمة التوحید فقالوا نحن
من شروطها السلام علی من بقل
وجود کل مخلوق بولایتهم و
من خطب لهم الخطباء جمعة
اباءهم عام افضل من شیب
صوت لتمام السلام علی من
مثل الحرم و ثنائهم و تعاقب
الاولین و الآخرین یا آدم
و انا بکم السلام علی من
افتخر الفخر بتعظیم و علامة
بوجوب الصلوة علیهم و

نطقا نعرثیا بهم السلام علی فخر الاقمار وفخر الابرار المتکلم مع اهل کل لغة بلسانهم
القائم لشیعته ما کان الله لیتولی اماما علی امة حتی یعرّفه بلغاتهم و آدابهم السلام
علی فرحة القلوب وفرج الکروب شریف الاشرف مفخر عبده مناف الیتیق کنت من
الطائفین بعرصة مشهد حضرته متشهدا البهجة متوانتشر اطوف ببابکم فی کل
حین کان ببابکم حبل الطواف السلام علی الامام الرؤف الذی هیج اخوان یوم
الطفوف بالله اقسم وبآبائک الاطهار وبابنائک المنتجبین الابرار لولا بعد
الشقة حیث شطت بکم الدار لقضیت بعض واجب حقکم بتکرار المزار السلام
علیکم یا حماة الدین واولاد النبیین وسادة المخلوقین ورحمة الله وبرکاته
بدانکه علامه مجلسی در بحار زیارت مختصر دیگری از کتاب عتیق غروی ایراد
فرموده و در تحفه زایر نیز بخط بعض افاضل از خط شیخ شهید نقل کرده و چون
این مختصر گنجایش ذکر آن نداشت ایراد نکردم و زیارت جامعه و مجمعین زیارت امین الله
در این روضه شریفه و سایر روضات خواندن مناسب است و چون مختصر زیارت جامعه
زوار است و این مختصر گنجایش ذکر آن نداشت ایراد نکردم اما زیارت امین الله
پس بدانکه این زیارت در نهایت صحت و اعتبار است و در تمام کتب مزار و مصابیح
انها این زیارت شریف نقل شده است و علامه مجلسی فرموده که این بهترین زیارا
ت است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدسه بآن مواظبت نما
یند و کیفیتش چنان است که بسندهای معتبر روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام
که امام زین العابدین علیه السلام بزیارت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آمد و نزد قبر
آنحضرت ایستاد و گریست و گفت السلام علیک یا امین الله فی ارضه وحجته علی عباده
السلام علیک یا امیر المؤمنین اشهد انک جاهدت فی الله حق جهاده وعملت بکتابه و
اتبعت سنن نبیه صلی الله علیه وآله حتی دعاک الله الی جواره فقبضک الیه باختیا
ره لک کریم ثوابه والزم اعداءک الحجة فی قتلهم ایاک مع ما لک من الحجج البالغة علی
جمیع خلقه اللهم صل علی محمد وآله واجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة بقضا
ئک مولعة بذکرک ودعائک محبة لصفوة اولیائک محبوبة فی ارضک وسمائک

صابرة علی نزول بلائک شاکرة لفواضل نعمائک ذاکرة لسوابغ آلائک مشتاقة الی فرحة لقائک متزودة التقوی لیوم جزائک مستنة بسنن اولیائک مفارقة لاخلاق اعدائک مشغولة عن الدنیا بحمدک وثنائک پس روی خود را بر قبر مبارک گذارد و گفت اللهم ان قلوب المخبتین الیک والهة وسبل الراغبین الیک شارعة واعلام القاصدین الیک واضحة وافئدة العارفین منک فازعة واصوات الداعین الیک صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاک مستجابة وتوبة من اناب الیک مقبولة وعبرة من بکی من خوفک مرحومة والاغاثة لمن استغاث بک موجودة والاعانة لمن استعان بک مبذولة وعداتک لعبادک منجزة وزلل من استقالک مقالة واعمال العاملین لدیک محفوظة وارزاق الخلائق من لدنک نازلة وعوائد المزید الیهم واصلة وذنوب المستغفرین مغفورة وحوائج خلقک عندک مقضیة وجوائز السائلین عندک موفرة وعوائد المزید متواترة وموائد المستطعمین معدة ومناهل الظماء لدیک مترعة اللهم فاستجب

نطاني فاقبل ثنائی واجمع بینی وبین اولیائی واحبائی بحق محمد وعلی و
فاطمة والحسن والحسین والائمة من ذریة الحسین علیهم السلام انک ولی نعمائی و
منتهی منای وغایة رجائی فی منقلبی ومثوای این زیاده را مرحوم نوری طاب ثراه
نقل فرموده انت الهی وسیدی ومولای اغفر لاولیائنا وکف عنا اعدائنا و
اشغلهم عن اذانا واظهر کلمة الحق واجعلها العلیا وادحض کلمة الباطل واجعلها
السفلی انک علی کل شیء قدیر **فصل** بدانکه در حرم مطهر حضرت امام رضا
علیه السلام دو عمل است که انسان نباید غفلت ورزد **اول** نماز برای حاجت
چنانچه بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که هر کرا بسوی
خدا حاجتی باشد پس زیارت کند قبر جد ما حضرت رضا علیه السلام را در طوس
وحال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آنحضرت دو رکعت نماز بکند و در قنوت
نماز حاجت خود را طلبد پس بدرستیکه مستجاب میشود مگر آنکه از برای گناهی یا قطع
رحمی سؤال کند بدرستیکه موضع قبر آنحضرت بقعه ایست از بقعه های بهشت و
هیچ مؤمنی او را زیارت نمیکند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد میکند و داخل
بهشت میگرداند **دوم** نماز جعفر است علامه مجلسی ره فرموده در بعضی از
کتب نقل کرده اند از حسین بن احمد فقیه رازی که هر که زیارت کند حضرت امام
رضا یا دیگری از ائمه علیهم السلام را پس نماز جعفر را نزد قبر آنحضرت بجا آورد
برای او نوشته شود بهر رکعتی ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره بجا آورده باشد
و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار مرتبه در جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل
و بهر گامی ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن داشته باشد و صد
حسنه از برای او نوشته شود و صد گناه از او محو شود **فصل** در ذکر جمعی از علما
که در ارض مشهد شریف مدفونند اول شیخ الاسلام والمسلمین بهاء الملة و
الحق والدین عالم ربانی شیخنا البهائی قدس سره و [illegible]
است که مراتب او در علم فقه و فضل و تحقیق و دقت و جمیع علوم و فنون
و حسن تصنیف وجودت تألیف اشهر از آنست که ذکر شود و علمای شیعه و سنی
بذکر ثنای او رطب اللسان و عذب البیان گشته اند و من بتفصیل حال او در

در فوائد الرضویه ذکر کرده ام قبر آنجناب بجانب ایست مابین مسجد گوهرشاد و صحن نو در بقعه بزرگی **دوم** شیخ اجل اقدم سعید خبیر فقیه ثقه جلیل و مفسر کلام الله المجید فخر العلماء الاعلام امین الملة والاسلام مولانا ابو علی فضل بن الحسن الطبرسی صاحب مجمع البیان در سنه ۵۴۸ از سبزوار بدار آخرت منتقل شد جنازه مقدسش را بارض اقدس حمل کردند و در آنجا بخاک سپرده و فعلا قبر شریفش در خیابان معروف بقتلگاه معروف و مزار است قال الشیخ اسد الله رحمه الله فی المقابس وحکی انه نقل من المشهد الرضوی الی سبزوار سنه ... ونقل انه مرقده فی المشهد الشریف معروف معلوم تا امروز فی صحن الرضا علیه السلام **سیم** شیخ عالم جلیل و محدث نبیل ابو المکارم و الفضائل شیخنا محمد بن الحسن العاملی صاحب الوسائل الذی من علی جمیع العلماء بتالیف هذا الکتاب الشریف والجامع المنیف الذی هو کالبحر الذی لیس له ساحل در ۲۱ ماه رمضان سنه ۱۱۰۴ وفات کرد در ایوان ... متصل بمدرسه میرزا جعفر در صحن کهنه بخاک سپرده شد در ...

نجل جلیلش شیخ محمد رضا نیز سبیلش ملحق شد در نزدیک ذوالفقار او را دفن کردند و
شیخ حر از بیوت شریفه و مرکز علم بوده در ذوالفقار شیخ حسن بن علی که عالم و فقیه
و جلیل بوده در سنه ۱۲۶۴ در طریق خراسان در نزدیکی بسطام وفات کرده فرزندش
شیخ زین العابدین او را بمشهد آورد و در کوه سنگی بالای بقعه مبارکه او را بخاک سپرد
و شیخ حر سالها بمکه مشرف بود در منی خبر فوت پدر را رسید قصیده طولانی
در مرثیه او گفت **چهارم** شیخ فاضل محقق حکیم متکلم فقیه محدث کثیر الفضائل
و منهم الحاج المولی محمد باقر بن محمد مؤمن محقق سبزواری عالم نقاد صاحب کتابهای
ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد در سال هزار و نود وفات کرده قبرش در مدرسه
میرزا جعفر در سرداب است که محاذی است با قبر شیخ حر عاملی و محقق مذکور خالو
آقا جمال خوانساری است و استاد آقا حسین محقق است و منسوب باو است مدرسه
ملا محمد که در بالا خیابان مشهد واقع است **پنجم** عمدة المحققین و عمدة المجتهدین قبر
علامه فهامه شیخ محمد بن الحسن المعروف بملا میرزای شیروانی است که در کثرت
حفظ و دقت نظر و تبحر در علم او را ستوده اند و صاحب ریاض العلماء از او تعبیر میکند
باستادنا العلامه داماد مجلسی و لست و از برای او است مصنفات کثیره در روز شهر
رمضان سنه ۱۰۹۸ در اصفهان وفات کرد جنازه او را بمشهد حمل کردند و در مدرسه
ملا ... میرزا جعفر او را دفن کردند **ششم** شیخ عالم زاهد عابد متبحر منقح
کامل شیخ علی سبط شهید ثانی صاحب کتاب در منثور و در منظوم و حواشی
بر صحیفه کامله و بر شرح لمعه و غیرها در اصفهان سکنی داشت در سنه ۱۱۰۳ وفات
کرد جنازه او را بخراسان حرکت دادند و در مدرسه میرزا جعفر او را دفن کردند
و با او است نجل جلیلش حسین بن علی فاضل صالح محقق **هفتم** شیخ اجل فاضل
فقیه و محدث نبیه عالم ربانی شیخ عبد العالی بن محقق ثانی علی بن عبد العالی
الکرکی صاحب مؤلفات کثیره است در سنه ۹۹۳ در اصفهان وفات کرد جنازه
شد در بقعه منسوب بحضرت سید الساجدین علیه السلام پس بعد از بیست سال تقریبا
نقل کردند جنازه او را و جنازه شیخ فقیه علی بن ملا آل کرکی را بمشهد مقدس
و دفن کردند ایشان را در دار السیاده **هشتم** عالم کامل موید و فاضل متبحر

در علمای مدفونین در ...

مرقد شیخ محمد بن الحسن ...
صاحب مؤلفات نافعه در سنه
۱۲۵۷ وفات کرده در پائین
درگاه دار السیاده بانزدیکی
که مسجد گوهرشاد میروند
بوده در سابق ...
مرحوم مغفور حاج شیخ عبد
الرحیم بروجردی جناب
حاج شیخ محمد تقی بروجردی
نیز در دار السیاده است و
دو هفته قبل شب چهار شنبه
۱۸ شعبان ۱۳۳۶ جناب
محدث جلیل عالم کامل نبیل
آقای سید عبد الحسین طباطبائی
که از اجلاء علماء ...
... بود وفات کرد و بعد دار
السیاده ... دفن
بر سید جلیل القدر و عظیم
الشان عالم عامل کامل مرحوم
الامام آقای علامة الاسلام
که از اجداد حضرت حجة الاسلام
آقای حاج سید محمد آقا ...
اصفهانی بود وفات کرده در
دار الحفاظ ...
... سید جلیل ...
... رحمه الله ...
علیهما ...
فاضل کامل میرزا مهدی
...
کرد در سنه ۱۳۰۶ وفات کرد
... مرحوم ...
...
بزرگوار ...
منقل ... سنه ۱۲۱۸

روح

روح پر فتوحش بریاض جنان منتقل گشت و در حرم انور در مسجد پشت سر مبارک
مدفون شد و جمله از اولاد آن بزرگوار که از علماء و فقهاء و صلحاء میباشند
نیز در آن بقعه مبارکه مدفونند مقام گنجایش ذکر نیست **نهم** مرحوم خلد
مقام عالم کامل ثقة الاسلام آقای حاج شیخ حسنعلی است که قبر آنجناب در روضه
منوره در پشت سر مبارک واقع است و در سابق بیان اشاره شد

فصل

در احوال خواجه ربیع و خواجه ابو الصلت است که در خارج مشهد
مدفونند بدانکه خواجه ربیع قبرش در یک فرسخی مشهد واقع است در بقعه بزرگی
در میان باغی با نزاهت و صفا و او همان ربیع بن خثیم است که از تابعین و از اتباع
ابن مسعود صحابی است و یکی از هشت نفر زهاد معروفین و از آن چهار نفر ممدوح
ایشان است که عامر بن عبد قیس و هرم بن حیان و اویس قرنی باشند و این چهار نفر
از زهاد ثمانیه با امیر المؤمنین بودند بر خلاف چهار نفر دیگر که بر باطل بودند که
ابو مسلم خولانی و مسروق بن الاجدع و حسن بن ابی الحسن و اسود بن یزید باشند
و از کتاب مطالب السؤل ظاهر شود که خواجه ربیع عموی همام بن عبادة بن خثیم است
که یکی از متعبدین اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بوده و بالجمله جمعی خواجه ربیع را
مدح و ستایش نموده اند سید شهید قاضی نور الله در مجالس فرموده که قبر
شریفش در کنار و در خارج طوس نزدیک بمشهد مقدس واقع است و از ثقات
آن دیار شنیده شد که در وقتیکه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با مأمون
عباسی در طوس میبودند بزیارت خواجه ربیع توجه میفرمودند و گفته اند فضلا
و شرفا انتهی و شیخ بهائی نیز در جواب فقره شاه عباس ماضی در سؤال از حال
خواجه ربیع نوشته بعرض میرساند که خواجه ربیع علیه الرحمة از اصحاب امیر المؤمنین
علیه السلام است و جنابش مقرب آنحضرت بوده و در کشتن عثمان داخل نشد و در وقتیکه
با لشکر اسلام بخراسان بجهاد که آمده بود اینجا فوت شد و از آنحضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که فرمود ما را از آمدن بخراسان فائده دیگر نیست بغیر از
زیارت خواجه ربیع و شیخ ما ثقة الاسلام محدث جلیل جناب حاج میرزا حسین
نوری نور الله مرقده در باب پنجم نفس الرحمن فرموده که ربیع بن خثیم در زمان

در شرح حال ...

اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام
در سیره ... باد گفت
همراه بر که ... با آن حکم
رفابت شد که ...
سال تکلم نکرد ...
دنیا مگر آنکه ...
... خود گفت ...
...
...
بعد از آن ...
و خود را خطاب کرده ...
... کرده ...
...
...
چون ربیع وفات کرد ...
در ... بود ...
گفت که این ...
...
...
صاحب ...
بود ...
... بود ...
...
و ... خیال کرد ...
و ... بود ...
شیخ مرحوم فرموده با آن
مقام ... عبادت ...
در ... ضعیف بود ...
از کتاب ...
مراحم نقل کرده قصه ...
و ...
... امیر المؤمنین علیه
السلام ...
...

کرد

کرد که او را بیکی از بنی عدی بفرستد و ایشان چهار صد نفر بودند و او از اصحاب
ابن مسعود محسوب میشد و در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام برای او ترتیب لوائی داد و او را
به ری خلندی فرستاد انتهی و صاحب مجمع البحرین نیز در لغت ربیع این فقره را از نصر
بوسیله شرح نهج ابن ابی الحدید نقل کرده و قریب بهمین را صاحب روضة الصفا نقل
کرده الا آنکه گفته که حضرت امیر المؤمنین او را بقزوین فرستاد شاید بهمین جهت
باشد که عالم فاضل خبیر امیرزا عبد الله اصفهانی صاحب ریاض العلماء وحیاض
الفضلاء مدایح خواجه ربیع را محل نظر قرار داده ولکن با وجود اینها صاحب روضات
الجنات از تاریخ ابن اعثم کوفی مخالف اینجا از نصر بن مزاحم نقل شده نقل کرده فقال
وعن تاریخ ابن اعثم الکوفی انه کان اخو من اتصل بعلی علیه السلام من جملة ولاة امره
حین توجهه الی حرب صفین وکان بمنظر ویعده وورد فی اربعة الاف من عسکر
ارض الری مکملین مسلحین ومجهزین وبعده تحرکنا الموکب المبارک الرضوی الی حرب معویة
ونا هیک لمثلک درجة وفضلا ثم ان من جملة طرایف اخبار ابن الربیع ما رواه
صاحب الاخبار انه کان حفر فی داره قبرا فکان اذا وجد فی قلبه قساوة دخل قبره
اضطجع ومکث فیه ماشاء الله ثم یقول رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت
ثم یرد علی نفسه یا ربیع قد رجعناک فاعمل فنقل انه قبل الرحلة زالت انساب
احدا فقال لست عن نفسی راضیا فانفرغ لذم الناس ثم انشد

لنفسی ابکی لست ابکی لغیرها ... ففی عن نفسی عن الناس شاغل

ومن کلامه لو کانت الذنوب تفوح ما جلس احد الی جنب احد وقال ایضا اعجب
من قوم یعملون لدار یرحلون منها کل یوم مرحلة ویترکون العمل لدار یرحلون الیها کل
یوم مرحلة وکان یقول لا تغرنکم من شر ما اعطیتنا لم تبصرنا ما زوی عنا وفی العماد
عن مصر وکان ربیع بن خثیم یصنع قرطاسا بین یدیه ویکتب ما یتکلم ثم یحاسب نفسه
فی عشیته ماله وما علیه ثم یقول اوه نجی الصامتون وبقینا وفی کلزار قدس حکی انه
بینما الربیع بن خثیم جالس علی باب داره اذ جاءه حجر فصک وجهه فشجه فجعل یمسح الدم
عن جبهته وهو یقول لقد وعظت یا ربیع فقام ودخل داره فلم یخرج حتی اخرج
جنازته وفی کامل ابن الاثیر توفی الربیع بن خثیم الکوفی الزاهد سنة ثلث وستین

در شرح حال خواجه ابو الصلت

واما احوال خواجه ابو الصلت
پس بیان کرده همان ابو الصلت
مروی است که اسمش عبد السلام
بن صالح است و او یکی از دو
معروفترا از حضرت امام رضا
علیه السلام بلکه خادم آنجناب
و از خادمین اخبار آن حضرت
نقل کرده و او ثقه صحیح الحدیث
و شیعی مذهب و محب اهل بیت
الا آنکه با علمای عامه مخالطه
داشته و از این جهت است که
کلمات علما در حق او مختلف
شده و بعضی او را عامی گفته
ولکن کسی که رجوع کند بکتاب
عیون اخبار الرضا او را عالی
...
که از حضرت امام رضا علیه السلام
... نقل کرده که از جمله
اسناد احتجاج آنحضرت علی
بن محمد الجهم در عصمت انبیا
و سؤال ... از آنحضرت ...
... و غیر ذلک که اکثر جمله اخبار
در ... ذکر کرده ...
خواهد دانست شیعی بودن
او را و علمای عامه نیز تصریح
بر تشیع او کرده اند ...
...
کفته اند که خادم الرضا شیخ
...

مرقده او در عتبات عوالیات او را نقل کرده و جمله از کلمات علمای عامه را در توثیق
وتجلیل او ذکر کرده و از یحیی بن معین وغیره نقل کرده که در حق او گفته اند ثقة
مأمون و روی عن مستدرک الحاکم باسناده عن صالح بن محمد بن حبیب الحافظ یقول
وسئل عن ابی الصلت الهروی فقال دخل یحیی بن معین ونحن معه علی ابی الصلت
فسلم علیه فلما خرج تبعته فقلت له ما تقول رحمک الله فی ابی الصلت فقال هو صدوق
الخ وشیخ فقیه مرحوم حاج شیخ عبد الرحیم بروجردی رضوان الله علیه در
بعضی مجامیع خود کلام را در حق او بسط داده و بالجمله از اتباع او است کتاب وفات
الرضا علیه السلام و قبر شریف ... او در ... یکی در خارج شهر مشهد
مقدس در جنوب طرق بفاصله ربع فرسخ دیگر در سمنان سیم در قم نزدیک دروازه
ری ... از این نقطه ... بنام او مشهور است و بقعه که در نزدیک
مشهد واقع است صحن و بارگاه دارد و قریب بهم قبر شیخ و قبر خواجه مراد است
که مردم برای زیارت او ... می برند و گوسفند نذر می برند و مراد می طلبند و در
مطلع الشمس است که سلسله نوربخش طایفه ... و اعتماد الدوله صدر اعظم
میرزا آقاخان که غالب ایشان در مناصب جلیله و مشاغل
عظیمه دیوان محترم بودند از نژاد خواجه
ابو الصلت میباشند

تمام شد

اینجز
مقصود ما بود در این
مختصر با کمال عجله و اغتشاش حواس
در غره شهر رمضان المبارک سنه یکهزار
و سیصد و شش در جوار روضه رضویه لازالت
مهبطا للفیوضات السبحانیه والتجلیات
الربانیه حامدا مصلیا

کتبه عباس القمی عفی عنه

ناانست که بعنوان تکلیف ایشان
...
خدای تعالی ...
[illegible]

تمت